





دانشگاه شاهرود  
(۵۰۳)

فرهنگ اصطلاحات در

# بسکتبال

Glossary in  
Basketball

متو جسم: جعفر سایه آفتابی



## مقدمه

جیمز نیسمیت، ۱۳ قانون مشهور خود را پیرامون بازی بسکتبال در دسامبر ۱۸۹۱ با استفاده از ۴ لغت و اصطلاح مربوط به ویژگی‌های این بازی نوشت. یک سال بعد دو جلد کتابچه بمعنوان شرحی بر آن ۱۳ قانون منتشر کرد که در آن ۷۵ لغت جدید اضافه شده بود. با توجه به این موضوع که تا سال ۱۹۲۱ دو لغت، سبد و توپ به صورت جدا از هم به کار می‌رفتند، لغت بسکتبال لغت جدیدی نمی‌باشد. طی صد سال، تکامل و پیشرفت بازی بسکتبال میان مردم، تعداد لغات، اصطلاحات و عبارات مربوط به تکنیک‌ها، تاکتیک‌ها، قواعد امتیازدهی، حرکات، جابجایی‌ها، وضعیت‌ها یا موقعیت‌ها، فریب‌ها یا گول زدن‌ها و مهارت‌های این بازی هستند. بسکتبال در سطح ۲۰۰ کشور مختلف جهان در تمامی قاره‌ها بازی می‌شود. این بازی به یک پدیده‌ی بین‌المللی و دارای دایره‌المعارف ملی تبدیل شده است، که تعداد این دایره‌المعارف‌ها به اندازه تعداد کشورهای است که این بازی در آنها انجام می‌شود. لغت‌نامه مربوط به آمریکا امروزه دارای هزاران مدخل می‌باشد و حال آنکه یک قرن پیش جیمز تنها از ۴۰ لغت برای تشریح این بازی استفاده می‌کرد. آقای دیواندرسون، مقاله‌نویس روزنامه نیویورک تایمز، در مقدمه‌ای که به کتاب "چگونه بسکتبال را صحبت کنیم" نوشته گلداپدو آرتور، یا دآور شده است که حدود یک قرن پس از آن که آقای جیمز نیسمیت دو حلقه‌ی زیبا در دو طرف سالن ورزشی YMCA قرار داد یعنی کسی که بسکتبال را اختراع کرده بود این زبان را برای آن اختراع نکرد. در آن زمان برای فهم صحبت‌های گوینده‌ی رادیویی و تلویزیونی، نیاز به یک مفسر بود. طی این سال‌ها این ورزش در حیات مدرسه‌ها، زمین‌های بازی، ورزشگاه‌ها و استادیوم‌ها تکامل یافت.

زبان بسکتبال، مانند هر زبان دیگری وسیله‌ای شد تا اعضای گروه‌ها و تیم‌های بسکتبالی بهتر همدیگر را درک کنند، ولی حتی در خود آمریکا نیز، این زبان از لحاظ لغت‌شناسی میان مریبان مختلف متفاوت است. آشنایی با قواعد لغوی این زبان، لازمه پیشرفت و توسعه استاندارد‌های اقتباس شده از آمریکا می‌باشد. تشریح آن قواعد لغت‌شناسی، به زبان صریح انگلیسی، اولین گام در فهم درست آن می‌باشد. ترجمه این تشریحات به دیگر زبان‌ها گام بعدی است که باید بر اساس نیازهای محلی باشد. بخش قابل توجهی از لغت‌نامه بسکتبال آمریکایی، شامل لغات، اصطلاحات و عبارات عامیانه می‌باشد.

آقای استوارت برگ در لغت‌نامه عبارتهای آمریکایی نوشت: «در لغات آمریکایی، که بیشتر آنها را می‌دانیم

ولی استفاده نمی‌کنیم، شامل ۱۰ تا ۲۰ هزار لغت می‌باشد، که من حدس می‌زنم حدود دو هزار لغت آن عامیانه باشند. عبارتهای عامیانه‌ای که ۱۰ درصد لغات آمریکایی را تشکیل می‌دهد».

سیمون پاتر تشریح کرد که علت استفاده از عبارتهای عامیانه را به سختی قابل تحلیل می‌باشد اما به طور کلی علت‌های آن را می‌توان به سه دسته کلی تقسیم‌بندی نمود: تازگی، شادابی و آشنایی عبارتهای عامیانه، روش جدیدی در نگاه کردن به مسأله، به وجود می‌آورد. عبارتهای عامیانه روح تازه‌ای به مفاهیم کهنه و منسوخ داده و درجه سرزندگی و شادابی مضامین را افزایش می‌دهد. این عبارتها، رنگ تازه‌ای به هر زبان می‌بخشد. موجز بودن این عبارات، میزان ارتباط میان افراد یک جامعه را توسعه داده و درعین حال در جوامع خارجی که دارای علاقمند مشترک می‌باشند، نیز تاثیر می‌گذارد و به همین دلایل است که عبارتهای بسکتبال مورد توجه هواداران و بازیکنان این رشته قرار گرفته و حتی در برخی موارد به زبان عمومی نیز نفوذ کرده است.

پیشرفت بسکتبال به خاطر جذابیت‌هایی که این ورزش دارد، استفاده از این عبارتهای عامیانه را متداول کرد. این عبارتها را امروزه ما در گزارش بازی های NBA، در بازی کودکانی بچه‌ها و در صحبت‌های مریبان غیر آمریکایی نیز می‌شنویم. حتی اگر تعداد کمی از این لغات استفاده شوند، رنگ و بوی تازه‌ای به صحبت‌های محلی پیرامون بسکتبال می‌دهند. اما چه مدت این عبارات و اصطلاحات عامیانه جذاب خواهند بود؟ اگر این عبارتها بر محبوبیت بسکتبال می‌افزاید، آیا اجازه دهیم این کار را انجام دهد یا خیر؟ در هر صورت این نباید مانع یادگیری استانداردهای بسکتبال آمریکایی شود.

این لغت‌نامه برای کسانی که هنوز به جذابیت‌های عبارتهای عامیانه علاقمندند، گردآوری نشده است بلکه برای کسانی است که هنوز به جاذبه‌های بسکتبال علاقه داشته و مایل به یادگیری بسکتبال آمریکایی به‌طور دقیق و به دنبال مطالعه دقیق این بازی‌ها هستند، می‌باشد.

آقای سیمون پاتر برای خوانندگان خود نوشت که: «در عبارتهای عامیانه خوب و بد وجود دارد».

عبارت خوب در آنها همی است که تیر را به هدف می‌زنند، و عبارتهای بد در آنها همی است که ناموفقند. عبارتهای بسکتبال آمریکایی از غرب به شرق متفاوتند.

همچنین آقای آل ام سی گیر، مربی قبلی دانشگاه مارکوئت، یکی از تغذیه‌کنندگان موفق این عبارات بوده که عبارت " East Cupcake " گروه کیک شرقی را به‌عنوان یک ضرب‌المثل برای تیمی که به راحتی شکست

می خورد، به کار برد و هم چنین عبارات "a suburban jump shot" پرتاب جهشی ، "aircraft carrier" هواپیمای بد و "hatchet man" آدم مزدور را نیز به دنیای بسکتبال معرفی نمود.

کسانی دیگر در جایی دیگر، عبارت "multidimensional player" بازیکن چندبعدی را اختراع کردند، و به معنی بازیکنی که در چندین جای مختلف بازی می کند و یا دارای مهارت های مختلف است، نمی باشند، بلکه تنها به معنی بازیکنی است که از جهات مختلف زمین می تواند امتیاز بگیرد . مضاد آن "one-dimensional player" بازیکن یک بعدی می باشد که تنها از یک نقطه زمین می تواند امتیاز بگیرد و به "spot-shooter" نیز موسوم است.

برخی مریبان به جای کاربرد صحیح از کلمه peripheral از کلمه peripheric استفاده می کنند که بهطور معمول رایج نیست و بنابراین می توان لغاتی مانند peripheric vision و peripheric shooter را داشت. همچنین می توان به نوآوری هایی همچون "pivotability" به معنی توانایی چرخش در جا نیز اشاره کرد و به عباراتی نظیر outcoach، outplay، overfaking، overadjust و... که به مقتضای شرایط و موقعیت های مختلف بوجود آمده اند، اشاره کرد . در کنار چنین ترکیبات لغوی جدیدی ما با عبارات فعلی روبرو می شویم که از آن جمله می توان به shot has come to a player، put the ball to the floor ) کسی که توانایی بالایی در دربیل داشته باشد یقیناً شرایط شوت و نفوذ را بوجود خواهد آورد ( و ... اشاره داشت.

چنین نوآوری در عرصه زبان شناسی، به طور معمول با اشتباهات لغوی و گرامری همراه است مانند:

“ two – foot jump stop ”، “ two-man option ” و “ five man fast break ”.

بناید از اشتباهات افراد تحصیل کرده و مریبانی که حداقل یک درجه دانشگاهی دارند تعجب ک کرد و چرا باید چنین افرادی از لغت one-hand به جای one-handed استفاده کنند. هنگامی که از دوستان آمریکایی در مورد چنین اشتباهاتی سؤال کردیم، اظهار می داشتند که خوب one-hand کوتاهتر از one handed است چرا که دارای دو بخش می باشد. همین موضوع در مورد شکل جمع لغات صحیح می باشد. عبارت two-hand صحیح نیست اما گفتن آن نسبت به two-hands راحت تر است، درست مانند two-arm ، two-ball و dribble ....

همین طور می دانیم که هنگامی که یک مربی می گوید two-foot، همه متوجه می شوند که منظور او two-feet است. این موضوع در مورد نوشتن، صحبت کردن و فکر کردن نیز درست می باشد. این خلاصه سازی موقعی جالب می شود که به جای jump shot از jumper و حتی "ج" استفاده شود.

در سال های اولیه پیدایش بسکتبال، این بازی فقط در سالن های YMCA و دانشکده ها انجام نمی شد. اولین لیگ حرفه ای بسکتبال متشکل از ۶ تیم در سال ۱۸۹۸ برگزار شد. آن زمان افراد می خواستند که تعداد زیادی تماشاچی از بازی دیدن کنند، بنابراین اطراف زمین مسابقه را توسط یک تور سیمی محصور کردند تا مانع خارج شدن توپ از زمین بازی شود، این تور سیمی بلافاصله به نام "cage" لقب گرفت. کلمه cage در سال ۱۹۲۹ حذف شد، اما در همین ۳۰ سال بازیکنان بسکتبال به cager مشهور شدند، همین طور مربی را cage director، پیروزی در مسابقه را cage win و امتیازدهی مسابقه را caging casaba نامیدند. Casaba نوعی هندوانه است که در گذشته به عنوان یک عبارت محلی به جای توپ به کار می رفت و از آن پس تیم بسکتبال را casaba crew و یا casaba quintet، بازیکنان بسکتبال را casaba-tosser، سالن بسکتبال را casaba pavilion نامیدند.

شواهدی وجود دارد که در آن زمان مجالس رقصی در کنار بازی بسکتبال در همان سالن برگزار می شد. پس از آن زمانی که حلقه (سبد هلو) این بازی با حلقه استوانه ای جایگزین شد، این حلقه به hoop مشهور شد. این حلقه از یک فلز مرتعش سنگین توسط لیوآلین از ایالت هارتفورد ساخته شد. در سال های بعد، این حلقه از آهن و طناب بافته شده توسط شرکت نارانگست ایالت نورتمپتون ساخته شدند که امروزه بازیکنان بسکتبال به hoop man و یا hoopster، دفاع در بازی به hoop sential، مربی pilot hoop، بازی بد hoop met و سبد به hoop یا hooper مشهورند.

پس از مطالعه در مهارت ها و فریب ها، زیر ساخت های بسکتبال "نوشته باری دی. کپینز، آقای کپینز تنها یک بار از لغت basket استفاده شده است و تمام ترکیبات فوق برای این عبارت نیز صادق است. این چند مثال مختصر نشان می دهد که چگونه لیگ بسکتبال آمریکا راه ترقی خود را پیموده و افزایش تعداد لغات تخصصی این بازی نشان دهنده پیشرفت آن می باشد.

با وجود آمدن تکنیک ها و تاکتیک های جدید، نام های جدید نیز برای آنها لازم می شد. لغت نامه جدید،

وسیله‌ای خوب برای پیشرفت این بازی می‌باشد.

گاهی لغات مختلف به طور هم‌زمان برای یک پدیده‌ی واحد بوجود می‌آیند. توجه به این نکته نیز لازم است که در برخی موارد پدیده‌های متفاوت نام‌های متعددی به خود می‌گیرند ولی در اصل ماهیت همه آنها یکسان است. به همین منوال در مسیر پیشرفت بسکتبال، مربیان مختلف جدا از هم به تلاش پرداختند ولی هدف همه آنها یکی بوده است. هرچند این عبارت‌های مختلف به‌طور کامل قابل تشخیص می‌باشند، مانند pick up dribble و kill the dribble که برای حرکت بازیکن در حالی که توپ را به‌زمین می‌زند، به‌کار می‌روند. به همین ترتیب، عبارات complete player و یا all-rounder برای بازیکنی که در تمام جهات می‌تواند بازی کند.

در این راستا به موارد قابل توجه زیر می‌توان اشاره کرد؛ ۱۶ عبارت برای "توپ"، ۱۱ عبارت "حلقه"، ۲۰ عبارت برای بسکتبال و ۶۱ عبارت برای امتیازگیری. در اینجا شما هم چنین می‌توانید چندین مورد در وضعیت‌های مختلف را با یک نام واحد ببینید. استفاده از یک عبارت عامیانه می‌تواند طولانی مدت و یا کوتاه مدت باشد. به‌طور اساسی برخی از آنها فقط برای یک یا چند فصل به وجود می‌آیند و حال آنکه برخی برای مدت طولانی مورد استفاده قرار می‌گیرند. من در اینجا آنها را نیز بیان کرده‌ام، چرا که ممکن است در خارج از آمریکا، هنوز در مواردی کاربرد داشته باشد.

شاید شما مشاهده کنید که یک عبارت از ورزش‌های دیگر قرض گرفته شده و هم چنین ملاحظه کنید ورزشکاران، نقاشان و روزنامه‌نگاران نیز ممکن است لغات و عباراتی را به صورت جدید به وجود آورده باشند.

بسکتبال نه تنها در ورزش، بلکه در تمام اجزای زبان تأثیرگذار است. مدخل‌های انتخاب شده در این لغات که بالغ به ۱۰۰۰۰ مورد می‌باشند مورد مطالعه دانشجویان غیرآمریکایی نیز قرار می‌گیرد.

"مارین کازلوسکی"

## " نکات توضیحی "

۱- لغات، اصطلاحات و عبارات این فرهنگ لغت از کتاب‌ها، مقالات و سخنرانی‌های راجع به بسکتبال در آمریکا انتخاب شده‌اند، مجموعه‌ای از مرجع‌ها راه را برای فهم دقیق و درست پیشینه لغات باز نموده است. تنها در مواردی که بررسی دقیق و جزء به جزء لغات نیازمند بحث‌های مفصل و گسترده می‌باشد از بیان اصول استاندارد انگلیسی روان صرف نظر شده یا در مواردی که معنی لغت به‌طور کامل روشن و بدیهی است. منبع بسیاری از مدخل‌ها در زندگی‌نامه‌های انتخاب شده فهرست شده‌اند، این منابع در بسیاری موارد دید خواننده را نسبت به شرایط و فرهنگ حاکم در زمان استفاده از لغت باز می‌کند.

۲- تمام مدخل‌ها بر اساس ترتیب الفباء مرتب شده‌اند. یک اندیکس مناسب در حل مقتضی برای توضیح بیشتر پیش بینی شده است. بنابراین ما یک فهرست از جمله‌ها، دفاع‌ها، خطاها، مهارت‌ها، فریب‌ها، بازی‌ها، حرکت‌ها و پاس‌های مختلف خواهیم داشت. در این لغت‌نامه، ما هم‌چنین یک فهرست مجزاء از عبارات و لغات بر اساس، سبب بسکتبال، بسکتبالیست، تیم و امتیازدهی داریم، تمام این موارد به‌سادگی قابل دسترس هستند، تمامی آنها در پایان این فرهنگ و در محل مناسب طراحی شده‌اند. هدف این است که این ضمیمه‌ها، مفاهیم آموزش را به دانش لغوی کسانی که به این ورزش علاقه‌مند هستند، بیاموزد. این فهرست موضوعی به علاقه‌مندان اجازه می‌دهد که نه تنها تعداد عبارات و اصطلاحات، بلکه معنی مقتضی آنها را نیز بررسی کنند. از طریق این فهرست‌ها خواننده با مهارت‌ها و حرکات خاص این ورزش بیشتر آشنا می‌شود.

در برخی از موارد مدخل‌ها در فهرست موضوعی کوتاه شده و به فهرست کلی ارجاع داده می‌شوند مانند:

( s. snap - back pass )

۳- خواننده معنی لغت را تنها در ارتباط با بازی نمی‌یابد. تحقیقات انجام شده در زمینه لغت به خواننده این امکان را می‌دهد تا زمینه‌های تاریخی لغت را نیز مورد بررسی قرار دهد.

۴- در مواردی که علت برطرف کردن ابهام کلمه، تشریح مفاهیم مختلف بسکتبال ضروری به نظر می‌رسد. این توضیحات شامل مجموعه‌ای از تلاش‌ها، موقعیت‌ها، شرایط و حرکات می‌باشد. بسیاری از لغات دارای معانی وسیع‌تر از آنچه اینجا بیان شده است، می‌باشند. اما برای ما آن معنی مرتبط با بسکتبال حاکی اهمیت



بیشتری می‌باشد. نوشتن معنی مرتبط به بسکتبال به صورت ایتالیک (کج) به خواننده این امکان را می‌دهد تا سریع‌تر معنی مورد نظر خود را بیابد.

۵- در برخی موارد خاص تفاوت املاهی لغت به دو زبان آمریکایی و انگلیسی بیان شده است. به‌عنوان مثال: آمریکایی لغت defense - انگلیسی لغت defence و یا آمریکایی لغت offense - انگلیسی لغت offence یا آمریکایی لغت sideliners - انگلیسی لغت side line یا آمریکایی لغت centere - انگلیسی لغت center. این تفاوت‌ها در کل لغت‌نامه فقط یک‌بار نشان داده شده‌اند.

۶- فهرست عمومی شامل همه لغات، عبارات و اصطلاحات نمی‌شود. ولی در کل، تلاش شده است که حداکثر لغات و اصطلاحات ممکن آورده شود. مریبان مختلف نه تنها از عبارات مختلف استفاده می‌کنند بلکه دارای شیوه‌های خاص خود در چینش بازیکنان و شیوه‌های بازی هستند، کل عقاید و افکار ممکن است بعضی وقت‌ها متفاوت باشد، اما مفهوم کلی در همه آنها یکسان است.

۷- در انتخاب کلمه‌های این فرهنگ لغت، من بیشتر به نظرات و گفته‌های مریبان آمریکایی توجه کرده‌ام. آنها فلسفه مریگری و هدایت تیم را در این گفته‌ها و عبارات منعکس کرده‌اند و معتقدم این افکار حداقل برای مقایسه دیدگاه‌های مختلف خوب می‌باشد.

M.K

بسکتبال از جمله رشته های ورزشی است که قدمت و سابقه چندانی نسبت به دیگر ورزش ها بر خوردار نیست، اما بدلیل جذابیت های خاصی که دارد، علاقه مندان بی شماری را به خود جلب نموده است تا جایی که روز به روز، دایره دوستداران این ورزش شاد و پرنشاط گسترده تر می گردد . امروزه بسکتبال به عنوان یک رشته ورزشی فراگیر، در فرهنگ ملل گوناگون از جایگاه شاخصی برخوردار است. همچنین توجه روزافزون جامعه دانشگاهی به این رشته ورزشی، سبب شده است تا به عنوان " ورزش دانشگاهی " شناخته شود.

همین استقبال گسترده از بسکتبال، به خصوص در محافل و جوامع دانشگاهی ضروری می نماید تا موضوع آموزش کلاسیک، اصولی و هدفمندان به عنوان یک فن و مهارت خاص مورد توجه و عنایت ویژه قرار گیرد و از آنجا که پایه و اساس آموزش صحیح و روشمند هر فن و مهارتی نیز آشنایی با مفاهیم، اصطلاحات و واژگان خاص آن می باشد و این امر مبنا و بستر مناسبی برای آموزش های بعدی در حوزه مربوط به وجود می آورد، لذا ضروری است تا علاقه مندان این ورزش بر طرفدار به منبعی موثق برای این منظور دسترسی داشته باشند در راستای محقق ساختن اهداف فوق، نگارنده با رعایت به خلأیی که در این زمینه مشاهده می کرد، بر آن شد تا ترجمه ای مناسب از فرهنگ لغات و اصطلاحات بسکتبال ( نوشته مارین کوزولوسکی ) را فراهم نماید و به علاقمندان بسکتبال عرضه نماید . آنچه اکنون با عنوان " فرهنگ اصطلاحات در بسکتبال " پیش رو دارید، حاصل چهار سال تلاش مداوم و مستمر است که پیشکش حضور خوانندگان ارجمند می گردد. بدیهی است کتاب حاضر که نخستین فرهنگ فارسی تخصصی در زمینه ورزش بسکتبال به شمار می رود، دارای نقص ها و کاستی های فراوان است که پیشاپیش از این بابت پوزش طلبیده، از خوانندگان عزیز به ویژه اهل فن و فرهیختگان دانشگاهی تمنا دارد با امعان نظر و دقتی که نسبت به مطالب کتاب مبذول می دارند، نظریات و پیشنهاد های خود را همراه با تذکر نکاتی که لازم می دانند به آدرس الکترونیکی [saftabi@yahoo.com](mailto:saftabi@yahoo.com) ارسال فرمایند تا موارد لازم در چاپ های بعدی مورد توجه قرار گیرد.

در خاتمه به حکم انجام وظیفه بر خود فرض می دانم برای استاد عزیز، زنده یاد حسین پرتو، پیشکش بسکتبال کشور و معلم اخلاق که رونق و بالندگی این ورزش در کاشان، مرهون تلاش های ارزنده اوست و بنده نیز سخت وامدار ایشان هستم، یادی نموده برای روح بلند آن مرحوم آرزوی علو درجات می نمایم همچنین از تشویق ها و دلگرمی های همسر و خانواده ام و بزرگوارانی که مرا در عزم خود مصمم تر ساختند، به ویژه استاد ارجمند آقای رضا مهندسی و آقای مهران شاهین طبع، صمیمانه سپاسگزاری نمایم.

جعفر سایه آفتابی

زمستان ۱۳۸۸

A	A
Abandon	واگذار کردن، عقب کشیدن، موقعیت را ترک کردن
Abdomen	شکم
Abdominal muscle	ماهیچه شکم
Ability	توانایی، استعداد، قابلیت، قدرت، استطاعت، کارایی
Ability	استعداد یا توانایی تغییر پذیری، سازگاری، توان تغییر دادن مسیر در شرایط مناسب، حرکات فردی صحیح مطابق با تغییرات حریف حمله یا دفاع
Ball- banding ability	مهارت در کنترل توپ، قدرت کار کردن با توپ
Individual defensive abilities	مهارت‌های فردی در بازی دفاعی (دفاع از حریف و سبد)
Individual offensive abilities	مهارت‌های فردی در بازی حمله
Interchange ability	مهارت در تغییر دادن موقعیت، استعداد یا توانایی بازی کردن در شرایط مختلف
Jumping ability	مهارت در پرش یا پریدن
Natural ability	استعداد ذاتی یا توانایی طبیعی فرد
Shooting ability	مهارت در شوت
Teaching ability	توانایی آموزش دادن، مربیگری کردن
Team defensive abilities	مهارت‌های کار تیمی در دفاع و بازی حفاظتی
Team offensive abilities	مهارت‌های کار تیمی در حمله به حریفان و حلقه آنها
able	توانایی، مهارت، استعداد، ماهر بودن
Able to do it all (coll)	توانایی کامل برای اجرای اکثر حرکات و مهارت‌ها در بسکتبال
Above	۱- بالای، در نقطه بالاتری از ۲- در موقعیت بالا (نه نزدیک به سبد)
Abreast of ( or with )	مربوط با، هماهنگ با تغییرات
Absent treatment (sl.)	حضور ضعیف در بازی
Abusive	بد زبان، بد دهن، تند، خشونت‌آمیز
Abusive conduct	رفتار نابهنجار، نامناسب
Accelerate	شتاب گرفتن، بالا بردن سرعت، بالا بردن توانایی
Accept	۱- موافقت کردن ۲- پذیرفتن، قبول داشتن
Accident	۱- تصادف ۲- فرصت، مقداری شانس، تصادفی، اتفاقی
Accidental	غیر قابل انتظار، تصادفی، شانسی
Accidentally-on-purpose (sl.)	۱- حرکت اتفاقی مطلوب ۲- موزیانه، محیلانه ۳- از روی بدخواهی
Acclimate (Am.) = Acclimatize (Eng)	به آب و هوای جدید خو کردن
Accomplish	انجام دادن، به پایان رساندن، به اتمام رساندن، تمام کردن
Accomplishment	اجرا، پیشرفت، دستاورد
(In) accordance	مطابق، منطبق با، موافق با
According to cocker ( also: - to gunter, - to hoyle ) (sl.)	مطابق با قانون، مقررات

Account	حساب، شرح، مسئول بودن
Accountable	۱- مسئول ۲- (coll.) مشغول دفاع از حریف ۳- کسی که مشغول دفاع کردن از حریف باشد
Accumulate.	انباشتن، اندوختن، روی هم نهادن
Accuracy	دقت، درستی، صحت
Accuracy passing	تمرین جهت افزایش دقت در پاس به هم تیمی
Accurate	دقیق، درست، صحیح
Accurate shooter	بازیکنی شوتیست که شوت او به هدر نمی‌رود
Accurate shooting range	فاصله‌ای که بازیکن قادر باشد تا توپ را بمطرف حلقه پرتاب نماید
Ace (sl.)	۱- کارشناس ۲- بازیکن خوب ۳- بازیکن مجرب و برتر
Ace in the hole (sl.)	۱- ذخیره م‌وثر، بازیکن ذخیره ۲- حرکت غیر منتظره ای که امتیازی را دربرداشته باشد
Ace high (sl.)	درجه‌ی یک، عالی
Achilles tendon (med.)	مفصلی (زرد پی) که ماهیچه نرمه ساق پا را به استخوان پاشنه (آشیل) وصل می‌کند
Acknowledge the corn (sl.)	اعتراف کردن به خطا
Acquaint	مطلع ساختن، آگاه کردن، آشنا ساختن، آموختن، یاد دادن
Acquire	به‌دست آوردن، پیدا کردن، حاصل کردن، کسب کردن، فرا گرفتن
Across	از این سو به آن سو، سر تا سر، از میان، از وسط، از عرض، از روی، در عرض، از پهنا
Across the court	از یک طرف زمین بازی بمطرف دیگر، در طرف دیگر زمین بازی
Across the key drive (sl.)	نفوذ پر قدرت از یک طرف منطقه کلید بمطرف دیگر
Act	عمل کردن، اقدام کردن، بازی کردن، عمل
Action	عمل، کار، حرکت، مانور
Arm action	کار یا حرکت دست‌ها یا بازوان به‌ویژه در حالت دفاعی
Evasive action	گریز
Knifing action (sl.)	حرکت نفوذ، حرکت برش
Periphery of the action	خارج از حیطه بازی
Prompt action	حرکت فوری، سریع
Punitive action	پنالتی
Pushing action	حمله، فشار، تنه، هل
Reverse action	حرکت انعکاسی (بازی تکرار شده در سمت مقابل مانند اینکه در آینه ای منعکس شده باشد)
Sliding action	چرخش با تغییر جهت پای عقبی (حرکت سر خوردن بجلو)
Sweeping action	حرکت مارپیچ
Take action	اقدام کردن، دست به کار شدن، شروع حرکت
Trigger an action (coll.)	شروع کردن مانور، شروع کردن بازی، شروع کردن یک حرکت در خلال

	مسابقه
Uncoiling action	مرحله دوم پرتاب توپ با دو دست از جلو سینه: بالا گرفتن دست ها جهت پرتاب توپ (در مرحله اول دست ها کمی برای بهتر پرتاب کردن پائین قرار می گیرد).
Wrist and finger action	حرکت خاص میچ و انگشت ها جهت به چرخش در آوردن توپ در هنگام رها کردن آن
Actionful (sl.)	فعال، پرتحرک
Active hands	دست یا بازوان فعال و پرتحرک
Act of shooting	شوت، پرتاب بمطرف حلقه
Act up to	مقایسه کردن با، تطبیق کرد، سنجیدن با یکدیگر
Actual	واقعی، حقیقی، درست
Actual height	قد واقعی بازیکن که با بالا گرفتن دست ها اندازه گیری می شود
Actual playing time	زمان واقعی بازی (بدون در نظر گرفتن زمان متوقف شده بازی مطابق قوانین)
Adapt	وفق دادن، منطبق کردن، تنظیم کردن، سازگار کردن، میزان کردن
Adaptability	تغییر پذیری، مهارت یا توانایی سازگار کردن در شرایط جدید، حاصل کردن سازگاری
Adaptation	سازگاری، سازش، تطبیق، انطباق، تنظیم
Add front zone (coll.)	آرایش دفاع منطقه ای با یک بازیکن در خط اول
Addict	۱- علاقه مند، شیفته ۲- حامی وفادار
Additional	اضافی، افزوده، مکمل
Additional foul	خطای توأم با کسب امتیاز که جریمه آن یک پرتاب آزاد خواهد بود
Adept	ماهر، زبردست، کارشناس
Adequate	کافی، مناسب، رضایت بخش، در خور، شایسته
Adequate post	بازیکن ساتر مناسب، شایسته
Adhere	اطاعت کردن از قوانین بازی، پایبند بودن به قوانین بازی
Adherence	اطاعت مقررات، تبعیت، چسبندگی
(eq.) Adhesive tape	نوار چسب مخصوص روی زخم
Adjacent	بسیار نزدیک (به هم)، همجوار، مجاور، همسایه، نزدیک
Adjust	۱- میزان نمودن، سازگار کردن ۲- شکل دادن ۳- تغییر موقعیت مطابق با نیازهای بازی ۴- تغییر بازی مطابق با پیشرفت آن ۵- جور کردن، وفق دادن (تنظیم کردن بارها به گونه ای که بهترین نتیجه از آن حاصل شود)
Adjustable	قابل تطبیق، قابل تنظیم، قابل تعدیل
Adjustment	۱- اصلاح، سازگاری ۲- تغییر موقعیت بازیکن بر اساس شرایط در زمین بازی ۳- آرایش بازیکنان در زمین بازی
Adjustment in technique	اصلاح یا بهبود اصول بازی
Administer	اداره کردن، توزیع کردن

A-double -1 (sl.)	عالی
Advance	پیش بردن، راه بردن، جلو رفتن
Advance step	یک گام به جلو
Advance the ball	به چرخش در آوردن توپ، پیش بردن توپ (با دریبل یا پاس)
Advantage	بهره، سود، مزیت، برتری، مسلط، چیرگی
Advantageous	مطلوب، مفید، سودمند، پرسود، سودآور، مساعد، بپز
Advantageous position	موقعیت مطلوب، مناسب، مساعد
Advantage situation (coll.)	شرایطی که حمله از جهت تعداد نفرات بر دفاع برتری داشته باشد (برای مثال در ضد حمله)
Adversary	حریف، رقیب
Adverse	مغایر، ناساگار، روبه‌رو
Adversity	بدبختی، بد بیاری، سختی، مشقت
Advertise (sl.)	فخر فروشی کردن، تفاخر کردن، رجز خواندن
Advice	مشورت، مشاوره، راهنمایی
Advocate	طرفدار، هوادار، پیرو، حامی
Aerial (sl.)	پرتاب هوایی
Aerobic drill	ایروبیک، تمرین هوازی، تمرین افزایش استقامت جهت تمرین‌های بدنی (یا جهت تقویت قلب و شش‌ها)
Affray (sl.)	مسابقه، رقابت، مبارزه
After fake (coll)	اجرای هر حرکتی بعد از حرکت گول
Against time (coll.)	۱- تایم‌گیری (زمان‌گیری) ۲- رکوردگیری
Aggies (sl.)	نام تیم بسکتبال دانشگاه تگزاس ای وام در دانشکده استیشن که در کنفرانس جنوب غربی بازی می‌کنند
Aggravated(also: Aggravated) (sl.)	دلخور کردن، عصبانی کردن
Aggregation (sl.)	گروه، تیم (توده)
Aggressive	حرکت فعال حمله یا دفاع، دفاع یا حمله در گیرانه
Aggressive ball denial	حرکت دفاع در گیرانه به منظور ممانعت از دست‌یابی حریف به توپ
Aggressive defense	دفاع در گیرانه از حلقه
Aggressive drive-in	نفوذ قوی به سمت حلقه
Aggressive fake	۱- گول در گیرانه ۲- اجرای گول در حالت سخت
Aggressive man-to-man defense	دفاع یارگیری در گیرانه از بازیکن مالک توپ به منظور دور نگه داشتن او از حلقه و ایجاد دبل تیم روی این بازیکن
Aggressiveness	دفاع و حمله در گیرانه
Aggressive offense	حمله در گیرانه و قوی
Aggressive on the ball (coll)	دفاع در گیرانه و قوی از بازیکن مالک توپ به منظور دور نگه داشتن از حلقه و ایجاد دبل تیم
coverage (coll) Aggressive perimeter	دفاع در گیرانه در برابر حریفان در موقعیت‌های بیرونی

Aggressive play	بازی تهاجمی، بازی درگیرانه
Aggressive pressure( press, pressing)	حمله درگیرانه و محکم بر ضد حریفانی که از دفاع بسته و تحت فشار سود می جویند
Agile	چالاک، ماهر، زیرک، زیر دست
Agility	چالاک، زیرکی، چابکی، سرعت انتقال
Agony wagon (sl.)	آمبولانس
Agree	موافق بودن، هم نظر بودن، هم رأی بودن، رضایت داشتن
Agreement	منطبق با، مطابق با
Ahead	پیش، جلو، در پیش، پیشاپیش، جلوتر
Ahead of the game (sl.)	موفق، برتر، کامیاب
Aid	۱- کمک، کمک کردن ۲- (sl.) عضو تیم
Aids	ابزار کمکی تمرین، تجهیزات تمرین
Aim	۱- چشم انداز، در نظر داشتن ۲- هدف
Aim at basket (coll)	حلقه را هدف گرفتن، نشانه گرفتن حلقه
Air bags(also: -pipes;-system) (sl.)	شش ها
Air ball	شوتی که به هدف نرسد، شوتی که به حلقه و تخته نرسد
Airborne (sl.)	مکث کردن در هوا هنگام پریدن
Airborne player (sl.)	مکث بازیکن در هوا در حین پریدن
(sl.) Aircraft carrier	بازیکن میانی بلندقد که در محدوده زیرحلقه بسیار عالی عمل می کند و چندین بار متوالی به هوا می پرد (مانند هواپیمایی که از روی ناو هواپیمابری یکی بعد از دیگری به پرواز درمی آیند)
Air lift drill	حالت ایستادنی در بسکتبال است، به گونه ای که روی پنجه ی پا ایستاده، دست های کشیده خود را از دو طرف بالا برده، بعد به حالت اول برگشته و این عمل را دوباره تکرار کنیم.
(sl.) Air pass	پاس بلند
Air pressure	فشار هوا (در توپ)
Airway (sl.)	نای، لوله هوا
Alert	مراقب، آگاه، هوشیار
Alertness	آگاهی، هوشیاری، مراقبت
Alert to two-time (sl.)	هوشیار در برابر دبل تیم حریف
Alight	فرود آمدن بعد از پریدن
Align	بازیکنان در زمین بازی (آرایش دادن، مرتب کردن، چیدن، قرار دادن)
Alignment	آرایش بازیکنان در زمین بازی
Defensive alignment	چیدمان لینیکنان در دفاع
Even alignment	چیدمان تعداد زوج بازیکنان (معمولاً دو نفر)
Even front alignment	خط اول دفاع منطقه ای که شامل تعداد زوج بازیکنان می باشد (به طور معمول دو نفر)

Free throw alignment	چیدمان بازیکنان در موقعیت پرتاب آزاد
Jump ball alignment	چیدمان بازیکنان به هنگام جم‌بال
Mass alignment	آرایش (چیدمان) کلی
Offensive alignment	چیدمان بازیکنان در حمله
Spread out alignment	نحوه چیدمان بازیکنان در سرتاسر عرض زمین بازی
Tandem alignment (coll)	آرایش دو سانتر در حمله: یکی در موقعیت بالا، دیگری در موقعیت پایین در یک طرف منطقه کلید یا حلقه
Team alignment	آرایش بازیکنان در زمین بازی مطابق با وظیفه آنها (فوروارد، گارد، سانتر)
Alive	وضعیت بازیکن مالک توپ قبل از شروع هر حرکت ی با توپ: بازیکن در حال دربیل (در آمریکا)، بازیکن هوشیار
Alive and Kicking (sl.)	هوشیار و مراقب
Alive player	۱- بازیکن مالک توپ که آماده بازی با آن می‌باشد ۲- (Am.) بازیکن قبل از خاتمه دادن یا متوقف کردن دربیل
All-American	بازیکنی که برای معرفی به ایالت متحده آمریکا انتخاب می‌شود، بازیکنی که در سطح بین‌المللی ثبت شده است
All-around (Am.)	از هر لحاظ، به‌طور کامل، جامع
All-around ability	همه فن حریف، ماهر در فنون مختلف
All-around play	بازی تمام عیار، همه جانبه
All-around player	بازیکن همه فن حریف، ماهر
All-around skill	مهارت‌های کامل و جامع بسکتبال
All court press	دفاع تحت فشار در گیرانه در سرتاسر زمین بازی
All court speed	توانایی حرکت بسیار سریع در سرتاسر زمین بازی
Alleviate	آرام کردن، تسکین بخشیدن، کاهش دادن
Alley	کوچه، خیابان اصلی باریک
Alley-opp(also: Ally-oop; Alley-up) (sl.)	۱- خیز برداشتن به طرف بالا ۲- پرتاب توپی که به روی استوانه فرضی در بالای حلقه پاس داده شود
Alley- oop pass (sl.)	پاس بلند روی استوانه فرضی حلقه برای اجرای شوت توسط هم‌تیمی
All foam and no beer (sl.)	گفتگوی زیاد بدون هیچ‌گونه نتیجه‌ای
All for (sl.)	علاقه‌مند، دل‌بسته، مجذوب
Allot	تخصیص دادن، معین کردن
Allot on (also: - upon) (sl.)	به کسی یا چیزی اعتماد کردن، روی کسی یا چیزی حساب کردن
Allotment	اختصاص، تخصیص
All out (sl.)	به تمام معنا، تمام عیار، کامل
All over but the shouting (sl.)	در واقع بازی پایان یافته (اماتاشاگران هنوز هم جار و جنجال می‌کنند)
All over hell (sl.)	در تمام مسیرها
All over the map (also: -hell,-hell,-hell's half acre) (sl.)	سرتاسر زمین بازی



All over the shop (sl.)	در سردرگمی، گیجی، سرگردانی
All purpose offense-3 basic plays (coll.)	سه اصول بازی که در شرایط حمله به‌کار گرفته می‌شود ۱- نفوذ بازیکن گارد: بازیکن گارد بعد از پاس دادن برش یا نفوذ می‌کند ۲- چرخش روی پای محور بازیکن سنتر: چرخش سنتر برای دریافت پاس ۳- دویدن در اطراف منحنی سه امتیازی یا پیرامون خط سه امتیازی
All purpose zone	دفاع منطقه‌ای علیه هر شرایط ممکن، دفاع منطقه‌ای بر ضد انواع حمله
All right guy (sl.)	بازیکن قابل اعتماد
All rounder (sl.)	بازیکن همه فن حریف، ماهر
All roundness (sl.)	توانایی کامل
All set ( to go ) (sl.)	دارای آمادگی، آماده، مهیا
All sort of (sl.)	انواع مختلف، از همه نوع
All star team (coll.)	تیم بسکتبالی که از بهترین‌ها تشکیل شده و که ستاره‌ها نامیده می‌شوند
( All ) steamed up (sl.)	مضطرب، آشفته
All the way under for the hook	شوت هوک کوتاه بعد از نفوذ زیر حلقه از کنار آن
Almighty (sl.)	قدرتمند، بزرگ
Alter	عوض کردن، تغییر دادن، اصلاح کردن
Alternate	۱- انتخابی، انتخاب دیگران ۲- عوض کردن، بنبوبت انجام دادن ۳- اجرای تمرینات مختلف به صورت متناوب یا یک در میان
Alternate foot hopping	پرش چرخشی روی هر دو پا بصورت جداگانه و متناوب
Alternate receiver	دریافت کننده‌ی اختیاری پاس (هنگامی که از دریافت کننده‌ی اصلی به شدت محافظت شده یا اینکه از دریافت توپ امتناع کند)
Altitude	از سطح دری، فراز، بلندی ارتفاع
Alumnus (pl. Alumni)	فارغ‌التحصیل مدرسه، دانشگاه
Am(also: Amat) (sl.)	بازیکن غیر حرفه‌ای (آماتور)، ورزشکار غیر حرفه‌ای و مبتدی
Amateur	ورزشکاری که حقوق یا مزایا کمی برای فعالیت‌های ورزشی خود دریافت نمی‌کند، غیر حرفه‌ای، آماتور
Amateur Athletic Union(AAU)	اتحادیه‌ی ورزشکاران غیر حرفه‌ای آمریکا
Amateur status= Amateur standing	شرایط ورزشکار غیر حرفه‌ای در مسابقه
Ambidexter	بازیکنی که توانایی یکسان از مهارت‌ها را با دو دست دارا باشد
Ambidexterity	توانایی استفاده از دو دست به‌طور یکسان
Ambish (sl.)	همت، بلند همتی، جاه طلبی، بلند پروازی، برتری جویی
Ambition	میل بسیار زیاد به پیروز شدن، کسب شهرت و موقعیت، افتخار داشتن
Ambulance (med.)	آمبولانس
Ambulance service (med.)	خدمات اضطراری پزشکی
American Basketball League (ALB)	لیگ بسکتبال حرفه‌ای در ایالت متحده آمریکا که در سال ۱۹۲۵ تأسیس شد. اعضای آن متشکل از تیم‌های واشینگتن، ترون، فیلادلفیا، نیویورک،

	کلولج، فورت وین، دیترویوت و شیکاگو بودند و این لیگ فقط به مدت چند سال محدود دوام داشت
American game (coll.)	بسکتبال: توسط دکتر جیمز نیسمیت از کانادا در ایالات متحده بوجود آمد (و برای اولین بار در ۱۸۹۱/۱۲/۲۱ بازی شد). او سپس در مدرسه‌ی کارکنان مسیحی در اسپرینگ فیلد (ماساچوست) به‌عنوان مربی به آموزش اعضای آتی این سازمان جهانی پرداخت.
Amoeba defense	الگوی دفاعی ترکیبی که از آن در دهه ۶۰ ی و اوایل دهه ۷۰ استفاده می‌شد. این الگو طی فصل ۱۹۶۶/۶۷ توسط فرن وبستر، مربی دفاع تیم بسکتبال دانشگاه پیتزبورگ ابداع شد. پنج سال بعد کارل اسلون، مربی دانشگاه جورج واشنگتون، این الگوی دفاعی را (amoeba) نامید؛ به این علت که دارای قابلیت انعطاف بالا و تغییرات دائم منطقه‌ی دفاعی از یارگیری تک به تک به حفاظت منطقه‌ی ای و به طور تقریبی همیشه همراه با اعمال فشار در کل زمین بود. سه حرکت اساسی که همیشه به کار گرفته می‌شد عبارت بود از: ...
Amount	کمیت، مقدار، چندی، تعداد، شماره
Amount of arch	منحنی مسیر پرتاب توپ
Ample	مناسب، مفصل، کافی
Anaerobic drill	تمرین بی‌هوازی، تمریناتی که توانایی سرعت را بالا می‌برد
Analyze (Am.)	بررسی کردن، رسیدگی، تجزیه و تحلیل کردن
Anchor (man) (sl.)	بازیکنی که به‌عنوان آخرین مدافع حلقه در پشت مدافعین قرار می‌گیرد.
Anchors (sl.)	حرکات یا کلماتی که به تمرکز بازیکن در خلال یا قبل از پرتاب شوت کمک می‌کند.
Anger	خشم، غرظ، عصبانیت
Angle	۱- زاویه ۲- چرخاندن، زاویه دادن
Angle cut	دویدن به‌طرف حلقه با تغییر مسیر
Angle jump	پرش بازیکن به‌طرف حلقه از زاویه کنار برای گرفتن توپ ریباند
Angle out	پاس مورب از خارج منطقه کلید
Angle shot	پرتاب توپ از موقعیت کنار به طرف حلقه، به طوری که از تخته هم بتوان استفاده کرد (تخته کش)
Bad angle shot	پرتاب توپ در زاویه‌ای نامناسب نسبت به تخته؛ به طوری که توپ داخل حلقه نمی‌شود
Intercepting angle	زاویه‌ای مناسب برای به‌دست آوردن توپ پرتاب شده توسط حریف
Rebound angle	زاویه‌ای مناسب برای به‌دست آوردن توپ برگشتی از حلقه یا توپ ریباند
Right angle	یک چهارم دایره (زاویه ۹۰ درجه)
Trapping angles	گوشه‌های مناسب زمین بازی برای ایجاد تله
Animated	با روح، سرزنده

Ankle	قوزک پا
Ankle injury (med.)	آسیب دیدگی مفصل مچ پا
Ankle sprain (med.)	پیچ خوردن مچ پا
Ankle turn (med.)	پیچ خوردن استخوان مچ پا
Annie Oakley (sl.)	بلیط رایگان، مجانی
Annotate	نت برداشتن، یادداشت برداشتن
Announcer	(گوینده تلویزیون، ورزشگاه، رادیو)
( Another) bull in the pasture (sl.)	حریف، رقیب
Another pair of shoes (sl.)	متفاوت، چیز دیگر
Ante-over rebounding (sl.)	تمرین ریباند: ریباند کننده، توپ را از کنارها به تخته می زند و در موقع برگشت، آن توپ را می گیرد و دوباره آن را بصمت حلقه پرتاب می کند
Anticipate	پیش بینی کردن، انتظار داشتن
Anticipation of a call	شرایط نادرستی که طبق آن دا و ر بر اساس تجربه ی خود در موارد مشابه، تصمیم گیری می کند و در واقع نوعی نقض قوانین صورت می گیرد
A-number-one (sl.)	بهترین، عالی ترین، شایسته ترین
Anybody's contest (sl.)	بازی بسته
Any when (sl.)	هر زمان، هر وقت
A-one (sl.)	بازیکن طراز اول، بهترین بازیکن
Apex	رأس، نوک، سر، نقطه اوج
Apex of the jump	نقطه اوج پرش (آخرین نقطه ای که توپ بمطرف حلقه رها می شود)
Apparatus (sl.)	اندام های تناسلی بیرونی، جهاز تناسلی خارج
(eq.) Apparel	لباس، جامه، ملبوس
Appeal	استیناف، درخواست
Appearance	قیافه، سر و وضع، سر و ظاهر
Append	الحاق کردن، پیوست کردن، وصل کردن، بستن
Apples(sl.)	سینه ها و پستان ها
Applicable	مکفی، کافی، متناسب
Apply	استفاده کردن، به کار گرفتن
Approach	۱- نزدیک شدن، نزدیک آمدن، پیشروی کردن، جلو رفتن ۲- نگرش یا طرز تفکر بازیکن یا مربی
Approach step	یک گام به جلوی (مدافع به سمت حریف مهاجم هنگامی که توپ را برای پرتاب بالا می برد یا هنگامی که پاسی را دریافت می کند یا زمانی که به سمت سبد حرکت می کند)
Approve	تأیید کردن، تصویب کردن، تحسین کردن
Approve the final score	تأیید کردن نتیجه نهایی بازی
Approximately	به طور تقریبی، حدود، در حدود
Appurtenances	ابزار، لوازم

Apt	۱- مستعد ۲- مناسب ۳- تیزهوش، سریع الانتقال
Arch	۱- روی پا ۲- کمان یا قوس پرتاب توپ بمطرف حلقه
Arch support (eq.)	لایه‌ای در کفش به منظور نگه داشتن پاشنه‌ی پا
Area	۱- میدان فعالیت ۲- زمین ۳- فضا، مکان ۴- واژه‌ای قدیمی برای دفاع منطقه‌ای
Area defense (sl.)	واژه‌ای قدیمی برای دفاع منطقه‌ای
Area defensive system (sl.)	دفاع منطقه‌ای، واژه قدیمی برای دفاع منطقه ای که در کتابی به نام چطور بسکتبال آموزش دهیم و بازی کنیم؛ نوشته جی. کریگ رابی مربی دانشگاه ایلی نوز و کمکش کردان سی. لیب عنوان شده است.
Area of defensive help	قسمتی از زمین بازی می‌باشد که از آن می‌توان برای کمک به دفاع استفاده کرد
Area of responsibility ( of the referee)	محدوده مسئولیت داور
Ball area	قسمتی از زمین بازی که توپ در آن در جریان است
Chest area (sl.)	۱- محدوده کلید ۲- کلید، منطقه ۳ ثانیه
Congested area	قسمت شلوغ زمین بازی
Crowded area	قسمت پر ازدحام زمین بازی، قسمت شلوغ زمین بازی
Danger area	نقطه خطرناک (به‌خاطر احتمال شوت‌های حریف)
Defensive area	قسمتی از زمین که حرکت دفاع در آن متمرکز می‌شود، منطقه‌ی دفاعی
Double team area (sl.)	قسمتی از زمین بازی که مناسب برای دبل تیم می‌باشد (به‌طور معمول مالک توپ توسط دو بازیکن مدافع دفاع می‌شود)
Good percentage area (coll.)	قسمتی از زمین بازی که مناسب برای شوت‌های هدفمند است
Foul line area	دایره پرتاب آزاد
High percentage area (coll.)	قسمتی از زمین بازی مناسب برای شوت‌های هدفمند
High pinot (center, post) area (position)	موقعیت سانتر بالا در خارج از نیم دایره پرتاب آزاد یا نزدیک نیم دایره یا نزدیک انتهای خط پرتاب آزاد
Grey area (sl.)	قسمتی از زمین بازی خارج از میدان دید داوران
In-bounds area	قسمتی از زمین بازی که توپ از خارج به آن قسمت پرتاب می‌شود (داخل زمین بازی)
In- close area	قسمتی از زمین بازی که نزدیک به حلقه قرار دارد
Intermediate area	محدوده ۳/۵ متری حلقه
Jump shot area	محدوده مناسب برای شوت‌های جفت
Key area rebounder	بازیکن ریاند کننده در منطقه کلید یا دوزنقه
Lane area	محدوده ۳ ثانیه، منطقه دوزنقه، منطقه کلید
Limited area	هر قسمت از زمین بازی که دارای محدودیت قانونی باشد (مانند محدوده ۳ ثانیه)
Middle of the floor area (coll.)	محدوده‌ای در زمین است که بین دایره مرکزی و دایره پرتاب آزاد هر طرف زمین بازی قرار دارد

Open area	۱- قسمت بدون دفاع زمین ۲- نقطه‌ای که بازیکن برای شوت زدن آزاد است
Out-of-bounds area	محدوده پشت خط زمین بازی، محدوده خارج از زمین بازی
Outside area	قسمتی از زمین بازی اطراف حلقه با فاصله حدود ۴-۵ متری از آن
Penetrating area	محدوده داخل و اطراف منطقه کلید یا دوزنقه زیر حلقه
Pivot area	منطقه فعالیت ساتنر
(sl.) Point area	۱- محدوده فعالیت توپ پخش کن (گارد راس) ۲- منطقه اطراف راس دایره پرتاب آزاد
Poor shooting area	قسمتی از زمین بازی که به‌طور معمول درصد شوت‌های منجر به امتیاز آن پائین است
Post area	محدوده فعالیت ساتنر یا فوروارد در موقعیت شوت
Rebound area	محدوده ریباند، محدوده فعالیت ریباند کننده
Rebounding area	محدوده ریباند، محدوده فعالیت فردی که در حال انجام ریباند است
Release area (sl.)	قسمتی از زمین بازی که پاس، از آنجا هدایت بشود (به‌ویژه پاس شروع ضد حمله)
Restricted area	محدوده ۳ ثانیه، منطقه کلید
Scoring area	قسمتی از زمین بازی مناسب برای شوت‌های هدفمند
Tight area (sl.)	قسمت شلوغ زمین بازی
Under-the basket area	منطقه نزدیک به حلقه
Vital scoring area	منطقه‌ای مناسب برای شوت‌های هدفمند
Wing area	قسمت بال زمین بازی، جناح‌ین زمین بازی، قسمت کناری زمین که بازیکن در آنجا بازی می‌کند
Arena	سالن ورزشی
Argue	مشاجره کردن، جر و بحث کردن
Arid (sl.)	تشنه
Arky (sl.)	پیر، قدیمی
Arm	بازو، دست
Arm action	حرکت دست‌ها و بازوها (به‌ویژه در کار دفاع)
Arm-and-hand fake	گول زدن با دست‌ها و بازوها
Arm –bar (sl.)	جلوگیری کردن با دست‌ها
Arm flick	حرکت ناگهانی و سریع با دست در مسیر بازیکن حمله
Arm raising	بالا بردن دست (یا دست‌ها)
Arm flaring	تکان دادن دست‌ها
Arms out	بالا آوردن دست‌ها از طرفین
Around	اطراف، در تمام مسیرها، دور تا دور، پیرامون
Around pick (sl.)	پیرامون ایجاد سد (اسکرین)
Around the head	چرخاندن توپ به دور سر طی دست به دست کردن توپ توسط دست راست

	یا چپ
Around the horn (sl.)	پیرامون یا اطراف خط ۳ امتیازی
Around the waist	چرخاندن توپ به دور کمری دست به دست کردن توپ توسط دست راست یا چپ
Around-the-world shooting drill	تمرین شوت از نقاط پیرامونی خط ۳ امتیازی از یک گوشه زمین تا گوشه‌ی دیگر آن: بعد از هر شوتی که منجر به امتیاز می‌شود بازیکن می‌تواند به طرف نقطه بعدی حرکت کند
Arrange	مرتب کردن، چیدن، تحت نظم در آوردن، برنامه‌ریزی کردن
Array (sl.)	تیم، گروه، صف، آرایش
Arrive in an armchair (sl.)	دیر رسیدن، تأخیر داشتن
Arsenic (sl.)	حریف قوی
As good as they make them (sl.)	عالی، فوق‌العاده
Ask for (sl.)	ارزیابی یا پی‌گیری کردن مشکلات یا شکست
Ask for a time-out (coll.)	درخواست زمان استراحت از داور که توسط مربی گرفته می‌شود (تایم اوت) (اف.آی.بی.ای)، درخواست زمان استراحت از داور که توسط بازیکن داخل زمین گرفته می‌شود (ان.بی.ای)
Ask for the ball	درخواست پاس کردن، نشان دادن آمادگی برای دریافت توپ (با بالا آوردن دست)
Aspirant to the crown (sl.)	مدعی قهرمانی
Aspire	کوشیدن، آرزو داشتن، طلبیدن
Aspiring player	بازیکنی که برای رسیدن به هدف اشتیاق بسیار دارد
(sl.obsc.) Ass	۱- پسین، عقبی، خلفی ۲- احمق
Assault (sl.)	مسابقه، رقابت
Assemblage (sl.)	تیم، گروه (انجمن، تجمع)
(sl.obsc.) Ass-ender	با پشت به زمین خوردن، از پشت افتادن
Assert	ادعا کردن، درخواست کردن، از حق خود دفاع کردن
Assess	ارزیابی کردن، برآورد کردن، تخمین زدن
Assign	اختصاص دادن، تخصیص دادن، منصوب کردن، تخصیص، اختصاص
Assigned lane spot	مکان معین در خطوط کناری منطقه کلید برای ایستادن بازیکنان جهت ریاند در خلال پرتاب آزاد
Assignment	تعیین، تخصیص
Assist	۱- کمک کردن ۲- پاس دادن به هم تیمی در موقعیت شوت ۳- Ast مخفف یا کلمه اختصاری برای (Assists)
Assistant coach	کمک مربی
Assistant scorer	جدول ثبت امتیاز بازیکن گلزن
Assist pass	پاس منجر به امتیاز
Assists ( Ast)	Ast مخفف یا کلمه اختصاری برای (Assists)

Assume	فرض کردن، پنداشتن
Assumption	فرض، پنداشت (مانند اصلی که طبق آن فرض مسلم بر این است که هر پرتابی از دست می رود و آمادگی لازم برای گرفتن توپ از حلقه و حفظ تعادل دفاعی وجود دارد)
Assurance	پشت گرمی، اطمینان، اتکا به نفس
Astray	بیراه رفتن، گمراه، سرگردان، منحرف
(sl.) At half cock	نه کاملاً آماده، آمادگی نسبی
Athlete	ورزشکار
Athlete's foot (med.)	قارچ زدگی پا
Athletic physician(also: - surgeon) (med.)	پزشک مخصوص در طب ورزشی
Athletics	بازی های ورزشی، تمرینات ورزشی، علم ورزش
Atom (sl.)	بازیکن سریع
Atomic (sl.)	عالی
Attach	بستن، متصل کردن
Attack	حمله، یورش، هجوم، حمله کردن
Attack defense (coll.)	دفاع تهاجمی، درگیرانه
Attacker	۱- مهاجم ۲-حمله کننده
Attack philosophy	۱- مطالعه اصول اساسی حرکات و رفتار در بازی حمله یک تیم ۲- نگرش بعضی از مربیان مبنی بر بیشتر اهمیت دادن به بازی حمله، نسبت به بازی دفاع
Attack step	حرکت گام بلند به طرف بازیکن حریفی که قصد اجرای شوت داشته باشد . این عمل مانند حرکت یگ گام به جلو است با این تفاوت که در این حرکت حالت بدن صاف تر می باشد
Attack the goal.	۱- پرتاب توپ به طرف حلقه ۲- به طرف حلقه پرش کردن
Balanced attack(also: offense)	حمله ای متعادلی که امکان کسب امتیاز را از ضد حمله بازی، بالبداهه و بازی با نقشه به تمام بازیکن می دهد
Combination attack (also: offense)	الگوی حمله ای که از سیستم های تهاجمی مختلف در آن استفاده می شود (حمله ترکیبی)
Counter attack	حمله متقابل
Criss-cross attack	نوعی حمله با حرکات متقاطع مهاجمان
Defensive point of attack	نقطه شروع حرکت دفاع علیه حمله (تقریباً از فاصله هفت متری نسبت به حلقه یکنی درست پشت خط پرتاب ۳ امتیازی)
Figure 8 attack	نوعی حمله که توسط دکتر اچ . جی کارلسون زمانی که مربی تیم بسکتبال دانشگاه پیتسبورگ بود ابداع گردید . این سیستم بر روی پاس ها و رد و بدل کردن توپ و برش کردن از پشت یک دیگر استوار می باشد، که با انجام این حرکات شکل 8 انگلیسی بوجود می آید
Frontal attack	حمله رو به جلو، حمله رودر رو

Gap zone attack	حمله در برابر دفاع منطقه ای که شکاف بین محدوده مسئولیت بازیکنان را هدف قرار می دهد
Inside attack	حرکت حمله نزدیک به حلقه
Man-to-man attack	حمله در برابر دفاع بارگیری
Mid-post attack	نقشه یا الگوی حمله با بازیکن سرنتر در موقعیت میانی (بین خط پرتاب آزاد و حلقه)
Passing attack	نوعی حمله که بر اساس پاس ها، سد کردن ها و پرش ها استوار است و برای ایجاد موقعیت های مناسب شوت، طراحی شده است
Penetrating attack	نفوذ از منطقه شلوغ به طرف حلقه
Planned attack	نقشه یا الگوی حمله از پیش طراحی شده، حمله با برنامه
Point of attack	بازیکن مالک توپ در حمله
Pressure attack	حمله علیه دفاع پرس یا فشرده
Screening attack	نوعی شیوه حمله که اساس آن بر ایجاد سد (اسکرین) کردن است
Set attack	حمله با برنامه، الگوی حمله، حمله از پیش طراحی شده
Three-lane attack	ضد حمله در سه مسیر
Wing attack	حرکت حمله که از منطقه بال و جناحین زمین (سرتاسر کناره های زمین بازی) بیکار می رود
Zone attack	حمله علیه دفاع منطقه ای
Zone press attack	حمله علیه دفاع فشرده و پرش منطقه ای
Attain	بهدست آوردن، کسب کردن، ناطی شدن
Attempt	کوشش، تقلا، قصد، کوشش کردن
Attendant	مباشر، خدمتکار، سرپرست، شخصی که تیم را تر و خشک می کند
Attention	توجه، دقت، مواظبت
Attentive	متوجه، بادقت، ملتفت، مراقب، مواظب، تیز
Attentiveness to details	توجه به جزئیات
Attitude	حالت، ایستار، طرز قرارگیری، وضع
At tops (sl.)	در فرم ایده آل، در شکل خوب، رو فرم
Attribute	ویژگی، خصوصیت
Audible signal	صدا کردن یا آگاه کردن هم تیمی
Authority	اختیار، حق، قدرت، اقتدار
Auxiliary	دستیار، کمکی، یاور
Available	موجود، حاضر، آماده، در دسترس، فراهم، قابل استفاده
(sl.) Avalanche	حریفان شکست ناپذیر، قوی، سرسخت
Avenue	۱- خیابان ۲- مسیر پاس
Average	۱- معمولی، عادی ۲- میانگین، معدل
Avoid	دوری کردن از، فاصله گرفتن از، حذر کردن از، اجتناب کردن، دوری کردن



Avoid injury (med.)	از مصدومیت رهایی یافتن
"Avoid too much dribbling against an zone defense"	اجتناب از زیاده روی کردن در دربیل در برابر هر نوع دفاع منطقه‌ای
Award	۱- جایزه، هدیه ۲- اعطا کردن، اهدا کردن ۳- رأی دادن، حکم کردن، رأی
Award the ball	تشخیص دادن حق تیمی برای مالکیت توپ، اعطا کردن توپ به بازیکن
Award the ball out-of-bounds	دادن توپ به بازیکنی که طبق تشخیص، پرتاب توپ از خارج زمین حق او می‌باشد
(coll.) Aware	آگاه، مطلع
Away	دور بودن از توپ
Away forward	بازیکن فوروارد دور از توپ
Away-from-home court	بازی در زمین میزبان، در خانه حریف (به ویژه در شهر دیگر)
Away from the ball	دور از توپ، دور از بازیکن مالک توپ
Away game (coll.)	بازی در (خانه) یا زمین حریف
Away position	موقعیت دور از توپ
(sl.) Awful	۱- بزرگ ۲- فوق العاده ۳- بحد زیاد
Awkward	نامناسب، سخت، مشکل، دست و پا گیر
Awkward position	مکان یا نقطه نامناسب
Awkward squad (sl.)	تیم درجه دو، تیم متوسط
Axe (sl.)	اخراج کردن، بیرون کردن

BBBBBBBBBBBBBBBBBBBB	
Baby hook	شوت هوک از فاصله‌ای کوتاه، شوت هوک کوتاه
Baby jumpers	شوت جفت از یک فاصله کوتاه
Baby the ball	دریبل کردن
Back	۱- قسمت پشت از گردن تا نشیمنگاه ۲- پشت، عقب ۳- به پشت ۴- عقب نشینی کردن، به عقب برگشتن ۵- حمایت کردن، کمک کردن ۶- برگشت (مثل انتقال از حمله به دفاع)
Backache	پشت‌درد، کمردرد
Back block	ایجاد سد توسط بازیکن سانتر یا فوروارد با حرکت کردن بمطرف عقب ب جهت رها کردن گارد مالک توپ (بازیکنی که این سد را ایجاد می کند بعد از رها ساختن گارد مالک توپ بمسرت بمطرف موقعیت شوت حرکت می کند و در آنجا منتظر دریافت پاس می ماند)
Back block and roll	حرکت سانتر یا فوروارد به منظور ایجاد سد برای بازیکن هم تیمی مالک توپ و تحت فشار و این بازیکن بعد از رهایی او به طرف حلقه حرکت می کند
Backboard	تخته چوبی، پلاستیک یا شیشه‌ای که حلقه به آن متصل می شود
Backboard markings	خطوط ترسیم شده بر روی تخته مطابق با قوانین بسکتبال
Backboard support	دستگاهی که تخته و حلقه بسکتبال روی آن نصب می شود
Backbone	۱- ستون مهره‌ها ۲- ستون فقرات ۳- تکیه گاه اصلی، نقطه اتکا ۴- پشتیبان ۵) درستی، صداقت
Backcourt (Am.) =Back court(Eng.)	نیمه زمین بازی، زمین حریف (دفاعی)
Backcourt man	بازیکن مدافع
Backcourt play	۱- حرکت دفاعی ۲- بازی دفاعی
Backcourt position	موقعیت مدافع
Backcourt violation	خطای نیمه
Back cut	۱- به عقب دویدن ۲- دویدن بمطرف عقب، بعد از گام فریب ب ه سمت جلو ۳- دویدن از پشت
Backdoor	۱- برش از پشت سر مدافع حریف بمطرف توپ جهت قرار گرفتن در موقعیت شوت در نزدیکی حلقه ۲- پرش بمسرت حلقه از پشت سر مدافع حریف
Backdoor cut	۱- دویدن یا برش کردن بمطرف حلقه از پشت سر مدافعی که شما را پوشش داده و مانع رسیدن توپ به شما می شود ۲- دویدن یا برش کردن بمطرف حلقه از پشت سر مدافع
Backdoor pass	پاس به پشت سر مدافع حریف
Backdoor play	بردن حریف بمطرف خط طولی و سپس با یک حرکت ناگهانی از پشت سر او بمسرت حلقه حرکت کرده و آنجا منتظر پاس می ماند
Backdown	کناره گیری از مسابقه
Backer	تعهدات مالی یک کاری را ب عهدہ گرفتن، حامی، بانفی، برگزارکننده، تأمین کننده مخارج برآمه
Back-flip-pass	پاس با ضربه ملایم بمطرف عقب

Background	۱- زمینه ۲- مبنا ۳- تجربه ۴- شغل آموزشی ۵- شغل حرفه‌ای ۶- سرچشمه، مبدأ
Back guard	بازیکن مدافع در عقب، گارد در موقعیت عقب
Backhand pass	پاس با تلنگر زدن به توپ بمطرف راست با دست راست یا بمطرف چپ با دست چپ
Backing	۱- حمایت، کمک ۲- تشویق ۳- هواداری
Back-in movement	۱- برش چرخشی بعد از یک گول ۲- حرکت بمطرف حلقه با پشت
Back leg	پای عقب
Back line	خط عقب (در آرایش دفاع منطقه‌ای)
Back line defensive man	بازیکن مدافع در خط عقب، موقعیت بازیکن مدافع نزدیک به خط عرضی
Back man	موقعیت بازیکن مدافع نزدیک به خط عرضی، مدافعی که عقب دفاع منطقه‌ای یا دفاع پرس منطقه‌ای را پوشش می‌دهد
Backnumber	پیر، مسن
Back of beyond	بسیار دور
Back off	عقب کشیدن، عقب نشینی کردن، دست کشیدن
Back out	عقب نشینی کردن
Backpedalling	به عقب برگشتن
Back people	عبور کردن از حریفان بمطرف خط عرضی
Back pick	۱- ایجاد سد لپشت کردن به بازیکن سد شونده ۲- ایجاد سد برای هم تیمی در موقعیت بالا یا در جناحین یا گوشه زمین توسط بازیکنی که از منطقه کلید حرکت می‌کند
Back pick double screen	ایجاد دو سد یکی بعد از دیگری که هر دو با پشت کردن به بازیکن سد شونده به وجود می‌آیند
Back pivot	برگشت به عقب، چرخش به عقب
Back pivot into the block out	برگشت به عقب جهت قرار گرفتن در موقعیت ریباند، بین حلقه و حریفی که به خ ارج از منطقه ریباند هل داده می‌شود
Back rim	قسمت عقب حلقه بسکتبال
Back screen	۱- ایجاد سد از پشت برای رهایی گارد خودی و از زاویه ای که حریف پوششی آن فرد نتواند فرد سد کننده را ببیند (پیک کور) ۲- ایجاد سد توسط بازیکنی از موقعیت پائین برای هم تیمی خود در موقعیت بالا
Back-seat driver	مشاور، راهنما
Backside screen	ایجاد سد پشت سر حریف، ایجاد سد کور (پیک کور)
Backspin	چرخش توپ پرتاب شده به عقب
Backstroke	شوت بعد از ریباند، شوتی که بعد از گرفتن توپ ریباند اجراء شود
Back-to-back	یکی بعد از دیگری، پیاپی، پشت سر هم
Back-to-the-basket hook	شوت هوک توسط بازیکن پشت به حلقه
Back-to-the-basket pivot	چرخش از موقعیت پشت به حلقه

Back-to-the-basket shot	شوت توسط بازیکنی که پشت او به حلقه باشد
Back to the floor	تمرین شوت توپ ریباند شده بعد از فرود آمدن از یک پرش
Back-to-the hoop	پشت به حلقه
Backup	ذخیره
Back up	۱- پریدن، پریدن از یک حالت نیم خم ۲- بازیکنی که علاوه بر وظیفه اصلی خود در موقعیت‌های دیگر هم به‌کار گرفته می‌شود ۳- ذخیره‌ای که توانایی بازی در چندین پست را دارد
Back-up a step	۱- مانع شدن، متوقف کردن ۲- سد کردن مسیر حریف جهت باز نمودن مسیر ۳- از حریف پیشی گرفتن، فاصله را زیاد کردن (نسبت به حریف)
Back-up center	بازیکن منطقه بال که می‌توان از او به‌عنوان بازیکن سنتر یا به‌عنوان سنتر دوم هم استفاده کرد (فوروارد قدرتی)
Back-up dribble	نوعی دربیبل که به اجرا مانور کمک می‌کند
Back-up-shots	۱- شوت از موقعیت‌های مناسب پشت حلقه ۲- شوت از ریباند حمله
Back-up the play	کمک کردن در یک حرکت، کمک کردن در اجرای مانور
Behind-the back dribble	دربیبل زدن از پشت سر
Behind-the back pass	پاس دادن از پشت سر به هم‌تیمی
Comeback (Am.)= Come back (Eng.)	۱- برگشت ۲- برگشتن ۳- شرکت در بازی بعد از یک دوره غیبت طولانی ۴- برگشتن به موقعیت قبلی
Comeback move	حرکت برگشت
Cut back	برش به عقب
Drop back	دویدن به عقب، پریدن به عقب، عقب کشیدن، عقب نشینی کردن
Keep the opponent on your back ( )	حریف مدافع را پشت سر خود نگاه‌داشتن
One-on-one back to basket	بازی یک علیه یک در حالت پشت به حلقه
Pass back	۱- پرتاب توپ به‌طرف هم‌تیمی در عقب ۲- پاس برگشتی
Pull back	برگشتن، عقب کشیدن، عقب نشستن، تغییر مکان به‌عقب دادن
Roll back	حرکت به عقب با یک چرخش (برای دریافت پاس)
Snap back	پریدن به عقب
Snap back pass	پاس ناگهانی به عقب جهت شوت ۳ امتیازی هنگام نفوذ به‌طرف حلقه
Switch back	تغییر پوشش یا سوئیچ به‌طرف حریف اصلی
Toss back	دستگاهی تمرینی جهت زدن توپ به آن و دریافت از آن
Up and Back	به و از، عقب و جلو، دوباره آنجا و اینجا، بالا و پایین
Backward	۱- به پشت، به عقب ۲- عقب‌مانده ۳- کند در حرکت، کم‌رو ۴- کند
Backward dribble	دربیبل از عقب، دربیبل به سمت عقب به‌طوری که پشت دربیبل‌کننده به حریف باشد

Backward line drill	تمرین دویدن: دویدن بمطرف چهار خط در طول زمین بسکتبال (که عبارتند از: خط پرتاب آزاد، خط مرکزی زمین، خط پرتاب آزاد در زمین مقابل ، خط عرضی در زمین مقابل ) و برگشت با پشت به خط عرضی در نقطه شروع
Backward pass	پاس به عقب
Backwards	۱- از پشت ۲- از پشت رفتن
Backward spin	حرکت چرخش توپ پرتاب شده به عقب
Backward tap	ضربه زدن به توپ به سمت عقب، هنگام بالا انداختن توپ در جمبال
Bacon	جایزه، هدیه
Bad	بد، ناصحیح، لعنتی، نامناسب، ضعیف، مضر، شیطانی
Bad angle shot	پرتاب توپ از زاویه نامناسبی نسبت به تخته، به گونه ای که توپ داخل حلقه نرود
Bad as they make'em	تیم متوسط و ضعیف
Bad business	تمرین خطرناک
Bad job	شکست، ناکامی
Bad lookout	دورنمای بد، و جبهه بد (برای بازی)
Bad luck	بدشانسی، بدبختی
Bad pass	پاس ضعیفی که به هم تیمی دریافت کننده نرسد
Bad passing game	تمرین: گرفتن پاس های بد که بهطور عمدی پرتاب می شود
Bad shot	پرتاب ضعیف بمطرف حلقه، پرتابی که در یک موقعیت نامطلوب یا زیر فشار دفاع رها می شود و در نهایت به هدف نمی رسد
Bag	۱- شکم ۲- کیسه بیضه
Balance	ثبات، تعادل، توازن
Balance beam	وسیله ای برای تمرین تعادلی، چوبه موازنه
Balanced attack	حمله ی متعادلی که امکان کسب امتیاز را از ضد حمله ، بازی بالبداهه و بازی با نقشه به تمام بازیکنان می دهد
Balanced floor	آرایش یکسان نیروهای خودی در زمین بازی
Balance drill	تمرین تعادلی
Balanced offense	حمله ی متعادلی که امکان کسب امتیاز را از ضد حمله ، بازی بالبداهه و بازی با نقشه به تمام بازیکنان می دهد
Balanced spacing	آرایش یکسان بازیکنان در زمین بازی
Balanced teams	رقابت تیم های هم سطح از لحاظ قدرت
Balance position	ایستادن با تعادل مناسب
Balancing stance	حالت قرار گیری مناسب بدن
Balancing to the ball	آرایش یکسان بازیکنان مدافع در برابر حریف مالک توپ
Body Balance	تقسیم یکسان وزن بدن روی هر دو پا بهطوری که پاها از زانو خم شود
Defensive balance	توازن دفاع با حمله

Disturb balance	بهم زدن تعادل و توازن
Floor off balance	آرایش توازن نیرو در زمین بازی
Good body balance	طرز قرارگیری مناسب بدن: آماده حرکت باشید. زانوها را خم کرده، سر و دست ها را بالا نگاه دارید، بدن را پائین آورید. حالت خود را حفظ کنید. وزن خود را روی تمامی پا تقسیم کنید، به گونه‌ای که پاشنه‌ها روی زمین باشند
Keep balance	حفظ کردن تعادل
Lose the balance	تعادل نداشتن، از دست دادن تعادل
Off balance	۱- عدم تعادل بدن ۲- فقدان توازن ۳- بهم خوردن تعادل
Off balance shot	پرتاب شوت در شرایط عدم تعادل یا ثابت
Offensive balance	۱- توازن حمله با دفاع ۲- آرایش یکسان نیروی حمله
Out-of-balance	خارج از تعادل، عدم توازن
Poor balance	تعادل نامناسب، تعادل بد
Sense of balance	احساس یا حس تعادل
Twisting off-balance position	حالت نامتعادل در چرخش
Ball	توپ
Balloon	توپ (بالون، بادبادک)
Blimp	توپ (نوعی بالون هوایی کوچک)
Cantaloupe	توپ (یک نوع خربزه)
Casaba	توپ (یک نوع خربزه)
Globe	توپ (کره خاکی)
Leather	چرم، توپ (پوست حیوانات با رنگ قهوه‌ای روشن که برای ساختن توپ استفاده می‌شود)
Orange-colored ball	توپ بسکتبال (رنگ پرتغالی که برای توپ‌های قانونی بسکتبال استفاده می‌شود)
Orb	توپ (کره خاکی)
Oval	توپ (واژه‌ای که برای توپ فوتبال آمریکایی به‌کار می‌رود)
Pellet	توپ (گلوله)
Pill	توپ (حب، قرص)
Pumpkin	توپ (کدو)
Punkin	توپ (کدو)
Rock	توپ (قلوه سنگ)
Sphere	توپ (گوی)
Spheroid	توپ (شیء کروی)
Ball-and-foot fake	گول زدن با یک پا و دو دست که توپ را نگه‌داشته‌اند
Ball area	قسمتی از زمین بازی که توپ در آن جریان دارد (قسمت قوی زمین)

Ball-basket-man triangle	نحوه‌ی صحیح اسقرار دفاعی که در آن مدافع با بازیکن مالک توپ در رأس مثلثی قرار می‌گیرد که در رأس دیگر مهاجم مالک توپ و در رأس دیگر یارش قرار گرفته اند که در این صورت هم توپ و هم یار خود را زیر نظر دارد
Ball carrier	بازیکن مالک توپ
Ball chaser	بازیکن دنبال کننده توپ یا دنبال کننده حریف مالک توپ
Ball comes to the screen	بازیکن مالک توپ که به هم تیمی خود نزدیک می‌شود تا سدی ایجاد کند
Ball control	مالکیت توپ، تیمی در حالت حمله
Ball control game	نوعی بازی که توپ برای مدتی طولانی در مالکیت یک تیم باشد
Ball-control type of team	به تیم‌هایی اطلاق می‌شود که بازیکنان بر اساس در اختیار گرفتن توپ در بیشترین زمان ممکن می‌باشد که فقط در موقعیت‌های مناسب اقدام به شوت می‌کنند
Ball fake	گول با توپ جهت وانمود کردن به شوت، پاس یا دریبل
Ball game	۱- هر نوع بازی‌ای که با توپ انجام شود (معمولاً در زمین بازی) ۲- لژی بسکتبال
Ball handler	۱- بازیکن ماهر در کار با توپ ۲- بازیکن مالک توپ ۳- گارد توپ‌پخش کن
Ball handling	۱- کار با توپ ۲- مهارت‌های کار با توپ ۳- تردستی با توپ ۴- پاس، دریافت، دریبل، شوت و ریپاند توپ بدون از دست دادن کنترل آن
Ball handling ability	مهارت در کار با توپ، زبردستی در کار با توپ
Ball handling and passing wizard	بازیکن برجسته به‌واسطه مهارت در کار با توپ
Ball handling drills	تمرینات کار با توپ که منجر به افزایش توانایی دست‌ها و مهارت در تماس‌ها با توپ می‌شود (شبیه چرخش توپ دور پای یک‌یک، دور دو پا با هم، دور کمر و باسن)
Ball hawk	بازیکن برجسته در توپ‌ربایی، بازیکن ماهر در قاپیدن (به چنگ آوردن) توپ‌های از دست رفته
Ball hog	بازیکن تک رو
Ball in play	توپ در گردش
Ball-me-you	آرایش دفاعی که بازیکن مدافع (من) بین حریف مالک توپ (توپ) و حریفی که از آن دفاع می‌کند (شما) عمل می‌نماید
Balloon	توپ (بالون)
Balloon score	امتیاز بالا
Ball out-of-bounds	توپ خارج از زمین
Ball player	بسکتبالیست، بازیکن بسکتبال
Ball pursuit	دنبال کردن بازیکن مالک توپ
Ball rack	قفسه برای توپ‌ها
Ball reversal	پاس برگشتی به‌طرف هم تیمی که از او پاس دریافت شده است
Balls	پیضه‌ها
Balls and bat	اندام‌های تناسلی بیرونی مرد، عورت مرد

Ball screen	ایجاد سد برای هم تیمی مالک توپ جهت حفاظت از او در برابر حریف
Ball side	قسمتی از زمین که توپ در آن جریان دارد، قسمت قوی زمین
Ball side cut	حرکت بازیکن مهاجم بطرف قسمت قوی زمین بازی
Ball-stealing situation	موقعیت مناسب برای توپ‌ربایی
Ball the Jack	سریع رفتن
Ball trajectory	مسیر منحنی توپ پرتاب شده بطرف هم تیمی یا حلقه
Ball turnover	تغییر کنترل توپ، از دست دادن توپ، به دست آوردن توپ
Ball-wanter	بازیکن آماده برای بدهست آوردن توپ
Aggressive on the ball	دفاع درگیرانه از حریف مالک توپ توأم با فشار و دبل تیم
Air ball	شوتی که به تخته یا حلقه برخورد نمی کند
Award the ball	تشخیص درست تیم در کنترل توپ، پاس دادن به یک بازیکن
Award the ball out-of-bounds	دادن توپ به بازیکنی که طبق تشخیص، پرتاب توپ از خارج زمین حق او می باشد
Away from the ball	دورتر از توپ، دورتر از بازیکن مالک توپ
Baby the ball	دریبل کردن
Balancing to the ball	آرایش یکسان بازیکنان مدافع در برابر حریفان مالک توپ
Basketball	۱- بازی بسکتبال ۲- توپ بسکتبال
Bat the ball out of hands of the opponent	زدن و بیرون آوردن توپ از دست‌های بازیکن حریف
Blow the ball dead	اعلان توپ مرده توسط داور با دمیدن در سوت
Calling for a ball	درخواست کردن توپ
Catching the ball	دریافت پاس، گرفتن توپ، قاپیدن توپ
Chase the ball	دنبال کردن توپ یا تعقیب کردن حریف مالک توپ
Chin the ball	ایمن ساختن توپ با بالا نگه داشتن آن روی سینه (زیر چانه) و بالا آوردن آرنج‌ها
Clearing the ball	آزاد سازی (توپ در شرایط فشار)
Clear the ball	پس گرفتن توپ
Closing-out of the ball	بستن مسیر حریف مالک توپ، سد کردن مسیر حریف مالک توپ
Coming to meet ball	جلو رفتن برای دریافت پاس
Command of the ball	تسلط در کار کردن با توپ
Controlling the ball	در اختیار داشتن مالکیت توپ در بالاترین زمان ممکن، کنترل کردن توپ در حداکثر زمان
Curve ball -	مسیر منحنی و قوس توپ در هوا (معمولاً بر اثر چرخش توپ به وجود می آید)
Curving the ball -	پرتاب قوسی
Dead ball -	توپ مرده، توپ خارج از جریان بازی



Defensive jump ball	حالت دفاعی بازیکنان یک تیم در شرایط جمبال، که با برتری حریف از لحاظ پرش و بلندی قد مواجه می‌شوند
Deliver the ball	توپ دادن، پاس دادن
Deny the man the ball	اجازه ندادن به حریفی که از او دفاع می‌کنید تا بتواند پاس دهد
Double the ball	دفاع از حریف مالک توپ توسط دو نفر (دبل تیم)
Enter the ball	پاس دادن، پرتاب کردن توپ
Feed the ball	پاس دادن
Feeling the ball	احساس نسبت به توپ، مهارت در کار با توپ، تسلط بر توپ
Flick the ball	پاس دادن یا پرتاب توپ با ضربه‌ای سریع توسط چرخش میچ
Flight of ball	مسیر هوایی توپ پرتاب شده
Fly ball	شوت یا پاس بلند، شوت یا پاس قوسی، پرتاب منحنی بلند توپ در هوا
Free ball	توپ از دست رفته، توپ سرگردان، توپ بدون مالک
Freeze the ball	از کار انداختن توپ، متوقف کردن توپ
Freezing the ball	۱- متوقف کردن توپ به منظور ایجاد تأخیر در باز ی ۲- کنترل کردن توپ در محدوده زمانی
Get it back	بازپس گرفتن توپ
Get the ball off a steal	بهدست آوردن توپ از طریق توپ‌ربایی
Go for the ball	۱- حرکت کردن جهت ب ه دست آوردن توپ ۲- تلاش برای ب ه دست آوردن توپ از دست رفته
Go get the ball	رفتن برای ریباند
Going "ball-side" on a screen	در رأس ایجاد سد قرار گرفتن، قرار گرفتن بین بازیکن مالک توپ و بازیکنی که برایش ایجاد سد می‌کند
Go to the floor for a loose ball	شیرجه زدن روی کف زمین برای بهدست آوردن توپ بدون مالک یا بدون صاحب
Guarding man with ball	پوشش حریف مالک توپ
Guarding man without ball	پوشش حریف بدون توپ
Harass the ball	فشار آوردن روی حریف مالک توپ
Have nose for ball	احساس داشتن نسبت به توپ، تسلط کامل بر توپ، شرکت کردن در ریباند در مکان های مناسب
Have plenty on the ball	اشتیاق زیاد به داشتن توپ
Held ball	گرفتن هم زمان توپ توسط دوویاچند بازیکن دو تیم
Held ball jump	جمبال، بعد از گرفتن هم‌زمان توپ توسط دو یا چند بازیکن دو تیم
Hide the ball	ایمن ساختن توپ، مصون نگهداشتن توپ
Hit the ball	پرتاب پاس یا شوت هدفمند
Hold the ball	گرفتن توپ، نگه‌داشتن توپ
Hunt the ball	مراقبت کردن از توپ
I got the ball	"توپ‌دار با من" فریاد بازیکن مدافع هنگام جابجایی یا سوئیچ کردن بازیکن مالک توپ

Improperly inflated ball	توپ کم باد
In bounding the ball	به جریان انداختن توپ در بازی از خارج از زمین
Individual control of the ball	مالکیت توپ توسط یک بازیکن
Individually freezing the ball	به تنهایی توپ را متوقف کردن
Inflated ball	توپ با بادی مناسب
Inside-outside ball movement	حرکت توپ بمطرف محدوده‌ی حلقه و خارج آن
Interference with the ball	۱- لمس کردن یا تاچ کردن توپ (مطابق با بند ۴۴ قوانین اف، آی، بی، آ ۲) - ممانعت از کنترل توپ توسط حریف
Jump ball	جمبال: پرتاب توپ بمطور عمودی توسط داور بین دو بازیکن مخالف در بالاترین نقطه، که آنها جهت زدن توپ باید پرش کنند
Jump ball alignment	آرایش بازیکنان در خلال جمبال
Jump ball box alignment	آرایش بازیکنان در جمبال به شکل مربع: (در این نوع آرایش دایره جمبال به شکل یک مربع فرضی می‌باشد که چهار گوشه آن را هم تیمی‌های بازیکن جمبال کننده تش کیل می دهند. به گونه‌ای که دو خط از این مربع موازی و دو خط دیگر قائم بر مرکز یا خط پرتاب آزاد می‌باشند)
Jump ball diamond alignment	آرایش بازیکنان در جمبال به شکل لوزی: (دایره جمبال به شکل یک لوزی فرضی درج می‌گردد که چهار گوشه آن را هم تیمی‌های بازیکن جمبال کننده تش کیل می دهند. در این حالت دو بازیکن در مرکز یا در خط پرتاب آزاد و دو بازیکن دیگر در رأس دو دایره میانی زمین قرار می‌گیرند)
Jump ball plays	حرکات از پیش برنامه‌ریزی شده به منظور کاربرد آن در خلال حرکت جمبال
Jump ball situations	بازی‌ها یا موقعیت‌هایی که در خلال جمبال به کار گرفته می‌شود
Jump to the ball	۱- پرش بمطرف توپ، پرش بمطرف حریف مالک توپ ۲- پرش به طرف توپ در یک آرایش مثلی
Keep the ball within your vision at all times	توپ باید همیشه در میدان دید بازیکن باشد
Kick of the ball	پاس
Kick the ball out	پاس دادن به هم تیمی بیرون از محدوده‌ی حلقه در زمان‌هایی که محدوده‌ی زیر حلقه شلوغ باشد
Kill the ball	زمانی که بازیکن مالک توپ در بیل را متوقف می کند. اعلام می شود (توپ مرده) تا هم تیمی‌ها از این وضعیت آگاه شوند
Leather	۱- چرم، پوست کننده شده حیوانات (که برای تولید توپ استفاده می‌شود) ۲- توپ بسکتبال
Leather ball	توپ بسکتبال که از پوست چرم حیوانات ساخته می‌شود
Line of the ball	خط فرضی که به طور عرضی از توپ تا خط مرکزی زمین که آن هم بمطور فرضی دو سبد را به هم متصل می‌کند کشیده شده است (همه مدافعین به هنگام دفاع باید عقب‌تر از این خط

	جاگیری نماخذ
Live ball	۱- توپ زنده، توپی که در جریان بازی باشد ۲- توپ قبل از متوقف کردن دربیبل
Long ball	بازی توپ درفاصله ۹ تا ۱۰ متری از حلقه (بازی تأخیری)
Loose ball	توپ خارج از کنترل تیم، توپ سرگردان یا بدون صاحب
Loose ball foul	مرتکب خطا شدن در خلال بدهست آوردن یک توپ سرگردان یا بدون صاحب
Loose ball recovery	به چنگ آوردن توپ سرگردان یا بدون صاحب
Loose ball recovery and dribble	بدهست آوردن توپ سرگردان یا بدون صاحب و دریبل کردن آن
Lose the ball	ناپتان بودن در نگاه داشتن توپ، ناکام ماندن از بدهست آوردن توپ
Loss of the ball	ناکام ماندن از بدهست آوردن توپ، از دست دادن توپ، ناکام در بدهست آوردن یا گرفتن یا دریافت کردن توپ
Maintain possession of the ball	کنترل توپ را در دست گرفتن
Man-ball-basket triangle	نحوه‌ی استقرار دفاعی که مدافع در این حالت در رأس مثلثی جاگیری می کند که در رأس دیگر مهاجم و در رأس دیگر بازیکن مالک توپ و در سمت دیگر سبد قرار دارد
Man with ball	بازیکن مالک توپ، حریف مالک توپ
Man without ball	بازیکن بدون توپ، حریف بدون توپ
Medicine ball	توپ تمرینی که از توپ بسکتبال سنگین تر است (مدیسنبال)
Meet the ball	رفتن بمطرف توپ
Men off the ball	بازیکنان دور از توپ
Movement without the ball	حرکات بازیکن بدون توپ (سد کردن، پرش، گول زدن)
Move to the ball	۱- دوییدن بمطرف توپ ۲- دوییدن جهت بدهست آوردن توپ ۳- دوییدن برای ایجاد سد بهلی هم تیمی مالک توپ
Muff-ball situation	وضعیتی که به علت بد گرفتن یا بد نگاه داشتن توپ به وجود می آید (یک واژه که از بهیبال گرفته شده است)
No-bounce ball scrimmage	بازی تمرینی بدون دریبل، ممنوع کردن دریبل در بازی تمرینی به منظور تقویت پاس کاری و کار تیمی
Obtain possession of the ball	دریافت کردن توپ، بدهست آوردن توپ
Off ball screen	ایجاد سد حمله دورتر از هم تیمی مالک توپ
Offensive jump ball	آرایش در یک شرایط جمبال که بازیکنان یک تیم از لحاظ پرش و بلندی قد نسبت به تیم دیگر برتری داشته باشند
Offer help on the ball	کمک کردن به هم تیمی مالک توپ
Off the ball	دور از توپ
Off the ball contact	برخورد بدن بازیکنان بدون توپ
Off the ball coverage	دفاع کردن از بازیکنان بدون توپ
Off the ball defense	محافظت از بازیکنان بدون توپ
On ball coverage	دفاع کردن از حریف مالک توپ

On ball screen	ایجاد سد برای هم تیمی مالک توپ
On the ball	حالت دفاعی در برابر بازیکن مهاجم مالک توپ
On the ball defense	بازی دفاعی درگیرانه علیه بازیکن مالک توپ
Open to the ball.	۱-رها شدن، آزاد شدن برای دریافت توپ ۲-برگشتن بهطرف توپ
Open up toward the ball	چرخش به سمت حریف مالک توپ، یک دست را به طرف یک بازیکن و دست دیگر را به سمت بازیکنی که مسئولیت دفاع آن به عهده شماست دراز کردن
Opponent with ball	حریف مالک توپ
Opponent without ball	حریف بدون توپ
Opposite ball position	روبه رو شدن با بازیکن مالک توپ
Original ball position	مکان اولیه توپ در هنگام شروع یک حمله یا یک حرکت
Over the ball position	۱-خارج از موقعیت توپ (در رابطه با سبد) ۲-بالتر از موقعیت بازیکن با توپ
Path of the ball	مسیر حرکت توپ
Paw up at the ball	زدن توپ قبل از این که حریف آنرا به دست آورد
Perceptible stopping of the ball	توقف قابل رویت حرکت توپ (پایان دربیبل کردن)
Pick up a ball	برداشتن توپ از روی زمین
Pick up a loose ball	به دست آوردن توپ سرگردان و بدون مالک
Pick-up the ball	۱-برداشتن توپ از روی زمین ۲-دفاع کردن بر ضد حریف مالک توپ
Pick-up the ball handler	متوقف کردن حریف مالک توپ
Player off the ball	بازیکن مدافع که از حریف بدون توپ دفاع می کند
Player on the ball	بازیکن مدافع که از حریف مالک توپ دفاع می کند
Player-to-player pressure on the ball	بازی یک علیه یک از حریف مالک توپ
Point of the ball	موقعیت توپ، بازیکن مالک توپ
Point the ball	بازی کردن علیه حریف مالک توپ
Positive control of the ball	کنترل مطلق توپ، تسلط کامل بر توپ
Possession of the ball	کنترل کردن توپ، مهار کردن توپ
Pressure on the ball	یورش به طرف توپ، دفاع درگیرانه بر علیه حریف مالک توپ
Pressure the ball	دفاع درگیرانه بر علیه حریف مالک توپ
Primary ball handler	بازیکن توپ بخش کن
Professional ball	بسکتبال حرفه ای، که بازیکنان آن حقوق دریافت می کنند
Push the ball	نفوذ کردن با توپ به طرف حلقه
Push the ball through the neting	امتیاز کسب کردن
Put the ball back up	کسب کردن امتیاز توسط ریباوند، با سرانگشت توپ را بعد از ریباوند حمله به داخل حلقه

	انداختن، پرتاب توپ بمطرف حلقه بعد از دریافت از حلقه
Put the ball down	آغاز عمل دریبل کردن
Put the ball into play	پرتاب توپ از خارج از زمین
Put the ball on the floor	شروع به دریبل کردن
Put the ball through the hoop	امتیاز کسب کردن
Put the ball to the floor	توپ را برای ایجاد تعادل قبل از شوت یکبار به زمین زدن
Put the ball up	پرتاب کردن توپ به داخل حلقه
Reach for the ball	گرفتن توپ
Receiving the ball	دریافت توپ از هم تیمی
Roll the ball	حرکت دادن و غلطاندن توپ روی سطح زمین
Roll the ball on arms	غلطاندن توپ روی دست هایی که از پهلو بالا می آید
Rotate the ball	چرخاندن توپ
Rubber ball	توپ بسکتبال (تویی که از پلاستیک ساخته شده)
Run for ball	دنبال کردن توپ، دویدن به دنبال توپ
Save the ball	۱- صرف نظر کردن از توپ، از دست دادن تعمدی توپ ۲- حفظ توپ ۳- حفظ توپ دار درون چارچوب زمین و مراقبت از اینکه توپ به بیرون نرود (بعضی از مربیان به بازیکنان خود هشدار می دهند تا زمانی که مطمئن به قطع توپ یا دریافت آن نیستند آن را رها کرده و اجازه دهند توپ به بیرون برود)
Schoolyard ball	تعریف طعنه آمیز از یک تیم دانشگاه و یا یک تیم حرفه ای بمخاطر بازی ضعیف
Screen away from the ball	ایجاد سد دورتر از بازیکن مالک توپ
Screen comes to the ball	نزدیک شدن بمعنظور ایجاد سد برای بازیکن مالک توپ
Screen to the ball	ایجاد سد بمطرف توپ
Sense-of-ball	داشتن احساس نسبت به توپ
Shadow shoot without a ball	وانمود کردن به شوت بدون داشتن توپ
Shagging ball	گرفتن توپ از ریاند حمله و در پی آن چرخش توسط ریابندکننده برای شوت
Share the ball	بازی تیمی، تشخیص ضرورت کار تیمی
Sight the ball	زیر نظر داشتن توپ، نگاه کردن توپ، ارزیابی کردن توپ
Slippery ball	توپ لغزنده، توپ سُر و لَزج
Smother the ball	متوقف کردن، عقب راندن حریف مالک توپ
Snatch the ball	۱- خارج کردن توپ از دست حریف ۲- تقلا کردن برای به دست آوردن توپ
Split the ball and the man	گرفتن حالت دفاعی بین توپ و حریف ههاجم (بمطوری که هم مالک توپ و هم بازیکنی که از او دفاع می شود را بتوان دید)
Stabbing the ball	زدن توپ
Stationary screen away from the ball	ایجاد سد ثابت برای هم تیمی دور از توپ که امکان برش از سد را برای دریافت توپ ایجاد کند

Stationary screen on the ball	ایجاد سد ثابت برای هم تیمی مالک توپ
Steal the ball	گرفتن توپ، قاپیدن توپ، تلاش برای گرفتن توپ
Step ball side	برش کردن به طرف قوی زمین
Step toward ball, stop , change direction and take pass over	یک گول قبل از دریافت توپ: بهطرف هم تیمی مالک توپ قدم برداشتن و توقف حرکت ، سپس تغیی مسیر جهت رهایی یافتن از حریف برای دریافت پاس
Striking the ball with the fists	زدن توپ با مشت (که خطا محسوب می شود)
Strive for a ball	کوشش کردن برای به دست آوردن توپ
Strong with the ball	بازیکن در موقعیت تهدید سه گانه (امکان استفاده از پاس، شوت، دریبل)
Swing the ball	برگرداندن توپ به سمت ضعیف زمین (سمتی که توپ در جریان نباشد)
Synthetic ball	تویی که از ترکیب مواد مصنوعی ساخته شده باشد
Tap the ball	ضربه زدن به توپ (ضربه والیالی)
Tie the ball	قاپیدن توپ زمانی که مهاجم دریبل خود را قطع کرده و توپ را گرفته است به منظور ایجاد موقعیت جمبال ۲- بستن و سد کردن مسیر دریبل
Tip the ball away	ضربه زدن به توپ جهت دور کردن آن
Tip the ball in	اجرای شوت ثانویه از ریباند با ضربه ملایم با سر انگشتان، زدن توپ ریباند یا توپ برگشتی از حلقه با سر انگشتان
Throw the ball up	بالا انداختن توپ، پرتاب توپ بهطرف بالا
Toss the ball	بالا انداختن توپ، پرتاب توپ بهطرف بالا به صورت افقی (در جمبال)
Touch the ball	گرفتن یا زدن توپ به زمین به منظور پیدا کردن احساس نسبت به آن
Toward the ball	در مسیر توپ، بهطرف توپ
Transfer the ball	ارسال توپ یا پرتاب توپ بهطرف هم تیمی در سمت دیگر زمین، اجرای پاس بلند
Trapping the ball	ایجاد تله برای بازیکن مالک توپ حریف
Tuck the ball	گرفتن توپ (با دست های چسبنده)
Turn the ball over	از دست دادن توپ (که انتقال بازی حمله به دفاع را در پی دارد)
Two ball dribble drill	تمرین دریبل با دو توپ در یک زمان
Wake-up drills ( with and without ball )	تمرینات هیجان انگیز و پرشور (با توپ و بدون توپ)
Weighted the ball	توپ سنگین برای تمرین
Whip the ball back	پاس سریع به عقب با یک دست، شبیه زدن شلاق
Work the ball into the post	آوردن، یا حرکت دادن توپ بهطرف بازیکن سانتر
Ball the jack	سریع رفتن
Baloney(also : Boloney , Bologny )	۱- چیزهای متوسط و ضعیف ۲- بی احساس
Bambino	بازیکن قوی، محکم
Banana cut	برش بصورت منحنی، دوییدن در مسیر شکل منحنی، برش به شکل موز

Banana head	شخص کودن، احمق
Banana offense	نوعی مهارت حمله که در آن بازیکنان در زمین بازی پخش شده و بازیکنان بال به سمت جلو و عقب حرکت می کنند تا خود را آزاد نمایند
Banana route	مسیر منحنی برش
Band	سر بند، نوار
Bandage	بانداژ کردن (مجروح)
Bang	۱- بمپور ناگهانی ۲- اطلاعات درونی ۳- گرفتن
Banger	۱- بازیکنی که توپ را به سرعت و بمپور ناگهانی داخل حلقه می اندازد، بازیکنی که به طور ناگهانی توپ را داخل حلقه اسپیک می کند ۲- بعضی چیزهای بزرگ
Bangers	مشت ها
Bang-out(also: - up)	رضایت بخش، مسرت بخش، کافی، مناسب
Bang up to the mark	درجه یک، عالی، مرغوب
Banish	رد کردن، کنار گذاشتن، از زمین اخراج کردن
Bank ball off the backboard into hoop	زدن توپ به زاویه‌ی مناسب تخته که توپ به داخل سبد رفته و گل شود
Bankboard	تخته حلقه بسکتبال
Banker	شوت غیر مستقیم، شوت تخته کش
Bankroller	حامی، بانی، برگزار کننده
Bank shot	شوت غیر مستقیم، شوت تخته کش
Banty	بازیکن کوتاه قد
Bar	کنار گذاشتن، اخراج کردن، راه ندادن
Bark	پوست انسان
Barking dogs	پاهای خسته
Barrier	مانع، سد، نرده
Base	۱- پایه، اساس ۲- حالت ایستادن با پاهای از هم باز (طرز ایستادن در دفاع)
Baseball outlet pass	اولین پاس بلند بیسبالی که شروع ضد حمله را در پی دارد
Baseball pass( right or left handed)	پاس بلند بیسبالی با دست راست یا چپ
Baseline=Base line (Eng.)	خط عرضی زمین بازی
Baseline cutting	برش کردن بمطرف یا در امتداد خط عرضی زمین بازی
Baseline drive	دویدن با توپ بمطرف خط عرضی
Baseline inbounds play	شروع بازی از پشت خط عرضی
Baseline jump shot	شوت جفت از نزدیک خط عرضی
Baseline man	موقعیت بازیکن مدافع نزدیک خط عرضی
Baseline shot	پرتاب توپ بمطرف حلقه نزدیک خط عرضی
Baseman	بازیکن مدافع نزدیک خط عرضی

Basement	زیر زمین، سرداب، در گذشته بسکتبال در سالن‌های زیر زمین بازی می‌شده، زمین بسکتبال
Basement fest	بازی بسکتبال
Basement game	بازی بسکتبال
Basement gang	تیم بسکتبال
Base of the triangle	خطی که بر اساس یک الگوی مثلثی بنا می‌شود
Basic	مقدماتی، ضروری، اساسی، پایه‌ای
Basic fundamentals	اصول مقدماتی بسکتبال
Basic pattern	آرایش اولیه تیم در زمین بازی، آرایش اولیه بازیکنان در دفاع یا حمله
Basic play pattern	طرح اولیه بازی
Basic six shots	شش نوع شوت اصلی در بسکتبال: ۱- شوت دو دست ۲- شوت یک دست ۳- شوت دو دست از پائین ۴- شوت یک دست از پائین ۵- شوت جفت ۶- شوت هوک
Basic skills	توانایی‌های اصول مقدماتی بسکتبال
Basic stance	طرز ایستادن اولیه در بسکتبال
Basic starting positions	موقعیت اولیه بازیکنان در شروع بازی
Basin	لگن
Basket	حلقه یا سبد در بازی بسکتبال
Bucket	(سطل) حلقه بسکتبال، سبد
Cage	سبد، حلقه بسکتبال (قفس، لانه)
Hamper	سبد، حلقه بسکتبال (سبد با سرپوش، سبد برای هدیه)
Hole	سبد، حلقه بسکتبال (سوراخ، نقب، حفره)
Hopper	سبد، حلقه بسکتبال (قف)
Iron	حلقه، حلقه بسکتبال
Pocket	حلقه بسکتبال (جیب، کیسه)
Pot	حلقه بسکتبال (تنگ، پارچ)
Rack	حلقه بسکتبال (قفسه)
Trash	حلقه بسکتبال (خاک‌انداز)
Basketball	۱- بازی بسکتبال ۲- توپ بسکتبال
American game	بازی بسکتبال (بخاطر اینکه بسکتبال در ایالت متحده آمریکا ابداع شده است به این نام خوانده می‌شود)
Basement fest	بازی بسکتبال
Basement game	بازی بسکتبال
Basket tussle	(تلاش، مبارزه در بسکتبال) بازی بسکتبال
Big man's game	بازی بسکتبال
Gage game	بسکتبال در قفس: (این واژه در زمان‌های گذشته کاربرد داشت زیرا در آن زمان بسکتبال حرفه‌ای در زمین‌های بازی می‌شد که دور تا دور آن با شبکه توری احاطه گردیده بود تا توپ از زمین خارج نگردد)



Cage go	بازی بسکتبال
Gage tussle	(تلاش، مبارزه در بسکتبال) بازی بسکتبال
Casaba game	بازی بسکتبال
City game	(تجدید خاطره از زمان‌هایی که بسکتبال فقط در شهرهای بزرگ بازی می‌شد) بازی بسکتبال
Collegiate ball	بازی بسکتبال
Court fray	بازی بسکتبال
Dance	(تجدید خاطره از روزهای گذشته بسکتبال که در سالن‌های رقص، قبل از آغاز رقص مسابقه بسکتبال صورت می‌گرفت) بازی بسکتبال
Hardwood game	بازی بسکتبال در زمینی که کف آن از چوب سفت ساخته شده، بازی بسکتبال
Hoop bombardment	(بمباران حلقه یعنی گل باران کردن حلقه بسکتبال) بازی بسکتبال
Hoop fest	بازی بسکتبال
Hoop go	(بزن بریم بسکتبال)، بازی بسکتبال
Hoop meet	(دیدار بسکتبال) مسابقه بسکتبال
Hoops	حلقه‌ها، سبدها، بازی بسکتبال
Hoop tilt	(حمله علیه حلقه) مسابقه بسکتبال، بازی بسکتبال
Maplewood	بازی بسکتبال در زمینی که کف آن از چوب افرا ساخته شده است، بازی بسکتبال
Basketball Association of American (BAA)	لیگ حرفه‌ای در سال ۱۹۴۶ با یازده باشگاه موجود آمد. سه سال بعد با ادغام لیگ بسکتبال ملی به این لیگ اتحادیه ملی بسکتبال (NBA) تأسیس شد
Basketballer	بازیکن بسکتبال
Basketeer	بسکتبالیست، بازیکن بسکتبال
Bucket boy	بسکتبالیست، بازی (بازیکن پرتاب کننده توپ بمطرف حلقه) بسکتبال
Cager	بسکتبالیست، بازیکن بسکتبال
Casaba tosser	(بازیکن پرتاب کننده توپ بمطرف حلقه) بسکتبالیست
Court man	بسکتبالیست
Hardwooder	بازیکنی که روی کف زمینی که از چوب سخت ساخته شده بازی می‌کند، بازیکن بسکتبال
Hardwoods man	بازیکنی که روی کف زمینی که از چوب سخت ساخته شده بازی می‌کند، بسکتبالیست
Hoop man	بسکتبالیست
Hoopster	بسکتبالیست
Basketballist	بسکتبالیست
Basketball jump	پرش از روی تویی که روی زمین قرار دارد
Basketball junky	(خو گرفته به بسکتبال) تماشگری که به بسکتبال خو گرفته (این واژه توسط مربی دانشگاه لوتران کالیفرنیا استو اسپنسر در سال ۱۹۹۰ به‌کار می‌رفته)
Basketball position	طرز ایستادن یا موقعیت در تمرینات بسکتبال

Basketball protocol	برنامه تمرین بسکتبال
Basketball rack	قفسه برای توپ های بسکتبال
Basketball scholarship	دادن کمک هزینه به دانش آموزانی که توانایی های عالی در بسکتبال دارند
Basketball sense	احساس نسبت به بسکتبال، شور و اشتیاق نسبت به بسکتبال
Basketball shoes	کفش های بسکتبال
Basket climber	بازیکنی که از ریاند خوبی برخوردار است، بازیکن خوش ریاند
Basketed	شکست، باخت
Basketeer	بازیکن بسکتبال
Basket hanger	۱- بازیکنی که همیشه نزدیک حلقه حمله حضور دارد ۲- بازیکنی که به تنهایی و بدون دفاع حریف برای کسب امتیاز به طرف حلقه می دود
Basket hawk	بازیکنی که از شوت های خوبی برخوردار باشد
Basket interference	اختلال در شوت
Basket ring	حلقه بسکتبال
Basket sniper	بازیکن شوت زن
Basket stanchion	پایه یا دستگاهی که تخته و حلقه به آن متصل می شود
Basket support	وسیله ای که حلقه را به تخته متصل می کند
Basket tussle	بازی بسکتبال (کوشش یا جنگ برای رسیدن به کسب امتیاز)
Aim at basket	نشانه رفتن حلقه
Back-to-the-basket pivot	چرخش (پیوت) از موقعیت پشت به حلقه
Beat to the basket	خشی کردن تلاش های ریاند حریف
Biddy basketball	ابداع مینی بسکتبال در سال ۱۹۵۱ که توسط جی آرچر برای بچه های ۹ تا ۱۲ ساله در آمریکا ابداع شد.
Change of baskets	تعویض زمین بازی
Cheap basket	حلقه ارزان، حلقه آزاد، کسب امتیاز در یک موقعیت مناسب
Check the on a defensive man	تلاش جهت نفوذ به طرف حلقه علیرغم وجود یک مدافع
Choice of basket	امتیاز یا حق انتخاب حلقه
Cutting to the basket	دویدن، نفوذ کردن، برش کردن به سمت حلقه، یا موقعیت نزدیک به حلقه
Cut to the basket	دویدن به طرف حلقه
Disallowed basket	گل مرود، شوتی که پذیرفته نشود
Drive into the basket	برش قوی زیر حلقه
Drive-to the basket	برش قوی به طرف حلقه
Easy basket	کسب کردن امتیاز بدون مقاومت حریف
Easy transition basket	کسب امتیاز سریع بعد از تغییر کنترل بازی زمانی که هنوز حریف دفاعش را سازماندهی نکرده است

Facing away from the basket	موقعیت پشت به حلقه
Facing the basket	موقعیت رو به حلقه
Fake shot short of the basket	وانمود به شوت و فرستادن شوت مانند پاس به زیر سبد
Find the basket	امتیاز کردن کسب
Give-away basket	کسب امتیاز توسط حریف به خاطر بی دقتی بازیکن خودی
Grasp the basket	گرفتن حلقه
Hold the basket	گرفتن حلقه
Made basket	کسب امتیاز
Man-ball-basket triangle	نحوه‌ی استقرار دفاعی که مدافع در این حالت مدافع آن در رأس مثلثی جاگیری می کند که در رأس دیگر مهاجم و در رأس دیگر بازیکن مالک توپ و در سمت دیگر سبد قرار دارد
Missed basket	شوتی که منجر به گل نمی شود
Miss the basket	گل نزدن، امتیاز کسب نکردن
Opponent's basket	حلقه تیم مقابل (بر اساس قوانین فیبا: حلقه حمله، مطابق با قوانین آمریکا: حلقه دفاع)
Opposite basket	۱- رو به رو حلقه ۲- حلقه در طرف دیگر زمین
Outside toward basket	۱- نفوذ به طرف حلقه از منطقه پیرامونی ۲- برش به طرف حلقه از پشت سر هم تیمی یا از پشت سر مدافع حریف
Own basket	حلقه تیم خودی (بر اساس قوانین فیبا: حلقه دفاع، مطابق با قوانین آمریکا: حلقه حمله)
Professional basketball	بسکتبال حرفه‌ای، بازی بسکتبال که بازیگران آن حقوق دریافت می کنند
Regulation basket support	وسیله‌ای که طبق قوانین بازی حلقه را به تخته متصل می کند
Set up a basket	پاس دادن برای شوت، بالا آوردن توپ به منظور شوت
Set up basket	شوت آسان، راحت
Shoot facing the basket	پرتاب توپ به طرف حلقه از روبروی آن
Square off to the basket	رودر روی حلقه ایستادن
Step-away shot under basket	قدم برداشتن به عقب و فاصله گرفتن از سبد و بلافاصله به طرف سبد چرخیدن و اقدام به شوت در زیر سبد کردن
To the basket	در مسیر حلقه، به طرف حلقه
Touch the basket	قرار دادن انگشت، دست، بازو یا هر عضو بدن در تماس با حلقه، لمس کردن حلقه
Under-the-basket area	محدوده زیر حلقه یا نزدیک به حلقه
Under-the-basket-shot	پرتاب توپ به طرف حلقه از زیر آن
Unopposed basket	پرتاب شوت بدون دفاع حریف
Winning basket	شوتی که پیروز بازی را تعیین می کند
Bat	ضربه زدن، بالا انداختن
Bat around	پرسه زدن، وقت تلف کردن (در خلال تمرین)
Bat the ball out of hands of the	خارج کردن توپ از دست‌های بازیکن حریف

opponent	
Battery of tests	گروه آزمون‌های کارایی افراد
Battle	۱- جنگ، تلاش، مبارزه ۲- مسابقه
Battle cry	۱- فریاد بلند یک تیم هنگام وارد شدن به زمین بازی ۲- نطق تهییجی، سخنرانی که انگیزه تیم را افزایش می‌دهد
Battle for positions	تقلا کردن برای بعدست آوردن موقعیتی در زمین بازی
Battleships	پاهای بزرگ
Bawl out	سرزنش کردن، مؤاخذه کردن
Be a bug on (also: - about	پرشور و شوق بودن، مشتاق بودن
Be all for (also: - hot for, - solid for,- strong for)	حامی بودن، از کسی حمایت کردن
Be a man	مردانه بازی کردن، پرجرات بودن
Bean	کله، سر، فهم
Beany	با روح، سرزنده
Bearcats	نام تیم بسکتبال دانشگاه سینسیناتی. در سینسیناتی که در کنفرانس کریت میدوست بازی می‌کند
Bear down	برنامه‌ریزی برای یک مهاجم خاص: فشار آوردن بر او، به عقب راندن او و جهش کردن در برابر او
Bears	نام تیم بسکتبال دانشگاه واشینگتن در (منتانا)
Beat	۱- در هم کوبیدن، شکست دادن، چیره شدن، برتری داشتن بر، پیشی گرفتن از ۲- خسته، کاملاً وامانده
Beatee	۱- بازنده ۲- تیم شکست خورده
Beaten down to the ankles	کاملاً خسته
Beat feet	دویدن
Beating	شکست، باخت
Beating opponent to position	اشغال کردن موقعیت حریف
Beat out	۱- خسته ۲- پیشی گرفتن از
Beat reporter.	وابستگی گزارش گر فقط به یک تیم
Beat switches	خنثی کردن تغییر موقعیت مدافعین
Beat the defense down the floor	جا گذاشتن دفاع به هنگام حمله به سمت سید
Beat the game	پیروز شدن در بازی
Beat the opponent	جا گذاشتن حریف، حریف را پشت سر گذاشتن
Beat the opponent on the outside	جا گذاشتن حریف و از منطقه پیرامونی اقدام به شوت کردن
Beat the press	خنثی کردن فشار، گریختن از فشار
Beat-the switch tactics	خنثی کردن تغییرات موقعیت مدافعین
Beat the zone	خنثی کردن دفاع منطقه ای (با شوت های پیرامونی، بازی کردن، به صورت باز، نفوذ و پاس های منجر به امتیاز)

Beat to the basket	خنثی کردن تلاش ریباند حریفان
Beat to the ground	کاملاً خسته شدن
Beat to the spot	پیشی گرفتن از حریف در بهترین موقعیت مناسب
Beat writer	روزنامه نگار وابسته به یک تیم
Be beat (also: -licked, -skinned)	جا ماندن، شکست خوردن
Be big	شجاع بودن، دلیر بودن
Be howled over	شوکه شدن، شگفت زده شدن، غافل گیر شدن
Beckon	اشاره کردن (با سر یا دست)، با اشاره صدا زدن، اجازه دادن به بازیکن ذخیره برای ورود به میدان، صدا زدن هم تیمی با اشاره
Be cold on	بی تفاوت بودن، بی علاقه بودن
Be crossed ( up )	به اشتباه نتیجه بازی را پیش بینی کردن
Beef	۱- قدرت بدنی ۲- عضلات ۳- بازیکن قوی
Beef up	۱- چاق شدن ۲- افزایش قدرت تیم، اضافه کردن بازیکن قدرتی به تیم، بالا بردن توانایی تیم
Beefy brute	بازیکن قوی
Beep-beep play	بازیکن بسیار سریع
Be going strong	در سلامت کامل بودن
Be great at (also: -in, -on)	ماهر بودن در
Behavior (Am.) = Behaviour ( Eng.)	رفتار، سلوک، طرز رفتار
Behemoth	بازیکن قوی، خشن
Behind	پسین، عقبی، خلفی، مؤخر
Behind-the-back dribble	دریبل زدن در پشت سر
Behind-the-back pass	پرتاب توپ از پشت کمر بمطرف هم تیمی
Be hot for	هوادار بودن، خواهان بودن، خواستار بودن، موافق بودن
Be in dutch	در مشکل بودن
Be in shape	در شرایط بدنی مطلوب بودن، قرار داشتن رو فرم، سر حال بودن
Be in the bag	مطمئن بودن به نتیجه بازی
Be in the pink	در سلامت کامل بودن، در شرایط بدنی مطلوب بودن
Be(also: feel) jittery	عصبی بودن، دستپاچه بودن
Bell ringer	پرنده، پیروز
Belly	شکم، بطن
Belly-up	۱- دفاع نزدیک به حریف مالک توپ بعد از متوقف کردن دریبل که توپ را آماده برای پاس یا شوت می کند و بالای سر می آورد ۲- فشار آوردن با شکم
Below	پائین تر، زیرتر، نزدیک تر به حلقه
Below par	کمتر از ارزش اسمی، کمتر از بهای اسمی، با تخفیف
Belt buckle	دبیدن ناف بازیکن جهت پرهیز از فریب خوردن به هنگام دفاع (مهاجم قادر است با تمام

	اعضای بدن خود شما را فریب دهد ولی ناحیه شکم او همواره ثابت است بنابراین اگر به مرکز شکم و ناف او تمرکز کنید فریب او را نخواهید خورد و مغلوب نخواهید شد)
Be mad for	خواستن، آرزو داشتن
Bench	۱- نیمکت تیم ۲- ذخیره کردن بازیکن، خارج کردن از زمین بازی
Bench coaching decisions	تصمیمات مربی در خلال بازی، رهنمودهای مربی از محدوده‌ی مربی تیم
Bench decorum	رفتار محترمانه در محدوده نیمکت تیم
Bench jumping	تمرین پریدن با دو پا یا جفت روی نیمکت ژیمناستیک
Bench polisher	بازیکف ذخیره که به ندرت داخل زمین می‌رود (در ترکیب قرار می‌گیرد)
Bench press	پرس سینه با وزنه روی نیمکت
Bench savvy	بازیکنانی که نیازهای بازی را درک می‌کنند
Bench scores	بازیکنان امتیازآوری که جزء پنج بازیکن شروع‌کننده بازی نباشند، بازیکنان امتیازآور ذخیره
Bench strength	بازیکنان ذخیره خوب
Bench warmer	بازیکن ذخیره که به ندرت وارد زمین می‌شود
Come off the bench	وارد شدن به زمین بازی بعد از ترک کردن نیمکت، وارد شدن به زمین بازی به عنوان یار ذخیره
Deep bench	ذخیره‌های خوب
Grace the bench	ذخیره
Long bench	نیمکت تیم با در اختیار داشتن تعداد کافی از ذخیره‌های خوب
Observer-to-bench telephone	تماس تلفنی مربی روی نیمکت با یک کمک که بازی را از جایگاه می‌بیند (کمک مربی)
Right off the bench	درست بعد از بلرغ شدن از نیمکت، درست بعد از این که بازیکن ذخیره وارد بازی می‌شود
Short bench	فاقد بازیکنان ذخیره خوب
Thin bench	فاقد بازیکنان ذخیره خوب
Warm the bench	باقی ماندن روی نیمکت، وارد نشدن به زمین بازی به عنوان ذخیره
Bend	متمایل ساختن، متمایل بودن، منحرف کردن، چرخیدن، خمیدگی، انحناء، چرخش
Bender	۱- بازو ۲- زانو
Bent	منحنی، خمیدگی، خم
Bent downward	خم کردن یا خم شدن به طرف پائین (شبه خم کردن دست‌ها به طرف پائین بعد از پرتاب دو دست از روی سر)
Bent knees	زانوهای خم و تا شده
Bent stand	طرز ایستادن با زانوهای خم در بسکتبال
Be O.k. for my dough	پیروز شدن در مسابقه
Be one too many for him	در برابر حریف بسیار قوی بودن
Be on the carpet	توبیخ شدن، سرزنش شدن

Be on the inside	تفوق داشتن
Be on the job	مراقب بودن، آگاه بودن
Be on the lift(also: on the make· On the mend·on the pickup·on the up-and-up)	اصلاح کردن بازی یک بازیکن
Be put on the rack	بستری شدن به خاطر جراحت یا بیماری
Be red- hot at the irons	دقیق بودن، دقت داشتن در به ثمر رساندن گل
Be right in the face	نزدیک شدن سریع به حریف هنگام پرش و نفوذ آن
Berth	موقعیت در تیم
Be sacked	اخراج شدن، کنار گذاشته شدن (از پنج نفر اصلی یا از تیم)
Beset	محاصره کردن، دور زدن، احاطه کردن
Be sharp as a razor	تیز بودن، باهوش بودن
Best bet	پیروزی احتمالی
Bestest	بسیار خوب، عالی
Best of five	سیستم بازی حذفی که با سه پیروزی برنده مشخص می شود
Best of seven	سیستم بازی حذفی که با چهار پیروزی برنده مشخص می شود
Best rebounded	بازیکن برجسته در اجرای ریباند
Best shooter	بازیکن برجسته در شوت، امتیازآورترین بازیکن
Bet money on	احساس اطمینان نسبت به نتیجه مسابقه
Better hole	موقعیت برتر، حالت بهتر، وضعیت ارجح
Between-the-legs pass	پاس به عقب از بین پاها
Be vocal	ارتباط با هم تیمی در زمین بازی با صدای بلند
Biceps	عضله دو سر بازو، عضله دو سر
Biddy basketball	بسکتبال مخصوص بچه ها در آمریکا، نمونه ای از مینی بسکتبال، که در سال ۱۹۵۱ توسط جی آرچر (یک مربی در مرکز کاتولیک جوانان در استراتون پنسیلوانیا) برای پسر ها و دخترهای ۹-۱۲ سال با قدی حدود ۶۶ اینچ (معادل ۱۶۶ سانتیمتر) ابداع شد . اندازه توپ این نوع بسکتبال کوچک تر از توپ بازی بسکتبال می باشد، ارتفاع سبد ۲۲۵ سانتیمتر و فاصله خط بیتاب آزاد تا سبد ۶۵ سانتیمتر می باشد
Biddy league	لیگ تیم های مینی بسکتبال
Big	با کامیابی، با موفقیت
Big and pronto	فوراً، به سرعت
Big baby	بازیکن بزرگ
Big beef	۱- بازیکن قوی، تنومند ۲- عضلات قوی و بزرگ ۳- بازیکن محکم
Big boy	شخص مهم
Big brother	شخص مدافع، حامی

Big bug	شخص مهم
Big cheese (also: potato- shot)	فرد پر آوازه، مشهور
Big dance	فینال مسابقات قهرمانی (تیم‌های ان سی ای ای)
Big forward	بازیکن بلند بال یا فوروارد بلندقد که می‌تواند بعنوان سانتر دوم بازی کند
Big-league	افراد و چیزهای مهم
Big man	بازیکن بلند، بازیکن سانتر
Big man camp	کمپ تابستانی برای بازیکنان بلند قد
Big man on campus	بازیکن یا دانش‌آموز معروف و مهم (اغلب یک رهبر در فعالیت ورزشی)
Big man's game	مسابقه بسکتبال
Big men against small men	بازی تمرینی بازیکنان بلند در برابر بازیکنان کوتاه‌قد
Big-mouthed	لاف زن، چاخان
Big name	شخص مشهور
Big season	فصل مهم
Big shot	شخص مهم، قهرمان، فردی که تازه به مقامی رسیده است
Big stuff	چیزهای مهم
Big tilt	مسابقه، بازی مهم
Big time	درجه یک، عالی
Big time hit	موفقیت، پیروزی
Bill of fare	بنامه مسابقات
Bite on that	در این خصوص فکر کنید
Bitter end	پایان بد یا غم‌انگیز از بازی
Bitter medicine	حریف سرسخت، حریف قوی
Black block	منطقه بلوک یا خنثی
Blackboard	تخته سیاه (یا سبز)
Black horse	بازیکن یا تیم خوب ناشناس
Black out	بیهوش شدن، از حال رفتن
Black spot	بی‌نظمی، بی‌قاعدگی
Bladder	۱- پیشابدان، مثانه ۲- کیسه، آبدان ۳- لایه داخلی توپ
Blah (also: Blah-blah)	بدون احساس صحبت کردن
Blast	۱- پرتاب توپ ناگهانی و بسیار قوی بمطرف حلقه ۲- ورزش، جریان هوا ۳- تندی، خشونت ۴- شکست دادن حریف
Blast out	پرتاب توپ با تمام قدرت
Blazers	تیم بسکتبال دانشگاه آلاباما در بیرمینگام (آلاباما) که در کنفرانس گریت میدوست بازی می‌کند
Blazing	زیاد، بسیار، بزرگ، عظیم
Bleachers	صندلی‌های استادیوم



Bleed	خون آمدن از، جاری شدن خون از
Bleeder	کسی که خونش می‌رود
Bleeding	خونریزی
Blimp	توپ
Blind	کور، ناآگاه
Blind catch	تمرین گرفتن توپ: توپ پشت سر بازیکن پاس داده می‌شود زمانی که توپ نزدیک دریافت کننده می‌رسد با یک علامت توسط پرتاب کننده، او بمطرف توپ می‌چرخد و توپ را دریافت می‌کند
Blind pass	پاس اتفاقی تصادفی
Blind pick	پیک کور، ایجاد سد نامحسوس بر روی بازیکن سد شونده که معمولاً از پشت او صورت می‌گیرد
Blind pig play	به هنگام پاس بده و برو اگر دریافت کننده بسته و حرکت لو رفته بود، بازیکن بال به وسط و نزدیک خط پرتاب آزاد حرکت کرده و با نشان دادن دست آمادگی خود را برای دریافت پاس به گارد نشان می‌دهد. در این حالت گارد توپ را به او پاس داده و او نیز توپ را به گارد دوم که با استفاده از بک دور (Back door) به سمت سید حرکت می‌کند پاس می‌دهد
Blind screen	ایجاد سد خارج از میدان دید حریف
Blind side	سمتی که در هنگام دریبل دیده نمی‌شود
Blind tom	داور
Blinky	بینایی ضعیف
Blister	تاوول
Blitz	حمله رعد آسا
Block	۱- سد، مانع، بلاک ۲- جلوی حرکت مهاجم را گرفتن، متوقف کردن ۳- ایجاد سد (اسکرین) ۴- جلوگیری غیر قانونی حرکت حریف ۵- زدن یا منحرف کردن توپی که بمطرف سید می‌رود ۶- منطقه بلوک در موقعیت پائین دو طرف منطقه کلید که مکان اول و دوم برای بازیکنان دو تیم را در هنگام پرتاب آزاد جدا می‌سازد (نقاط بین خط اول و دوم در دالان پرتاب): منطقه ۳ ثانیه در مسابقات حرفه ای NBA به صورت مستطیل است و در دو نقطه نیز به صورت مستطیل با ابعاد ۳۰.۸ در ۲۰.۳۲ سانتیمتر بوده و ۲۱۳ سانتیمتر با خط عرضی فاصله دارد و اغلب با رنگ مشکی نمایان است. این دو نقطه را بلک بلوک (لُبوک مشکی) نیز می‌نامند
Block and tuck	متوقف کردن توپ پاس داده شده با یک دست و گرفتن آن با دست دیگر
Block a pass	جلوی پاس را گرفتن
Block a shot	مانع شدن یا بلوک کردن شوت
Blocked shot	۱- شوت بلوک شده ۲- BKS ثبت آماری شوت های بلوک شده در NCAA
Blockee	بازیکن سد شونده

Blocker	بازیکنی که ایجاد سد می کند، بازیکن سدکننده
Blocking	۱- جلوگیری کردن از پرتاب توپ به داخل حلقه ۲- ایجاد مانع (یا چتر) بر روی توپ بازیکنی که آماده پرتاب آن بمطرف حلقه باشد ۳- هر گونه دفاع، ایجاد سد یا نگهداشتن غیر قانونی حریف
Blocking arm	۱- دستی که مانع حرکت حریف شود ۲- دستی که در بالای توپ یا بالای سر حریف در هنگام شوت زدن آن مانع ایجاد می کند
Blocking foul	۱- خطایی است که در آن بازیکن (دفاع یا حمله) با سد کردن مسیر قانونی حرکت حریف مرتکب آن می شود ۲- خطایی با سد کردن غیر قانونی بر روی بازیکن شوت کننده
Blocking out on the free throw line	سد کردن طول مسیر تا موقعیت خط پرتاب آزاد
Block off	جلوگیری کردن حرکات، مسدود کردن یا بستن موقعیتها (مخصوص در شرایط ریباند)
Block off the board	بستن موقعیت های ریباند
Block out	بلاک تخته: حرکتی توسط بازیکن مدافع یا حمله برای توپ گیری یا ریباند از حلقه ؛ در این حرکت بازیکن بعد از یک حرکت چرخشی که پشتش بمطرف حریف و رویش را به طرف حلقه می باشد و در حالی که روی زانو خم شده و باسن خود کمی به عقب داده و سعی در اشغال فضای بیشتری در زیر حلقه است، به این ترتیب مسیر حرکت حریف را به زیر حلقه سد می کند و در این حالت به راحتی عمل ریباند را انجام می دهد.
Blackout position	هر موقعیت دلخواه که بازیکن مانع دستیابی حریف به آن شود
Block out the crowd	خنثی کردن تأثیر تماشاگران
Block screen	۱- ایجاد سد در منطقه بلوک ۲- ایجاد سدی که مانع حرکت سدشونده می شود
Block the drive	ممانعت کردن از نفوذ یا برش حریف
Block-to-block	حرکت یا مانور در موقعیت پائین از منطقه بلوک به منطقه بلوک در سمت مقابل منطقه کلید
Block-to-block slides	تمرین حرکت سر خوردن از منطقه بلوک به سمت دیگر منطقه بلوک در سمت مقابل منطقه سه ثانیه در عرض منطقه کلید
Block-to-elbow shooting	تمرین شوت از موقعیت پائین تا موقعیت بالا در خط کناری منطقه کلید ، شروع حرکت از منطقه کلید و پایان آن در گوشه زاویه بین خط کناری منطقه کلید و خط پرتاب آزاد
Block-up the passing lanes	بستن یا مسدود کردن مسیر پاس
Bloke	جوانک، مرد
Blood pressure	فشار خون
Blood vessels	عروق خونی، رگ، مویرگی که به وسیله آن خون در بدن به گردش درمی آید
Blood curdler(also: freezer)	چیز مهبج
Bloody drill	تمرینات طاقت فرسا
Bloody murder	شکست قاطع
Blooper	پرتاب موفقیت آمیز از راه دور
Blow	۱- دمیدن در سوت ۲- ضربه ناگهانی

Blow a fuse	جوش آوردن، از جا در رفتن، از کوره در رفتن
Blow a shot	خراب کردن پرتاب، از دست دادن یک فرصت آسان در بعدست آوردن امتیاز
Blow off	۱- اولین رویداد ۲- مراسم افتتاحیه رسمی ۳- پایان، خاتمه
Blow one,s bazoo	نپدادن، به رخ کشیدن، رجز خواندن
Blow the ball dead	سوت داور مبنی بر اعلام توپ مرده (تویی که از جریان بازی خارج می شود)
Blow the game	باختن به خاطر بی دقتی در بازی
Blow the lid off	آغاز فصل مسابقات
Blow(also: Bust- Muff-) the chance	شکست خوردن در مسابقه
Blow the title	شکست خوردن در مسابقات قهرمانی
Blow the whistle	علامت دادن با صدای سوت
Blowup	سرزنش
Blue demons	نام تیم بسکتبال دانشگاه دپل در شیکاگو که در کنفرانس کریت میدوست بازی می کند
Blue devils	نام تیم بسکتبال دانشگاه دوک در دورهام که در کنفرانس آتلانتیک کاست بازی می کند
Blue raiders	نام تیم بسکتبال دانشگاه میدل تنیس استیت در مور فرس برو که در کنفرانس اوهایوولی بازی می کند
Bluff	۱- قمیژ، چاخان ۲- فریب دادن حریف مالک توپ که جلو گیری از پیشروی آن را در پی دارد ۳- حرکت فریب دهنده ای که حریف مالک توپ را به اشتباه می اندازد و باعث از دست دادن توپ می شود
Blur	تمرین کار با توپ: پاها را به فاصله عرض شانه از هم باز می کنیم در حالی که یک دست از جلو و دست دیگری از پشت بر روی توپ در بین پاها قرار دارد، آن توپ را رها کرده و قبل از این که به زمین برخورد باعوض کردن جای دست ها آن را می گیریم (اگر این حرکات بسیار سریع صورت گیرد توپ همانند یک لکه بین پا به نظر خواهد رسید)
Board	ریباند، گرفتن توپ از حلقه
Board the craft	حفظ کردن موقعیت در تیم
Board tipping drill	تمرین پرش توأم با لمس کردن تخته
Board touched drill	تمرین پرش با توپ توأم با لمس کردن تخته به وسیله آن، بعد از هفت مرتبه لمس کردن تخته توپ را شوت می کنیم
Bob	متعادل کردن، تاب خوردن
Bobcats	نام تیم بسکتبال دانشگاه اوهایو در آتن که در کنفرانس مید آمریکن بازی می کند
Bob up and down	(شناور بودن مانند چوب پنبه روی آب) بالا و پایین پریدن، جست و خیز کوچک کردن
Bobble	۱- هل دادن، ضربه زدن ۲- حریف را مجبور کردن به دادن پاس (معمولاً در تله ها زمانی که حریف تحت فشار قرار می گیرد) ۳- پاس دادن ضعیف ۴- ضعیف و بی رمق بازی کردن
Bodily contact	تماس بدنی

Body	۱- بدن، تن ۲- بازی کردن، دفاع کردن، جلوی کسی را با بدن گرفتن
Body balance	تقسیم یکسان وزن بدن بر روی پاهای خم شده از ناحیه زانو
Body-building	قوی کردن عضلات بدن (با تمرینات قدرتی و وزنه)، زیبایی اندام
Body-check	هل دادن، تنه زدن
Body English	زبان اشاره
Body fake	حرکت گول با بدن
Body feint	حرکت گول با بدن
Body play	۱- بهکارگیری بدن بمعنوان ابزار بازی ۲- بازی خشن ۳- لازمه هماهنگی بدن جهت حرکات مناسب
Body position	طرز قرارگیری یک بازیکن در هنگام بازی
Body turn	چرخش بدن از بالا تنه
Boiling mad	عصبانی
Bomb	پرتاب سه امتیازه، پرتاب از راه بسیار دور
Bombardier	۱- بهترین بازیکن شوئیست ۲- بازیکن مهاجم
Bomber	بازیکن پرتاب کننده شوت سه امتیازی، بازیکنی که از راه بسیار دور پرتاب می کند
Bombshell	بازیکن پراثری، بازیکن نیرومند
Bonanza	خوشبختی، کامیابی
Bone	استخوان
Bone-bender(also: -breaker)	جراح
Bone crusher	بازیکن قوی
Bone doc	اورتوپد، متخصص بیماری های استخوان
Bonehead	بازیکن متوسط
Bonehead move	حرکت یا مانور احمقانه
Bone house	۱- بدن ۲- بیمارستان
Bone idle	تنبل
Boner	اشتباه مضحک، اشتباه الٰهی
Bone yard aggregation	تیمی متشکل از بازیکنان مسن و کهنه کار
Bonnet	سر
Bonus	۱- جایزه، پاداش
Bonus free throw	پرتاب آزاد اضافی
Bonus panel	علامتی که نشان گر برتری موقعیت تیم است (در ایران کاربرد ندارد)
Bonus situation	موقعیتی از بازی که در آن تیمی پرتاب آزاد اضافی دریافت کرده
Booby	۱- (احمق، ساده لوح، آدم بی دست و پا) ۲- بازیکنی که کمترین امتیاز را کسب نمود ۳- ه- پایین ترین امتیاز

Booby prize	جایزه برای کمترین امتیاز، جایزه برای تیمی که مقام آخر را کسب نموده است
Boom	بهبود سرعت بازی
Boost	۱- حمایت کردن ۲- هُل دادن ۳- بلند کردن ۴- بالا گرفتن ۵- هوادار ۶- نپایش کردن ۷- کمک کردن ۸- ترویج دادن، ترقی دادن
Booster	طرفدار، تماشاگر
Booster club	انجمن طرفداران
Boot	۱- عضو جدید، نوآموز ۲- آتش کردن، تخلیه کردن، خالی کردن
Border	۱- مرز ۲- سر حد، حاشیه
Boss	رئیس، مدیر
Bother	زحمت دادن، درد سر دادن
Both feet hit at the same time	با دو پا در یک زمان روی زمین فرود آمدن و در این شرایط هر پای می تواند پای پیوت باشد
Bottle	۱- فلاسک ۲- بستن، گیرانداختن، در منگنه قرار دادن حریف ۳- منطقه کلید با نیم دایره خارجی دایره پرتاب آزاد
Bottle up the opponent	بستن یا گرفتن بازیکن حریف
Bottom defender(also: -guard)	بازیکن مدافعی که در آرایش جفت مدافع در حالت اولیه بازی مدافعی، قبل از دایره پرتاب آزاد قرار می گیرد
Bottom of the backboard	لبه پایینی تخته بسکتبال (برای اینکه بازیکنان زمان لمس کردن آن صدمه ای نینند روی آنرا با لایحای می پوشانند)
Bounce	۱- دریل ۲- دریل زدن ۲- اخراج کردن (از تیم)
Bounce pass	پاس زمینی
Bouncer	دریل زن ضعیف
Bounce the ball to get the rhythm	زدن توپ به زمین یا دریل کردن توپ برای آماده شدن (شبهه زمان پرتاب آزاد)
Bound	۱- حدود، حد ۲- خیز برداشتن برای پریدن
Boundary	خط دور زمین بازی
Boundary lines	خطوطی که زمین بازی را مشخص می سازد، خطوط دور زمین بازی
Bounding	حرکت خیز به خیز، با خیز رفتن (با گام های کوتاه، زانو بلند) توأم با تکان دادن دست ها
Bowl	خارج از استادیوم
Bow-off	مسابقه آخر، فینال
Box	۱- منطقه ۳ ثانیه، منطقه رنگ، منطقه کلید ۲- تابوت ۳- نزدیک ترین مکان ها به حلقه در خطوط کناری منطقه کلید در شرایط پرتاب آزاد
Box alignment	آرایش چهار بازیکن بصورت مربع در دو طرف منطقه کلید : دو بازیکن بالا نزدیک به انتهای خط پرتاب آزاد و دو تای دیگر پایین در منطقه بلوک قرار می گیرند
Box and one	آرایش دفاع منطقه ای (۲-۲) و پنجمین بازیکن دفاع یارگیری را نیز بکار می گیرد
Box and one combination defense	دفاع ترکیبی: چهار بازیکن در آرایش دفاع منط قه ای (۲-۲) (دو بازیکن در موقعیت بالا

	نزدیک خط پرتاب آزاد و دو تای دیگر در موقعیت پایین در خطوط کناری منطقه کلید ( و بازیکن پنجم دفاع یارگیری را نیز بکار می گیرد
Boxer	بازیکنی که با تنه زدن حریف را از موقعیتش بیرون می کند
Boxer's footwork	حرکت پاها شبیه پایای یک بوکسوردر حال مبارزه (رقص پا)
Boxer's glide	حرکت پاها در حالت دفاعی (شبیه حرکت بوکسورها)
Boxer's shuffle	برداشتن پای دفاع با قدم های سریع که توسط مدافع برای زیر فشار گذاشتن حمله کننده استفاده می شود. در این حالت پاها همیشه با زمین تماس دارد و خیلی سریع روی زمین کشیده می شود
Boxer's slide	سر خوردن دفاعی توأم با تماس مداوم پاها با زمین
Box in	(قاب کردن) موقعیت داور که بتواند حرکات را در زمین به خوبی ببیند
Boxing out	۱- برتری یافتن بر ۲- بیرون کردن باهل دادن و تنه زدن
Box-office name	بازیکنی که نظهر تماشاگری را به خود جلب می کند
Box-out	بلاک تخته، اصطلاح دیگری برای سد کردن حریف قبل از حرکت ریباوند
Box-score	۱- مجموع پرتاب های موفق و ناموفق ۲- جدول کامل امتیازات
Box zone	آرایش دفاع منطقه ای (۲-۲) به شکل مربع که بازیکن پنجم دفاع یارگیری را بکار می گیرد
Brace	وسیله ای که حلقه را به تخته وصل می کند
Brace up	جرأت پیدا کردن، دلیر شدن
Bracing	۱- نیروبخش، فرح بخش ۲- آتل بندی
Brain-box	سر
Brains	مربی
Brake	جلوگیری، منع، جلوگیری کردن، بازداشتن
Brat	بازیکن سرکش
Braves	نام تیم بسکتبال دانشگاه برادلی در پ اوریا که در کنفرانس میسوری ولی بازی می کند
Brawl	نزاع و جدال
Breach	اختلال (در الگوی بازی)
Break	۱- شکستن، خرد کردن، نقض کردن ۲- وقفه ۳- گریختن ۴- نفوذ ۵- حمله ۶- شکست دادن، درهم شکستن، خرد کردن ۷- ضربه شانسی (در بازی)
Breakaway	نفوذ کردن در، عبور از مانع
Breakaway jam	اسپک کردن توپ داخل حلقه بعد از نفوذ یا عبور کردن از مدافع حریف
Breakaway foul	در مسابقات NBA به خطایی اطلاق می شود که به طور عمد بر روی بازیکنی که آزاد و بدون دفاع در حال برش به سمت سبد حریف است صورت می گیرد
Breakaway tactics	تاکتیک های یا فنون ضد حمله
Break back	برگشت سریع به عقب

Break behind	حرکت کردن از پشت سر هم تیمی خود به صورت قیچی
Break contact with the floor	بلند کردن پای پیوت که مطابق قانون خطا محسوب می شود
Breakdown	۱- از حال رفتن ۲- خرابی، از کار افتادگی
Break down drills	خُرد کردن تمرین به اجزای کوچکتر (برای تمرکز روی بخش های مختلف)
Breakdown into fundamental procedures	خُرد کردن الگوها و طرح های مختلف حمله به حرکت ها و تکنیک های پایه ای
Breakdown offense	تقسیم طرح حمله به بخش هایی که در آن بازیکنان بتوانند طرح حمله را رها کرده و از همان موقعیت اقدام به شوت کنند. (به Free lance Offence مراجعه کنید)
Break down into options	تقسیم طرح حمله به بخش های مختلفی که می توان با استفاده از آن ها حمله را به پایان رساند و دست بازیکنان برای انتخاب بخش های مختلف آزاد گذاشت (با توجه به حالت دفاع)
Breakdowns into smaller groups	تقسیم نفرات تیم به گروه های کاری کوچک تر
Break even	مساوی، تمام شدن بازی با نتیجه برابر
Break into the lineup	پیشرفت کردن در تیم
Break into the scoring column	به دست آوردن اولین امتیاز
Breaking offense	ضد حمله
Breaking the slump	پایان یافتن بحران
Breaking up the two man play	بر باد دادن یا برهم زدن بازی دو حریف
Break in off	ایست
Breakneck	بازیکن بی باک
Break off	به پایان رساندن، تمام کردن
Break the elbows	خم کردن دست از محل آرنج
Break the glass	از دست دادن شوت
Break the ice	کسب اولین امتیاز
Break the press	خشتی کردن دفاع پرس
Break the record	شکستن رکورد، بهترین نتیجه ممکن را کسب کردن
Break the stride	تغییر دادن مسیر
Break the tie	برتری یا پیشی گرفتن بعد از کسب امتیاز مساوی
Breakthrough	۱- نقطه برگشت، نقطه چرخش ۲- پیشرفت غیرمنتظره، رسوخ مظفرانه، عبور از مانع
Break through	موفق شدن، کامیاب شدن، نتیجه بخشیدن
Break through the trap	موفق شدن به گریختن از تله
Break up	دلسرد شدن
Delay the break	تأخیر انداختن در ضد حمله با حرکات دفاعی
End-of-the-break pattern	ضد حمله ثانویه، الگوی بازی ثانویه بعد از بی نتیجه ماندن ضد حمله اولیه
Fast break	ضد حمله
Fast break after stolen pass	ضد حمله بعد از یک انتقال که به واسطه قطع کردن پاس حریف انجام می شود
Fast break defense	دفاع در برابر ضد حمله

Fast breaking cutter	بازیکن مهاجمی که در ضد حمله شرکت می کند
Fast breaking team	تیمی که اساس حمله آن بر ضد حمله استوار می باشد
Fast break jumpers	ضد حمله ای که با شوت های جفت تمام می شود
Fast break pattern	الگوی ضد حمله (ضد حمله از پیش برنامه ریزی شده)
Fast break pointers	اندیشه های ضد حمله
Fast break thrust	آغاز ضد حمله، شروع ضد حمله
Five-man fast break	اجرای ضد حمله با پنج بازیکن
Four lane fast break	اجرای ضد حمله با چهار بازیکن
Free throw fast break	ضد حمله بعد از کسب امتیاز یا از دست دادن پرتاب آزاد حریف
Ignite the break	حرکت اولیه برای آغاز ضد حمله
Inception point of the fast break	نقطه شروع ضد حمله یا لحظه شروع ضد حمله
Patternized fast break	ضد حمله براساس الگو
Primary break	مرحله اولیه ضد حمله
Quick break	ضد حمله
Rebound fast break	ضد حمله بعد از ریباند از حلقه دفاعی
Score off the break	کسب امتیاز از ضد حمله
Secondary break	ضد حمله ثانویه که بعد از بی نتیجه ماندن ضد حمله اولیه و قبل از اینکه حریف به آرایش مناسب دفاع برگردد اجرا می شود
Short pass break	ضد حمله با پاس کوتاه
Sideline break	ضد حمله با پاس از خط کناری یا طولی
Sideline fast break	ضد حمله با پاس از خط کناری یا طولی
Slow break	۱- حمله آرام ۲- بازی برعکس ضد حمله؛ در این بازی حمله کنندگان عجله ای برای بردن توپ به طرف زمین حمله ندارند. این حرکت توسط تیمی انجام می شود که قصد زدن نقشه حمله ای را دارد.
Spearhead the fast break	رهبری کردن ضد حمله
Triangle approach at the fast break	شرایط ضد حمله سه بازیکن علیه دو مدافع، که سه بازیکن حمله با قرار گرفتن یکی از آنها روی خط پرتاب آزاد و دو بازیکن دیگر در موقعیت پائین در دو طرف سبد شکل مثلث را بوجود می آورند
Breath	تنفس، نفس، دم
Breathe	دم زدن، نفس کشیدن، استنشاق کردن
Breather	۱- بازی آسان ۲- استراحت
Breeze	با سرعت دور شدن
Breezy	بازیکن سریع
Breezy(also: Fast, Racy, Swift ) language	دشنام، نفرین
Brick	۱- آجر ۲- شوتی که گل نشود



Bricks	تمرین کار پا با وزنه
Brief	۱- کوتاه و مختصر ۲- متراکم، فشرده، خلاصه شده ۳- موجز
Bring home the bacon	در مسابقه پیروز شدن، جایزه بردن
Broad	پهن، گشاد، عریض
Broadcast	از رادیو یا تلویزیون پخش کردن
Broadcaster	گزارشگر رادیو
Broad jump	پرش طول
Broken down	به بخش‌ها و اجزای کوچکتر تقسیم شده
Broken line	خط منقطع خط شکسته (نیم دایره پایین‌ی پرتاب آزاد با خطوط شکسته یا منقطع ترسیم می‌شود)
Broncos	۱- نام تیم بسکتبال دانشگاه پن آمریکا در ادین برگ که در کنفرانس سان بلت بازی می‌کند ۲- نام تیم بسکتبال دانشگاه وستر میشیگان در کالامازو که در کنفرانس مید آمریکا بازی می‌کند
Bronx cheer (also: - salute, - raspberry)	۱- صدای اهانت آمیز تماشاگران ۲- مسخره کردن تماشاگران ناراضی
Bronze	مفرغ، برنز
Bronze medal	مدال برنز (معمولاً بعنوان تیم یا برنده ای که مقام سوم را در مسابقات آورده جایزه اعطا می‌کنند)
Bruins	نام تیم بسکتبال دانشگاه کالیفرنیا در لوس آنجلس که در کنفرانس پسیفیک ۱۰ بازی می‌کند
Bruise	کوفتگی
Bruiser	بازیکن قدر و گردن کلفت
Brush	۱- کفش پاک‌کن و مانند آن، ماهوت پاک‌کن زدن، مسواک زدن، لیف زدن، قلم زدن، نقاشی کردن، تماس حاصل کردن واهسته گذاشتن، تند گذاشتن، بروس ۲- مالیدن (شانه با بعضی‌ها)
Brush by the screener's shoulder	مالیدن شانه‌ها با بازیکن بلاک‌کننده
Brush off	کسی را با تنه زدن از مسی مسابقه خارج کردن
Brush up	تقویت کردن مهارت
Brutal	وحشی، بی‌رحم، قلدر
Brute	بازیکن عضلانی
B team	تیم ب، تیم دوم
Bucket	(سطل) سبد، حلقه
Bucket boy	(بازیکنی که توپ را بمطرف حلقه پرتاب می‌کند) بسکتبالیست
Buckeyes	نام تیم بسکتبال دانشگاه اوهایو ۱ و استیت در کولمباس که در کنفرانس بیگ تنس بازی می‌کند
Buck up	جرات کردن جسارت و وزیدن شجاعت نشان دادن

Bud	رفیق، یار، دوست
Buddy	رفیق، یار، دوست
Buddy system	شرایطی که چند دوست یا دو دوست در یک تیم بوجود می آورند که فقط با خودشان بازی می کنند و دیگر بازیکنان را دلسرد می کنند
Buddy up	دوست شدن با، رفیق شدن با
Buffer	سپر، ضربه خور، حائل
Buffer zone	منطقه بلوک یا خنثی
Buffer zone marker	دو خط کوتاه در امتداد خطوط کناری منطقه کلید که منطقه بلوک را مشخص می کند
Bug	۱- هوادار ثابت قدم ۲- تماشاگر بسکتبال ۳- زنگ الکتریکی
Build	ساختن، بنا کردن، درست کردن
Building endurance	بکارگیری تمریناتی که استقامت را افزایش می دهد (تمرینات استقامتی)
Building strength	بکارگیری تمریناتی که قدرت بدنی را افزایش می دهد (تمرینات قدرتی)
Build lead	نسبت به حریف امتیاز بیشتری کسب کردن
Build oneself up	ورزش کردن، تمرین کردن، ممارست
Build up	۱- توسعه، تقویت، بالا بردن توان نیروها، نیروی کمکی، تقویت نیروها، جمع کردن ذخایر ۲- بازیکنی که بیش از ارزش واقعی ارزیابی شده باشد ۳- بهبود، پیشرفت ۴- آمادگی
Build up a propelling force	جمع کردن نیروی بیرون ریزنده (برای پرتاب توپ)
Bull	بولتن، پژوهشنامه
Bulldogs	۱- نام تیم بسکتبال دانشگاه باتلر در ایندیاناپولیس که در کنفرانس مید وسترن کالجی ایت بازی می کند ۲- نام تیم بسکتبال دانشگاه جورجیا در آتن که در کنفرانس سوت وسترن بازی می کند ۳- نام تیم بسکتبال دانشگاه لوایسیانا تکنیکال در راستون که در کنفرانس سان بلت بازی می کند ۴- نام تیم بسکتبال دانشگاه دراک در دس مواینس که در کنفرانس میسوری ولی بازی می کند
Bullet	پرتاب سریع توپ
“Bull in the arena” drill	تمرین پاس ها و قطع آنها (پاس ها): بازیکنان در محیطی بمشکل دایره ، دور هم می ایستند و یکی از آن ها در مرکز دایره بمعنوان مدافع قرار می گیرد. بازیکنان اطراف دایره به هم پاس رد و بدل می کنند به طوری که مدافع وسط سعی می کند پاس آنها را قطع کند، هر بازیکنی که پاس او توسط این مدافع قطع شد باید جایش را با او عوض کند.
“Bull in the ring” drill	تمرین پاس ها و قطع آنها (پاس ها): بازیکنان در محیطی بمشکل دایره ، دور هم می ایستند و یکی از آن ها در مرکز دایره بمعنوان مدافع قرار می گیرد. بازیکنان اطراف دایره به هم پاس رد و بدل می کنند به طوری که مدافع وسط سعی می کند پاس آنها را قطع کند، هر بازیکنی که پاس او توسط این مدافع قطع شد باید جایش را با او عوض کند.
Bullneck	بازیکن تنومند
Bull pen	اتاق رختکن
“Bull pen pass” drill	تمرین پاس ها و قطع آنها (پاس ها): بازیکنان در محیطی بمشکل دایره ، دور هم می ایستند و

	یکی از آن‌ها در مرکز دایره ببعنوان مدافع قرار می‌گیرد. بازیکنان اطراف دایره به هم پاس رد و بدل می‌کنند به طوری که مدافع وسط سعی می‌کند پاس آنها را قطع کند، هر بازیکنی که پاس او توسط این مدافع قطع شد باید جایش را با او عوض کند.
Bull s eye	پیش‌بینی درست نتیجه بازی
Bull-wool	بازیکن ضعیفی که ادعای برتری می‌کند
Bully good	عالی
Bullyrag	ترساندن، قلدری کردن
Bum ( around)	۱- وقت تلف کردن وقت گذراندن ۲- آدم عاطل و باطل ۳- بازیکن بدون مهارت
Bump	۱- در هم شکستن، برخورد کردن ۲- ضربت ۳- بازیکن بی مهارت
Bumper crop	تعداد زیاد تماشاگر
Bumping	سد کردن، متوقف کردن، بلوکه کردن
Bump off	۱- پایان ۲- حذف
Bump the cutter	متوقف کردن، مسدود کردن، جلوگیری کردن، جلوی نفوذ حریف را گرفتن
Bum ticker	قلب ضعیف، قلبی که خوب کار نمی‌کند
Bunch	۱- دسته ۲- گروه
Bunched	بازیکنانی که در یک نقطه از زمین جمع می‌شوند
Bunny	شوت جفت نزدیک به حلقه
Bunny hop	جست کوتاه جهت شوت نزدیک به حلقه
Burden	وزنه، چیز سنگین
Burn	۱- سوزاندن ۲- آتش زدن ۲- از پشت سر مدافع حریف عبور کردن و یک امتیاز کسب کردن ۳- دویدن با سرعت زیاد
Burned out	خسته و مانده، بی‌رمق
Burning	۱- احتراق، اشتعال ۲- شکست شرم‌آور
Burn out	به‌طور کامل خسته کردن
Burn the breeze	با آخرین سرعت دویدن
Burst out	۱- محترق شدن، منفجر شدن ۲- فریاد زدن ۳- شکستن
Bush	بازیکن بی‌عرضه، بازیکن بی تجربه
Bush league	تیم درجه دو که از بازیکنان متوسط تشکیل شده است
Bust ( = Burst)	۱- هل دادن ۲- انفجار ۳- بازیکن درجه دوم یا ضعیف ۴- ضربه با مشت ۵- جهش، جهش ناگهانی، پرتاب ناگهانی
Bust a gut	به‌کارگیری حداکثر قدرت
Bust ahead	جهش ناگهانی به سمت جلو
Busted	شکست
Busted mitt	شکستگی دست
Bust in view	ظاهر شدن ناگهانی

Bust out	اخراج شدن از دانشکده یا دانشگاه به خاطر گرفتن نمرات ضعیف
Bust out dribble	دریبل آزاد
Bust up	به پایان رسانیدن، تمام کردن
Butt	کپل، کفل، تحتانی، ته، زیر
Butt down	پایین آوردن مرکز ثقل یا نشیمنگاه (با کپل پایین و زانوهای خم)
Buttercup	بازیکن ترسو یا بزدل
Butterfingers	۱- بازیکن ناوارد، بازیکنی که توپ را به راحتی از دست می‌دهد ۲- دست‌های ناآزموده و کار نکرده
Butt low	پایین آوردن مرکز ثقل یا نشیمنگاه (با کپل پایین و زانوهای خم)
Button	دکمه
Buttonhook	دویدن در امتداد مسیری به شکل قلاب یا حرف U انگلیسی
Button-hook	شوت هوک کوتاه از موقعیت پشت به خط عرضی، توأم با یک چرخش و پرش
Butt-to-butt	فشار آوردن به حریف با کپل به منظور به دست آوردن موقعیت بهتر برای ریاند
Buy over	وادار کردن، اعوا کردن
Buzzer	۱- زنگ اخبار ۲- پرتاب سریع توپ
Buzzer beater	شوت در لحظه‌های آخر بازی به طور معمول از فاصله دور صورت می‌گیرد
Buzzer-beating shot	شوت در لحظه‌های آخر بازی به طور معمول از فاصله دور صورت می‌گیرد
By a close shave	اخلاف ناچیز و اندک
By a fluke	برحسب اتفاق، تصادفی، ناگهانی
By trial and error	گاهی موفق، گاهی مغلوب

CCCCCCCCCCCCCCCCCCCC	
Cadence	هم آهنگی، آهنگ، وزن
Cage	حلقه بسکتبال (قفسه)
Cage director	مریی بسکتبال
Cage game	بازی بسکتبال (یادآور گذشته‌ای است که بسکتبال حرفه‌ای در زمین‌هایی که تورهای فلزی آن را احاطه کرده بود بازی می‌شد).
Cage go	بازی بسکتبال
Cager	۱- بسکتبالیست ۲- کسب امتیاز
Cage the casaba	امتیاز کسب کردن
Cage tussle	(تقلا کردن، جنگیدن) در زمین بسکتبال
Cage win	پیروز شدن در مسابقه بسکتبال
Cake	جایزه
Calculate	حساب کردن، برآورد کردن، سنجیدن
Calf around (also: - round)	وقت را بیهوده گذراندن، تلف کردن وقت، ول گشتن
Caliber (sl.Am.) = Calibre (Eng.)	گنجایش، استعداد
Call	۱- فریاد زدن ۲- تصمیم (داور)
Call a game	بمعنوان داور مسابقه را اداره کردن
Call a number	اعلام نقشه یا سیستم بازی همراه با شماره افراد
Call a switch	علامت دادن برای جابه‌جایی (سوئیچ) مدافعان
Call for help	درخواست کردن کمک
Calling	درخواست، فریاد، صدا، ندا، فیاخوانی
Calling for a ball	درخواست کردن توپ
Calisthenics	حرکات نرمشی، ورزش‌های سبک بدون وسیله، ورزش‌های سوندی، حرکات سوندی، ورزش‌های تمرینی بدون اسباب
Call it a day (also: a job)	۱- خاتمه یافتن جلسه تمرین روزانه ۲- ترک کردن مسابقه قبل از اتمام بازی ۳- ایستادن، متوقف کردن ۴- مرخص کردن
Call names	دشنام، توهین کردن به، بی‌احترامی کردن به، خوار کردن، فحش دادن
Callous	پینه خورده، پینه بسن پست
Call out	فاش کردن، به‌زبان آوردن، فریاد زدن، داد زدن
Call the play(also:- score – turn)	پیش‌بینی درست پیروزی مسابقه
Call up	دعوت کردن به بازی
Callus	۱- پینه، سخت شدگی ۲- سخت شدن یا پینه بسن پست
Calm	آرام، خونسرد
Calmness	آرامش، متانت، ملایمت
Camp	۱- کمپ (چادر) بسکتبال ۲- زمین دانشکده و محوطه کالج
Campus	زمین دانشکده و محوطه کالج، فضای باز
Canary	بازیکن بزدل، ترسو
Cancel	۱- کنسل کردن، پاک کردن، آثار چیزی را از بین بردن ۲- لغو کردن، خنثی کردن
Cantaloupe	(گر مگ، طالبی) توپ بسکتبال

Can the shots	پرتاب کردن به صورت خوب و عالی
Can't miss	شکست نخوردن
Capability	استعداد، توانایی
Capable	قادر، توانا، مستعد
Captain	بازیکنی که به عنوان رهبر تیم، کاندید یا انتخاب می شود، کاپیتان تیم
Cardinals	۱- نام تیم بسکتبال دانشگاه لوئیسویل (کنتاکی) که در کنفرانس مترو بازی می کند. ۲- نام تیم بسکتبال دانشگاه بل استید در منیس (ایندیانا) که در کنفرانس مید- امریکن بازی می کند. ۳- نام تیم بسکتبال دانشگاه لمر در بیومنت (تگزاس) که در کنفرانس سان بلت بازی می کند.
Card(also: Ace) up one's sleeve	مزیت، برتری، فایده، صرفه، سود
Care	دلواپسی، نگرانی
Career	شغل، کار، حرفه
Careless	بی توجه، بی دقت
Carelessness	بی دقتی، بی مبالایی، غفلت، بی توجهی
( The) Carlson figure of eight	الگوی بازی بر اساس پاس های متوالی: توپ در امتداد وسط زمین بازی حرکت داده و بعد به کناره های زمین پاس داده می شود، پاس دهنده بعد از هر پاس به سمت موقعیت دریافت کننده توپ که به طرف وسط زمین در حال حرکت است، می دود.
Carry	۱- حمل کردن ۲- سپری کردن (لحظات حساس بازی) ۳- منحرف شدن (توپ بعد از پاس چرخشی زمینی)
Carry off (-away)	پیروز شدن
Carry-over	انتقال دادن، منتقل کردن
Carry piggyback	بر پشت یا شانه سوار کردن، کول کردن
Carry the ball	حمل توپ (دویدن یا راه رفتن توأم با حمل توپ بدون دریبل زدن که در بسکتبال خطا محسوب شده و در اصطلاح رانینگ گفته می شود)
Carrying spin	چرخش توپ در هوا
Cartilage	نرمه استخوان، غضروف
Cartilage damage	آسیب غضروف، کاسه ی زانو
Cartwheel	تکان دادن دست ها
Casaba	(توپ بسکتبال) نوعی خربزه
Casaba crew	تیم بسکتبال
Casaba game	بازی بسکتبال
Casaba pavilion	زمین بسکتبال، سالن
Casaba quintet	پنج بازیکن بسکتبال در زمین بازی
Casaba tosser	بازیکن پرتاب کننده توپ، بازیکن شوטיست
Case	مسئله، امور، رویداد
Cash in on	خوب استفاده کردن از چیزی
Cast-iron guts	جرات، دلیری، شجاعت
Catch	گرفتن، به دست آوردن، کسب کردن
Catch a game	شرکت کردن در مسابقه
Catch and face	گرفتن توپ و ارزیابی کردن موقعیت حرکت بعدی
Catching-pivot into basket-shooting	تمرین شوت توسط سنتر در موقعیت های پائین، بالا، میانه، خارج و داخل

	منطقه کلید: نفوذ دینامیکی به طرف موقعیت‌های ذکر شده بعد از گرفتن توپ چرخش بمطرف حلقه و به دنبال آن اقدام کردن به شوت
Catching the ball	گرفتن توپ، دریافت توپ، توپ‌رایی
Catch off	۱- دنبال کردن جدی حریف ۲- قاپیدن، گرفتن
Catch on	تشخیص دادن (تاکتیک‌های حریف)
Catch on	آیا متوجه شدی، فهمیدی
Catch one bending	گرفتن حریف در شرایط نامساعد
Catch on fire	جاه‌طلعی، بلند پرواز شدن
Catch the ball	گرفتن توپ
Catch the idea	فهمیدن
Catch up	جبران کردن، مساوی کردن امتیاز، جبران کردن امتیاز
Catch up the clock	اقدام به وقت‌کشی کردن با حفظ توپ
Catch up with	تشخیص خوب دادن، متوجه شدن، پی‌بردن
Categorize	طبقه‌بندی کردن، رده‌بندی، دسته‌بندی
Caution	۱- آگاه کردن، احتیاط کردن به ۲- احتیاط
Cautious	هوشیاری، احتیاط، پیش‌بینی
Cavaliers	نام تیم بسکتبال دانشگاه ویرجینیا در چارلوتسویل (ویرجینیا) که در کفرانس آتلانتیک کاست بازی می‌کند
Cellar	۱- پی، ته، طبقه زیر، زیرزمین، سرداب ۲- زمین بسکتبال ۳- پائین‌ترین موقعیت تیم در جدول مسابقه‌ها
Cellar gang	تیم بسکتبال
Censure	انتقاد کردن، سرزنش کردن
Center ( Am.) = Centre (Eng.)	۱- مرکز، بازیکن سانتر ۲- پاس به سانتر دادن
Center circle	دایره‌ی مرکز زمین بازی
Center court	مرکز زمین بازی
Center jump	جسمال بعد از کسب هر امتیاز، (که تا سال ۱۹۳۵ به‌عنوان قوانین بسکتبال محسوب می‌شد)
Center line	خط مرکزی، خط میان زمین بازی
Center of gravity	مرکز ثقل بدن یا هر چیز دیگر
Center to weak side	الگوی حمله با بازی سانتر در سمتی که توپ در جریان نباشد (سمت ضعیف)
Center breakaway	۱- حمله در امتداد خط طولی میانی زمین بازی ۲- ضد حمله در امتداد مسیر میانی زمین بازی
Ceremony	جشن، مراسم، تشریفات
Certain	۱- اجتناب‌ناپذیر، مطمئن ۲- قطعی، از روی یقین
"Certain players belong to the kitchen while others belong to the den"	نظریه‌ای از جان چنی مربی دانشگاه تمپل می‌باشد؛ وی معتقد است بعضی از اعضای تیم باید موقعیت‌های شوت زنی خوبی را برای بهترین شوت‌زن‌های تیم فراهم کنند. جرج راولینگ، مربی کلیفرنیای جنوبی هم معتقد است که همه بازیکنان تیم حمله نباید موقعیت‌های شوت‌زنی برابری داشته باشند بلکه بر اساس نظریه‌ی وی تنها بهترین‌ها، حق شوت‌زنی دارد.
Chain	زنجیره، زنجیره
Chain reaction	واکنش زنجیری
Challenge	۱- سؤال، پرسش ۲- وظیفه ۳- تحریک کردن، بمبارزه طلبیدن، رقابت

	کردن
Challenge the defense	جنگیدن مدافع
Champ	پهلوان، قهرمان، مبارزه
Champette	زن قهرمان
Champion	قهرمان، رکورددار
Championship	۱- مسابقه‌های قهرمانی ۲- قهرمانی
Chap	مرد، مردک، یارو
Chance	شانس، موقعیت، امکان، فرصت
Chance shot	شوت شانسی، شوت اتفاقی
Change	تغییر، اصلاح، جایگزینی، تعویض
Change of baskets	جابجایی زمین، جابجایی تیم‌ها در زمین بازی
Change of direction	تغییر مسیر
Change of direction cut	دویدن توأم با تغییر مسیر
Change of direction , dribble	دریبل زدن توأم با تغییر مسیر
Change of direction, inside cut	تغییر مسیر توأم با نفوذ ببطرف حلقه
Change of pace	۱- تغییر آهنگ سرعت ۲- بالا بردن یا کاهش دادن سرعت
Change of pace dribble	دریبل توأم با تغییر سرعت
Change of pace pass	پاس زمینی که دریافت‌کننده را مجبور به تغییر سرعت می‌کند
Change of possession	تغییر موقعیت توپ، انتقال کنترل توپ
Change of speed	تغییر سرعت
Change of status	تغییر وضعیت، تغییر موضع و جایگاه، تغییر موقعیت قانونی
Change over from one system to another	تغییر از یک الگوی بازی به الگوی دیگر، به‌کارگیری بازی ترکیبی (با چندین الگو یا سیستم)
Change-up defense	دفاع ترکیبی
Changing player	جابجا کردن دفاع حریفان، سوئیچ دفاع حریفان
Changing the cadence	تغییر آهنگ بازی، سریع کردن یا آهسته کردن بازی
Channel	خطوط شیار مانند در سطح توپ
Characteristic	ویژگی، خصوصیت، مشخصه
Charge	۱- حمله، حمله کردن ۲- دویدن با تمام سرعت ۳- خطای شارژ ۴- هُل دادن مدافع ثابت در شرایط دفاع ۵- متهم کردن
Charging	۱- هُل دادن مدافع ثابت حریف در شرایط دفاع ۲- خطای شارژینگ
Charging foul	خطای شارژینگ
Charity game	برگزاری مسابقه با یک هدف بشردوستانه
Charity stripe	خط پرتاب آزاد
Charity toss	پرتاب آزاد
Charley	کوچکترین کوفتگی و درد عضلانی
Charley horse	گرفتگی دردناک ماهیچه‌ها (دست و پا) بخاطر خستگی زیاد یا کشیدگی ماهیچه‌ها
Chart	جدول، نقشه، نمودار، ترسیم آماری
Composite rating chart	جدول ارزیابی جامع
Game analysis chart	جدول ثبت مشاهدات مسابقه



Master chart	جدول خلاصه ارزیابی آماری
Player's evaluation chart (sheet)	جدول ارزیابی بازیکنان
Rebound chart	جدول آماری ریباندهای موفق
Shooting chart	ثبت شوت‌ها، نمودار موقعیت‌های شوت
Shot chart	ثبت شوت، نمودار موقعیت‌های شوت
Turnover chart	جدول آماری از دست دادن توپ
Chase	۱- دنبال کردن، تعقیب کردن ۲- پاس دادن
Chaser	بازیکنی که به دنبال بازیکن حریف یا توپ می‌دود
Chase the ball	دنبال کردن توپ یا بازیکن مالک توپ حریف
Chase the dribble drill	تمرین؛ دنبال کردن حریفی که با سرعت دربیبل می‌کند
Chase to the showers	بازیکنی را از زمین بازی بیرون کردن
Chatter	به صورت دائم صحبت کردن در زمین بازی، سخن تند و ناشمرده
Chatting	گپ، صحبت، گفتگو
Cheap	ارزان
Cheap basket	حلقه بسکتبال ارزان، حلقه بدون مدافع، کسب امتیاز در موقعیت مناسب
Cheat	۱- فریختن، دست انداختن ۲- در کمین نشستن ۳- گول زدن، فریب دادن
Check	۱- بررسی کردن، تست کردن، معلوم کردن ۲- تغییر پوشش دادن مهاجم در دفاع
Check block	معلوم کردن موقعیت ایجاد سد حریف با لمس کردن آن
Checklist	فهرست مقابله، فهرست هم‌سنجی
Check off	متوقف کردن حریف، ایجاد مانع سر راه حریف، مسدود کردن مسیر حریف
Check out	متوقف کردن حریف، ایجاد مانع سر راه حریف، مسدود کردن مسیر حریف
Check team	تیمی مرکب از بازیکنان سفیدپوست و سیاه‌پوست
Check to the basket on a defensive man	نفوذ بمطرف حلقه، علیرغم وجود دفاع حریف
Cheer	نیرو دادن، تحریک کردن، برانگیختن، تشویق کردن
Cheerleaders	گروهی پسر یا دختر در باشگاه یا مدرسه که تیم خود را تشویق کرده و تماشاگران را نیز وادار به تشویق بازیکنان می‌کنند
Cheeropodist	رهبر طرفداران تیم
Cherry pick	ریباند کردن توپ به واسطه داشتن توانایی پرش بلدهست‌های بلند
Chest	۱- سینه ۲- هل دادن با سینه ۳- صندوق ۴- منطقه کلید، منطقه سه ثانیه
Chest area	۱- محدوده کلید ۲- منطقه کلید، تابوت، صندوق، منطقه سه ثانیه
Chest high	هم سطح سینه، هم ارتفاع سینه
Chest lift	تمرین: بالا آوردن سینه و دست‌ها در حالت درازکش یا دم‌ز
Chest pass	پاس دو دستی از جلوی سینه
Chest position	نگه داشتن توپ، مقابل سینه
Chest shot	پرتاب دو دستی توپ، از مقابل سینه
Chicken	بازیکن ترسو
Chickenhearted	ترسو، کم‌رو، عدم پشتکار
Chicken out	عقب‌نشینی به خاطر ترس

Chicken roost	جایگاه لژ، جایگاه تماشاچیان در قسمت بالا
Chide	سرزنش کردن، نکوهش کردن، ملامت کردن، انتقاد کردن
Chief	مدیر، رئیس
Chilly	غیردوستانه
Chin	چانه
Chin it	مکان محافظت کردن از توپ بعد از ریپاند : بالا آوردن آرنج ها از دو طرف و نگاه داشتن توپ در بالای سینه (زیر چانه)
"Chinese defense"	دفاع توأم با فریختن حریف
Chin the ball	محافظت کردن از توپ در جلوی سینه با بالا آوردن آرنج ها و کشیدن آن‌ها
Chin up	واژه‌ای در رابطه با طرز ایستادن بازیکن با سری بالا
Chip in	اعانه دادن، شرکت کردن در، همکاری و کمک کردن
Chippewas	نام تیم بسکتبال دانشگاه سنترال میشیگان در ام تی . پلیسانت که در کنفرانس مید آمریکن بازی می کند
Chippie	پرتاب آسان از زیر حلقه
Chittering chopper	دندان لقی، دندان خراب
Choice	انتخاب، گزینه، حق انتخاب
Choice of ball	انتخاب توپ بازی (هوسيله داور)
Choice of basket	حق انتخاب زمین بازی
Choice of bench	انتخاب نیمکت در زمین بازی (در حالتی که دو تیم با هم به توافق نرسند داور بین آنها قرعه کشی می کند)
Choke	۱- تسلیم شدن در برابر فشار و از دست دادن پاس یا شوت ۲- تسلیم شدن در برابر فشار ناشی از مسئولیت
Choke a pass	جلوی پاس را گرفتن، سد کردن یک پاس، تأخیر انداختن در پاس
Choke the hoop	امتیاز کسب کردن
Choking	تسلیم شدن در برابر فشار بهسبب ناتوانی
Choose	انتخاب کردن، برگزیدن
Chopper	بازیکن خشن
Chore	موقعیت در یک تیم
Chow	۱- غذا، خوراک ۲- خوردن
Chow water	نوشیدن آب
Chop-chop	۱- عجله کردن ۲- عمل کردن بهطور سریع و مناسب
Chronic	دیرینه، مزمن
Chronic condition	زمانی طولانی، مزمن (به طور مثال درد زانوی فرانک مزمن شده است)
Chum	۱- دوست، رفیق، یار ۲- دوست شدن ۳- هم‌اتاقی
Chummy	دوستانه، صمیمی
Chump	بازیکن ضعیف، بازیکنی که به راحتی دریبل می خورد
Chum up ( with )	رفیق شدن با، دوست شدن با
Church league	مسابقه‌های دوره‌ای تیم‌های بسکتبال محلی
Cinch	۱- امر مسلم ۲- مسابقه آسان ۳- برتری
Cinch bet	به احتمال زیاد برنده شدن
Cinch win	پیروزی راحت

Circle	۱- حلقه ۲- دور چیزی را گرفتن، احاطه کردن ۳- گرداگرد، پیرامون ۴- دویدن در یک مسیر منحنی ۵- انجمن تش کیلات ورزشی مثل NCAA, NJCAA, NBA
Circle dribble	تمرین دریبل در یکی از دایره‌های زمین بسکتبال که محافظت از توپ ، حین مسابقه را شبیه‌سازی می‌کند
Circles passing drill	بازیکنان برخلاف جهت در پیرامون دو دایره نزدیک به همدیگر حرکت می‌کنند، و توپ از یک دایره به دایره‌ی دیگر پاس داده می‌شود.
Center circle	دایره وسط زمین بازی
Foul circle	دایره پرتاب آزاد
Free throw circle	دایره پرتاب آزاد که قطر آن خط پرتاب آزاد می‌باشد
Gift circle	دایره پرتاب آزاد
Head of foul circle	رأس دایره پرتاب آزاد
Offensive circle	دایره پرتاب آزاد زمین حمله
Semi-circle	نیم‌دایره
Smaller circle	دایره‌ی کوچک درون دایره‌ی مرکزی (در قطر ۱۲۲ سانتیمتری، بر اساس قوانین امریکا)
Top of circle	رأس دایره پرتاب آزاد
Circuit	۱- دوره، گردش، جریان ۲- مسیر حرکت بازیکنان در تمرین ایستگاهی
Circulate	۱- عقب و جلو دویدن ۲- دایره درست کردن، دور زدن ۳- جاری شدن
Circulation	۱- گردش (خون) ۲- حرکت چرخشی یا دورانی توپ
Circulo-respiratory endurance	آمادگی قلبی و تنفسی بازیکن که میزان توان و استقامت او را در برابر خستگی نشان می‌دهد
Circumference	محیط دایره
Circumstance	چگونگی، شرایط، شرح
Circus play	بازی بسیار تماشایی و جالب
City game	(یادآور زمان‌هایی که بسکتبال فقط در شهرهای بزرگ بازی می‌شد) بازی بسکتبال
City league	اتحادیه تیم‌های بسکتبال در شهرهای بزرگ
Clamp	حرکت احاطه کردن حریف از دو طرف در دفاع
Clamp down	سخت‌گیری کردن در اجرای قوانین و مقررات
Clamper	بازیکنی که در حرکت احاطه کردن دو جانبه در دفاع شرکت می‌کند
Clamping	الگوی حرکت احاطه کردن دو جانبه حریف در دفاع
Clan	تیم، گروه
Clap	۱- کف زدن، تشویق کردن ۲- با کف دست ضربه زدن
Clap hands drill	تمرین کار با توپ: توپ را با دو دست جلوتر از سینه نگه داشته سپس آن را روی زمین رها می‌سازیم و بلافاصله دو کف دست را در پشت کمر بهم زده و قبل از اینکه توپ به زمین برخورد کند آن را می‌گیریم
Clarity	روشنی، صراحت، شمردگی، وضوح، صافی
Clash	۱- رقابت کردن با ۲- بازی، مسابقه
Clasp	۱- چنگ زدن، قاپیدن ۲- در آغوش گرفتن
Clasp hands	۱- گره زدن انگشتان دو دست ۲- در هم بردن انگشتان دو دست
Classic	مسابقه مهم، بازی مهم
Claw	گرفتن، محکم کردن، چنگ زدن

Clawing	با پنجه ها گرفت (گرفتن حریف)
Claws	پنجه‌ها، انگشتان
Clean	۱- پاکیزه، نظیف، پاک ۲- خوب ۳- بی تقصیر
Cleaner	برنده، تیم برنده
Clean house	بیرون کردن اعضای نامطلوب تیم، از بازیکن نامطلوب تیم رهایی یافتن
Clean out the rust	تمرین کردن، به شرایط آرمانی رسیدن
Clean reception	دریافت بی نقص پاس
Clean shot	پرتاب مستقیم توپ بمطرف حلقه، شوت مستقیم
Clean slate	بازی‌های عاری از انتقاد و بدون شکست
Clean sweep	پیروزی حتمی
Clear	۱- روشن، تمیز ۲- آزاد، باز ۳- مکانی را رها کردن ، خالی ساختن به واسطه دور شدن از فضایی که در آن قرار داشتن ۴- دور شدن ، رها ساختن ، خالی ساختن از فضایی که در آن قرار داشتن به وسیله ی یکی از بازیکنان تیم حمله کننده تا به هم تیمی هایش اجازه ی حرکت با توپ بیشتری را بدهد ۵- دور شدن ، رها ساختن ، مانعی را از سر راه کسی برداشتن
Clearing the ball	دور نگهداشتن توپ از معرض خطر . توپ را از منطقه ی خطر بیرون آوردن
Clear of pressure	رهایی از فشار
Clear out	حرکت، عزیمت
"Clear out" offense	الگوی حمله با خالی ساختن یک موقعیت یا یک سمت زمین به جهت اینکه فضا برای نفوذ هم تیمی مالک توپ باز شود.
Clear path	مسیر بدون دفاع، خالی
Clear possession	مسلط شدن بر توپ بدون لمس کردن حریف
Clear shot	شوتی که توسط حریف دفاع نشود
Clear the ball	۱- بازپس گرفتن توپ، نجات دادن توپ ۲- پاس دادن
Clear the pressure	رهائی پیدا کردن از فشار
Clear the rim	شوت مستقیم به داخل حلقه بدون اینکه با تخته و حلقه برخورد کند
Clear the side	آرایش ۲-۳ حمله که فوروارد کناری بسمت دیگر منطقه ی کلید برش کرده و در پی آن یک گارد بمطرف موقعیت خالی همان فوروارد حرکت می کند
Clear the weak side	رها کردن طرف ضعیف زمین، سمت بدون توپ
Clear through	ترک موقعیت و حرکت از بین حریف و هم تیمی ها
Clear the opposite side	ترک کردن موقعیت مقابل، جهتی که هم تیمی مالک توپ قرار دارد
Clever	زیرک، باهوش، تیزهوش
Click	۱- خوش اقبال ۲- منظور کسی را فهمیدن ۳- موافقت ، پیمان ۴- تناسب داشتن
Click on all five	ارائه یک کار تیمی خوب
Click together	کار تیمی و گروهی
Climb down	از دست دادن اعتبار و شهرت
Climb out of a hole	رهایی یافتن از مشکلات
Climbs	پله‌ها (برای تمرین استفاده می شود)
Clinic	مشورت، کنفرانس، هم فکری مریبان

Clipboard	۱- تخته کوچکی که گیره ای برای نگاه داشتن کاغذ دارد ۲- تخته کوچکی که تمام الگوی یک بازی بر روی آن توسط مربی به بازیکنان نشان داده می‌شود ۳- تخته رسم
Clip book	کتاب مصور همراه با تفسیر و توضیح
Clipping	۱- اخبار قیچی شده از روزنامه ۲- سد کردن غیر قانونی
Clique	تیم، گروه
Clock	۱- ساعت ۲- سنجیدن زمان مسابقه ۳- قلب
Clocker	ساعت وقت‌گذاری (که حرکت و ایست آن ببلختیار شخص است)
Clock-running phase of the game	روشن کردن ساعت بازی
Clock watcher	بازیکن تنبل
Catch up the clock	وقت‌کشی با حفظ توپ، به تأخیر انداختن بازی
Eat up the clock	قبل از اتمام وقت پیروز شدن، در طول بازی پیروز شدن
Game clock	ساعت وقت‌نگه‌دار که با آن زمان مسابقه محاسبه می‌شود
Shot clock	ساعتی که با آن زمان مالکیت توپ محاسبه می‌شود
Start the clock	بکار انداختن ساعت سنجش زمان مسابقه
Stopped-clock period	زمانی که ساعت محاسبه زمان بازی خاموش باشد
stop the clock	خاموش کردن ساعتی که با آن زمان مسابقه محاسبه می‌شود
Thirty-seconds clock	ساعتی که با آن زمان مالکیت توپ محاسبه می‌شود
Twenty four seconds clock	ساعتی که با آن زمان مالکیت توپ محاسبه می‌شود
Clockwise	در جهت چرخش عقربه‌های ساعت
Clog	۱- مسدود کردن ۲- سد کردن غیرقانونی حریف ۳- ازدحام کردن، متراکم کردن، پر کردن
Clogged up	۱- مسدود شده ۲- بلوکه شده ۳- شلوغ، پرازدحام
Clog the middle	مسدود کردن قسمت میانی زمین قبل از حلقه به نحوی که به حریف اجازه نزدیک شدن به حلقه داده نشود، مانع شدن از شوت و جلوگیری کردن از نفوذ
Close	نزدیک
Close a deal	قرارداد بستن
Close call	اعلان خطا از سوی داور که نزدیک به صحنه‌ی خطا باشد
Close down	تقویت کردن دفاع، افزایش دادن توان دفاع، محکم کردن دفاع
Closed practices session	تمرین بدون حضور تماشاگر
Close game	بازی پایا، مسابقه مساوی
Close guard	موقعیت بازیکن در زمانی که مدافع بسیار نزدیک به حریفش باشد، دفاع محکم
Close in	نزدیک شدن
Close-in around the basket shots	تمرین شوت‌های کوتاه در موقعیت‌های داخلی اطراف حلقه
Close-in back-to-the-basket hook shot	شوت هوک کوتاه در موقعیت داخلی از پشت به حلقه
Close-in driving shot	شوت کوتاه بعد از نفوذ به طرف حلقه
Close-in jump shot	شوت جفت کوتاه از موقعیت نزدیک به حلقه
Close-in Pivot shot	شوت کوتاه پس از چرخش (پیوت) به طرف حلقه
Close-in shot	شوت کوتاه در موقعیت نزدیک به حلقه

Close-in shot following quick stop	شوت کوتاه بعد از متوقف شدن روی دو پا به طور هم زمان در موقعیت نزدیک به حلقه
Closely guarded	به طور کامل پوشش داده شده
Close man-to-man	دفاع یارگیری (من تو من)، محکم و سخت
Close of the game	پایان بازی
Close-out	۱- حرکت بازیکن مدافع بمطرف بازیکن مهاجم مالک توپ ۲- احاطه ی دفاعی بازیکن حریف که مستقیماً محافظت می شود ۳- مسدود کردن، سد کردن مسیر
Close pass	پاس کوتاه، پاس نزدیک
Close range shot	پرتاب توپ بمطرف حلقه از فاصله کوتاه
Close score	۱- مسابقه با امتیاز پایاپای و نزدیک ۲- کسب امتیاز با فاصله نزدیک به هم
Close scoring area	محدوده ی اطراف حلقه که محل مناسبی برای پرتاب های کوتاه باشد
Close situation	بازی نزدیک به حلقه
Closing ceremony	جشن پایان بازی که در آن هدایا یا مدال های بازیکنان قهرمان اعطا می شود
Closing-out of the ball	جلوی حریف مالک توپ را گرفتن، مسدود کردن مسیر حریف مالک توپ
Closing seconds	ثانیه های آخر بازی
Closing the gate	مسدود کردن مسیر، بستن مسیر
Clothesline	ضربه ی خشن، ضربه، حمله ی ناگهانی
Clothesline hit	با توپ ضربه ی سخت و خشنی زدن
Clown	مسخره، لوده، مسخره کژدن
Club	۱- باشگاه ورزشی ۲- اتحادیه بسکتبال ۳- تیم
Clubbable	کسی که شرایط عضویت در تیم یا باشگاه ورزشی را دارد
Club mogul	مالک باشگاه
Clue	علامت، نشانه
Clumsy	دست و پا چلفتی، بی عرضه، آآ زموده
Cluster	۱- جمعیت، گروه ۲- مجموعه امتیازهای کسب شده
Clutch	۱- چنگ انداختن، گرفتن ۲- محکم گرفتن ۳- شرایط بحرانی در بازی
Clutch player	بازیکنی که با قدرت توپ را می گیرد، بازیکنی با دست های چسبنده
Clutch rebound	با تمام نیرو توپ برگشتی از تخته (ریباند) را گرفتن
Clutch shot	پرتابی که برنده را مشخص می کند، پرتاب سرنوشت ساز
Clutter	آشفتگی، سردرگمی
C'mon	یالا، بجنب، زود باش
Coach	مربی، کمک مربی ورزشی، معلم
Coachable	بازیکنی که تعلیمات مربی را به خوبی فرا می گیرد و آن ها را مو به مو به اجرا می کند
Coaching	اجرای وظایف مربی، آماده سازی
Coaching box	محدوده ی نیمکت ذخیره ها و جایی که در آن مربی اجازه حرکت دارد
Coaching clinic	کنفرانس مربیان، مشورت و همفکری مربیان
Coach-on-the-floor	کاپیتان، بازیکنی که وظیفه انتقال توصیه های مربی را به دیگر بازیکنان تیم داخل زمین بازی برعهده دارد
Coach-player relationship	ارتباط متقابل مربی و بازیکن

Coach's coach	بازیکنی که از دستورات مربی پیروی نمی کند، بازیکنی که خودش بهتر بلد است (لقبی که توسط مفسران تلویزیونی استفاده می شود. به نقل از هان آگان؛ مربی تیم بسکتبال آکادمی Air Force در کلرادو)
Coach-simple	از مربی ترسیدن
Assistant coach	کمک مربی
Bench coaching decisions	تصمیمات مربی در خلال بازی
Collegiate head coach	سر مربی تیم بسکتبال دانشگاه یا دانشکده
Great coach	نفرین دهنده برجسته
Head coach	سر مربی
Over coach	۱- زیاد تمرین دادن ۲- یاد دادن الگوها و حرکت زیاد در یک زمان
Poor coach	تمرین دهنده ضعیف
Poorly coached team	تیمی که بد تمرین کرده و آموزش نامناسب داده شده است
Recognized coach	مربی معروف
Scrutiny of coach	بررسی دقیق مربی
Strength coach	یک مربی که بمخاطر دادن تمرین های سختش معروف است.
Coasting	وقت را بیهوده در زمین بازی هدر دادن
Coast to coast	سر تا سر زمین بازی از یک حلقه تا حلقه دیگر
Cock	کشیدن (مچ یا ساعد به عقب قبل از رها کردن توپ)
Cocked and locked	عقب کشیده شدن مچ دست و توقف آن قبل از پرتاب توپ
Cockeyed	بی نظمی، آشفتگی، اختلال
Cockiness	تکبر، خودبینی، عجب
Cock up the nose	خودبین بودن، متکبر بودن
Cocky	خودبین، متکبر
Code of rules	مجموعه قوانین مربوط به مسابقه
Coffin	منطقه کلید، جعبه، تابوت، منطقه ۳ ثانیه با دایره پرتاب آزاد
Coffin corners	گوشه های منطقه کلید (در خط پرتاب آزاد)
Cog	اعضای تیم
Cognizant	آگاه، باخبر
Cog together	کار تیمی، بازی کردن با هم تیمی ها
Cohesion	چسبندگی، پیوستگی
Col	سالن، استادیوم ورزشی
Cold	۱- سرد ۲- سرما خوردگی ۳- ضعیف
Cold dope	آمار، آمارشناسی
Cold feet	ترس
Cold flop	شکست، ناتوانی، قصور
Cold-footed	ترسو، بز دل
Cold game	۱- مسابقه از پیش تعیین شده ۲- بازی آسان
Cold hand	بازیکنی که امتیاز از دست می دهد، بازیکنی که پرتاب هایش یکی پس از دیگری از دست می رود، بازیکن ضعیف
Cold man	۱- بازیکنی که قبل از بازی خود گرم نکرده باشد ۲- بازیکنی که تلاشش بی ثمر مانده است ۳- حریف ناشناس
Clod night	شبى که در آن بازی ضعیفی ارائه شده است

Cold remedy	داروی سرماخوردگی
Cold shooting night	بازی ای که در آن شوت‌های زیادی به امتیاز تبدیل نشده باشد
Cold spray	اسپری خنک کننده
Collapse	۱- در هم شکستن، آسیب دیدن، فرور یختن ۲- عقب نشینی کردن ۳- یورش بردن
Collapsing defense	دفاع یارگیری سست
Collapsing man-to-man defense	دفاع یارگیری سست
Collar bone	استخوان ترقوه
Collate	جمع آوری کردن
Collective	دسته، گروه، تیم
Collectively	به‌طور مشترک
College	دانشکده، کالج
College basketball	بسکتبالی که بین دانشجویان دانشگاه‌ها یا دانشکده‌ها بازی می‌شود (سن بازیکنان ۱۸ تا ۲۰ سال باشد)
Collegiate	دانشکده‌ای، دانشگاهی
Collegiate ball	بازی بسکتبال (که در دانشگاه انجام می‌شود)
Collegiate head coach	سر مربی بسکتبال در دانشگاه‌ها
Collision	برخورد، تصادف
Collisions	بازیکنان دانشگاه
Color(Am.)= Colour (Eng.)	رنگ
Colt	بازیکن جوان حرفه‌ای
Combat	مسابقه، مبارزه، نبرد
Combat the zone defense	به‌م ریختن، شکستن دفاع منطقه‌ای، حمله علیه دفاع منطقه‌ای
Combination	ترکیب چند سیستم در بازی، بازی ترکیبی
Combination attack ( offense)	الگوی حمله که از سیستم‌های مختلف حمله استفاده می‌شود (حمله ترکیبی)
Combination defense	الگوی دفاعی که در آن از سیستم‌های مختلف دفاعی استفاده می‌شود (دفاع ترکیبی)
Combination drills	تمرینات ترکیبی
Combination man-to man and zone press	دفاع پرس با ترکیبی از دفاع یارگیری و دفاع پوششی منطقه‌ای
Combination offense against a zone-and-one	حمله علیه دفاع ترکیبی: در این حمله از چهار مدافع دفاع منطقه‌ای و یک بازیکن از دفاع یارگیری (من تو من) استفاده می‌نمایند.
Combination play	نوعی الگوی دفاع یا حمله که در آن از چند سیستم استفاده می‌شود (بازی ترکیبی)
Combo	بازیکنی ماهر در حرکات و سیستم‌های ترکیبی
Come	آمدن، رسیدن
Come along	پیشرفت کردن، جلو رفتن
Comeback	برگشت به موقعیت قبل، برگشت به جای قبل
Come back	۱- بازگشت ۲- برگشتن، چرخیدن ۳- شرکت در مسابقه بعد از یک غیبت طولانی
Come back move	حرکت معکوس، حرکت برگشت



Come clean(Also:- out strong – through)	کامیاب شدن، موفق شدن، نتیجه بخشیدن
Come down	فرود آمدن (بعد از یک پرش)
Come down on same spot	فرود آمدن در همان نقطه‌ای که پرش از آن انجام گردیده
Come from behind	۱- انتقال بازی از دفاع به حمله ۲- برنده شدن در یک بازی که در ظاهر شکست در آن حتمی بوده است
Come off	ترک کردن، خارج شدن، عقب کشیدن
Come off the bench	بعضی‌ها بازیکن تعویضی وارد زمین شدن
Come off the screen	از پشت ایجاد سد (اسکرین) پرش کردن
Come-out	نتیجه
Come out	خارج شدن از منطقه کلید، عقب کشیدن از منطقه ۳ ثانیه
Come out on top	۱- پیش افتادن از، بهتر بودن از ۲- بهتر بودن ۳- مقام اول را کسب کردن
Come over	جلو افتادن، پیشی گرفتن، سبقت گرفتن
Comer	بازیکنی که آینده دارد، بازیکن خوش آتیه
Come-round	بهوش آمدن، بازگشتن، بحال اول برگشتن
Come round	بهدست آوردن، بازیافتن، بهبود یافتن، بهوش آمدن، ترمیم شدن، دوباره بهدست آوردن
Come through	پیروز شدن
Come through to a big lead	برتری داشتن از، پیشی گرفتن بر، بی نظیر بودن
Comfort	راحتی، آسودگی
Coming to meet the ball	به استقبال دریافت توپ رفتن، آماده شدن برای دریافت پاس
Command	سلطه، مهارت
Commander-in-chief	مربی، مدیر
Command of the ball	مهارت در کار با توپ
Command of the dribble	مهارت در دریبل
Command of the motion	مهارت حفظ تعادل در حرکات
Commend	تمجید و ستایش کردن
Comment	تفسیر کردن، نوشتن حاشیه و تفسیر
Commentator	مفسر
Commit	متعهد شدن، مرتکب شدن، مرتکب کردن، مقصر بودن
Commit a foul	مرتکب خطا شدن
Commitment	التزام، درگیر جنگ کردن، تسلیم، کاربرد نیرو یا قوا، سرسپردگی، ارتکاب، حکم توقیف، تعهد، الزام
Common	معمولی، عادی
Common foul	خطای فردی معمولی روی بازیکن حریف که در حال شوت زدن نیست
Communication	تبادل جزئی اطلاعات بین بازیکنان در زمین بازی
Community college	آموزشگاه
Compact	۱- ازدحام کردن، متراکم کردن ۲- ازدحام، بهم فشرده
Compactness	تراکم، ازدحام، فشردگی، جمع و جوری
Compel	مجبور کردن، وادار کردن، فشار دادن
Compensate	جبران کردن
Compete	رقابت کردن با، مسابقه دادن

Competish	رقابت
Competition	رقابت، مسابقه
Competition ladder- in USA:1- Bidy basketball 2- Junior high school 3- High school 4- High school varsity 5- Junior college 6- University , Senior college 7- Professional basketball	در آمریکا سطوح سنی بازیکنان به شرح زیر می باشد: ۱- بسکتبال کودکان بجهه ای ۹ تا ۱۲ سال در سطح مینی بسکتبال ۲- بازیکنان جوان ۱۳ تا ۱۴ سال ۳- بازیکنان ۱۵ تا ۱۶ سال ۴- تیم اصلی دبیرستان، تیم اول دانشگاه یا دانشکده، بازیکنان ۱۷ تا ۱۸ سال ۵- بازیکنان ۱۹ تا ۲۰ سال ۶- بازیکنان ۱۹ تا ۲۲ سال ۷- بازیکنان بالای ۲۲ سال که به (بسکتبال حرفه ای NBA) معروف است.
Competition rules	قوانین مسابقه
Competition site(also:-venue)	مکان برگزاری مسابقه
Competition drills	بازی تمرینی در شرایط مسابقه، تمرین رقابتی
Competitive dribbling drill	تمرین: مسابقه دریبل سریع بین اعضای تیم
Competitive instinct	حس درونی رقابت، روح رقابت
Competitiveness	رقابته، مسابقه‌ای
Competitive practice	تمرین توأم با رقابت بین شرکت کنندگان
Compile statistics	جمع آوری و پردازش اطلاعات آماری
Complacent	از خود راضی، مغرور
Complain	شکایت کردن، غرغر کردن، گله کردن
Complement	کامل کردن، تکمیل کردن، پر کردن، اشغال کردن
Complete	تکمیل، تمام، کامل
Complete pattern of play	برنامه کلی بازی
Complete player	بازیکن همه‌فن‌حریف، بازیکن تطبیق‌پذیر
Completion of dribble	پایان دریبل
Complex	پیچیده، متعدد، مرکب از چند جزء
Comply	موافقت کردن، برآوردن، اجابت کردن
Component	جزء، قسمت، اجزاء، مؤلفه، عنصر
Components of team offense	اجزاء حمله که توسط یک تیم به‌کار گرفته می‌شود
Compose	سرودن، ساختن، درست کردن، تصنیف کردن
Composed	ترکیب شده، مرکب، آرام، خونسرد
Composite rating chart	جدول ارزیابی جامع
Composure	آرامش، خودداری، تسلط بر نفس، خونسردی، خویشتنداری
Compound	۱- مرکب ۲- ترکیب کردن، آمیختن
Compression shorts	گرم‌کن، لباس زیر گرم و تنگ که بالا تنه و ران را پوشانده و گرم نگه می‌دارد
Comradeship	رفاقت
Conceal	پنهان کردن
Concede	۱- واگذار کردن، دست کشیدن ۲- پذیرفتن شکست
Concentrate	غلظت کردن، متمرکز شدن، اشباع کردن، سیر کردن، متمرکز کردن، تمرکز دادن، تغلیظ
Concentration	تمرکز
Concept	عقیده، نظر، ایده
Concise	کوتاه، خلاصه

Condition	۱- حالت، شکل، فرم ۲- رسیدن به شرایط آرمانی ۳- مقید کردن
Conditioner	هر تمرینی که بازیکن یا تیم را به شرایط آرمانی برساند
Conditioning	آمادگی
Conditioning advantage	برتری فیزیکی و جسمانی
Conditioning drill	تمرینی که بازیکن یا تیم را به شرایط آرمانی برساند، تمرین آماده‌سازی
Conditioning program	برنامه آماده‌سازی، برنامه تمرینات پیش فصل به‌منظور آمادگی تیم
Conduct	رفتار، سلوک، هدایت کردن، اداره کردن، بردن
Conduct on floor	رفتار در زمین بازی و در حین بازی
Cone	کونز (وسیله‌ای به شکل مخروط که در انجام تمرینات از آن استفاده می‌شود)
Cone weaves	کنترل توپ توسط سه یا پنج بازیکن حمله کننده با استفاده از کونز (وسیله‌ای به شکل مخروط که در انجام تمرینات از آن استفاده می‌شود). در این حرکت بازیکنان توپ را به جلو و عقب در امتداد خط طولی و ی ا نزدیک به مرکز زمین پاس می‌دهند
Confer	مشورت کردن، مشاوره کردن
Conference	۱- موتمر، کنفرانس، مشاوره، کنکاش، گفتگو، مذاکره، هم رایزنی ۲- لیگ یا اتحادیه لیگ‌ها: در ایالت متحده آمریکا پنج انجمن منطقه‌ای برای برگزاری مسابقات دانشگاهی در بسکتبال وجود دارد که متشکل از کنفرانس یا انجمن شرق، شرق میانه، غرب، غرب میانه و جنوب می‌باشند.
Confidence	اطمینان، اعتقاد، اعتماد، رازگویی، صمیمیت
Confident	مطمئن، دلگرم، بی‌پروا، رازدار
Confine	محدوده، حد و مرز
Conflict	نبرد، برخورد، تضاد
Conform	تطابق دادن، هم‌نوایی کردن، مطابقت کردن، وفق دادن، اندازه بودن
Conformity	مطابقت
Confuse	گیج کردن، سردرگم کردن، گم کردن
Cong	همایش، کنگره، انجمن، مجلس
Congest	ازدحام کردن، جمع شدن
Congested area	منطقه شلوغ زمین بازی
Congestion	جمعیت، گروه، ازدحام
Congrats	شادباش، تبریک
Connect with the hoop	کسب کردن امتیاز
Conquer	شکست دادن (یک تیم)
Conscious	آگاه، هوشیار، بهوش، باخبر، ملتفت
Consciously	آگاهانه، از روی قصد
Consciousness	هوشیاری، آگاهی، اطلاع
Consciousness of own body in relation to basketball	آگاهی از توانایی‌ها و محدودیت‌های خود برای انجام بازی بسکتبال
Consecutive	پی‌درپی، پیاپی، متوالی
Consecutively	به‌طور متناوب، یکی پس از دیگری، پی در پی
Consecution	توالی، نتیجه منطقی
Conserve	حفظ کردن، نگاه‌داشتن

Consider	رسیدگی کردن (به)، ملاحظه کردن، تفکر کردن
Consideration of others	احترام گذاشتن (به حقوق دیگران، هم تیمی و حریف)
Consistent	موافق، هماهنگ، سازگار
Consistently	بمطور موافق، بدون تناقض
Constant	همیشگی، دائم، پایدار، ثابت
Constantly	به طور دائم، از روی ثبات، پیوسته
Constant passing	نوعی بازی که بر پاس های دقیق استوار باشد، و در آن فرصتی برای شوت بوجود آید
Constructive	خلاق
Consult	همفکری کردن، رایزنی کردن، کنکاش کردن، مشورت کردن، مشورت خواستن از
Contact	اتصال، تماس
Contact lenses	عدسی یا لنزهای جایگزین عینک که در چشم می گذارند
Contain	به تأخیر انداختن، بازداشتن، مهار کردن حریف
Containing	۱- مانع ۲- مهار قدرت حریف
Containment	مانع، محدودیت
Containment block	ایجاد سد (اسکرین) بر روی حریف (جهت کمک به هم تیمی)
Contender	رقیب، حریف
Contest	۱- مشاجره کردن، جنگیدن، رقابت کردن برای پیروزی ۲- مسابقه، رقابت
Contesting the shot	دفاع در برابر شوت، دفاع جهت به تأخیر انداختن شوت
Continental Basketball Association (CBA)	لیگ بسکتبال حرفه ای که با عنوان لیگ شرق در سال ۱۹۴۶ پایه ریزی شد. این لیگ پس از اصلاحات و تغییراتی (CBA)، در سال ۱۹۷۸ ارتباط تنگاتنگی با NBA که یک لیگ پیش رفته و رسمی است - پیدا کرد. بازیکنان، مربیان و داوران زیادی از CBA به NBA راه پیدا می کنند. این انجمن در سال ۱۹۹۱ به عنوان یکی از اعضای فعال در بسکتبال آمریکا پذیرفته شد.
Continental championship	رقابت تیم های ملی قاره ها برای کسب عنوان قهرمانی و افتخار
Continuous	پیوسته، مداوم، متوالی
Continuous alternating dribble	تعویض مداوم دست ها هنگام دربیل کردن توپ
Continuous one-hand dribble	دربیل مداوم توپ تنها با یک دست
Continuous weaving	حرکت مداوم ترکیبی: نوعی طرح حمله که در آن از گروه های ۵ نفری برای حرکت پاس برو استفاده می شود. بازیکن پس از ارسال پاس، از پشت سر دریافت کننده حرکت می کند. اگر او از جلو ی دریافت کننده حرکت کند، باید مستقیم به سمت سبد برش کند و در صورتی که از پشت سر او حرکت کند، پاس برگشت را به صورت دست به دست دریافت کرده و حرکت ادامه می یابد. همچنین فرد می تواند یک اسکرین از هم تیمی خود دریافت کُوده و یا موقعیت را برای شوت مهیا کند. این حرکت به طور مداوم و با ورود بازیکن از یک گوشه و خروج از گوشه مخالف زمین ادامه می یابد و در آن مهاجمین به دنبال آنند که اگر مدافعی سر خود را برگرداند و یا ضعیف دفاع کرد، و یا دقت لازم را نداشت، از یک موقعیت استفاده کُوده و پاس برو را بمطور پیوسته تا رسیدن به سبد ادامه دهند. این طرح توسط آقای نت هالمن مربی دانشگاه نیویورک ابداع شد. او این طرح را زمانی که به عنوان بازیکن در تیم اورجینال سلتییک بازی می کرد به کار برد. این الگو شبیه 8 figure است، که به آقای دکتر ا. چ.

	سی کارلوس مری پیشین دانشگاه پیتسبورگ منتسب شده است.
Continual	پیوسته، پی در پی، دائمی، همیشگی
Continual motion	حرکات پی در پی بازیکنان مهاجم که برای سر در گم کردن مدافع و به وجود آوردن موقعیت شوت بیکار می رود
Continuation screen	ایجاد سد (اسکرین) پی در پی
Continue	طولانی کردن، امتداد دادن، دراز کردن، امتداد یافتن، به تأخیر انداختن، طفره رفتن، بطلان انجامیدن
Continuity	انسجام؛ پیوستگی، اتصال، استمرار، تسلسل، دوام
Continuity offense	الگوی حمله که بصورت پی در پی اجراء می شود
Continuity outlet	تمرین مداوم اولین پاس ضد حمله: توپ ریاند از تخته بظرف تاس بک Toss back پرتاب و دریافت می شود
Continuity pattern	طرح حمله ای که در آن، بازیکنان به طور پیوسته و با خونسردی و خودکار با ایجاد اسکرین و استفاده از آن، به سمت سبد حریف بُرش می کنند، و این حرکت آنقدر ادامه می یابد تا سرانجام یک نفر آزاد شده و موفق به کسب امتیاز می شود
Contract	۱- قرارداد، پیمان، معاهده ۲- کوچک شدن، کم کردن، پرچ کردن
Contrast	مغایرت داشتن
Contribute	شرکت کردن در، همکاری و کمک کردن
Contribute to the victory	در پیروزی سهمیم بودن
Contribution	سهم، همکاری و کمک
Control	۱- منع، جلوگیری، توقیف ۲- سلطه ۳- مالکیت توپ
Control basketball	۱- بازی از پیش برنامه ریزی شده ۲- مسابقه ای که مطابق الگوهای از پیش تعیین شده، بازی شود
Control dribble	دریبل کوتاه (در سطح زانو یا پایین تر از آن)
Controlled dribble	دریبل با کنترل کامل توپ
Controlled game	الگوی بازی که در آن تمام پرتاب ها در زمان مورد نظر انجام میگیرند و هیچ شوتی از موقعیت های پرمخاطره پرتاب نمی شود
Controlled offense	الگوی حمله (واژه هایی که توسط بعضی از مربیان آمریکایی برای ضد حمله بیکار می رود)
Controlling the ball	مالک بودن توپ تا جایی که امکان دارد
Control offense	الگوی حمله، نقشه از پیش تعیین شده ی حمله
Control of tip	تسلط بر شوت های برگشتی یا توپ های ریاند حمله
Control play	۱- تسلط داشتن بر بازی ۲- بازی کردن مطابق با الگو و طرح از پیش برنامه ریزی شده
Control style	الگوی بازی که در آن تمام پرتاب ها در زمان مورد نظر انجام می گیرد و هیچ شوتی از موقعیت های پرمخاطره پرتاب نمی شود
Control team	به تیمی گویند که تمام پرتاب های خود را در زمان مورد نظر انجام داده و در موقعیت های پرمخاطره هیچ شوتی را پرتاب نمی کند.
Control the pace of the game	۱- تأثیر قوی داشتن بر آهنگ بازی تیم ۲- کنترل داشتن بر سرعت و آهنگ بازی
Ball control	مالکیت توپ، تیم در شرایط حمله، تیمی که کنترل توپ را در اختیار داشته باشد
Ball control type of team	تیمی که نوع بازی اش مبنی بر در اختیار گرفتن توپ در بیشترین زمان ممکن می باشد و فقط در موقعیت های مناسب شوت می کند

Gain control of the rebound	گرفتن توپ از ریباوند
Individual control of ball	مالکیت توپ توسط بازیکن
player control	توپ در مالکیت بازیکن (گرفتن، دریبل کردن، پرتاب کردن)
Positive control of the ball	مالکیت مطلق توپ
Self-control	تسلط بر نفس، خودداری، خویشتنداری
Team control	توپ در مالکیت تیم
Team control foul	خطای حمله، خطایی که توسط یکی از بازیکنان تیم مالک توپ صورت می گیرد
Controversy	مجادله، هم‌ستیزی، مباحثه، جدال، ستیزه
Contusion	کوفتگی، ضرب
Convenience	دستشویی، مستراح
Converge	باهم دویدن، هم‌زمان دویدن، تقارن پیدا کردن، دور هم جمع شدن، توجه به یک نقطه یا یک مقصد مشترک، تقارب خطوط، وجود تشابه، همگراشدن، همگرا بودن، بازی را در یک نقطه متمرکز کردن
Conversely	بمطور معکوس، برعکس
Convert to defense after scoring	برگشت به بازی دفاعی بعد از یک شوت که منجر به امتیاز می شود
Convey	رساندن، نقل کردن
Conviction	عقیده محکم
Convince	متقاعد کردن، قانع کردن
Convincing fake	گول مؤثر
Cool	۱- سرحال ۲- آرام، خونسرد ۳- مقاوم در برابر احساسات ۴- تسلط بر نفس، خودداری، خونسرد
Cool down	۱- تمدد اعصاب (بعد از مسابقه یا تمرین)، سرد کردن بدن، آزاد و شل شدن عضله‌ها ۲- آسان گرفتن، سخت نگرفتن
Cool it	کم کردن سرعت
Coon	۱- در حالت خمیده راه رفتن ۲- دولاً
Coop	جایگاه ویژه مخبرین جراید، جایگاه ویژه خبرنگاران
Cooperate	همکاری کردن، همکاری کردن، همدستی کردن
Cooperation	مشارکت، کار گروهی، تعاون، همدستی، همکاری
Cooperative	آماده کار تیمی، با کسی همکاری کردن
Coordinate	متناسب کردن، هماهنگ کردن، هم‌آهنگ کردن، تعدیل کردن
Coordination	کار تیمی، هماهنگی، هماهنگ سازی
Coordinational drill	۱- تمرین کار تیمی ۲- تمرین حرکات موزون تمام قسمت‌های بدن
Cop	۱- گرفتن، تصرف کردن ۲- دزدیدن
Cooper hearted	جبان، از روی جبن، از روی ترس
Cord	پیچ، تاب، ریسمان، طناب
Cord net	تور حلقه بسکتبال
Corkscrew	۱- تمرین چرخش هنگام پرش با توپ ۲- ستون فقرات
Corner	زاویه بین خط عرضی و خط طولی زمین بازی، گوشه
Corner forward	فوروارد یا بازیکن بال که در گوشه زمین فعالیت می کند
Corner "hugger "	بازیکنی که همیشه در گوشه‌های زمین بازی می کند، بازیکنی که بیش از حد به بازی در گوشه‌ی زمین علاقه دارد

Corner jumper	شوت جفت از گوشه زمین
Corner man	بازیکنی که در گوشه زمین بازی می کند، بازیکن فوروارد
Corner series	مجموعه الگوهای بازی که از گوشه زمین شروع می شود
Corner shooter	بازیکنی که پرتاب توپ از گوشه زمین را به عهده دارد
Corner shot	پرتاب از گوشه زمین
Corner spot	بال، گوشه زمین
Corner trap	تله در گوشه زمین بازی
Correct	درست، صحیح، اصلاح کردن، تصحیح کردن، اصلاح کردن، تئید کردن
Correctable error	اشتباهی که از سوی داور سر می زند و مشمول بند ۶۱ قوانین FIBA یا قانون دوم، بخش ۱۰ از قوانین NCAA می باشد (طبق هم ین قانون این اشتباه قابل جبران و برگشت خواهد بود)
Correct breathing	نفس گیری مناسب در خلال فعالیت
Corrective drill	تمرینات اصلاحی، تمرینی که حرکت نامناسب بازیکن را اصلاح می کند
Correctly	بمطور درست و صحیح
Correct manner	روش مناسب، روش اصلاح شده، حالت صحیح
Cosmo	دانشجوی خارجی
Costly	گران، پرخرج
Cotton	پنبه، نخ، پارچه نخی
Cougars	نام تیم بسکتبال دانشگاه هاستن در هاستن که در کنفرانس جنوب غ ربی بازی می کند
Couldn't hit the side of a barn( also: of a row of barns)	اجرای بسیار ضعیف شوتیست
Count	۱- حساب کردن، محاسبه کردن، حدس زدن، شمردن ۲- نرخ، درصد ۳- امتیاز، کسب کردن امتیاز
Count aloud	با صدای بلند محاسبه کردن، شمردن با صدای بلند
Counter	۱- معکوس، مقابل، ضد، در جهت مخالف ، در روبرو ۲- واکنش نشان دادن، عکس العمل نشان دادن ۳- مخالفت کردن، در افتادن ۴- امتیاز
Counteract	مخالفت کردن، عمل متقابل کردن
Counterattack (Am) = Counterattack. (Eng)	حرکت حمله بلافاصله بعد از حمله ناموفق ح ریف ، حمله متقابل ، ضد حمله
Counterclockwise (Am)= Anticlockwise (Eng)	در جهت مخالف حرکت عقربه ساعت، در خلاف جهت عقربه ساعت
Countermove	تضاد، مخالفت، مقاومت
Count me in	به گونه ای با من رفتار کن که گویی قرارداد را امضا کرده ام.
Couple	۱- جفت ۲- دو ۳- پیوستن، ضمیمه کردن، متصل کردن
Coupled	پیوند، زوج، جفت
Courage	شجاعت، بی باکی، شهامت
Course	دوره، مسیر، روش، جهت، جریان
Course of game	جریان بازی
Court	زمین بازی، میدان بازی

Court diagram	نمای کلی زمین بازی
Court dimensions	اندازه، مساحت زمین بازی
Courteous	مؤدب، فروتن، بادب
Court fray	(تقلاً) نبرد داخل زمین بازی بسکتبال) مسابقه بسکتبال
Court layout	چیدمان یا آرایش ایستگاه تمرینی در زمین بازی
Court length	اندازه طول زمین بسکتبال (۲۸ متر)
Court man	بازیکن بسکتبال، بسکتبالیست
Court markings	کلیه خطوط زمین بازی
Court position	موقعیت در زمین بازی
Court smarts	بازیکنانی که توانایی درک شرایط و سازگاری با آن را در زمین دارا باشند
Court time	مجموعه زمانی که یک بازیکن در میدان حضور داشته و بازی کرده است
Court vision	کل زمین درمیدان دید
Court width	عرض زمین بسکتبال (۱۵ متر)
Away-from-home court	زمین بازی میزبان، زمین بازی حریفان (به خصوص در شهر دیگر)
Backcourt (Am.) = Back court (Eng.)	نیمه‌ی دفاعی
Backcourt man	بازیکن مدافع، گارد
Backcourt play	۱- حرکت دفاعی ۲- بازی مدافعان
Backcourt position	موقعیت مدافع
Backcourt violation	خطای نیمه
Center court	مرکز زمین بازی
Cross court pass	پاس عرضی بلند، پاس بلند در عرض زمین بازی
Cross court screen	ایجاد سد از پهلو یا از کنار: به گونه‌ای که بازیکنی که ایجاد سد روی او انجام می‌شود قادر به دیدن مدافع خود و هم تیمی سدکننده‌اش می‌باشد
Cross court switch	سوئیچ جانبی مدافع
Cross court wing-to-wing pass	پاس در عرض زمین بازی از یک جناح به جناح دیگر زمین
Defensive end of court	نیمه دفاعی زمین، زمین خودی
Downcourt	در مسیر حلقه
End-court	۱- آخر زمین بازی ۲- نیمه زمین حمله
End court play	۱- بازی در یک نیمه زمین بازی ۲- بازی حمله‌ای ۳- شروع بازی با پاس از پشت خط عرضی به داخل زمین
Front court	نیمه زمین حمله
Front court player	بازیکن مهاجم
Full court	کل زمین بازی، سرتاسر زمین بازی
Full court drills	تمرین در سرتاسر زمین بازی
Full-court man-to-man pressing defense	دفاع یارگیری توأم با پرس در سرتاسر زمین بازی
Full court mentality	کُل زمین بازی را مورد توجه قرار دادن و خود را برای تطابق و انتقال از حمله به دفاع و برعکس آماده کردن
Full court pass	پرتیب توپ به طرف هم تیمی از این سو به آن سوی زمین بازی
Full court press	دفاع در گیرانه علیه حریفان در سرتاسر زمین بازی
Full court zone trap	دفاع منطقه‌ای در سرتاسر زمین بازی توأم با ایجاد تله بر علیه بازیکن مالک



	توپ
Full length of the court	سرتاسر طول زمین بازی
Full size regulation court	ابعاد قانونی زمین بازی (اف آی بی ای: ۲۸ متر در ۱۵ ان سی ای ای و ان بی ای ۲۸.۸۰ متر در ۱۵)
Get down the court	بمطرف حلقه حرکت کردن، در مسیر حلقه حرکت کردن
Get up the court	بمطرف حلقه حریف حرکت کردن، در مسیر حلقه حریف حرکت کردن
Half court	یک نیمه زمین بازی
Half court defense	سیستم دفاع از حریفان در نیمه خودی زمین بازی
Half court game	بازی تمرینی در یک نیمه زمین بازی (معمولاً سه علیه سه)
Half court line	خط مرکزی زمین بازی
Half court man-to-man	دفاع یارگیری (من تو من) بر علیه حریف در یک نیمه زمین بازی
Half court offense	حرکت حمله در نیمه زمین حریف
Half court press	دفاع در گیرانه بر علیه حریف در نیمه زمین خودی
Half court quickness	بازی سریع در یک نیمه زمین بازی
Half court scrimmage	بازی تمرینی در نیمه زمین بازی
Half court trap	ایجاد تله در خط مرکزی زمین جهت نگه داشتن حریف مالک توپ بعمدت هشت ثانیه در زمین خودش و یا او را وادار به پاس دادن بد کردن
Half court zone	دفاع منطقه‌ای در نیمه زمین بازی خودی
Leave the court	ترک کردن زمین بازی
Legal court	زمین بازی بسکتبال مطابق با قوانین مسابقه
Midcourt	واژه‌ای که در قوانین NCAA کاربرد دارد: به منطقه ای اطلاق می شود که در دو طرف خط نیمه قرار دارد و در واقع دو نیمه زمین را در برمی گیرد. فاصله این خط تا خط انتهای زمین ۲۸ فوت (حدود ۸.۴۰ متر) است و به وسیله خطوط کوتاهی با خطوط طولی زمین تلافی می یابد
Midcourt distance	مطابق قوانین NCAA فاصله خط انتهایی تا خط نیمه ۲۸ فوت (ح دود ۸.۴۰ متر) است. این خط امتداد یافته و خط طولی زمین را قطع می کند
Offensive end of court	نیمه حمله‌ی زمین بازی
Off the court	پشت خط زمین بازی، خارج از زمین بازی
On-court communication	تبادل اطلاعات بین بازیکنان در زمین بازی، تماس شفاهی بین بازیکنان در زمین بازی
Playing court	زمین بازی
Pressure full court	دفاع در گیرانه بر علیه حریف در سرتاسر زمین بازی
Pressure half court	دفاع در گیرانه بر علیه حریف در نیمه زمین خودی
Run up and down the court	عقب و جلو دویدن در زمین بازی (یک بسکتبالیست در کل یک مسابقه بین ۸ تا ۱۱ کیلومتر می دود)
Three-quarter court	(حرکت) در سه چهارم زمین بازی
Three-quarter court press	دفاع در گیرانه بر علیه حریف در سه چهارم زمین
Upcourt	۱- نیمه زمین بازی حمله ۲- در مسیر حلقه حمله
Cover	محافظت کردن، دفاع کردن، پوشش دادن
Coverage	۱- پوشش ۲- میدان دید
Cover down	موقعیتی که در آن مدافعی لبرسعت به داخل منطقه سه ثانیه حرکت کرده، تا زمین پوشش این منطقه و خنثی کردن حمله ی حریف ، جلو ی پاس نفوذی به بازیکن سنتز را بگیرد یا بر عکس به هنگام حمله با استفاده از

	حرکت بدنی و تنه زدن به مدافع، مسیر پاس نفوذی به داخل را باز کند
Cover down on post	دفاع کردن از حریف در موقعیت شوت (در حالت دفاعی با زانوهای خم)
Cover-out-tight	دفاع محکم روی توپ، دفاع نزدیک از بازیکن مالک توپ
Cover up	دفاع کردن، محافظت کردن، فرو رفتن در لاک دفاعی
Co-worker	یار، هم تیمی
Crab dribble	دریبل کوتاه در کنار بدن که در آن بازیکن دریبل زن یک طرف بدن یا پشت خود را به سمت مدافع قرار داده تا از توپ خود محافظت کند. در این حالت بازیکن توپ را به جلو و عقب حرکت داده و با استفاده از بدن خود از آن محافظت می کند.
Crack	از کار افتادن قلب، ایست قلبی
Crack a mark	دست یافتن به یک رکورد (شوت ها، ریباند، ایجاد سد)
Crack down	پرخاش کردن، دعوا کردن، سرزنش کردن
Cracked nut	جمجمه ترک خورده
Cracked rib	دنده شکسته
Crack on weight	چاق شدن
Crack up	مریض شدن
Craft	تیم (اعضای یک دسته یا جمعی از کارگران ماهر)
Crammed	شلوغ، پرجمعیت
Cramp	گرفتگی عضلانی، اسپاسم
Crank	هوادار، طرفدار
Crap	بی بها، ناچیز و بی قیمت، بی ارزش، بی اهمیت
Crash	۱- خرد کردن، درهم شکستن ۲- صدای بلند یا ناگهانی (در اثر شکستن) ۳- جهش کردن یا پرت کردن خود به طرف حلقه به منظور توپ ریباند
Crash the board	جهش کردن یا پرت کردن خود به طرف حلقه جهت توپ ریباند
Crash the defensive board	حمله کردن برای ریباند در حلقه دفاع
Crash the front page	مشهور شدن
Crawfish	عقب کشیدن، از موضعی عقب نشینی کردن
Crazy shot	شوتی که با دقت کم و از مکانی نامناسب زده می شود
(A) Cream	بهترین، نیکوترین
Cream puff	بازیکن ترسو
Creative	خالق، خلاق، آفریننده
Creativity	قدرت ابداع، قوه ابتکار، خلاقیت (الگوی های بازی)
Creator	بازیکنی که شرایط مؤثری را در زمین خلق می کند، بازیکن خلاق
Credit	۱- پذیرفتن، تصدیق کردن ۲- اعتماد، اطمینان ۳- لیاقت
Creepers	پاها
Crew	تیم (گروهی که با هم در انجام کاری هم کاری دارند)
Cripple	بازیکن درجه دو، بازیکن متوسط
Cripples	تیم درجه دو، تیم متوسط
Crip shot	شوت جفت نزدیک به حلقه
Crisp	کوتاه، مختصر، اجمالی
Crisp pass	پاس سریع، پاس تند

Criss-cross	۱- نقطه تقاطع ، نقطه تلاقی ، دوراهی ، محل تقاطع ۲- پرش قیچی ۳- تمرین برش و دویدن یا دربیل کردن در امتداد خطوط تقاطع در زمین بازی ۴- سیستم مسابقات نیمه نهایی در این سیستم: تیم اول گروه A با تیم دوم گروه B بازی می کند و برنده آنها برای بازی پایانی و بازنده برای بازی رده بندی مسابقه می دهند.
Criss-cross attack	حمله با حرکاتی که بازیکنان مهاجم از همدیگر بگذرند یا هم دیگر را قطع کنند، حمله با حرکات متقاطع بازیکنان (شبه 8 انگلیسی)
Criss-cross screen for the guard	نوعی الگوی بازی که بازیکن گارد بعد از پاس ، برش متقاطع و یک ایجاد سد دورتر از حلقه انجام می دهد
Criticize	قضاوت کردن، اظهار عقیده کردن، انتقاد کردن، نکوهش کردن
Crooked arm	بازیکن چپ دست
Crooked deal	فریب، گول
Crookery	نادرستی (تقلب)، خیانت، عدم امانت
Crop	بازیکن آینده دار، اعضای تیم آینده دار
Cross	از وسط قطع کردن، تقسیم کردن، تقاطع کردن
Cross and roll	ایجاد اسکرین در جلوی حریف و سپس چرخیدن و جا گذاشتن حریف
Cross-arm shot	پرتاب با یک دست از روی شانه
Cross body	در عرض بدن
Cross-body pass	پاس دادن توأم با تاب دادن دست در عرض بدن
Cross country	ورزش های میدانی و صحرایی
Cross court pass	پاس بسیار بلند و دور در عرض زمین بازی
Cross court screen	ایجاد سد از پهلو یا از کنار: به طوری که بازیکنی که ایجاد سد روی او انجام می شود قادر به دیدن مدافع خود و هم تیمی سدکننده باشد.
Cross court switch	سوئیچ کردن بازیکن مدافع در عرض
Cross court wing-to-wing pass	پاس دادن در عرض زمین بازی از یک جناح به جناح دیگر
Cross dribble	دربیل توپ توأم با تغییر دست ها
Cross dribble drill	تمرین دربیل با دست ها بصورت متناوب: تمرین دربیل زدن در حال راه رفتن، دست راست، پای راست سپس دست چپ - پای چپ
Cross-face pass	پاس یک دست از جلوی صورت
Crossing-off-the-post	برش دو بازیکن از کنار هم به طوری که هم دیگر را قطع کنند
Cross lay-up drill	تمرین شوت سه گام به طور متناوب با دست چپ و راست در دو طرف حلقه
Cross-legged	چهار زانو
Cross-over	تغییر مسیر
Cross-over block out	تغییر مسیر به منظور جلوگیری از مسیر حریف
Cross-over dribble	دربیل با تغییر ناگهانی مسیر و دستی که با آن دربیل زده می شود
Cross-over dribble drill	درجلی مارپیچ بین سه مانع یا کونز (۹۰ سانتیمتر یکی بعد از دیگری ) با تغییر دست، قبل از رسیدن به هر مانع یا کونز و برگشت از پشت مانع یا کونز سومی
Cross-over drive	حرکت یک بازیکن مالک توپ به طوری که : یک گام فریب ب ه طرف حریف مدافع بر می دارد و با یک دربیل از کنار این حریف برش می کند
Crossover lay-up	شوت سه گام بعد از تغییر مسیر
Crossover move	حرکت با تغییر مسیر

Cross-over step	گامی که تغییر مسیر با آن صورت می گیرد
Cross pass	پاس در عرض زمین، پاس از این سو به آن سوی زمین
Cross screen	ایجاد سد برای هم تیمی توسط بازیکنی که از طرف مقابل او از منطقه کلید حرکت می کند
Cross the dope	پیش بینی اشتباه نتیجه بازی
Cross underneath	برش متقاطع زیر یا نزدیک حلقه
Guard-to-guard cross	برش متقاطع توسط گاردها
One-hand cross-body pass	پاس یک دست توأم با تاب دادن دست در عرض جلوی بدن
Triple cross	نوعی بازی که با همکاری سه بازیکن حمله کننده انجام می گیرد. وقتی که توپ دست یکی از حمله کنندگان می باشد دو نفر دیگر ببطور ضربداری در دو جهت مخالف یکدیگر از کنار بازیکن مالک توپ به طرف حلقه مقابل حرکت می کنند و این حرکت برای گمراه کردن تیم دفاعی بسیار مؤثر است
wing cross	برش متقاطع دو بازیکن بال در عرض منطقه کلید
Wing low cross	برش متقاطع دو بازیکن فوروارد در زیر حلقه
Wing-to-wing cross	برش متقاطع دو بازیکن فوروارد
Crouch	چمباتمه زدن، روی پاشنه نشستن، خم شدن
Crouch and switch	خم شدن و پریدن برای تغییر پوشش یا سوئیچ کردن با یک جهش
Crouched position	حالت چمباتمه، حالت خم شدن با زانوهای خم
Crowd	۱- جمعیت، ازدحام، جمع شدن ۲- انبوه، ازدحام ۳- تماشاچیان در جایگاه
Crowded area	قسمت شلوغ زمین بازی
Crowded conditions	شرایط در قسمت های شلوغ زمین بازی (محدود شدن در مانور)
Crowd pleasing	برای تماشاگران بازی کردن
Crowd with body	جلوگیری کردن با بدن، هل دادن با بدن، تنه زدن
Crown prince	مدعی اصلی قهرمانی
Crucial	و خیم، بسیار سخت
Crud	بیماری قارچی پوست
Crunchers	دندان
Crunch time	زمان سخت بازی
Crusadors	نام تیم بسکتبال دانشکده هالی کراس ورسستر در ورسستر (ماساچوست) که در لیگ پتریوت بازی می کند
Crusher	بازیکن قوی و عضلانی
Crushing shot	اسپک کردن توپ داخل حلقه، گل آبخاری محکم
Crust	توهین کردن به، بی احترامی کردن به، خوار کردن، فحش دادن، بالیدن
Cry baby	آدم تنبل و از زیر کار در رو، آدم طفره رو
Cryotherapy	درمان به وسیله سرما، سرما درمانی
Crystal gazer	کسی که نتایج را پیش بینی می کند
Cup	۱- جایزه، پاداش ۲- آرایش بازیکنان در زمین بازی ۳- رقابت کردن برای کاپ یا جام
Cup player	بازیکن غیر حرفه ای، بازیکن آماتور
Cupster	مسابقه برای جام

Cure	درمان کردن، توجه کردن، مواظبت کردن (مریض، مجروح)
Curl	برش مدور، برش در مسیر یک نیم دایره: الگوی حمله‌ای که یک بازیکن حمله از دور یک ایجاد سد در برابر یک حریف سر سخت به طرف حلقه برش می‌کند
Curl around	۱- گرد چیزی دویدن ۲- در امتداد یک مسیر نیم دایره برش کردن ۳- برش کردن اطراف یک ایجاد سد
Curl cut	در امتداد یک مسیر نیم دایره برش کردن
Curling	در امتداد یک مسیر نیم دایره به طرف حلقه برش کردن
Current	متداول، جاری، رایج، واقعی، جدید
Current trends of the game( of basketball)	روش‌های نویری که در بسکتبال به کار گرفته می‌شود
Curtain raiser	۱- بازی مقدماتی ۲- اولین بازی مسابقات
Curtains	انها، آخر، پایان
Curtain time	لحظه‌ای در هنگام بازی که نتیجه بازی معلوم است
Curve	پیچش، کجی، خمیدگی، مقدار انحناء، منحنی، خط منحنی
Curve ball	مسیر منحنی توپ، پرتاب قوسی (بر اثر چرخش توپ)
Curving the ball	قوس برداشتن توپ (بر اثر چرخش)
Custom	عادت
Customary	عادی، مرسوم
Cut	۱- دویدن، دو (معمولاً به طرف حلقه) ۲- دویدن بازیکن مهاجم با یک تغییر مسیر ناگهانی (معمولاً به طرف حلقه، به طرف توپ یا هم تیمی) ۳- محروم کردن از تیم، راه ندادن به تیم
Cut a player	اخراج کردن بازیکن، کنار گذاشتن از تیم
Cut a shine	عالی بازی کردن، خیلی خوب بازی کردن
Cut away	۱- برش کردن به طرف محدوده پیرامونی ۲- دور شدن از توپ یا حلقه ۳- جا گذاشتن حریف (از یک ایجاد سد)
Cut back	دویدن یا برش کردن به عقب
Cut backdoor	از پشت سر مدافع حریف برش کردن
Cut behind guard	از پشت سر مدافع حریف برش کردن
Cut corners	اجرای تمرین‌های نامناسب، وقت را بیهوده در تمرین گذراندن
Cut down	۱- به طرف حلقه دویدن ۲- خرد کردن، خلاصه کردن، تقلیل دادن
Cut down the lane	برش کردن در امتداد یا در منطقه کلید به طرف حلقه
Cut in	به طرف حلقه دویدن، بطرف توپ دویدن (نزدیک به حلقه)
Cut list	فهرست بازیکنان خط خورده یا کنار گذاشته شده از تیم
Cut loose	۱- شروع کردن ۲- رهایی یافتن از
Cut loose with a hot one	محکم پرتاب کردن
Cut off	۱- دویدن در مسیر مخالف ۲- از وسط دو نیم کردن، تقسیم کردن، قطع کردن
Cut off a player	برش کردن از کنار یک بازیکن (حریف یا هم تیمی)
Cut off pick	برش کردن از پشت ایجاد سد
Cut off the ball	برش کردن از نزدیک هم تیمی مالک توپ و حریمی که از او دفاع می‌کنند به منظور دریافت پاس از او

Cut off the outlet	۱- برش بمطرف حلقه بعد از دریافت اولین پاس برای شروع ضدحمله ۲- ممانعت کردن، برش کردن از کنار، تأخیر انداختن در پاس اولیه ضد حمله
Cut off the pass	۱- برش کردن بمطرف حلقه بعد از دریافت پاس ۲- تأخیر انداختن در پاس حریف
Cut off the screen	از پشت ایجاد سد برش کردن، از پشت بلاگک برش کردن
Cut off the tonnage(also:- the roundage)	کم کردن وزن
Cut out	دور شدن از حلقه
Cuts after a screen	حمایت کردن از هم تیمی بعد از برش کردن از ایجاد سد (اسکرین)
Cut, screen and roll play	ایجاد سد و اسکرین برای یار خودی در منطقه پُست پائین. این بازیکن با استفاده از این سد، بمطور عرضی از منطقه سه ثانیه عبور کرده و به دنبال دریافت توپ در این منطقه است و همزمان، بازیکنی که اسکرین کرده به سمت سبد می چرخد و او نیز طلب توپ می کند. (این الگوی مله با آرایش ۱-۳-۱ انجام می شود)
Cutter	بازیگری که برش می کند، بازیکن برش کننده
Cut tight off the screen	حرکت بسیار نزدیک (شانه به شانه) نسبت به یاری که اسکرین کرده ، به طوری که او فضای حرکت نداشته باشد ولی این بازیکن (کسی که برای او اسکرین ایجاد شده) آزاد گردیده و بتواند توپ را دریافت کند
Cutting and dribbling offense( without a pivot)	حمله بدون بازیکن ستر که در آن از برش و نفوذ های توأم با دریل و بدون دریل استفاده می شود
Cutting lane	مسیر برش یا نفوذ
Cutting movement	دویدن یا برش (به ویژه بمطرف حلقه)
Cutting path	مسیر برش یا نفوذ
Cutting to the basket	دویدن با برش کردن بمطرف حلقه، موقعیت نزدیک به حلقه
Cut to the ball	برش کردن از پشت سر مدافع بمطرف توپ
Cut to the basket	برش کردن یا دویدن بمطرف حلقه
Cut to the opening	دویدن بمطرف موقعیت بدون مدافع
Cut toward baseline, make a loop, and come back take pass	حرکت گول که به دریافت توپ کمک می کند : دویدن به طرف خط عرضی و چرخش ناگهانی و بازگشت به موقعیت اولیه برای دریافت توپ
Cut up ( rough )	متغیر شدن، داد و بیداد راه انداختن
Angle cut	دویدن همراه با تغییر مسیر (برش در امتداد دو خط مستقیم و ناگهان در بک زاویه همدیگر را قطع کردن)
Back cut	۱- دویدن به عقب، دویدن بمطرف عقب بعد از تظاهر کردن به دویدن به سمت جلو ۲- دویدن یا برش کردن از پشت سر مدافع حریف
Backdoor cut	۱- دویدن یا برش کردن از پشت سر مدافع حریف، بمطرف حلقه ی او این زمانی اتفاق می افتد که حریف مشغول دفاع پوششی است و گرفتن پاس را ناممکن می سازد ۲- دویدن از پشت سر مدافع حریف
Ballside cut	برش بازیکن مهاجم به سمت قوی زمین (قسمتی که توپ در آنجا حرکت می کند)
Banana cut	برش کردن بمصورت منحنی
Baseline cutting	دویدن بمطرف یا در امتداد خط عرضی زمین بازی
Change of direction cut	برش توأم با تغییر مسیر
Change of direction, inside cut	تغییر جهت دادن توأم با برش بمطرف حلقه

Diagonal cut	برش کردن یا دویدن به صورت مورب
Double cut	برش متقاطع دو بازیکن
Double cut off the post	دویدن دو بازیکن به طوری که همدیگر را هنگام رسیدن به یک نقطه قطع کنند
Dribbling roll cut	برش توأم با چرخش در هنگام دربیبل زدن
Duck in	جا گذاشتن مدافع و برش کردن بمطرف موقعیت شوت نزدیک به حلقه
Fake before every cut	گول زدن قبل از هر برشی
. Fake, cut out, then check back to take a pass	گول زدن برای بوجود آوردن موقعیت به منظور دریافت پاس (وانمود کردن به دور شدن از توپ ولی در عمل برگشت برای دریافت پاس)
Fake reverse and inside cut	گول زدن به عقب و سپس بمطرف حلقه برش کردن
Fake screen and cut	دور شدن از توپ و بمطرف هم تیمی بدون توپ دویدن، وانمود کردن به ایجاد سد (اسکرین) روی او ولی ناگهان تغییر مسیر دادن و بمطرف حلقه برش کردن
Fake shuffle cut	برش یا دویدن با حالتی که بازیکن وانمود کند قصد دارد تاکتیک قبلی را اجراء نماید ولی در عمل تاکتیک دیگری را به نمایش بگذارد
Fast breaking cutter	بازیکن مهاجم برش کننده در ضد حمله
Flash cut	برش یا دویدن سریع و ناگهانی
Flash cut baseline	برش یا دویدن سریع و ناگهانی بمطرف خط عرضی
Flash cutter	بازیکنی که برش یا دویدن سریع و ناگهانی را اجراء می کند
Front cut	۱- برش بازیکن مهاجم بمطرف جلو، قبل از مواجه شدن یک حریف با او ۲- الگوی حمله که در آن بازیکن بعد از پاس به هم تیمی خود در مسی ر مخالف حرف V برش می کند و سپس با برش بین توپ و بازیکن مدافع امکان دریافت توپ را بوجود می آورد
Front cut ( middle or inside )	برش به سمت سبد با حرکت از بین توپ و مدافع و حرکت از جلو مدافع
Give-and-go cut	پاس دادن توپ و بعد از آن بمطرف حلقه برش کردن برای جا گذاشتن حریف
Hard cut	برش سخت، برش سریع
Inside cut	دویدن بمطرف یا داخل محوطه حلقه
Interior cutter	بازیکنی که بمطرف یا داخل محوطه حلقه برش می کند
Lateral cutter	بازیکنی که در عرض برش می کند
Lateral cutting	برش در عرض، برش جانبی
Loose cutter	بازیکن مهاجمی که آزادانه بمطرف حلقه برش می کند، بازیکن مهاجم بدون مدافع که بمطرف حلقه می دود
Low cut	برش نزدیک به حلقه
Pass and cut	پرتاب توپ به طرف هم تیمی و بلافاصله به طرف حلقه برش کردن (حرکتی که برای دریافت پاس برگشتی نزدیک به حلقه یا در موقعیت خوب شوت، بکار گرفته می شود)
Primary cutter	اولین بازیکن برش کننده در یک بازی از پیش طراحی شده
Read for the cut off the screen	پی بردن به بهترین شرایط، جهت بکارگیری از یک برش مناسب ایجاد سد (اسکرین) از پشت
Rear cut	حرکت حمله: بازیکن به هم تیمی خود پاس می دهد و سپس از پشت مدافع خودش بمطرف حلقه حرکت کرده و در آنجا منتظر برگشت پاس می ماند

Release the cutter	کمک به هم تیمی در حال برش (با آماده برش) بمطرف حلقه
Reverse cut	دویدن یا برش به سمت عقب
Roll out and cut	حرکت توأم با چرخش از زیر حلقه که با برش دنبال می شود
Scissor cut	برش بمشکل قیچی
Scissor movement	حرکت متقاطع، حرکت بمشکل ضربدر، برش دو بازیکن که هم دیگر را شبیه قیچی قطع می کنند
Secondary cutter	دومین برش کننده ی کمکی در یک بازی از پیش طراحی شده
Short cut	۱- برش افقی، راه میان بر ۲- میانبر زدن ۳- اتصال کوتاه
Shuffle cut	۱- برشی که حرکت قبلی را ادامه می دهد ۲- برش به منظور تغییر موقعیت (به منظور معمول این برش بمطرف حلقه برای درکافت پاس در آنجا انجام می شود)
Slice cut	برش از پشت یک ایجاد سد (اسکرین)، از بیرون محدوده کلید ب طرف موقعیت شوت نزدیک حلقه در موقعیت پایین
Straightline cut	برش بمطرف حلقه در امتداد یک خط مستقیم
Talk cutters	مطلع کردن هم تیمی با صدای بلند از برش حریتلن
Up-and-out cut	برش بمطرف موقعیت بالا و سپس بمطرف خط طولی، برش بمشکل L
V-cut	برش بمشکل V: حرکتی توسط بازیکن حمله کننده که برای فرار از مدافع و دریافت پاس انجام می دهد در این حرکت بازیکن حمله کننده چند قدم بمطرف حلقه دویده بعد ناگهان مسیر خود را تغییر داده و بمطرف هم تیمی مالک توپ می دود. مسیری را که این بازیکن طی می کند بمشکل V بوده به همین دلیل این حرکت به این نام می باشد.
Vertical cut	برش قائم، برش در طول زمین (بعد از پاس دادن مستقیم ب طرف حلقه برش کردن)
Weak-side cutting	برش دریا بمطرف ضعیف زمین (جایی که توپ در آن قسمت حرکت نمی کند)
Cycle	مدور، چرخه، دوره، مسیر، سیکل، گردش
Cylinder	فضای فرضی استوانه ای شکل بالای حلقه



DDDDDDDDDDDDDDDDDDDDDDDDDD	
Daily	روز به روز، روزانه
Daily grind	کار روزانه، امر روزمره
Daily plan	برنامه تمرین روزانه، تمرین روزانه
Daily practice	تمرین روزانه
Daily practice schedule	برنامه تمرین روزانه، برنامه روزانه
Daisy-cutter	پاس یا توپی که به زمین تماس پیدا کند
Damn	۱- خیلی، بسیار ۲- چیز جزئی ۳- کم بها
Damp	مرطوب، نم، رطوبت
Dance	بازی خوب و مهم (واژه عامیانه مربوط به زمان گذشته بسکتبال که مسابقات بسکتبال در سالن‌های رقص برگزار می‌شده است)
Dance-hall player	بازیکن مصمم و با اراده
Dancers	پله‌ها
Dance the carpet	تویخ یا سرزنش شدن توسط مربی یا مدیر
Danger	ریسک، خطر
Danger area	منطقه خطر (بخاطر امکان پرتاب توپ توسط حریف)
Dangerous	خطرناک
Dangerous play	بازی خطرناک
Dangerous shooter	بازیکن خطرناک (به خاطر توانایی هاش در پرتاب توپ به طرف حلقه)
Danger zone	منطقه خطر (بخاطر امکان پرتاب توپ توسط حریف)
Dark	تیره و تاریک
Dark dynamite	بازیکن سبک پوست سریع
Dark horse	تیم ناشناسی که بیش از حد انتظار موفقیت کسب کند
Dart	حرکت تند، گریز، فرار با شتاب، جهش، کوشش ناگهانی و کوتاه، به سرعت رفتن، مستقیم به جلو رفتن، شتافتن
Darting, flicking hand thrust	ضربه زدن با دست (زدن ناگهانی توپ در بیل کننده)
Dart out	جهش کردن، به سرعت رفتن
Dast not	جرأت نکردن، شهامت نداشتن
Daylight	۱- روشنی روز ۲- فضای خالی حاصل از ایجاد اسکرین و بُرش ۳- فضای بین توپ و گودی کف دست به هنگام نگه داشتن توپ در دست ۴- فضای خالی به هنگام بُرش که به حریف امکان ایجاد اسکرین می‌دهد
Dead	۱- مرده ۲- بازیکن مهاجم بعد از متوقف کردن دربیل ۳- ارتباط کلامی بین بازیکنان در زمانی که بازیکن دربیل زن، دربیل خود را قطع کرد ، مدافع او اعلام می‌کند "مُرد" و هم تیمی‌های خود را از این موقعیت مطلع می‌سازد ۴- خسته - مسابقه کفیل کننده
Dead ball	۱- مطابق ماده ۲۴ قوانین اف. آی. بی. ای توپ غیرفعال، توپ مرده ۲ در

	اصطلاح به زمانی که ساعت بازی متوقف شده و توپ در جریان بازی نیست گفته می شود ۲- توپ پرتاب شده بدون چرخش ۳- دربیبل ضعیف و نامطمئن ۴- شرایطی که بازیکن بعد از متوقف کردن دربیبل دیگر مطابق قوانین نتواند عمل دربیبل را ادامه دهد
Dead-beat	خسته و بی حال
Dead cinch	برنده احتمالی
Dead corners	گوشه های زمین بازی
Dead duck	۱- بی ارزش ۲- کسی که لایق شکست است
Deader	بازیکن خسته
Dead eye	شو تیس ت م هر، بازیکنی که از توانایی بالایی در شوت برخوردار باشد
Dead eyed	درست، دقیق، صحیح
Dead frost	۱- شکست، عدم موفقیت ۲- ناامیدی
Dead-game sport	بازنده خوب
Deadhead	بیننده مسابقه بدون پرداخت هزینه
Dead-headed	بی دقت
Dead heat	نتیجه مساوی (در مسابقه)
Deadlock	مساوی
Deadly	بزرگ، باشکوه
Deadly outside shooter	بازیکنی که از خارج محوطه کلید بدون اشتباه امتیاز کسب می کند
Deadly 3-point shooter	بازیکنی که بطور کامل از محوطه سه امتیازی امتیاز کسب می کند
Deadness	انعطاف ناپذیری بیش از حد تخته یا حلقه بسکتبال
Dead player	بازیکن بعد از متوقف کردن دربیبل
Dead run	قدم تند، گام سریع
Dead shot	۱- بازیکنی که بحدت شکست می خورد ۲- برنده احتمالی ۳- امر مسلم ، یقین، اطمینان
Dead slow	۱- خسته ۲- خسته کننده، کسل کننده
Dead timber(also: Deadwood)	عضو غیر فعال تیم، عضو ناتوان تیم
Dead time	قسمت های بازی که سرعت در آن متوقف می شود، زمان مرده
Deadwood	عضو غیر فعال تیم
Deal	۱- عمل کردن ۲- توافق ۳- گردش توپ با پاس بین بازیکنان و منتظر موقعیت مناسب برای شوت راحت
Dealing with the delay	جلوگیری کردن از به تاخیر اناختن بازی، عمل کردن علیه وقت کشی یا بازی تاخیری
Deceive	گول زدن، حقه زدن
Decelerate	آرام کردن، کم کردن سرعت، آهسته کردن
Deception	نیرنگ، فریب، گول

Deceptive	زیرک، باهوش، گول زننده
Deceptive fakes and feints	حرکات یا فریب‌های زیرکانه به منظور کسب برتری و غلبه بر حریف
Deceptive movements	حرکات گول زننده
Decision	تصمیم، راه حل
Declaration	گُند کردن روند بازی
Decode	شرح دادن، توضیح دادن
Decorum	رفتار مناسب و بجا
Decoy	تله، دام، به دام انداختن، به تله انداختن
Decoy away	به تله انداختن حریف با کشیدن آن در موقعیت خطر
Decoying	تله، دام
Decoy out of position	به تله انداختن حریف با کشیدن آن در موقعیت خطر
Decrease	کاهش دادن، کاستن
Dedicated	علاقمند
Dedication	وقف، تخصیص، صمیمیت
Deep	۱- گود، عمیق ۲- پایین، نزدیک به حلقه ۳- با کیفیت
Deep bench	ذخیره‌های خوب
Deep defender	بازیکن مدافع که نزدیک به حلقه قرار می‌گیرد
Deep knee-bent shot	پرتاب آزاد با حالت زانوهای خم
Deep middle man	بازیکن نزدیک به حلقه در موقعیت میانی محدوده ریباند
Deep side man	بازیکن نزدیک به حلقه در موقعیت کناری محدوده ریباند
Def	تعریف، معنی
Default	۱- کوتاهی، قصور ۲- عدم حضور در زمین
Defeat	شکست، شکست دادن، مغلوب ساختن
Defend	محافظت کردن، دفاع کردن از، حمایت کردن
Defender	بازیکن مدافع، بازیکن محافظ
Bottom defender	موقعیت مدافع قبل از دایره پرتاب آزاد خودی در آرایش جفت مدافع در خط اول بازی دفاعی
Deep defender	بازیکن مدافع نزدیک به حلقه موقعیت
Floating defender	بازیکن مدافع چابک
Inside a defender	حرکت بین بازیکن مدافع و حلقه (شبيه ایجاد سد، برش)
Inside a defender screen	ایجاد سد بین حلقه و مدافع حریف هم تیمی
Outside a defender	حرکت بین بازیکن مدافع و بازیکن مهاجم می‌که توسط آن دفاع می‌شود (شبيه ایجاد سد)
Outside a defender screen	ایجاد سد بین مدافع شل و ول حریف و هم تیمی خود که توسط این حریف مدافع دفاع می‌شود
Screen inside the defender	ایجاد سد بین مدافع و حلقه

Screen outside the defender	ایجاد سد خارج از خط فرضی که به بازیکن مدافع و حلقه را متصل می کند
Defending team	تیم دفاعی
Defense(Am.) = Defence (Eng)	دفاع
Defense against inbound plays	دفاع در برابر توپی که از بیرون از زمین پرتاب می شود
"Defense is played primarily with head and feet"	اصولی که بازی دفاعی را کنترل می کند، این اصول توسط مربی جان وودن بیان شده است
Defense one pass away	موقعیت دفاعی یک پاس دورتر از حریف مالک توپ
Defense on the dribble	دفاع علیه حریفی که دربیبل می کند
Defense on the man without the ball	دفاع علیه حریف بدون توپ
Defense philosophy	نگرش بعضی از مربیان که اولویت را به بازی دفاعی می دهند
Defense the dribbler, no hands	تمرین دفاع کردن بدون استفاده از دست ها (دست ها در پشت کمر قرار می گیرد) علیه بازیکنی که در حال دربیبل زدن در خط مسیر کناری زمین باشد. در این دفاع فقط با کار پا به بازیکن مالک توپ فشار آورده و او را مجبور به تغییر مسیر می کنیم
Defense two passes away	موقعیت دفاعی دو پاس دورتر از حریف مالک توپ
Aggressive defense	دفاع سفت و درگیرانه از حلقه
Aggressive man-to-man defense	دفاع یارگیری درگیرانه همراه با دور کردن حریف از حلقه و ایجاد دبل تیم بر روی این حریف
Amoeba defense	الگوی دفاع ترکیبی که در دهه ۶۰ تا ۷۰ استفاده می شد. این الگو توسط فرن ویستر مربی دفاعی تیم بسکتبال دانشگاه پستبورگ برای اولین بار در فصل ۱۹۶۶/۶۷ به کار گرفته شد. پنج سال بعد این الگو توسط مربی دانشگاه جورج واشینگتن به خاطر قابلیت انعطافش و جابجایی مداوم منطقه دفاعی همراه با انتقال از دفاع یارگیری به دفاع منطقه ای و همیشه با فشار در کل زمین بازی Amoeba نامیده شد. سه حرکت اصلی که همیشه در این الگو به کار می رود به شرح زیر است؛ جابجایی یا سوئیچ همراه با جهش، وانمود کردن به جابجایی یا سوئیچ با یک جهش، ایجاد دبل تیم همراه با باز کردن دست ها به صورت چتر بر روی حریف مالک توپ.
Area defense	واژه قدیمی برای دفاع منطقه ای
Attack defense	دفاع درگیرانه
Beat the defense down the floor	پیشی گرفتن از دفاعی که به طرف حلقه خود می دود
Box and one combination defense	دفاع ترکیبی؛ چهار بازیکن در یک آرایش دفاع منطقه ای ۲-۲ (دو نفر در موقعیت پایین دو نفر در موقعیت بالا در کنار خطوط منطقه کلید) و بازیکن پنجم دفاع یارگیری
Change-up defense	دفاع با تغییر سیستم، دفاع ترکیبی (با چندین سیستم)
"Chinese defense"	دفاعی که برای گول زدن حریف به کار می رود
Collapsing defense	دفاع یارگیری سست، شل و ول
Collapsing man-to-man defense	دفاع یارگیری سست، شل و ول

Combat the zone defense	حمله علیه دفاع منطقه‌ای
Combination defense	الگوی دفاع متشکل از چندین سیستم، دفاع ترکیبی
Delaying defense	دفاع تأخیری، دفاعی که حرکت حمله را به تأخیر می‌اندازد
Desperation defense	دفاع در شرایط بسیار دشوار
Diamond-and-one	دفاع منطقه‌ای در آرایش لوزی ۱-۲-۱ در پیرامون منطقه کلید با اجرای دفاع یارگیری توسط پنجمین بازیکن
Diamond-and-one combination defense	دفاع منطقه‌ای در آرایش ۱-۲- با اجرای دفاع یارگیری توسط یک بازیکن
Eagle (defense)	دفاع منطقه‌ای ۲-۳ همراه با فشار و دبل تیم (بخصوص در موقعیت پایین)
Even front defense	دفاع منطقه‌ای با یک جفت مدافع در خط اول
Even front zone defense	دفاع منطقه‌ای با یک جفت مدافع در خط اول
Eyeball-to-eyeball defense	دفاع سخت (رو در رو)
Fast break defense	محافظت یا دفاع در مقابل ضد حمله
50 defense	سیستم دفاعی که به وسیله دفاع ۴۰ مشخص می‌شود؛ بعد از تقسیم کردن زمین بازی به چهار قسمت فرضی ' موازی با خط مرکزی زمین ، پنجمین قسمت ببعنوان شماره ۵۰ پشت خط عرضی علامت گذاری می‌شود (پشت حلقه دفاعی)
Five-man on-line defense	آرایش دفاعی پنج بازیکن روی یک خط
Five-man two-line set or mass defense	آرایش دفاعی پنج بازیکن روی دو خط که به عنوان دفاع ایستا یا دفاع جمع یا دفاع انبوه عمل می‌کنند
Five-men defense	پنج بازیکن فعال در دفاع
Flash defense	دفاع علیه برش‌های ناگهانی و سریع
Flexible defense	دفاع انعطاف پذیر که مطابق تغییرات حمله حریف تغییر می‌کند
Floating defense	دفاع متغیر محکم نزدیک به حلقه
Floating man-to-man defense	دفاع متحرک و شناور محکم با پوشش یارگیری
Floating or sagging man-to-man defense with a zone principle	تحرک و یارگیری در منطقه داخلی (اطراف سبد) و بستن و پوشش حریف به وسیله یارگیری نفر به نفر
Fluctuated defense	دفاع پویا، دفاع فعال و پر جنب و جوش (با مدافعانی که به طرف جلو و عقب حرکت می‌کنند)
Forcing defense	سیستم دفاعی همراه با اعمال فشار بر حرکات حریف
40 Defense	سیستم دفاعی براساس تقسیم‌بندی زمین دفاعی به ۴ منطقه مساوی و آرایش مدافعین و تعیین وظایف دفاعی در ۴ منطقه فرضی و آرایش منطقه ای بازیکنان با شماره‌های ۴۱، ۴۲ یا ۴۳ معین می‌شود
Foul line defense	آرایش بازیکن مدافع به هنگام پرتاب آزاد
Freak defense	دفاع ملون یا غیر عادی؛ ترکیب سیستم‌های پوششی یارگیری، مرطقه‌ای، میچ آپ (شناور) یا ترکیبی، با انجام اولین پاس از سوی حریف عناصر این دفاع تعیین و از سوی مدافعین انجام می‌شود. و در صورتی که نوع دفاع و سیستم

	دفاعی لو رفت و تیم حمله عکس العمل های دفاعی را شناسایی کرد سیستم دفاعی تغییر می کند
Full-court man-to-man pressing defense	دفاع یارگیری (من تو من) همراه با فشار در کل زمین بازی
Funnel zone defense	الگوی دفاعی منطقه ای به شکل قیف
Getting back on defense	برگشتن به زمین خودی همراه با دفاع بعد از دست دادن توپ
Half court defense	الگوی دفاع از حریفان در نیمه زمینی خودی
"Hard- nosed" defense	دفاع درگیرانه
Help-defense	۱- دفاع همراه با کمک به هم تیمی ها ۲- کمک کردن در دفاع
Honest defense	دفاعی که در آن بازیکنان فشار دفاعی را افزایش داده و همواره نهایت کوشش خود را در انجام وظایف دفاعی در اسکرین ها و نبردهای انفرادی به نمایش می گذارند
Hustle back on defense	برگشتن برای محافظت، برگشتن به دفاع
In defense	در حال دفاع
Individual defense	دفاع انفرادی
Individual man-to-man defense	دفاع یارگیری (من تو من) بدون تغییر پوشش
Interior or the defense	۱- محدوده دفاعی درون منطقه کلید ۲- محدوده نزدیک به حلقه
Junk defense(1+3+Chaser)	دفاع ترکیبی؛ ترکیبی از دفاع منطقه ای ۱-۳ و دفاع یارگیری پویا توسط بازیکن پنجم
Keep the defense honest	حفظ فشار دفاعی در منطقه مورد نیاز برای حفاظت ، تلاش بدون توقف و دائمی در دفاع
Live defense	دفاع فعال در هنگام تمرینات
Loose man-to-man defense	دفاع سست یا شل با پوشش یارگیری که بازیکن مالک توپ را در فاصله ۱۰ متری حلقه متوقف می کنیم، در سمت قوی زمین دفاع درگیرانه و در سمت ضعیف زمین دفاع بدون فشار را به کار می گیریم
Man-to-man defense	دفاع تلا گیری
Man-to-man defense with one-man zone principles	آرایش دفاعی که چهار بازیکن دفاع یارگیری و یک بازیکن دیگر دفاع منطقه ای انجام می دهند
Man-to-man loose defense	دفاع سست با پوشش یارگیری که بازیکن مالک توپ را در فاصله ۱۰ متری حلقه متوقف می کنیم، در سمت قوی زمین دفاع درگیرانه و در سمت ضعیف زمین دفاع بدون فشار به اجرا می گذاریم
Man-to-man pressure defense	۱- دفاع یارگیری همراه با فشار ۲- دفاع یارگیری درگیرانه
Matching man-to-man defense	دفاع یارگیری متناسب با قد، سرعت و دیگر ویژگی های بازیکنان
Match-up defense	دفاع ترکیبی متناسب با شرایط حمله با تغییرات الگوی دفاعی که از تاکتیک ها و ویژگی های در خور مناسب با دفاع منطقه ای و یارگیری استفاده می گردد
Match-up defense, man-to-man origin	دفاعی با ترکیبات تنظیمی که با دفاع نفر به نفر آغاز شده و بلافاصله با انجام

	حرکات تهاجمی از پیش تعیین شده از سوی حمله تغییر کرده و از اصول دفاع منطقه‌ای برای پوشش استفاده می‌کند، در ادامه کار، مبنای کار دفاعی همچنان دفاع یارگیری نفر به نفر است ولی بر اساس حرکت های حمله در موقعیت‌های معین، تغییرات لازم برای پوشش انجام می‌شود
Match-up defense, zone origin	دفاعی با ترکیبات تنظیمی که در آن مدافعین به صورت منطقه‌ای پوشش می‌دهند و بر اساس حرکت‌های معین هجومی از سوی حریف بلافاصله دفاع را به یارگیری تبدیل می‌کنند، مبنای دفاع، دفاعی منطقه‌ای است ولی با انجام حرکت‌های مختلف حمله، اصول دفاعی یارگیری برای پوشش مورد استفاده قرار می‌گیرد.
Mixed defense	دفاع ترکیبی
Multiple defense	ترکیبی از دفاع یارگیری و پوشش منطقه‌ای با ترکیب متعادلی از اصول این دو نوع دفاع شامل؛ تله دبل تیم و حرکت‌های دفاعی دیگر
Multiple zone defense	دفاع منطقه‌ای با ترکیب متنوعی از آرایش‌ها و انتخاب‌های مختلف
Odd front defense	دفاع منطقه‌ای با تعداد فرد بازیکن در خط اول
Offense against man-to-man defense	حمله در برابر آرایش دفاع یارگیری
Offense against zone defense	حمله علیه دفاع منطقه‌ای، حمله علیه حریفانی که در منطقه‌ی معین در زمین خود (یا در بعضی حالت‌ها در کل زمین بازی) دفاع می‌کنند
Off the ball defense	دفاع یا پوشش علیه بازیکنان بدون توپ
One-man zone defense	سیستم دفاعی که یک بازیکن دفاع منطقه‌ای انجام می‌دهد
One-on-one moves against pressure defense	بازی یک علیه یک در شرایط دفاع پرس
One-three-one zone defense	آرایش دفاع منطقه‌ای ۱-۳-۱
One-two-two zone defense	آرایش دفاع منطقه‌ای ۱-۲-۲
On the ball defense	بازی دفاعی همراه با بازی در گیرانه علیه بازیکن مالک توپ
Pressing defense	دفاع درگیرانه
Pressure defense	بازی دفاعی همراه با پرس در برابر حریفان
Pressure-type defense	بازی دفاعی از نوع پرس
Primary defense	اولین (اصلی یا مقرر) سیستم دفاع
Read the defense	خواندن سیستم دفاعی حریفان
Recover on defense	سازمان دهی کردن دفاع، بازی کردن در دفاع بعد از ازدست دادن توپ
Regular defense	سیستم دفاعی مقرر یا اصلی یک تیم، سیستم دفاعی که به‌طور معمول یک تیم به کار می‌برد
Retreating defense	دفاعی که عقب می‌کشد (دفاعی که در متوقف کردن مهاجم موفق نباشد)
Run and jump defense	دفاع یارگیری در گیرانه و سخت گیرانه که در آن مدافعین حریف را در تمام زمین پرس کرده و تحت فشار قرار می‌دهند و با خارج کردن آنها از آهنگ حرکتی دلخواه، حرکت‌های هجومی آنان را متوقف می‌کنند
Sagging man-to-man defense	دفاع یارگیری سست، شل و ول

Scramble defense	دفاع ترکیبی، دفاعی که شامل سیستم‌های مختلف می‌باشد
Screen-switch defense	سیستم دفاعی با جابه‌جایی یا سوئیچ کردن توسط بازیکنانی که از مهاجم در حال ایجاد سد یا اسکرین دفاع می‌کنند
Secondary defense	۱- شکل دوم الگوی دفاع یا الگوی ذخیره ۲- الگوی اضافه یا دوم دفاع (در سیستم دفاع میچ آپ)
Self-defense	دفاع از خود
Semi-press	بازی دفاعی که قسمتی از آن همراه با پرس باشد
Set defense	الگوی دفاع
Set the defense	آرایش دادن دفاع
Set up the defense	آرایش دادن دفاع
Shell defense	آرایش دفاعی به صورت لوزی
Shifting man-to-man defense	دفاع یارگیری متغیر با تغییر پوشش
Shifting zone	دفاع منطقه‌ای مدام در حال حرکت
Single-man press	دفاع پرس علیه یکی از بازیکنان حمله
Sinking man-to-man defense	پوشش یارگیری همراه با فشار آوردن دفاع
Sloughing defense	رها کردن دفاع یارگیری به منظور فشار آوردن بر روی حریف مالک توپ
Sluffing defense	دفاع یارگیری سست، شل و ول
Spread the defense	گسترش دادن دفاع
Spread the offense to spread the defense	باز کردن دفاع به منظور باز کردن دفاع که به طور معمول در برابر دفاع یارگیری انجام می‌شود. این کار با است فاده از اسکرین، حرکت به سمت مخالف توپ و پاس‌های بلند امکان‌پذیر است
String out the defense with the press	گسترش دادن دفاع همراه با به کارگیری پرس
Strong defense	دفاع یا پوشش قوی و محکم
Stunt defense	حرکت مدافع برای گیج کردن حریف، دفاع همراه با گول
Suck up the defense	کشاندن دفاع به سمت دلخواه، مجبور کردن دفاع به خالی کردن یک منطقه و برای تمرکز بر منطقه دیگر
Support man-to-man defense	دفاع یارگیری با کمک متقابل دیگر بازیکنان مدافع
Switching man-to-man defense	دفاع یارگیری همراه با جابه‌جایی یا سوئیچ بازیکنان مدافع علیه هر حرکت برش و ایجاد سد (به استثنای مدافعی که سنتر حمله را پوشش می‌دهد)
Talking defense	ارتباط کلامی دفاع، گفتگو دفاع
Tandem defense	آرایش دفاعی علیه طرح تهاجمی حریف که در آن یک مدافع درست در جلوی خط پرتاب آزاد و مدافع دیگر درست جلوی سبد جاگیری می‌کنند
T-and-one combination defense	چهار بازیکن در دفاع ۲-۱-۱ (شبه شکل حرف تی انگلیسی در محدوده کلید) به اضافه پنجمین بازیکن که دفاع یارگیری (من تو من) انجام می‌دهد
Team defense	بازی دفاعی کل تیم



Team-oriented defense	تیمی که مایل به دفاع ترکیبی در بازی دفاعی است
Three-quarter court press	دفاع پرس در سه چهارم از زمین بازی
Three-two zone defense	آرایش ۳-۲ در دفاع منطقه‌ای
Tight defense	دفاع محکم که حریف را عاجز کند
Tight man-to-man defense	دفاع یارگیری (من تو من) محکم که حریف را عاجز کند
Top of defense	رأس دفاع نزدیک به خط مرکزی
Tough defense	دفاع سفت، محکم
Trapezoidal box defense	دفاع منطقه‌ای ۲-۲ در آرایش دوزنقه (با پنجمین بازیکن به صورت ثابت از یکی از حریفان دفاع می‌کند)
Trapping defense	دفاعی که تله‌ها را به کار می‌گیرد
Trapping zone defense	دفاع منطقه‌ای که تله‌ها را به کار می‌گیرد
Triangle-and-two combination defense	دفاع با پوشش ترکیبی؛ دو بازیکن مدافع علیه دو تا از بهترین بازیکنان مهاجم دفاع یارگیری (من تو من) را به کار می‌برند و سه بازیکن دیگر یک مثلث دفاع منطقه‌ای ایجاد می‌کنند (یکی از آنها در بالای نیم‌دایره پرتاب آزاد و دو نفر دیگر پایین در دو طرف منطقه کلید قرار می‌گیرند)، شکل دیگر از این دفاع؛ ۱- سه بازیکن در جلو دفاع یارگیری را به کار می‌برند و دو بازیکن دیگر در عقب دفاع منطقه‌ای را به کار می‌برند ۲- بالعکس گزینه ۱
Turn-and double man-to-man defense	دفاع درگیرانه یارگیری همراه با دور کردن حریف مالک توپ از حلقه و در پی آن دبل تیم کردن آن
20 defense pressure man –to-man	دفاع یارگیری همراه با پرس در نصف زمین
Two-man press	دفاع پرس علیه دو مهاجم (به‌طور معمول در بازی دو علیه دو به کار می‌رود)
Two-one-two zone defense	دفاع منطقه‌ای در آرایش ۲-۱-۲
Two – out three-in zone defense	دفاع منطقه‌ای ۲-۳ که می‌شود بعنوان مؤثرترین آرایش دفاعی قلمداد نمود
Two-three zone aggressive defense with traps (using double- teaming)	دفاع درگیرانه در آرایش ۲-۳ همراه با ایجاد تله و دبل تیم
Two-three zone defense	آرایش دفاع منطقه‌ای ۲-۳
Two-two-one zone defense	آرایش دفاع منطقه‌ای ۲-۲-۱
T-zone defense	دفاع منطقه‌ای در آرایش ۱-۱-۳ با سه بازیکن در یک خط جلو حلقه، بازیکن چهارمی در خارج از نیم‌دایره پرتاب آزاد و بازیکن پنجمی در رأس این دایره
Wide diamond	لوزی باز (در آرایش دفاعی لوزی و یک؛ چهار نفر به‌صورت لوزی استقرار پیدا کرده و یک نفر دیگر، یکی از بازیکنان حریف را یارگیری می‌کند)
Zone defense	الگوی دفاع منطقه‌ای
Zone pressure defense	دفاع منطقه‌ای همراه با پرس علیه حریفان منطقه‌های از پیش معین شده زمین
Defensing player	بازیکن در حالت دفاعی، بازیکن مدافع
Defensive	دفاع کردن، محافظت کردن از حلقه
Defensive ace	بازیکن مدافع برجسته، عالی

Defensive alignment	آرایش بازیکنان در دفاع
Defensive area	قسمتی از زمین بازی که حرکت دفاعی از آنجا متمرکز می‌شود
Defensive assistance	کمک کردن در حرکات دفاعی
Defensive backboard recovery	ریباند دفاعی
Defensive balance	۱- تعادل و توازن دفاعی بر اساس سیستم حمله ۲- فشار دفاعی یک نواح ت در ترکیب دفاعی
Defensive bluffs	حرکات بازیکن مدافع که باعث بر هم زدن تعادل (فیزیکی و ذهنی) بازیکن مالک توپ حریف می‌شود
Defensive concepts	اندیشه‌های تدافعی
Defensive condition	آمادگی دفاع انفرادی
Defensive deny position	طرز ایستادن مدافع
Defensive deployment	آرایش حالت‌های دفاعی، آرایش خطوط دفاع
Defensive end of court	نیمه دفاعی زمین بازی، نیمه زمین خودی
Defensive end of the floor	نیمه دفاعی زمین بازی، نیمه زمین خودی
Defensive faking	به کارگیری حرکات گول زنده در بازی دفاعی
Defensive footwork	حرکات پا یا پاها در بازی دفاعی
Defensive fundamentals	اصول مقدماتی بازی دفاعی، عناصر پایه‌ای بازی دفاعی
Defensive gap	فاصله مناسب بین بازیکن مهاجم و بازیکن مدافع
Defensive intensity	توانایی بازی دفاعی
Defensive jump ball	حالت دفاعی بازیکنان یک تیم در شرایط جمبال ، که با برتری حریف از لحاظ پرش و بلندی قد مواجه می‌شوند
Defensive lapses	اشتباه‌ها در بازی دفاعی
Defensive man	بازیکن مدافع
Defensive manoeuvre	حرکت دفاعی، بازی دفاعی
Defensive-minded	اولویت دادن به بازی دفاعی
Defensive overplay	پیشی گرفتن یا پشت سر گذاشتن حریف
Defensive pattern	طرح یا الگوی بازی دفاعی
Defensive play	حرکات دفاعی، بازی دفاعی
Defensive player	بازیکن مدافع، محافظ
Defensive point of attack	نقطه شروع کار دفاعی (به طور تقریبی در فاصله هفت متری به سبد درست پشت خط پرتاب سه امتیازی)
Defensive position	۱- نقطه دفاعی ۲- حالت دفاعی
Defensive pressure	دفاع پرس، بازی دفاعی در گیرانه
Defensive rebound	ریباند دفاعی
Defensive rebounding pattern	آرایش بازیکنان مدافع در ریباند
Defensive set	آرایش بازیکنان مدافع

Defensive shuffle	تغییر مکان دادن سریع با گام‌های دفاعی کوتاه به طوری که همیشه پاها با کف زمین در تماس باشد
Defensive skills	مهارت و توانایی در حرکات دفاعی
Defensive slides	سر خوردن دفاعی با پاهایی که همیشه با کف زمین تماس داشته باشد
Defensive sliding	سر خوردن دفاعی با تغییر موقعیت نسبت به دفاع حریف
Defensive stance	طرز ایستادن در دفاع
Defensive strength	قدرت دفاعی، توانایی دفاعی
Defensive tactics	تدابیر دفاعی، تاکتیک‌های دفاعی
Defensive transition	انتقال بازی از حمله به دفاع (آمار در دانشگاه بسکتبال آمریکا نشان می‌دهد که یک تیم در خلال یک مسابقه حدود ۸۰-۷۰ مرتبه انتقال بازی از حمله به دفاع را به اجرا می‌گذارد)
Area defensive system	دفاع منطقه‌ای؛ یک واژه قدیمی برای این نوع دفاع در کتاب ”چطور بسکتبال را مربیگری و بازی کنیم“ (نوشته جی. کریگ رابی مربی بسکتبال دانشگاه ایلینوس با کمک کودکان سی. لپ مربی سال اولی های دانشگاه در سال ۱۹۲۶ انتشار یافت) بیان گردیده است
Area of defensive help	منطقه کمک، منطقه پوشش، منطقه ضعیف
Back line defensive man	بازیکن مدافع در خط عقب، بازیکن مدافع نزدیک به خط عرضی
Check to the basket on a defensive man	تلاش برای برش به طرف حلقه علیرغم وجود مدافع
Crash the defensive board	ریباند از سید دفاعی تلاش بازیکن برای
Front line defensive man	بازیکن مدافع یا بازیکنان در خط اول
Haul down a defensive rebound	پایین آوردن توپ ریباند از سید دفاعی
Individual defensive abilities	مهارت‌های فردی در بازی‌های دفاعی، دفاع از حریفان، در محافظت از حلقه
Passive defensive man	مدافع غیر فعال در تمرینات پاس و دریافت که فقط به منظور شبیه سازی شرایط بازی استفاده می‌شود
Put defensive pressure on the shooter	بازی درگیرانه علیه حریف شوتیست
Set up a defensive man	رها شدن از مدافع حریف، جا گذاشتن مدافع حریف
Standing defensive man	مدافع غیر فعال در تمرینات پاس و دریافت که فقط به منظور شبیه سازی شرایط بازی استفاده می‌شود
Team defensive abilities	مهارت‌های کار تیمی در دفاع و بازی حفاظتی
Deficiency	کمبود، کمی، فقدان
Definite	مشخص، به خصوص، معین، قطعی
Definition	معنی، تعریف
Deflect	منحرف شدن، تغییر مسیر دادن
Deflection	انحراف، تغییر مسیر
Deflect the pass	تغییر پیدا کردن مسیر توپ پرتاب شده، منحرف شدن پاس
Deft	ماهر، زبردست

Dejected	اندوهگین، افسرده، مأیوس، ناامید
Delay	تأخیر کردن، کند بودن، درنگ، کندی
Delayed pass	پاس کند، پاس با تأخیر (شبهه پاسی که قبل از آن یک گول در پی داشته باشند)
Delay game	بازی تأخیری
Delaying defense	دفاعی که حرکات حمله را به تأخیر می‌اندازد
Delay the break	به تأخیر انداختن ضد حمله به وسیله حرکت دفاعی
Delay the game	کند کردن بازی، به تأخیر انداختن بازی
Deliberate	عمدی، تعمدی
Deliberate fouling	خطای عمدی
Deliberation	ملاحظه، سنجش، اندیشه
Delimit	تعیین کردن حدود، مرزیابی کردن
Delimit the passing lane	۱- ارزیابی کردن مسیر پاس ۲- محدود کردن مسیر پاس
Delineate	ترسیم نمودن، معین کردن
Deliver	۱- پرتاب کردن ۲- خوب بودن
Deliver the ball	پاس دادن
Deliver the goods	قرارداد را امضاء کردن
Deltoid muscle	عضله سه سر بازو
Demand	احتیاج، درخواست، احتیاج داشتن، لازم داشتن، تقاضا کردن
Demonstrate	نشان دادن، به نمایش گذاشتن
Demoralize	۱- تضعیف روحیه کردن ۲- فعال بودن در برابر شوت های خوب (یا حرکات دیگر) حریفان
Denial	رد، عدم پذیرش، دفع
Denial position	موقعیت مناسب برای جلوگیری از پرتاب توپ حریف
Denote	مشخص کردن، علامت گذاردن
Deny	ممانعت کردن، دفاع کردن، مانع شدن، از کار انداختن، رد کردن
Deny a pass	جلوگیری کردن از پرتاب توپ حریف به طرف هم تیمی اش
Deny a penetrating pass	حرکات دفاعی که منجر به جلوگیری از پاس منجر به گل در موقعیت پایین می شود
Deny defense	به کارگیری سیستم حمله به منظور بازداشتن یا جلوگیری از حریفان مدافع
Deny the lead	جلوگیری از امتیاز کسب کردن حریف
Deny the man the ball	اجازه پاس به حریفی که از او دفاع می کنیم ندادن
Deploy	۱- منظم کردن، آرایش دادن ۲- پشت سر گذاشتن حریفان مدافع
Depth	۱- عمق موقعیتی های پوشش داده شده (مثل عمق دفاع) ۲- ذخیره های بازیکنان تعویضی، بازیکن سرنوشت ساز
Depth perception	قوه احساس، قدرت درک، درک عمیق

De-rotation brace	زانو بند یا قوزک بند
Descent	پایین آمدن از پرش، فرود آمدن از یک پرش
Deserved	به حق، در خور، سزاوار، شایسته
Designate	منصوب کردن، تعیین کردن، معین کردن
Designated position	مکان مشخص، وظیفه معین
Designation	نسبت، منصب، نشانه، مشخصه
Designation of the offender	مشخصه فرد چابک
Designed foul	خطای عمدی
Design the drills	طراحی کردن تمرینات عملی
Desire	آرزو داشتن، خواستن، آرزوی شدید یک چیزی را داشتن، آرزو، اشتیاق
Desire to win	آرزوی پیروز شدن
Desperate	بسیار بد، مأیوس کننده، ناامید
Desperate circumstances	شرایط مأیوس کننده، وضعیت اضطراری
Desperation defense	دفاع در شرایط نومیدی
Desperation pressure	حمله در شرایط نومیدی
Desperation shot	پرتاب توپ از روی اجبار و تحت فشار
Destroy	ویران کردن، خراب کردن، صدمه زدن، ضایع کردن
Destroy concentration	بر هم زدن تمرکز حریفان
Detail	جزء، جزئیات، اقلام ریز
Detect	متوجه شدن، فهمیدن، پیدا کردن، کشف کردن
Deter	ترساندن، بازداشتن، تحذیر کردن
Deterrent	عامل دلسرد کننده، یا بازدارنده
Determinant	عامل تعیین کننده
Determination	۱- اراده، نیت، تصمیم، ثبات ۲- تعیین وقت ، قرار ملاقات ۳- پشتکار ، استقامت، عزم
Detriment	آسیب، صدمه
Devastating	عالی، فوق العاده، بسیار خوب، درجه یک، اعلا
Develop	توسعه دادن، گسترش دادن، ایجاد کردن، درست کردن، بسط دادن
Development	رشد، نمو، افزایش، ترقی، گسترش، پیشرفت، ارتقاء
Deviate	منحرف شدن، تغییر جهت دادن، تاب برداشتن، تاب دادن، پیچ دادن، برگرداندن
Deviation	انحراف، تغییر جهت، تغییر مسیر، خمیدگی، مسیر اشتباه
Device	ابزار، اسباب، وسیله، آلت، دستگاه
Devote	اختصاص دادن، وقف کردن، فدا کردن
Dexterity	مهارت، زرنگی، زیرکی
Dexterous	ماهر، زیر دست، چالاک

Diagonal	بمطور اریب، مورب، از گوشه
Diagonal cut	برش کردن بمشکل مورب
Diagonal hook shot	شوت هوک مورب، شوت هوک از کنار
Diagonally	بمطور مورب، بمطور اریب، از گوشه
Diagonal pass	پاس مورب به طرف هم تیمی
Diagonal pick	ایجاد سد در گوشه درست در مقابل سمتی که بازیکن سد کننده شروع به حرکت می کند
Diagonal rope jump	تمرین پرش بازیکن سنتر؛ پرش جفت از روی یک طناب در سطح یا ارتفاع متفاوت
Diagonal screen	ایجاد سد در گوشه زمین بازی درست در مقابل سمتی که بازیکن سد کننده شروع به حرکت می کند
Diagonal shots	پرتاب مورب توپ از کناره ها به طرف سبد
Diagonal stop-jump shot	پرتاب مورب توپ از کناره ها به طرف سبد بعد از متوقف شدن روی پاها در یک زمان به صورت موازی
Diagram	نمودار، طرح، طرح کلی
Diagramming a play	کشیدن طرح کلی حرکت بازی
Dial	صفحه
Diameter	قطر دایره
Diamond-and-one	دفاع منطقه ای در آرایش لوزی ۱-۲-۱ در پیرامون منطقه کلید همراه با دفاع یارگیری توسط پنجمین بازیکن
Diamond-and-one combination defense	سیستم دفاع ترکیبی به شکل متوازی الاضلاع به علاوه یک ، یکی از سه الگوی رایج دفاع ترکیبی است که متشکل از آرایش دفاعی منطقه ای و دفاع یارگیری می باشد، در این دفاع چهار بازیکن، از دفاع منطقه ای در آرایش ۱-۲-۱ به شکل متوازی الاضلاع در پیرامون منطقه کلید (جلو این متوازی الاضلاع بین خط پرتاب آزاد و رأس دایره پرتاب آزاد، عقب آن قبل از سبد و کناره ای این متوازی الاضلاع در کناره های خطوط منطقه کلید قرار می گیرد ) استفاده می کنند و بازیکن پنجم بر روی بهترین شوتیست حریف دفاع یارگیری را انجام می دهد
Diamond formation	آرایش لوزی شکل بازیکنان در زمان پرتاب توپ از خارج از زمین به داخل آن
Diamond zone	آرایش منطقه ای به شکل لوزی ۱-۲-۱ همراه با دفاع یارگیری (من تو من ) توسط پنجمین بازیکن (به طور معمول از بهترین شوتیست)
Didactic drill	آموزش تمرینات و حرکات بسکتبال که توسط بازیکنان به نمایش گذاشته می شود
Diddle	گول زدن، فریب دادن
Diet	رژیم غذایی، برنامه غذایی
Difference	۱- تمیز، فرق، عدم تجانس ۲- تفاضل

Different	متمایز، متفاوت
Difficult	سخت، دشوار، مشکل
Difficulty	سختی، اشکال، دشواری
Digest	هضم کردن
Digestive system	سیستم گوارش، سیستم مؤثر در هضم غذا
Diggings	مسکن، خانه، خانه سازمانی، آپارتمان
Dig me?	آیا متوجه می شوی؟
Dignity	بزرگی، جاه، شأن، مقام، رتبه
Diligence	پشتکار، سعی و کوشش
Dime-a-dozen	بازیکن متوسط، کم ارزش، ضعیف
Dimension	اندازه، بعد، اهمیت، ابعاد
Diminish	کمتر کردن، کم کردن، کاهش دادن، کاستن از، کمتر شدن
Dim view	نظر و عقیده منفی
Dinger	چیزهای عالی، فوق العاده
Dip	فرو رفتن، غوطه ور شدن، زیر آب رفتن، شیرجه رفتن
Dip step	۱- تغییر جهت ناگهانی نسبت به مدافع برای گشودن مسیر پاس ۲- گام زدن به جلو و بلافاصله تغییر ناگهانی برای جا گذاشتن یار برای دریافت توپ
Direct	۱- هدایت کردن، رهبری کردن ۲- راست، مستقیم ۳- بی واسطه، بی درنگ، فوری
Direct drive	نفوذ قوی و سریع به طرف حلقه
Direct follow-up	پی گیری سریع، اقدامات بعدی (که در هنگام بازی به کار گرفته می شود)
Direct involvement	درگیر شدن فوری در بازی
Direction	مسیر، جهت، جریان، سو، سمت
Change of direction	تغییر مسیر
Change of direction cut	برش همراه با تغییر مسیر
Change of direction dribble	دریبل زدن همراه با تغییر مسیر (و تغییر دستی که دریبل می کند)
Change of direction inside cut	تغییر مسیر همراه با برش به طرف حلقه
Reverse direction	۱- مسیر مخالف ۲- حرکت به عقب
Step toward ball, stop, take pass over shoulder	گول زدن قبل از دریافت پاس؛ یک قدم به طرف هم تیمی مالک توپ برمی داریم به صورتی که وانمود به دریافت توپ می کنیم بلافاصله این حرکت را متوقف و تغییر مسیر جهت رهایی از حریف و دریافت پاس روی شانه می کنیم
Direction of shot	مسیر شوت به طرف حلقه
Direct pass	۱- پرتاب سریع توپ به طرف هم تیمی ۲- پرتاب مستقیم توپ به طرف هم تیمی
Direct shot	۱- پرتاب سریع توپ به طرف حلقه ۲- پرتاب مستقیم توپ به طرف حلقه

	(بدون تماس بلبخته)
Dirty deal	رفتار مغرضانه
Dirty name	فحش، نفرین، ناسزا، اهانت
Dirty pass	پاس ناشی از بی دقتی، پاس ضعیف، پاس شل و ول
Dirty play	۱- بازی ناجوانمردانه، بازی کثیف ۲- بازی خشن
Dirty trick	حرکت از روی عناد
Dirty work	حرکت فریب آمیز
Disablement	(به خاطر مصدومیت) ناتوانی، از کار افتادگی
Disadvantage	وضع نامساعد، نقطه ضعف، آسیب، صدمه، ناخرسندی
Disadvantageous	نامساعد، نامطلوب، زیان آور، زیان بار
Disagree	اختلاف نظر داشتن، هماهنگی نداشتن
Disallow	ممنوع کردن، جلوگیری کردن، مانع شدن، قدغن کردن
Disallowed basket	شوتی که پذیرفته نمی شود
Disaster	بدبختی، مایه آبروریزی، مایه شرمندگی، بد اقبالی، بد شانسی
Disastrous	مایه تأسف، ناگوار، اسف بار، کشنده، خطرناک، وخیم، حیاتی
Discard	دور انداختن، دست کشیدن از، ول کردن
Discern	تشخیص دادن
Discernible	قابل تشخیص، قابل تمیز، قابل درک، آشکار، مشهود
Discerning	بینا، تیز، زبل
Disciple	مرید، پیرو، شاگرد، مقلد
Discipline	۱- انضباط، انتظام، نظم، ترتیب ۲- سرزنش و توبیخ رسمی ۳- تنبیه کردن
Disciplined style	۱- بازی منظم، منضبط، به طور دقیق کنترل شده ۲- اجرای دقیق دستورات مربی
Discipline players` efforts	اداره کردن، کنترل کردن، تحت نظم در آوردن بازیکنان
Disconcert	۱- حواس کسی را پرت کردن، منحرف کردن ۲- حواس حریف را پرت کردن
Disconcert the opponent	حواس حریف را پرت کردن
Discourage	دلسرد کردن، بی جرأت کردن، سست کردن، ترساندن
Discourage the pass	ترساندن حریف از پرتاب توپ به طرف هم تیمی اش
Discover	پی بردن، متوجه شدن، پیدا کردن، کشف کردن
Discover an error	به اشتباهی پی بردن
Discrepancy	اختلاف، تفاوت، مورد اختلاف
Discriminate	۱- تشخیص دادن (شخصی چیز از دیگری) ۲- اشتباه کردن، صدمه زدن، تبعیض قائل شدن
Discuss	بحث کردن، مطرح کردن، گفتگو کردن
Dish (also : Dish off)	پاس از یک نفوذ به طرف حلقه که امکان شوت آسان را توسط دریافت



	کننده به وجود می آورد
Disharmony	ناسازگاری، عدم توافق، اختلاف، ناهماهنگی
Dished	شکست
Dish the dirt about	بدنام کردن، آبروی کسی را ریختن
Disinfect	ضد عفونی کردن، گند زدایی کردن
Dislike	تنفر، مایه نفرت، انزجار، ناسازگاری، بیزاری
Dislocation	در رفتگی (استخوان یا مفصل)
Dislodge	اخراج کردن، بیرون کردن
Disorganize	درهم برهم کردن، مختل کردن، بی نظم کردن
Disparity	اختلاف، عدم توافق
Disperse	متفرق کردن، پراکنده شدن، پراکنده کردن، پخش کردن
Displace	جابجا شدن، تغییر مکان دادن، جای چیزی را عوض کردن
Displacement	جابجایی، تغییر مکان
Display	۱- نشان دادن، معرفی کردن، نمایش ۲- اجرا، عملکرد
Display class	خوب بازی کردن
Display (also : Exhibit, Parade) one's wares	توانایی و مهارت را به نمایش گذاشتن
Displeasure	ناخشنودی، ناخرسندی، نارضایتی
Disposal	دسترس، در اختیار، در دسترس
Disqualification	صلب صلاحیت، عدم صلاحیت، ناتوانی
Disqualified player	بازیکن اخراج شده از زمین بازی به خاطر مرتکب شدن خطای آشکار و وقیح
Disqualifying foul	خطای آشکار و وقیح که جریمه آن اخراج از زمین بازی می باشد
Disregard	نادیده پنداشتن، نادیده گرفتن، توجه نکردن، بی توجه بودن به، حذف کردن
Distance	فاصله، مسافت، دوری، بعد
Distance running	دواستقامت (برای تمرین؛ ۱-۵ مایل)
Distasteful	ناخوشایند، ناپسند، زننده
Distinct	ممتاز، مجزا، واضح
Distinction	فرق، اختلاف، تفاوت، تمیز
Distort	کج کردن، پیچاندن، پیچیدن، تاباندن، پیچ دار کردن
Distortion	(دردفاع یا حمله) پیچیدگی، اختلال
Distract	برهم زدن، حواس کسی را پرت کردن
Distraction	۱- گیجی ۲- حواس پرتی ۳- سیر در عالم هپروت
Distract the free thrower	بر هم زدن حواس بازیکنی که در حال پرتاب آزاد می باشد
Distract the passer	بر هم زدن حواس بازیکنی که در حال پاس دادن می باشد
Distract the receiver	بر هم زدن حواس بازیکنی که در حال دریافت پاس می باشد

Distract the shooter	بر هم زدن حواس بازیکنی که در حال پرتاب توپ به طرف حلقه می‌باشد
Distribution	آرایش / استقرار (بازیکنان در زمین بازی)
Disturb balance	بر هم زدن تعادل
Disunity	تفرق، اختلاف، چند دستگی (در تیم)
Ditch	دور انداختن، ول کردن، ترک کردن
Dive	شیرجه رفتن
Diversion	۱- حواس کسی را منحرف کردن ۲- انحراف
Diversionary	عمل یا حرکتی که حواس حریف را از بازی منحرف می‌کند .
Divide	تقسیم کردن، جدا کردن، پخش کردن، تفکیک کردن
Diving for loose balls	شیرجه زدن روی زمین برای برداشتن توپ بی صاحب
Division	بخش، قسمت
Division line	خطی که زمین بازی را به دو نیمه تقسیم می‌کند، خط مرکزی
Dizzy dogs	پاهای سریع
Do a duck (also : Duck out)	در رفتن، جیم شدن
Do big	از عهده کاری بر آمدن، کامیاب شدن، موفق شدن
Doc	پزشک، طبیب، دکتر
Doctor	پزشک، جراح، مشاور پزشکی، صاحب حرفه پزشکی
Doctor of dunk	بازیکن برجسته بمخاطرات اسپیک کردن توپ داخل حلقه
Do damage	خوب امتیاز کسب کردن
Dodge	۱- فریب دادن حریف، گریز زدن از ۲- واژه قدیمی برای گول
Do-for	تعویض کردن، جانشین کردن، جایگزین کردن، جابجا کردن
Dog	۱- دنبال کردن بهترین حریف ۲- بازیکن درجه دو
Dog and box	الگوی دفاعی؛ چهار بازیکن دفاع منطقه ای را به کار می‌گیرند (جعبه) و یک بازیکن دفاع یارگیری را به کار می‌برد (سگ)
Dog and diamond	الگوی دفاعی؛ چهار بازیکن آرایش دفاع منطقه ای ۱-۲-۱ به شکل لوزی را به کار می‌گیرند (لوزی) و یک بازیکن دفاع یارگیری را به کار می‌برد (سگ)
Dog him	دنبال کردن او
Dog leash	بند کفش
Dog out	دور کردن، گریزانیدن، راندن
Dogs	پاهای انسان
Dog team	تیم بی روح، تیم هیجان ناپذیر
Doing nicely	سلامتی کامل در
Dollars to doughnuts	احتمالی، محتمل
Dolphins	نام تیم بسکتبال دانشگاه جک سونویل استیت که در کنفرانس سان بلت بازی می‌کند
Dome	۱- گنبد، قبه، سقف گنبدی ۲- مانع گنبدی شکل که برای تمرین ریباند

	روی حلقه قرار می گیرد
Dome rebounding	تمرین ریباند با قرار دادن مانع گنبدی شکل روی حلقه
Dominant	برتر، مسلط، برجسته
Dominate	برتری داشتن بر، جلو افتادن از، تسلط داشتن بر
Dominating center	بازیکن سرتر که نسبت به دیگران برتری دارد
Donation	اهدا، کمک هزینه، پاداش
Dope in (also: - out)	خسته، فرسوده
Done with	پایان یافته، انتها، پایان، آخر
Done with mirrors	توضیح یک حرکت هوشمندانه
Don't you crack	ترس، بیم نداشته باش
Dope	۱- دارو مخدر ۲- دارو اعتیاد آور ۳- صندوق کمک های اولیه ۴- کند ذهن، احمق ۵- اطلاعات داخلی ۶- پیش بینی، پیش بینی کردن
Dope a game	پیش بینی نتیجه بازی
Dope out	پیش بینی نتایج بازی هایی که منوط به رویدادهای گذشته است
Doper (also: Dopester)	شخصی که نتایج بازی ها را پیش بینی می کند
Dope test	آزمایش دوپینگ (عملی در برابر سوء استفاده از دوپینگ) (دوپینگ یعنی نیروی کاذب حاصل از داروهای غیر مجاز)
Dopey	خرفت، کودن، منگ، کسی که به وسیله دارو گیج و منگ می شود
Do the leg act	دویدن
Do-on- the-wall drill	تمرین زدن توپ با انگشتان به یک نقطه در روی دیوار
Double	۱- دوبار، دو برابر، دو مرتبه، جفت، دولا ۲- دفاع از یک حریف توسط دو مدافع ۳- ایجاد دو سد یکی بعد دیگری
Double-assed	چاق، فربه
Double-barreled	۱- عالی ۲- مهم
Double clue	دو علامت یا دومین علامت که درباره نوع بازی حریف آگاهی می دهد
Double-cross	۱- خیانت ۲- تلاش برای پیروزی بعد از اینکه تیم در حال باختن است
Double cut	برش دو بازیکن همراه با گذشتن از هم، برش متقاطع دو بازیکن
Double cut off the post	برش متقاطع دو بازیکن از نزدیکی بازیکن سانتر هم تیمی
Double- decker	مسابقه رفت و برگشت
Double down	حرکت دبل تیم همراه با هل دادن به طرف خط عرضی
Double dribble	از سر گرفتن دربیبل بعد از متوقف کردن دربیبل (خطای دبل)
Double fake	دو حرکت گول (پی در پی)
Double foul	مرتکب خطا شدن دو حریف بر روی یکدیگر در یک زمان
Double-header	دو مسابقه با یک حریف که یک مسابقه به حساب می آید
Double head hunter	بازیکنی که دنبال فرصت است تا ایجاد دبل تیم نماید
Double high	آرایش حمله ۴-۱ با دو ستر در موقعیت بالا نزدیک دو طرف انتهای خط

	پرتاب آزاد و دو فوروارد در امتداد دو طرف این خط
Double high post set	آرایش با ترکیب دو سنتر در دو طرف خط پرتاب آزاد و دو فوروارد که در منطقه پایین ذوزنقه جاگیری کرده و سپس با استفاده فضای ایجاد شده از سوی دو سنتر و حرکت نزدیک و شانه به شانه با آنها به سمت خط پرتاب سه امتیازی حرکت کردن
Double leg- single leg	تمرین؛ چرخاندن توپ دور پاها بطور هم زمان و یک پا به صورت متناوب
Double low	آرایش حمله ۲-۲-۱ با دو سنتر در موقعیت پایین و دو فوروارد در دو طرف منطقه کلید در موقعیت بالا
Double low stack	آرایش حمله با دو مهاجم در دو طرف منطقه کلید در موقعیت پایین
Double medium pivot	آرایش دو سنتر در دو طرف منطقه کلید در موقعیت میانی (بین موقعیت بالا و موقعیت پایین) حمله ۲-۳
Double medium pivot system	آرایش دوسرتر با مهارت‌های مساوی که در یک خط دو طرف منطقه کلید در موقعیت میانی (بین موقعیت بالا و موقعیت پایین) بازی می کنند
Double or triple screens	دو یا سه ایجاد سد (اسکرین) نزدیک به هم بطوری که هم تیمی برش کننده می تواند حریف مدافع خود را در یکی از آنها جا بگذارد
Double pass	پاس و حرکت به صورت رفت و برگشت
Double pincers	چنگال یا انبرک دُبل (به هنگام دبل تیم، هر دو مدافع دست‌های خود را هم چون چنگک حرکت داده و به مهاجم اجازه حرکت نمی دهند
Double pivot	الگوی حمله با دو سنتر
Double pivot offense	الگوی حمله با دو سنتر
Double post	الگوی حمله با دو سنتر
Double post offense	الگوی حمله با دو سرتیر
Double post offense with box formation and point guard	حمله با دو سنتر در موقعیت پایین و دو فوروارد در موقعیت بالا در دو طرف منطقه کلید به شکل مربع و بازیکن توپ پخش کن در موقعیت قبل از دایره پرتاب آزاد
Double pump	دو گول پی در پی بالا و پایین آوردن دست‌ها جهت وانمود کردن پرتاب توپ به طرف حلقه
Double quick	بسیار سریع
Doubler	بازیکنی که برای ایجاد دبل تیم تعیین شده
Double screen	دو ایجاد سد در نزدیک هم
Double screen shot	پرتاب توپ به طرف حلقه بعد از گذشتن از دو ایجاد سد
Double shift	جاب‌جایی دو گانه (جاب‌جا کردن دو گانه گام‌ها)
Double-single	ایجاد دو سد یک بعد دیگری و سومین ایجاد سد بعد از آنها
Double step	واژه قدیمی که برای تراولینگ به کار برده می شده
Double team.	دفاع از یک حریف توسط دو بازیکن مدافع (به طور معمول حریف با توپ)
Double team area	قسمتی از زمین بازی مناسب برای پوشش دادن حریف (به طور معمول مالک توپ) توسط دو بازیکن مدافع، محدوده مناسب برای ایجاد دبل تیم

Double teamer	بازیکنی که دبل تیم را اجراء می کند
Double teaming	دفاع دبل تیم، دفاع از مهاجم توسط دو مدافع
Double teaming jump switch	سوئیچ یا جابه جایی جهشی دفاعی دو بازیکن مدافع با قصد پوشش دادن حریف
Double team territory	قسمتی از زمین بازی مناسب برای پوشش دادن حریف (به طور معمول مالک توپ) توسط دو بازیکن مدافع، محدوده مناسب برای ایجاد دبل تیم
Double team trap	تله در دفاع دبل تیم
Double team umbrella	دفاع دبل تیم با شکل گیری دست ها به شکل چتر بر روی حریف مالک توپ
Double the ball	دبل تیم کردن حریف مالک توپ
Double up	۱- اجرا کردن دبل تیم ۲- دفاع در گیرانه دو بازیکن در برابر نفوذ
Double whistle	علامتی که در بازی تمرینی توسط مربی به منظور اشاره کردن به بازی ناصحیح داده می شود
Double wing post	آرایش با دو سرپر فورواردر در دو طرف منطقه کلید کفی پایین تراز خط پرتاب آزاد
Doubt	شک و تردید، دودلی
Doubtful	۱- مردد ۲- دودل
Dough	پول
Down	۱- به طرف پایین ۲- در مسیر حلقه ۳- شکست دادن حریف
Down court	در مسیر حلقه
Down floor	۱- در مسیر حلقه ۲- موقعیت پایین (نزدیک به حلقه)
Down lane	موقعیت پایین منطقه کلید، موقعیت پایین نزدیک به منطقه کلید
Down screen	۱- ایجاد سد در موقعیت پایین ۲- ایجاد سد در گوشه زمین برای هم تیمی ۳- ایجاد سد برای هم تیمی در همان گوشه زمین بازی ۴- ایجاد سد توسط ی ک بازیکن از موقعیت بالا برای هم تیمی اش در موقعیت پایین
Down the alley	۱- مستقیم، بطور مستقیم، در خط مستقیم ۲- بعدقت، دقیقاً
Down-the-middle	بازی حمله که مهاجم از میان منطقه کلید به طرف حلقه برش یا دریل می کند
Down-the-middle lay-up shot	شوت سه گام بعد از نفوذ از میان منطقه کلید به طرف حلقه
Downtown	محدوده ای دورتر از حلقه مکانیکه که از آنجا می توان اقدام به شوت کرد
Downward	۱- پائین، زیرین، روبه پائین ۲- به طرف محدوده نزدیک به حلقه
Do your best	سعی کنید وظیفه تان را به نحو احسن انجام بدهید
Do you read me?	آیا متوجه می شوی؟
Draft	۱- پیش نویس، چرک نویس ۲- پیش نویس ۳- به خدمت گرفتن بازیکن جدید در باشگاه های ان بی ای
Draftee	بازیکن در فهرست خرید (ان. بی. ای)
Drag	۱- حلزون وار حرکت کردن، آهسته حرکت کردن ۲- بیرون کشیدن

	بازیکن از زمین و او را ذخیره کردن
Drag anchor	عضو ضعیف تیم، بازیکن یک تیم که وظایفش را انجام نمی دهد
Dragonize	دفاع کردن شبیه اژدها
Drag out	کاملاً خسته کردن، فرسودن
Drain (also: Drain pipe)	گلو، حلق، حلقوم
Drain the 3	پرتاب شوت سه امتیازی
<b>Drake shuffle</b>	طرح حمله shuffle
Draw	۱- کشیدن، رسم کردن ۲- قرکشی کردن ۳- شیر یا خط کردن
Draw a blank	۱- موفق به کسب امتیاز نشدن ۲- مأیوس کردن، نا امید کردن
Draw a foul	تحریک کردن به انجام خطا، وادار کردن داور به اعلام خطای اشتباه
Draw away	۱- کنار گرفتن، عقب نشینی کردن ۲- خم کردن کمر به عقب در خلال شوت جفت
Drawback	نقطه ضعف، عدم مزیت، عیب، اشکال
Draw back	۱- عقب کشیدن، کنار کشیدن ۲- خم کردن کمر به عقب در خلال شوت جفت
Draw first blood	اولین امتیاز را کسب نمودن
Drawing lots	قرعه کشی کردن
Dream	مسابقه رؤیایی
Dress	۱- جامه بتن کردن، لباس پوشیدن ۲- لباس، ملبوس، تن پوش، لباس ورزشی
Dressing room	رختکن
Dress-rehearsal	۱- آخرین تمرین تیم قبل از مسابقه ۲- تمرین با لباس مسابقه
Dribble	۱- دریبل، توپ را به زمین زدن، دریبل زدن ۲- حمل توپ با کمترین دریبل
Dribble aimlessly	دریبل زدن بدون هیچ هدفی
Dribble and drive	برش به طرف حلقه با دریبل
Dribble away	دور شدن با دریبل
Dribble, cross dribble and drive	گول با وانمود کردن به تغییر مسیر دریبل؛ بعد از گول خوردن مدافع و فرستادن آن در مسیر اشتباه با ادامه دادن دریبل به طرف محدوده حلقه حرکت می کنیم
Dribble drive	برش قوی به طرف حلقه با استفاده از دریبل
Dribble driver	بازیکن برش کننده به طرف حلقه با استفاده از دریبل
Dribble entry	حرکت به طرف حلقه با دریبل
Dribble fake	حرکت گول با دریبل زدن
Dribble in lay up	شوت سه گام بدهریبل به طرف منطقه درونی
Dribble, jump stop and shot	فرود آمدن روی هر دو پا در یک زمان همراه با زدن توپ به زمین و پرتاب آن به طرف سبد
Dribble, jump stop, step and shot	فرود آمدن روی هر دو پا در یک زمان همراه با زدن توپ به زمین و برداشتن

	یک گام اضافه و پرتاب توپ به طرف سبد
Dribble key	الگوی حمله‌ای که مسیر دربیبل علامت اجرای آن می‌باشد
Dribble off the screen	حرکت کردن با دربیبل از پشت سد
Dribble penetration	برش با دربیبل به طرف حلقه
Dribbler	بازیکن دربیبل کننده
Dribbler has gotten by you	بازیکن دربیبل زن از شما عبور و شما را جا گذاشت
Chase the dribbler drill	تمرین؛ دنبال کردن بازیکنی که به سرعت دربیبل می‌کند، متوقف کردن و گرفتن توپ از او
Defense on the dribbler	دفاع در برابر حریفی که در حال دربیبل زدن می‌باشد
Defense the dribbler, no hands	تمرین دفاع کؤدن بدون استفاده از دست‌ها (دست‌ها در پشت کم رقرار می‌گیرد) علیه بازیکنی که در حال دربیبل زدن در مسیر کنار ی زمین بازی باشد. در این دفاع فقط با کار پا به بازیکن مالک توپ فشار می‌آوریم و او را مجبور به تغییر مسیر می‌کنیم
Gang up on the dribbler	دفاع دو نفری علیه بازیکن حریف که در حال دربیبل زدن باشد
Guarding dribbler	دفاع در برابر حریفی که در حال دربیبل زدن می‌باشد
Influencing the offense and the dribbler	مختل کردن حمله حریف با فشار آوردن بر روی بازیکن دربیبل کننده و او را به کناره‌های زمین بردن
Dribble rocker	به وجود آوردن شکاف بین دربیبل کننده و مدافع اش بوسیله یک دربیبل ناگهانی به عقب
Dribble-screen	ایجاد سد در هنگام دربیبل زدن
Dribble sit-up drill	در حالت راست نشستن دربیبل زدن :تمرین
Dribble tag	تمرین : دنبال کردن هم تیمی در حال دربیبل و لمس کردن آن با دست
Dribble to balance	حفظ آهنگ حرکتی در بازی پاس‌کاری، بازیکن با دربیبل به سمت نقطه ی مجاور حرکت کرده و با رسیدن او به این نقطه ، بازیکنی که در آن نقطه مستقر بود با دربیبل به نقطه ی دیگر حرکت می‌کند و به همین ترتیب کار ادامه می‌یابد بطور ی که همواره تعداد نفرات در هر نقطه مساوی می‌ماند
Dribble to go to the basket	در مسیر حلقه دربیبل زدن
Dribble to improve the passing angle	دربیبل زدن به طرف موقعیتی با زاویه بهتر برای پاس
Dribble to relieve pressure	دربیبل کردن به عقب برای پخش کردن حمله و نیروی دفاع جهت کاهش دادن بازی در گیرانه و فشار
Dribble to use the screen	۱- دربیبل کردن و منتظر ماندن برای ایجاد سد (اسکرین) ۲- دربیبل کردن برای ایجاد سد (اسکرین) طبیعی
Dribble with alternating hands	دربیبل همراه با جابجا کردن دست‌ها در حال حرکت
Baby the ball	دربیبل کردن
Back-up dribble	دربیبل به منظور کمک کردن به یک حرکت، دربیبل کمکی
Backward dribble	به عقب دربیبل زدن (دربیبل زدن در حالت پشت به حریف)

Behind-the-back dribble	دریبل کردن در پشت سر یا بدن
Between-the-legs dribble	دریبل زدن به عقب از بین پاها به منظور محافظت در برابر فشار حریف
Bust out dribble	دریبل آزاد
Change of direction dribble	دریبل با تغییر مسیر و جابه‌جایی دست‌ها
Change of pace dribble	دریبل با تغییر سرعت
Circle dribble drill	تمرین دریبل در یکی از دایره‌های زمین بازی که محافظت از توپ در خلال بازی را شبیه سازی می‌کند
Command of the dribble	مهارت در دریبل
Completion of dribble	قطع کردن دریبل
Continuous alternating hands dribble	تغییر پی در پی دست در هنگام دریبل زدن
Continuous one-hands dribble	پیوسته با یک دست دریبل زدن
Control dribble	دریبل کوتاه (دریبل در سطح زانو یا پایین تر از آن)
Controlled dribble	دریبل با کنترل کامل توپ
Crab dribble	دریبل کوتاه در کنار بدن، در این دریبل بازیکن جهت محافظت از توپ در کنار بدن توپ را با دریبل جلو و عقب می‌برد
Cross dribble	دریبل با تغییر دست‌ها
Cross dribble drill	تمرین دریبل با تغییر دادن دست‌ها: دریبل همراه با حرکت با دست راست پای راست، دست چپ با پای چپ
Cross- over dribble	دریبل با یک تغییر مسیر ناگهانی و دست‌ها
Cross-over dribble drill	مسابقه دریبل سرعت بین سه مانع مخروطی که فاصله هر مانع نسبت به هم ۹۰ سانتیمتر می‌باشد (تغییر دست قبل از هر مانع و برگشت بعد از سومین مانع)
Double dribble	از نو شروع کردن دریبل بعد از قطع کردن
Drag dribble	دریبل کردن بی جا قبل از شوتی که باید بعد از دریافت بلافاصله اقدام به پرتاب کرد
Driving dribble	دریبل درگیرانه همراه با برش به طرف حلقه
Drop the ball on the dribbler	شروع به دریبل کردن
Fake and dribble	دریبل بعد از گول
Figure eight dribble	تمرین دریبل بین پاها به شکل هشت انگلیسی
Half-reverse dribble	نیم چرخش به عقب و زدن یک دریبل در همان مسیر
Head up dribble drill	تمرین دریبل؛ دریبل زدن با نگره داشتن سر به طرف (بدون نگاه کردن به توپ) بالا
Hesitation dribble	دریبل فریبی و وانمود به حرکت به یک سمت و آنگاه تغییر مسیر دادن و حرکت به سمت مخالف برای جا گذاشتن مدافع
High dribble	دریبل بلند که توپ تا کمر بالا می‌آید
High speed dribble	دریبل سریع که توپ تا زانو بالا می‌آید
Hockey dribble	دریبل با حفظ تعادل بدنی در کنار بدن



Illegal dribble	دریبل که مطابق قانون و مقررات نباشد، خطای دبل
Inside-out dribble	دریبل به طرف حلقه و عقب
Intermittent dribble	دریبل با تغییر سرعت، دریبل همراه گول
Jump shot with one dribble	شوت جفت بعد از یک دریبل
Jump stopping off the dribble	دریبل زدن بعد از فرود از یک پرش روی دو پا در یک زمان
Kill the dribble	پایان دادن به دریبل، متوقف کردن دریبل
Loose ball recovery and dribble	دریبل کؤدن توپ بچون صاحب
Low dribble	دریبل کوتاه
No-dribble scrimmage	تمرین بازی بدون دریبل (این تمرین بازیکنان را ترغیب به پاس می کند)
Off-dribble shot	شوت از دریبل (سریع دریبل را شوت کردن)
Off-the-dribble pass	پاس از دریبل (سریع دریبل را پاس دادن)
One-dribble	یک بار توپ را به زمین زدن
One-handed dribble-in shot	شوت یک دست بعد از نزدیک شدن به حلقه با دریبل
One-on-one movers off the dribbler	بازی یک علیه یک با دریبل
Overdribble	بیش از اندازه دریبل زدن (به جای پاس دادن)
Passing off the dribble	پاس از دریبل
Pass off the dribble	پاس از دریبل
Pass-off the heels	پاس به هم تیمی بلافاصله بعد از قطع دریبل
Penetration dribble	برش بازیکن دریبل زن به طرف منطقه شلوغ زیر حلقه
Pick up dribble	پایان دادن به دریبل، متوقف کردن دریبل
Pick up his dribble	فشار آوردن بر روی حریف به منظور متوقف ساختن دریبل او
Pivot dribble	دریبل با چرخش جهت تغییر مسیر
Protective dribble	دریبل کوتاه
Put the ball down	شروع به دریبل کردن
Put the ball on the floor	شروع به دریبل کردن
Retain the dribble	حفظ کردن دریبل
Reverse dribble	تغییر مسیر دریبل توسط چرخش به عقب
Score off dribble	امتیاز کسب کردن از طریق دریبل، گول زدن از دریبل، دریبل و حرکت به سمت سبد و انجام توقف یک زمانه یا دو زمانه و آن وقت گول زدن
Second dribble	دریبل که مطابق قانون و مقررات نباشد، خطای دبل
Shooting off a screen on the dribble	گول زدن با استفاده از اسکرین، دریبل و آنگاه پرتاب به سمت سبد
Shooting off the dribble	دریبل و توقف یک زمانه یا دو زمانه و شوت زدن
Side-of-body dribble	دریبل زدن در کنار بدن
Speed dribble	دریبل سریع، دریبل در خلال دویدن سریع
Spin dribble	دریبل زدن همراه با چرخش بدن

Spin-in or out move with one dribble	حرکت چرخشی بازیکن سنتر به طرف حلقه یا دورتر از حلقه با یک دریبل
Stride stopping off the dribble	متوقف شدن بر روی پاها یکی بعد از دیگری بعد از یک دریبل
Suicide dribble	تمرین دریبل؛ از خط عرضی شروع دریبل سریع با دست راست تا خط پرتاب آزاد، برگشت سریع با دریبل با دست چپ، دوباره دریبل سریع از خط عرضی به طرف خط مرکزی زمین باز و برگشت سریع با دریبل با دست چپ، دریبل به طرف خط پرتاب آزاد در زمین مقابل و برگشت با دست چپ، دریبل به طرف خط عرضی در زمین مقابل و برگشت با دست چپ
Switching hands dribble	دریبل همراه با تغییر دست ها
Tam-tam dribble	تمرین دریبل شبیه نواختن طبل هندی
Through-the-legs dribble	دریبل زدن بین پاها برای حفاظت از آن در برابر حریف
Two ball dribble drill	تقرین دریبل با دو توپ در یک زمان
Two hand dribble	دریبل با دو دست
Two-line-cross	تمرین دریبل در امتداد دو خط تقاطع
Used the dribble	دریبل متوقف شده (در این حالت بازیکن اجازه ادامه دریبل کردن را ندارد و فقط می تواند پاس یا شوت کند)
Walking dribble	دریبل زدن در بین پاها و حرکت دادن توپ به جلو و عقب در حالت گام زدن در یک نقطه
Whirl dribble	دریبل با چرخش هایی که مسیر را تغییر می دهد
Zig-zag fashion dribble	دریبل به شکل زیگ زاگ
Dribbling	دریبل زدن
Dribbling blinders	عینکی که جلوی دید بازیکن را نسبت به توپ می گیرد. این عینک برای تمرین دریبل مورد استفاده قرار می گیرد
Dribbling change of pace	تغییر سرعت در هنگام دریبل
Dribbling hand	دستی که با آن دریبل زده می شود
Dribbling on the move: start and end (jump stop- second count stop)	تمرین دریبل از شروع تا پایان آن با متوقف شدن روی پاها در یک زمان بطور موازی یا متوقف شدن بر روی پاها یکی بعد از دیگری
Dribbling roll cut	برش همراه با چرخش در خلال دریبل
Dribbling speed race	مسابقه دریبل سریع بین بازیکنان
Dribbling speed relay	مسابقه دریبل سریع امدادی بین بازیکنان
Dribbling standing still	دریبل ثابت در یک نقطه
Dribbling stride stop	پایان دریبل با متوقف شدن بر روی پاها یکی بعد از دیگری
Dribbling the obstacle course	تمرین دریبل با استفاده از موانع در سرتاسر در مسیر، تمرین دریبل با موانع
Dribbling with change of hands (in reverse waling in change of direction and speed	دریبل با تغییر دست ها (گام به عقب بر داشتن همراه با تغییر هم زمان مسیر و سرعت)
Blind side	سمتی که هنگام دریبل زدن دیده نمی شود
Competitive dribbling drill	تمرین؛ مسابقه دریبل بین بازیکنان

Cutting and dribbling offense (without a pivot)	حمله بدون بازیکن سائتر که در آن از حرکات بدون دربیل، با دربیل و برش مورد استفاده قرار می گیرد
Excessive dribbling	حرکات اضافه و غیر ضروری با توپ در هنگام دربیل (به جای پاس دادن)
Fingertip dribbling	دربیل زدن با سر انگشتان
Keeping the ball alive off dribbling moves	دربیل و حرکت به جهت مخالف و مانور دادن بدون لو دادن توپ
Put the ball on the floor	توپ را فقط یک بار به زمین زدن (برای ایجاد تعادل قبل از شوت)
Drift	جابجا شدن، تغییر مکان دادن، تعویض جا کردن، تعویض نوبت کردن
Drill	تمرین کردن، آموزش دیدن، تمرین دادن، آموزش دادن، مشق دادن، تمرین، مشق
Drill in	معرفی از طریق تمرین
Drill is live	جان گرفتن تمرین . فرا خواندن بازیکنان به شرکت م وثر در انجام تمرین و کار کردن حتی آنهایی که پیش تر در تمرین غیر فعال بودن
Drill station	اجرای تمرینات به صورت چرخشی یا ایستگاهی
Drillsy	تابع یا علاقمند یا پذیرای تمرینات
Accuracy passing	تمرین به منظور پیشرفت پاس دقیق به هم تیمی
Aerobic drill	تمرین استقامتی، تمرین هوازی (تمرین های بدنی به منظور تقویت قلب و شش ها)
Air lift drill	نشستن روی پاها و گرفتن وضعیت آماده و سپس کشیدن بدن به بالا و ایستادن روی پنجه ها و کشیدن دست ها به بالا؛ برگشت به حالت اول و تکرار حرکت
Anaerobic drill	تمرین افزایش سرعت، تمرین بی هوازی
Ankle and knee flexions and extensions	نشستن روی پاها با خم کردن زانو و مچ و سپس ایستادن و باز کردن بدن
Ante-over rebounding	تمرین ریباند؛ توپ از کنار به تخته زده می شود، ریباند کننده او را می گیرد و آن را به تخته می زند
Around the head	گرداندن توپ به دور سر با دست به دست کردن آن
Around the waist	گرداندن توپ به دور کمر با دست به دست کردن آن
Around-the-world shooting drill	تمرین شوت از نقاط پیرامونی خط سه امتیازی از گوشه تا گوشه دیگر که بعد از هر شوت موفق بازیکن به نقطه بعدی حرکت می کند
Back to the floor	تمرین شوت از توپی که از ریباند بدست آمده
Backward line drill	تمرین دویدن به طرف چهار خط و به پشت برگشتن
Bad passing game	تمرین گرفتن پاس های بد که به صورت عمدی پرتاب می شود
Balance beam	چوب موازنه
Balance drill	تمرین تعادلی
Ball handling drills	تمرینات کار با توپ که مهارت و احساس دست ها نسبت به توپ را افزایش می دهد (شبه چرخاندن توپ به دور پا ها به طور متناوب ، به دور دو پا ، و دور کمر

Basketball jump	پرش از روی توپ بسکتبالی که به صورت ثابت روی زمین قرار می گیرد
Basketball position	طرز ایستادن در تمرینات حرکتی بسکتبال
Basketball protocol	برنامه تمرینات بسکتبال
Behind-the-back wrap	تمرین ریباند؛ بازیکن به جانب چپ یا راست جلو تاس بک (دستگاهی که پس از برخورد توپ با آن توپ را منعکس و بر می گرداند) می ایستد و یار او توپ را از پشت سر او به سمت تاس بک پرتاب می کند، این بازیکن پس از انعکاس توپ از تاس بک باید به هوا پریده و توپ را با دو دست دریافت کند
Bench jumping	تمرین پرش جفت از روی نیمکت ژیمناستیک
Bent knee sit-ups	دراز و نشست با زانوهای خم و دست ها پشت گردن و لمس زانو با آرنج مخالف
Blind catch	تمرین گرفتن توپ: توپ پشت سر بازیکن پاس داده می شود زمانیکه توپ نزدیک دریافت کننده می شود بایک علامت توسط پرتاب کننده، او به طرف توپ می چرخد و توپ را دریافت می کند
Block-to-block slides	تمرین سر خوردن از یک منطقه بلوک به منطقه دیگر در عرض منطقه کلید و برگشت
Block-to-elbow shooting	تمرین شوت از موقعیت های پایین و بالا در خطوط کناری منطقه کلید، که شروع آن از منطقه بلوک یا بی طرف و پایان حرکت در زاویه خط پرتاب آزاد و خط کناری منطقه کلید می باشد
Bloody drill	تمرینات طاقت فرسا
Blur	تمرین دست به توپ؛ پاها به اندازه عرض شانه ها از هم باز است و توپ را بین پاها با یک دست از جلو و دست دیگر از پشت بگیرد، توپ را اندکی به هوا پرتاب کرده و با جانبجا کردن دست ها و بدون آنکه توپ به زمین بی افتد آن را دریافت کنید و حرکت را ادامه دهید
Board tipping drill	تمرین پرش همراه با لمس کردن تخته
Board touches drill	تمرین پیش با توپ و لمس کردن تخته با آن، بعد از هفت مرتبه اقدام به شوت می کنیم
Bob up and down	بالا و پایین پریدن
Body-building	ورزش زیبای اندام، بدنسازی، پرورش اندام
Bounding	جهیدن، حرکت خیز به خیز همراه با تکان دادن دست ها
Box	تمرین پرش؛ پریدن و حرکت به داخل دوزنقه و با رسیدن به نقطه ی معین، چرخش و ادامه پرش اینبار به سمت سبد و تکرار حرکت به صورت رفت و برگشت
Boxer`s footwork	رقص پا، حرکات پایشیه حرکات یک بوکسور در حال مبارزه
Breakdown drills	خرد کردن تمرین به اجزای کوچکتر (برای تمرکز روی بخش های مختلف)
Bricks	تمرین پرش روی یک نقطه یا هر تمرین کار پای دیگر با وزنه
Building endurance	به کار بردن تمریناتی که استقامت را افزایش می دهد

Building strength	به کار بردن تمریناتی که توانایی و قدرت را افزایش می دهد.
"Bull in the arena" drill	تمرین پاس ها و قطع آنها (پاس ها)؛ بازیکنان در به شکل دایره دور هم می ایستند یکی از آنها در میان این دایره ب ه عنوان مدافع قرار می گیرد ، بازیکنان در دور این دایره به هم پاس ردو بدل می کنند و آن مدافع سعی می کند تا پاس آنها را قطع کند، هر بلژیکنی که پاس او توسط این مدافع قطع شد جاییش را با او عوض می کند.
Bull in the ring drill	تمرین پاس ها و قطع آنها (پاس ها)؛ بازیکنان در به شکل دایره دور هم می ایستند یکی از آنها در میان این دایره ب ه عنوان مدافع قرار می گیرد ، بازیکنان در دور این دایره بهم پاس رد و بدل می کنند و آن مدافع سعی می کند تا پاس آنها را قطع کند، هر بلژیکنی که پاس او توسط این مدافع قطع شد جاییش را با او عوض می کند.
Bull pen pass Bull in the arena drill	تمرین پاس ها و قطع آنها (پاس ها)؛ بازیکنان در به شکل دایره دور ه م می ایستند یکی از آنها در میان این دایره ب ه عنوان مدافع قرار می گیرد ، بازیکنان در دور این دایره به هم پاس ردو بدل می کنند و آن مدافع سعی می کند تا پاس آنها را قطع کند، هر بلژیکنی که پاس او توسط این مدافع قطع شد جاییش را با او عوض می کند.
Catching-pivot into basket shooting	تمرین شوت بازیکن سانتر در موقعیت های پایین، میانی و بالا، درون و بیرون از منطقه کلید؛ نفوذ قوی در موقعیت های عنوان شده دریافت توپ، چرخش به سمت حلقه و اجرای شوت توس بازیکن سانتر
Chair push-ups	تمرین شنا روی سه صندلی، جهت کشش ماهیچه های شکم؛ دو پا روی یک صندلی و هر دست هم روی یک صندلی
Chase the dribbler drill	تمرین؛ دنبال کردن بازیکنی که به سرعت دریبل می کند، متوقف کردن و گرفتن توپ از او
Chest lift	تمرین؛ بالا آوردن قسمت بالای بدن و دست ها در حالت دراز کش
Circle dribble drill	تمرین دریبل در یکی از دایره های زمین بازی که شرایط محافظت از توپ در مسابقه را شبیه سازی می کند
Circles passing drill	تمرین پاس : بازیکنان در پیرامون دو دایره که یکی از آنها داخل دیگری قرار دارد در مسیرهای مخالف هم حرکت می کنند و از یک دایره به دایره دیگر به هم پاس می دهند
Circuit	مسیر حرکت بازیکنان در تمرینات ایستگاهی
Clap hands drill	تمرین کار با توپ : توپ را با دو دست جلوی سینه نگه می داریم سپس آن را از آنجا به روی زمین رها کرده و بلافاصله کف دو دست را در پشت کمر بهم می زنیم و قبل از اینکه توپ به زمین برخورد کن آن را می گیریم
Combination drills	تمرینات ترکیبی
Combo shooting drill	تمرین شوت برای بازیکن سانتر که توسط آقای ریچ گراور مربی دانشگاه است. لوئیست به کار گرفته می شده است؛ تمرین شوت های سه گام ، هوک کوتاه و بلند کف با دست راست و چپ یکی بعد از دیگری اجرا می شود

Competition drills	تمرینات رقابتی
Competitive dribbling drill	تمرین؛ تمرین دریبل بمشکل رقابتی
Conditioner	هر تمرینی که ورزشکار را به شرایط بدنی خوبی برساند
Conditioning drill	تمرین برای رسیدن به شرایط آرمانی بدن، تمرین آماده سازی
Conditioning program	برنامه تمرینی به منظور رسیدن به شرایط آرمانی بدن
Cone weaves	حرکت مار پیچ از بین موانع (یا کونز)
Continuity outlet	تمرین پیوسته و بدون توقف برای ارسال پاس اولیه برای ضد حمله؛ ریپاند توپ از تخته یا حلقه پاس به تاس بک، دریافت مجدد توپ و تکرار حرکت
Coordination drill	۱- تمرین کار تیمی ۲- تمرین حرکات موزون تمام قسمت‌های بدن
Corkscrew	تمرین چرخش‌ها در هنگام پرش با توپ
Court layout	آرایش ایستگاه‌های تمرین در زمین بازی
Cross dribble drill	تمرین دریبل همراه با تغییر دست‌ها؛ در حالی که پاها را به صورت ضربدر به جلو و عقب برمی‌داریم از بین پاها روی یک نقطه دریبل می‌کنیم، و این در حالی صورت می‌گیرد که زمانی که پای راست جلو با دست راست دریبل و پای چپ جلو با دست چپ دریبل می‌زنیم
Cross lay-up drill	تمرین شوت سه گام به صورت متناوب با دو دست راست و چپ از هر دو طرف حلقه
Cross-over dribble drill	دریبل سرعت بین سه مانع مخروطی شکل (کونز) که فاصله هر مانع نسبت به هم ۹۰ سانتیمتر می‌باشد (تغییر دست قبل از هر مانع و برگشت بعد از سومین مانع)
Defense the dribbler-no hands	تمرین دفاع کردن بدون استفاده از دست‌ها (دست‌ها در پشت کمر قرار می‌گیرد) علیه بازیکنی که در حال دریبل زدن در خط مسیر کناری زمین باشد. در این دفاع فقط با کار پا به بازیکن مالک توپ فشار می‌آوریم و او را مجبور می‌کنیم تا تغییر مسیر بدهد
Defensive slides	حرکت پای دفاعی که در آن پاها از زمین جدا نمی‌شوند و ابتدا پایی که به سمت مهاجم قرار دارد و به دنبال آن پای مخالف روی زمین سُر می‌خورد و مدافع به این صورت حرکت دوطرفی خود را برابر مهاجم ادامه می‌دهد
Depth jump	تمرین پرش؛ خم کردن زانوها و پرش به بالا و سپس پرش مجدد این بار برای انجام ریپاند
Design the drills	طرح کردن تمرین ورزشی
Diagonal rope jump	تمرین پرش برای بازیکن ستر: پرش از روی طناب با ارتفاع مختلف
Didacting drill	آموزش همراه با نشان دادن تمرینات و حرکات توسط بازیکنان
Distance running	دو استقامت (برای تمرین ۵-۱ مایل)
Dome	۱- گنبد ۲- مانعی به شکل گنبد برای تمرین ریپاند که روی حلقه بسکتبال قرار می‌گیرد تا از داخل شدن توپ به داخل حلقه جلوگیری نموده و شرایط ریپاند را بوجود آورد
Dome rebounding	تمرین ریپاند با مانعی به شکل گنبد که روی حلقه بسکتبال قرار می‌گیرد تا

	از داخل شدن توپ به داخل حلقه جلوگیری نموده و شرایط ریاند را بهبود آورد
Dot on the wall drill	تمرین زدن توپ به روی یک نقطه‌ای از دیوار
Double leg-single leg	تمرین؛ گرداندن توپ دور هر دو پا با هم و سپس دور هر یک از پاها به‌طور جداگانه
Double whistle	علامتی که در طول بازی بوقسط مربی جهت نشان دادن بی نظمی و نادرستی بازی به کار می‌رود
Dribble sit-up drill	تمرین؛ درپیل زدن درحالت راست نشستن
Dribble tag	تمرین؛ دنبال کردن هم‌تیمی در حال درپیل و لمس کردن آن با دست
Dribbling blinders	عینکی که جلوی دید بازیکن را نسبت به توپ می‌گیرد، این عینک برای تمرین درپیل مورد استفاده قرار می‌گیرد
Dribbling drill	تمرین درپیل؛ بازیکن در دایره وسط قرار گرفته و بدون آنکه از دایره خارج شود، با درپیل از توپ خود حفاظت می‌کند
Dribbling on the move : Start and end (jump stop second count stop)	تمرین درپیل از شروع تا اتمام آن با متوقف شدن روی پا ها یکی بعد از دیگری یا متوقف شدن روی پاها در یک زمان به‌شکل موازی
Dribbling speed race	مسابقه درپیل سریع بین بازیکنان
Dribbling speed relay	مسابقه درپیل سریع امدادی بین بازیکنان
Dribbling standing still	درپیل ثابت در یک نقطه
Dribbling stride stop	تمام کردن درپیل با متوقف شدن روی پاها یکی بعد از دیگری
Dribbling the obstacle course	تمرین درپیل در مسیری با مانع
Dribbling with change of hands (in reverse walking- in change of direction and speed)	درپیل زدن به‌صورت متناوب با دوست همراه با عقب و جلو رفتن و تغییر مسیر و سرعت دادن به آن
Eagle s jump	پرش با پاهای از هم باز همراه با لمس پنجه پا در هوا با انگشتان دست
Easy running	۱- راحت دویدن ۲- برش بدون مقاومت حریف
Elbow to corner	تمرین شوت از موقعیت گوشه منطقه کلید نزدیک خط پرتاب آزاد تا در گوشه زمین بازی نزدیک خط عرضی
Elbow to elbow	تمرین شوت به‌طور متناوب از موقعیت گوشه‌های منطقه کلید نزدیک خط پرتاب آزاد
Eleven-man fast break drill	تمرین شرایط ضد حمله با ۱۱ بازیکن در کل زمین بازی (تعدادی به‌عنوان حمله و تعدادی به‌عنوان دفاع)
Extended strides	یورتمه رفتن با گام‌های بلند
Fast passing	تمرین پاس‌های سریع
Figure eight dribble	تمرین درپیل با زدن توپ به دور و بین پاها به شکل عدد 8 انگلیسی
Figure eight speed drill	درپیل سریع بین پاها از هم باز با دست راست و چپ در امتداد شکل عدد 8
Figure eight with one bounce	تمرین دست به‌دست کردن توپ بین پاها که؛ توپ را بین پاها در امتداد

	شکل عدد 8 عبور می دهیم و بعد از تکمیل شدن هر حرکت یک دریل می زنیم
Fingertip dribbling	زدن توپ با نوک انگشتان
Fingertip push-ups	حرکت شنا روی پنجه های دست
Fingertips drill	تمرین : توپ را از جلوی سینه رها می کنیم و بعد از برخورد به زمین برگشت آن را با سر انگشتان می گیریم
Five on five	تمرین بازی ۵ بازیکن علیه ۵ بازیکن دیگر
Five on four	تمرین بازی ۵ بازیکن علیه ۴ بازیکن دیگر
Five on zero drill	تمرین حمله ۵ بازیکن بدون حریف
Flat wall passing	تمرین پرتاب توپ به طرف دیوار مسطح و دریافت آن بعد از برگشت
Floor length drills	تمرین اصول مقدماتی بسکتبال در سرتاسر زمین بازی
Football hike drill	تمرین کار با توپ؛ پرتاب توپ از بین پاها به طرف عقب و دریافت آن در پشت کمر با دو دست
Foul shooting drill	تمرین پرتاب آزاد
Four man weave	حمله پیشی یا مقاطع با چهار بازیکن
Four-on- Four	تمرین بازی ۴ بازیکن علیه ۴ بازیکن دیگر
Four-on-three	تمرین بازی ۴ بازیکن علیه ۳ بازیکن دیگر
Four-on-three keep-away drill	چهار بازیکن مهاجم در چهار گوشه یک نیمه زمین بازی قرار می گیرند و از آنجا به هم دیگر پاس رد و بدل می کنند ، در بین این بازیکنان سه مدافع جهت قطع کردن، گرفتن و یا زدن توپ آنها حرکت می کنند و در صورت موفق شدن به این امر جای آن مدافع با مهاجم عوض می شود
Free throw tip-in drill	توپ برگشتی از تخته را با سر انگشت به داخل سبد انداختن
Frog-sit position	حالت نشسته که کف هر دو پا با هم چسبیده باشد
Front-side-back pocket	تمرین : چرخش با توپ به جلو، کنار و عقب ، بعد از هر چرخش بازیکن حالت شوت می گیرد
Frozen push-up	شنا روی زمین به صورت آرام
Full court drills	تمرین در کل زمین بازی
Fundamental drills	تمرینات اصول مقدماتی بسکتبال
Fun drill	تمرین مفرح همراه با اهدا جوایز به شرکت کنندگان
Game drills	تمرین الگوها یا نقشه های بازی و عناصر آن
Game of 21	تمرین شوت بین دو بازیکن؛ مسابقه پرتاب آزاد بین دو بازیکن ، در این مسابقه هر شوتی که منجر به گل بشود، بمعنوان جایزه یک شوت اضافی به آن بازیکن داده می شود، و هر بازیکنی که زودتر به امتیاز ۲۱ برسد برنده محسوب می شود
Ghost (shooting drill)	تقرین رقابتی شوت بین دو بازیکن : هر نوع شوت توسط یک بازیکن اجراء می شود و بازیکن رقیب این شوت را تکرار می کند برای هر تویی که گل می شود یکی از حروف Ghost نوشته می شود هر بازیکنی که زودتر این



	کلمه را تکمیل کند برنده این بازی می شود
Globe trotter drills	تمرین دستکاری توپ که مختص تردستی با توپ بازیکنان تیم ها رلم گلوبروتز می باشد
Good-natured heckling	ایجاد مزاحمت و مانعی در تمرین توسط هم تیمی ها به منظور ایجاد شرایط واقعی مسابقه
Half court game	بازی تمرینی دریک نیمه زمین بازی (به طور معمول بازی سه علیه سه)
Hand-in the pocket drill	تمرین دریافت پاس؛ دست ها قبل از دریافت پاس در پشت سر قرار می گیرد و با علامت دادن پاس دهنده، برای دریافت پاس به طرف جلو امتداد می دهیم
Hands up drill	تمرین حرکات پای دفاعی؛ در هنگام دفاع دست ها را بالا می گیریم و سر می خوریم
Harvard step	تمرین بالا رفتن و برگشتن از پله
Head up dribble drill	تمرین دریبل؛ هنگام دریبل زدن سر به طرف بالا (بازیکن نگاه به توپ نمی کند)
Head, waist and leg rhythm drill	چرخش موزون توپ دور سر، کمر و پاها
Heckling	مختل کردن عمدی بعضی از تمرینات هم تیمی ها توسط مربی
"Hey" drill	تمرین حرکت پا؛ یورتمه رفتن در یک نقطه و در پی آن با علامت مربی با پرش و دیگر حرکات دنبال می شود
High knees	حرکت تمرینی زانو بلند همراه با بالا و پایین کردن دست ها
Hook pass from the rebound drill	ربانند و سپس با دست های کشیده و باز و حفاظت از توپ با دست مخالف ارسال پاس به نقطه ی مورد نظر
Horse (shooting drill)	تمرین رقابتی شوت بین دو بازیکن، هر نوع شوت توسط یک بازیکن اجراء می شود و بازیکن رقیب این شوت را تکرار می کند برای هر تویی که گل می شود یکی از حروف Horse نوشته می شود هر بازیکنی که زودتر این کلمه را تکمیل کند برنده این بازی می شود
Hot floor	تمرین پرش زیر حلقه
Inside running	تمرین دویدن در سالن
Intensity lay-up	پاس دوست به طرف Toss back پرتاب می کنیم سپس توپ برگشتی همراه با متوقف شدن روی پاها یکی بعد از دیگری می گیریم و به طرف حلقه سه گام می رویم
Jumping rope	تمرین طناب زدن
Jump rope	تمرین طناب زدن، طناب زدن
Jump stop drill	تمرین متوقف شدن با پاها در یک زمان و پاهای موازی
Keep away drill	تمرین کار با توپ جهت محافظت کردن توپ در برابر حریف
Keeping the ball alive off dribbling moves	حفظ توپ با دریبل و حرکت و مانور در زمین
Kenny Davis drill	تمرین کار با توپ
Kicking backwards	زدن باسن یا کپل با پشت پاها در هنگام دویدن

Knee drawn upward	تمرین زانو بلند
Knee flexions and extensions	تمرین خم کردن و دراز کردن پاها از زانوها
Knock-knock drill	تمرین؛ با سرعت از خط پرتاب آزاد به طرف حلقه می دویید سپس با یک پرش حلقه رابا دو دست گرفته و به آن آویزان می شویم
Lane passing drill	بازیکنان در دو طرف خطوط کناری منطقه کلید درمقابل هم قرار می گیرند و با هم پاس می دهند
Lane slides with bricks	تمرین؛ سر خوردن در عرض منطقه کلید با در دست داشتن آجر ، بعد از رسیدن بازیکن به خط کناری منطقه کلید آجر ی که دست بازیکن است روی زمین می گذارد و آجر دیگری را از روی زمین برمی دارد و حرکت را ادامه می دهد
Lateral line	حرکت پای دفاعی به جانب به صورت رفت و برگشت، شروع از بالای دایره پرتاب آزاد و حرکت به سمت خط پرتاب آزاد و برگشت
Lead drill	تمرین پاس جلوتر از دریافت کننده
Leg lift	بالا آوردن مستقیم پاها به صورت متناوب در حالت به پشت دراز کش
Leg raising	تمرین؛ بالا آوردن پاها
Line drill	تمرین دوییدن "به طرف خطها"؛ دوییدن از خط عرضی به طرف خط پرتاب آزاد و برگشت، به طرف خط مرکزی و برگشت، به طرف خط پرتاب آزاد زمین مقابل و برگشت، به طرف خط عرضی زمین مقابل و برگشت (محدوده زمانی ۳۰ ثانیه)
Line hops	پریدن جلو و عقب با دو پا از روی خط کناری زمین بازی
Line jumps	پریدن جلو و عقب با دو پا از روی طناب
Line slides	بازیکن درحالت دفاعی با پایای از هم باز که در بین خطوط کناری منطقه کلید حرکت سرخوردن را انجام می دهد
Live defense	دفاع فعال در خلال تمرینات
Long pass accuracy drill	تمرین پاس های بلند و دقیق
Long range shooting	پرتاب توپ به طرف حلقه از یک فاصله دور
Loosening-up exercise	تمرین مفرح
Machine-gun passing	تمرین پاس و دریافت سریع با استفاده از دستگاه " ماشین گان "
Mechanics of the drill	دانش و آگاهی نسبت به حرکتها و فشار مورد نیاز برای انجام صحیح آنها
Mikan drill	شوت هوک کوتاه در منطقه کلید با دست راست و چپ به صورت متناوب و دریافت آن بعد از شوت
Mobility drill	تمریناتی که موجب افزایش چابکی می شود
Monkey in the middle	تمرین پاس ها و قطع آنها (پاس ها)؛ بازیکنان در بشکل دایره دو رهم می ایستند یکی از آنها در میان این دایره بعنوان مدافع قرار می گیرد، بازیکنان در دور این دایره به هم پاس ردو بدل می کنند و آن مدافع سعی می کند تا پاس آنها را قطع کند، هر بازیکنی که پاس او توسط این مدافع قطع شد جایش را با او عوض می کند.

Monkey slide	حرکت سر خوردن به پهلو همراه با لمس کردن زمین بعد از برداشتن هر قدم
Murder drill	هر تمرین ورزشی که نیازمند تلاش و استقامت زیاد است، تمرینات طاقت فرسا
Muscle stretching exercises	تمرینات کشش جت گرم کردن و آماده کردن عضلات
Neck turns-alternate right and left	تمرین کششی ماهیچه گردن با چرخاندن سر به چپ و راست
No-dribble scrimmage	تمرین بازی بدون دریبل (وادار کردن بازیکنان به پاس دادن)
Off floor drill	تمرین پرش با توپ به طرف سبد : دو توپ در دو طرف منطقه بلوک یا خنثی کلید قرار می دهیم، برای هر پرش قدرتی اول بازیکن توپ را از روی زمین بر می دارد و به طرف سبد بلند می شود بعد از برگرداندن توپ به جای خود بازیکن برای برش قدرتی دیگر به طرف دیگر منطقه کلید برای برداشتن توپ دوم می رود. این حرکت تا ۱۰ مرتبه تکرار می شود
One-on-one mirror drill	تمرین سنتر جهت بهبود عمل کئود او در عکس العمل ها در برابر مدافع؛ بازیکن سنتر به صورت چهره به چهره و نزدیک، مقابل یار خود ایستاده و مانند آینه، حرکت او را منعکس می کند
On the fly	تمرین شوت از توپ ریپاند شده؛ ریپاند، گرفتن توپ در بالا، و شوت
Outside running	تمرین دویدن خارج از سالن
Partner hand-stand push-ups	تمرین شنا روی دست ها با ننگ داشتن پا توسط هم تیمی
Passing drills	تمرین برای بهبود پاس
Passive defensive man	مدافع غیر فعال (مانکن جهت تمرین )، بازیکن مدافع در تمرین پاس و دریافت (فقط در مسیر پاس می ایستد)
Pass-pick-pop drill	تمرین؛ بازیکن پاس دهند برای بازیکن دریافت کننده ایجاد سد می کند سپس بازیکن دریافت کننده اقدام به شوت جفت می کند
Perimeter shooting drill	تمرین شوت های پیرامونی از نیم دایره در فاصله ۴-۵ متری از حلقه
Physical exercises	ورزش، تمرین بدنی، تمرین ورزشی
Pick-up drill	شیرجه زدن برای توپ بدون صاحب روی زمین رویا پشت به سبد، و پس از برداشتن آن پرتاب به طرف سبد
Piggy ride	کول کردن هم تیمی به پشت (به عنوان ج ایزه برای پیروزی در تمرینات رقابتی)
Pivot and lay-up drill	تمرین شوت های سه گام همراه با چرخش
Post-practice	تمرینات افرادی بعد از تمرین تیمی (شوت اضافه ، تمرینات وزنه ، طناب زدن)
Pounding drill	تمرین ریپاند همراه با هل دادن هم تیمی جهت شبیه سازی شرایط مسابقه
Power hopping	تمرین پرش روی یک پا به صورت متناوب در وضعیت خم یا نیم خم بدن
Power jumps	تمرین پرش های پی در پی در وضعیت نیم خم بدن
Power lay-up drill	تمرین شوت های سه گام از یک حالت نیم خم که هر بار توپ را برای شروع حرکت از روی زمین برمی داریم
Practice drill	تمرینی که در طول تمرینات فصل پی در پی صورت می گیرد

Pre-game drills	تمرین های کششی و گرم کردن بدن قبل از بازی
Prone position	دراز کشیدن روی شکم
Propeller	تمرین حرکت پروانه
Pull-ups	بارفیکس
Push-up	شنا روی زمین
Pyramid	تمرین دو در طول زمین بازی؛ دویدن از خط عرضی به طرف خط پرتاب آزاد و برگشت، به طرف خط مرکزی و برگشت، به طرف خط پرتاب آزاد زمین مقابل و برگشت، به طرف خط عرضی زمین مقابل و برگشت (محدوده زمانی ۳۰ ثانیه)
Pyramid across	تمرین دویدن در سر تا سر عرض زمین بازی : دویدن از پشت خط طولی به طرف خط کناری منطقه کلید و برگشت ، دویدن به طرف خط کناری منطقه کلید در سمت مقابل و برگشت ، دویدن به طرف خط طولی سمت مقابل زمین و برگشت
Quad stretch	تمرین کششی؛ در حالت زانو زدن پشت پاها را می گیریم
Rebound drill	تمرین ریباند با Toss back (یا با هر وسیله مکانیکی دیگر)
Respiratory education drill	تمرین صحیح تنفس
Rhythm	تمرین کار با توپ ؛ پاها به اندازه عرض شانه باز درین حالت توپ را به صورت متناوب از دور پاها عبور داده سپس توپ را در بین پاها و قبل از به اینکه توپ زمین را لمس کند آن را می گیریم
Right over left, left over right	تمرین کشش؛ خم شدن به پهلو بطور متناوب با دست راست روی کتف چپ و با دست چپ روی کتف راست
Rim touches	تمرین؛ پرش همراه با لمس کردن حلقه بسکتبال
Robot	به پهلو خم شدن : پاها به صورت ثابت ، کف دست ها به صورت متناوب به طرف ران پا حرکت داده می شود
Rocker	حرکات موزون به جلو و عقب
Rope climbing	به صورت عمودی از روی طناب پریدن
Rope jumping	طناب زدن، طناب بازی
Rope skipping	طناب زدن، طناب بازی
Rotate into the drill	وارد شدن به مرحله بعدی تمرین
Rubber drills	تمرین های کششی
Sam Jones drill	تمرین شوت از توپ های برگشتی از تخته (این تمرین توسط سم جونز که در تیم بستون سلتیگ و در دهه ۶۰ یکی از بهترین بازیکنان بسکتبال بوده است ابداع گردیده است)
Shell drill	۱- کار و تمرین روی قسمت ها و بخش های مختلف بازی بدون شوت زدن ۲- تمرین طرح های حمله و دفاع بدون شوت زدن
Shoot around	تمرین شوت از موقعیت های اطراف حلقه
Shooting drills	تمرینی که مهارت و توانایی بازیکن را در انواع شوت های بهبود می بخشد

Sidewinder	دراز کشیدن به پهلو همراه با بالا آوردن دست پای مخالف
Sit up	دراز و نشست تمرین
Six and one	تمرین ریپاند حمله؛ ۶ مرتبه توپ را به تخته می‌زنیم و به دنبال آن اقدام به شوت می‌کنیم
Skeleton drill	۱- کار و تمرین روی بخش‌های خُرد شده سیستم حمله ۲- تمرین الگوی حمله بدون شوت زدن
Skip rope	طناب زدن، طناب بازی کردن
"Skull sessions(or lectures) "	کلاس تعلیم فنون مسابقه، جلسه مشورت درباره مسابقه، کلاس آموزشی
Slap the rim	تمرین برای بازیکنان بلند قد؛ توپ را بالای سر نگاه داشته با پرش حلقه را با توپ لمس می‌کنیم (این حرکت چندین بار تکرار می‌شود) برای بازیکنانی که کوتاه‌ترند به جای حلقه از تخته استفاده می‌شود)
Smaller rim	یک حلقه با محیط کوچکتر که روی حلقه بسکتبال برای تمرین شوت‌های مستقیم و دقیق قرار داده می‌شود
Space perception drill	تمرین تشخیص و تخمین فاصله‌ها (برای ارسال پاس، شوت و ...)
Space-time perception drill	تمرین تشخیص و تخمین فاصله‌ها و زمان (برای ارسال پاس، شوت و ..)
Speed dribble	دریبل همراه با دویدن سریع
Speed drill	گرداندن توپ به دور پاها به شکل هشت انگلیسی؛ بعد از هر حرکت یک دریبل (این تمرین بسیار سریع و ۱۰-۲۰ مرتبه تکرار می‌شود)
Squares	تمرین پرش؛ دو مربع ۴۵ سانتیمتری در کنار هم می‌کشیم با یک پا یا دو پا باهم به داخل، خارج، جلو، عقب و کنار این دو مربع پرش می‌کنیم
Squat	۱- چمپاته زدن ۲- ایستادن با پاهای خم
Squat jumps	پریدن با پاهای خم
Stairs drills	تمرین‌های مختلف با پله‌ها: دویدن به بالا و پایین پله‌ها
Standing defense man	مدافع غیر فعال در طول تمرین‌ها پاس و دریافت که فقط از آن جهت شبیه سازی شرایط بازی استفاده می‌شود (مدافع مانکن)
Stationary bike	دوچرخه ثابت جهت تمرین
Station drills	آرایش تمرینات ایستگاهی در زمین بازی؛ برای مثال ۱۲ ایستگاه در زمین بازی توسط آقای لی تلبوت مربی دانشگاه کارولینا برای یک جلسه ۱۵ دقیقه به طول می‌انجامد شامل (طناب زدن، دریبل، پرش از روی خطوط و ... می‌باشد)
Straddle flip (mis-spelled struddle)	باز کردن پاها و پرتاب توپ از بین پاها از جلو به عقب و سپس حرکت سریع دست‌ها و دریافت توپ از پشت و تکرار این حرکت این بار از عقب به جلو
Straddle front lunge	تمرین کششی؛ در حالتی با یک پا جلو و پای دیگر به عقب به طرف جلو خم می‌شویم
Straddle front lunge, take charge	تمرین کششی؛ در حالتی با یک پا جلو و پای دیگر به عقب و دست‌ها به طرف بالا متمایل به عقب خم می‌شویم
Straddle side lunge	تمرین کششی؛ در حالت پاها به عرض شانه به طرف پهلو خم می‌شویم

Strength drill	تمرین قدرتی، تمرینات با وزنه
Stretching exercise	تمرین های کششی
Stride- sit position	حالت نشسته با پاهای باز
Suicide dribble	تمرین دریبل : شروع دریبل سریع از خط عرضی با دست راست تا خط پرتاب آزاد و برگشت با دست چپ، ادامه این حرکت دریبل از خط عرضی تا خط مرکزی زمین بازی با دست راست و برگشت سریع با دست چپ و دوباره دریبل با دست راست تا خط پرتاب آزاد در زمین مقابل و برگشت با دست چپ، دریبل با دست راست به طرف خط عرضی زمین مقابل و برگشت با دست چپ
Suicide drill	تمرین دویدن؛ دویدن سریع از خط عرضی طرف خط پرتاب آزاد و برگشت، ادامه این حرکت دویدن از خط عرضی تا خط مرکزی زمین بازی و برگشت، دویدن به طرف خط پرتاب آزاد در زمین مقابل و برگشت ، دویدن به طرف خط عرضی زمین مقابل و برگشت، از شروع و پایان هر حرکت خط باید توسط بازیکن لمس شود
Superman drill	از موقعیت پایین در منطقه کلید یک پرتاب اریب بلند به طرف تخته رها می کنیم در پی آن عرض منطقه کلید را می دویم و توپ را ریاند کرده و دوباره این حرکت را تکرار می کنیم
Swinging	خم کردن بالای بدن به جلو و کنار
"Tam-tam" dribble	تمرین دریبل با تقلید از نواختن طبل هندی
Teaching stations	ایستگاه های تمرین
Ten-ten hopping	تمرین پرش روی یک پا به صورت متناوب در ده متر فاصله
Tether ball tipping	لمس کردن توپی که از بالا آویزان می باشد
Thirty jumps	سی مرتبه حلقه را از جلو با پرش لمس کردن
Three and one	تمرین ریاند حمله : سه مرتبه با توپ تخته را لمس و در چهارمین مرتبه اقدام به شوت می کنیم
Three lane drill]	تمرین ضد حمله در طول زمین در سه مسیر
Three man-straight down	تمرین ضد حمله در سه خط مستقیم؛ بازیکنان را وادار کنید روی سه خط موازی در عرض زمین، زیر سبد قرار گیرند. بازیکن میانی دارای توپ است . اولین بازیکن هر خط مستقیم تا پایان زمین می رود. هر سه بازیکن در خط خود باقی مانده توپ را حین حرکت به یکدیگر پاس می دهند
Three-man weave drill	تمرین پیچشی سه بازیکن : بازیکنان در سه ردیف روی خط عرضی قرار می گیرند. بازیکنی که در ردیف میانی است توپ را به نزدیک ترین عضو تیم پاس داده به پشت دوبازیکن حرکت برش انجام می دهد . این فرایند برای انجام شوت سه گام تا سبد ادامه می یابد و سازماندهی مجدد و "سرعت - پیچش - پاس" برای انجام سه گام در انتهای مخالف زمین ادامه می یابد
Time allotted	وقت معین
Toe-taps	دویدن روی پنجه پا در یک نقطه

Toe touch	تمرین کششی؛ خم شدن و پنجه پا را لمس کردن .
Tonification drill	تمرین مهیج، تمرینی که قدرت، انرژی و آرامش و خونسردی را افزایش می دهد
Toss back drill	تمرین گرفتن توپ ریباند از تخته یا از حلقه، تمرین گرفتن توپ ریباند از تخته یا از Toss back
"Tourist delight"	۱- تمرین بالا رفتن سریع از پله ها و درپی آن دویدن سریع پیرامون بالای جایگاه تماشاچیان سالن بسکتبال ۲- دویدن در عرض زمین بسکتبال برای ۱۷ مرتبه در ۱ دقیقه
Transition drill	تمرین انتقال سریع بازی از حمله به دفاع؛ دویدن از خط پرتاب آزاد به طرف خط عرضی و برگشت به پشت
Trash drill	تمرین ریباند حمله بازیکن سانتر، مربی توپ را به تخته می زند بازیکن توپ را ریباند و شوت می کند، مربی بلافاصله توپ دیگری را به تخته می زند و سائو همان کار را تکرار می کند، این تمرین با دو توپ و در سه دقیقه اجرا می شود.
Twenty one	تمرین رقابتی پرتاب آزاد بین دو بازیکن؛ هرشوتی که گل شود یک امتیاز و همچنین برای هر گل از ریباند یک امتیاز هر بازیکنی که زودتر به امتیاز ۲۱ برسد برنده بازی خواهد بود
Twister	تمرین: دست ها روی ران ها قرار می گیرد، پاها بطور ثابت و سپس چرخش بالای بدن بطور متناوب به طرف راست و چپ
Two against two	تمرین بازی دو علیه دو
Two ball dribble drill	تمرین دریبل با دو توپ در یک زمان
Two foot bench jumping	تمرین پرش با هر دو پا روی یک نیمکت کوتاه
Two foot vertical backboard jumping	تمرین پرش بلند به طرف حلقه همراه با لمس تخته با توپ
Two foot vertical wall jumping	تمرین پرش بلند به طرف دیوار همراه با لمس دیوار با توپ
Two-line cross	تمرین دریبل در امتداد دو خط متقاطع
Up-down-up drill	پرش برای گرفتن توپ ریباند فرود آمدن با توپ و در پی آن شوت جفت
Volleyball basketball	تمرین پاس والیبال (زدن توپ بدون گرفتن آن)
Wake-up drills (with and without ball)	تمرینات بیدار کننده، یا مهیج (با یا بدون توپ)
Wall rebounding drill	گرفتن توپ برگشتی از دیوار
Warm-up drill	تمرین قبل از بازی برای گرم کردن بدن
Weighted ball	توپ سنگین که برای تمرین به کار می رود
Weighted basketball	توپ سنگین که برای تمرین به کار می رود
Weighted basketball drills	تمرین با توپ سنگین
Weighted shoes	کفش های سنگین برای تمرین پرش
Weighted vest	جلیقه سنگین برای تمرین های دو و پرش
Weighted vest program	مجموعه تمرینات با جلیقه سنگین که توسط گری گالسون مربی دانشگاه نیو مکزیکو طرح شد ۱- حرکات کششی ۱۰ دقیقه ۲- سر خوردن در حالت

	دفاعی در تمام مسیرها ۱۰ دقیقه (با استراحت) ۳- بازی یک علیه یک بدون دربیبل ۴- حرکات ترکیبی : سرخوردن - دوییدن - سرخوردن ۵- تمرین جان بون ۶- فرود آمدن از یک پرش و چرخش
Weighted wristlets	دستبند سنگین برای تمرین دستها
Weight lifting	تمرین با وزنه
Weight program	برنامه تمرینات با وزنه
Weight room	سالن تمرین وزنه با وسایل و ابزار مربوط به بدنسازی
Weight training	تمرینات با وزنه
Windmill	در حالت ایستاده روی پاها به طرف جلو خم می شویم و پای مخالف را با دست می گیریم
Wing stretcher	دستها از قسمت آرنج خم و به طرف شانهها حرکت می دهیم و دو باره به حالت اول برمی گردانیم
X-out	تمرین شوت؛ شروع از گوشه طرف راست منطقه کلید در خط پرتاب آزاد و دریبل با دست راست و شوت سه گام با همان دست بر ای بازیکنانی که راست دست هستند، گرفتن توپ بعد از سه گام و دریبل با دست راست به طرف گوشه چپ منطقه کلید از آنجا دریبل با دست چپ و شوت سه گام با همان دست برای بازیکنانی که چپ دست هستند و تکرار این حرکت .
Z-drill	تمرین دوییدن در امتداد خطهای طولی، عرضی و خط مرکزی زمین بازی (هر کدام ۱۴-۱۵ متر):شروع با دو سرعت، خط بعدی سر خوردن دفاعی و خط بعدی حالت یورتمه، و این حرکت تکرار می شود
Drink	آشامیدنی، نوشابه، شربت
Drive	۱- حمله، نفوذ، برش ۲- نفوذ قوی به طرف حلقه ۳- گریز با توپ
Drive and dish	نفوذ به منطقه درونی و پاس دادن برای شوت
Drive around	دویدن اطراف حلقه
Drive-in	نفوذ همراه با دریبل به طرف حلقه برای اجرای شوت
Drive-in hook shot	شوت هوک بعد از نفوذ به نزدیکی حلقه
Drive inside	نفوذ قوی به نزدیکی حلقه
Drive into the basket	نفوذ قوی به طرف زیر حلقه
Drive off a screen	نفوذ قوی به طرف زیر حلقه بعد از گریز از ایجاد سد
Driver	بازیکن نفوذ کننده
Drive, reverse and drive	اجرای گول؛ نفوذ قوی با دریبل به طرف حلقه و در پی آن تغییر مسیر به عقب (اگر گول با موفقیت اجرا شد) دو باره نفوذ به طرف حلقه انجام می شود
Drive through pinch	نفوذ قوی بین حریفان
Drive to the basket	نفوذ قوی به طرف حلقه
Drive to the hoop	نفوذ قوی به طرف حلقه
Driving dribble	نفوذ درگیرانه با دریبل به طرف حلقه



Driving lay-up	شوت سه گام در پی نفوذ قوی به طرف حلقه
Aggressive drive-in	نفوذ درگیرانه و قوی به طرف حلقه
Baseline drive	حرکت با توپ به طرف خط عرضی
Block the drive	ممانعت کردن از نفوذ حریف
Cross-over drive	مانور بازیکن مالک توپ؛ گامی که با پای غیر ثابت برای بر هم زدن تعادل دفاع برداشته می شود، در واقع هدف از این کار فریب بازیکن مدافع می باشد که در صورت موفقیت بازیکن مهاجم اقدام به حرکت بعدی (شوت ، دریبل یا ... ) خواهد کرد
Direct drive	نفوذ سریع و قوی به طرف حلقه
Dribble and drive	نفوذ قوی به طرف حلقه با یک دریبل
Dribble drive	نفوذ قوی به طرف حلقه با یک دریبل
Dribble driver	بازیکنی که با دریبل به طرف حلقه نفوذ قوی می کند
Fake, drive and set (shot)	نفوذ قوی بعد از وانمود کردن به حرکت دیگر برای به دست آوردن موقعیت شوت ثابت
Fake, drive and shot	نفوذ قوی بعد از وانمود کردن به حرکت دیگر و در پی آن اجرای شوت
Fake left, drive left	حرکت گول به طرف چپ و پس از بر هم زدن تعادل مدافع، نفوذ قوی به طرف چپ
Fake left, drive right	حرکت گول به طرف چپ و پس از بر هم زدن تعادل مدافع، نفوذ قوی به طرف راست
Fake right, drive left	حرکت گول به طرف راست و پس از بر هم زدن تعادل مدافع، نفوذ قوی به طرف چپ
Fake right, drive right	حرکت گول به طرف راست و پس از بر هم زدن تعادل مدافع، نفوذ قوی به طرف راست
Fake shot and drive	نفوذ قوی بعد از وانمود کردن به شوت
Forward drive	نفوذ قوی به داخل زمین حریف
Hesitation step and drive	فریب با گام کوتاه به سمت مورد نظر برای نفوذ و برگشتن و با جا ماندن و عقب کشیدن مدافع، حرکت مجدد و نفوذ به سمت سید
One-bounce drive	نفوذ قوی با یک دریبل
Penetrating drive	نفوذ قوی به طرف سید از منطقه شلوغ
Straight drive	نفوذ قوی به طور مستقیم
Drop	۱- پرتاب کردن ۲- پرتاب توپ بداخل حلقه بدون تماس آن با تخته ۳- نام در صندوق پست انداختن
Drop and help	رها کردن حریفی که از آن دفاع می کنید جهت کمک کردن به هم تیمی برای پوشش دادن حریف مالک توپ
Drop back	به عقب دویدن، پریدن به عقب، عقب کشیدن، عقب نشینی کردن
Drop back pass	پاس دادن همراه با حرکت عقب نشینی سریع

Drop behind	حرکت به عقب
Drop down	پایین آوردن
Drop it	متوقف کنید
Drop pass	ارسال پاس برای رها کردن خود
Drop step	۱- ایجاد سد با حرکت پا به سمت عقب و نگه داشتن مدافع در پشت خود ۲- گام زدن یا حرکت کوتاه و سریع مانند رقص پا
Drop step and drive by pivot man	نفوذ قوی بازیکن ساتر به طرف موقعیت شوت بعد از سد کردن مسیر و پشت سر گذاشتن مدافعش
Drop step bounce pass	ارسال پاس زمینی پس از حرکت پا به عقب و ایجاد سد در برابر مدافع
Drop the ball on a dribble	شروع به دریبل کردن
Drop the crown	از دست دادن قهرمانی
Drop the game	باختن، شکست خوردن
Drop the leather	امتیاز کسب کردن
Drought	قسمتی از بازی که در آن یک تیم امتیاز کسب نمی کند
Drug	دارو، مخدر، مسکن، مربوط به مواد مخدره
Drug abuse	دوپینگ کردن، سوء استفاده کردن از دارو
Dry	۱- خشک کردن، رطوبت چیزی را گرفتن ۲- تمیز کردن و خشک کردن توپ و کف زمین
Dry behind the ears	با تجربه، ورزیده
Dryness	تشنگی، عطش
Dual	دو تایی، دو برابر، دو لا، دو جنبه ای
Dual free lance	حرکت حمله فی البداهه دو بازیکن
Dub	بازیکن متوسط
Dub (for)	تعویض کردن، جابجا کردن
Duck	۱- اجتناب کردن ۲- گریختن، گریز زدن از مدافع ۳- آدم ناشی، کودن ۴- بازیکنی که در یک مسابقه هیچ امتیازی کسب نکرده باشد
Duck egg	صفر، هیچ
Duck in	جا گذاشتن مدافع و برش به طرف موقعیت شوت نزدیک به حلقه
Ducks	نام تیم بسکتبال دانشگاه اورگان در او جین که در کنفرانس پسیفیک ۱۰ بازی می کند
Duck soup	بازی آسان، بازی راحت
Duck under	دویدن، برش کردن، برش سریع در موقعیت پا، دویدن یا برش کردن نزدیک سبد
Dud	۱- بازیکن غیر مؤثر ۲- بازیکن درجه دوم
Dukes	دست ها
Dumb	اشتباه از روی گیجی

Dumb cluck (also : Dumb-head)	بازیکنی که مرتکب اشتباهات فاحش یا بزرگی می‌شود
Dumb game	بازی سرهم بندی
Dumb ox	یار دست و پا چلفتی
Dumb play(also : -trick)	اشتباه، خطا، اشتباه بزرگ
Dummy	۱- وانمود کردن ۲- بازیکن غیرفعال در تمرین ۳- ساده لوح، احمق
Dummy play	گول زدن بازیکن که وانمود می‌کند که او قصد دریافت پاس را ندارد ولی در آخرین لحظات توپ را دریافت می‌کند
Dummy scrimmage	بازی تمرینی تیم بدون حریف
Dummy shot	۱- وانمود به شوت کردن ۲- حرکت شوت بدون توپ
Dummy the ball into the big man	پرتاب توپ به طرف بازیکن سانتر به طوری که مدافع این بازیکن پرواز توپ را نمی‌بیند و دریافت کننده هم نشان نمی‌دهد که توپ به طرف آن در حرکت است ولی در آخرین لحظات از بالای سر حریف توپ را دریافت می‌کند
Dump	۱- توپ را پرتاب کردن ۲- پاس دادن ۳- توپ را داخل حلقه اسپیک کردن ۴- باخت عمدی
Dump into	اسپیک کردن توپ داخل حلقه
Dump off	۱- پاس به طرف عقب از منطقه حلقه ۲- توپ را دور کردن
Dump pass	پاس دادن به منطقه عقب بعد وانمود کردن به شوت جفت
Dump the ball	پاس دادن به عقب از یک نفوذ به طرف حلقه بعد از وانمود به شوت کردن
Dump the basket	امتیاز کسب کردن
Dunk	اسپیک کردن توپ داخل حلقه
Dunker	بازیکنی که توپ را داخل حلقه اسپیک می‌کند
Dunkin	اسپیک کردن توپ داخل حلقه
Dunkmaster	قهرمان اسپیک دانک
Dunk shot	اسپیک کردن توپ داخل حلقه
Breakaway jam	اسپیک کردن توپ داخل حلقه بعد از گریز از حریف مدافع
Doctor of dunk	بازیکن برجسته در اسپیک کردن توپ داخل حلقه
Flush-shot	اسپیک کردن توپ داخل حلقه
Funk-dunk	اسپیک کردن توپ داخل حلقه
Goat	اسپیک کردن توپ داخل حلقه همراه با چرخش کامل
Jam	اسپیک کردن توپ داخل حلقه
Jamshot	اسپیک کردن توپ داخل حلقه
Jamsmart	تسلط پیدا کردن در عمل اسپیک کردن توپ داخل حلقه
Jam the ball	۱- اسپیک کردن توپ داخل حلقه ۲- بلوکه کردن توپ
Moonie jumpers	اسپیک کردن توپ داخل حلقه
Over-the-rim shots	اسپیک کردن توپ داخل حلقه

Phi slamma jamma	نامی که به بازیکن برجسته در عمل اسپک کردن توپ داخل حلقه داده می‌شود
Poke shot	اسپک کردن توپ داخل حلقه
Punk-dunk	اسپک کردن توپ داخل حلقه با پرش جفت همراه با یک حرکت که حریف را تحقیر می‌کند
Reverse slam dunk	اسپک کردن توپ داخل حلقه در حالت پشت به حلقه بعد از چرخش در هوا
Reverse stuff	اسپک کردن توپ داخل حلقه در حالت پشت به حلقه بعد از چرخش در هوا
Sky walking	اسپک کردن توپ داخل حلقه با یک پرش بسیار بلند (به گونه‌ای که بازیکن شوت کننده گویا در آسمان قدم می‌زند)
Slam dunk	اسپک کردن توپ داخل حلقه با پرش جفت
Stuffing	اسپک کردن توپ داخل حلقه با پرش جفت
Stuff shot	اسپک کردن توپ داخل حلقه با پرش جفت
Stuff the ball	اسپک کردن توپ داخل حلقه
Swoop and dunk	اسپک کردن توپ داخل حلقه با یک پرش بلند که بسیار دورتر از حلقه شروع می‌شود
Talking to God	اسپک کردن توپ داخل حلقه با یک پرش بسیار بلند
Three-sixty	اسپک کردن توپ داخل حلقه همراه با چرخش صد و هشتاد درجه
Throw down	اسپک کردن توپ داخل حلقه
Throw it down	اسپک کردن توپ داخل حلقه
Two-handed stuff shot	اسپک کردن توپ داخل حلقه با دو دست همراه با پرش جفت
Duplicate	تقلید کردن، تکثیر کردن، کپی کردن
Durability	مقاومت، دوام
Duration of game	مدت بازی، زمان بازی (دو نیمه ۲۰ دقیقه‌ای یا چهارزمان ۱۲ دقیقه‌ای مطابق با مقررات ان بی ای، چنانچه بازی به تساوی کشیده شد بازی با زمان های اضافه ۵ دقیقه‌ای تا پیروزی یک تیم ادامه پیدا می‌کند
During course of game	مدت زمانی که بازی طول می‌کشد
Dust-off	حذف، زدودگی، رفع
Dynamiter	لژیکن پر جنب و جوش و پر انرژی

<b>Eager</b>	مشتاق، علاقمند
<b>Eager beaver</b>	بازیکن پرکار، بازیکن خیلی مشتاق و فعال
<b>Eagle ( defense)</b>	دفاع منطقه‌ای ۲-۳ همراه با فشار و ایجاد دبل تیم (به خصوص در موقعیت‌های پایین)
<b>Eagles</b>	۱- نام تیم بسکتبال دانشکده بستون در چستانتات هیل که در کنفرانس بیگ است بازی می‌کند ۲- نام تیم بسکتبال دانشگاه مرهد اسیت در مرهد که در کنفرانس اوهایو ولی بازی می‌کند ۳- نام تیم بسکتبال دانشگاه استرن میشیگان در وای سیلانتی که در کنفرانس مید آمریکا بازی می‌کند
<b>Eagle's jump</b>	پریدن با پاهای باز به گونه‌ای که انگشتان پا با سر انگشتان دست برخورد کنند
<b>Eagle ( three- man or five-man ) flex</b>	حمله پی در پی با آرایش گسترده یا باز بازیکنان حمله (سه یا پنج نفر)
<b>Ear duster</b>	پرتاب توپ از نزدیک سرحریف
<b>Early entry</b>	۱- نفوذ کردن زودتر از پاس ۲- ضد حمله ثانویه
<b>Early game</b>	ضد حمله ثانویه (اگر ضد حمله اولیه مؤثر نبود ضد حمله ثانویه شروع می‌شود. این مسئله زمانی رخ می‌دهد که حمله برای اجرای راه‌های ضد حمله اولیه موفق نبوده و یا دفاع به قدری خوب عمل کرده و توانسته موقعیت‌های ضد حمله را خنثی کند
<b>Early offense</b>	۱- نفوذ کردن زودتر از پاس ۲- ضد حمله ثانویه
<b>Early shot</b>	شوت هول هولکی، شوت بی تامل و سریع
<b>Earn</b>	بهدست آوردن، کسب کردن، تحصیل کردن
<b>Earnest</b>	جدی، سخت‌کوش، پرکار
<b>Earn the lane</b>	استفاده کردن از مسیر معین در ضد حمله
<b>Ease out</b>	با اختلاف ناچیز (باختن)
<b>Easy</b>	آسان، راحت، بدون مقاومت حریف
<b>Easy basket</b>	کسب امتیاز بدون مقاومت حریف
<b>Easy hoop</b>	کسب امتیاز بدون مقاومت حریف
<b>Easy make</b>	حریف آسان، حریفی که به راحتی شکست می‌خورد
<b>Easy mark (also : Proposition)</b>	کسی که به راحتی شکست می‌خورد
<b>Easy on the eyes</b>	جالب بودن، چشم‌نواز یا گوش‌نواز بودن
<b>Easy proposition</b>	بازی راحت، بازی آسان
<b>Easy running</b>	۱- راحت دویدن ۲- برش کردن در خلال بازی بدون مقاومت حریف
<b>Easy shot</b>	کسب امتیاز بدون مقاومت حریف
<b>Easy transition basket.</b>	کسب امتیاز از بازی انتقال دفاع به حمله ، قبل از آنکه حریف

	آرایش دفاعی خود را به دست آورد
<b>Easy way</b>	روش یا مسیر آسان
<b>Eater</b>	دهان
<b>Eat up the clock</b>	رکورد زدن
<b>Edge</b>	۱- حاشیه، لبه، کناره ۲- پیروزی با اختلاف کم امتیاز
<b>Edge of the lane</b>	خطوط بیرونی منطقه کلید
<b>Edgy</b>	عصبی، متشنج، نا آرام، دستپاچه
<b>Education</b>	آموزش و پرورش، تربیت، تعلیم، تحصیلات
<b>Effect</b>	اثر، نتیجه، معنی
<b>Effective</b>	مؤثر، کاری، عامل مؤثر
<b>Effective screen</b>	ایجاد سد اثرگذار
<b>Efficiency</b>	کفایت، عرضه، بهره‌وری، راندمان، کارایی
<b>Efficient</b>	بهره‌ور، مؤثر، کارآمد
<b>Effort</b>	تلاش، کوشش
<b>Egotism</b>	۱- خودبینی ۲- خودپسندی
<b>Eight</b>	۱- عدد هشت برای توصیف بعضی از تمرینات استفاده می‌شود ۲- واژه‌ای که نوعی شیوهی حمله را توضیح می‌دهد
<b>Eighteen carat</b>	درجه یک، عالی
<b>Either pivot foot</b>	فن حمله‌ای که بیشتر از پیوت استفاده می‌شود
<b>Eject</b>	بیرون انداختن، اخراج کردن، پس زدن
<b>Eject from the game</b>	محروم کردن از بازی، اخراج کردن از بازی
<b>Ejection</b>	اخراج
<b>Elapse</b>	گذشتن، سپری شدن
<b>Elastic</b>	کشدار، قابل ارتجاع
<b>Elastic ankle wrap</b>	باند کشی برای مفصل زانو
<b>Elbow</b>	۱- آرنج ۲- زدن غیر قانونی حریف با آرنج ۳- زاویه خط پرتاب آزاد و خط کناری منطقه کلید
<b>Elbow above eyebrow</b>	یکی از اصول انجام شوت در حالت قرارگیری دست‌ها که در آن آرنج بالاتر از ابرو قرار می‌گیرد
<b>Elbow foul</b>	ضربه زدن با آرنج باز، که خطا محسوب می‌شود (خطای آرنج)
<b>Elbow grease</b>	حرکت و تلاش فیزیکی
<b>Elbow man</b>	بازیکنی که در زاویه بین خط پرتاب آزاد و خط کناری منطقه کلید قرار می‌گیرد
<b>Elbows out</b>	بالا آوردن آرنج از کنار برای محافظت از توپ
<b>Elbow to corner</b>	تمرین شوت از زاویه بین خط پرتاب آزاد و خط کناری منطقه کلید
<b>Elbow to elbow</b>	تمرین شوت بصورت متناوب از زاویه‌های بین خط پرتاب آزاد و

	خط کناری منطقه کلید
<b>Elect</b>	انتخاب کردن، برگزیدن
<b>Element</b>	عامل، فاکتور، عنصر، اساس
<b>Eleven-man fast break drill</b>	تمرین شرایط ضد حمله با حضور ۱۱ بازیکن در کل زمین بازی (که بعضی از آنها در دفاع و بعضی دیگر در حمله شرکت می کنند)
<b>Elicit</b>	بیرون کشیدن، استخراج کردن
<b>Eligibility</b>	شایستگی، شایستگی برای انتخاب، قابلیت
<b>Eligible</b>	۱- قابل انتخاب، واجد شرایط، مطلوب ۲- واجد شرایط، در خور و شایسته
<b>Eliminate</b>	زدودن، حذف کردن، بیرون کردن
<b>Eliminations</b>	مسابقات حذفی
<b>Elks national" hoop shot" free throw contest</b>	مسابقه پرتاب آزاد برای پسرها و دخترها که هر سال توسط ----- برگزار می شود؛ بعد از مسابقه انتخابی در تمام ایالت های آمریکا از بین آنها ۳۶ نفر به مرحله پایانی می رسند
<b>Elude</b>	گریختن، جا خالی دادن، گریز زدن از، طفره رفتن
<b>Elusive</b>	گریزان، گریز پا
<b>Embarass</b>	آزار رساندن، درد سردادن، ناراحت کردن
<b>Emblem</b>	نشان، نشانه، علامت
<b>Emergency</b>	وضعیت فوق العاده، حالت اضطراری
<b>Emotion</b>	احساس، احساسات، هیجانات، هیجان
<b>Emotional fatigue</b>	خستگی ذهنی
<b>Emphasize</b>	تأکید کردن (بر)، اصرار ورزیدن (بر)
<b>Employ</b>	استعمال کردن، به کار گرفتن، استفاده نمودن
<b>Empty</b>	۱- خالی، تهی ۲- گرسنه
<b>Encounter</b>	۱- رو به رو شدن با، مواجه شدن با ۲- رویارویی، برخورد، مسابقه
<b>Encourage</b>	تشویق کردن، ترغیب کردن
<b>End</b>	۱- پایان، انتها، آخر، خاتمه ۲- به پایان رساندن، تمام کردن، خاتمه یافتن
<b>End court</b>	۱- آخر زمین بازی ۲- نیمه حمله زمین بازی (زمین حریف)
<b>End court play</b>	۱- بازی در زمین حریف ۲- بازی تهاجمی ۳- شروع بازی با پرتاب از پشت خط عرضی به داخل زمین بازی
<b>End line</b>	خط عرضی زمین بازی
<b>End- line out-of-bounds offense</b>	شروع حمله با پرتاب توپ به داخل زمین بازی از پشت خط عرضی زمین حریف
<b>End-line throw-in</b>	پرتاب توپ بمطرف هم تیمی داخل زمین بازی از پشت خط عرضی زمین

<b>End-line throw-in play</b>	الگوی بازی با پرتاب توپ از پشت خط عرضی زمین
<b>End of play</b>	پایان بازی
<b>End – of- the-break pattern</b>	ضد حمله ثانویه، الگوی بازی ثانویه بعد از بی نتیجه ماندن ضد حمله
<b>End of the game</b>	پایان بازی
<b>End of the line</b>	پایان، انتها، آخر، خاتمه
<b>Endurance</b>	بنيه، طاقت، تاب، توان، تحمل، پایداری، استقامت
<b>Enemy</b>	رقيب، حريف
<b>Energetic</b>	فعال، نیرومند، زورمند، قوی
<b>Enforce</b>	مجبور کردن
<b>Engineers</b>	تیم بسکتبال دانشگاه‌های در بت لهم که در لیگ پ‌تریوت بازی می‌کند
<b>English</b>	چرخش توپ از کنار
<b>Enlarge</b>	افزایش دادن، بزرگ کردن، توسعه دادن، بسط دادن
<b>Ensemble</b>	(دسته جمعی، گروه)، تیم
<b>Ensue</b>	به دنبال، در پی، تعقیب کردن
<b>Entail</b>	مستلزم بودن، شامل بودن
<b>Enter</b>	۱- وارد شدن، داخل شدن، قدم نهادن در ۳- به مرحله نهایی رسیدن
<b>Enter the ball</b>	پاس دادن، پرتاب توپ به داخل زمین بازی
<b>Enter the game</b>	۱- به عنوان ذخیره وارد بازی شدن ۲- مشارکت کردن در بازی
<b>Enthusiasm</b>	علاقه، اشتیاق، ذوق، تعصب
<b>Entice</b>	گول زدن، فریفتن، بدام انداختن
<b>Entice the trap</b>	به تله انداختن حریف
<b>Entire</b>	کل، تمام، کامل
<b>Entirety</b>	جمع کل، تمامیت
<b>Entitled</b>	قابل، مستحق
<b>Entry</b>	۱- ورود ۲- نفوذ ۳- اطلاع، درخواست نامه
<b>Entry pass</b>	۱- پرتاب توپ به طرف نیمه زمین بازی حریف ۲- پرتاب توپ که به شروع حمله می‌انجامد ۳- پاسی که نشان دهنده الگوی یک حمله می‌باشد
<b>Envy</b>	حسادت، حسد، رشک
<b>Epic tussle</b>	مسابقه مهم
<b>Equal</b>	مساوی، برابر
<b>Equalize</b>	برابر کردن، یکسان کردن، مساوی کردن، سر به سر شدن
<b>Equalize the difference</b>	جبران کردن، سر به سر شدن
<b>Equidistant</b>	دارای مسافت مساوی



<b>Equilibrium</b>	تعداد، توازن
<b>Equipment</b>	۱- وسایل، لوازم، تجهیزات ۲- اندام‌های تناسلی مرد
<b>Equipment man</b>	مسئول وسایل و تجهیزات گروه
<b>Erase the lead</b>	پیشی گرفتن از حریف، چیره شدن بر حریفان
<b>Erect</b>	عمودی، قائم، راست، استوار
<b>Errant pass</b>	پاس بد به هم تیمی
<b>Erroneously</b>	به‌طور سهوی، به غلط، به اشتباه
<b>Error</b>	اشتباه
<b>Discover an error</b>	پی بردن به اشتباه (در جدول امتیازات)
<b>Force errors</b>	تحت فشار قرار دادن حریف به‌طوری که در بازی مرتکب اشتباه شود
<b>Margin of error</b>	اشتباه جایز
<b>Mental error</b>	اشتباه ذهنی، اشتباهی که به‌خاطر خستگی ذهن صورت می‌گیرد
<b>Rectify an error</b>	برطرف کردن اشتباه
<b>Essential</b>	اصولی، اساسی، مهم
<b>Establish</b>	۱- خلق کردن، به‌وجود آوردن ۲- پستی را اشغال کردن
<b>Establish a position</b>	موقعیتی را اشغال کردن
<b>Ethical</b>	اخلاقی، اخلاق
<b>European Championship</b>	مسابقات قهرمانی اروپا
<b>European cup</b>	مسابقات جام باشگاه‌های اروپایی
<b>Evaluate</b>	سنجیدن، ارزیابی کردن
<b>Evaluation sheet</b>	ارزیابی، گزارش پیشرفت تیم یا بازیکن
<b>Evasion</b>	فرار، گریز
<b>Evasive</b>	طفره زن، گریزان، فرار
<b>Evasive action</b>	حرکاتی که به فرار بازیکن مهاجم از حریف مدافع کمک می‌کند
<b>Evasive tactics</b>	حرکاتی که به بازیکن مهاجم کمک می‌کند تا بتواند از چنگ مدافع حریف فرار کند
<b>Even</b>	زوج، جفت (در بسکتبال: دو یا چهار بازیکن در یک آرایش)
<b>Even alignment</b>	آرایش زوج بازیکنان
<b>Even break</b>	۱- شانس یکسان برای پیروزی ۲- مساوی، برابر
<b>Evener</b>	انتقام، تلافی، عمل متقابل
<b>Even-front</b>	خط اول دفاع منطقه‌ای که شامل تعداد زوج از بازیکنان می‌باشد (به‌طور معمول دو نفر)
<b>Even-front alignment</b>	خط اول دفاع منطقه‌ای که شامل تعداد زوج از بازیکنان می‌باشد (به‌طور معمول دو نفر)
<b>Even- front zone defense</b>	دفاع منطقه‌ای با تعداد زوج از بازیکنان در خط اول

<b>Evenly matched game</b>	مسابقه بین تیم‌هایی که از توانایی یکسان برخوردار می‌باشند
<b>Evenly matched teams</b>	تیم‌های برگزیده
<b>Even Stephen</b>	امتیاز مساوی
<b>Even-tempered</b>	خونسرد، آرام
<b>Even up</b>	مساوی
<b>Every now and then</b>	به‌ندرت
<b>Every once in a while</b>	بمطور بی‌قاعده، بمطور نامنظم
<b>Everything is hotsy-totsy</b>	همه چیز خوب است
<b>Evolve</b>	توسعه یافتن، رشد کردن، نمو کردن
<b>Exact</b>	دقیق
<b>Exaggerate</b>	بمحد افراط رساندن، مبالغه کردن
<b>Examination</b>	امتحان، آزمون، آزمایش
<b>Example</b>	مثال، نمونه
<b>Excel</b>	برتری داشتن بر، بهترین بودن از
<b>Excellent</b>	عالی، فوق‌العاده
<b>Excellent condition</b>	موقعیت عالی، وضعیت فوق‌العاده
<b>Exceptional</b>	استثنایی
<b>Excess</b>	زیاده‌روی، افراط
<b>Excessive</b>	بیش از حد، مفرط
<b>Excessive dribbling</b>	حرکات اضافی با دربیبل کردن (بجای پاس دادن)
<b>Excessive whistlers</b>	واژه‌ای که اولین بار از سوی داور انگلیسی و بین‌المللی بسکتبال آلن ریچاردسون مورد استفاده قرار گرفت و به داوران ضعیفی اطلاق می‌شد که قادر به ارزیابی صحیح موقعیت‌های غیر معمول بازی و استفاده از فلسفه سود و زیان نیستند
<b>Exchange</b>	مبادله کردن، معاوضه کردن (یادبود)
<b>Exchange of pennants</b>	مبادله پرچم کوچک یادبود بین دو تیم
<b>Exchange positions</b>	جابجایی دو طرفه موقعیت در زمین بازی
<b>Excited as a cat at a mouse show</b>	مضطرب، آشفته
<b>Exclude</b>	محروم کردن، راه ندادن به
<b>Exclusively</b>	در انحصار، به‌طور انحصاری
<b>Execute</b>	اجرا کردن، عمل کردن، انجام دادن
<b>Execution</b>	اجرا، انجام
<b>Execution of play pattern</b>	اجرای الگوی بازی
<b>Exercise</b>	تمرین
<b>Exert</b>	به‌کار بستن، اعمال کردن، اجرا کردن
<b>Exert pressure</b>	فشار آوردن

<b>Exhale</b>	دم برآوردن
<b>Exhaust</b>	خسته کردن، ازپا درآوردن
<b>Exhausting</b>	خسته کننده، طاقت فرسا
<b>Exhaustion</b>	خستگی، فرسودگی
<b>Exhibition game</b>	مسابقه دوستانه
<b>Expand</b>	توسعه دادن، بسط دادن، پهن کردن
<b>Expand the zone horizontally</b>	بسط دادن منطقه بازی از عرض زمین مسابقه
<b>Expand the zone vertically</b>	بسط دادن منطقه بازی از طول زمین مسابقه
<b>Expect</b>	انتظار داشتن، چشم داشتن، منتظر بودن
<b>Expectation</b>	انتظار، توقع
<b>Expedient</b>	مناسب، شایسته، معقول
<b>Expense</b>	هزینه، برآمد، خرج
<b>Experience</b>	تجربه، کار آزمودگی، ورزیدگی
<b>Experienced player</b>	بازیکن با تجربه، بازیکن ورزیده
<b>Experiment</b>	سعی کردن، تلاش کردن، آزمایش کردن، سعی، تلاش، آزمایش
<b>Expiration</b>	انقضا، خاتمه، اتمام
<b>Expiration of playing time</b>	پایان بازی
<b>Expire</b>	سرآمدن، سپری شدن، پایان یافتن
<b>Explain</b>	توضیح دادن، شرح دادن
<b>Explanation</b>	توضیح، شرح
<b>Ex-player</b>	بازیکن سابق تیم، بازیکن قدیمی گروه
<b>Explode</b>	اجرای حرکت انفجاری و قدرتی، پرش انفجاری و قدرتی
<b>Explode in paint</b>	شوت جفت از منطقه سه امتیازی
<b>Explode off the drive</b>	بُرش به سمت سبد و انجام شوت جفت به صورت ناگهانی و غافلگیر کننده
<b>Exploding jump</b>	پرش ناگهانی، پرش قدرتی
<b>Exploit</b>	بهره‌برداری کردن از، استثمار کردن
<b>Explore</b>	جستجو کردن، بازدید کردن
<b>Explorers</b>	تیم بسکتبال دانشکده لا سال در پنسیلوانیا که در کنفرانس متروآتلانتیک بازی می‌کند
<b>Explosion</b>	انفجار، بیرون‌ریزی، سرو صدا، هیاهو
<b>Explosion step</b>	گام سریع و ناگهانی؛ گام بلند و سریع بازیکن مهاجم برای گریز از حریف
<b>Explosive</b>	انفجاری، پورش ناگهانی
<b>Explosive jump</b>	پرش ناگهانی و قدرتی
<b>Explosive speed move</b>	حرکت ناگهانی، حرکت انفجاری

<b>Expose mis-matches</b>	نمایان کردن یا نشان دادن انتخاب نادرست بازیکنان در یارگیری، انتخاب ناهماهنگ بازیکن در یارگیری
<b>Expulsion</b>	اخراج کردن از زمین بازی
<b>Extemporaneous</b>	موقتی، فی البداهه، نوعی بازی که از اصول بازی فی البداهه پیروی می کند
<b>Extend</b>	گسترش دادن، توسعه دادن، دراز کردن، طول دادن، تمدید کردن
<b>Extended arms</b>	دست‌های کشیده شده، دست‌های باز (به پهلو یا جلو)
<b>Extended strides</b>	یورتمه رفتن با قدم های بلند
<b>Extension</b>	امتداد (شبه امتداد دست‌ها)
<b>Extension of elbows</b>	پیش آمدگی آرنج‌ها
<b>Extensor</b>	عضله منبسط، ماهیچه بازکننده
<b>Extra period</b>	زمان اضافه، وقت اضافه بعد از اتمام بازی با نتیجه مساوی (۵ دقیقه)
<b>Extra pull</b>	مزیت، برتری، سود، فایده
<b>Extremely</b>	با افراط، بشدت
<b>Extremities</b>	عضو، عضو بدن
<b>Extremity</b>	۱- عضو بدن ۲- انتها
<b>Eyeball-to-eyeball defense</b>	دفاع محکم، دفاع رو در رو
<b>Eye contact</b>	ارتباط بصری
<b>Eye fake</b>	گول زدن با چشم
<b>Eye popping(also: -Widening)</b>	حیرت‌انگیز، شگفت‌آور
<b>Eyes focused on the sighting point</b>	حلقه را هدف قرار دادن
<b>Eyesight</b>	بینایی، دید

<b>FFFFFFFFFFFFFFFFFFFFFFF</b>	
<b>Fab five</b>	تیم حیرت آور، تیم افسانه‌ای
<b>Face</b>	۱- رخسار، رخ، چهره، رو ۲- رو به ۳- سطح ۴- مواجه شدن، رو یا رو شدن
<b>Face-guarding</b>	۱- دفاع رو در رو (بدون نگاه به توپ) ۲- سد کردن غیر قانونی دید حریف
<b>Face in</b>	رو در رو با حلقه، مقابل حلقه
<b>Face the music</b>	جان زدن، تترسیدن، میدان را خالی نکردن، از میدان در نرفتن، پایش ایستادن
<b>Face up</b>	رو در رو با حلقه، مقابل حلقه
<b>Facile</b>	ساده، آسان، راحت
<b>Facilitate</b>	آسان کردن، تسهیل کردن، کمک کردن
<b>Facility</b>	سالن ورزشی، سالن بسکتبال
<b>Facing away from the basket</b>	موقعیت پشت به حلقه
<b>Facing shots</b>	پرتاب توپ به داخل حلقه در موقعیت رو به حلقه
<b>Facing the basket</b>	موقعیت رو به حلقه
<b>Facing the hoop</b>	موقعیت رو به حلقه
<b>Facing the target</b>	موقعیت رو به حلقه
<b>Factor</b>	عامل، فاکتور، نماینده
<b>Fade</b>	۱- ناپدید شدن، غیب شدن ۲- ناگهان ترک کردن ، در رفتن ، گریختن ۳- دور شدن از حلقه، دور شدن از توپ، دور شدن از مدافع حریف ۴- زوال، تباهی
<b>Fade away</b>	خم کردن کمر به عقب در هنگام شوت جفت
<b>Fade away jumper</b>	شوت جفت همراه با خم کردن کمر به عقب و با زانوهای تا شده
<b>Fade away turn-around jumper</b>	شوت جفت همراه با چرخش، به عقب خم کردن کمر و زانوهای
<b>Fadeout</b>	تباهی، زوال
<b>Fade out</b>	ضعیف شدن، ضعیف کردن، سست شدن، سست کردن
<b>Fag</b>	خستگی، خسته شدن
<b>Fag end</b>	شرایط خسته کننده
<b>Fagged-out</b>	کاهش یافتن قوای جسمانی
<b>Fail</b>	کسی را نا امید کردن، کسی را مأیوس کردن، شکست خوردن، به ثمر نرسیدن
<b>Failure</b>	شکست، ناکامی
<b>Fair</b>	منصفانه، عادلانه، جوانمردانه
<b>Fair advantage</b>	امتياز به حق
<b>Fair and square</b>	صادقانه، شرافتمندانه
<b>Fairly</b>	بمقدار کفایت، بمقدور مساعد
<b>Fair play</b>	بازی جوانمردانه، بازی پاک
<b>Faith</b>	ایمان، عقیده، اعتماد، اعتقاد
<b>Faithful</b>	۱- باوفا ۲- هوا خواه، دوستدار ۳- طرفدار بسکتبال

<b>Fake</b>	۱- فریب، گول، حرکت انحرافی ۲- وانمود کردن، گول زدن، فریب دادن ۳- جعل کردن
<b>Fake and dribble</b>	دریبل زدن بعد از گول
<b>Fake and drive</b>	برش بمطرف حلقه بعد از گول
<b>Fake-and-jump shot</b>	شوت جفت بعد از گول
<b>Fake before every cut</b>	به کارگیری حرکت گول قبل از هر برش
<b>Fake, cut out, then check back to take a pass</b>	حرکت گول به منظور ایجاد موقعیت برای دریافت توپ؛ وانمود به دور شدن از توپ و در پی آن حرکت بمطرف توپ جهت دریافت آن
<b>Fake, drive and set ( shot)</b>	نفوذ قوی بعد از وانمود کردن به حرکت دیگر جهت قرار گرفتن در موقعیت شوت ثابت
<b>Fake, drive and shot</b>	نفوذ قوی بعد از وانمود کردن به حرکت دیگر و در پی آن اقدام کردن به شوت
<b>Fake-go-left</b>	گول زدن و سپس بمطرف چپ حرکت کردن
<b>Fake-go –right</b>	گول زدن و سپس بمطرف راست حرکت کردن
<b>Fake in</b>	حرکت گول در مسیر حلقه
<b>Fake in, come back and take pass</b>	وانمود کردن به برش بمطرف حلقه و در پی آن برگشت به عقب جهت دریافت توپ
<b>Fake jump-switch</b>	وانمود کردن به تغییر پوشش با یک جست
<b>Fake left, drive left</b>	حرکت گول بمطرف چپ و بعد از برهم زدن تعادل مدافع، نفوذ قوی از همان طرف
<b>Fake left , drive right</b>	حرکت گول بمطرف چپ و بعد از برهم زدن تعادل مدافع ، نفوذ قوی به طرف راست
<b>Fake match</b>	بازی از پیش برنامه ریزی شده
<b>Faker</b>	بازیکنی که گول یا فریب می دهد
<b>Fake reverse and inside cut</b>	گول بمطرف عقب و برش بمطرف حلقه
<b>Fake right, drive left</b>	حرکت گول بطرف راست و بعد از برهم زدن تعادل مدافع، نفوذ قوی بمطرف چپ
<b>Fake right, drive right</b>	حرکت گول به راست و بعد از برهم زدن تعادل مدافع نفوذ قوی بمطرف راست
<b>Fakes</b>	دندان مصنوعی
<b>Fakes and feints</b>	حرکات فریبنده ای که حریفان را گول می زند
<b>Fake screen</b>	۱- ایجاد سد (اسکرین مصنوعی) ۲- گول همراه با ایجاد سد
<b>Fake screen and cut</b>	دور شدن از توپ و برای هم تیمی ایجاد سد نمودن سپس تغییر مسیر دادن و بمطرف حلقه حرکت کردن
<b>Fake series</b>	مجموعه حرکات گول و فریب
<b>Fake set ( shot) and drive for jumper</b>	وانمود کردن به شوت ثابت از منطقه پیرامونی و در پی آن نفوذ قوی و شوت جفت
<b>Fake shot</b>	وانمود کردن به شوت
<b>Fake shot and drive</b>	نفوذ قوی بعد از وانمود کردن به شوت
<b>Fake shot pass</b>	پرتاب توپ بمطرف هم تیمی بعد از وانمود کردن به شوت
<b>Fake shot short of the basket</b>	شوت غیر واقعی که هدف آن این است که توپ به حلقه نرسد

<b>Fake shuffle cut</b>	برشی که مداومت حرکت یا بازی قبلی را وانمود کند
<b>Fake to baseline</b>	وانمود به برش بمطرف خط عرضی کردن
<b>Fake toward baseline, then flash in on post to take the pass</b>	وانمود به برش بمطرف خط عرضی و در پی آن سریع به طرف موقعیت پایین حرکت کردن برای دریافت پاس
<b>Fake under</b>	حرکت گول نزدیک به حلقه
<b>Fake up, go up</b>	وانمود به شوت جفت کردن ، در این حالت مدافع برای زدن توپ بلند گول می خورد و در موقع برگشت فرود از پرش بازیکن شوتیست اقدام به شوت می کند
<b>Faking</b>	گول، فریب، بلوف
<b>After fake</b>	حرکات بعد از اجرای حرکت گول
<b>Aggressive fake</b>	۱- گول درگیرانه، گول فعال ۲- گول زدن در حالت حمله
<b>Arm and hand fake</b>	گول زدن با دستها و بازوها
<b>Ball and foot fake</b>	گول زدن با یک پا و دستهایی که توپ را نگه می دارند
<b>Ball fake</b>	گول زدن با توپ به طوری که وانمود به شوت، پاس یا دریبل کردن
<b>Body fake</b>	حرکت گول با بدن
<b>Convincing fake</b>	گول مؤثر
<b>Cross over drive</b>	حرکت بازیکن مالک توپ؛ این بازیکن یک گام فریب به طرف بازیکن مدافع برمی دارد و در پی آن همان گام را در کنار همین بازیکن گذاشته و با دریبل از او عبور می کند
<b>Cut toward baseline, make a loop turn and come back take a pass</b>	حرکات گولی که برای دریافت توپ کمک می کند؛ برش به طرف خط عرضی سپس چرخش بمطرف موقعیت اولیه برای دریافت پاس
<b>Deceptive fakes and feints</b>	حرکات فریبنده که برای برتری بر حریف بکار گرفته می شود
<b>Defensive faking</b>	بکارگیری حرکات گول در بازی دفاعی
<b>Double fake</b>	دو گول پی در پی
<b>Double jump</b>	دو گول پی در پی با تکان دادن دستها به طرف بالا و پایین برای وانمود کردن به شوت
<b>Dribble, cross dribble and drive</b>	فریب با وانمود کردن به تغییر مسیر دریبل؛ در این حالت بعد از فرستادن مدافع به مسیر اشتباه به طرف حلقه برش می کنیم
<b>Dribble fake</b>	گول زدن با دریبل
<b>Drive, reverse and drive</b>	گول؛ نفوذ قوی همراه با دریبل که با تغییر مسیر به عقب دنبال می شود و (اگر حریف گول خورد) یک بار دیگر به طرف حلقه نفوذ می کنیم
<b>Dummy play</b>	فریب بازیکن که وانمود می کند قصد دریافت پاس را ندارد ولی در لحظات آخر توپ را می گیرد
<b>Dummy shot</b>	۱- وانمود کردن به شوت ۲- وافود کردن به شوت بدون توپ
<b>Dummy the ball into the big man</b>	پرتاب توپ بمطرف بازیکن سانتر در حالتی که مدافع آن مسیر توپ را نمی بیند و دریافت کننده وانمود می کند که قصد دریافت توپ را ندارد ولی در لحظات آخر توپ را از روی سر حریف می گیرد

<b>Eye fake</b>	گول زدن با چشم‌ها
<b>Foot fake</b>	گول با پا
<b>Gather step</b>	اجرای گول با گام‌ها
<b>Head and eye fake</b>	گول زدن حریف با حرکات سر و چشم‌ها
<b>Head and shoulder fake</b>	گول زدن حریف با حرکات سر و شانه
<b>Head fake</b>	گول زدن حریف با حرکات سر
<b>Hesitation step and drive</b>	گول با گام برداشتن در مسیر برش و در پی آن بعد از به عقب رفتن حریف مدافع برش قوی از همان مسیر
<b>Leg fake</b>	گول با پا
<b>Lift fake</b>	وانمود کردن به شوت جفت
<b>Misdirection movement</b>	وانمود کردن به حرکت در مسیری متفاوت با مسیر مورد نظر پیش
<b>Misdirection passing</b>	وانمود کردن به حرکت در مسیری متفاوت با مسیر مورد نظر پاس
<b>Over faking</b>	استفاده بیش از حد از گول
<b>Passive fake</b>	گول غیر فعال
<b>Pivot fake</b>	حرکت فریبی از سوی بازیکن سنتر که به هنگام نفوذ به سمت سبد، با قیچی کردن پاها، فضای لازم برای شوت را بعدست می‌آورد
<b>Preliminary fake</b>	حرکت اولیه فریب یا گول زدن
<b>Pump fake</b>	فریب شوت و پاس، وپس از جا ماندن مدافع و پریدن او به هوا، اقدام به شوت واقعی کردن
<b>Quick lay-up after head fake to the inside</b>	شوت سه گام سریع بعد از حرکت گول با سر به سمت حلقه
<b>Rocker step and shot</b>	گام بلند فریب بمطرف جلو یا کنار و برگشت به نقطه اولیه و بعد از به حرکت در آمدن حریف با این فریب اقدام به شوت کردن
<b>Shot fake and go</b>	وانمود کردن به شوت و بعد از گول خوردن حریف بمطرف موقعیت شوت حرکت کردن
<b>Showing the defender the ball</b>	گول اضافه بعد از گول با سر و شانه
<b>Step toward ball, stop change of direction take pass over shoulder</b>	گول زدن قبل از دریافت پاس؛ قدم برداشتن بمطرف هم‌تیمی مالک توپ و در پی آن تغییر مسیر دادن به منظور رها شدن از مدافع برای دریافت پاس روی شانه
<b>Susceptibility to fakes</b>	آمادگی یا قابلیت گول خوردن حریفان
<b>Throw the fake</b>	اجرای حرکت گول
<b>Up-and under fake</b>	وانمود کردن به شوت جفت و بعد از گول خوردن حریف بمطرف موقعیت شوت در نزدیک حلقه حرکت کردن
<b>Up fake</b>	وانمود کردن به شوت جفت و بعد از گول زدن و بالا فرستادن حریف مدافع ع در هنگام برگشت به حالت اولیه این مدافع اقدام به شوت جفت مناسب کردن
<b>Falcons</b>	۱- لاه تیم بسکتبال آکادمی نیروی هوای ی در اسیرین کلورادو که در کنفرانس آتلاتیک غربی بازی می‌کند ۲- نام تیم بسکتبال دانشگاه بولین گرین استیت در



	بولین گرین که در کنفرانس میده آمریکن بازی می کند
<b>Fall</b>	افتادن، فرو ریختن، نزول
<b>Fall away shot</b>	شوت بعد از قدم برداشتن به عقب
<b>Fall back</b>	۱- عقب نشینی کردن ۲- جهش کردن به عقب ۳- آگاه کردن هم تیمی مبنی بر اینکه توپ از دست خواهد رفت
<b>Fall for</b>	۱- گول خوردن از حریف ۲- موافق بودن، هوادار بودن
<b>Fall guy</b>	ساده لوح، زود باور
<b>Fall off</b>	برگشتن، عقب نشینی کردن، به عقب آمدن
<b>Fall on the ball</b>	شروع کردن، آغاز کردن
<b>Fall properly</b>	افتادن یا به زمین خوردن در حالتی که از صدمه خوردن جلوگیری شود
<b>False</b>	مصنوعی، بدل، ساختگی
<b>False double foul</b>	خطاهای غیر واقعی دو حریف برضد یکدیگر در یک زمان
<b>False sense of security</b>	احساس بی اساس امنیت
<b>Familiarize</b>	آشنا کردن، عادت دادن، معلوم کردن، خودمانی کردن
<b>Fan</b>	هوادار، طرفدار، تماشاگر
<b>Fanatic</b>	هوادار، طرفدار، تماشاگر
<b>Fancy</b>	تصور، انگار، خیال، قوه مخیله
<b>Fancy dan</b>	ژست بگیر، وانمود کن
<b>Fancy pass</b>	پاس عجیب و غریب
<b>Fancy shot</b>	شوت عجیب و غریب
<b>Fangs</b>	دندانها
<b>Fan-shaped board</b>	تخته بسکتبال شبیه باد بزن (۵۴ اینچ پهنا، ۳۵ اینچ طول، با ۲۹ اینچ شعاع قوس باد بزن) قانونی برای بازی بسکتبال در دبیرستان در ایالت متحده آمریکا
<b>Far</b>	دور، خارج، پرت، دور دست
<b>Far end line</b>	خط عرضی نیمه زمین حریف
<b>Far line</b>	خط عرضی زمین حریف
<b>Far side</b>	نیمه زمین در مقابل
<b>Far side line</b>	خط طولی نیمه زمین مقابل
<b>Farther = further</b>	دور، فاصله دور، دورتر، پیش تر، جلوتر
<b>Farthest</b>	دورترین، دورتر از همه
<b>Fast</b>	سریع، تند، چابک
<b>Fast attack</b>	حمله بسیار سریع، ضد حمله
<b>Fast break</b>	حمله بسیار سریع، ضد حمله
<b>Fast break after stolen pass</b>	ضد حمله بعد از توپ ربای از پاس حریف
<b>Fast break defense</b>	دفاع در برابر ضد حمله
<b>Fast breaking cutter</b>	بازیکن ضد حمله زننده، بازیکن حمله که در ضد حمله شرکت می کند

<b>Fast breaking team</b>	تیمی که حملاتش استوار بر ضد حمله باشد
<b>Fast break jumpers</b>	ضد حمله‌ای که با یک شوت جفت پایان پذیرد
<b>Fast break pattern</b>	الگو، نقشه ضد حمله، ضد حمله از پیش تعیین شده
<b>Fast break pointers</b>	طرح‌ها و ایده‌های ضد حمله
<b>Fast break thrust</b>	شروع ضد حمله
<b>Fast fight</b>	بازی سریع
<b>Fast going</b>	۱-بازی سریع ۲- بازی سخت
<b>Fastie</b>	پرتاب سریع توپ
<b>Fast passing</b>	تمرین پاس سریع
<b>Fatigue</b>	خسته، خستگی
<b>Fatigued player</b>	بازیکن خسته
<b>Fault</b>	عیب، نقص
<b>Faulty</b>	معیوب، ناقص، نادرست
<b>Faulty pass</b>	پرتاب ناصحیح توپ بمطرف هم تیمی
<b>Fave</b>	برگزیده، محبوب
<b>Favorite(Am.) = Favourite (Eng.)</b>	۱- تیم برگزیده ۲- بازیکن محبوب ۳- حرکتی که مخصوص یک بازیکن باشد
<b>Favorite hand</b>	دست ارجح، دست برتر
<b>Favorite moves</b>	حرکات مطلوب
<b>Favorite spot</b>	نقطه مطلوب برای انجام حرکات یک بازیکن
<b>Favoritism</b>	استثناء قائل شدن نسبت به کسی، پارتی بازی
<b>Fear</b>	ترسیدن، ترس، بیم، هراس
<b>Feasible</b>	عملی، قابل اجرا، امکان‌پذیر، شدنی، صورت‌پذیر
<b>Federation</b>	اتحادیه، فدراسیون
<b>Feed</b>	۱- قوت دادن، غذا دادن ۲- کمک کردن، پاس دادن برای شوت ، ارسال کردن توپ
<b>Feeder</b>	بازیکنی که برای هم‌تیمی خود در موقعیت شوت توپ ارسال می‌کند
<b>Feeding the pivot</b>	تغذیه کردن بازیکن سانتر با پاس‌های منجر به گل
<b>Feeding the post</b>	تغذیه کردن بازیکن در موقعیت شوت با پاس منجر به گل
<b>Feed out</b>	پاس دادن به بیرون
<b>Feed pass</b>	پاس منجر به گل، ارسال کردن توپ در موقعیت شوت
<b>Feed up</b>	پاس دادن به جلو، پاس دادن در موقعیت نزدیک به حلقه
<b>Feed the ball</b>	پاس دادن
<b>Feel</b>	۱- احساس کردن، لمس کردن، محسوس شدن ۲- لمس کردن (حریف، توپ) ۳- احساس داشتن نسبت به توپ
<b>Feel bum</b>	مریض بودن

<b>Feelers</b>	انگشتان
<b>Feeling the ball</b>	مهارت داشتن در کار با توپ
<b>Feet</b>	پاها
<b>Feet apart</b>	طرز ایستادن با پاهایی که به اندازه عرض شانه‌ها باز شود
<b>Feet point rim</b>	طرز قرار گرفتن پاها در هنگام نشانه رفتن به سمت حلقه جهت شوت
<b>Feign</b>	وانمود کردن
<b>Feigned shot</b>	وانمود کردن به شوت
<b>Feint</b>	گول زدن، فریب دادن، وانمود کردن
<b>Feinting movement</b>	حرکت فریبنده که منجر به گول خوردن حریف می‌شود
<b>Fella (also : Feller)</b>	هم‌قطار، رفیق، لنگه، جور، عضو، شریک، همدست، یار
<b>Fencer</b>	بازیکنی که در بازی یک برضد یک مانند یک شمشیر باز جست و خیز می‌کند
<b>Fencing</b>	شمشیر بازی
<b>Fencing move</b>	حمله توأم با گول زدن که برگشت به طرف یار خودی را در پی خواهد داشت
<b>Fencing stance</b>	طرز ایستادن بازیکن بسکتبال شبیه یک شمشیر باز
<b>Fest</b>	ملاقات، مسابقه، بازی (کلمه اختصاری فستیوال)
<b>FIBA= International Basketball Federation</b>	اتحادیه بین المللی بسکتبال در ۱۸ ژوئن سال ۱۹۳۲ در ژنف سوئیس توسط فدراسیون ملی هشت کشور جهان؛ آرژانتین، چک و اسلواکی، یونان، ایتالیا، لیتوانی، پرتغال، رومانی و سوئیس تأسیس گردید.
<b>Field</b>	زمین بازی، میدان، زمین
<b>Field goal</b>	کسب امتیاز در زمین بازی
<b>Field goal attempt</b>	تلاش برای شوت از یک حرکت در زمین بازی
<b>Field goal percentage</b>	درصد پرتاب‌های موفق در بازی
<b>Field goal try</b>	تلاش برای یک شوت از یک حرکت در زمین بازی
<b>Field of vision</b>	میدان دید
<b>Field shooting percentage</b>	درصد شوت‌ها یا پرتاب‌های موفق که با علامت اختصاری F در برگه ثبت آمار در مسابقات NCAA ثبت می‌شود
<b>Fifteen reasons the fast break is a winner</b>	مطابق با نظریه آقای جان بی. مک لندن جر، تیمی که از ضد حمله استفاده می‌کند به ۱۵ دلیل برنده بازی می‌تواند باشد ۱- مهارت‌های فردی را به کار می‌گیرد ۲- نقطه ضعف‌های دفاع را می‌بیشاند ۳- بنیه و استقامت حریف را کم می‌کند ۴- بهترین حمله را در دیگر ضد حمله‌ها فراهم می‌کند ۵- بازیکن را وادار می‌کند که همیشه در آمادگی کامل باشد ۶- نقطه ضعف‌ها را آشکار می‌سازد ۷- کار تیمی را القاء می‌کند ۸- بهترین راه پایداری در حمله می‌باشد ۹- مسابقه را برای تماشا کردن مهیج می‌سازد ۱۰- بازی و حرکات سریع را به همراه دارد ۱۱- دفاع‌های گوناگونی را می‌طلبد ۱- سابقه و زمینه موفقیت دارد ۱۳- سازماندهی تیمی را آسان‌تر می‌کند ۱۴- روحیه دفاعی حریف را تضعیف می‌کند ۱۵- بسکتبال را نوین ارایه می‌دهد
<b>Fifth foul</b>	پنجمین خطا توسط هر بازیکن که منجر به اخراج او از زمین بازی شود

<b>Figger (also: Figger out ,Figger up )</b>	شمردن، حساب کردن، روی چیزی حساب باز کردن
<b>Fight</b>	۱- تقلا، کوشش ۲- مسابقه، بازی
<b>Fighting gamecocks</b>	نام تیم بسکتبال دانشگاه کارولینای جنوبی در کلمبیا که در کنفرانس جنوب شرقی بازی می کند
<b>Fighting Hoosiers</b>	نام تیم بسکتبال دانشگاه ایندیانا در بلومینگت ون که در کنفرانس بیگ تن بازی می کند
<b>Fighting Illinois</b>	نام تیم بسکتبال دانشگاه ایلینویز در آربانا که در کنفرانس بیگ تن بازی می کند.
<b>Fighting Irish</b>	نام تیم بسکتبال دانشگاه نرت دام در نورت دام در که در لیگ ایندپندنت بازی می کند
<b>Fighting mad</b>	ناراحت ، خشمناک، برآشفته
<b>Fighting through the pick</b>	جمع کردن بدن برای شکستن یا عبور از پیک یا اسکرین (نبرد برای شکستن پیک با رد شدن از آن)
<b>Fighting tigers</b>	نام تیم بسکتبال دانشگاه ایالت لویزیانا در باتن روج که در کنفرانس جنوب ش رقی بازی می کند
<b>Fight on ( or – over ) the top of the screen</b>	جمع کردن بدن برای شکستن یا عبور از پیک یا اسکرین (نبرد برای شکستن پیک با رد شدن از آن)
<b>Figure</b>	شکل، رقم، عدد
<b>Figure Eight ( also : Great Eight)</b>	نوعی حمله که توسط دکتر اچ . جی کارلسون زمانی که مربی تیم بسکتبال دانشگاه پیتسبورگ بود ابداع گردید. این سیستم بر روی پاس ها و رد و بدل کردن توپ و برش کردن از پشت یک دیگر استوار می باشد، که با انجام این حرکات شکل 8 انگلیسی بوجود می آید
<b>Figure eight dribble</b>	تمرین دریبیل با زدن توپ بین پاها به شکل عدد 8 انگلیسی
<b>Figure eight speed drill</b>	دریبیل سریع و کوتاه با دست راست و چپ به شکل عدد 8 انگلیسی از بین پاها
<b>Filbert</b>	پشتیبان، حامی
<b>Fill</b>	۱- حرکت بمطرف موقعیتی که بازیکنی در آنجا نباشد ۲- اشغال کردن جای خالی در زمین بازی توسط بازیکنان
<b>Fill any vacated spot in the zone</b>	پر کردن موقعیت خالی در آرایش دفاع منطقه ای
<b>Fill in</b>	ذخیره، جانشین کردن، تعویض کردن، جابجا کردن
<b>Filling positions</b>	اشغال موقعیت ها
<b>Fillip</b>	حرکت مهیج، وسیله تحریک
<b>Fill it up</b>	کسب کردن امتیاز
<b>Fill out</b>	تکمیل کردن فرم، فرم پر کردن
<b>Fill the bill</b>	۱- جاگیری هم تیمی در مسیر مناسب ۲- کامیاب شدن، موفق شدن
<b>Fill the gap</b>	پر کردن یک موقعیت خالی در زمین بازی
<b>Fill the lane</b>	پر کردن مسیر در ضد حمله
<b>Fill the proper lane</b>	پر کردن یک مسیر تعیین شده در ضد حمله

<b>Fill the spot</b>	پر کردن مکان خالی در زمین بازی
<b>Fill the vacuum</b>	حرکت کردن بمطرف مکان خالی در زمین بازی
<b>Final</b>	آخرین مسابقه یک تورنمنت، فینال بازی، مسابقه نهایی
<b>Final buzzer</b>	سوت (با هر وسیله صوتی دیگر) برای اعلام پایان بازی
<b>Final result</b>	نتیجه پایان بازی، نتیجه بازی
<b>Finals</b>	بازی‌های نهایی یا فینال
<b>Final score</b>	نتیجه پایان بازی، نتیجه بازی
<b>Find gaps</b>	پی بردن به نقطه ضعف یا شکاف دفاعی (در دفاع)
<b>Find the basket</b>	کسب کردن امتیاز
<b>Find the range</b>	کسب کردن امتیاز
<b>Fine shape</b>	در شرایط آرمانی، در فرم ایده‌آل
<b>Finesse</b>	۱- زیر کی ۲- بکار بردن هوش و فراست
<b>Finesse guy</b>	بازیکن زیرک
<b>Fine whack</b>	سلامتی کامل
<b>Finger pointing</b>	ایما، اشاره با انگشت یا انگشتان
<b>Finger signal</b>	ایما، اشاره با انگشت یا انگشتان
<b>Finger roll</b>	شوتی که با بالا آوردن توپ با کف دست روی حلقه و سر دادن آن روی انگشت ۱۰ در داخل حلقه می‌افتد
<b>Fingers all thumbs</b>	خام دست، ناآزموده، بدترکیب، زمخت
<b>Fingertip</b>	سرانگشت، نوک انگشت
<b>Fingertip control</b>	کنترل نیروی منتقل شده به نوک انگشت و پرتاب توپ به صورت چرخشی
<b>Fingertip dribbling</b>	دریبل زدن با سر انگشتان
<b>Fingertip push-ups</b>	شنا روی زمین با سر نیجه‌های دست
<b>Fingertips drill</b>	تمرین؛ توپ را از بالای سینه بمطرف پایین رها کردن و بعد از خوردن به زمین با سرانگشتان گرفتن
<b>Finish</b>	پایان، به پایان رساندن، تمام کردن
<b>Finished</b>	شکست
<b>Finisher</b>	۱- شوتیست ۲- بازیکنی که حرکت آغاز شده توسط هم‌تیمی خود به پایان می‌رساند ۳- قاطع، قطعی
<b>Fire</b>	۱- آتش، زبانه آتش ۲- آتش زدن، سوزاندن ۳- شوت کردن، پرتاب توپ بمطرف حلقه ۴- خطر ۵- پرتاب توپ سخت ۶- بیرون کردن، اخراج کردن
<b>Fire all barrels</b>	با تمام وجود بازی کردن
<b>Fire away</b>	شروع کردن
<b>Fire away from outside</b>	شوت کردن از فاصله دور، شوت کردن از منطقه پیرامونی، کسب کردن امتیاز
<b>Fire horse</b>	ضد حمله‌ی بدون برنامه
<b>Firehouse play</b>	حملات طوفانی بدون تفکر و بدون برنامه

<b>Firepower</b>	توانایی تیم برای کسب کردن امتیاز
<b>Fire series</b>	مجموعه پاس‌های بی ملاحظه
<b>Fire the opening gun</b>	شروع کردن بازی
<b>Fire the rock</b>	پرتاب توپ به طرف حلقه، امتیاز کسب کردن
<b>Fire wagon basketball</b>	بازی بدون نظم در ضد حمله یا آشفتگی در ضد حمله
<b>Firm (also: Firmly)</b>	با قدرت، استوار، قوی
<b>Firmness</b>	ثبات و استحکام
<b>First</b>	نخست، نخستین، اول، اولین، یکم، مقدم، ابتدا
<b>First aid</b>	کمک‌های اولیه پزشکی
<b>First half</b>	نیمه اول بازی
<b>First halftime</b>	نیمه اول بازی
<b>First line replacements</b>	ذخیره‌های اولیه
<b>First line reserves</b>	ذخیره‌های اولیه
<b>First line substitute</b>	اولین بازیکن جایگزین
<b>First-rate-and-a-half</b>	عالی
<b>First responsibility</b>	مسئول دفاع کردن از یک حریف مشخص
<b>First round draft</b>	اولین گروه بازیکنان جدید که برای استخدام در باشگاه های ان . بی . ای انتخاب می شوند
<b>First round pick</b>	بازیکنی که از اولین گروه نامزد برای استخدام در باشگاه های ان . بی . ای انتخاب می شود
<b>First spot ( also : - stanza)</b>	اولین رویداد (یک برنامه یا تورنمنت)
<b>First stringers</b>	اولین تیم، پنج بازیکن برای شروع بازی، پنج بازیکن اصلی
<b>First-string men</b>	اولین تیم، پنج بازیکن برای شروع بازی
<b>Fist</b>	مشت
<b>Fit</b>	۱- آماده، در فرم ایده آل ۲- جلسه تمرین
<b>Fitness</b>	توانایی جسمی، قابلیت، سازگاری
<b>Fitted event</b>	مسابقه از پیش ترتیب داده شده
<b>Fitting shoes</b>	کفش‌های مناسب، کفش مطابق با نیاز بازیکن
<b>Fit to kill</b>	عالی
<b>Five</b>	۱- شماره پنج ۲- پنج بازیکن در زمین بازی ۳- شروع بازی با پنج بازیکن
<b>Five basic principles</b>	پنج اصول اساسی که مربی جان ر . وودن این اصول را هر م مهم در موفقیت اش می نامد ۱- سعی و کوشش ۲- شور و ذوق و جدّیت ۳- شرایط اخلاقی ، ذهنی و جسمانی ۴- اصول مقدماتی بسکتبال ۵- روح همکاری تیمی
<b>Five basketeers</b>	پنج بازیکن بسکتبال در زمین بازی
<b>Five fouls by player</b>	بازیکنی که بعد از مرتکب شدن پنج خطای فردی از زم ین بازی اخراج می شود (مطابق با قوانین اف . آی . بی . ای و ان . سی . ای . ای پنج خطا ، مطابق با قوانین ان .

	بی. ای شش خطا)
<b>Five-man backdoor offense</b>	الگوی حمله‌ای که همه بازیکنان حمله از پشت سر مدافعانشان برش می‌کنند
<b>Five-man fast break</b>	اجرای ضد حمله با پنج بازیکن
<b>Five-man offense</b>	حمله با شرکت فعال پنج بازیکن
<b>Five-man one-line defense</b>	آرایش دفاعی پنج بازیکن در یک خط
<b>Five-man outside offense with flash pivot</b>	آرایش حمله با پنج بازیکن که بمطرف منطقه پیرامونی حرکت می‌کنند تا برای سراتر موقعیت نفوذ ناگهانی بمطرف حلقه را ایجاد کنند
<b>Five-man roll</b>	الگوی حمله با برش‌های پی در پی هر پنج بازیکن
<b>Five-man two-line set or mass defense</b>	آرایش دفاعی پنج بازیکن در دو خط که به‌عنوان دفاع انبوه و فشرده عمل می‌کنند
<b>Five-man-2-1-2 continuity</b>	حمله با آرایش اولیه ۲-۱-۲ که تا کسب امتیاز این حمله تکرار می‌شود
<b>Five-man weave offense</b>	تمرین حمله پیچشی با پنج بازیکن؛ بازیکنان در پنج خط روی خط مرزی قرار می‌گیرند. بازیکنی که در خط میانی قرار دارد توپ را به نزدیک ترین عضو تیم پاس داده، سپس به پشت دو بازیکن حرکت برشی انجام می‌دهد. این فرآیند برای انجام شوت سه گام تا سبد ادامه می‌یابد و با سازماندهی مجدد و (سرعت - پیچش - پاس) برای انجام سه گام در انتهای مخالف زمین ادامه می‌یابد.
<b>Five-man defense</b>	تمام پنج بازیکن فعال در دفاع
<b>Five-man offense</b>	حمله با حضور فعال پنج بازیکن
<b>Five on five</b>	تمرین بازی پنج علیه پنج بازیکن
<b>Five on four</b>	تمرین بازی پنج بازیکن علیه چهار بازیکن
<b>Five on zero drill</b>	تمرین حمله پنج بازیکن بدون حریف
<b>Five- seconds closely guarded violation</b>	نگه داشتن توپ بیش از ۵ ثانیه به خاطر دفاع محکم حری ف که خطا محسوب می‌شود (مطابق قوانین اف. آی. بی. ای ماده ۴۱ خطای ۵ ثانیه)
<b>Five-seconds rule</b>	قانونی که تعریف خطای ۵ ثانیه را بیان می‌کند
<b>Five-Seconds violation</b>	خطای پنج ثانیه؛ بازیکنی که به علت دفاع محکم حریف توپ را نگه داشته و اگر او توپ را بعد از ۵ ثانیه نتواند دریبل، پاس، شوت یا برگرداند مطابق با قوانین اف . آی. بی ای ماده ۴۲ مرتکب خطا خواهد شد
<b>Fix</b>	تعین کردن، نصب کردن، کار گذاشتن، قرار دادن
<b>Fixed</b>	پیش بینی شده، از قبل آماده شده
<b>Fixer</b>	کسی که یک رویداد را برنامه‌ریزی می‌کند
<b>Fix up</b>	نقشه کشیدن، طراحی کردن
<b>Fizzle</b>	افت کردن بعد از یک شروع خوب
<b>Flag</b>	۱- پرچم، نشانه، علم، علامت ۲- نادیده پنداشتن، غفلت کردن
<b>Flag pole</b>	چوب پرچم
<b>Flagrant</b>	آشکار، برملاء، انگشت نما، رسوا، وقیح، زشت
<b>Flagrant foul</b>	خطای غیر ورزشی که دیسکالیفه شدن ( اخراج بازیکن ) را در بر دارد
<b>Flail</b>	۱- کوبیدن ۲- تکان دادن دست‌ها (در دفاع)

<b>Flailing</b>	حرکات تکان دادن دست‌ها در دفاع
<b>Flair</b>	۱- کوبیدن، تکان دادن دست‌ها (در هنگام دفاع)
<b>Flange</b>	قسمتی از حلقه که تور به آن آویزان یا بسته می‌شود
<b>Flanker</b>	بازیکنی که در امتداد خط طولی می‌دود
<b>Flap</b>	بال زدن، در جا بال زدن، بال بال زدن
<b>Flap the heels</b>	دویدن
<b>Flapper(also: Flipper)</b>	دست (از شانه تا نوک انگشت)، بازو
<b>Flare</b>	۱- تند رفتن، زود گذشتن، برش ناگهانی کردن ۲- برش کردن بازیکن مهاجم از ایجاد سد در برابر حریفی که کم‌توان دفاع می‌کند ۳- جدا شدن بازیکن سدکننده از اسکرین به منظور دریافت پاس در بازی رد و بدل کردن پاس
<b>Flare the arms wildly</b>	تکان دادن دست‌ها به شکل کاملاً باز در حالت دفاعی
<b>Flash</b>	۱- درخشیدن، برق زدن ۲- بروز ناگهانی ۳- بسیار سریع، حرکت ناگهانی ۴- جهش ناگهانی ۵- بازیکن سریع ۶- بازیکن باهوش و تیز ۷- برش سریع به طرف توپی که در اختیار هم‌تیمی که توسط بازیکن حریف ثابت نگه داشته شده است ۸- پرتاب سریع توپ ۹- برش سخت در خط مستقیم به طرف حلقه با یا بدون ایجاد سد، که بیشتر در حرکت بده برو در موقعیت دورتر از توپ بکار گرفته می‌شود
<b>Flash ahead</b>	جهش تند و ناگهانی به طرف جلو
<b>Flash cut</b>	برش سریع و ناگهانی
<b>Flash cut baseline</b>	برش یا دویدن سریع و ناگهانی به طرف خط عرضی زمین بازی
<b>Flash cutter</b>	بازیکنی که برش سریع و ناگهانی انجام می‌دهد
<b>Flash defense</b>	دفاع در مقابل بازیکنی که برش‌های سریع و ناگهانی انجام می‌دهد
<b>Flash in</b>	برش سریع و ناگهانی به طرف حلقه
<b>Flashing men into the post</b>	بازیکنانی که نفوذ یا برش سریع و ناگهانی به طرف موقعیت شوت انجام می‌دهند
<b>Flashing post</b>	بازیکنی که از موقعیت شوت در خط عرضی منطقه کلید نفوذ سریع و ناگهانی به طرف حلقه انجام می‌دهد، نفوذ سریع بازیکن سانتر به طرف حلقه
<b>Flash into the lane</b>	دویدن سریع ناگهانی به طرف منطقه ۳ ثانیه یا منطقه کلید
<b>Flash into the lead</b>	پیش افتادن از، برتری داشتن بر
<b>Flash one s stuff</b>	به نمایش گذاشتن مهارت‌ها و توانایی‌ها
<b>Flash pivot</b>	برش سریع و ناگهانی سانتر به طرف موقعیت شوت
<b>Flash pivot ( low or High )</b>	پیشی گرفتن بازیکن سانتر از مدافعش در یک نفوذ سریع و ناگهانی به طرف موقعیت شوت در بالا یا پایین
<b>Flash power</b>	مهارت‌هایت را به نمایش بگذار
<b>Flash to the post area</b>	بکارگیری برش سریع و ناگهانی به طرف موقعیت شوت (پایین، وسط یا بالا)
<b>Flashy</b>	(بازی یا بازیکن) خوب
<b>Flashy player</b>	بازیکن خوب
<b>Flashy playing</b>	مهارت عالی در بازی



<b>Flashy youngster</b>	بازیکن جوان خوش آتیه
<b>Flat</b>	تراز، پهن، تخت، هموار، صاف
<b>Flat-footed</b>	۱- بازیکنی که آماده دویدن نباشد ۲- توصیف بازیکنی که پرش نداشته باشد
<b>Flat of the feet</b>	کف پا
<b>Flat posture</b>	حالت دفاعی با دست‌های باز، کف دست به طرف بالا و وادار به حرکت کردن بازیکن در بیل کننده به طرف کناره‌های زمین
<b>Flatten</b>	گسترش دادن، پهن کردن، عریض کردن (دفاع منطقه‌ای)
<b>Flattened floor</b>	آرایش حمله ۱-۴ که بازیکن توپ بخش کن در رأس دایره پرتاب آزاد و چهار بازیکن دیگر در یک خط نزدیک به خط عرضی قرار می‌گیرند
<b>Flat-top</b>	آرایش دفاعی دو مدافع خودی در خط اول دفاعی
<b>Flat triangle</b>	جاگیری دفاعی و قرار گرفتن در رأس مثلثی که در یک رأس آن توپ و در رأس دیگر یار حریف قرار دارد
<b>Flat wall passing</b>	تمرین پرتاب توپ به طرف دیوار و گرفتن آن بعد از برگشت از دیوار
<b>Flex</b>	۱- خمیدگی، خم (زانوها) ۲- قابلیت ارتجاعی ۳- حمله پیوسته
<b>Flexed knees</b>	زانوهای خم
<b>Flexibility</b>	قابلیت انعطاف، انعطاف پذیری، قابلیت ارتجاعی
<b>Flexibility movements</b>	تمریناتی که منجر به آمادگی قابلیت انعطافی مفصل‌ها می‌شود
<b>Flexibility of coverage</b>	دفاع با تغییرات الگو و هدف پوشش
<b>Flexible</b>	قابل انعطاف، قابل تغییر، تاشو، خم شو
<b>Flexible defense</b>	دفاع قابل انعطاف مطابق با تغییرات حمله حریف
<b>Flexion</b>	خمیدگی، انحناء
<b>Flex offense</b>	حمله‌ی قابل انعطاف مطابق با تغییرات دفاع حریف
<b>Flexor</b>	عضله تا کننده، ماهیچه خم کننده
<b>Flick</b>	۱- ضربه سریع، ضربه سریع با چرخش میچ ۲- به دست آوردن توپ از چنگ حریف با یک ضربه سریع
<b>Flick the ball</b>	پاس با یک تلنگر به توپ یا پاس با یک ضربه سریع با چرخش میچ
<b>Flight</b>	پرواز، مسافرت هوایی
<b>Flight of the ball</b>	مسیر هوایی توپ پرتاب شده
<b>Flimsy(also: Thin) story</b>	سست، بی دوام، شل و ول
<b>Flip</b>	۱- آهسته ضربه زدن ۲- پرتاب توپ با ضربه آهسته
<b>Flip-flop</b>	عوض کردن، تغییر دادن (پوشش، آرایش و تاکتیک)
<b>Flip-flop offense</b>	حمله قابل انعطاف مطابق با تغییرات دفاع حریف
<b>Flip pass</b>	۱- پرتاب توپ به طرف هم تیمی با یک ضربه آهسته ۲- دست به دست کردن توپ
<b>Flip shot</b>	پرتاب توپ به طرف حلقه با ضربه تلنگر
<b>Float</b>	۱- شناور شدن، شناور بودن، شناور کردن ۲- به طور دائم تغییر موقعیت دادن ۳- دور شدن از حریفی که از او به منظور کمک در پوشش یا ایج اد دبل تیم بر روی

	حریف مالک توپ دفاع می‌شود ۴- تنگ کردن یا محکم کردن دفاع
<b>Floater</b>	۱- مدافع چابک ۲- بازیکنی که آمادگی کامل برای حرکت دبل تیم دارد ۳- پرتاب آهسته توپ
<b>Floater pass</b>	پاس در امتداد حرکت دریافت کننده
<b>Floating</b>	۱- دفاع از یک حریف با امکان برگشت به عقب به منظور کمک به هم تیمی‌ها برای پوشش حریفان دیگر ۲- تنگ کردن یا بستن دفاع
<b>Floating deep</b>	تنگ کردن یا بستن دفاع نزدیک به حلقه
<b>Floating defender</b>	بازیکن مدافع چابک، لژیکن مدافع آماده برای تنگ کردن دفاع
<b>Floating defense</b>	نوعی دفاع از بازیکن حمله به طریقی که مدافع هم مراقب یار خود باشد و هم در صورت لزوم بتواند به هم تیمی‌های خود کمک کند (دفاع کمکی)
<b>Floating lay-up</b>	سه گام و شوت به سمت سبد در موقعیتی دور نسبت به سبد
<b>Floating man-to-man defense</b>	تحرک و پوشش نفر به نفر بازیکنان حریف در منطقه‌ی داخلی زمین
<b>Floating or sagging man-to-man defense with a zone principle</b>	یارگیری باز در منطقه‌ی پیرامونی به اعمال فشار دفاعی با پیروی از اصول دفاع منطقه‌ای در زمان‌های خطر و تهدید سبد از سوی حریف
<b>Floating pass</b>	پاس در امتداد حرکت دریافت کننده
<b>Floating posture</b>	حرکت پیوسته مدافعین برای دور کردن یار خود از سبد
<b>Floating tactics</b>	تاکتیک‌های دفاعی بر اساس حرکت و جابجایی بازیکنان حریف و بستن منطقه‌ای نزدیک به سبد و شناور بودن مدافعین به منظور دفاع بازیکنان حریف
<b>Float the pass</b>	پاس در امتداد حرکت دریافت کننده
<b>Floating two-hand underhand lay-up shot</b>	شوت جفت از زیر سبد با استفاده از هر دو دست دور از دست‌های مدافع و با دور کردن دست‌ها از سبد
<b>Float to the middle</b>	بستن دفاع در قسمت میانی زمین
<b>Flock</b>	تیم (گروه)
<b>Floor</b>	۱- کف پوش زمین بازی به لام پارکت که از نوعی چوب ساخته می‌شود ۲- زمین بازی
<b>Floor balance</b>	آرایش یکسان نیرو در زمین بازی
<b>Floor burns</b>	سرخوردن دینامیکی روی کف زمین بازی به طوری که احساس شود کف سالن در حال سوختن است
<b>Floor covering</b>	سطح زمین بازی
<b>Floor drops off</b>	انتهای زمین بازی
<b>Floor general</b>	رهبر تیم، هدایت کننده تیم
<b>Floor leader</b>	کاپیتان، بازیکنی که در زمین بازی حرکات را سازمان‌دهی می‌کند
<b>Floor length drills</b>	تمرین اصول مقدماتی بسکتبال که در سرتا سر طول زمین بسکتبال اجرا می‌شود
<b>Floor official</b>	داور در زمین بازی
<b>Floor position</b>	موقعیت در زمین بسکتبال
<b>Floor spacing</b>	آرایش در زمین بازی با رعایت کردن فاصله مناسب بین بازیکنان خودی

<b>Floor spread</b>	آرایش یکسان در زمین بازی
<b>Floor violation</b>	سرپیچی از قوانین بازی
<b>Floorwards</b>	در مسیر کف زمین بازی
<b>Back to the floor</b>	تمرین شوت از توپ ریپاند شده در هنگام فرود از پرش
<b>Balanced floor</b>	آرایش یکسان نیروهای خودی در زمین بازی
<b>Center of the floor</b>	خط طولی میان زمین بازی، خط مرکزی زمین بازی
<b>Coach-on-the-floor</b>	بازیکنی که رهبری بازی را در زمین با انتقال گفته‌های مربی به عهده دارد
<b>Conduct on floor</b>	رفتار در زمین بازی، رفتار در خلال بازی
<b>Defensive end of the floor</b>	زمین دفاع، نیمه دفاعی زمین بازی
<b>Down floor</b>	۱- در مسیر نیمه دفاعی زمین بازی ۲- موقعیت پایین نزدیک حلقه
<b>Flattened floor</b>	آرایش حمله ۱-۴ با یک بازیکن توپ پخش کن در رأس دایره پرتاب آزاد و بقیه بازیکنان در یک خط نزدیک به خط عرضی
<b>Full floor</b>	کل زمین بازی، سرتا سر زمین بازی
<b>Get down the floor</b>	دویدن به طرف نیمه دفاعی زمین بازی
<b>Go to the floor for a loose ball</b>	شیرجه زدن روی زمین برای توپ سرگردان
<b>Hit the floor</b>	شیرجه زدن برای توپ از دست رفته، شیرجه زدن روی زمین برای توپ سرگردان
<b>Hot floor</b>	تمرین پرش زیر حلقه
<b>Keep the floor balanced</b>	قرار گرفتن بازیکنان به‌طور یکسان در زمین بازی
<b>Middle of the floor area</b>	محدوده‌ای در وسط هر نیمه زمین بین دایره مرکزی زمین و دایره پرتاب آزاد
<b>Narrow floor</b>	الگوی حمله که بر اساس آن توپ در مسیر میانی زمین بازی بکار گرفته می‌شود
<b>Open up the floor</b>	باز کردن مسیر برای هم‌تیمی در حرکت حمله
<b>Put the ball on the floor</b>	شروع به دربیبل کردن
<b>Put the ball to the floor</b>	زدن توپ به زمین قبل از شوت (به‌منظور کسب تعادل)
<b>Regulation-sized floor</b>	زمین بازی بسکتبال مطابق با قوانین اف. آی. بی. ای. ان. بی. ای. و ان. سی. ای. ای. به شکل مستطیل که به‌طور تقریبی هم اندازه می‌باشند
<b>Spread floor</b>	بازی یا بازیکنانی که در تمام عرض زمین پراکنده می‌شوند
<b>Take the open floor away</b>	جلوگیری کردن مؤثر از حرکات حریفان در زمین بازی
<b>Wooden floor</b>	کف چوبی زمین بازی، کف زمین بازی که از چوب ساخته شده
<b>Flop</b>	۱- شکست خوردن ۲- بازیکن متوسط ۳- شکست مسابقه
<b>Flop over</b>	چرخیدن به‌طور ناگهانی
<b>Flow</b>	۱- حرکت کردن (شبه جوی آب) ۲- جاری، جریان
<b>Flow of a zone</b>	حرکت در دفاع منطقه‌ای (به جلو، به عقب یا کنار)
<b>Flu</b>	آنفولانزا، گریپ، نوعی سرماخوردگی
<b>Fluctuate</b>	۱- نوسان داشتن، تاب خوردن، از این سو به آن سو افتادن ، بالا و پایین رفتن ۲- زدن (نبض)، تپیدن (قلب)، تکان دادن، به‌ضربان افتادن
<b>Fluctuated defense</b>	دفاع شناور (با حرکت کردن مدافعان به جلو و عقب)

<b>Fluid</b>	۱- مایع روان ۲- روان ۳- سلیس، شناور
<b>Fluid movements</b>	حرکات روان
<b>Fluke</b>	۱- به طور تصادفی امتیاز کسب کردن ۲- ضربه شانسی (در بازی) ۳- امتیاز اتفاقی ۴- پیروز شدن
<b>Fluke win</b>	شانسی پیروز شدن
<b>Flunker</b>	بازیکن ترسو
<b>Flunk out</b>	اخراج از دانشگاه به علت نتایج آموزشی ضعیف
<b>Flurry</b>	۱- باد، باد ناگهانی، باد توأم با باران ۲- یک لحظه با روح در یک بازی کفیل کننده
<b>Flush shot</b>	اسپک کردن توپ داخل حلقه
<b>Fluster</b>	گیج کردن حریف
<b>Fly</b>	پرواز کردن
<b>Fly ball</b>	شوت یا پاس بسیار بلند، شوت یا پاس قوسی
<b>Flyer</b>	بازیکن بسیار سریع در ضد حمله
<b>Flying Dutchmen</b>	نام تیم بسکتبال دانشگاه هافسترا در هامپستید که در کنفرانس کاست شرقی بازی می‌کنند
<b>Fly low</b>	متواضع بودن، محجوب بودن
<b>Fly the red flag</b>	قاعدگی شدن، حیض شدن، لپاک شدن
<b>Focal</b>	مرکزی، کانونی
<b>Focal point</b>	کانون
<b>Foe</b>	حریف، تیم مخالف
<b>Fog</b>	پرتاب توپ با قدرت و سرعت
<b>Fog it in</b>	۱- پرتاب توپ به داخل حلقه با سرعت و قدرت ۲- پرتاب توپ به طرف منطقه زیر حلقه با سرعت و قدرت
<b>Fold</b>	تیم (گله گوسفند)
<b>Follow</b>	از پی آمدن، دنبال آمدن، دنبال کردن، تعقیب کردن
<b>Follow shot</b>	دنبال کردن توپ بعد از یک شوت، ریپاند کردن و دوباره شوت کردن
<b>Follow suit</b>	تقلید کردن، پیروی کردن از
<b>Follow through</b>	۱- اجرای کامل حرکت تا آخر ۲- ادامه ی حرکت ۳- تکمیل شوت یا پاس با کشیدن دست و انگشتان به سمت سبد یا یاری که هدف اصلی ارسال می باشد. دست‌ها، بازوها، انگشتان و نوک انگشتان به سمت هدف متمرکز می‌شود و نیرو را به یک سمت منتقل می‌کند و این کار تا لحظاتی پس از رها کردن توپ ادامه می‌یابد
<b>Follow-up</b>	ادامه، پی‌گیری (بازی، حرکت)
<b>Follow-up shot</b>	شوت‌های پی در پی
<b>Fool</b>	۱- احمق، آدم بی‌کله ۲- لودگی کردن ۳- گول زدن، گیج کردن، فریب دادن
<b>Fool around</b>	اجرای حرکات غیر ضروری در زمین بازی

<b>Fool the opponent</b>	گول زدن، فریب دادن، گیج کردن حریف
<b>Fool the team-mates</b>	گیج کردن هم تیمی های
<b>Foot</b>	۱- پا ۲- پاجین، ته، پایه ۳- واحد اندازه گیری طول (۱۲ اینچ = یک سوم یارد = حدود ۳۰ سانتیمتر)
<b>Football hike drill</b>	تمرین کار با توپ؛ پرتاب توپ از بین پاها به طرف عقب و گرفتن آن در پشت کمر با دو دست
<b>Foot base</b>	طرز قرار گرفتن پاها به اندازه عرض شانه ها، فاصله بین پاها
<b>Foot fake</b>	گول زدن با پا
<b>Foot movement</b>	حرکت پا یا پاها
<b>Foot spread</b>	فاصله بین پاها
<b>Footwear</b>	کفش، پاپوش
<b>Foot work</b>	حرکات پاها در بازی دفاعی
<b>Either pivot foot</b>	نوعی حمله که از هر دو پا می توان بعنوان پای پیوت استفاده کرد (زمانی می توان از این حرکت استفاده کرد که موقع فرود آمدن روی دو پا در یک زمان باشد)
<b>Flat of the feet</b>	کف پا
<b>Forward foot</b>	پای جلو در هنگام ایستادن
<b>Inside foot</b>	پای نزدیک به حلقه (در موقعیت محدوده حلقه)
<b>Lead foot</b>	پای راهنما، پاییی که مسیر حرکت را نشان می دهد
<b>Leave the feet</b>	بلند کردن پا (از کف زمین برای پریدن)
<b>Offensive footwork</b>	کار پا در حمله
<b>Outside foot</b>	پایی که دورتر از حلقه قرار گیرد (در موقعیت محدوده حلقه)
<b>Parallel feet</b>	پاهای نسبت بهم موازی
<b>Parallel foot stop</b>	فرود آمدن از یک پرش روی دو پا بصورت موازی در یک زمان
<b>Permanent pivot foot ( PPF)</b>	پایی که بر روی آن چرخش انجام می گیرد ( پای پیوت )
<b>Pivot foot</b>	پایی که بر روی آن چرخش انجام می گیرد ( پای پیوت )
<b>Plant the foot</b>	قراردادن پای پیوت روی زمین
<b>Plant your foot and pivot</b>	قراردادن پا روی زمین و چرخیدن روی آن یا پیوت کردن روی آن
<b>Shifting the feet</b>	حرکت سر خوردن پاها، حرکت جانبجایی پاها
<b>Shooting foot</b>	پای طرف دستی که با آن شوت یک دست زده می شود
<b>Staggered feet</b>	با زاویه قرار دادن پاها نسبت به یکدیگر
<b>Stamping the foot</b>	با صدا راه رفتن، پیاده عبور کردن
<b>Stationary foot</b>	پایی که بر روی آن چرخش صورت می گیرد، پای محور، پای پیوت
<b>Stepping foot</b>	پای متحرک در عمل پیوت
<b>Straddling the foot of the opponent</b>	۱- جلو گیری کردن از پای بازیکن حریف با باز کردن پاها ۲- سد کردن با طرز ایستادن بصورت باز و گشاد
<b>Strong foot</b>	پلی طرف دستی که با آن شوت زده می شود

<b>Trailing foot</b>	پای عقب در حالت ایستادن
<b>Two foot bench jumping</b>	تمرین پرش با دو پا از روی یک نیمکت کوتاه
<b>Two foot jump stop</b>	فرود آمدن بعد از یک پرش بر روی دو پا در یک زمان (که بازیکن اجازه پیدا می‌کند برای عمل پیوت از دو پاهای خود استفاده کند)
<b>Two foot parallel stop</b>	فرود آمدن از یک پرش روی دو پا بصورت موازی در یک زمان
<b>Two pivot feet</b>	امکان حرکت پیوت با هر پا بعد از فرود آمدن از یک پرش روی دو پا به صورت موازی در یک زمان
<b>Wide-spread foot base</b>	طرز ایستادن با پاهای باز به عرض شانه
<b>Foosler</b>	بازیکن متوسط
<b>For ages</b>	زمان طولانی، مدت طولانی
<b>For all it is worth</b>	به اندازه زیاد، یک مقدار زیاد
<b>Forbid</b>	قدغن کردن، منع کردن، بازداشتن، اجازه ندادن
<b>Force</b>	۱- قدرت، نیرو، قوت، استحکام ۲- مجبور کردن ۳- وادار کردن
<b>Force a bad pass</b>	وادار کردن به اجرای پاس ضعیف
<b>Force a missed shot</b>	وادار کردن به پرتابی که به حلقه نرسد
<b>Force a pass</b>	وادار کردن به اجرای پاس در یک شرایط نامطلوب
<b>Force a play</b>	وادار کردن حریف به بازی در شرایط نامساعد
<b>Force a shot</b>	شوت عجولانه توسط بازیکنی که با دفاع فشرده روبه‌رو می‌شود و به‌طور معمول در این حالت شوت کتره زمان کافی برای پرتاب خوب نخواهد داشت
<b>Force errors</b>	وادار کردن حریف به ارتکاب شدن اشتباه در بازی
<b>Forceful</b>	قوی، مؤثر، مؤکد
<b>Force mistakes</b>	وادار کردن حریف به ارتکاب اشتباه در بازی
<b>Force off balance</b>	بیکارگیری حرکتی که حریف را مجبور به از دست دادن تعادل خود می‌کند (معمولاً گول زدن)
<b>Force the ball</b>	فشار آوردن روی توپ‌دار و او را حرکت دادن
<b>Force the break</b>	حمله عجولانه که با دفاع فشرده روبه‌رو می‌باشد
<b>Forcing defense</b>	سیستم دفاعی همراه با فشار آوردن به حرکت حریفان
<b>Forcing to switch</b>	وادار کردن به سوئیچ
<b>Forearm</b>	ساعد
<b>Forecourt(Am.) = Fore – court (Eng.)</b>	زمین حمله؛ مطابق قوانین NCAA فاصله خط نیمه تا خط انتهای زمین (۲۸ فوت یا ۸/۴۰ متر)
<b>Forfeit</b>	۱- پیروزی بی چون و چرا ۲- شکست به خاطر حضور نیافتن در زمین بازی در ساعت معین ۳- شکست مسابقه به دلیل اینکه تعداد بازیکنان تیم بازنده کمتر از دو نفر باشد
<b>Forefinger</b>	انگشت نشانه، سبابه
<b>Foreleg</b>	پای جلو در هنگام ایستادن

<b>Foresight</b>	پیش بینی، عاقبت اندیشی، بصیرت، احتیاط
<b>Foretop</b>	پیشانی
<b>For good ( also:- keeps)</b>	تا ابد، جاویدان، برای همیشه
<b>Fork</b>	آرایش انگشت سرباه و انگشت میانه در هنگام شوت؛ بمطوری که تا آخر این لحظه پرتاب توپ را دنبال می کنند و یک حالت چرخش به توپ می دهند
<b>Fork handler</b>	بازیکن چپ دست
<b>Form</b>	۱- آفریدن، احداث کردن، طرح کردن ۲- توانایی جسمانی، شکل، اندام
<b>Formation</b>	آرایش، نظم، صف، آرایش بازیکنان در حمله و موقعیت دفاعی
<b>Formative</b>	تشکیل دهنده، ترکیب کننده، سازنده، حرف زایی، کلمه مشتق
<b>Formative years</b>	سالهایی که بازیکنان در آن شکل می گیرند
<b>Former</b>	پیشین، سابق، قدیمی
<b>Formidable</b>	سهمگین، مهیب، ترسناک، تهدید کننده
<b>Forth</b>	جلو، پیش، بعد، بیرون
<b>Forth and back move</b>	حرکت جلو و عقب کردن، حرکتی مانند باز و بسته کردن درب
<b>Fortitude</b>	پایمردی، دلیری، تحمل، بردباری
<b>Forward</b>	۱- جلو، به طرف جلو ۲- در جلو قرار گرفتن ۳- بازیکن مهاجم در موقعیت جناحین، بازیکن فوروارد
<b>Forward crouch</b>	بمطرف جلو خم شدن
<b>Forward drive</b>	نفوذ قوی به انتهای زمین بازی، نفوذ قوی به نیمه زمین حریف
<b>Forward flip pass</b>	ضربه نرم با یک دست به توپ در حال حرکت و ارسال آن به جلو برای پاس به یار دیگر
<b>Forward foot</b>	پای جلو در هنگام ایستادن
<b>Forward pivot</b>	چرخش یا گام برداشتن با پای متحرک در پیوت
<b>Forward rotation</b>	حرکت چرخش به طرف جلو
<b>Forward screen shot</b>	شوت بازیکن فوروارد از پشت ایجاد سد
<b>Forward slide</b>	حرکت سر خوردن به جلو با جابجایی پاها
<b>Forward spin</b>	حرکت چرخش به طرف جلو
<b>Forward tap</b>	پرتاب کردن توپ به جلو با یک ضربه آهسته
<b>Forward wall</b>	بازیکن بلند قدی (سانتر و فوروارد) که نزدیک به حلقه بازی می کند (و دیواری در آنجا ایجاد می کرد)
<b>Foul</b>	خطا، فول، نقض مقررات
<b>Foul ball</b>	بازیکن درجه دو، بازیکن متوسط
<b>Foul circle</b>	دایره پرتاب آزاد
<b>Foul lane</b>	۱- محدوده ۳ ثانیه با دایره پرتاب آزاد ۲- منطقه کلید
<b>Foul line</b>	خط پرتاب آزاد
<b>Foul line area</b>	دایره پرتاب آزاد

<b>Foul line defense</b>	آرایش بازیکنان مدافع در خلال پرتاب‌های آزاد
<b>Foul line extended</b>	امتداد فرضی خط پرتاب آزاد
<b>Foul marker</b>	تابلوی کوچکی که تعداد خطاهای بازیکنان خاطی را نشان می‌دهد
<b>Foul out</b>	ترک کردن زمین بازی بعد تمام شدن محدوده خطای شخصی
<b>Foul play</b>	بازی غیر منصفانه، بازی کثیف، بازی ناجوانمردانه
<b>Foul shooter</b>	۱- بازیکن اجرا کننده پرتاب آزاد ۲- بازیکن برجسته در پرتاب آزاد
<b>Foul shooting drill</b>	تمرین پرتاب‌های آزاد
<b>Foul shooting percentage</b>	نسبت پرتاب‌های آزاد که تبدیل به گل شده است
<b>Foul shot</b>	۱- پرتاب آزاد ۲- یک پرتاب آزاد اضافه، بعد از مرتکب شدن خطا بر روی شوت کننده، به طوری که شوت او تبدیل به امتیاز شده است
<b>Foul squawk</b>	اعتراض کردن نسبت به خطاهایی که روی یک بازیکن انجام شده باشد (درست یا غلط)
<b>Foul trouble</b>	اصطلاحی است برای بازیکنی که مرتکب پنج خطای شخصی می‌شود و زمین را ترک می‌کند
<b>Blocking foul</b>	خطایی است که در آن بازیکن (دفاع یا حمله) با سد کردن مسیر قانونی حرکت حریف مرتکب آن می‌شود
<b>Breakaway foul</b>	در مسابقات NBA به خطایی اطلاق می‌شود که به طور عمدی روی بازیکنی که آزاد و بدون دفاع در حال برش به سمت سبد حریف است انجام می‌شود
<b>Charging foul</b>	خطای شارژ؛ خطای بازیکن مهاجم که به شدت با حریفی که در موقعیت دفاعی ثابت قرار دارد برخورد کند
<b>Commit a foul</b>	مرتکب خطا شدن
<b>Common foul</b>	خطای معمولی (خطای فردی معمولی روی حریفی که شوت نمی‌زند)
<b>Deliberate fouling</b>	خطای عمدی
<b>Premeditated Foul</b>	خطای عمدی
<b>Designed foul</b>	خطای عمدی
<b>Disqualifying foul</b>	خطای آشکوب که جریمه آن اخراج از بازی می‌باشد
<b>Double foul</b>	مرتکب خطا شدن دو حریف برضد یکدیگر در یک زمان
<b>Draw a foul</b>	تحریک کردن به انجام خطا، فشار آوردن به داور تا به اشتباه خطایی را اعلام کند
<b>Elbow foul</b>	مرتکب خطا شدن با آرنج باز
<b>False double foul</b>	خطای غیر واقعی دو حریف روی یکدیگر در یک زمان
<b>Fifth foul</b>	مرتکب شدن پنجمین خطای فردی یا خطای فنی توسط بازیکن که مطابق با قوانین اف. آی. بی. ای منجر به اخراج او از بازی خواهد شد.
<b>Five fouls by player</b>	مرتکب شدن پنجمین خطای فردی یا خطای فنی توسط بازیکن که مطابق با قوانین اف. آی. بی. ای منجر به اخراج او از بازی خواهد شد.
<b>Flagrant foul</b>	خطای آشکار که جریمه آن اخراج از بازی می‌باشد
<b>Free foul</b>	خطایی که داور متوجه نشود



<b>Get fouled</b>	متحمل خطا شدن
<b>Hard foul</b>	خطای سنگین
<b>Head o foul circle</b>	رأس دایره پرتاب آزاد
<b>Intentional foul</b>	خطای عمدی
<b>Multiple foul</b>	مرتکب شدن دو یا چند خطا به طور همزمان بر روی یک حریف
<b>Non-contact foul</b>	خطای غیر ورزشی
<b>Offensive foul</b>	خطای شارژ؛ خطای است که بازیکن مهاجم به شدت با حریفی که در موقعیت دفاعی ثابت قرار دارد برخورد کند
<b>Over-the-back foul</b>	مرتکب خطا شدن از پشت یا عقب
<b>Personal foul</b>	خطای شخصی
<b>Player control foul</b>	مرتکب خطا شدن توسط بازیکن مالک توپ (خطای شارژ)
<b>Player foul</b>	مرتکب خطا شدن توسط بازیکن
<b>Player foul limit</b>	محدودیت خطاهای فردی، غیر ورزشی یا فنی توسط بازیگری که منجر به اخراج او از زمین بازی می شود
<b>Premeditated foul</b>	خطای عمدی، خطای غیر ورزشی
<b>Team control foul</b>	خطای حمله، مرتکب شدن خطا توسط بازیکنان تیمی که مالکیت توپ را در اختیار دارند
<b>Team foul</b>	خطایی که شامل محدودیت خطای تیمی می شود، خطای تیمی
<b>Team foul marker</b>	تابلوی کوچکی که تعداد خطاهای ارتکابی توسط تیم را نشان می دهد
<b>Team fouls</b>	محدودیت خطای تیمی (مطابق قوانین اف. آی. بی. ای ۷ خطا، ان. بی. ای وان. سی. ای. ای. ۶ خطا در یک نیمه
<b>Technical foul</b>	خطای فنی
<b>Unsportsmanlike foul</b>	۱- خطای عمدی ۲- خطای عمدی بر روی بازیکن حریف، خطای غیر ورزشی
<b>Four corners</b>	حمله تأخیری (که بیشتر برای به تعویق انداختن در بازی استفاده می شود) در این حمله بازیکنان در چهار گوشه زمین حمله قرار می گیرند و با بازیکن توپ پخش کن پاس های بلند رد بدل می کنند
<b>Four lane fast break</b>	ضد حمله با چهار بازیکن در چهار مسیر بمطرف حلقه
<b>Four man roll with a post pivot</b>	الگوی حمله با چهار بازیکن در حال دویدن در چهار مسیر و بازیکن سانتری که در موقعیت شوت منتظر دریافت توپ باشد
<b>Four man weave</b>	تمرین پیچشی چهار بازیکن : بازیکنان در چهار ردیف روی خط عرضی قرار می گیرند. بازیکنی که در ردیف میانی است توپ را به نزدیک ترین عضو تیم پاس داده سپس به پشت یکی از سه بازیکن حرکت برش را انجام می دهد. این فرایند برای انجام شوت سه گام تا سبدا ادامه می یابد و سازماندهی مجدد و "سرعت - پیچش - پاس" برای انجام سه گام در انتهای مخالف زمین ادامه می یابد
<b>Four-on-four</b>	تمرین بازی چهار ضد چهار بازیکن
<b>Four-on-three</b>	تمرین بازی چهار بازیکن در مقابل سه بازیکن

<b>Four-on-three keep-away drill</b>	چهار بازیکن حمله در چهار گوشه یک نیم ه زمین بازی توپ را به هم پاس می دهند، به طوری که سه مدافع در میان آنها در تلاشند که یا توپ را بگیرند یا بزنند یا جلوی پاس افراد به یکدیگر را بگیرند سپس هر مدافع که موفق شد تا توپ را بعدست آورد جای خود را با همان بازیکن حمله عوض می کند
<b>Foxy</b>	زیرک، باهوش
<b>Fracture</b>	شکستگی، شکستن استخوان
<b>Frame</b>	کالبد، استخوان بندی، بدن انسان
<b>Framework</b>	۱- ساختار ۲- چارچوب ۳- استخوان بندی، اسکلت
<b>Frantic</b>	دیوانه کننده (درد)
<b>Frat</b>	تیم، گروه
<b>Fraternity</b>	تیم، (گروه)، انجمن، صنف، اتحادیه، انجمن اخوت
<b>Fray</b>	مسابقه، بازی
<b>Freak defense</b>	دفاع غیر معمول «ترکیبی از اصول دفاع یارگیری، دفاع های منطقه ای و م چ آپ یا سیستم های پوششی متغیر»؛ این اصول بر اساس او لین پاس ارسالی اتخاذ و پیاده می شود و با تشخیص و شناسایی دفاع از سوی حریف، سیستم دفاعی تغییر می یابد. این شیوه دفاعی توسط دال دی. برون مربی دان شگاه لوئیزانا در پائیز ۱۹۹۰ ارائه گردیده است
<b>Free</b>	آزاد، مطلق، مستقل، مجانی
<b>Free agent</b>	بازیکن آزاد، بازیکنی که با هیچ تیمی قرارداد ندارد
<b>Free ball</b>	توپ بدون مالک، توپ بدون صاحب
<b>Freedom</b>	آزادی، استقلال
<b>Freedom of movement</b>	آزاد برای حرکت کردن یا مانور دادن، حرکت بدون دفاع حریف
<b>Free foul</b>	خطایی که داور متوجه نمی شود
<b>Free lance</b>	استفاده آزاد از یک قطعه بازی تمرین شده مطابق با شرایط بازی، بازی که بر اساس الگو یا نقشه نباشد
<b>Free lance game</b>	بازی آزاد؛ در بسکتبال پیشرفته ترتیب زیر انجام می شود: ۱- ضد حمله ۲- ضد حمله ثانویه در صورتی که ضد حمله اولیه ناموفق باشد ۳- بازی آزاد و ابتکاری ۴- بازی بر اساس اصول و الگوهای حرکتی مختلف
<b>Free lance offense</b>	حمله با استفاده از بخش ها و اجزای حمله ای که پیش تر در تمرینات کار شده است. اتخاذ این طرح ها بر اساس موقعیتی که در بازی وجود دارد انجام می شود تا بازیکنان قادر شوند به سرعت به موقعیت شوت دست یابند
<b>Free lance passing game</b>	بازی آزاد با انجام بازی پاسکاری
<b>Free lance pattern</b>	بازی آزاد دو یا سه نفره و اجرای بخش کوچکی از طرح کلی حمله یا بازی آزاد
<b>Free lance zone offense, the wheel</b>	بازی آزاد و ابتکاری بر ضد دفاع منطقه ای بصورت دوار: چهار بازیکن حول منطقه می چرخند. نفر پنجم در حکم کانون و مرکز این چرخش، با ارسال پاس بازیکنان را تغذیه می کند
<b>Dual free lance</b>	بازی آزاد و ابتکاری به صورت دو نفره

<b>Individual free lance</b>	بازی آزاد و ابتکاری به صورت انفرادی
<b>Three-two free lance open middle offense</b>	بازی آزاد با آرایش ۲-۳ در پیشانی حمله و باز کردن فضا برای نفوذ به سمت سبد
<b>Two-one-two free lance offense</b>	بازی آزاد و ابتکاری با آرایش ۲-۱-۲
<b>Two-three free lance offense</b>	بازی آزاد و ابتکاری با آرایش ۲-۳
<b>Free rides</b>	
<b>Free shot</b>	پرتاب آزاد بمطرف حلقه از خط پرتاب آزاد
<b>Free throw alignment</b>	آرایش بازیکنان در موقعیت پرتاب آزاد
<b>Free throw attempt</b>	تلاش برای پرتاب آزاد
<b>Free throw circle</b>	دایره خط پرتاب آزاد
<b>Free throw fast break</b>	ضد حمله بعد از کسب امتیاز با از دست دادن پرتاب آزاد توسط حریف
<b>Free throw lane</b>	محدوده پرتاب آزاد، منطقه ۳ ثانیه
<b>Free throw line</b>	خط پرتاب آزاد
<b>Free thrower</b>	بازیکن اجرا کننده پرتاب آزاد
<b>Free throw line extended</b>	امتداد فرضی خط پرتاب آزاد
<b>Free throw percentage</b>	درصد پرتاب آزاد به ثمر رسیده در بازی
<b>Free throw shooter</b>	بازیکن اجرا کننده پرتاب آزاد
<b>Free throw tip-in drill</b>	زدن شوت‌های برگشتی از سبد با سر انگشتان
<b>Jump-shot free throw</b>	پرتاب آزاد با استفاده از شوت جفت
<b>Line</b>	۱- خط پرتاب آزاد ۲- پرتاب آزاد
<b>One hand set free throw</b>	پرتاب آزاد با یک دست در موقعیت ثابت (بدون بلند کردن پا از روی زمین)
<b>Sinking the free throw</b>	کسب امتیاز از پرتاب آزاد
<b>Successful free throw</b>	کسب امتیاز از پرتاب آزاد
<b>Time limit for free throw</b>	محدودیت زمانی برای اجرای پرتاب آزاد
<b>Two free throws</b>	دو پرتاب آزاد برای بازیکنی که در هنگام شوت زدن بر روی او خطا صورت گرفته باشد
<b>Two hand chest free throw</b>	پرتاب آزاد با دو دست از جلوی سینه
<b>Two-hand overhand free throw</b>	پرتاب آزاد با دو دست به طوری که بالاتر از سطح شانه‌ها باشد
<b>Two-hand overhead free throw</b>	پرتاب آزاد با دو دست از روی سر
<b>Two hand underhand free throw</b>	پرتاب آزاد با دو دست از پایین
<b>Underhand free throw</b>	پرتاب آزاد با دو دست از پایین
<b>Freeze</b>	۱- سرد شدن، سرد کردن، منجمد کردن، منجمد شدن ۲- تلاشی که تیم حمله کننده در لحظات آخر بازی انجام می‌دهد تا مالکیت توپ را بموسیله وقت کشی تا اتمام وقت حفظ کند ۳- وقت کشی کردن ۴- متوقف کردن، جا گذاشتن (یک حریف با گول) ۵- بی حرکت ایستادن ۶- از ترس بیحس شدن
<b>Freeze out</b>	۱- بیرون کردن از بازی ۲- بیش از حد تأخیر انداختن

<b>Freeze the ball</b>	از حرکت باز داشتن توپ
<b>Freezing the ball</b>	۱- از حرکت باز داشتن توپ جهت تأخیر در بازی ۲- کنترل کردن توپ در محدودیت زمانی بازی
<b>Frequently</b>	بارها، اغلب
<b>Freshman</b>	دانش آموز در اولین سال تحصیلی اش، دانشجوی سال اول دانشکده
<b>Fresh up</b>	تمرین کردن
<b>Fretty</b>	ناراحت، پریشان
<b>Friars</b>	نام تیم بسکتبال دانشکده پرویدنس در پرویدنس که در کنفرانس است بیگ بازی می کند
<b>Friction</b>	۱- پوست رفتگی، سائیدگی (پوست، پا) ۲- ناسازگاری، اختلاف (در تیم)
<b>Friend</b>	یار، همدم، دوست
<b>Friendly game</b>	مسابقه دوستانه، مسابقه خارج از برنامه
<b>Friendship</b>	دوستی، رفاقت
<b>Fright</b>	ترس، هراس، بیم، وحشت
<b>Frog-sit position</b>	طرز نشستن شبیه قورباغه
<b>From the floor</b>	شوت در جریان بازی (به جز پرتاب آزاد)
<b>From way back</b>	از خیلی وقت پیش، از زمان های دور
<b>Front</b>	۱- قسمت جلو، خط اول ۲- چهره
<b>Frontal attack</b>	حمله همه جانبه، حمله ببطرف جلو، حمله در سرتاسر زمین بازی
<b>Front court</b>	زمین حمله، زمین حریف
<b>Front-court player</b>	بازیکن مهاجم
<b>Front cut</b>	۱- برش بازیکن حمله ببطرف توپ قبل از اینکه حریف از او دفاع کند ۲- حرکتی توسط بازیکن حمله کننده که برای فرار از مدافع و دریافت پاس انجام می شود. در این حرکت بازیکن حمله کننده چند قدم به طرف حلقه دویده سپس ناگهان مسیر خود را تغییر داده و ببطرف هم تیمی خود که صاحب توپ است می دود. مسیری را که این بازیکن طی می کند به شکل V بوده و این حرکت را نیز به این اسم می خوانند
<b>Front cut ( middle or inside)</b>	۱- حرکت به سمت توپ قبل از رسیدن مدافع ۲- حرکت تهاجمی با ارسال پاس، انجام حرکت بدون توپ به صورت شکل V و آنگاه حرکت از بین مدافع و توپ به سمت سبد برای دریافت پاس برگشت
<b>Fronted player</b>	بازیکن مهاجم که رو در رو دفاع می شود (به طور معمول بازیکن ساتر در موقعیت پایین)
<b>Fronting</b>	۱- از جلو دفاع کردن ۲- رو در رو از حریف دفاع کردن ۳- اصطلاحی است که در دفاع استفاده می شد. شرایطی را گویند که بازیکن مدافع اجازه نمی دهد هیچکس چه بازیکن خودی و چه حریف مابین او و شخصی که از او دفاع می کند قرار بگیرد
<b>Fronting the post</b>	دفاع از بازیکن پُست در برابر توپ (بستن مسیر پاس به بازیکن پُست)

<b>Front line</b>	خط اول (برای مثال در دفاع منطقه‌ای)
<b>Front line defensive men</b>	بازیکنان مدافع در خط اول به ویژه در دفاع منطقه‌ای
<b>Front line of a zone</b>	خط اول دفاع منطقه‌ای
<b>Front-line zone., back-line man-to-man</b>	دفاع ترکیبی با سیستم منطقه‌ای در خط اول و سیستم دفاع یارگیری (من تو من) در خط دوم
<b>Front man</b>	۱- مدافع در رأس مثلث دفاعی ۲- ایستادن یک مدافع به عنوان اولین نفر در یک آرایش زوج مدافع در خط اول علیه سه مهاجم در ضد حمله ۳- مدافع خط اول
<b>Front page</b>	سرصفحه، مطالب سر صفحه یا سرمقاله
<b>Front pivot</b>	چرخش یا گام برداشتن بمطرف جلو با پای متحرک
<b>Front pivot into the block-out</b>	نفوذ همراه با چرخش یا گام برداشتن بمطرف جلو با پای متحرک و قرار گرفتن در موقعیت ریباند
<b>Front rim</b>	جلوترین قسمت حلقه بسکتبال
<b>Front screen</b>	ایجاد سد (اسکرین) از جلو (بین هم تیمی و حریفی که از او دفاع می کند)
<b>Front-side-back pockets</b>	تمرین؛ چرخش با توپ به جلو، بغل و عقب که بعد از هر چرخش بازیکن در حالت شوت قرار می گیرد
<b>Front sole touch</b>	تمرین؛ لمس کردن کف پا با خم شدن از جلو
<b>Front the opponent</b>	دفاع رو در روی با حریف
<b>Front the post player</b>	دفاع کردن رو در رو از بازیکن ستر
<b>Front turn</b>	رو در روی حلقه قرار گرفتن بعد از تمام شدن حرکت پیوت
<b>In front of</b>	بمطرف بقیپ
<b>Even front</b>	خط اول دفاع منطقه‌ای که شامل تعداد زوج بازیکن می باشد (به طور معمول دو نفر)
<b>Even number alignment</b>	خط اول دفاع منطقه‌ای که شامل تعداد زوج بازیکن می باشد (به طور معمول دو نفر)
<b>Even front defense</b>	دفاع منطقه‌ای با تعداد زوج بازیکن در خط اول
<b>Even front zone defense</b>	دفاع منطقه‌ای با تعداد زوج بازیکن در خط اول
<b>Full man fronting</b>	وضعیت دفاعی با تمام پهنای بدن در جلوی حریف
<b>Half-man fronting</b>	وضعیت دفاعی با نصف پهنای بدن در جلوی حریف
<b>Odd-front</b>	تعداد فرد بازیکنان در خط اول دفاع
<b>Odd-front defense</b>	دفاع منطقه‌ای با آرایش تعداد فرد بازیکنان در خط اول
<b>Odd-front defensive alignment</b>	آرایش دفاع منطقه‌ای با تعداد فرد از بازیکنان در خط اول
<b>Odd-front zone defense</b>	دفاع منطقه‌ای با آرایش تعداد فرد بازیکنان در خط اول
<b>Out front</b>	خارج از خط اول (در دفاع)
<b>Three quarter fronting</b>	وضعیت دفاعی با بیش از یک چهارم پهنای بدن جلوی حریف
<b>Frosh</b>	دانش آموز در اولین سال تحصیلی اش، دانشجوی سال اول دانشکده
<b>Frosh team</b>	تیمی مرکب از بازیکنان جدید و دانشجویان سال اولی
<b>Frozen</b>	از ترس بی حرکت ماندن

<b>Frozen push-ups</b>	حرکت شنا روی زمین با حرکت کنترل شده دست‌ها در حالت خم شدن آنها
<b>Frozen to a spot</b>	بازیکنی که در یک نقطه می‌ایستد، بازیکن کم تحرک
<b>Frustrate</b>	بی اثر یا خنثی کردن، باطل کردن، هیچ کردن
<b>Frustrated</b>	بی نتیجه (مانده)، باطل، بیهوده، عقیم مانده
<b>Fry</b>	آزرده شدن، رنجیدن
<b>F. T. line – (F.T. = free throw)</b>	خط پرتاب آزاد
<b>Fudge</b>	سرهم بندی کردن، طفره رفتن، سنبل کردن
<b>Fulcrum</b>	نقطه اتکا، تکیه‌گاه
<b>Full</b>	۱- کامل، جامع، تمام ۲- سیری، سیر
<b>Full blast</b>	حد اکثر سرعت
<b>Full bloom</b>	تندرستی، صحت مزاج
<b>Full court = Full-court ( Eng.)</b>	سرتاسر زمین، کل زمین بازی
<b>Full court drills</b>	تمرین در سرتاسر زمین بازی
<b>Full-court man-to-man pressing defense</b>	دفاع یارگیری (من تو من) همراه با فشار در سرتاسر زمین بازی
<b>Full-court mentality</b>	تمرکز بر روی کل زمین بازی؛ انتقال سریع از دفاع به حمله و از حمله به دفاع
<b>Full court pass</b>	پاس به طرف هم تیمی در سرتاسر زمین
<b>Full court press ( pressing, pressure)</b>	بازی تهاجمی درگیرانه برضد حریفان در سرتاسر زمین
<b>Full court zone trap</b>	دفاع منطقه‌ای در سرتاسر زمین بازی با ایجاد تله برای حریف مالک توپ (در آرایش دفاعی ۲-۲ یا ۱-۲-۱-۱)
<b>Fullest stretch</b>	کشیدن ماهیچه‌ها با حد اکثر امکان کشش
<b>Full feather</b>	بهترین شرایط، در فرم بودن
<b>Full floor</b>	سرتاسر زمین، کل زمین بازی
<b>Full front</b>	رودر رو دفاع کردن (با کل پهنای بدن)
<b>Full length</b>	تمام قد
<b>Full length of the court</b>	سرتاسر طولی زمین بازی
<b>Full man</b>	۱- پهنای بدن یک بازیکن ۲- دفاع کردن با پهنای بدن (رودر رو دفاع کردن)
<b>Full man fronting</b>	حالت دفاعی با قرار دادن پهنای بدن در مقابل حریف
<b>Full of go ( also: - fight, - guts, - gumption, -steam)</b>	بازیکن پرانرژی، بازیکن قوی مانند بمب افکن
<b>Full of guts</b>	۱- دلیر، باجرات ۲- قوی ۳- بمب افکن
<b>Full of the devil</b>	زیان آور، مضر، مودی
<b>Full ride</b>	پرداخت نا منظم هزینه‌های تحصیلی بازیکنان
<b>Full size</b>	اندازه طبیعی، اندازه با قاعده
<b>Full size regulation court</b>	زمین بازی با ابعاد قانونی (FIBA : 28×15 m :NBA ,NCAA : 94×50 ft = 28.20×15 m =

<b>Full speed</b>	سرعت کامل، حداکثر سرعت
<b>Full stride</b>	گام‌های بسیار بلند (در دویدن بسیار سریع)
<b>Fumble</b>	۱- خام دست، نا آرموده در گرفتن توپ ۲- از دست دادن توپ به خاطر خام دستی، از دست دادن کنترل توپ به‌طور مداوم
<b>Fun</b>	سرگرمی، تفریح، خوشی، مسرت، لذت
<b>Function</b>	عمل، حرکت، اقدام، تأثیر، عمل کردن، کار کردن
<b>Fundamental</b>	اساسی، اصلی، بنیادی، اصولی، مقدماتی
<b>Fundamental drill</b>	تمرین اصول مقدماتی بسکتبال
<b>Fundamental moves</b>	حرکات اصولی بسکتبال
<b>Fundamental purpose</b>	هدف اصولی و اولیه (بسکتبال یا الگوی بازی یا حرکت)
<b>Fundamentals</b>	ابتدایی، اساسی، مفهومی، اصول مقدماتی بسکتبال
<b>Basic fundamentals</b>	اصول مقدماتی مهارت‌های بسکتبال
<b>Breakdown into fundamental procedures</b>	خرد کردن الگو یا نقشه بازی به حرکات اولیه
<b>Defensive fundamentals</b>	اصول مقدماتی بازی دفاعی
<b>Grounded in fundamentals</b>	بازیکن یا مربی با دانش از اصول اولیه بسکتبال
<b>Offensive fundamentals</b>	اصول مقدماتی بازی در حمله
<b>Shooting fundamentals</b>	اصول مقدماتی ضروری برای اجرای شوت خوب
<b>Fund raising</b>	گردآوری پول ضروری برای نیازمندی‌های تیم
<b>Fun drill</b>	نقوین در فضای مفرح
<b>Funk (also: Funkiness)</b>	ترس
<b>Funk-dunk</b>	اسپیک کردن توپ داخل حلقه
<b>Funker</b>	بازیکن ترسو
<b>Funky</b>	نامرد، جبان
<b>Funnel</b>	۱- هدایت کردن توپ، ارسال کردن توپ ۲- هدایت کردن حریف همراه با فشار به یک موقعیت نامناسب
<b>Funnel zone defense</b>	الگوی دفاعی به شکل قیف
<b>Fussed</b>	برانگیخته، تهییج شده
<b>Fusser</b>	منتقد، عیب جو، شاکی





Game tempo	سرعت بازی، آهنگ مسابقه
Game tying	مساوی کردن مسابقه
Game uniform	لباس مسابقه
Game warm-up	لباس مخصوص گرم کردن در تمرین، لباس گرمکن
Game watch	ساعت مخصوص مسابقه بسکتبال (ساعت وقت گذاری که حرکت و ایست آن به اختیار شخص باشد)
Game winning shot	شوت سرنوشت ساز، شوتی که منجر به پیروزی می شود
Game won	مسابقه ی پیروزمانده
Away game	بازی در زمین حریف
Ball Game	۱- هر بازی که با توپ انجام شود ۲- بازی بسکتبال
Ball control game	نوعی بازی که توپ در طولانی ترین مدت ممکن در مالکیت یک تیم باشد
Battle	بازی، مسابقه
Beat the game	مسابقه را بردن، بازی را بردن
Big tilt	بازی یا مسابقه مهم
Blow the game	از دست دادن بازی به خاطر بازی نسنجیده
Breather	بازی آسان، بازی راحت
Cakewalk	بازی آسان، بازی راحت
Call a game	بعنوان داور یک مسابقه را اداره کردن
Catch a game	به بازی توجه کردن
Charity game	مسابقه ای که سود بلوط فروشی آن برای اهداف بشر دوستانه صرف می شود
Cinch	بازی راحت
City game	(یادآوری خاطرات گذشته زمانی که بسکتبال فقط در شهرهای بزرگ بازی می شد)، بازی بسکتبال
Clash	مسابقه، بازی
Classic	مسابقه، بازی
Close game	بازی پایاپای
Close of the game	پایان بازی
Closer	فینال مسابقه یک تورنمنت، مسابقه پایانی تورنمنت
Cold game	۱- بازی راحت ۲- مسابقه از پیش برنامه ریزی شده
Cold shooting night	بازی که در آن شوت های فراوانی هدر رفته باشد
Combat	بازی، مسابقه
Controlled game	استفاده از حداکثر زمان مالکیت توپ و شوت در آخرین لحظات زمان مالکیت و پرهیز از شوت ریسکی قبل از اتمام زمان مالکیت
Control the pace of the game	۱- کنترل آهنگ بازی تیم را در دست گرفتن ۲- تحت کنترل قرار دادن سرعت جریان بازی و کاستن ضرب آهنگ بازی
Course of game	روند بازی، روند رو به رشد بازی

Current trends of the game ( of basketball)	روش های نوین که در بسکتبال بکار گرفته می شود
Delay game	بازی معوقه
Delay the game	سرعت بازی را کم کردن، به تأخیر انداختن بازی، بازی تأخیری
Dope a game	پیش بینی کردن نتیجه بازی
Dream	بازی رؤیایی
Duck soup	بازی راحت
Drop the game	شکست خوردن
Dump	بازی از پیش برنامه ریزی شده
Duplicate game situations	یادداشت بر داشتن از شرایط بازی
Duration of game	زمان بازی
During course of game	در طول زمان بازی
Early game	ضد حمله ثانویه
Easy proposition	بازی راحت
Eject from the game	اخراج کردن از زمین بازی
End of the game	پایان مسابقه
Enter the game	وارد بازی شدن، به بازی پیوستن
Epic tussle	مسابقه یا بازی مهم
Evenly matched game	مسابقه بین تیم هایی که از توانایی یکسانی برخوردارند
Exhibition game	بازی دوستانه که در تقویم مسابقات رسمی نیست
Fast fight	بازی سریع
Fast going	بازی سریع
Fest	مسابقه، بازی
Fight	مسابقه، بازی
Fire the opening game	شروع اولین بازی بگ دوره مسابقه
Fitted event	بازی از پیش برنامه ریزی شده
Fray	بازی، مسابقه
Free lance game	بازی آزاد و ابتکاری در حمله
Friendly game	یک بازی خارج از برنامه، بازی دوستانه
Get the show on the road	شروع کردن بازی
Get-together	بازی، مسابقه
Grandstand play	بازی مهیج، مسابقه مهیج
Great game	بازی مهم، مسابقه خوب
Grudge battle	مسابقه بین حریفان دیرینه (سنتی)
Half court game	بازی تقوینی در نصف زمین بازی (به طور معمول سه در برابر سه)
Hardwood game	بازی بسکتبال

Headline event	بازی یا مسابقه مهم
Home game	بازی در زمین خودی، تیم میزبان
Indoors game	برگزاری مسابقه در سالن
Ingredients of the game	عناصر و عوامل مسابقه
Initial	اولین بازی یک دوره مسابقه
In-season games	مسابقاتی که در خلال مسابقات فصل بسکتبال انجام می‌گیرد
Inside game	بازی در محدوده نزدیک به حلقه
Intrasquad game	بازی تمرینی بین دو گروه از یک تیم
Late game	آخرین لحظات بازی
Late game situations	شرایط و حرکات در آخرین لحظات بازی
Lead game	برتری امتیازی نسبت به حریف (پیش بودن از حریف)
Lead protecting game	حفاظت از برتری امتیازی (حفظ برتری)
Leave the game	زمین بازی را ترک کردن
Lost game	شکست خوردن
Momentum of a game	جنبش بازی، شدت و هیجان بازی
Natural	مسابقه یا بازی پایاپای
Nip-and-tuck battle	بازی پایاپای، مسابقه تقریباً برابر
Nobody hurt	بازی بی اهمیت
Onslaught	بازی، مسابقه
Opener	اولین بازی یک دوره مسابقه
Open fight	بازی پایاپای
Open game	بازی پایاپای
Opening game	اولین بازی یک دوره مسابقه
Open post passing game	الگوی حمله که بر روی پاس‌ها و بدون موقعیت ثابت سانتر استوار باشد
Outdoors game	مسابقه خارج از سالن بسکتبال، بازی در فضای باز
Out game	شکست دادن، مغلوب کردن، غلبه کردن
Packed deal	بازی از پیش برنامه‌ریزی شده
Pssing game	الگوی حمله که بر روی پاس‌ها استوار می‌باشد
Play ball	شروع کردن بازی
Play-by-play	گزارش تفصیلی از بازی
Poor game	بازی ضعیف
Post-game meal	یک وعده غذا در آمریکا که برای بعد از بازی سفارش می‌شود که ممکن است شبیه غذایی که قبل از بازی همراه مقدار زیادی نوشیدنی سرو می‌شود باشد
Post game mental warm-down	کاهش یا تمدد هیجان بعد از مسابقه
Post-game report	گزارش مسابقه

Post-game day	روز پیش از مسابقه
Pre-game drills	گرم کردن قبل از بازی با تمرینات کششی
Pre-game meal	غذای قبل از مسابقه (در آمریکا ۲ تا ۳ ساعت قبل از مسابقه سفارش می شود، که شامل اسپاگتی، سیب زمینی پخته، سبزیجات و آب میوه (بدون گوشت و غذاهای سرخ شده)
Pre-game mental warm-up	آمادگی جسمانی و روحی بازیکنان قبل از بازی
Pre-game pep talk	گفتگوی روحیه بخش قبل از بازی با بازیکنان
Pre-game warm-up	گرم کردن قبل از بازی، تمرینات آماده سازی بازیکنان قبل از بازی
Preliminary game	مسابقه مقدماتی، مسابقه ای قبل از بازی اصلی، بازی انتخابی برای مسابقه اصلی
Pro-game	مسابقه بسکتبال حرفه ای
Progress of the game	روند رو به رشد بازی، روند بازی
Pushover	بازی راحت
Restart a game	دوباره احیا کردن بازی، دوباره به دست گرفتن بازی
Result of the game	نتیجه نهایی
Road game	بازی که بعد از مسافرت به شهر حریف انجام می گیرد، مسابقه در خانه حریف
Row	مسابقه، بازی
Rules of the game	قوانین مسابقه
Rush	مسابقه بین دو گروه دانش آموز
Scheduled game	برنامه مسابقات، مسابقات قهرمانی و مسابقات دوره ای
Scramble	مسابقه، بازی
Scrap	مسابقه، بازی
"Semi-delay" game	تا حدی از سرعت بازی کاستن
Session	مسابقه، بازی
Set over	بازی آسان، بازی راحت
Sew up the game	قاطعانه پیروز شدن، کسب عنوان قهرمانی پیش از پایان مسابقات
Signal for the end of the game	علامتی که نشان دهنده پایان بازی است (معمولاً علامت سمعی)
Simulate game conditions	شبیه سازی شرایط مسابقه
Sizzler	بازی سریع
Skirmish	مسابقه، بازی
Sleep-game	بازی خسته کننده، کسل کننده
Slow down game	به تأخیر انداختن بازی، بازی بھویقی
Slowing down the game	به تأخیر انداختن بازی
Smash hit	بازی عالی
Soft assignment	بازی آسان، بازی راحت

Sortie	مسابقه، بازی
Spirit of game	روح واقعی بازی
Square the game	مساوی شدن بازی
Stall game	مسابقه معوقه
Start of the game	شروع یک بازی
Step to the game	سرعت دادن به بازی
Stiff fight	بازی سخت
Stop the game	متوقف کردن بازی، قطع کردن بازی
Tight battle	بازی پایاپای
Tight game	بازی پایاپای
Tight performance	بازی خوب
Tight squeeze	بازی پایاپای
Title game	بازی پایانی
Title go	بازی پایانی، فینال
Title scramble	بازی پایانی
Tossup	بازی پایاپای
Tough assignment	بازی سخت
Toughie	بازی دشوار برای پیروز شدن
Transition game	تغییر بازی از حمله به دفاع یا برعکس (بازی انتقال)
Try	مسابقه، بازی
Tryout	بازی تمرینی
Tungle	مسابقه، بازی
Tussle	مسابقه، بازی
View of the game	تصویر یا عکس از بازی
Well officiated game	مسابقه با قضاوت خوب داورها
Well worked game	مسابقه با قضاوت خوب داورها
Whirlwind mix	بازی سریع
Whiz bang	بازی سریع
Wide-open game	طنبی پایاپای، بازی که هر کدام از گروه‌ها می‌تواند برنده باشد
Win the game	پیروز شدن در مسابقه، حریف را شکست دادن
Woozy game	مسابقه معمولی، متوسط
Work a game	۱- شرکت کردن در بازی ۲- اداره کردن بازی، بمعنای داور، مسابقات را اداره کردن
Gamy	دلیر، پرجرات
Gander a team	ارزیابی حریف آینده
Gang	۱- حمله دو نفری ۲- تیم ۳- تعداد

Gang up	جمع شدن، گرد هم آمدن
Gang up on	متحد شدن، یکی شدن، شریک شدن، پیوستن
Gang up on the dribbler	ملحق شدن هم تیمی به منظور حمله علیه حریف مالک توپی که در حال دریبل زدن باشد
Gang up with	متحد شدن، یکی شدن، شریک شدن، پیوستن
Gap	شکاف، رخنه، فاصله (در دفاع منطقه‌ای یا فاصله بین مهاجم و مدافع)
Gap in the zone	شکاف بین دفاع، شکاف بین دفاع منطقه‌ای
Gap zone attack	حمله علیه دفاع منطقه‌ای که بیشتر شکاف بین فضای تحت مسئولیت مدافعان را هدف قرار می دهد
Garbage man ( player)	بازیکنی که به طور کلی از ریاندهای حمله امتیاز کسب می کند؛ هم چنین این واژه برای بازیکنی که فقط در موقعیت نزدیک به حلقه بدون مقاومت حریف شوت می زند استفاده می شود
Garbage time	۱- هدر دادن زمان بازی در هنگام بازی ۲- پایان بازی با اختلاف زیاد ب ه سود یک تیم
Garden	مجتمع ورزشی که در آن سالن بسکتبال هم وجود داشته باشد
Gasper	چیزهای مهیج یا شورانگیز
Gate	۱- حضور در بازی ۲- درآمد حاصل از فروش بلیط
Gather step	اجرای گول با گام‌ها، فریب با گام‌ها
Gators (abbr. of Alligators)	نام تیم بسکتبال دانشگاه فلوریدا در گین سیول، که در کنفرانس جنوب شرقی بازی می کند
Gaudy	زرق و برق دار، جلف (شبییه لباس)
Gauge	برآورد کردن، قابلیت چیزی را سنجیدن، اندازه گرفتن
Gay bird	بازیکن بشاش و سرحال
Gear	آماده کردن، اداره کردن
Generally	به طور معمول، به طور کلی، در کل، به طور عموم
Generating the force	تشدید قدرت در بازی با فشار آوردن و مصرف بیشتر انرژی از سوی بازیکنان
Get	دریافت کردن، به دست آوردن، کسب کردن
Get all wrong	اشتباه فهمیدن، درست نفهمیدن
Get a clutch on(also:-one's hooks on )	گرفتن
Get acquainted talk	سخنرانی آموزشی یا مقدماتی
Get across	متوجه کردن، فهماندن
Get ahead	جلو افتادن، پیش رفتن
Get a move on	عجله کردن
Get an out(also : - the boot, - the hook,- the push )	تیپا خوردن، بیرون رفتن
Get around	پیش افتادن از، بهتر بودن از، تفوق جستن

Get a shot	بهدست آوردن فرصت یک شوت
Get a shot away	پرتاب توپ بهطرف حلقه
Get away	کنار رفتن، خود را کنار کشیدن، بیرون کشیدن، عقب کشیدن، عقب نشینی کردن
Get away closer	نزدیک تر شدن
Get away with a murder	انجام خطا و نقض آشکار قانون (خطای غیر ورزشی) بدون تنبیه شدن
Get away with it	خطای بدون تنبیه
Get away with ( something)	خطای بدون تنبیه
Get back in shape	باز یافتن، بهبود یافتن، دوباره بهدست آوردن
Get by	نگهداری کردن، از شکست و یا حادثه جلوگیری کردن ، پیش رفتن ، مخفیانه پیشروی کردن
Get close	نزدیک شدن، پیش آمدن
Get cracking on	سخت تلاش کردن
Get down the court	دویدن در مسیر حلقه
Get down to brass tacks	پرداختن به اصل مطلب، حاشیه نرفتن، سراصل قضیه رفتن
Get even ( with)	از کسی انتقام گرفتن، تلافیش را سر کسی در آوردن، تصفیه حساب کردن
Get fouled	متحمل خطا شدن
Get free	خود را از دفاع حریف آزاد کردن
Get going	شروع کردن
Get hurt	تحمل کردن مصدومیت
Get in line ( with )	موافقت کردن، قبول داشتن، موافق بودن
Get into a hole( also : -a spot, - the soup)	به مشکل برخوردن (در خلال بازی)
Get it back	باز پس گرفتن توپ
Get loose	خود را آزاد کردن از دفاع حریف
Get off	منحرف شدن، کنار رفتن
Get off the dime	وقت تلف کردن در زمین
Get off the pass	پرتاب توپ به طرف هم تیمی (بخصوص زمانی که دفاع نزدیک باشد)
Get off to a good start	بازی را خوب شروع کردن
Get one for	تغذیه شدن با پاس برای اجرای شوت
"Get one for" weave	بازی پیچشی یا تقاطعی که با پاس منجر به گل برای شوت خاتمه می یابد.
Get on glass	ریباند کردن
Get on the job	آگاه شدن، مطلع شدن
Get open	بهدست آوردن موقعیت آزاد (بدون مدافع)
Get organized	آرام شدن
Get out from under	۱- رهایی یافتن از مشکلات ۲- جبران کردن امتیاز از دست رفته تیم

Get over	نفوذ کردن
Get psyched out	تسلیم فشار روحی شدن
Get rebound position	دست یافتن به یک موقعیت مطلوب ریباند
Get squared for hoop	رودر روی حلقه قرار گرفتن
Get the ax [Ax (Am) = Axe (Eng.)]	اخراج شدن
Get the ball off a steal	بهدست آوردن توپ از یک توپ ربایی
Get the drift?	متوجه شدید؟ فهمیدید؟
Get the jump	پیش افتادن از حریف
Get the lead out	پایان دادن به تنبلی و شروع به کار
Get the long end	برتری داشتن، مزیت داشتن
Get the needle	عصبانی شدن، از کوره در رفتن
Get the nod	علامت تعویض بازیکن توسط مربی
Get the picture (also: -the sketch)	درک کردن، فهمیدن
Get the rocking chair	بازنشسته شدن
Get the shot off fast	سریع بودن در بهتاب توپ بمطرف حلقه، سریع بودن در شوت
Get the show on the road	شروع کردن بازی، شروع کردن مسابقه
Get through	نفوذ کردن
Getting back on defense	برگشتن به حالت دفاعی در زمین خودی بعد از دست دادن توپ
Getting flat	حالت دفاعی با دست های باز، کف دست به طرف بالا و وادار کردن بازیکن درپیل کننده به حرکت به سمت کناره های زمین
Getting no place fast	پیشرفت کمی داشتن یا پیشرفت نکردن
Getting open	رهايي یافتن از دفاع
Getting open off the screen	رهايي یافتن از دفاع به واسطه یک اسکرین
Get-together	مسابقه، بازی
Get to the glass	نزدیک شدن به حلقه
Get up and go	بلند شو از روی نیمکت و وارد زمین شو (دستوری که از طرف مربی به بازیکن ذخیره داده می شود)
Get up the court	حرکت کردن در مسیر حلقه ی حمله
Get within sight	نزدیک شدن
Ghost ( shooting drill)	تمرین رقابتی شوت بین دو بازیکن؛ هر نوع شوت توسط یک بازیکن اجرا می شود و بازیکن رقیب این شوت را تکرار می کند برای هر تویی که گل می شود یکی از حروف Ghost نوشته می شود هر بازیکنی که زودتر این کلمه را تکمیل کند برنده این بازی می باشد
Ghost-write	بهجای شخص دیگری نوشتن
Giant	شخص بسیار بلند، غول پیکر
Giant killer	بازیکنی که حریف قوی تر از خودش را شکست می دهد



Giant step	گام بسیار بلند، قدم بسیار بلند
Gift	۱- هدیه ۲- پرتاب آزاد
Gift circle	دایره پرتاب آزاد
Gift line	خط پرتاب آزاد
Gift shot	پرتاب آزاد
Gin around	سگک دو کردن، بیهوده دویدن
Give	دادن، واگذار کردن، ارایه دادن
Give a bad time	حریف را در موقعیت بدی قرار دادن
Give a big hand	هورا کشیدن، کف زدن، تشویق کردن
Give a dirty deal	غیر منصفانه رفتار کردن
Give a hand	تشویق کرن، کف زدن
Give a heavy play	خوب بازی کُودن، مؤثر بازی کردن
Give all	نهایت تلاش خود را کردن
Give an arm	کمک کردن، مساعدت کردن
Give and go	پاس دادن و دویدن بمطرف حلقه (حرکتی که برای اولین بار توسط مربی نات هالمن توضیح داده شد)
Give-and-go away	پاس دادن و دویدن در مسیر دیگر
Give and go behind	پاس دادن توپ و دویدن به پشت دریافت کننده
Give-and-go cut	پاس دادن و دویدن بمطرف حلقه بعد از پشت سر گذاشتن مدافع
Give-and-go weave	حمله پیچشی با استفاده از حرکات بده و برو
Give a prep (also: prepping)	تعلیم دادن، تربیت کردن، مربیگری کردن
Give a roasting	انتقاد کردن
Give a target	دراز کردن دست با کف دست باز به منظور نشان دادن آمادگی برای دریافت پاس
Give-away basket	امتیاز کسب کردن حریف به علت بی دقتی بازیکن خودی
Give hell	مؤاخذه کردن، سرزنش کردن
Give one	خطا بر روی حریفی که در موقعیت مناسب بر ای کسب امتیاز قرار داشته باشد به امید اینکه در هنگام پرتاب آزاد یکی از پرتابها را از دست بدهد
Giver	بازیکن فداکار
Giver-upper	بازیکنی که به راحتی تسلیم می شود
Give the ax (also:-the bag,-the fluff,-the gate,-the gone,-the shake)	اخراج کردن، بیرون کردن، خالی کردن، تخلیه کردن
Give the baseline	رها کردن خط عرضی برای حریف
Give the brush-off	حذف کردن، کنار گذاشتن
Give the lough ( also : hors-lough, - rasp-berry)	مسخره کردن
Give the nod	علامت دادن ذخیره برای وارد شدن به بازی

Give the shakes	ترساندن
Give the stall	تأخیر انداختن در بازی
Give trouble	ارایه یک بازی محکم در برابر حریفان
Give up	دست برداشتن، چشم پوشیدن، تسلیم شدن
Give up the body	ایستادن در مسیر حریف مالک توپ که خطای شارژ را در بر خواهد داشت
Give up the shots	اجازه شوت به حریف دادن
Glaring weakness	ضعف آشکار در بعضی از مهارت‌ها
Glass	تخته بسکتبال
Glass arm	دست، بازوی ضعیف
Glide	به نرمی حرکت کردن، سُر خوردن، تنه زدن، هُل دادن، جابجا کردن
Glider	۱- هواپیمای بدون موتور ۲- شوت یک دست در حال دویدن ۳- شوت جفت یک دست از فاصلع دور نسبت به حلقه
Glide step	حرکت پا، به سرعت سُر خوردن
Globe	توپ (کره زمین)
Glue	چسب
Glued	چسبیده
Glue-finger	بازیکن دست و پا چلفتی، ناشی
Go	حرکت کردن، قدم زدن، جلو رفتن، دویدن
Goal	هدف، سبد، حلقه، گل
Goal average	گل آوازه، گل شماری (نسبت امتیاز به دست آمده در برابر امتیاز از دست رفته)
Goal difference	اختلاف بین امتیازهای به دست آمده و امتیازهایی که از دست رفته (به وسیله تفریق)
Attack the goal	۱- پرتاب به طرف حلقه ۲- برش کردن به طرف حلقه
Field goal	کسب امتیاز از یک حرکت در زمین بازی
Field goal percentage	درصد پرتاب‌های موفق در طول بازی
Make a goal	کسب کردن امتیاز
Portable basketball goal	حلقه متحرک
Rebound goal	اجرای شوت با توپی که از ریباوند به دست آمده
Set team goals	معین کردن اهداف تیم (برای یک مسابقه یا کل فصل)
Shoot for the goal	پرتاب توپ به طرف حلقه
Try for field goal	تلاش برای شوت کردن در پی یک حرکت در زمین بازی
Visible goal	حلقه در میدان دید
Zone the goal	به کارگیری سیستم دفاع منطقه‌ای در زیر حلقه
Goalie	بازیکنی که مسئول جلوگیری از پاس حریف، به پشت مدافعان تیم خود در زمان انتقال بازی از حمله به دفاع باشد

Go all out	نهایت تلاش خود را کردن
Go all the way	رفتن یا برخاستن بمطرف حلقه
Go ( all ) to pieces	عصبی شدن، دلسرد شدن
Goal made	کسب امتیاز
Go along with	همکاری کردن
Goal not made	از دست دادن امتیاز، هدر دادن گل
Goaltending	۱- مطابق با قوانین ان. بی. ای تلاش غیر قانونی مبنی بر زدن توپی که در حال رفتن به داخل حلقه یا توپی که بعد از خوردن به تخته در حال افتادن داخل حلقه و یا توپی بعد از غلتیدن روی حلقه در حال افتادن داخل حلقه ، خطا محسوب می شود ۲- مطابق با قوانین ان. بی. ای تلاش غیرقانونی مبنی بر زدن توپ روی حلقه با سر انگشتان خطا محسوب می شود ۳- لمس کردن توپ یا حلقه زمانی که توپ روی حلقه حریف باشد
Goat	توپ راتوأم با چرخ کامل در هوا داخل حلقه اسپک کردن
Go a zone	تغییر دادن دفاع منطقه ای
Go bad	مریض شدن
Go bang	به زمین خوردن، افتادن
Go baseline	حرکت کردن بمطرف خط عرضی، رفتن ب ه طرف حلقه در امتداد خط عرضی
Gobblers	نام تیم بسکتبال انستیتو ویرجینیا تیچ بلاکس برگ که در کنفرانس مترو آتلنتیک بازی می کند
Go big	۱- پیروز شدن مسابقه ۲- مشتاق بودن، علاقه مند بودن
Go coast-to-coast	بهدست آوردن توپ در ریاند دفاع، دریبل آن در امتداد طول زمین بازی بمطرف حلقه حریف برای کسب امتیاز (این حرکت توسط بازیکن معروف مجیک جانسون اجرا می شد)
Go double-quick	سریع رفتن
Go down fighting	شکست خوردن در مسابقه ای که تمام وقت برای آن تلاش شد
Go downhill	ضعیف شدن، سست شدن
Go for	۱- مورد تکیه بودن، مورد توجه بودن ۲- مورد حمله قرار دادن ۳- کوشش کردن، تلاش کردن
Go for the ball	۱- حرکت کردن برای به دست آوردن توپ ۲- تقلا کردن برای ه دست آوردن توپ از دست رفته
Go get the ball	حرکت کردن برای ریاند
Go great guns	با قدرت بازی کردن
Go head over heels	سریع رفتن
Go high-nose	خودبین بودن، مغرور بودن
Go in for	به عهده گرفتن، متعهد شدن

Going "ball-side" on a screen	از بالای اسکرین حرکت کردن؛ رفتن بین بازیکن مالک توپ و بازیکن کننده آن
Going "man-side" on a screen	از بالای اسکرین حرکت کردن؛ از بین اسکرین کننده و یار مهاجم رد شدن (پرهیز از پیک شدن و چسبیدن به یار و با او حرکت کردن به هنگام پیک) این اصطلاح توسط استیو فیشر مربی دانشگاه میچگان و در تابستان ۱۹۹۰ مورد استفاده قرار گرفت
Going over the top( of the screen)	حرکت دفاعی به هنگام اسکرین شدن که در آن بازیکنی که اسکرین شده، بدن خود را جمع کرده و ضمن پرهیز از پیک شدن، با یار مهاجم خود باقی می ماند
Going strong	۱- ضعیف نشدن در هنگام بازی، افت نکردن در هنگام بازی ۲- در سلامتی کامل
Going to the floor	شیرجه زدن برای توپ از دست رفته یا توپ بدون صاحب
Going under the screen	۱- حرکت به عقب و فراهم کردن فضا برای عبور از وسط اسکرین؛ زمانی که حرکت از بالای اسکرین غیر ممکن است، این فضا در اختیار یار خودی قرار می گیرد تا با عبور از بین بازیکن پیک شده و یار مهاجم از او جا نماند ۲- نزدیک ماندن نسبت به یاری که در حال پیک شدن است
Go into	نفوذ کردن، وارد شدن
Go into retreat	حمام رفتن، دستشویی رفتن
Go it alone	تکروی کردن
Go it blind	حدس زدن
Golden Bears	نام تیم بسکتبال دانشگاه تنسی تیچ در کوک ویل که در کنفرانس بسکت تن بازی می کند
Golden Eagles	۱- نام تیم بسکتبال دانشگاه کالیفرنیا در برکلی که در کنفرانس اوهایو ولی بازی می کند ۲- نام تیم بسکتبال دانشگاه میسی سی پی جنوبی در هتیسبرگ که در کنفرانس مترو آتلنتیک بازی می کند
Golden flashes	نام تیم بسکتبال دانشگاه کنت استیت در کنت که در کنفرانس مید آمریکن بازی می کند
Golden Gophers	نام تیم بسکتبال دانشگاه مینوسوتا در مینیاپولیس که در کنفرانس بیگ تن بازی می کند
Golden Griffins	نام تیم بسکتبال دانشگاه کنیسز در بوفالو که در کنفرانس مترو آتلنتیک آتلنتیک بازی می کند
Golden Hurricane	نام تیم بسکتبال دانشگاه تالزا در تال زا که در کنفرانس میسوری ولی بازی می کند
Go like	تقلید کردن، پیروی کردن
Gone case	ناامیدی
Gone cold	شرایطی که شوت های یک بازیکن یکی بعد از دیگری به هدر می رود

Gone out of this world	عالی، ممتاز
Goner	شکست، واماندگی، در ماندگی
Gone to staves	خسته جسمی
Gone to sticks	خسته جسمی
Gong	۱- زنگ ساعت، ناقوس ۲- زنگی متشکل از کاسه و چکشی که آهسته بر آن می‌زنند
Good and ready	آماده، مجهز
Good as anything ( also : -the devil, -hell)	عالی، ممتاز
Good call	قضاوت عادلانه داور
Good coverage	خوب دفاع کردن از حریفان
Good depth	تیمی با ذخیره‌های خوب
Good egg	بازنده سرافراز
Good fellow	بازنده سرافراز
Good hands	دست‌های ماهر، زبردست
Goodie	برنده احتمالی
Good job	۱- مسابقه‌ای که داور آن خوب قضاوت کرده باشد ۲- مسابقه دیدنی
Good jump stop	متوقف شدن مناسب بر روی دو پا در یک زمان و به شکل موازی؛ کپل پاجین، پاها بصورت موازی، سرمتایل به عقب، پاها به اندازه عرض شانه‌ها باز و بصورت نیم خم
Good luck	کامیابی، موفقیت، خوش بختی
Good natured heckling	ایجاد مزاحمت و سد از سوی هم تیمی‌ها در خلال تمرین برای ایجاد شرایط مشابه مسابقه
Good percentage area	قسمتی از زمین بازی که درصد احتمال کسب امتیاز از شوت زیاد می‌باشد
Good rhythm	مجموعه شوت‌های خوب
Good shape	شرایط بدنی خوب بازیکن، در فرم بودن بازیکن
Good shooting night	مسابقه‌ای با شوت‌های موفق
Good shot	شوت‌هایی که به امتیاز تبدیل می‌شود
Good size	بازیکن با اندامی متناسب (بلند، قوی خوش قواره)
Good sized lead	پیش افتادن از حریف و کسب حاشیه امنیت در بازی
Good sport	بازنده سرافراز
Good stance	طرز ایستادن مناسب در زمین بسکتبال؛ پاها به طور بسیار راحت به اندازه عرض شانه‌ها از هم باز، زانوها تا اندازه‌ای خم، بدن متایل به جلو
Good teacher	مربی با توانایی بالا در آموزش دادن
Good team spirit	تیمی که در کار گروهی موفق باشد
Goof	ذخیره‌ای که برای مدت زلز در زمین نمی‌ماند (تنبلی)
Go off	بیرون رفتن

Go off with a bang	با تمام سرعت شروع کردن
Goof off	۱- اشتباه فاحش کردن ۲- ول گشتن، وقت تلف کردن
Go on better	پیشی گرفتن از
Go on with the dance	ادامه دادن، دنبال کردن
Goose egg	امتیاز صفر در بازی، امتیاز صفر روی تابلوی مسابقه
Goosy	بسیار عصبانی
Go over the screen	رفتن در رأس ایجاد سد (اسکرین)
Go over the top of the screen	حرکت از بین اسکرین کننده و یار مهاجم به هنگام بیک شدن
Go right into a different play	تغییر به سرعت الگوی بازی
Go strong	۱- سریع رفتن ۲- راضی کردن، خشنود کردن، قانع کردن
Go through	برش کردن از بین حریفان، نفوذ کردن
Go to but for ( someone)	به دیگران کمک کردن، دیگران را حمایت کردن
Go to Halifax	برو گم شو
Go to the fire and fight out	حرکت دفاعی که با وارد شدن در منطقه تهدید نزدیک به حلقه و انتخاب یک حریف به منظور از کار انداختن او در آنجا بکار گرفته می شود
Go to the floor for a loose ball	شیرجه زدن روی زمین برای توپ بدون صاحب یا سرگردان
Go to the glass	تلاش کردن برای ریباند
Go to the options	بکارگیری انواع مختلف بازی
Go to the rack	بمطرف حلقه رفتن
Go underneath	حرکت کردن، دویدن یا پرش کردن بمطرف موقعیت پانچن، حرکت کردن زیر حلقه، حرکت کردن بمطرف خط عرضی نزدیک حلقه
Go under the knife	تحت عمل جراحی قرار گرفتن
Go up	پریدن
Go up against	مسابقه دادن، رقابت کردن با، مبارزه کردن با
Go up for a shot	پریدن برای شوت، شوت جفت
Governers	نام تیم بسکتبال دانشگاه آستین پی استیت در کلاسلویل که در کنفرانس اوهایوولی بازی می کند
Go wild	بازی خوب
Give-and-go	پاس دادن و بمطرف حلقه برش کردن
Give-and-go away	پاس دادن و در مسیر دیگر دویدن
Give-and-go behind	پاس دادن و از پشت سر حریف برای دریافت توپ گذاشتن
Give and cut	پاس دادن و برش بمطرف حلقه بعد از جا گذاشتن حریف
Give-and-go weave	حمله پیچشی یا متقاطع با استفاده از حرکات بده و برو
Pass-and-go	پاس دادن و بمطرف حلقه برش کردن
Pass-and-go away	پاس دادن و در مسیر دیگر دویدن
Pass-and-go behind	پاس دادن و برای دریافت توپ از پشت سر حریف گذاشتن

Grab	گرفتن، چنگ زدن، قاپیدن، (با دست)
Grab a hold of	گرفتن، قاپیدن
Grabber	بازیکن حریم
Grab the lead	برتری یافتن
Grab the rim	گرفتن حلقه بسکتبال
Grace	جذابیت، دلربایی، خوش اندامی
Grace of movement	در حرکات هماهنگی داشتن
Grace the bench	ماندن روی نیمکت در هنگام بازی، ذخیره
Grad	فارغ التحصیل، دانش آموز فارغ التحصیل
Grade	۱- پایه، درجه، مرحله ۲- کیفیت ۳- جور کردن، منظم کردن، درجه بندی کردن، دسته بندی کردن
Grade "A" Cream	بهترین، شایسته ترین
Grad "B" Cream	فرعی، کمکی، ثانوی
Grade school	مدرسه ابتدایی
Grand	۱- بزرگ ۲- باشکوه
Grandstand	جایگاه تماشاگران در میدانی ورزشی
Grandstander	۱- تماشاگری که مربی و بازیکن را آگاهی یا مشورت می دهد ۲- بازیکنی که بیشتر برای خشنودی تماشاگران بازی می کند تا تیم
Grandstand play	۱- بازی مهیج ۲- بازی جهت جلب رضایت تماشاگران
Grandstand player	۱- تماشاگری که مربی و بازیکن را آگاهی یا مشورت می دهد ۲- بازیکنی که بیشتر برای خشنودی تماشاگران بازی می کند تا تیم
Grant	۱- دادن، بخشیدن ۲- کمک هزینه تحصیلی ۳- اهدا، بخشش
Grant a time out	درخواست زمان اوت، درخواست تایم استراحت
Grapplers	انگشتان
Grappling	کشمکش، درگیری
Grasp	گرفتن، چنگ زدن، قاپیدن (با دستها)
Grasping	قاپیدن، به چنگ آوردن، در اختیار گرفتن توپ
Grasp the basket	گرفتن حلقه بسکتبال
Grasp the crown	پیروز شدن در مسابقه قهرمانی
Grass	ماری جوانا، حشیش
Grease	عرق بدن، کارسخت، عرق ریزی
Greased lighting	بازیکن بسیار سریع
Grease spot	بعضی چیزهای ضعیف، متوسط
Great	۱- بزرگ، عظیم، کبیر ۲- مهم، برجسته ۳- ممتاز، عالی ۴- بازیکن مشهور ۵- موفق
Great big	غول پیکر، عظیم الجثه

Great coach	تمرین دهنده برجسته
Great game	مسابقه مهم، مسابقه خوب
Great player	بازیکن برجسته، بازیکن مشهور
Great shape(also: ado)	شرایط ایده آل
Great shooter	بازیکن با قابلیت های برجسته در شوت
Green	جوان و بی تجربه
Green as grass	بی تجربه
Green pea	دانشجوی سال اول دانشکده یا دانشگاه
Green wave	نام تیم بسکتبال دانشگاه تولان در نیوآرلینز که در کنفرانس مترو آتلانتیک بازی می کند
Greet a pass	حرکت کردن برای دریافت پاس
Grey	۱- خاکستری ۲- مات، کم رنگ
Grey area	قسمتی از زمین بازی خارج از محدوده دید داور
Greybeard	بازیکن کهنه کار
Grievance	شکایت، نارضایتی
Grill	تمرین، ورزش
Grind	۱- مریبگری کردن، تعلیم دادن ۲- کار سخت
Grinder	مربی، معلم مقرراتی
Grip	(با دست ها) گرفتن، چنگ زدن
Grizzled vet	بازیکن کهنه کار
Grizzlies	نام تیم بسکتبال دانشگاه مونتانا در می سولا که در کنفرانس بیگ اسکای بازی می کند
Grit	بنیه، طاقت، توان، استقامت
Gritlesness	بزدلی، ترسویی، کم رویی
Groom	۱- مریبگری کردن، تمرین دادن ۲- مرئی
Ground	زمین بازی، کف زمین، میدان
Grounded in fundamentals	شخصی با دانش بالا در اصول مقدماتی بسکتبال، بازیکن با توانایی در اصول پایه
Group	گروه، دسته، جمعیت، انجمن
Group discipline	کنترل و اداره تیم
Grouping	گروه بندی، دسته بندی
Group of set plays	تعدادی الگو یا نقشه حمله بازی
Grow a gut	چاق شدن
Growler	شکم غرغر کننده
Grudge	کینه، غرض، انزجار
Grudge battle	مسابقه بین حریفان دیرینه



Gruesome	ضعیف، متوسط
Guard	۱- دفاع کردن، محافظت کردن، پوشش دادن ۲- بازیکن مدافع، بازیکن محافظ، بازیکنی که حریف را محافظت می کند ۳- میچ بند، زانو بند
Guard around play	بازی همراه با دفاع حریف در سرتاسر زمین بازی
Guard cold	دفاع کردن به منظور بیرون کردن یک حریف از جریان بازی
Guard cross	حرکت متقاطع و ضربجوی گارد ها
Guarded	حفاظت شده
Guarded player	بازیکن حفاظت شده
Guard from the rear	پوشش دادن حریف از پشت سر او
Guarding	پوشش حریف
Guarding dribbler	دفاع در برابر حریفی که دربیبل می کند
Guarding man with ball	پوشش حریف مالک توپ
Guarding man without ball	پوشش حریف بدون توپ
Guarding out-of-bounds player	دفاع در برابر حریفی که توپ را از خارج زمین پرتاب می کند
Guarding pivot man	دفاع از بازیکن سانتر
Guarding position	موقعیت دفاعی، موقعیت پوششی
Guardplay	حرکات بازیکن توپ پخش کن ۲- هدایت کردن بازی توسط توپ پخش کن
Guard the opponent	پوشش دادن حریف
( The) Guard through	پاس گارد و حرکت او بمطرف حلقه
(Guard to forward pass	پرتاب توپ توسط گارد بمطرف فوروارد (در شروع بازی حمله)
Guard to guard cross	حرکت متقاطع و ضربداری گاردها
Guard to guard pass	پرتاب توپ توسط گارد به گارد دیگر (در شروع یک بازی حمله)
Back guard	مدافع در موقعیت عقب زمین، بازیکن توپ پخش کن در موقعیت عقب زمین
Close guard	پوشش توأم با فشار، دفاع نزدیک
Closely guarded	پوشش همراه با فشار، دفاع نزدیک
Cut behind guard	برش از پشت سر حریف مدافع
Left guard	بازیکن گارد طرف چپ
Right guard	بازیکن گارد طرف راست
Tight guarding	پوشش بسیار نزدیک از حریف، دفاع محکم
Unguarded player	حریف آزاد، بدون محافظت
Guess	حدس زدن، حدس، گمان
Guesser	۱- داور ۲- شخصی که نتایج را پیش بینی می کند
Guesseteer	شخصی که نتایج رویدادهای ورزشی را پیش بینی می کند
Guide	راهنمایی کردن، رهبری کردن

Guide hand	دست آزاد در شوت یک‌دست که به هدایت و کنترل توپ و ایجاد توازن کفک می‌کند
Guide-line	علامت، نشانه، راهنما
Guilty	مقصر، محکوم، گناهکار
Gummed card	برنامه نامطلوب مسابقات
Gunboats	پاهای بزرگ
Gun for the crown	مسابقه یا رقابت برای قهرمانی
Gunner	بازیکنی که بدون در نظر گرفتن به هدر رفتن توپ اقدام به پرتاب می‌کند، بازیکنی که بمحض دریافت توپ اقدام به شوت می‌کند
Guns on the table	بازی شرافتمندانه، بازی جوانمردانه
Cut	محدوده نزدیک حلقه، محدوده شوت
Gut pass	پاس بچپرف محدوده حلقه، بچپرف محدوده شوت
Guts	۱- شجاعت، جرأت ۲- بنیه، توان، استقامت ۳- نیرو، قدرت
Guttier	۱- بسیار شجاع ۲- قوی
Gutty	شجاع، دلیر
Gym	سالن بسکتبال
Gymnasium	سالن بسکتبال
Gymnastics	تمرینات جسمانی، تمرینات بدنی، نرمش‌های سوئدی

HHHHHHHHHHHHHHHHHHHHHHHHHHHHHH H	
Habit	عادت، خو، رسم
Habit forming	اعتیاد آور، شکل گیری عادت
Hack	زدن، ضربه زدن، ضربه خطای دست به بازوی حریف، خوردن، اصابت
Hacking	خطای بدنی، زدن مچ یا ساعد حریف ب ه صورت غیر قانونی (به طور معمول در هنگام شوت)
Hack up	شکست دادن حریف، از پای در آوردن حریف
Hail Mary shot	۱- امتیاز بدهست آمده از یک پرتاب توپ که ناشی از دعا و استغاثه باشد. ۲- پرتاب توپ به داخل حلقه از یک فاصله دور در آخرین لحظات بازی به منظور تعیین امتیاز نهایی دو تیم ۳- تویی که بعد از بالا و پایین پریدن روی حلقه به طور معجزه آسا وارد حلقه بسکتبال شود.
Half	نصفه، نیم، سو، طرف، نیمه نخست
Half a chance	شانس برابر
Half-a-man	نیمی از پهنای بدن بازیکن
Half-baked(also: - locked)	آمادگی نسبی، آمادگی غیر کافی
Half body turn in the air	چرخش بدنی به هنگام فرود آمدن پس از دریافت ریباند ب ه طوری که بازیکن قادر شود همه بازیکنان را زیر نظر داشته باشد؛ بازیکن پس از انجام ریباند رو به سبد دفاعی است، بنابراین لید به هنگام فرود بدن خود را به سمت زمین بازی بچرخاند تا بتواند هم تیمی ها را دیده و به آنها پاس دهد
Half court	نیمه زمین، نصف زمین
Half court defense	دفاع از حریف در نیمه زمین بازی خودی
(Half court game	بازی تمرینی در نیمه زمین بازی(به طور معمول سه در برابر سه)
Half court line	خط مرکزی زمین بازی
Half court man-to-man	دفاع یارگیری (من تو من) از بازیکن حریف در نیمه زمین خودی
Half court offense	حرکت حمل در نیمه ی زمین بازی حریف
Half court press( pressure, pressing)	دفاع در گیرانه علیه حریفان در نیمه زمین خودی
Half court quickness	بازی سریع در نیمه زمین بازی
Half court scrimmage	بازی تمرینی در نیمه زمین
Half court trap	ایجاد تله در خط مرکزی که منجر به نگه داشتن حریف مالک توپ در آنجا می شود و به او اجازه نمی دهد تا برای ۸ ثانیه نیمه زمین خ و د را ترک کند یا او را مجبور می کند تا پاس بسیار بد بدهد.
Half court zone	دفاع منطقه ای در نیمه زمین خودی

Half-hook shot	شوت هوک کوتاه به طرف حلقه با حرکت قوس دادن ببتوپ
Half line	خط مرکزی میدان بازی
Half man fronting	حالت دفاعی با نیمی از پهنای بدن در جلوی حریف
Half pint	بازیکن کوتاه
Half-reverse dribble	نیم چرخش به طرف عقب و زدن یک دربیبل در آن مسیر
Half speed	سرعت کم، سرعت نسبی
Halftime= Half-time	۱-یک نیمه بازی ۲-استراحت بین دو نیمه بازی
Half-time act	اجرای برنامه کوتاه بین دو نیمه بازی
Halftime intermission	استراحت بین دو نیمه بازی
Halftime result	نیمه‌ی دوم بازی یا مسابقه
Half turn	نیم چرخش، چرخش با ۹۰ یا ۱۸۰ درجه
Halfway (Am.) = Half-way (Eng.)	وسط و میان راه، نیمه راه، راه میانه
Halt	توقف، ایست، مکث
Ham	۱-بازیکن درجه دو ۲-کفوی که بسکتبال را فقط به عنوان سرگرمی بازی می‌کند ۳-پشت ران ۴-ران
Hammed down	کوتاه
Hammering	خطا با شدت کم
Hamper	۱-حلقه بسکتبال (سبد یا درپوش، سبد برای هدایا یا غذا)
Hamstring	زردپی طرفین حفره‌ی پشت زانو، عضلات عقب ران
Hand	دست
Hand back pass	پاس به طرف راست با دست راست یا به طرف چپ با دست چپ
Hand checking	لمس کردن حریف با دست برای آگاه شدن از موقعیت او، چک کردن حریف با دست برای آگاه شدن از موقعیت او
Handcuff	نگه‌داشتن حریف در امتیاز پایین
Handedness	عادت به استفاده یک دست بیش از دست دیگر
Hand-eye coordination	هماهنگی بین حرکات دست‌ها و دید
Hand-eye reaction time	زمانی که دست‌ها نسبت به حرکت دید واکنش نشان می‌دهند
Handicapped	معلول، ناتوان
Handicapped basketball	بسکتبال با ویلچر، بسکتبال برای معلولین
Hand in hand	با هم، با یکدیگر، دست در دست هم
Hand in the pocket drill	تمرین دریافت پاس؛ دست‌ها را در پشت کمر نگاه می‌داریم (به‌جای اینکه در جیب قرار دهیم) با اشاره مربی دست‌ها را برای دریافت توپ به طرف جلو دراز می‌کنیم
Handle	مربیگری کردن
Handler	۱-مربی ۲-مدیر
Hand-off	دست به دست کردن یا رد کردن توپ به هم‌تیمی که از کنار ما عبور

	می کند
Hand-off pass	دست به دست کردن یا رد کردن توپ به هم تیمی که از کنار ما عبور می کند
Hand position	طرز قرارگیری دست ها
Hand signal	نشانه تأیید با دست ها یا انگشتان
Hands talking	صحبت کردن با دست ها، علامت دادن با دست ها، انگشتان (به منظور اعلام آمادگی برای دریافت توپ)
Hands up and elbows out	طرز ایستادن دفاعی با دست های بالا و آرنج های باز
Hands up drill	تمرین حرکات دفاعی؛ در هنگام تغییرمدافع همراه با بالا نگه داشتن دست ها، حرکت سُرخوردن صورت می گیرد
Hand wave	حرکت علامت دهی با دست
Cold hand	بازیکنی که امتیاز از دست می دهد، بازیکنی که شوت ه ا را یکی بعد از دیگری از دست می دهد، بازیکن ضعیف
Continuous alternating hands dribble	جابجایی مداوم دست ها در خلال دربیبل کردن
Continuous one-hand dribble	دربیبل زدن با یک دست به طور مداوم
Darting, flicking hand thrust	زدن ناگهانی و با سرعت توپ دربیبل کننده
Dribble with alternating hands	دربیبل زدن همراه با تعویض دست ها در حال دویدن یا راه رفتن
Dribbling hand	دربیبل زدن با دست
Favorite hand	دست مؤثر، دست کارآمد
Give a hand	کف زدن، تشویق کردن
Good hands	دست های ماهر
Cuide hand	دست آزاد در شوت یک دست که به هدایت و کنترل توپ و ایجاد توازن کمک می کند
Heel of the hand	پاشنه دست (قسمت پایین کف دست)
Hot hand	بازیکنی که پی در پی از شوت امتیاز کسب می کند (دست گرم)
Inside hand-off	برش به سمت سبد از بین پاس دهنده و مدافع و پاس به صورت دست به دست
Keep hands up	بالا نگه داشتن دست ها
Left handed	بازیکن چپ دست
Left handedness	بازیکن چپ دست
Left hand lay-up	شوت سه گام با دست چپ
Left hand rebound	گرفتن یا با سر انگشتان زدن توپ ریاند با دست چپ
Natural handedness	عادت به استفاده از یک دست تا دست دیگر ، دست برتر ، دستی که به طور ذاتی نسبت به دست دیگر قوی باشد
Near hand	دست نزدیک به توپ (زمانی که حریف مالک توپ را دفاع می کنیم)
Non-dominant hand	دست ضعیف، دستی که به طور ذاتی نسبت به دست دیگر ضعیف

	می‌باشد
Non-shooting hand	دست آزاد در شوت که به هدایت و کنترل توپ و ایجاد توازن کمک می‌کند
Off-hand	دستی که از مهارت کمی برخوردار است ۲- دست آزاد در شوت یا پاس که به هدایت و کنترل توپ و ایجاد توازن کمک می‌کند
Off-side hand	دست آزاد در شوت یا پاس که به هدایت و کنترل توپ و ایجاد توازن کمک می‌کند
One-hand ( one-handed )	با یک دست کار کردن
One-hand bounce pass	پاس زمینی به هم‌تیمی با یک دست
One-hand bullet pass	پاس انفجاری با یک دست
One-handed behind-the-back pass	پاس با یک دست از پشت کمر
One-handed dribble-in shot	شوت با یک دست بعد از یک دربیبل نزدیک به حلقه
One-handed push pass	پرتاب توپ همراه با فشار به طرف هم‌تیمی با یک دست
One-handed turn-around shot ( right or left	شوت یک دست (راست یا چپ) بعد از چرخش کامل
One-handed under-the basket shot ( right or left)	شوت یک دست (راست یا چپ) از موقعیت نزدیک به حلقه
One-hander	اجرای شوت با یک دست
One-hand fade-away jump shot	شوت جفت یک دست همراه با کمی خم شدن روی زانوها و خم کردن کمر به عقب در هنگام پرش
One-hand in motion push shot	پرتاب شوت به طرف حلقه با فشار و یک دست توسط بازیکنی که در حرکت باشد
One-hand jump push shot	شوت جفت با یک دست همراه با فشار
One-hand jump shot	شوت جفت یک دست
One-hand jump-twist shot	شوت جفت یک دست همراه با چرخش توسط بازیکن
One-hand overhead pass	پرتاب توپ به طرف هم‌تیمی با یک دست از روی سر
One-hand overhead shot	پرتاب توپ به طرف حلقه با یک دست از روی سر
One-hand pass	پرتاب توپ به طرف هم‌تیمی با یک دست
One-hand push	پرتاب توپ با یک دست همراه با فشار
One-hand push free throw	پرتاب آزاد با یک دست همراه با فشار
One-hand push pass	پرتاب توپ همراه با فشار به طرف هم‌تیمی با یک دست
One –hand running stride shot	پرتاب آزاد با یک دست به طرف حلقه با یک دست بعد از فرود بازیکن روی دو پا بمصورت یکی بعد از دیگر (نه اینکه فرود بر روی پاها در یک زمان)
One-hand set free throw	پرتاب آزاد با یک دست در حالت ساکن (بدون بلند کردن پاها از زمین)
One-hand set shot	پرتاب آزاد با یک دست به داخل حلقه در حالت ساکن

One-hand set shot from the chest position	پرتاب توپ به طرف حلقه با یک دست از جلوی سینه و در یک حالت ساکن
One-hand set shot from the hip position	پرتاب توپ به طرف حلقه با یک دست در حالت ساکن بعد از نگه داشتن توپ در کتف
One-hand set shot from the shoulder position	پرتاب به طرف حلقه در حالت ساکن با یک دست از روی شانه
One hand shot	پرتاب به طرف حلقه با یک دست
One-hands shoulder pass	پرتاب توپ به طرف هم تیمی با یک دست از روی شانه
One-hand side-arm pass	پرتاب توپ به طرف هم تیمی با یک دست از کنار بدن
One-hand tap pass	پرتاب توپ با سر انگشتان یک دست به طرف هم تیمی
One-hand tip shot	پرتاب به داخل حلقه با سر انگشتان یک دست (به طور معمول توپ ریاند)
One-hand underhand driving-in shot	پرتاب توپ به داخل حلقه با یک دست از پایین بعد از نفوذ قوی به طرف حلقه
One-hand underhand lay-up shot	شوت سه گام با یک دست از پایین
One-hand underhand pass	پرتاب توپ به طرف هم تیمی با یک دست از پایین
One-hand underhand shot	پرتاب به طرف حلقه با یک دست از پایین (پایین تر از کمر)
One-hand underhand sweep	پرتاب توپ از زیر دست به طرف حلقه با یک دست
Outside hand	دست بیرونی، دستی که دورتر از حلقه یا حریف قرار گیرد
Outside hand-off	دست به دست کردن توپ در هنگام بُرش از پشت یا نزدیک هم تیمی که توسط حریف سخت در حال دفاع شدن است
Passing hand	دستی که توپ را پرتاب می کند
Raise the hand	بالا گرفتن دست به منظور اعلام آمادگی برای دریافت توپ
Right-handed	بازیکن راست دست
Right-hand lay-up shot	شوت سه گام با دست راست
Right-handedness	راست دست
Right-hand rebound	گرفتن یا با سر انگشتان زدن توپ ریاند با دست چپ
Shooting hand	دستی که توپ را به طرف حلقه پرتاب می کند
Steady hand	روش و رفتار استوار (مربی)
Step-away one hander	پرتاب شوت با یک دست بعد از گام فریب به عقب
Strong hand	دستی که مهارت بیشتری دارد، دست قوی
Support hand	دستی که هنگام شوت توپ را محافظت می کند
Target hand	دستی که به نگه داشتن توپ کمک می کند
Two-hand( Two-handed)	با دو دست
Two-hand backward underhand pass	پرتاب توپ به طرف هم تیمی در عقب با دو دست از پایین
Two-hand bounce pass	پاس زمینی با دو دست
Two-hand chest free throw	پرتاب آزاد توپ با دو دست از جلوی سینه

Two-hand chest pass	پرتاب توپ با دو دست به طرف هم تیمی همراه با فشار دادن از جلوی سینه
Two-hand chest shot	شوت دو دست از جلوی سینه
Two-hand close pass	پاس دو دست به هم تیمی که در موقعیتی نزدیک به شما قرار دارد
Two-hand dribble	زدن توپ به زمین با دو دست
Two-handed overhead shot	پرتاب توپ داخل حلقه با دو دست از بالای سر
Two-handed push shot	پرتاب توپ داخل حلقه با دو دست همراه با فشار
Two-handed set from over head	شوت دو دست از روی سردر حالت ساکن (در هنگام شوت پاها از کف زمین بلند نمی شود)
Two-handed set shot	پرتاب توپ با دو دست در حالت ساکن (در هنگام شوت پاها از کف زمین بلند نمی شود)
Two-handed set shot from chest	پرتاب توپ با دو دست از جلوی سینه به طرف حلقه در حالت ساکن (در هنگام شوت پاها از کف زمین بلند نمی شود)
Two-handed stuff shot	اسپیک کردن توپ داخل حلقه با دو دست
Two-hander	پرتاب توپ به داخل حلقه با دو دست
Two-hand flip pass	پاس برگشتی با دست به دست کردن توپ بازیکنی که از کنار شما برش انجام می دهد
Two-hand jump shot	شوت جفت با دو دست
Two-hand outlet pass	پاس دو دست در شروع ضد حمله
Two-hand overhand free throw	پرتاب آزاد با دو دست از روی شانه
Two-hand overhead free throw	پرتاب آزاد با دو دست از روی سر
Two-hand overhead jump shot	شوت جفت با دو دست از روی سر
Two-hand overhead lay-up shot	شوت سه گام با دو دست که توپ روی سر قرار می گیرد
Two-hand overhead pass	پرتاب توپ با دو دست به طرف هم تیمی از روی سر
Two-hand overhead set shot	پرتاب توپ به طرف حلقه با دو دست از روی سردر حالت ساکن (در هنگام شوت پاها از کف زمین بلند نمی شود)
Two-hand overhead shot	شوت دو دست از روی سر
Two-hand overhead skip pass	پرتاب توپ بلند به طرف هم تیمی در سمت مقابل زمین با دو دست از بالای سر
Two-hand overhead snap pass	پرتاب ناگهانی توپ به طرف هم تیمی با دو دست از روی سر
Two-hand over shoulder pass	پرتاب توپ به طرف هم تیمی با دو دست از روی سر
Two-hand over the-head set shot	پرتاب توپ به طرف حلقه با دو دست از روی سردر حالت ساکن (در هنگام شوت پاها از کف زمین بلند نمی شود)
Two-hand pass	پرتاب توپ به طرف هم تیمی با دو دست
Two-hand pump shot	پرتاب توپ داخل حلقه با دو دست بعد از گول یا وانمود کردن به شوت جفت
Two-hand push	پرتاب توپ با دو دست همراه با فشار



Two-hand push pass	پرتاب توپ با دو دست به طرف هم تیمی همراه با فشار
Two-hand push shot	پرتاب توپ با دو دست به طرف حلقه همراه با فشار
Two-hand rebound	گرفتن توپ ریباوند از حلقه یا از تخته با دو دست
Two-hand retrieval	بازپس گرفتن توپ با دو دست
Two-hand set shot	پرتاب توپ به داخل حلقه با دو دست در حالت ساکن
Two-hand shot	پرتاب توپ به داخل حلقه با دو دست
Two-hands underhand driving-in shot	پرتاب توپ به داخل حلقه با دو دست از پایین بعد از یک نفوذ قوی به طرف حلقه
Two-hand underhand free throw	پرتاب آزاد دو دست از پایین
Two-hand underhand lay-up shot	شوت سه گام از پایین با دو دست
Two-hand underhand pass	پرتاب توپ به طرف هم تیمی از پایین با دو دست
Two-hand underhand pass from hip	پرتاب توپ به طرف هم تیمی با دو دست از کنار کمر
Two-hand underhand shot	پرتاب توپ به داخل حلقه با دو دست از پایین
Two-hand underhand sweep shot	پرتاب توپ به طرف حلقه با دو دست از زیر
Use hands	بکارگیری دست‌ها (بی ثمر گذاشتن شوت یا پاس حریف به وسیله تکان دادن دست‌ها)
Use hands illegally	بکارگیری دست‌ها خلاف مقررات بازی
Wave hands	تکان دادن دست‌ها با بالا و پایین آوردن آنها به منظور بی ثمر گذاشتن حرکت بازیکن مالک توپ و دیگر مهاجمین
Weak hand	دستی که از مهارت کمتری برخوردار است
Handy-Andy	بازیکنی که قابلیت بازی در چند موقعیت را دارد
Hang	آویزان شدن، آویزان کردن، آویختن
Hanger	بازیکن جلوتر از هم تیمی‌اش نزدیک به حلقه که منتظر پاس منجر به گل می‌باشد
Hand on	عمل کردن به، وفا کردن به
Hangout	خانه
Hang out	وقت تلف کردن، بی کار گشتن، ول گشتن
Hang together	سازگار بودن، متفق بودن، بهم چسبیدن
Hang up ones shoes	بازی بسکتبال را کنار گذاشتن
Hanky-panky	حیله‌گری، حقه بازی، دو روئی
Happen	اتفاق افتادن، رخ دادن
Happening	اتفاق، حادثه، رویداد
Harass	عذاب دادن، رنج دادن، به ستوه آوردن
Harass the ball	فشار آوردن به حریف مالک توپ
Hard(also: Hard-baked)	۱- قوی، سخت، محکم ۲- خشن

Hard-boiled	۱- خشن ۲- محکم
Hard cut	برش سریع
Hard driving	برش قوی
Hard foul	خطای شدید
"Hard nosed" defense	دفاع در گیرانه
"Hard nosed" play	بازی در گیرانه (به طور معمول همراه با پرس)
Hard pass	پرتاب قوی توپ به طرف هم تیمی
Hard running	دویدن یا برش سریع
Hard shot	پرتاب سریع و قوی توپ داخل حلقه
Hard step	گام بلند قوی
Hard time	زمان سخت و دشوار بازی
Hard to catch	مبهم، تیره، نامفهوم، نامشخص
Hard to take	ناخوشایند، نامطلوب
Hardwood	۱- چوب الوار محکم ۲- زمین بسکتبال
Hardwood court	زمین بسکتبال
Hardwood game	مسابقه بسکتبال (روی زمینی که از چوب ساخته شده باشد)
Hardwooder	بازیکن بسکتبال، بسکتبالیست
Hardwoodsman	بازیکن بسکتبال، بسکتبالیست
Harm	زخمی، آسیب، صدمه، مصدوم
Harmful	مضر، زیان بخش
Harmonious	خوش آه ننگ، موزون، هماهنگ، سازگار
Harp	وراجی کردن، پرحرفی کردن، یک چیز را تکرار کردن
Harry	به ستوه آوردن، آزردن
Harum-scarum	بی فکر، بی قید، بی پروا
Harvard step	تمرین بالا رفتن و پایین آمدن از پله
Hash marks	زمین بسکتبال در بازی آماتور بدو نیمه تقسیم شده است ولی در بازی حرفه ای علاوه بر خط نیمه دو خط کوچک دیگر که عمود بر خطوط طولی زمین در فاصله بین خط نیمه و خطوط انتهائی زمین (خطوط عرضی) وجود دارد. این دو خط به این منظور رسم شده اند که هر تیم قبل از ۱۰ ثانیه باید توپ را از خط نیمه گذرانده و قبل از ۵ ثانیه توپ را از خط بعدی نیز باید بگذراند و این قانون برای تحرک و سرعت بخشیدن بیشتر بازی وضع شده است که در صورت نقض آن خطا محسوب می شود
Hasty play	حرکات نسنجیده، بازی عجولانه
Hatchet man	بازیکن خشن
Hatful	تعداد زیاد

Haul down a defensive rebound	پایین آوردن توپ ریباند در دفاع
Have a clean nose (also : -sheet)	بی تقصیر بودن، بی گناه بودن
Have a goal complex	بازیکنی که بدون همکاری هم تیمی‌هایش بخواهد امتیاز کسب کند، بازیکن تک رو
Have a feeling to	مایل بودن
Have a healthy lead	پیشی گرفتن با امتیاز بالا
Have a long head	زیرک بودن، باهوش بودن
Have a stand-in	شرکت کردن، دخالت کردن
Have stiff neck	متکبر بودن، خودبین بودن
Have guts	شجاع بودن
Have hair on the chest	مرد بودن، مثل مرد بازی کردن، مردانه برخورد کردن
Have hold of the jerk line	کنترل کردن شرایط
Have it coming	سزاوار جایزه بودن
Have it in one	قادر بودن، توانایی داشتن
Have it knocked	۱- کنترل کردن شرایط سخت بازی ۲- برتری یافتن در بازی
Have legs	سریع بودن
Have man behind the zone	قرار گرفتن یکی از بازیکنان مهاجم پشت دفاع منطقه‌ای
Have nose for ball	۱- نسبت به توپ احساس داشتن ، نسبت به توپ ابتکار عمل داشتن ، شرکت کردن در ریباند در مکانی مناسب
Have one's brains on ice	خونسردی خود را حفظ کردن، آرامش خود را حفظ کردن ، دستپاچه نشدن
Have plenty on the ball	جنگیدن برای بعدست آوردن توپ، به نمایش گذاشتن توپ
Have positive thoughts	خود را ملزم کردن به کسب موفقیت در ب ه دست آوردن مهارت های بسکتبال
Have the eager	۱- عجول بودن، بیقرار بودن ۲- نگران بودن، دلواپس بودن
Have the goods ( also :-the makings,-the stuff,-what it takes)	قوی بودن، نیرومند بودن
Have the pull over	تفوق داشتن (بر)
Have to hand it to	اعتراف کردن به برتری
Have to tip the hat to	پذیرفتن برتری حریف
Havoc	خراب کردن
Hawk	۱- شاهین ۲- شخصی که دیگران را طعمه قرار می دهد
Hawkeys	نام مستعار مردم ایالت ایوا و همچنین نام تیم بسکتبال دانشگاه استیت ایوا در ایواستی که در کنفرانس بیگ تن بازی می کند
Hawking	۱- شکار کردن با شاهین ۲- دفاع درگیرانه برضد یک حریف (به طور معمول شو تیسست)
Hawks	نام تیم بسکتبال دانشکده است جوزف کالج در فیلادلفیا که در کنفرانس

	آتلاتیک تن بازی می کند
Haywire( gone)	نادرست، مختل، بی سامان
Head	۱- سر ۲- رأس ۳- رئیس
Headacher	مری، مدیر
Head and eye fake	گول زدن حریف با حرکت چشم ها و سر
Head and eye signal	حرکت با سر و چشم ها که اعلام علامت برای هم تیمی یا هم تیمی ها به منظور اجرای یک نقشه بازی می باشد
Head and shoulder fake	گول زدن حریف با حرکت سر و کتف
Head back	خم کردن سر به طرف عقب
Head boss	سرمری
Head coach	سرمری، تمرین دهنده
Head down	خم کردن سر به طرف پایین
Header	۱- شیرجه بی پروا ۲- پرش بی پروا
Head fake	حرکات سر که منجر به فریب حریف می شود، گول با سر
Head feint	حرکات سر که منجر به فریب حریف می شود، گول با سر
Head hunter	بازیکنی که همیشه آمادگی ملحق شدن به هم تیمی اش به منظور ایجاد حرکت دبل تیم را دارد
Headline event	مسابقه مهم
Headliner	۱- بازیکن اصلی ۲- بازیکن خوب
Head off	سد کردن راه حریف
Head of foul circle	رأس دایره پرتاب آزاد
Head of the key	رأس دایره پرتاب آزاد
Head on	به طرف جلو، به سوی جلو، در پیش
Heads-up performance	مسابقه، بازی خوب
Head the break	هدایت کردن حمله
Head-to-head	رقابت شانه به شانه
Head turner	حرکتی در دفاع منطقه ای در موقعیتی که نیاز به چرخش های مکرر سر برای دیدن حریفان در هر سمت را دارد
Head up	۱- سر بالا ۲- دفاع شل (با سر بالا)
Head up dribble drill	تمرین دریبل با سر بالا (بدون نگاه کردن به توپ)
Head, waist and leg rhythm drill	چرخاندن موزون توپ دور سر، کمر و پاها
Health	سلامت، بهبودی، تندرستی
Healthy average	درصد بالای شوت های هدفمند در بازی
Heap	۱- شماره، تعداد ۲- چندین، بسیار زیاد
Heart	۱- شجاع، راسخ، استقامت ۲- قلب =
Heat	۱- خطر ۲- شور، تهییج

Heave	۱- بالا بردن، بالا کشیدن، افراشتن ۲- پرتاب توپ به طرف حلقه
Heave in sight	ظاهر شدن
Heavy duty	مسابقه سخت، بازی سنگین
Heavy rope	طناب زدن با طناب سنگین
Heavy sugar	جایزه با ارزش
Heckle	عذاب دادن، بیهوده آوردن، اذیت کردن
Hedge	۱- حصار، مانع ۲- دفاع کردن از توپ
Hedger	بازیکنی که از بازیکن ایجادکننده سد برای توپ دار دفاع می کند
Hedging	دفاع کردن از بازیکنی که ایجاد سد برای بازیکن مالک توپ می کند
Heel	۱ - پاشنه پا ۲- دنبال کردن
Heel of the hand	پایین ترین قسمت کف دست
Heel-toe stance	طرز ایستادن روی کل پاها
Height	بلندی، ارتفاع
Height advantage	برتری قدی
Height disadvantage	عدم برتری قدی
Heist the poundage	چاق شدن، اضافه کردن وزن
Held ball	گرفتن همزمان توپ توسط دو یا چند بازیکن مخالف هم
Held ball jump	اعلام جمبال توسط داور بعد از گرفتن همزمان توپ توسط دو یا چند بازیکن مخالف هم
Hellish	بزرگ، عظیم
Hell of a mess	بی نظمی در زمین بازی
Help	۱- کمک کردن ۲- کمک کردن به هم تیمی در دفاع
Help and decide	شرایطی که بازیکن مدافع به هم تیمی اش در دفاع کمک می کند و مجبور است تا تصمیم بگیرد به موقعیت اولیه دفاعی اش برگردد یا موقعیش را با هم تیمی خود عوض کند
Help and recover	کمک کردن به هم تیمی و برگشتن به موقعیت اصلی دفاعی
Help defense	۱- دفاع کردن همراه با کمک به هم تیمی ۲- کمک در دفاع
Helpful	سودمند، مفید، کمک کننده
Help mentor(also: -helper)	کمک مربی
Help out	۱- حرکت کردن در دفاع به منظور کمک به هم تیمی ۲- کمک کردن در دفاع
Help position	موقعیت کمک
Helpside	سمتی در زمین بازی که توپ در آن قسمت حرکت نکند، سمت ضعیف زمین، منطقه کمکی، منطقه پوششی
Helpside close out	خیزیا حمله ناگهانی به طرف توپ (یا به طرف بازیکن مالک توپ) از سمت ضعیف زمین بازی)

Help situation	کمک به انجام دفاع در شرایط دفاع ، کمک کردن در شرایط سوئیچ مدافعان در دفاع
Help switch	جابجا یا سوئیچ مدافعان
Helter-skelter	۱- بی نظمی، اختلال، آشفتگی ۲- بی دقتی ۳- هرج و مرج، درهم برهم
He-man-sized	بزرگ، تنومند
Hemorrhage(Am.) = Heamorrhage (Eng.)	خونریزی
Hench bone	استخوان کپل
Herd	تیم، گروه
Hernia	فتق، غری
Hesitate	دودل بودن، مردد بودن
Hesitation	دو دلی، تردید، نوسان
Hesitative	نوسانی، ناپایدار، تغییرپذیر، مردد
Hide	۱- پنهان شدن، پنهان کردن ۲- بهیست ۳- توپ
Hide the ball	پنهان کردن توپ، حفظ کردن توپ
Hide the player	پنهان کردن بازیکن
High	۱- بلند، رفیع، بسیار بلند ۲- موقعیت بالا نزدیک به خط پرتاب آزاد
High double-post offense	الگوی حمله با دو بازیکن سنتر در موقعیت بالا (در دو طرف خط پرتاب آزاد) و سه بازیکن گارد در پشت سر آنها
High dribble	دریبل بلند (بعلوری که توپ تا سطح کمر بالا بیاید)
High finisher	بهترین تیم از لحاظ نتیجه در بین تیم‌هایی که در مسابقات شرکت کردند
High-geared	فعال، سرزنده، پرشور
High hat(also : - nose)	متکبر، پرافاده
High jump	۱- پرش بلند ۲- پرش ارتفاع
High knees	تمرین زانو بلند همراه با تکان دادن دست‌ها
Highlights of a game	جالب‌ترین قسمت‌های بازی
High-low	آرایش دفاعی ۱-۳-۱ با یک سانتر در موقعیت بالا و یکی در موقعیت پایین و دوفوروارد در بالا
High-low exchange	شکل قرارگیری دو بازیکن سانتر پشت سر هم که موقعیت‌شان را با هم عوض می‌کنند
High-low post	آرایش دو سانتر؛ یک سانتر در موقعیت بالا نزدیک به خط پرتاب آزاد و دیگری در موقعیت پایین نزدیک به حلقه
High man	بازیکنی که امتیاز بالایی کسب می‌کند، بهترین شوتیست
High-octane offense	حمله قوی و سریع
High pass	پرتاب بلند توپ به طرف هم‌تیمی
High percentage area	نقطه‌ای که در آن درصد خوبی از امتیاز کسب شده است
High percentage shot	درصد خوب شوت

High pivot	سانتر در موقعیت بالا
High pivot ( center, post) area (position)	موقعیت بالا سانتر در خارج از دایره پرتاب آزاد یا پشت نیم دایره خط پرتاب آزاد
Highpockets	بازیکن بلند
High point	۱- بهترین لحظه ۲- نقطه اوج
High-point man	امتیاز آورترین بازیکن
High post	سانتر در موقعیت بالا
High postman	سانتر در موقعیت بالا
High post shuffle	حمله مداوم شافل با تمرکز بر اجرای حرکت در منطقه پُست بالا
High school	دبیرستان
High school basketball	بسکتبال در دبیرستان برای جوانان ۱۵-۱۸ ساله
High shot	پرتاب بلند توپ به طرف حلقه
High side	موقعیت بالا
High speed dribble	درجلی سریع که تا سطح زانو بالا نمی آید
High spot	رویداد مهم
High spots	امتیازهای مهم، سرنوشت ساز
Hilltoppers	نام تیم بسکتبال دانشگاه بوستون کنتاکی که در کنفرانس سان پلت بازی می کند
Hind end	سری، کتف، دبر
Hinder	۱- نگه داشتن، سد کردن، جلوگیری کردن ۲- مانع شدن، با زداری کردن، سد راه شدن
Hindmost	پسین ترین، پستری، عقب ترین، آخرین
Hindrance	انسداد، منع، جلوگیری
Hinges	۱- مفصل ها ۲- آرنج ها
Hint	اشاره، ایما
Hip joint	مفصل استخوان خاصره و ران
Hip pass	پرتاب توپی که نزدیک کپل نگه داشته می شود
Hit	۱- ضربت، اصابت ۲- پرتاب توپ ۳- کسب امتیاز از شوت ۴- برخورد ۵- گریز با توپ ۶- نفوذ از یک موقعیت آسان
Hit a hot streak	کسب امتیاز از زدن شوت های خوب یکی بعد از دیگری
Hit a slump	۱- بدتر از معمول بازی کردن ۲- در بازی متحمل بحران بودن
Hit back at	انتقام گرفتن، انتقام جویی کردن
Hitch	گرفتگی، انقباض عضله (گردن یا کمر)
Hit one's stride	خوب بازی کردن
Hit or miss	آگاهی موفق گاهی مغلوب
Hit the ball	۱- پاس یا شوت هدفمند ۲- شروع کردن

Hit the books	سخت مطالعه کردن
Hit the bucket	امتیاز کسب کردن
Hit the bullseye	موفق شدن
Hit the floor	شیرجه زدن روی زمین برای توپ از دست رفته، توپ بدون صاحب، توپ سرگردان
Hit the grit	دویدن
Hit the hardwood	بازی کردن بسکتبال
Hit the high spots	فشار آوردن به مهمترین نقاط
Hit the hoop	کسب کردن امتیاز
Hit the maples	بازی کردن بسکتبال
Hit the Maplewood	بازی کردن بسکتبال
Hit the shot	کسب کردن امتیاز
Hizzoner	داور
Hockey step	حرکت به طرفین با حفظ تعادل بدنی
Hog the act ( also:-the works)	خودخواه بودن، خودبین بودن
Hold	۱- گرفتن، نگه داشتن، نگاه داشتن، در دست داشتن ۲- متوقف کردن، چک کردن
Hold-all	کیف، ساک
Holding	۱- حریف را گرفتن ۲- جلوگیری از آزادی حرکت حریف ۳- گرفتن حلقه بسکتبال
Holding position	جا گیری کردن
Hold position	در یک نقطه ایستادن
Hold target	نشانه رفتن حلقه در هنگام شوت
Hold the ball	توپ را گرفتن
Hold the basket	گرفتن حلقه بسکتبال
Hold the opponent	۱- متوقف کردن حریف ۲- چک کردن حریف ۳- دفاع بسیار نزدیک از حریف به طوری که ابتکار عمل او گرفته شود
Hold the pass	خودداری کردن از پرتاب توپ به طرف هم تیمی
Hold the screen	حفظ اسکرین
Hole	۱- گودال، سوراخ ۲- منطقه کلید، منطقه ۳ ثانیه
Holler	فریاد زدن، داد زدن
Holy mess	۱- بی نظمی در زمین ۲- شرایط دشوار در خلال مسابقه
Home	۱- خانه ۲- میزبان
Home-cooked	آفرین، خوب انجام شده
Home game	مسابقه در زمین خودی
Home guard	تیم محلی



Home run	حمله سریع بازیکن مدافع بعد از اینکه حریفش، که این مدافع مأمور دفاع از او بوده، کسب امتیاز می کند (شروع ضد حمله)
Home soil	زمین بازی خودی، زمین بازی میزبان
Home soil advantage	استفاده از یار اضافی در زمین خودی
Homester	بازیکن محلی، بومی
Home-sweet-home team	تیمی که فقط در خانه خود خوب بازی می کند
Home team	تیم میزبان
Hometown	بازیکن بومی، محلی
Honest	درستکار، امین، صادق
Honest defense	۱- افزایش تلاش و تحرک در دفاع ۲- با حد اکثر توان دفاع کردن (جنگیدن به هنگام اسکرین)
Honey	بازی زیرکانه، باهوش
Honker	بینی
Honor(Am.) = Honour (Eng.)	۱- امتیاز، مزیت، برتری، حق ویژه ۲- خود را با کاری مشغول کردن (با دفاع حریف)
Hook	۱- قلاب، چنگک ۲- شوت هوک ۳- دويدن در امتداد مسیری به شکل حرف U انگلیسی
Hook arm	دستی که به طور معمول مورد استفاده قرار می گیرد (مانند دست راست بازیکن راست دست)
Hook bounce outlet pass	اولین پاس در شروع ضد حمله که بصورت زمینی پرتاب می شود
Hooker	بازیکنی که مهارت در شوت هوک دارد
Hook movement	برش در امتداد مسیر قلاب (دويدن در امتداد مسیری به شکل حرف U انگلیسی)
Hook outlet pass	اولین پرتاب در شروع ضد حمل ه همراه با تاب و امتداد دادن دست به طرف هم تیمی
Hook pass	پاسی که همراه با تاب و امتداد دادن دست صورت پذیرد
Hook pass from the rebound drill	پرتاب توپ از یک ریباوند همراه با تاب و امتداد دادن دست به طرف عقب
Hook pass ( right-or left-handed)	پاسی که همراه با تاب و امتداد دادن دست راست یا چپ صورت پذیرد
Hooks	۱- دست ها ۲- انگشت ها
Hook shot	شوت هوک
Baby hook	شوت هوک از فاصله کم
Back-to-the basket hook	شوت هوک توسط بازیکنی که پشت اش به حلقه باشد
Close-in back-to-the-basket hook shot	شوت کوتاه هوک از موقعیت نزدیک و پشت به حلقه
Drive-in hook shot	شوت هوک بعد از نفوذ قوی به طرف نزدیکی حلقه
Half-hook shot	پرتاب توپ همراه با کمی تاب و امتداد دادن دست به طرف حلقه

Semi-hook	پرتاب توپ همراه با کمی تاب و امتداد دادن دست به طرف حلقه
Short hook shot	شوت هوک از فاصله کوتاه
Sky hook	شوت هوک بسیار بلند، شوت هوک همراه با پرش بلند
Sweeping hook shot	پرتاب توپ همراه با تاب و امتداد دادن دست به طرف حلقه
Hookup	۱- وابستگی، پیوستگی ۲- آرایش، ترتیب
Hook up with	پیوند دادن (باهم)، ربط دادن (به هم)، مربوط کردن (به هم)
Hook with	پیوستن، متصل کردن
Hoop	۱- تسمه ۲- حلقه ۳- حلقه بسکتبال ۴- بازیکن بسکتبال
Hoop ace	شوتیست خوب
Hoop bombardment	(بازی بسکتبال) بمباران حلقه یا به توپ بستن حلقه
Hooper	کسب امتیاز
Hoopfest	بازی بسکتبال
Hoop go	(بزن بریم بسکتبال) بازی بسکتبال
Hoop in	کسب کردن امتیاز
Hoop man	بسکتبالیست، بازیکن بسکتبال
Hoop meet	دیدار بسکتبال، مسابقه بسکتبال
Hoop pilot	مربی بسکتبال
Hoop quintet	تیم بسکتبال، پنج بازیکن در زمین بازی
Hoops	بازی بسکتبال
Hoops crazy	تماشاگران بازی بسکتبال
Hoop sentinel	مدافع حلقه (مدافع در بسکتبال)
Hoopster	بسکتبالیست، بازیکن بسکتبال
Hoop tilt	مسابقه بسکتبال، بازی بسکتبال
Hoosiers	نام مستعار مردم ایندیانا (ایالات متحده آمریکا) و تیم بسکتبال دانشگاه ایندیانا در بلومینگتون که در کنفرانس بیگ تن بازی می‌کند
Hop	پرش کردن روی یک پا، جست و خیز کردن، لی لی رفتن
Hop along	۱- دویدن همراه با پرش یا جهش ۲- سریع رفتن
Hope	امید، امیدواری
Hope shot	شوت نامطمئن، شوت نا امیدکننده
Hopper	۱- قیف ۲- حلقه بسکتبال
Hoppety	لی لی کردن، روی یک پا راه رفتن یا جستن، جهیدن، پریدن
Horde	تیم (ایل و تبار)
Horizontal	افقی، ترازوی، سطح افقی
Horizontal block ( screen)	ایجاد سد توسط بازیکنی که در عرض زمین بسکتبال حرکت می‌کند
Horizontally	بمطور افقی
Horizontal pass	پاس افقی

Horizontal slide	سر خوردن در عرض زمین بازی (به طور معمول در عرض منطقه کلید)
Horn	۱- بوق، علامت، زنگ، سوت ۲- خط شوت های سه امتیازی
Horse	بازیکنی که وظایف سنگینی را بعهده دارد
Horse collar	صفر، هیچ
Horsehide	توب
Horseplay=Horse-play (Am. Eng.)	بازی خشن و خراکی، لودگی، مسخرگی
Horse ( shooting drill)	تمرین رقابتی شوت بین دو بازیکن؛ هر نوع شوت توسط یک بازیکن اجرا می شود و بازیکن رقیب این شوت را تکرار می کند برای هر تویی که گل می شود یکی از حروف Horse نوشته و هر بازیکنی که زودتر این کلمه را تکمیل کند برنده ی این بازی می شود
Hot	۱- بر انگیزتن ۲- داغ کردن ۳- داغ، آتشین
Hot about	مشتاق، علاقمند
Hot-and-cold ( player )	بازیکنی که بعضی وقت ها خوب و بعضی اوقات بد بازی می کند، بازیکن غیر مسئول
Hot corner	هر نقطه بسیار سخت در زمین بازی
Hot floor	تمرین پرش زیر حلقه
Hot hand	بازیکنی که پشت سر هم از شوت امتیاز کسب می کند (دست گرم)
Hothead	بازیکنی که خیلی زود ناراحت شده و بلافاصله در زمین بازی یا بیرون از آن با خشونت رفتار می کند
Hothouse	حمام سونا، حمام بخار فنلاندی
Hot idea	ایده آل، عالی
Hot night	شب مسابقه ای که در آن امتیاز خوبی کسب بشود
Hot off the fire	نو، جدید
Hot pepper	طناب زدن سریع
Hot shooter	شو تیبست خطرناک، بازیکنی که پشت سر هم امتیاز کسب کند
Hotshot	پرتاب سریع توب
Hot shot	۱- بازیکن سریع ۲- بازیکن پر انرژی ۳- بازیکن موفق
Hot spot	۱- اسباب زحمت ۲- موقعیت خطرناک ۳- موقعیت عالی (برای شوت های حریف)
Hot tipster	فروشنده اطلاعات محرمانه تیم حریف
Hound	دانشجوی سال اول دانشکده یا دانشگاه
How am I doin?	نظر شما درباره عملکرد من چیست؟
Howl	شکایت کردن، ایراد گرفتن
Howler	زنگ برقی، زنگ الکتریکی
Hoyas	نام تیم بسکتبال دانشگاه جرج تاون در واشنگتن کلمبیا که در کنفرانس بیگ است بازی می کند

Hub	۱- محور، میانه، مرکز، قطب ۲- بازیکن میانی، بازیکنی که هدایت بازی را بعهده دارد
Huddle	۱- صحبت محرمانه ۲- جمع شدن بازیکنان <b>مختصر</b> در زمین بازی برای صحبت کردن
Hug the ball	گرفتن توپ فقط برای شوت
Hugger	بازیکنی که فقط در موقعیت‌های مناسب جاگیری می‌کند
Hump ribs	دنده های پشت بدن
Humpty-dumpty	۱- پر پشت، انبوه، کلفت ۲- بی دوام، سست
Hundred-per center	شوت، پاس یا حرکت عالی
Hungry shooter	شوتیست حریص
Hunky	چارشانه، کوتاه، خشن، قوی
Hunt the ball	مراقبت از توپ
Hurdling	مسابقه دوی با مانع، دویدن و پریدن از روی مانع
Hurons	نام تیم بسکتبال دانشگاه استرن مینیگان در پاسی لانتی در میشیگان که در کنفرانس میده آمریکا بازی می‌کند
Hurricanes	نام تیم بسکتبال دانشگاه میامی در کورا کابلز که در کنفرانس بیگ است بازی می‌کند
Hurried	شتاب زده، عجول
Hurried shot	شوت شتاب زده (شوت بدون تمرکز یا نبود آمادگی قبلی)
Hurry	شتاب، عجله
Hurrying the shot	شوتی که همراه با عجله باشد
Hurry up	هول هولکی، شتاب زده، عجول
Hurry up offense	حملات عجولانه در لحظه آخر بازی که برتری حریف را کاهش می‌دهد
Hurry-up shot	شوت همراه با عجله
Hurt	آزار رساندن، آسیب زدن به، آزدن، اذیت کردن، جریحه دار کردن، خسارت رساندن، آسیب، آزار، زیان، صدمه
Hurt the press	در برابر فشار مقاومت کردن
Husk	بازیکن بزرگ
Huskies	۱- نام تیم بسکتبال دانشگاه کنکتیکات در استورس که در کنفرانس مید آمریکا بازی می‌کند ۲- نام تیم بسکتبال دانشگاه نورترن ایلینوس در دکالب که در کنفرانس مید فسترن کالجیکیت بازی می‌کند ۳- نام تیم بسکتبال دانشگاه نورت استرن در بستون که در کنفرانس نورت آتلانتیک بازی می‌کند ۴- نام تیم بسکتبل دانشگاه واشینگتن در سیتل که در کنفرانس پسیفیک - ۱۰ بازی می‌کند
Husky	نیرومند، قوی

Hustle	۱- هل دادن، فشار دادن ۲- شتاباندن، شتافتن ۳- حرکت، جنب و جوش یا پویایی در دفاع ۴- سرزندگی، چابکی ۵- پیشقدمی، ابتکار
Hustle back on defense	به عقب برگشتن برای دفاع کردن
Hustler	۱- بازیکن پر جنب و جوش، بازیکن چابک ۲- بازیکن پر انرژی
Hustling	فشاردادن، تکان دادن، هل دادن
Hyphen( also: Hyphenaated) American	بیگانه آمریکایی شده
Hypo	مالیخولیایی، افسرده، سودایی، آدم افسرده



Impair	۱- زیان رساندن ضعیف کردن ۲- آسیب زدن (به)
Impairment	آسیب، زیان، در رفتگی یا ضرب دیدگی عضو یا استخوان
Impair the accuracy	ضعیف شدن در درستی و دقت در شوت یا پاس
Impede	بازداشتن، مانع شدن، ممانعت کردن، تأخیر انداختن
Imperative	لازم، ضروری
Imperceptible	دیده نشدنی، غیر قابل مشاهده، غیر محسوس
Imperfect	نامناسب، ناجور، ناقص
Impetus	مقدار حرکت، نیروی جنبش، انگیزه
Implement	شروع کردن، انجام دادن، اجراء کردن
Importance	اهمیت، قدر
Impose	تحمیل کردن (جریمه)
Impossible	غیر ممکن، امکان ناپذیر
Impression	اثر، تأثیر، احساس
Improper	غلط، نامناسب، ناقص، ناپسند
Improperly inflated ball	توپ کم باد
Improper warm-up	گرم کردن، آماده سازی نامناسب قبل از تمرین یا مسابقه
Improve	بهبتر کردن، بهبود بخشیدن، اصلاح کردن
Improvisation	۱- ابتکار ۲- بازی فی البداهه
In a bang	بلافاصله، بی درنگ، بدون واسطه
Inability	ناقوانی، بی لیاقتی، عجز، درماندگی
Inaccurate pass	پرتاب توپ از روی عدم دقت به طرف هم تیمی
Inadvertent	غیر عمدی، سهوی
In a good streak	برنده، فاتح، پیروز
In a jam	در گرفتاری، در شرایط دشوار
In-and-outer	بازیکن معمولی که بعضی وقت ها نتایج خوبی کسب می کند اما اغلب ناموفق است
In-between player	بازیکنی که نسبت به تغییر شرایط بازی بسیار سریع خود را وفق می دهد، بازیکنی که قادر است در موقعیت ها و وظایف مختلف بازی کند
Inborn	ذاتی، فطری
Inbound	به جریان انداختن توپ در بازی از خارج زمین بازی
Inbounder	بازیکنی که توپ را از خارج زمین به داخل زمین پرتاب می کند
Inbounding the ball	به جریان انداختن توپ در بازی از خارج زمین
Inbound passer	بازیکنی که توپ را از خارج زمین به داخل پرتاب می کند
Inbound play	توسعه دادن بازی با پرتاب توپ از خارج به داخل زمین
In-bounds area	قسمتی از زمین بازی که توپ از خارج زمین به آنجا پرتاب می شود

In-bounds pass	پر تاب توپ از پشت خط به طرف هم تیمی داخل زمین بازی
Incapable	ناتوان، عاجز، بی عرضه
In case of doubt	مردد بودن
Incentive	انگیزه، مشوق
Inception	آغاز، شروع، ابتدا
Inception point of the fast break	لحظه شروع ضد حمله
Incident	رویداد، حادثه، واقعه
Incidental	اتفاقی، تصادفی
Incidental contact	برخورد اتفاقی، تماس تصادفی
In-close area	قسمتی از زمین بازی نزدیک به حلقه
Inconsistent	متناقض
Incorporate	یکی کردن، به هم پیوستن، متحد کردن، داخل کردن، جادادن، دارای شخصیت حقوقی کردن، ثبت کردن) در دفتر ثبت شرکت ها (آمیختن، ترکیب کردن، معنوی، غیر جسمانی)
Incorrect	اشتباه، نادرست، غلط
Increase	افزودن، زیاد کردن، توسعه دادن
Increase the lead	اختلاف امتیاز را افزایش دادن
Inculcate	تلقین کردن، جای دادن، القاء کردن، متوجه کردن
Incur	بهم‌مخاطره انداختن، در معرض خطر گذاشتن، موجب (خرج یا ضرر یا تنبیه و غیره) شدن
Indecisiveness	دودلی، تردید
In defense	در حال دفاع، در موقعیت دفاعی
Independents	تیم‌های بسکتبال که به هیچ کنفرانسی تعلق ندارد
Index	فهرست، راهنما، شاخص
Index finger	انگشت اشاره، انگشت سبابه
Indians	۱- نام تیم بسکتبال دانشگاه آرکانزاس استیت در استیت یونیورسیت ی که در کنفرانس سان بلت بازی می کند ۲- نام تیم بسکتبال دانشگاه نرتست لوئیسانا در منرو که در کنفرانس سوتلند بازی می کند ۳- نام تیم بسکتبال ویلیام و دانشکده مری در ویلیام اسبرگ که در کنفرانس کلنیال آتلنتیک بازی می کند
Indicate	نشان دادن، نمایان ساختن، اشاره کردن بر
Indiscriminate	غیرانتقادی، غیر وخیم، ناشی از عدم تبعیض
Individual	تک، فرد، شخص، انفرادی
Individual control of the ball	مالکیت توپ توسط یک بازیکن
Individual defense	دفاع انفرادی
Individual defensive abilities	مهارت‌های فردی در بازی‌های دفاعی، در دفاع از حریفان، در حفاظت



	از حلقه، توانایی بازیکنان در بازی پوششی
Individual free lance	حرکت حمله ابتکاری یا فی البداهه توسط یک بازیکن
Individual game statistics	داده‌های آماری انفرادی بازیکنان
Individualist	بازیکن تک رو، بازیکنی که هم تیمی‌هایش را نادیده می‌گیرد
Individually	به‌طور شخصی، انفرادی
Individually freezing the ball	به تنهایی توپ را متوقف کردن
Individual man-to man defense	دفاع یارگیری بدون تغییر پوشش در دفاع (بدون سوئیچ کردن)
Individual match-up	جور کردن انفرادی بازیکنان (از لحاظ اندازه سرعت و مهارت ها) با حریفانشان
Individual offensive abilities	مهارت‌های فردی در بازی حمله، در حمله به حلقه
Individual offensive moves	مهارت‌ها و حرکات فردی بازیکنان در حمله
Individual play	تمایل برای تک روی، نادیده گرفتن هم تیمی‌ها
Individual practices	تمرینات انفرادی یا فردی که توسط مربی ارائه می‌شود
Individual skills	مهارت‌های فردی
Indoors	سالن ورزشی، باشگاه سرپوشیده
Indoors game	مسابقه‌ای که در سالن سرپوشیده انجام می‌شود
In doubles	بازی دبل بازی که توسط دو بازیکن اجرا می‌شود
Induct	آشنا کردن، معرفی کردن
Industrial league	مسابقات دوره‌ای کارخانجات یا تیم‌های شرکت‌ها
Industriousness	پشتکار، سعی و کوشش
Ineffective	بی اثر، غیر مؤثر، بیهوده، بی فایده
Ineffectual	بی حاصل، بی نتیجه، بیهوده
Inexperienced	خام، نا آزموده، بی تجربه
Infection	سرایت، شیوع، انتشار
Inferior	پست، درجه دو، متوسط
Infernal	بزرگ، مهم، کبیر
In fine fettle	در وضعیت خوب، در فرم ایده آل
Infinitesimal	بی اندازه خرد، بی نهایت کوچک
Inflate	باد کردن، از باد یا گاز پر کردن
Inflated ball	باد کردن توپ، باد کردن توپ با فشار هوای مناسب
Inflexible	محکم، سفت، انعطاف ناپذیر، خم نشدنی
Influence	۱- ترغیب کردن، وادار کردن، متقاعد کردن ۲- تأثیر، اثر، ترغیب ۳- هُل دادن (حریف)
Influencing the offense and the dribbler	وادار کردن حریف به دریبل (به‌طور معمول همراه با هُل دادن حریف به کناره‌های زمین به‌منظور بر هم زدن سازمان حمله آنها)
Inform	اطلاع دادن، خبر دادن، آگاهی دادن، با خبر کردن

In form	در شرایط خوب، در فرم ایده آل، آماده
Information	آگهی، اعلامیه، اطلاعیه، اخطار، اعلام، تفهیم
Infraction	نقض مقررات
Infraction of the rules	نقض مقررات بازی
Infrared lamp	لامپ مادون قرمز
In front of	جلوی توپ، مقابل توپ، نزدیک به توپ
In front of the basket Jump shot	شوت جفت از جلوی حلقه
In front of the Parade	بهترین
In full feather	در فرم، در شرایط ایده آل
<i>In good form</i>	در فرم، در شرایط ایده آل
In good (also: In razor) shape pink)	در وضعیت خوب، در شرایط عالی
In good trim ( also: high gear,- full bloom, razor shape,-the pink	در سلامتی کامل، در وضعیت عالی
In great shape	در فرم عالی
Ingredient	جزء، جزء سازنده، عامل، عنصر
Ingredients of the game	اجزا و عوامل بازی
Inhale	تنفس کردن، نفس کشیدن
Inherent	۱- تفکیک ناپذیر ۲- چسبنده
Initial	اولین، نخستین، آغازین، مقدماتی
Initial go	اولین رویداد (یک برنامه یا مسابقه)
Initial move	شروع حرکت یک مانور
Initial pattern	شروع یک نقشه، شروع نقشه سیستم دفاعی یا حمله
Initial position	نقطه شروع
Initial probing passes	اولین بیتاب‌های توپ به طرف هم تیمی به منظور مشخص کردن تاکتیکهای دفاعی
Initial thrust of the fast break	پرتاب اولیه برای شروع ضد حمله
Initiate	آغاز کردن، شروع کردن
Initiation pass	پاس به طرف هم تیمی که شروع یک الگوی حمله را در پی دارد
Initiative	ابتکار، اولین حرکت
Injured player	بازیکنی که از آسیب دیدگی رنج می برد
Injury	صدمه، آسیب
Injury substitute	جایگزین کردن برای بازیکنی که از آسیب دیدگی رنج می برد
In mass	به طور کامل، به طور کلی، یکجا، یکپارچه
Inner	اندرون، داخل، درون، تو، باطن، مناطق داخلی، مرکزی

Inner edge	لبه داخلی خط زمین بازی
Innovation	بدعت، نوآوری، ابداع
In reverse English	از آن طرف، از آن روی
In row	یکی بعد از دیگری، پیاپی
In-season	در خلال فصل
In-season games	مسابقاتی که در بین فصل انجام می شود (در دبیرستان های آمریکا ۲۰ بازی، دانشگاه ها ۲۶ بازی و در NBA؛ بیش از ۸۰ بازی)
In-season practice	تمرین در خلال فصل مسابقات
Insert	۱- پر کننده ۲- ذخیره را به میدان فرستادن
In shape	در فرم ایده آل، در شرایط عالی
Inside	۱- درونی، داخلی، دور از مرز ۲- نزدیک به حلقه، در منطقه کلید ، در عمق زمین حمله ۳- منطقه کلید، منطقه ۳ ثانیه، نقطه زیر حلقه
Inside a defender	حرکت بین بازیکن مدافع و حلقه (شبهه ایجاد سد، برش)
Inside a defender screen	اسکرین یا سد کردن هم تیمی بین حلقه و مدافع حریف
Inside advantage	اورپلی (جلوگیری و مزاحمت دفاع از رسیدن توپ به بازیکن مورد نظر) در منطقه نزدیک حلقه
Inside attack	حرکت حمله نزدیک به حلقه
Inside cut	برش به طرف محدوده حلقه
Inside dopester	کسی که اطلاعات درباره بازی های آینده را جمع آوری می کتد
Inside edge	لبه داخلی خط زمین بازی
Inside foot	پای نزدیک تر به حلقه (در موقعیت محدوده حلقه)
Inside game	بازی در منطقه نزدیک به حلقه
Inside hand – off	دست به دست کردن توپ به بازیکنی که از کنار هم تیمی پاس دهنده به طرف حلقه برش می کند
Inside job	بازی نزدیک به حلقه
Inside man	بازیکن نزدیک به حلقه
Inside of an attacking player	قرار گرفتن بین بازیکن مهاجم و مدافع آن
Inside- out dribble	دریبل کردن به طرف حلقه و برگشت به عقب
Inside-outside ball movement	حرکت توپ به طرف محدوده حلقه و برگشت به عقب
Inside-outside player	بازیکنی که توانایی بازی نزدیک و دور از حلقه را دارد
Inside pass	پاس نزدیک به محدوده حلقه
Inside position	مکانی در منطقه ۳ ثانیه نزدیک به حلقه در خلال پرتاب آزاد ۲- نقطه ای نزدیک به حلقه
Inside power move	پرش انفجاری برای شوت سه گام بعد از مهار کردن حریف
Insider	۱- بلژیکنی که نزدیک به حلقه بازی می کند ۲- کسی که اطلاعات درباره بازی های آینده را جمع آوری می کند

Inside roll	برش در عرض منطقه ۳ ثانیه به طرف حلقه
Inside running	تمرین دویدن در داخل سالن
Inside score	شوت خوب از نقطه نزدیک به حلقه
Inside screen	ایجاد سد بین حلقه و حریفی که از هم تیمی سد کننده دفاع می کند
Inside shot	شوت به طرف حلقه از نقطه نزدیک به آن
Inside toughness	اراده یا تصمیمی در نزدیک حلقه
Inside turn	۱- چرخش به طرف محدوده نزدیک به حلقه ۲- چرخش به طرف حلقه ۳- چرخش بر روی پای نزدیک تر به حلقه
Inspect	بازرسی کردن، چک کردن، بازدید کردن، امتحان کردن، معاینه کردن
Inspiration	پیشنهاد، فکر، نظریه
Inspirational coaching	عمل بر انگیزتن بازیکنان توسط مربی برای بهتر عمل کردن یا نتایج بهتر کسب کردن
Installation	نصب، تأسیسات، دستگاه
Instance	۱- لحظه، مورد ۲- مثل، مثال، نمونه
Instant	۱- لحظه، آن، دم ۲- فوری ۳- بلافاصله
Instantaneously	بلافاصله، آنی
Instill	القاء کردن، کم کم فهماندن
Instinct	غریزه، شم، میل، استعداد
Instinctive movement	حرکت غریزی
Instinctive pattern	آرایش تیم بر اساس اقتضای موقعیت و زمان حاضر
Instinctive play	حرکت و بازی غریزی
Instinctive reaction	واکنش غریزی
Institute	بنیاد نهادن، تأسیس کردن، برپا کردن
Intangibles	اتفاقاتی که توسط مربی درک نمی شود، وضعیت بغرنج در زمین بازی
Integrity	۱- تمامیت ۲- صداقت ۳- مصونیت
Intelligence	عقل، خرد، هوش، فراست، شعور، فهم، آگاهی، تیز هوش، زیرک
Intend	قصد داشتن، نیت داشتن، طراحی کردن، در نظر داشتن
Intensity	شدت، قدرت، نیرومندی
Intent	هدف، نیت، مفاد، منظور
Intentional foul	خطای عمدی
Intent of rules	مفاد مقررات بازی
Intentness	جدیت، سعی، سرگرمی، توجه، ملازمت
Intercept	متوقف کردن توپ، دزدیدن توپ، قاپیدن توپ
Interception	جلوگیری از توپ، قطع حرکت توپ، توپ دزدی، توپ ربایی
Intercepting angle	شرایط مطلوب برای قاپیدن توپ پرتاب شده حریف

Interceptor	بازیکنی که توانایی توپ ربایی داشته باشد
Interchange	۱- تغییر موقعیت بعد یا همزمان با دیگران ۲- تغییر پی در پی ۳- جابجایی متقابل ۴- جابجا کردن موقعیت با هم تیمی
Interchange ability	۱- مهارت در جابه جایی موقعیت ها ۲- توانایی بازی کردن در موقعیت های مختلف
Interchangeable	۱- تغییر پذیر، قابل تعویض، تعویض کردنی ۲- استعداد برای بازی کردن در موقعیت های مختلف
Interchanging of positions	جابجایی موقعیت با هم تیمی
Interest	توجه، علاقه، کنجکاوی
Interested	مؤجبه، علاقه مند، کنجکاو
Interesting	جالب، جالب توجه
Interfere	سد راه شدن، مانع شدن
Interference	اخلال، ممانعت، مانع، مزاحمت
Interference with the ball	۱- لمس کردن یا تاج کردن توپ (مطابق با ماده ۴۴ قوانین اف آی بی ای) ۲- جلوگیری از تسلط حریف بر توپ
Interior	۱- درون، درونی ۲- منطقه کلید ۳- محدوده نزدیک به حلقه
Interior cutter	بازیکنی که به داخل یا به طرف منطقه حلقه برش می کند
Interior of the defense	۱- داخل محدوده حفاظت شده ۲- محدوده نزدیک به حلقه
Interior pass	پاس نزدیک به محدوده حلقه
Interject	۱- توپ را از خارج به داخل زمین انداختن ۲- افزودن، اضافه کردن (نکته)
Interject set plays	درخواست کردن برای اجرای نقشه در بازی (در حمله ی ویژه یا شرایط دفاعی)
Intermediate	میانه، متوسط، میانی، وسطی
Intermediate area	محدوده ی ۳/۵ متری از حلقه
Intermediate rebounder	بازیکنی که توپ های ریباوند را در محدوده ی ۳/۵ متری از حلقه می گیرد
Intermediate shooting area	محدوده ی شوت در ۳/۵ متری از حلقه
Intermission	فاصله استراحت بین دو نیمه (اف.آی.بی.ای ۱۰ تا ۱۵ دقیقه و ان.بی.ای ۱۵ دقیقه)
Intermittent dribble	دریبل با تغییر سرعت و آهنگ، دریبل همراه با گول
International	۱- مسابقه ورزشی با حضور تیم های ملی ۲- بازیکنی که در مسابقات تیم های ملی شرکت می کند، بازیکن تیم ملی
International competition	یک سری مسابقات یا تورنمنت با حضور تیم های ملی یا تیم های دیگر از کشورهای مختلف
International player	بازیکن تیم ملی که در مسابقات بین المللی شرکت می کند .

Interpretation	شرح و بیان قانون و مقررات، تئویل، تفسیر اخبار و اطلاعات رسیده ، تفسیر عکس، تفسیر، تعبیر، ترجمه، مفاد
Interrupt	قطع کردن، متوقف کردن
Interrupt the game ( play )	متوقف کردن بازی
Intersect	تقاطع کردن، از وسط قطع کردن، تقسیم کردن
Interval	وقفه، فاصله، فرجه، آنتراکت
In the bag (also: -sack)	۱- پایان، خاتمه ۲- مسابقه‌ای که به‌طور یقین با موفقیت پایان می‌پذیرد
In the bag winner	تفکر تیمی که به‌طور حتم برنده باشند
In the pink	۱- در سلامتی کامل، در فرم ایده آل ۲- در شرایط جسمانی بسیار خوب
In the same boat (also: -box, -tub)	۱- در شرایط و موقعیت برابر ۲- مساوی، یکسان، برابر
In the spotlight	در قسمتی از صحنه نمایش که به‌وسیله نورافکن روشن شده باشد، محل مورد توجه و تماشای عموم
In the wrong box	در مکان اشتباه
Intimidate	ترساندن، نهیب زدن به
In tip-top condition	در فرم عالی، ایده‌آل، تو فرم بودن
In tow	دنبال خود، پشت سر خود
Intramural	داخل محدوده‌ی دانشگاه یا دانشکده
Intramurals	مسابقات داخلی بسکتبال
Intrasquad	رقابت تمرینی بین اعضای یک تیم
Intrasquad game	بازی تمرینی بین دو گروه از یک تیم
Intricacy	پیچیدگی
Intricate	پیچیده
Intrinsic	ذاتی، فطری، باطنی، درونی، طبیعی
Intro (also: Introduce)	معرفی، معارفه
Introduce	معرفی کردن، نشان دادن، آشنا کردن، مطرح کردن
Intuition	درک مستقیم، بصیرت، فراست
Intuitive basketball sense	استعداد بسکتبالی، احساس ذاتی نسبت به بسکتبال
Intuitive movement	حرکاتی مبنی بر استعداد بازیکن
Invader	تیم مهاجم، حریف مهاجم
Invariable	ثابت، بدون تغییر، نامتغیر، یکنواخت
Invert	عقب عقب رفتن، برعکس کردن، در جهت مخالف و عکس عمل کردن، چرخیدن، کج شدن، منحرف شدن
Inverted	وارونه
Inverted cup	آرایش انگشتان دست، بشکل فنجان یا قیف وارونه در هنگام دریبل

	زدن
Invite a pass	درخواست پاس کردن، درخواست توپ کردن (با نشان دادن دست)
Involve	گرفتار کردن، گیر انداختن، وارد کردن، گرفتار شدن، درگیر کردن یا شدن
Involvement	درگیری، پیکار
Inward	درونی، داخلی
Iron	حلقه که از فلز ساخته شده (حلقه بسکتبال)
Iron ( also: Steel) monster	تخته شکسته بندی
Iron the ball	امتیاز کسب کردن
Irregularity	بی نظمی، بی قاعدگی، چیز غیر متعارف
Irrigated	برانگیختن
Itch	خاریدن، احساس خارش کردن
Itch for(also: -to)	آرزو داشتن، خواستن، دوست داشتن، میل داشتن
Itchy	علاقه مند، مشتاق
Item	۱- فقره ۲- ماده ۳- رویداد ۴- تکه
Ivory hunter	استعداد یاب، شکارچی استعدادها، مأمور یافتن ورزشکاران با استعداد

JJJJJJJJJJJJJJJJJJJJJJJJJJJJJJJJJJJJJJ	
J	شوت جفت
Jab	سیخ زدن، سک زدن، برانگیختن، هل دادن
Jabers	مشتها
Jab step	گام فریب؛ یک قدم با تعادل و کوتاه در یک جهت و بلافاصله با یک قدم بلند در جهت مخالف حرکت کردن
Jab step and cross over	یک قدم با تعادل و کوتاه در جهت حلقه و بلافاصله با همان قدم طرف عقب آمدن، بعد از واکتش حریف بلافاصله با یک قدم بلند در جهت حلقه برش را انجام دادن
Jackknife	۱- چاقوی جیبی، چاقوی ضامن دار ۲- به طور کامل خم یا دو لا کردن شبیه چاقوی تاشو ۳- حالت پرش جهت توپ گیری از حلقه، حالت پرشی که در هوا نقسط گیرنده توپ از حلقه انجام می شود، در این حالت دست ها و پاها در جلو، در حالی که بدن خم شده و باسن به عقب کشیده می شود
Jack of all trades	بازیکن همه کاره، بازیکن دارای استعداد های گوناگون
Jaguars	نام تیم بسکتبال دانشگاه سوت آلاباما در میابل که در کنفرانس سان بلت بازی می کند
Jail	۱- زندان ۲- مانع شدن حریف
Jake	بازیگری که وقت کشی می کند
Jam	۱- جمع شدن، تجمع کردن، ازدحام کردن ۲- چپاندن، فرو کردن، انداختن ۳- مسدود کردن، مانع شدن ۴- تنگ کردن، محکم کردن (در دفاع یا حمله)، شرایط بحرانی در یک بازی ۵- اسپک کردن ۶- توپ را با فشار داخل حلقه کردن، اسپک کردن توپ داخل حلقه
Jam down	توپ را همراه با پرش بلند و با فشار داخل حلقه کردن، اسپک کردن توپ داخل حلقه
Jam happy	بازیکنی که احساس خوبی در شلوغی زیر حلقه دارد
Jammed	شلوغ، پرازدحام
Jammed up	در مخممه، گرفتاری
Jam session	مسابقه اسپک کردن توپ در حلقه
Jamshot	شوت اسپک
Jamsmart	بازیکنی که مهارت در اسپک کردن توپ داخل حلقه را داشته باشد
Jam the ball	۱- اسپک کردن توپ داخل حلقه ۲- بلو که کردن توپ، جلو گیری از توپ
Janitor	سرایدار، سرپرست
Jargon of sports	زبان فنی ورزشها
Jar loose	توپ ریچاند (در آوردن، بیرون کشیدن)
Jayhawks	نام تیم بسکتبال دانشگاه کانزاس در لورنس که در کنفرانس بیگ است بازی می کند
Jays	نام تیم بسکتبال دانشگاه کرکاتون در اماها که در کنفرانس میسوری والی بازی می کند
Jeopardize	به خطر انداختن، در مخاطره انداختن
Jerk	۱- پیچ دادن ۲- پیچاندن، ناگهان کشیدن ۳- تقلا کردن ۴- تکان سریع دادن، زود



	کشیدن ۵- تکان، تکان تند، حرکت تند و سریع، کشش، تشنج
Jerky	۱- تشنجی، بگیرو و ول کن همراه با انقباض، اسپاسم گونه ۲- ناگهان ۳- شدید
Jerky shot	شوت ناگهانی، شوتی که بدون آمادگی پرتاب شود
Jersey	لباس یا یونیفرم ورزشی (پیراهن، بلوز)
Jet-propelled	۱- عالی ۲- سریع
Jinx	بدشانس، بداقبال
Jitter	دلشوره، بیقراری، اضطراب
Jitterbugging in and out	پرش جلو و عقب، پرش بعطرف منطقه حلقه و خارج از آن
Job	کار، شغل
Job at hand	کار پیش رو، وظیفه ی در دست اقدام
Job-simple	ترس از دست دادن موقعیت
Jockey	فریب دادن، گول زدن، فریفتن، تقلب کردن
Jockeying for position	بکارگیری گول‌ها برای رسیدن به نقطه مطلوب
John ( also Johnny )	حمام، مستراح، دستشویی
Join	۱- متصل کردن، پیوستن ۲- پیوند زدن
Joint	مفصل
Joints relaxed	شل کردن مفصل‌ها
Join up with	معاشرت کردن، شریک شدن، همکاری کردن، ارتباط دادن
Jolly	خیلی خوب، عالی، درجه یک
Jostle	تنه زدن، هل دادن، به زور آرنج راه باز کردن
Journalist	روزنامه نگار، روزنامه نویس
Juco	مخفف دانشکده مقدماتی
Juco transfer	انتقال بازیکن به خاطر مهارت های بسکتبال او از دانشکده کوچکتر به دانشکده بزرگتر یا به دانشگاه
Judge	۱- قضاوت کردن، تلاش کردن، امتحان کردن ۲- سرداور، داور
Judgement	۱- دادرسی، داوری، فتوی، رأی ۲- تخمین، ارزشیابی
Judges	نام تیم بسکتبال دانشگاه براندیز در دروالت
Juggernaut	نیروی منهدم کننده (تیم شکست ناپذی)
Juggle	شعبده بازی کردن، تردستی کردن، با توپ تردستی کردن
Jugglery	۱- تردستی ۲- دستکاری با توپ ۳- فریب تاکتیکی
Juice	خون
Jump	جست و خیز، پریدن، جهیدن، جستن
Jump ball	حرکت پرتاب توپ بصورت عمودی توسط داور بین دو بازیکن مخالف در بالاترین نقطه که بتوانند با پرش به آن برسند (حرکت جمبال)
Jump ball alignment	آرایش بازیکنان در خلال جمبال

Jump ball box alignment	آرایش چهار گوش بازیکنان در موقعیت جمبال
Jump ball diamond alignment	آرایش بمشکل لوزی بازیکنان در موقعیت جمبال
Jump ball plays	بکارگیری حرکات پیش‌بینی شده در خلال جمبال
Jump ball situations	بازی‌ها یا شرایطی که در خلال جمبال بکار گرفته می‌شود
Jumper	شوت با پرش به طرف حلقه، شوت جفت
Jumper from beyond arc	بازیکنی که از پشت خط ۳ امتیازی مبادرت به شوت جفت می‌کند
Jump hook pass	پاس در حال پرش همراه بلحرکت تاب و امتداد دادن دست (به طور معمول بعد از ریاند دفاعی برای شروع ضدحمله از این پاس استفاده می‌شود)
Jumping	پرش، جهنده، جست و خیز، جهش
Jumping ability	مهارت در پرش
Jumping rope	۱- ابزار جهت تمرینات پرش ۲- تمرین طناب زدن
Jump-off	شروع یا آغاز بازی
Jump off	پریدن به عقب یا بغل
Jump pass	پرتاب توپ بمطرف هم‌تیمی همراه با پرش
Jump rope	۱- طناب زدن ۲- تمرین طناب زدن
Jump shooter	بازیکنی که شوت جفت می‌زند
Jump shooting range	حد فاصل برای شوت جفت
Jump shot	شوت جفت
Jump shot area	محدوده مناسب برای شوت‌های جفت
Jump shot free throw	پرتاب آزاد با شوت جفت
Jump-shot key	منطقه کلید، منطقه ۳ ثانیه (لبنیم دایره خارجی دایره پرتاب آزاد)
Jump shot left side	شوت جفت بمطرف حلقه از طرف چپ آن
Jump shot right side	شوت جفت بمطرف حلقه از طرف راست آن
Jump shot with one dribble	پرتاب شوت جفت بعد از یک دربیبل
Jump shot with one step	پرتاب شوت جفت بعد از یک قدم به جلو
Jump stop	فرود آمدن از پرش روی دو پا در یک زمان
Jump stop and a turn	فرود آمدن از پرش روی دو پا در یک زمان همراه با یک چرخش
Jump stop drill	تمرین فرود آمدن بر روی دو پا بصورت موازی در یک زمان
Jump stopping off the dribble	فرود آمدن بر روی دو پا در یک زمان و در پی آن اجرای عمل دربیبل
Jump switch	جابجایی یا تغییر پوشش یا سوئیچ با یک جهش
Jump switching	تغییر پوشش با یک جهش
Jump the gun	شروع غلط، شروع کردن قبل از اعلام قانونی
Jump to the ball	خیز بمطرف توپ، خیز برداشتن بمطرف حریف مالک توپ
Jump turn	خیز برداشتن همراه با چرخش
Jump turn shot	شوت جفت همراه با چرخش
Angle jump	پرش بازیکن از موقعیت کناری بمطرف تخته برای گرفتن توپ ریاند

Apex of the jump	نقطه اوج پرش
Broad jump	پرش طول، پرش بعطف جلو
Crossed jumps	به صورت چهار زانو نشستن و پرش از این حالت به بالا
Defensive jump ball	آرایش دفاع در شرایط جمبال، آرایش بازیکنان تیمی که از لحاظ قد و پرش نسبت به تیم دیگر در شرایط جمبال برتری نداشته باشند
Diagonal rope jump	تمرین پرش بازیکن سانتر از روی طناب‌هایی که در ارتفاع‌های متفاوتی قرار دارد
Double-teaming jump switch	سوئیچ یا تغییر دفاع همراه با جهش به قصد ایجاد دبل تیم
Eagle's jump	پریدن با پاهای باز در هوا همزمان با لمس کردن پنجه‌های پا با انگشتان دست
Explosive jump	پرش انفجاری، پرش ناگهانی، پرش قدرتی
Fake-and-jump shot	شوت جفت بعطف حلقه بعد از گول زدن
Fake jump switch	سوئیچ غیر واقعی پوشش با یک جهش
Good jump stop	فرود مناسب از یک پرش بر روی دو پا در یک زمان؛ کپل پایین، پاها به عرض شانه باز و نسبت به هم موازی، سر کمی مایل به عقب، پاها از قسمت زانوها به حالت نیم خم، فرود هم‌زمان بر روی هر دو پا در یک آن
Held ball jump	اعلام جمبال بعد از گرفتن هم‌زمان توپ توسط دو رقیب
High jump	۱- اوج پرش ۲- پرش ارتفاع
Long jump	پرش طول
Medium jumper	پرتاب توپ بعطف حلقه همراه با پرش از نقطه‌ای بین موقعیت پا چپ و بالا، شوت جفت از نقطه میانی کلید
"Moonie jumpers"	پرش بسیار بلوغ برای اسپیک کردن توپ داخل حلقه
Offensive jump ball	آرایش حمله در شرایط جمبال، آرایش بازیکنان تیمی که از لحاظ قد و پرش نسبت به تیم دیگر در شرایط جمبال برتری داشته باشند
Out-jump	پریدن بیش از حد، شکست دادن در پرش
Outside jumper	پرتاب کننده شوت جفت از خارج منطقه کلید
Peak of the jump	نقطه اوج پرش
Power jump	پریدن روی دو پا با حالتی خم یا نیمه خم
Power jumps	تمرین پرش پی در پی با حالت نیمه خم
Pull-up jump	پرش جفت
Pull-up jumper	شوت جفت
Pull-up jump shot	شوت جفت
Quick jump	پرش سریع با زانوهای خم و دست‌ها بعطف بالا
Quickness of jump	آمادگی انجام پرش، سرعت اجرای پرش
Rebound jump	پرش برای گرفتن توپ ریباند از حلقه یا تخته
Run and jump	سوئیچ کردن مدافعان بعد از چند قدم دویدن و سپس خیز برداشتن بعطف حریفی که پوشش آن بعهده شماسست
Running broad jump	پرش طول بعد از دویدن

Shoot jumper	بازیکنی که شوت جفت می‌زند
Short jumper	۱- بازیکنی که شوت جفت از نزدیک حلقه می‌زند ۲- شوت جفت نزدیک به حلقه
Short jump shot	۱- بازیکنی که شوت جفت از نزدیک حلقه می‌زند ۲- شوت جفت نزدیک به حلقه ۳- شوت سه گام
Shuffle jump stop	فرود آمدن بعد از یک پرش بر روی پاهای به عرض شانه از هم باز همراه با زانوهای خم
Side jump	پرش از پهلو
Skip jump	پرش روی هر دو پا
Spread eagle jumps	تمرین پرش همزمان با بازکردن پاها به دو طرف در هوا که در این حالت پاها با انگشتان دست تماس برقرار می‌کند
Standing broad jump	پرش طول از حالت ساکن
Straight-up jump	پرش عمودی بدون کج شدن
Thirty jumps	سی مرتبه پریدن همراه با لمس کردن حلقه در موقعیت روبه‌روی آن
Turn-around jumper	۱- بازیکنی که بعد از چرخش در هوا اقدام به شوت جفت می‌کند ۲- شوت جفت همراه با چرخش در هوا و مواجه شدن با تخته و حلقه
Turn around jump shot	شوت جفت همزمان با چرخش در هوا و مواجه شدن با تخته و حلقه
Two foot bench jumping	تمرین پرش با دو پا روی نیمکت کوتاه
Two foot jump stop	متوقف شدن بر روی دو پا در یک زمان
Vertical jump	پرش به‌طرف بالا، پرش عمودی
Juncture	۱- اتصال، الحاق، پیوند ۲- لحظه بحرانی بازی
Junior	۱- بازیکنی که ۱۷-۱۸ سال سن دارد ۲- دانش‌آموز سال سوم در آمریکا
Junior high school	دبیرستان مقدماتی که در آن دانش‌آموزان ۱۵-۱۶ سال بسکتبال بازی می‌کنند
Junior college	دانشکده مقدماتی تا دو سال، آموزشکده
Junior year	سال سوم دانشگاه
Junior varsity team	۱- تیم دانشگاه با ترکیبی از بازیکنان سال سومی ۲- تیم دوم دانشگاه یا دانشکده
Junk defense ( 1+3+ Chaser)	دفاع ترکیبی؛ دفاع منطقه‌ای ۱-۳ به‌علاوه یک مدافع که دفاع یارگیری را انجام می‌دهد
Junker	معتاد
Jurisdiction	حوزه قضایی، قلمرو قدرت، اختیار قانونی
Jury	هیئت داوران
Jury of appeal	درخواست استیناف از سوی تیم برای مرتبه دوم
Just another	بازیکن درجه دوم، بازیکن متوسط
Just like that	به این (یا آن) صورت، این جور، این طور، این جوری
Just super	عالی
J.V. team=Junior varsity team	۱- تیم دانشگاه با ترکیبی از بازیکنان سال سومی ۲- تیم دوم دانشگاه یا دانشکده

KKKKKKKKKKKKKKKKKKKKKK	
Kangaroo	بازیکن برجسته در پرش
Kangaroos	نام تیم بسکتبال دانشگاه میسی یوری در کانزاس سیتی یسوری (که در کنفرانس این دیندنت بازی می کند)
Kayo	صحیح است، خوب، بسیار خوب، تصویب کردن، موافقت کردن، اجازه، تصویب
Keep	نگاه داشتن، اداره کردن، حفاظت کردن، سر جای خود ماندن
Keep away	دور نگه داشتن از حریف (برای مثال توپ)
Keep away drill	تمرین کار با توپ به منظور محافظت کردن از آن در برابر حریف
Keep alive	در آمریکا؛ تازمانی که در بیل متوقف نشود در اصطلاح می گویند توپ زنده است
Keep balance	حفظ کردن تعادل
Keep decko	مراقبت کردن، محافظت کردن
Keep from penetration	جلوگیری کردن از نفوذ به طرف محدوده نزدیک حلقه
Keep hands up	بالا نگه داشتن دستها
Keep his man occupied	نگه داشتن بازیکن مدافع نزدیک به خود به قصد اینکه به او اجازه داده نشود تا آزادانه وظایفش را انجام دهد
Keeping the ball alive off dribbling moves	در بیل و حرکت به جهت مخالف و مانور دادن بدون از دست دادن توپ
Keep-in sharp	در فرم ایده آل ماندن
Keep one's eye on the ball	مواظب بودن، آگاه بودن
Keep out the middle	۱- دور بودن از میان زمین ۲- بیرون کردن با ۰ ل دادن حریف از منطقه میانی
Keep pace	۱- حرکت با سرعت یکنواخت ۲- حفظ سرعت یا آهنگ بازی
Keep tabs on	کسی را زیر نظر داشتن، کسی را پایمیدن، حساب چیزی را داشتن
Keep the ball rolling	مجالس را گرم کردن، مجلس داری کردن، گردش کار را حفظ کردن
Keep the ball within your vision at all times	توپ را همیشه در میدان دید قرار دادن
Keep the defense honest	به کار بردن تمام توان خود برای حفاظت از منطقه داخلی
Keep the eye on the ball	آگاه بودن، مواظب بودن، حواس جمع بودن
Keep the guard close	وادار کردن مدافع به اینکه نزدیک شما بماند
Keep them guessing	نگفتن، نشان ندادن، هدف خود را آشکار نکردن
Keep the opponent on your back	مدافع خود را در پشت خود نگه داشتن
Keep thinking	بهترین راه حل را جست جو کردن
Keep trying	نهایت تلاش خود را کردن
Keep up the good work	حرکت خوب را ادامه دادن

Keep your head	از دست ندادن تمرکز فکری
Keep your opponents busy	اعمال فشار زیاد به حریف
Keep your opponent honest	مجبور کردن مدافعین به تلاش و حرکت مضاعف (اجازه نفس کشیدن را از حریف گرفتن)
Kenny Davis drill	تمرین کار با توپ
Kentucky	سیستم حمله بر علیه دفاع یارگیری در شرایط double stack (دبل استک)
Key	۱- کلید ۲- فهرست علامت‌ها که در بین بازی مورد استفاده قرار می‌گیرد ۳- منطقه ۳ ثانیه، منطقه دوزنقه ۴- با زور بین حریفان رفتن
Keydets	نام تیم بسکتبال انسریتی ویرجینیا میلیتری در لکسیتون که در کنفرانس جنوبی بازی می‌کند
Keyhole	۱- سوراخ کلید ۲- منطقه کلید ۳- منطقه ۳ ثانیه با دایره پرتاب آزاد
Key man	بازیکن حمله‌ای که نقش هدایت‌کننده و اجرای نقشه‌ها را در زمین دارد
Keynote (Am.) = Key-not (Eng)	راهنما، مفتاح
Key area rebounder	موقعیت بازیکن ریباوند کننده در منطقه کلید یا منطقه ۳ ثانیه
Key playmaker	بازیکنی که رهبری و سازماندهی بازی را بر عهده دارد
Key rebounder	۱- موقعیت بازیکن ریباوند کننده در منطقه کلید ۲- بازیکن اصلی در ریباوند
Key the offense	علامت دادن الگوی حمله
Keying manoeuvre	حرکت توافقی که بر اساس آن الگوی بازی را اعلام می‌شود
Kick	۱- ضربه زدن به توپ با پا که در بسکتبال خطا محسوب می‌شود ۲- پاس توپ
Kick about	عیب‌جویی کردن از، ایراد گرفتن از
Kick apart	تحلیل کردن، جزئیات را توضیح دادن
Kick away the game	بمخاطر بی‌دقتی بازی را از دست دادن
Kickback	نتیجه نامطلوب، نتیجه دور از انتظار
Kick back	پس گرفتن توپ
Kicking	۱- ضربه زدن با پا ۲- پاس دادن توپ
Kicking backwards	ضربه زدن با پا به کتف یا نشیمنگاه در بین دویدن در تمرین
Kick of the ball	پاس توپ
Kickoff	شروع بازی، شروع مسابقه
Kick off	شروع کردن
Kick off the team	اخراج کردن، بیرون کردن از تیم
Kick out	پاس به عقب بعد از نفوذ بمطرف حلقه
Kicks	پاها
Kick the ball out	پاس به هم‌تیمی دورتر از حلقه زمانی که زیر حلقه شلوغ می‌شود

Kick the frost out	تمرین کردن
Kick wide	پاس بیکناره‌ها بعد از نفوذ ببطرف حلقه
Kickworthy	ضعیف، متوسط
Kid	۱- بچه ۲- بازیکن بسکتبال
Kiki move	متوقف کردن دریل با قرار گرفتن پاها روی زمین یکی بعد از دیگری همراه با یک چرخش به منظور دور شدن از مدافع برای اجرای شوت جفت از خط عرضی
Kill	۱- کشتن ۲- از پا در آوردن، به کامل خسته کردن
Kill the ball	زمانی که بازیکن مالک توپ دریل را متوقف می‌کند (توپ مرده) اعلام می‌شود تا هم تیمی‌ها از این وضعیت آگاه شوند
Kill the dribble	متوقف کردن دریل
Kill time	وقت کشی کردن همراه با حفظ توپ
Kingsize	بزرگ، عظیم
Kiss off	مرخص کردن، راهی کردن، اخراج کردن
Kister	عقبی، پسی، عقب‌تر، دیرتر، خلفی، کظی
Kitty corner	ببطور مورب، اریبی
Knack	استعداد، خصیصه
Knee	زانو
Knee down	زانو زدن، پیش کسی زانو زدن
Knee drawn upward	تمرین بالا کشیدن زانوها
Knee flexions and extensions	تمرین خم و راست کردن پاها از قسمت زانو
Knee-high	کوتاه
Knee high	در، یا هم سطح زانو
Kneeling	زانو زدن
Knee-locking thrust with the legs	حرکت پاها در حالی که زانوها ثابت باشند
Knee-pad	نوار محافظت از زانو، زانو بند
Knife	۱- چاقو ۲- نفوذ کردن، برش کردن، نفوذ کردن به منطقه پر ازدحام
Knife across	شکاف انداختن بین حریفان
Knife stance	حالت آمادگی بدنی، نقش بُرنده و مؤثر داشتن
Knife through	حرکت قاطع و بُرنده
Knife to position	با قدرت و تیز به سمت نقطه‌ای حرکت کردن و آنجا را تصرف کردن
Knifing	عمل جراحی
Knifing action	نفوذ
Knock	۱- زدن، ضربه زدن، کوفتن، کوبیدن، وارد آوردن، ضربه زدن با کف دست و انگشتان ۲- انتقاد کردن
Knock away the shot	سد کردن شوت، بلوکه کردن شوت

Knock down	پایین آوردن
Knock-down-and-drag out	کار یا امر بسیار سخت
Knock-down a pass	سد کردن پاس، بلوکه کردن پاس
Knocked up	ضعیف شدن
Knocker	حرکت عالی
Knock-knock drill	تمرین؛ دویدن سریع از خط پرتاب آزاد بمطرف حلقه همراه با پرش و با دست دو ضربه به حلقه زدن
Knock off	۱- متوقف کردن، نگه داشتن ۲- حریف را شکست دادن
Knock one off the Christmas tree	سرزنش کردن
Knockout	۱- ضربه قاطع ۲- شکست
Knock out	بازیکن برجسته
Knock ( also: Kick ) the habit	تلاش کردن به منظور ترک عادت
Knot the score	از لحاظ امتیاز مساوی شدن یا برابر کردن
Knotted score	امتیاز مساوی
Know	دانستن، بلد بودن، از حفظ بودن، آگاه بودن، آگاهی داشتن
Know all the answers	دانش کامل (از بسکتبال) داشتن
Know-how	مهارت، چیره دستی، ورزیدگی، تردستی
Know-it-all	مدعی علم بسکتبال
Knowledge	دانش، علم، بصیرت، معرفت، اطلاع
Knowledge box	سر، کله، فهم
Knowledge of the rules	آشنایی با قوانین بازی
Know one's book	آگاه بودن به صورت صحیح از قوانین بازی
Know what makes one tick	به ماهیت چیزی پی بردن، ملتف شدن، به خوبی فهمیدن
Know what's what	آمادگی ذهنی داشتن، از لحاظ ذهنی هوشیار بودن
Knuckle	بند انگشت
Knuckle ball	پرتاب توپ با حرکت انگشتان



LLLLLLLLLLLLLLLLLLLLLLLLLLLLLLLL L	
Lab	آزمایشگاه، لابراتوار
Labonza	گودال زیر جناغ سینه
Laceration	دریدگی، پارگی، بریدگی
Lack	۱- فقدان، کسری، غیبت، غایب، کمبود ۲- نقص، کاستی
Lackadaisical	بی حال، بی اشتیاق
Lack of action	عدم حرکت
Lack of attention	بی توجهی، قصور
Lack of concentration	عدم تمرکز
Lack of coordination	فقدان کار تیمی
Lack of motivation	عدم انگیزه
Lacrosse	نوعی بازی با توپ در کانادا که بین دو تیم ۱۰ نفره با چوب دراز توردار کیسه مانند اجرا می شود. چوگان سر پهن
Ladder	۱- روش برگزاری مسابقات ۲- تقسیم بندی یا درجه بندی کردن تیم ها یا بازیکنان
Lag	وقت تلف کردن، بیهوده وقت گذراندن
Lag time	اتلاف وقت
Laid out	بی نیرو، ناتوان، ضعیف
Lamb	کسی که بهواحتی فریب می خورد، پخمه
Land	فرود آمدن از یک پرش، پامین آمدن از یک پرش
Landing	فرود آمدن روی زمین بعد از پرش
Landing gear	پاها
Landing place	نقطه ای که بازیکن بعد از پرش در آنجا فرود می آید
Land with a ( dull) thud	به سردی برخورد کردن، با انزجار برخورد کردن
Lane	۱- جاده، مسیر، گذر ۲- مسیر بازیکنی که در ضد حمله شرکت می کند ۳- صندوق، تابوت ۴- منطقه ۳ ثانیه، کلید
Lane and line	منطقه ۳ ثانیه با خطوط کناری آن و خط پرتاب آزاد
Lane area	محدوده منطقه ۳ ثانیه
Lane line	خط کناری منطقه ۳ ثانیه
Lanemen	بازیکنانی که در مسیرهای دوم و سوم ضد حمله حرکت می کنند
Lane passing drill	بازیکنانی که در خطوط کناری منطقه کلید رویبوی هم قرار می گیرند و بییکدیگر پاس می دهند
Lane slides with bricks	تمرین؛ حرکت سر خوردن در عرض منطقه ۳ ثانیه باشیء مکعبی در دست بازیکن، بعد از هر مرتبه سر خوردن مکعب را روی زمین قرار می دهیم و مکعب دیگری را بر می داریم

Lane space	مکانی برای بازیکن در خط کناری محدوده منطقه ۳ ثانیه در خلال پرتاب آزاد (NCAA): در هر طرف ۴ مکان، NBA، FIBA در هر طرف ۳ مکان وجود دارد)
Lane space marks	خطوط کوتاه ترسیم شده در خط کناری منطقه ۳ ثانیه در هنگام پرتاب آزاد
Lane violation	خطای ۳ ثانیه: ایستادن بازیکن حمله بیش از ۳ ثانیه در منطقه کلید
Assigned lane spot	مکان معین یافته در خط کناری منطقه ۳ ثانیه در خلال پرتاب آزاد
Cut down the lane	برش بظرف منطقه ۳ ثانیه به منظور دست یابی به حلقه
Cutting lane	مسیر برش
Delimit the passing lane	۱- تخمین زدن مسیر پاس ۲- محدود کردن مسیر پاس
Earn the lane	مورد استفاده قرار دادن مسیر تعیین شده در ضد حمله
Edge of the lane	حاشیه بیرونی خطهای منطقه کلید
Fill the lane	پر کردن یا اشغال کردن مسیر ضد حمله
Fill the proper lane	پر کردن یا اشغال کردن مسیر درست ضد حمله
Flash into the lane	برش سریع به داخل منطقه ۳ ثانیه
Free throw lane	منطقه پرتاب آزاد، منطقه ۳ ثانیه
Open up a passing lane	آزاد کردن مسیر پاس به هم تیمی
Pass lane	مسیر پاس
Passing lane	مسیر پرتاب توپ بطرف هم تیمی
Playing the lane	حرکت در مسیر توپ پرتاب شده که به قاپیدن توپ، مسدود کردن و گرفتن آن کمک می کند
Shooting lane	مسیر توپ پرتاب شده بظرف حلقه
Splitting the passing lane	مسدود کردن مسیر پاس
Straddling the lane line	حالت دفاعی با پاهای باز روی خط کناری منطقه کلید
Three lane attack	ضد حمله در سه مسیر
Wing lane	مسیر در موقعیت بال
Language	زبان، لسان، گویش، طرز تکلم، سخنگویی
Lap	دور کامل زمین اسبدوانی
Lapse	۱- لکنت ۲- لغزش وانحراف بازیکن مدافع بعد از انجام گول بر روی او
Lapse of concentration	فراموشی لحظه ای
Last	آخرین، بازپسین، آخر، آخرین، نهایی
Last minute situations	شرایط و حرکات در دقیقه پایانی بازی
Last seconds plays	بکار گیری نقشه های ویژه در دقایق پایانی مسابقه
Last seconds shots	۱- آرایش ویژه برای پرتاب سرنوشت ساز در لحظات پایانی بازی ۲- آرایش ویژه برای جلوگیری از پرتاب سرنوشت ساز حریف در لحظات پایانی بازی

Late	دیر، دیراننده، اخیر، تازه، گذشته، کند، تا دیر وقت، به تازگی، تادیرگاه، زیاد، مرحوم
Late game	لحظات پایانی بازی
Late game situations	شرایط و حرکات در لحظات آخر بازی
Lateral	پهلویی، جانبی، جنبی، کناری
Lateral cutter	بازیکنی که از مسیر کناری برش می کند
Lateral cutting	برش جانبی
Lateral movement	حرکت در عرض
Lateral pass	پرتاب توپ به طرف هم تیمی که در کنار شما قرار دارد، پاس عرضی
Lateral quickness	حرکت سریع در عرض
Lateral screen	ایجاد سد جانبی، ایجاد سد از کنار حریف
Lateral slide	حرکت پای دفاعی تا انتهای زمین؛ در این حرکت، پاها باز، زانوها خم و باسن به زمین نزدیک است، پاها با زمین در تماس اند و دست در پایین کمر آماده قطع در بیل حریف می باشد
Lateral speed	حرکت سریع در عرض
Lateral switch	جابجایی یا سوئیچ جانبی مدافعان
Launch	(شروع کردن) حمله
Lav	آبریزگاه، آبریز، مستراح
Lavatory	مستراح، حمام
Law	قانون، علم حقوق
Law of opposition	قانون تناقض (هماهنگی دست و پای مخالف (پاس با دست چپ در حالی که پای راست جلو است)
Lax	سست، شل، بی دقت، سهل انگار
Lay	۱- قرار دادن، گذاشتن، جایگزین کردن ۲- پرتاب به داخل حلقه ۳- مخفف شوت سه گام
Lay an egg	امتیاز از دست دادن
Lay-back shot	گل زدن در حالت پشت به سبد؛ در این حرکت، بازیکن با عبور از زیر سبد و چرخش به سمت سبد، توپ را درون سبد جای می دهد
Lay down to	اجازه پروزی به حریف دادن به سبب سیستم بازی اشتباه
Lay-in	شوت مستقیم به داخل حلقه
Laying back	در زمین خود ماندن (منتظر حمله حریف یا بخاطر خستگی)
Lay-in shot	پرتاب توپ از موقعیت جلوی حلقه، که توپ بعد از غلطیدن روی حلقه به داخل آن می افتد
Lay on	۱- نقشه کشیدن، طرح کردن ۲- مرتب کردن، آراستن، چیدن
Layout	۱- طرح، برنامه ۲- تجهیزات ۳- آرایش بازیکنان ۴- سالن ورزشی
Lay out (also: -over)	پیشی گرفتن، جلو زدن، پیش رفتن

Lay the ball over the front rim	با تلنگر توپ روی حلقه را از قسمت جلوی آن وارد حلقه کردن
Lay-up	۱- شوت سه گام ۲- آسایش، استراحت
Lay-up jump shot	شوت سه گام جفت
Lay-up off the backboard	شوت سه گام با توپ برگشتی از تخته بسکتبال
Lay-up pass	پاس منجر به گل برای شوت سه گام
Lay-up shot	شوت سه گام
Laze ( around)	وقت را بیهوده تلف کردن، تنبل شدن
Lazy	تنبل
Lazy weight	وزن کم، وزن ناکافی
L-cut	برش جانبی برش به شکل حرف L انگلیسی
Lead	۱- برتری داشتن در بازی ۲- پاس آرام و هوایی
Lead arm	دستی که در هنگام شوت و پاس، توپ را هدایت می کند
Lead drill	تمرین پاس و دریافت توپ در جلوتر
Leader	۱- بازیکنی که رهبری تیم را بعهده دارد ۲- بازیکنی که شروع کننده حرکات تیم است ۳- بازیکنی که تیم را هدایت می کند ۴- بازیکنی که حرکات گرم کردن و نرمش توسط او انجام می گیرد ۵- بازیکن توپ پخش کن
Leadership	توانایی رهبری تیم، رهبری تیم
Lead foot	پای راهنما، پایی که مسیر حرکت را نشان می دهد
Lead game	پیش بودن از حریف
Lead leg	پای راهنما، پایی که مسیر حرکت را نشان می دهد
Lead pass	پاس آرام و هوایی، پاس جلوتر از دریافت کننده
Lead-protecting game	بازی با حفظ برتری نسبت به حریف
Lead-protection offense	تاکتیک های حمله ای برای حفظ برتری نسبت به حریف
Lead shoulder	قرارگیری کتف در مسیر حرکت بازیکن
Lead the opponent	دفاع کردن از توپ حریف در حال حرکت
Lead up	اقدام به ریاند کردن
League	مسابقه های دوره ای
Leaky pump	قلب ضعیف
Lean	کج کردن یا شدن، خم شدن یا خم کردن، دولاشدن
Leaning	تمایل، انحراف، کجی
Leap	۱- پرش ۲- عمود پریدن ۳- پریدن، ور جستن، جست و خیز کردن، جهیدن
Leaper	بازیکن خوش پرش
Leapfrog = Leap-frog	۱- پریدن به طرف جلو با پاهای از هم گشاد (شبه جست قورباغه) ۲- تمرین پرش از روی هم تیمی در حالت نیمه خم

Leaping ability	مهارت در پریدن
Leaping lena	بازیکن زن
Learn	آموختن، یاد گرفتن
Learning time	ساعت مطالعه، ساعت یادگیری، زمان تمرین
Leather	۱- چرم ۲- توپ بسکتبال ۳- پوست
Leather ball	توپ بسکتبال که از پوست حیوانات ساخته شده باشد
Leather lungs	شش های قوی
Leave	خالی کردن، ترک کردن، بیرون رفتن، کناره گیری کردن
Leave it go	نادیده انگاشتن، کم محلی کردن به، محل نگذاشتن به، اعتنا نکردن به
Leave the court	زمین بازی را ترک کردن
Leave the feet	بلند کردن پاها (ازروی زمین به منظور پریدن)
Leave the game	از زمین بازی خارج شدن
Lecture	سخنرانی علمی، گفتاره، خطابه
Leery	زیرک، ناقلا
Left afield	شکست، باخت
Lefter	چپ دست
Left forward	بازیکن فوروارد چپ
Left guard	گارد در جناح چپ
Left handed=Left-handed(Am .Eng)	۱- بازیکن چپ دست ۲- حرکت یا مهارت ها یعنی که با دست چپ صورت بگیرد
Left hand lay-up	سه گام با دست چپ شوت
Left handedness(also: Left handedness)	بازیکن چپ دست
Left hand rebound	گرفتن یا با سر انگشتر زدن توپ ریباوند شده با دست چپ
Left side	همخوانی داشتن گوشه زمین با دست چپ
Lefty (also: Laftie)	۱- نامی برای بازیکن چپ دست ۲- چپ دست ۳- دست چپ
Leg	ساق پا، پایه، ساقه، ران، پا، پاچه، پاچه شلوار، بخش، قسمت، پا زدن، دوندگی کردن
Legal	قانونی، مشروع
Legal court	زمین بازی قانونی، زمین بازی متناسب با مقررات بازی
Legally	قانونی، مشروع
Legal screen	بلاک یا ایجاد سد مطابق با قوانین بازی؛ به طوری که سد کننده به طور ثابت بر روی دوپای خود بایستد و حرکت نکند
Leg and body checking	چک کردن موقعیت حریف با پا و بدن
Leg curls	چرخش پاها
Leg extensions	حرکت کششی با بالا نگه داشتن و امتداد دادن پاها

Leg fake	حرکت گول با پا
Leg it	در رفتن، فرار کردن
Leg raising	تمرین؛ بالا آوردن پاها
Legs bent	خم کردن پا از زانو
Legs together	تمرین کششی؛ در حالت ایستاده با پاها بصورت جفت و خم شدن ب ه جلو و لمس کردن پاها با دو دست
Leg-weary	با پاهای خسته
Length	درازا، طول
Lengthy	بازیکن بلند قد
Leopards	نام تیم بسکتبال دانشگاه لافایتی در ایستون که در لیگ پاتریوت بازی می کند
Lessen	کم کردن یا شدن، کسر کردن، تقلیل یافتن، کمتر شدن
Let	اجازه دادن، گذاشتن، رها کردن، ول کردن
Let fly	پرتاب کردن
Let it ride	اجازه ادامه حرکتی را دادن
Let's get cracking	بازی را شروع کنیم
Let's get going	انجام دهیم آنچه را که باید انجام دهیم
Let's Put the show on the road	بازی را شروع کنیم
Letterman	ورزشکار دانشگاه که نشان افتخار مدرسه را کسب می کند
Letup	زمان استراحت کوتاه بین بازی، تایم اوت
Let up	کاهش دادن، دست کشیدن، ول کردن
Let's go = let us go	بزن بریم
Let's play some hoops	بزن بریم بازی بسکتبال
Level	۱- تراز، سطح، میزان، هموار ۲- مساوی ۳- منصفانه رفتار کردن
Level of the top of the ring	سطح حلقه
<b>Level pass</b>	پاس مطمئن به سمت مخالف
Liaison	گارد
Licker	بازیکن خوب
Lie	تکیه کردن، لمیدن
Life-or-death game	مسابقه سرنوشت ساز
Lift	۱- بلند کردن ۲- بلند کردن بار، دزدی، سرقت، ترقی، پیشرفت، ترفیع، آسانسور، بالارو، جرثقیل، بلند کردن، سرقت کردن، بالا رفتن، مرتفع بهنظر آمدن، بلندی، بالابری
Lift fake	وانمود به شوت جفت کردن
Lifting	بالا بردن وزنه، بالا آوردن وزنه، وزنه زدن
Lift the feet	۱- دویدن ۲- قدم زدن

Ligament	مفصل، رباط، پیوند، بند، وتر عضلانی
Light bulb changer	۱- بازیکن با پرش بسیار بلند بمطوری که او به منظور تعویض لامپ نیاز به نردبان نداشته باشد ۲- بازیکنی با پرش بسیار بلند ۳- بازیکن متخصص در شوت‌های اسپیکتی
Light	۱- نور، روشن ۲- سبک ۳- کسب کردن امتیاز
Lighting	۱- روشنایی ۲- روشنایی در استادیوم ورزشی
Lightning	بازیکن بسیار سریع
Like a hog to war	از پهلو، بی‌وری، جنبی
Likelihood	احتمال، امکان، شانس
Like taking candy from a baby	راحت
Limberger	پاهای بد بو
Limber-up	تمرین به منظور بهبود اصول مهارت
Limit	محدود کردن، معین کردن، منحصر کردن، حاشیه، کنار، مرز
Limitation	۱- محدودیت ۲- مرور زمان
Limited area	قسمتی از زمین بازی با محدوده‌های تعیین شده توسط مقررات (منطقه ۳ ثانیه)
Line	۱- خط ۲- خط پرتاب آزاد ۳- پرتاب آزاد
Line drill	تمرین "بمطرف خطوط"؛ دویدن از خط عرضی ب طرف خط پرتاب آزاد و برگشت بمطرف خط مرکزی و برگشت ، به طرف خط پرتاب آزاد زمین مقابل و برگشت و بمطرف خط عرضی زمین مقابل و برگشت (حد زمانی این حرکت ۳۰ ثانیه می‌باشد)
Line hops	همزمان با دوپا از روی خط کناری زمین بازی جلو و عقب پریدن
Line jumps	همزمان با دوپا از روی طناب جلو و عقب پریدن
Line of the ball	خط فرضی که به طور عرضی از توپ تا خط مرکزی زمین که آن هم بمطور فرضی دو سید را به هم متصل می کند کشیده شده است (همه مدافعین به هنگام دفاع باید عقب تر از این خط جاگیری نمایند)
Line slides	بازیکن در حالت دفاعی با پاهای از هم باز که حرکت سُر خوردن (حرکت پای دفاعی) را بین خطوط کناری منطقه کلید انجام می‌دهد
Lineup (Am.) = Line-up (Eng)	۱- صف، ترتیب جای بازیکنان، طرز قرار گیری، تنظیم کردن ، مرتب کردن، آماده و مجهز کردن، به صف ایستادن بازیکنان یک تیم ۲- آرایش یک تیم ۳- آرایش بازیکنان (در خلال پرتاب آزاد)
Line up with	موافقت کردن
Backline	خط عقب (در آرایش دفاع منطقه‌ای)
Back line defensive man	بازیکن مدافع در خط عقب، موقعیت بازیکن مدافع نزدیک به خط عرضی
Baseline man	موقعیت بازیکن مدافع نزدیک به خط عرضی
Center line	خط میانی زمین بازی، خط مرکزی

Division line	خطی که زمین بازی را به دو نیم تقسیم می کند، خط مرکزی، خط میانی زمین بازی
End line	خط عرضی زمین بازی در پشت تخته و حلقه
End-line throw-in	پرتاب توپ بعداخذ زمین بازی از خارج زیر تخته
Far end line	خط عرضی نیمه زمین مقابل
Far line	خط عرضی پشت تخته نیمه زمین مقابل
Far side line	خط کناری نیمه زمین بازی مقابل
First line replacements	ذخیره های آماده
First line reserves	ذخیره های اصلی
First line substitute	ذخیره اصلی
Five-man one-line defense	آرایش دفاعی پنج بازیکن در یک خط
Five-man two-line set or a mss defense	آرایش دفاعی پنج بازیکن در دو خط که بمعنوان دفاع متراکم و ثابت عمل می کنند
Foul line	خط پرتاب آزاد
Foul line area	دایره پرتاب آزاد
Foul line defense	آرایش بازیکنان دفاع در هنگام پرتاب آزاد
Foul line extended	امتداد فرضی خط پرتاب آزاد
Free throw line	خط پرتاب آزاد
Free throw line extended	امتداد خط فرضی جنبی خط پرتاب آزاد
Front line	در دفاع منطقه ای (خط اول)
Front line defensive men	بازیکنان مدافع در خط اول (بخصوص در دفاع منطقه ای)
Gift line	خط پرتاب آزاد
Half court line	خط مرکزی زمین بازی
Half line	خط مرکزی زمین بازی
Imaginary line	خط فرضی به منظور توضیح حرکات (شبه امتداد خط پرتاب آزاد)
Lane and line	نقطه تقاطع خطوط کنار منطقه ۳ ثانیه با خط پرتاب آزاد
Lane line	خط کنار منطقه ۳ ثانیه
Miss from the line	از دست دادن یا هدر دادن پرتاب آزاد
Off line	از پشت خط
Off line pass	پرتاب توپ بمطرف هم تیمی از پشت خط
Opposite line	۱- خط پرتاب آزاد در نیمه دیگر زمین بازی ۲- خط بازیکنان در حال تمرین در زمین مقابل
Restraining line	خط های اضافی که دور تا دور خطوط زمین کشیده شده و از دسترسی افراد به زمین بازی جلوگیری می کند
Shoot on the line	طرز ایستادن یا قرار گرفتن بدن یک بازیکن در موقع شوت کردن ؛ پایی که طرف دستی که با آن شوت زده می شود، زانو، آرنج، کتف، انگشت



	نشانه همه در یک خط مستقیم نسبت به حلقه قرار می گیرند
Shot line	مسیر حرکت توپ زمانیکه از دست ( یا دست ها ) رها می شود
Sideline	۱- خط کناری در سرتاسر زمین بازی ۲- از بازی اخراج کردن ۳- از زمین بازی اخراج کردن
Side-line break	ضد حمله با پاس در امتداد یکی از مسیرهای کناری
Side-line inbounds play	حرکت یا آرایش بازیکنان که هنگام شروع بازی با پرتاب توپ از خارج به داخل زمین بکار گرفته می شود
Side line offense	حمله در امتداد خط کناری
Sideline out-of-bounds	پرتاب توپ از خارج به داخل زمین بازی
Sideline out-of-bounds offense	شروع حمله با پرتاب توپ از خارج به داخل زمین بازی
Side line pivot	چرخش یا پیوت در مسیر خط کناری
Sideline screen	ایجاد سد(اسکرین) یا بلاک نزدیک به خط کناری
Side line throw-in	پرتاب توپ از پشت خط کناری به داخل زمین بازی
Starting line up	پنج بازیکنی که شروع کننده بازی می باشند
Team line up	آرایش تیم در شروع بازی
Ten-seconds line	خط مرکزی زمین بازی
Three point line	خط پرتاب ۳ امتیازی (FIBA و NBA ۶/۲۵ NCAA ۶/۵۰ متر)
Lions	نام تیم بسکتبال دانشگاه کلمبیا در نیویورک که در لیگ اوی بازی می کند
List	فهرست، صورت، جدول
Listless	بی میل، بی توجه
Little end of nothing	۱- جزئی، ناچیز ۲- متوسط
Little figure eight	حرکتی که در یکی از الگوهای حمله بکار گرفته می شود
Live	۱- زندگی کردن، زیستن، زنده بودن
Live ball	۱- توپ در جریان بازی، توپ زنده ۲- توپ قبل از اتمام دریل
Live defense	دفاع فعال در هنگام تمرینات عملی
Liven	چالاک شدن، زنده شدن، چابک شدن، با روح شدن
Loaded	عصبانی، جوشی، تند خو، بد اخلاق
Loaded for bear (also: - bar)	رو فرم بودن، آمادگی کامل
"Loading up" offside	اشغال کردن سمت ضعیف (سمتی که توپ در آن جریان نداشته باشد ) جهت آماده شدن برای ریبانداز شوتی که از طرف قوی زمین پرتاب می شود
Loaf	وقت را بیهود گذراندن، تنبلی کردن
Loafer	بازیکن بی دقت، تنبل
Loafing	غفلت، بی مبالائی، تنبلی
Lob	پرتاب بلند توپ، پاس بلند، شوت بلند

Lobos	نام تیم بسکتبال دانشگاه نیومکزیکو در آلبوکرک که در کنفرانس وسترن آل لیگ بازی می کند
Lob pass	پرتاب بلند توپ به طرف هم تیمی
Local	بازیکن محلی
Locate	قرار گرفتن، مستقر شدن، جا گرفتن
Location	یک رویداد (موقعیت، مکان، محل)
Locate the basket	کسب کردن امتیاز
Lock	چفت کردن، قفل کردن، بستن، چفت
Locking	عدم تحرک، بی حرکت شدن
Locker	کمد قفل دار بهای بازیکنان در اطاق رختکن
Locker room	اتاق رختکن با کمد های قفل دار برای بازیکنان
Locker room pep talk	آخرین توصیه های مربی به منظور تشویق کردن تیم
Lock out	امتناد یا کشیدن کامل دستی که توپ با آن پرتاب می شود که باعث اطمینان کامل و مسیر خوب و اجرای مناسب شوت می شود
Locomotion	حرکت، جنبش، تحرک، جابجایی
Logo	آرم یا نماد یک شرکت
Lollypop	گرماسنج، دما نما، دماسنج
Lone	تنها، مجرد، تک
Loner	بازیکنی که نسبت به هم تیمی های خود جدا می ایستد
Long	دراز، طولانی، مدید، کشیده، طویل
Long ball	به حرکت در آوردن توپ در فاصله ۹-۱۰ متری حلقه (به منظور بازی تأخیری)
Long baseball pass	پاس بلند یک دست از کنار بدن همراه با تاب و امتداد دادن دست، پاس بلند بیس بالی
Long bench	در اختیار داشتن ذخیره های عالی در روی نیمکت
Long direct in bounds pass	پرتاب توپ از خارج از زمین به طرف هم تیمی که در موقعیت دور قرار دارد
Long distance shooting	مسابقه شوت از راه دور
Long distance shot	پرتاب توپ به داخل حلقه از راه دور
Longer lead	پاس مواج بلند، پاس آرام هوایی
Long hook shot	شوت هوک از فاصله ۲-۳ متری به داخل حلقه
Longhorn	بازیکن کهنه کار، با تجربه
Longhorns	نام تیم بسکتبال دانشگاه تگزاس در تیلر که در کنفرانس جنوب شرقی بازی می کند
Longitudinal	طولی
Long jump	پرش طول، پرش به طرف جلو

Long lead pass	پاس بلند مواج، پاس بلند روی سر دریافت کننده
Longlegs	بازیکن بلند قد
Long pass	پرتاب بلند توپ از راه دور بمطرف هم تیمی
Long pass accuracy drill	تمرین پاس های بلند دقیق
Long pass break	شروع حمله با پاس های بلند
Long passing play	بازی تهاجمی با پاس بلند
Long post	۱- بازیکن سانچ که روی خط پرتاب آزاد بازی می کند ۲- بازیگری که هم تیمی هایش را با پاس تغذیه می کند ۳- موقعیت شوت از بالا
Long range	از فاصله دور (بیش از ۶/۵ متری)
Long range bombing	بمباران حلقه با شوت، یا شوت باران کردن از فاصله دور
Long range set shot	شوت از فاصله دور در حالت ثابت
Long range shooting	پرتاب توپ بمطرف حلقه از فاصله دور
Long rebound	برگشت توپ از حلقه یا تخته در فاصله دورتر از آن، گرفتن توپ ریاند دورتر از حلقه
Long rebounder	بازیگری که توپ را از حلقه در فاصله دورتر نسبت به آن ریاند می کند
Long shot	۱- بازنده ۲- شرکت کننده ای که احتمال پیروزی کمی دارد ۳- تیمی که به پیروزی فکر نمی کند
Long-sit position	حالت نشستن با دراز کردن پاها به جلو
Long way off	دور، پرت
Look	۱- نگاه کردن، دیدن، نگریستن ۲- نگاه، نظر (لوکارنسکا مربی تیم دانشگاه است. جانز سفارش می کند که هر بازیکن بعد از دریافت پاس، قبل از اینکه بخواهد تصمیمی بگیرد باید سه نگاه (Three) looks را در نظر بگیرد ۱- نگاه بالا؛ جهت چک کردن هم تیمی که آزاد باشد ۲- نگاه قبل از دریبل؛ جهت مطمئن شدن به اینکه پاس دادن به هم تیمی مهمتر از دریبل کردن خودش می باشد ۳- نگاه قبل از پاس؛ مسیرهایی را که قصد پاس به آنها را دارد بازبینی کند. مربی کارنسکا عقیده دارد که پاس دادن توپ موثرتر از دریبل کردن آن است)
Look alive	عجله کردن
Look away pass	پرتاب توپ نه در مسیری که پرتاب کننده نگاه می کند
Look blue	نا امید ظاهر شدن
Look for a jumper	به انداز کردن اطراف به منظور پیدا کردن فرصت برای شوت جفت
Look for a pass	برانداز کردن و علامت دادن برای درخواست پاس
Look for a shot	برانداز کردن اطراف جهت پیدا کردن فرصت برای شوت
Looking for a return pass	منتظر پاس برگشتی از بازیکنی که به او پاس داده شده است
Lookout	عمل پاییدن، مراقب، دیده بان
Look out (also: -sharp, -slippy, -slick)	مواظب بودن

Look through green glasses	حسد بردن، حسود بودن
Look through your man	طرز ایستادن در دفاع بصورتی که حریفی که از آن دفاع می کند همراه با حریف مالک توپ در میدان دید شما باشد
Loop	۱- کمند، مهارى ۲- دکمه انداز، سگک دکمه، قلاب دکمه ۳- امتداد مسیر قلاب یا حرف U انگلیسی ۴- حلقه ۵- لیگ کنفرانس
Loop move	نفوذ بازیکن مهاجم در امتداد مسیری شبیه قلاب یا حرف U انگلیسی
Loop shot	شوت با قوس بلند، شوت قوس دار
Loop turn	تغییر مسیر در امتداد خط بیرونی حرف U انگلیسی
Loose	۱- رها کردن، آزاد کردن ۲- جدا ۳- بی قاعده ۴- بی دقت، شل
Loose ball	توپ سرگردان، توپ بدون مالک
Loose ball foul	خطایی که در زمان به دست آوردن توپ سرگردان مرتکب شوند
Loose ball recovery	قاپیدن توپ سرگردان یا توپ بدون مالک
Loose ball recovery and dribble	برداشتن و دریبل زدن توپ سرگردان و بدون مالک
Loose cutter	دویدن بازیکن مهاجم بدون مدافع به طرف حلقه
Loose man-to-man defense	دفاع شل یا رگیری همراه با پوشش (که متوقف کردن حریف م الک توپ را در حدود ۱۰ متری حلقه، دفاع درگیرانه در سمت قوی زمین و عدم فشار در سمت ضعیف زمین را شامل می شود)
Loosen	جدا کردن، سوا کردن
Looseness of the rims	قابلیت ارتجاعی حلقه بسکتبال
Loosening up exercises	تمرینات آزاد و شل کردن عضلات
Loosen up	۱- سست کردن، شل کردن، آسان کردن ۲- تمرین آزاد و شل کردن عضلات
Loose opponent	حریف بدون دفاع
Loose weave	حمله با حرکات متقاطع و پشت سر گذاشتن دو بازیکن نزدیک به هم
Loose zone	دفاع منطقه ای که متراکم نباشد، آرایش دفاع منطقه ای باز یا شل
Lord of the rims	بازیکنی که در موقعیت ریباوند تسلط داشته باشد
Lose	از دست دادن، زیان کردن، ضرر دادن، متحمل خسارت شدن، تلف کردن، شکست خوردن، باختن
Lose one's guts	عصبی شدن
Loser	بازنده
Losing team	تیم شکست خورده
Lose the balance	از دست دادن تعادل
Lose the ball	از دست دادن توپ، لو رفتن توپ
Loss	شکست خوردن، از دست دادن، گم کردن
Loss-of-possession	از دست دادن مالکیت توپ
Loss of the ball	از دست دادن توپ، حرکتی که منجر به از دست دادن توپ می شود

Lost game	تیم شکست خورده، تیم مغلوب
Lot	جمعیت، ازدحام
Lot of tools	فرمان تنوع و گوناگونی بازی ها و حرکات
Lots	بسیار فراوان، خیلی زیاد
Loud	صدا
Lousy	متوسط، نامطلوب، ناچیز، بد
Low	۱- کوتاه ۲- پایین ۳- موقعیت نزدیک به حلقه
Low box	اولین مکان نزدیک به حلقه در خط کناری منطقه کلید در شرایط پرتاب آزاد
Low cut	برش نزدیک به حلقه
Low dribble	دریبل کوتاه (در سطح زانو یا پایین تر)
Lower back	تمرین کششی؛ خوابیدن روی کمر و بصورت افقی و عمودی با پاها حرکت قیچی انجام دادن
Low 1-4 spread	آرایش حمله جهت به کارگیری حفظ کنترل توپ بخصوص در لحظات پایان بازی؛ بطوری که بازیکن توپ پخش کن در رأس دایره پرتاب آزاد قرار می گیرد و چهار بازیکن دیگر در موقعیت های قبل از خط عرضی شروع به بازی می کنند
Low pass	پاس زمینی کوتاه
Low Percentage shot	پرتاب توپ به طرف حلقه با کمترین احتمال که منجر به گل شود
Low pivot	بازیکن سانتر در موقعیت پایین
Low pivot ( post) area position	موقعیت سانتر در خط کناری منطقه کلید نزدیک به حلقه (حد فاصله ۲/۷۰ متری)
Low point	۱- شرایط بحرانی، لحظه بحرانی بازی ۲- قصور، کاستی، نقطه ضعف
Low post	موقعیت نزدیک به حلقه
Low postman	بازیکن سانتر در موقعیت نزدیک به حلقه
Low post shuffle	طرح حمله شافل با تمرکز بر اجرای آن در منطقه پُست پائین
Low shuffle set-up	آرایش مداوم طرح حمله شافل در منطقه نزدیک سبد
Low side	کنار موقعیت پایین
Loyalty	وظیفه شناسی، صداقت، وفاداری
Luck	خوشبختی، شانس، اقبال
Luck shot	رفتن توپ داخل حلقه بطور شانسی (بعد از چند بار روی حلقه خوردن)
Lull	۱- چرت زدن ۲- کسی را خواب کردن
Lumberjacks	نام تیم بسکتبال دانشگاه آریزونا شمالی در فلاک استاف که در کنفرانس بیگ اسکای بازی می کند
Lumps	تورم، آماس، ورم، باد کردن
Lung	شش، ریه

Lung power	قدرت شش
Lunge	۱- حمله، حمله به جلو، حمله ناگهانی، پیشروی ناگهانی، خیز ۲- بمطرف حریف خیز برداشتن
Lure	جذب کردن، جلب کردن، مجذوب کردن، فریفتن، بهدام انداختن، پس زدن
Lure away	پس زدن حریف از موقعیت اش
Lure a trap	به دام انداختن، در تله انداختن
Luxation	در رفتگی مفصل استخوان، جابجای شدن مفصل

MMMMMMMMMMMMMMMM	
Machine	ماشین، دستگاه
Machine-gun passing	تمرین پاس و دریافت توپ لبسرعت زیاد
Mad about	علاقه داشتن به (شيفته بسکتبال بودن، ديوانه بسکتبال بودن)
Made basket	کسب امتياز
Made shot	کسب امتياز
Maestro	مربی، مدير
Magnifico (also : Magnifique )	باشکوه، عالی
Magnify	بزرگ کردن، درشت کردن
Maintain	نگهداشتن، برقرارداشتن، حفظ کردن
Maintain possession of the ball	کنترل توپ را در اختیار گرفتن
Major upset	شکست مهم
Make	۱- انجام دادن، اجرا کردن، تولید کردن ۲- بموجود آوردن ۳- عضو شدن
Make a basketball team	به عضویت تیم بسکتبال درآمدن
Make a bid for a cup	برای تصاحب جام قهرمانی عزم خود را جزم کردن
Make a bonehead move ( also: -play)	ازبین بردن یا ضایع کردن بازی
Make a clean sweep	به راحتی پیروز شدن
Make a comeback	دوباره بعدست آوردن، بازیافتن، برای دوباره در دست گرفتن بازی تغییر ایجاد کردن
Make a fuss over	مشتاقت بودن ، علاقه مند بودن
Make a game	قادر به شرکت در مسابقه بودن (بعنوان داور، بازیکن یا تماشاگر)
Make a goal	کسب کؤدن امتياز
Make a gooser	از دست دادن امتياز
Make a hoop	امتياز کسب کردن
Make a killing (also: -a landing,-a sale,-a scoop, -a smash hit)	موفق شدن، پیروز شدن
Make a long arm	دست دراز کردن، دست بردن، دست پیش بردن
Make a man of	از خود یا از شخص دیگری مرد موفقی ساختن
Make a pass at	تلاش کردن
Make a ringer	امتياز کسب کردن
Make a rumble	شکایت کردن، غرغر کردن
Make a scoop	۱- کامیاب شدن، نتیجه گرفتن، موفق شدن
Make a sneak	یواشکی رفتن
Make a stall	به تأخیر انداختن بازی
Make big	موفق شدن
Make it hot for	۱- سرزنش کردن ۲- بموجود آوردن شرایط بسیار دشوار (برای حریف)
Make no bones	تأمل نکردن، درنگ نکردن

Make one jump out of one's skin	از جا پراندن، تکان دادن
Make one's mark	موفق شدن
Make shot	امتیاز کسب کردن
Make them sweat	حریف را تحت فشار گذاشتن، حریف را مجبور به عرق ریختن کردن
Make the team	پیشرفت کردن در کار تیمی
Make thing hum	نیرو دادن، احیاء کردن، زندگی بخشیدن
Make-up	ترکیب، ساخت، ساختمان یا حالت داستان ساختگی، در (نظف) آرایش، گریم، ترکیب کردن، درست کردن، جبران کردن، جعل کردن، گریم کردن، بزک، توالت
Makings	عضلانی بودن
Malingering	خود را بمریضی زدن، تمارض کردن
Man	۱- انسان، مرد ۲- شخص ۳- بازیکن ۴- حریف
Manager	مدیر، کارفرما، مباشر
Man-ball-basket triangle	نحوه‌ی استقرار دفاعی که مدافع در آن در رأس مثلثی جاگیری می کند که در رأس دیگر مهاجم و در رأس دیگر بازیکن مالک توپ و در سمت دیگر سبد قرار دارد
Manhandle (Am.) = Man-handle (Eng)	دست زدن، لمس کردن
Manner	روش، راه، طریقه، شیوه
Mannish	مربوط به دفاع یارگیری
Maneuver (Am.) = Manoeuvre (Eng.)	جنبش، حرکت، بازی، قسمتی از بازی
Maneuverability	قابلیت مانور، توانایی در حرکات، توانایی در بکارگیری یا اجرای حرکات متفاوت
Man of the year	مرد سال در ورزش
Man-sized	بزرگ
Man-to-man	دفاع یارگیری، روش دفاعی که بازیکنان مدافع بصورت انفرادی برای دفاع ضد ه ر یک از بازیکنان مهاجم منصوب می گردند، سیستم دفاعی بازیکن در مقابل بازیکن
Man-to-man attack	حمله برضد دفاع یارگیری
Man-to-man defense	پنج عامل باید برای اجرای دفاع یارگیری در نظر گرفته شود: ۱- دفاع از بازیکن مالک توپ در فاصله ۹۰ سانتیمتری به آن ۲- دفاع محکم ۳- دفاع شل ۴- دفاع درگیرانه همراه با ایجاد دلب تیم بر روی بازیکن مالک توپ ۵- تغییر پوشش یا سوئیچ
Man-to-man defense with one-man zone principles	آرایش دفاعی که چهار بازیکن دفاع یارگیری و یک بازیکن دیگر دفاع منطقه ای را بکار می‌برد
Man-to-man loose defense	دفاع شل یارگیری همراه با پوشش (که متوقف کردن حریف مالک توپ را در حدود ۱۰ متری حلقه، دفاع درگیرانه در سمت قوی زمین و عدم فشار در سمت ضعیف زمین را شامل می‌شود)
Man-to-man offense	حمله برضد دفاع یارگیری
Main-to-man press	دفاع یارگیری همراه با فشار برعلیه حریف از پیش تعیین شده
Man-to-man press attack	حمله علیه دفاع پرس با پوشش یارگیری
Man-to-man pressure defense	۱- دفاع پرس با پوشش یارگیری ۲- دفاع یارگیری درگیرانه



Man-to-man zone	دفاع ترکیبی که متناسب با شرایط حمله، الگوی دفاعی را تغییر می دهد
Man with ball	بازیکن مالک توپ، حریف مالک توپ
Man without ball	بازیکن بدون توپ، حریف بدون توپ
Aggressive man-to-man defense	دفاع محکم و درگیرانه یارگیری همراه با فشار روی بازیکن مالک توپ و دور کردن او از حلقه و ایجاد دبل تیم روی او
Backcourt man	بازیکن مدافع
Back line defensive man	بازیکن مدافع در خط عقب، بازیکن مدافع که نزدیک به خط عرضی قوار می گیرد
Back man	بازیکن مدافع که نزدیک خط عرضی مستقر می شود، بازیکنی که قسمت عقب دفاع منطقه ای یا دفاع پرس منطقه ای را پوشش می دهد
Baseline man	بازیکن مدافعی که نزدیک به خط عرضی بازی می کند
Baseman	بازیکن مدافع نزدیک به خط عرضی
Breaking up the two man play	برهم زدن همکاری دو حریف
Close man-to-man	دفاع یارگیری فشرده و محکم
Cold man	۱- بازیکنی که خوب گرم نکرده باشد ۲- بازیکن ناموفق ۳- حریف ناشناخته
Combination man-to-man and zone press	دفاع ترکیبی که متشکل از دفاع پرس، یارگیری و پوشش منطقه ای است
Corner man	بازیکنی که در گوشه زمین بازی می کند، بازیکن کناری، فوروارد
Deep middle man	بازیکنی که نزدیک به حلقه در موقعیت میانی محدوده ریباند قرار می گیرد
Defense on the man without the ball	دفاع در مقابل حریف بدون توپ
Defensive man	بازیکن مدافع
Deny the man the ball	ندادن اجازه پاس به حریفی که از او دفاع می کنید
Elbow man	بازیکنی که در زاویه بین خط کناری منطقه ۳ ثانیه و خط پرتاب آزاد قرار می گیرد
First-string men	پنج بازیکن انتخاب شده برای شروع بازی
Five-man backdoor offense (delay off)	الگوی حمله که همه بازیکنان مهاجم از پشت سر مدافعان خودشان برش می کنند
Five-man fast break (delay off)	ضد حمله ای که توسط پنج بازیکن اجرا می شود
Five-man offense (also :Five-men offense)	حمله با حضور فعال پنج بازیکن
Five-man one line defense	آرایش دفاعی هر پنج بازیکن در یک خط
Five-man outside offense with flash pivot	الگوی حمله با پنج بازیکن که در محدوده پیرامونی حرکت می کنند تا امکان نفوذ ناگهانی بازیکن سنتر را به طرف حلقه بوجود آورند
Five-man roll	الگوی حمله با برش های پی در پی پنج بازیکن
Five-man two-line set or mass defense	آرایش دفاعی پنج بازیکن در دو خط که به عنوان دفاع متراکم یا دفاع ثابت عمل کنند
Five-man 2-1-2 continuity	حمله با آرایش اولیه ۲-۱-۲ و تکرار آن تا کسب امتیاز
Five-man weave offense	تمرین حمله پیچشی با پنج بازیکن؛ بازیکنان در پنج خط روی خط مرزی قرار می گیرند. بازیکنی که در خط میانی است توپ را به نزدیک ترین عضو تیم پاس داده،

	به پشت دو بازیکن حرکت برشی انجام می دهد. این فرآیند برای انجام شوت سه گام تا سبب ادامه یافته و با سازماندهی مجدد و (سرعت - پیچش - پاس) برای انجام سه گام در انتهای مخالف زمین دنبال می شود
Five-men defense	پنج بازیکن فعال در دفاع
Flashing men into the post	بازیکنانی که نفوذ یا برش های بسیار سریع بعبرف موقیعت های شوت انجام می دهند
Floating or sagging man-to man defense with a zone principle	تحرك و یاریگیری در منطقه داخلی (اطراف سید)، بستن و پوشش حریف به وسیله یاریگیری نفر به نفر
Four-man weave	حمله پیچشی یا متقاطع با چهار لژیکن
Front line defensive men	بازیکنان مدافع در خط اول (بخصوص در دفاع منطقه ای)
Front man	۱- مدافع در رأس مثلث دفاعی ۲- بازیکن مدافعی که به عنوان اولین نفر در آرایش پشت سر هم قرار گرفت دو مدافع در برابر سه بازیکن مهاجم در ضد حمله ۳- خط اول مدافعان
Full-court man-to-man pressing defense	دفاع یاریگیری همراه با پرس در کل زمین بازی
Full man	۱- پهنای کل اندام یک بازیکن ۲- دفاع کردن با پهنای کل بدن
Full man fronting	طرز ایستادن در حالت دفاعی با قرار دادن پهنای کل اندام بدن جلوی حریف
Garbage man (player)	بازیکنی که به طور کلی از ریاند حمله امتیاز کسب می کند. واژه ای برای بازیکنانی که فقط از موقیعت های نزدیک به حلقه و بدون فشار حریف اقدام به شوت می کنند
Going "man-side" on a screen	از بالای اسکرین حرکت کردن؛ از بین اسکرین کننده و یار مهاجم رد شدن (پرهیز از پیک شدن و چسبیدن به یار و با او حرکت کردن به هنگام پیک)، این اصطلاح توسط استیو فیشر مربی دانشگاه میچگان و در تابستان ۱۹۹۰ مورد استفاده قرار گرفت
Guarding man with ball	پوشش دادن حریف مالک توپ
Guarding man without ball	پوشش دادن حریف بدون توپ
Half-a-man	نصف پهنای بدن بازیکن
Half court man-to-man	دفاع یاریگیری در نیمه زمین خودی
Half man fronting	طرز ایستادن در حالت دفاعی با قرار دادن نصفی از پهنای کل اندام بدن جلوی حریف
Hatchet man	بازیکن خشن
Have man behind the zone	قرار گرفتن یکی از بازیکنان مهاجم پشت دفاع منطقه ای
High man	امتیاز آورترین لژیکن، بهترین شوئیست
Iceman	بازیکن خون سردی که هرگز از شوت زدن نمی ترسد
Individual man-to-man defense	دفاع یاریگیری همراه با تغییر پوشش
Inside man	بازیکن نزدیک به حلقه
Keep his man occupied	نگه داشتن بازیکن مدافع نزدیک به خود بطوری که اجازه وظایف دفاعی از او سلب گردد
Key man	کاپیتان یا رهبر تیم، بازیکن کلیدی
Lapemen	بازیکنانی که در مسیر دوم و سوم ضد حمله حرکت می کنند (شوئیست های بالقوه)
Look through your man	طرز ایستادن در دفاع بصورتی که حریفی که از او دفاع می کند همراه با حریف مالک

	توپ در میدان دید شما باشد
Loose man-to-man defense	دفاع شل یارگیری همراه با پوشش (که متوقف کردن حریف مالک توپ را در حدود ۱۰ متری حلقه، دفاع درگیرانه در سمت قوی زمین و عدم فشار در سمت ضعیف زمین را شامل می‌شود)
Mannish	مربوط به دفاع یارگیری
Matching man-to-man defense	چیدمان دفاع یارگیری متناسب با قد، سرعت و دیگر ویژگی‌های بازیکنان
Match-up and one	چهار بازیکن مطابق با حرکات حمله عمل می‌کنند و یک بازیکن فقط مسئول دفاع کردن از یک بازیکن حریف می‌باشد (به‌طور معمول این بازیکن حمله خطرناک است)
Match-up defense, man-to-man origin	دفاع ترکیبی که با شرایط حمله تغییر می‌کند، این نوع دفاع با یارگیری شروع و ناگهان با شرایط حمله به پوشش منطقه‌ای تبدیل می‌گردد
Middleman	بازیکنی که در مسیر میانی ضد حمله حرکت می‌کند
Moving man	بازیکن فعال، حریف فعال
Nuisance man to man press	فشار ابتدایی در دفاع یارگیری
Offense against man to man defense	حمله بر ضد آرایش دفاع یارگیری
Offensive man	بازیکنی که از کنار حمله می‌کند
One-man team	تیمی که فقط یک بازیکن آن امتیاز کسب می‌کند
One-man zone defense	سیستم دفاعی که یک بازیکن فقط دفاع منطقه‌ای انجام می‌دهد
Outlet man	بازیکنی که با پاس آن بعد از ریاند دفاعی یا دیگر تغییر کنترل، ضد حمله شروع و هدایت می‌شود
Passive defensive man	بازیکن مدافع غیر فعال در تمرین پاس و دریافت توپ
Pick man	بازیکنی که ایجاد سد (اسکرین) یا بلاک می‌کند
Pick up a loose man	به عهده گرفتن دفاع از حریفی که آزاد باشد
Pivot man	بازیکن سنتر، بازیکنی که عمل چرخش یا پیوت را انجام می‌دهد
Point man	۱- گارد در رأس مثلث دفاعی ۲- بازیکن توپ پخش کن در رأس حمله
Post man	بازیکن سنتی یا فوروارد در موقعیت بالا، پاجین یا وسط
Post man assist play	۱- حرکات یا مهارت‌هایی که به سنتر یا فوروارد در موقعیت شوت برای ب‌ه دست آوردن توپ و اجرای شوت کمک می‌کند ۲- پاس به هم‌تیمی در موقعیت شوت
Pressure release men	بازیکنانی که در رهایی از فشار حریفان شرکت می‌کنند
Relay man	بازیکنی که پی در پی پاس می‌دهد
Release man	بازیکنی که پی در پی پاس می‌دهد
Remaining man	۱- بازیکنی که در موقعیت خود باقی می‌ماند ۲- بازیکنی که از پشت سر هم تیمی خود ب‌طرف حلقه نفوذ می‌کند
Reversal man	بازیکنی که به عقب پاس می‌دهد
Roll-off man	بازیکنی که با یک حرکت چرخش از ایجاد سد جدا می‌شود، بازیکنی که حرکت رُل را انجام می‌دهد
Safety man	بازیکن محافظ؛ بازیکنی که در هنگام حمله تیم‌اش از حلقه خود محافظت می‌کند ۲-

	بازیکن سنتر یا فورواردی که اولین پاس ضد حمله را پرتاب و سپس چهار بازیکن هم تیمی خود در حمله را دنبال می کند (او می تواند از بازیکن چهارم پیشی بگیرد)
Sagging man-to-man defense	دفاع یارگیری شل متحرک
Seal your man	مانع شدن، متوقف کردن حریفی که از او دفاع می کنید
Shake a man loose	رهايي یافتن از مدافع حریف
Shifting man-to-man defense	دفاع یارگیری تغییرپذیر همراه با جامعجایی پوشش
Short man	بازیکن کوچک
Single man press	دفاع پرس علیه یکی از بازیکنان حمله
Sinking man-to-man defense	یارگیری پوششی همراه با بستن دفاع
Sixth man	اولین ذخیره تیم، بهترین بازیکن بعد از پنج نفر در زمین بازی
Small man	بازیکن کوتاه
Split the ball and the man	قرار گرفتن در موقعیت دفاعی بین توپ و حریفی که از او دفاع می شود (ببطوری که هم حریف مالک توپ و هم بازیکنی که توسط شما دفاع می شود در میدان دید شما باشند)
Standing defensive man	مدافع غیر فعال در تمرینات پاس و دریافت کف فقط وظیفه موجود آوردن شبیه سازی شرایط بازی را به عهده دارد
Straight man-to-man	دفاع یارگیری بدون تغییر پوشش یا سوئیچ کردن
Switching man-to-man	دفاع یارگیری همراه با تغییر پوشش یا سوئیچ کردن در هنگام ایجاد سد
Team men	بازیکنان فعال در کار تیمی (مبویژه در دفاع)
Three-man pattern	بازی سه نفره
Three man roll	برش های پی در پی سه بازیکن مهاجم در عرض منطقه ۳ ثانیه
Three-man straight down	تمرین ضد حمله که توسط سه بازیکن اجرا می شود
Three-man zone with double-teaming	سه لژیکن مدافع در آرایش دفاع منطقه ای و دو بازیکن دیگر در صدد ایجاد دبل تیم بر روی حریف مالک توپ
Three-men-out offense	الگوی حمله بدون بازیکن سانتر با سه بازیکن گارد در منطقه عقب و دو بازیکن فوروارد در جلو (از این دو فوروارد به عنوان سنتر هم می توان استفاده کرد)
Three-men weave	تمرین پیچشی سه بازیکن؛ بازیکنان در سه ردیف روی خط عرضی قرار می گیرند. بازیکنی که در ردیف میانی قرار دارد توپ را به نزدیک ترین عضو تیم پاس داده به پشت دو لژیکن حرکت برش انجام می دهد. این فرایند برای انجام شوت سه گام تا سبد ادامه می یابد و سازماندهی مجدد و "سرعت - پیچش - پاس" برای انجام سه گام در انتهای مخالف زمین ادامه می یابد
Tight man-to-man defense	دفاع یارگیری بسیار نزدیک بطوری که حریفان را به ستوه آورد
Trigger man	بازیکنی که شروع به بازی یا حرکت می کند
Turn-and-double man-to-man defense	دفاع در گیرانه یارگیری با فشار روی حریف مالک توپ همراه با دور کردن او از اطراف حلقه و ایجاد دبل تیم روی او
20 Defense pressure man-to-man	دفاع یارگیری همراه با پرس در نصف زمین بازی
Two man option	گوناگونی بازی که یکی از حرکت های دو بازیکن حمله، حرکت اصلی نقشه بازی

	باشد
Two-man press	دفاع پرس علیه دو حریف (به‌طور معمول در بازی دو نفره به کار می‌رود)
Two-men play	حرکت حمله دو هم‌تیمی با توپ
Walk your man into the screen	چسبیدن به حریف مدافع در هنگام ایجاد سد
Wingman	فوروارد بازیکن منطقه بال
Maple	درختی از جنس چوب افرا (که چوب آن برای کف زمین بسکتبال مناسب است)
Maples	زمین بسکتبال (بخاطر کف چوبی افرا به این نام معروف شده است)
Maples five	پنج بازیکن بسکتبال در زمین بازی
Maplewood	۱- زمین بازی بسکتبال ۲- بازی بسکتبال
Marble dome	کاسه سر، جمجمه
Margin	فاصله امتیازات دو تیم که با هم مسابقه می‌دهند
Margin of error	اشتباه مجاز یا روا، اشتباه بی‌تأثیر
Mark	علامت گذاشتن، توجه کردن، نشان، نشانه، علامت
Marker	۱- تابلویی که تعداد خطاهای یک بازیکن خاطی را نشان می‌دهد ۲- ثبت‌کننده امتیاز
Markings	۱- خطوطی که حد زمین بازی و خط مرکزی، دایره مرکزی (با یک دایره کوچکتر داخل آن در ایالت متحده آمریکا)، دایره پرتاب آزاد، منطقه کلید، قوس ۳ امتیازی و منطقه نیمکت تیم را مطابق با مقررات صحیح مشخص می‌کند ۲- خطوط روی تخته بسکتبال
Mark of a good team	ویژگی‌های تیمی که خوب بازی می‌کند
Marksmanship	توانایی در اجرای شوت
Marque ( player)	بازیکن مشهور، برجسته
Marshall fast break	(به‌طور معمول این نوع حمله از دفاع ۳-۲ منطقه‌ای اجرا می‌شود) درست در هنگام شوت حریف یکی از بازیکنان مدافع بخطر مسیر معین برای دریافت اولین پاس ضد حمله حرکت می‌کند؛ در همین زمان بازیکن دیگری از مدافعان در سمت ضعیف زمین بخطر مسیر کناری زمین حرکت می‌نماید. این دو بازیکن می‌توانند اولین پاس ضد حمله از توپ ریاند شده‌ی شوت ناموفق حریف که توسط سنتر یا فوروارد ریاند شده را برای شروع ضد حمله دریافت نمایند
Mass	۱- توده، انبوه، کل، جمع ۲- جمع شدن، گرد آمدن، جمع کردن
Mass alignment	آرایش فشرده و انبوه بازیکنان
Massage	ماساژ، ماساژ دادن، مشت و مال دادن
Massing	تجمع، اجتماع، انجمن
Master	تسلط یافتن، ماهر شدن، چیره دست
Master chart	جدول خلاصه آماری بازیکنان
Master copy	رونوشت اصلی، کپی اصلی
Master mind (also : minder)	مریی
Master pre-season schedule	برنامه کلی آماده‌سازی برای فصل مسابقات

Master sheet	گزارش جامع و خلاصه از روند پیشرفته بازیکنان
Match	۱- برابر شدن با، مساوی بودن، هم تراز کردن، میزان کردن، وفق دادن، جور کردن ۲- بازی، مسابقه، رقابت
Matching	مناسب، متناسب، موافق، همسان سازی
Matching man-to-man defense	چیدمان دفاع یارگیری متناسب با قد، سرعت و ویژگی های بازیکنان حریف
Match-up	۱- ارزیابی تیم حمله و فهمیدن مهارت های بازیکنان حمله و تقسیم آنان برای یارگیری با در نظر گرفتن توانایی های بازیکنان دفاع توسط کوچ تیم تا نتیجه بهتری در دفاع یارگیری به دست آید ۲- چیدمان بازیکنان متناسب با قد، سرعت و دیگر ویژگی های بازیکنان حریف
Match-up and one	چهار بازیکن متناسب با حرکات حمله دفاع می کنند و یک بازیکن فقط مسئول دفاع کردن از یک بازیکن حریف می باشد (به طور معمول این بازیکن حمله، خطرناک است)
Match-up defense	دفاع ترکیبی که متناسب با شرایط حمله، الگوی دفاعی را تغییر می دهد
Match-up defense, man-to-man origin	دفاع ترکیبی که متناسب با شرایط حمله تغییر می کند، این نوع دفاع با یارگیری شروع و ناگهان با شرایط حمله به پوشش منطقه ای تبدیل می گردد
Match-up defense, zone origin	دفاع ترکیبی که متناسب با شرایط حمله تغییر می کند، این نوع دفاع با دفاع پوشش منطقه ای شروع و ناگهان با شرایط حمله به دفاع پلاگیری تبدیل می گردد
Match up with	رقابت کردن، مسابقه دادن
Match-up zone	دفاع منطقه ای ترکیبی (مچ آپ) (متناسب با قد، سرعت و دیگر ویژگی های بازیکنان حریف) (به طور معمول دفاع ۲-۲-۱)
Mate	شریک، یار، دوست، هم قطار
Material	پرسنل یا افراد یک تیم
Mature	بزرگسال، بالغ، کامل (بازیکن)
Mavericks	نام تیم بسکتبال دانشگاه ویرجینیاوست در مورگان لئون که در کنفرانس جنوبی بازی می کند
Max	موفقیت حداکثر
McDonald's championship	(قبل از افتتاح مک دونالد) یک مسابقه مهم بین قهرمان NBA و قهرمان اروپا در اروپا برگزار می شد
Mean green	نام تیم بسکتبال دانشگاه ایالت نگوااس شمالی در دنتون که در کنفرانس جنوبی بازی می کند
Measure	۱- اندازه گرفتن، سنجیدن ۲- عمل ۳- اندازه
Measure up a player	سنجیدن بازیکن
Meat	حریف ضعیف در مسابقه
Meat wagon	آمبولانس
Mechanical aid	وسيله مکانیکی که به عنوان کمک در تمرین بکار گرفته می شود
Mechanical device	وسيله مکانیکی که در تمرین یا مسابقه استفاده می شود (مثل ساعت)
Mechanical rebound device	دستگاه تاس بک (Toss back) برای تمرین ریاند

Mechanical team	تیمی که بر اساس برآهه و تمرینات طولانی مدت کار می کند
Mechanics	علم حرکت های بدنی و توان و نیروی لازم برای انجام حرکت ها
Mechanics of officiating	علم جانبجایی و جاگیری داوران نسبت به توپ و بازیکنان
Mechanics of passing	علم حرکت و نیروی لازم برای ارسال صحیح پاس
Mechanics of the drill	علم حرکت و نیروی لازم برای انجام صحیح تمرین
Mechanism	عمل متقابل بخش های مختلف یک دستگاه یا یک تیم
Med	۱- دارو، دوا ۲- دکتر، پزشک
Medic	۱- دارویی، شفا بخش ۲- دکتر، جراح، پزشک
Medical check-up	معاینه بیمار
Medical room	بخش کارمندان پزشکی
Medicine	۱- علم طب ۲- دارو، دوا، درمان
Medicine ball	تویی که سنگینی آن بیشتر از توپ بسکتبال باشد، مدیسین بال
Mediocre	معمولی، متوسط
Medium	میان، وسط، متوسط، میانه
Medium jumper	شوت جفت در بین موقعیت بالا و پایین، شوت جفت از موقعیت میانی
Medium pivot	بازیکن سنتر در موقعیت میانی
Medium pivot ( center, post ) area ( position)	منطقه ای بین موقعیت پایین و بالا
Medium post	بازیکن سنتر (یا هر بازیکن شوئیست دیگر) در موقعیت میانی نزدیک به خط کناری منطقه کلید
Medium range	حد فاصله موقعیت میانی (بین موقعیت پایین و بالا)
Medium range jump shot	شوت جفت از موقعیت میانی
Medium shot	پرتاب توپ به طرف حلقه از موقعیت میانی
Meet	۱- مواجه شدن، برخورد کردن ، ملاقات کردن ۲- به طرف توپ رفتن ۳- مسابقه ورزشی
Meet a pass	رفتن به طرف توپ پرتاب شده از جانب هم تیمی، دریافت کردن پاس
Meet the ball	رفتن به طرف توپ
Meet the challenge	۱- انجام دادن یک وظیفه سخت ۲- از رقابت استقبال کردن
Meet up with	رقابت کردن، مسابقه دادن
Meg (also : Megaphoner, Megger, Megaphonist, Megaphoe wielder)	رهبر طرفداران تیم، رهبر تشویق کنندگان
Megastar	بازیکن برجسته یا مهم
Member	عضو، تیم
Member of the staff	کارمند
Menace	حریف قوی
Men off the ball	بازیکنان دورتر از توپ
Men's	اتاق استراحت، حمام

Men's team	تیمی متشکل از مردان
Mental	ذهنی، فکری، روحی
Mental alertness	هوشیاری و آمادگی ذهنی
Mental anticipation	آمادگی ذهنی برای حرکات یا شرایط ویژه
Mental error	اشتباه ذهنی، اشتباه به واسطه خستگی ذهنی
Mental fatigue	خستگی ذهنی
Mentality	قوه ذهن، ذهنی، روحیه، اندیشه
Mental training	تمرین ذهنی
Mentor	مربی
Merit	شایستگی، لیاقت، استحقاق، مزیت
Merited	شایسته، بالیاقت
Mesh	۱- سوراخ تور یا شبکه تور ۲- تور ۳- تور حلقه
Metabolism	سوخت و ساز، دگرگونی، تحولات بدن موجود زنده برای حفظ حیات
M-4-m defense	سیستم دفاعی در برابر حمله شل (صف بندی بازیکنان مهاجم پیرامون منطقه کلید یا منطقه ۳ ثانیه حلقه حریف) چهار بازیکن
"Mickey mouse" around	وقت تلف کردن در زمین بازی، پرسه زدن در زمین بازی
Mid-air	میان هوا (درخلال برش)
Midcourt (Am.) = Mid-court (Eng)	دو نیمه زمین که با خط نیمه از هم دیگر جدا شده و مطابق قوانین NCAA فاصله آن از خط انتهایی تا خط نیمه ۲۸ فوت (۸/۴۰ متر) است
Midcourt distance	دو نیمه زمین که با خط نیمه از یکدیگر جدا شده و مطابق قوانین NCAA فاصله آن از خط انتهایی تا خط نیمه ۲۸ فوت (۸/۴۰ متر) است
Middle	۱- مرکز، میان، وسط ۲- شکم، بطن
Middle distance post	۱- موقعیت میانی ۲- بازیکنی که از موقعیت میانی اقدام به شوت می کند ۳- موقعیت شوت بین خط پرتاب آزاد و حلقه
Middle distance shot	پرتاب توپ بهطرف حلقه از موقعیت میانی
Middle finger	انگشت میانی دست
Middleman	بازیکنی که در مسیر میانی ضد حمله حرکت می کند
Middle of the floor area	محدوده میان نیمه‌ی هر زمین بازی بین دایره مرکزی و دایره پرتاب آزاد
Middle post	۱- موقعیت میانی ۲- بازیکنی که از موقعیت میانی اقدام به شوت می کند ۳- موقعیت شوت بین خط پرتاب آزاد و حلقه
Mid-point	۱- مرکز، در میان، در وسط ۲- موقعیت توپ
Mid-point of the season	نیم فصل مسابقات
Mid-point position	۱- موقعیت نزدیک به توپ ۲- موقعیت توپ
Mid-point vision	تشخیص دادن (دیدن) در معرض دید بودن توپ
Mid-post attack	الگوی حمله با قرارگرفتن بازیکن سانتر در موقعیت میانی (بین خط پرتاب آزاد و حلقه)



Midshipmen	(دانشجویان افسری نیروی دریایی) نام تیم بسکتبال آکادمی افسری نیروی دریایی آمریکا در آنابولیس (ماریلند) که در لیگ پاتریوت بازی می کند
Midstream	تغییر ناگهانی روش یا رویه بازی که در بین بازی اتخاذ می گردد
Mid-table team	تیم وسط جدولی، تیم متوسط
Midway	وسط مسیر، نیمه راه
Mighty good	عالی
Mikan drill	تمرین شوت کوتاه هوک؛ در منطقه کلید از موقعیت راست و چپ حلقه ب به صورت متناوب با دست راست و چپ و بلگرفتن توپ بعد از هر شوت اجرا می شود (این نوع تمرین شوت بعد از اینکه جرج میکان سنتر تیم لیکرز در شش سال، پنج بار از سال ۱۹۴۹ تا سال ۱۹۵۴ قهرمان ان بی ای گردید به نام او ثبت شد. معروفیت او فقط بمخاطر شوت های هوک آن نبود بلکه افتخارات دیگری هم در این شش سال در NBA به دست آورده بود
Mike	میکروفون
Milk knee	زانوی ضعیف
Mimic	تقلید کردن، پیروی کردن، کپی کردن
Mimic a game situation	تقلید کردن یا کپی کردن از یک الگو که پیش تر بازی شده است، کپی برداری از سیستم بازی دیگران
Mind	قوه ادراک، خاطر، فکر، خیال، مغز، فهم
Miners	نام تیم بسکتبال دانشگاه نگیواس سیستم در ال پازو که در کنفرانس اتلنتیک وسترن بازی می کند
Mini-basketball	میری بسکتبال برای بچه های ۸ تا ۱۳ سال با قوانین ساده
Mint condition	سلامت کامل، تندرستی
Minute	دقیقه
Minuteman	بازیکن کوتاه
Minutemen	نام تیم دانشگاه ماساچوست در بستون که در کنفرانس آتلانتیک بازی می کند
Minutes of play	۱- زمان فعال بازیکن شرکت کننده در یک مسابقه که بر حسب دقیقه اندازه گیری می شود ۲- MIN - علامت آماری برای دقایق بازی
MIN	علامت آماری برای دقایق بازی
Miracle shot	شوتی که به شکل معجزه آسا تبدیل به امتیاز می شود، شوتی که از فاصله زیاد وارد حلقه می شود
Miscalculate	اشتباه حساب کردن
Misconduct	خلاف کاری، بد رفتاری
Miscue	اشتباه، سهو، خطا، اشتباه کردن
Misdirection movement	حرکت فریبی به سمت مخالف مسیر اصلی و مورد نظر در هنگام برش به سمت سبد
Misdirection passing	حرکت فریبی و وانمود به پاس به یک سمت ولی ارسال پاس به سمت مخالف
Misfire	۱- ناکامی، شکست ۲- یأس، ناامیدی

Misjudge	بد داوری کردن، قضاوت خوبی نداشتن
Mislead	۱- اغفال کردن ۲- گول زدن ۳- گمراه کردن
Mismatch	۱- متناسب نبودن، ناجور بودن، بهم نخوردن، عدم مطابقت ۲- دفاع بازیگر کوتاه قد در برابر حریف بلند
Mismatching	عدم مطابقت، ناسازگاری
Mismatch in height	عدم مطابقت در قد
Mismatch in height and speed	عدم مطابقت در قد و سرعت
Misplaced	۱- غلط یا اشتباه جاگیری کردن ۲- خطا کردن
Misplaced pass	۱- به طور اشتباهی پاس دادن ۲- پرتاب توپ به طرف هم تیمی همراه با خطا
Misplay	لژی اشتباه، حرکت اشتباه
Miss	پرتاب بدون دقت، کوشش بیهوده
Miss a chance	از دست دادن فرصت، به هدر دادن موقعیت
Missed basket	شوتی که گل نشود
Miss from the line	از دست دادن پرتاب آزاد
Missionary work	برنامه ریزی پیش از فصل مسابقات
Miss the basket	تبدیل به گل نشدن
Miss the boat	فرصت را از دست دادن
Mistake	خطا، غلط، اشتباه کردن، درست نفهمیدن، اشتباه
Mistake of commission	تخطی یا تهاجم بازیکن ضد قوانین بازی
Mistake of omission	اشتباه یا غفلت بازیکن در انجام یک حرکت خاص مانند پاس ، چرخش ، فریب ، اسکرین، شوت و ...
Misunderstanding	۱- تصور غلط، سوء تفاهم ۲- ناسازگاری، اختلاف
Mix	۱- آمیختن، درهم کردن، مخلوط کردن، ترکیب کردن ۲- بی نظمی در بازی ۳- دعوا در داخل یا خارج زمین
Mixed defense	دفاع ترکیبی (چهار بازیکن در دفاع منطقه‌ای و بازیکن پنجم در دفاع یارگیری)
Mix-up	۱ ناسازگاری ۲- بی نظمی در بازی، اختلال در بازی ۳- دعوا در زمین یا خارج از زمین
Mix-up the speeds	به کارگیری سرعت به منظور تغییر آهنگ حرکت
Mo	لحظه، دم، آن
Moan	شکایت کردن، نالیدن
Mobile	چابک، تند، متحرک، سیال
Mobility	چابکی، تغییر پذیری، تحرک، پویایی
Mobility drill	تمریری که باعث افزایش چابکی، تندی و پویایی می شود
Mob up on	(برضد کسی) متحد شدن، نیروهای خود را یکی کردن
Moccasins	نام تیم بسکتبال دانشگاه تنسی سیستم در کاتانوگا که در کنفرانس جنوب بازی می کند
Mode	رسم، سبک، طرز، طریقه، اسلوب، مد
Moderate	معتدل، میانه رو، ملایم، آرام، مناسب، محدود

Moderation	میانه‌روی، اعتدال
Modern	مدرن، امروزی، جدید، نوین
Modern basketball	بسکتبال نوین که شامل جدیدترین روش‌ها می‌باشد
Modesty	آراستگی، عفت، تواضع
Moist hot pack	لباس گرم و مرطوب
Molded	قالب، الگو، شابلون
Momentarily	یک لحظه
Momentum	نیروی جنبش، قوه حرکت آبی، عزم، انگیزه، نیروی حرکتی
Momentum of a game	شدت بازی
Monarchs	نام تیم بسکتبال دانشگاه اولد دومینیون درنولفولد که در اتحادیه کاونیل آتلنتیک بازی می‌کند
Money player(also: -hand )	بازیکن حرفه‌ای
Monkey business	۱- رفتار غیر منصفانه ۲- موزی گری
Monkey drill	تمرین سبک سوئدی، ورزش‌های سبک بدون وسیله
Monkey in the middle	تمرین پاس و قطع کردن پاس
Monkey slide	حرکت سر خوردن (کار پای دفاعی) در عرض همراه با دست زدن به زمین بعد از هر قدم
Monniker( also : Monicker, Monaker, Monacer, Monica)	نام، لقب، کنیه
Monotonous	یک‌نواخت، خسته کننده
Monotonous practice	تمرین یک‌نواخت، تمرین کسل کننده
Monumental	بزرگ
Moonie jumpers	(پرش بظرف ماه) پرش بسیار بلند به روی حلقه همراه با اسپیک کردن توپ داخل حلقه
Moony	۱- کتله ذهن، دیوانه ۲- حواس پرت ۳- خوب آلود
Moral	اخلاقی، روحیه معنوی، وابسته به علم اخلاق
Moral condition	شرایط اخلاقی، تعادل اخلاقی
Morale	دلگرمی، روحیه، روحیه جنگجویانه
Most valuable player	بهترین بازیکن فصل، تورنمنت یا یک بازی مهم
Motion	جنبش، تکان، حرکت، اشاره کردن
Motion offense	حمله متحرک که همه بازیکنان در حرکت باشند و بی اختیار بعد از هر برش یا نفوذ بهترین موقعیت‌ها را اشغال کنند
Continual motion	حرکات مداوم بازیکنان مهاجم که به منظور برهم زدن تعادل مدافعین و ایجاد موقعیت شوت بکار می‌رود
Pumping motion	حرکتی در هنگام دریبل شبیه تلمبه زدن
Range of motion	دامنه حرکت
Rapid motion	حرکت انفجاری ناگهانی

Rocking motion	حرکت گهواره‌ای، حرکت تاب‌مانند (حرکت به جلو و عقب)
(Upward motion	پرش بمطرف حلقه (به‌منظور گرفتن توپ ری‌باند)
Motivate	انگیختن، تحریک کردن، موجب شدن، سبب شدن
Motivation	انگیزش، محرک، انگیزه
Motivator	شخصی که به افراد انگیزه می‌دهد
Motor skills	مهارت حرکتی
Mountaineers	۱- نام تیم بسکتبال دانشگاه آپالاجیان استیت در بون که در کنفرانس جنوبی بازی می‌کند ۲- نام تیم بسکتبال دانشگاه ویرجینیا در مورگانتوان که در کنفرانس آتلانتیک تن بازی می‌کند
Mouthful	بسیار، زیاد، خیلی، چندین
Move	حرکت، جنبش، مهارت، مانور
Move around	این ور و آن ور دویدن، این طرف و آن طرف دویدن
Move away	گریختن
Move away the opponent	عقب راندن حریف، دور نگه داشتن حریف از حلقه
Move in	نفوذ کردن یا برش کردن بمطرف منطقه نزدیک به حلقه
Move in on	حمله کردن
Move into pass	حرکت کردن برای دریافت پاس
Move into position	حرکت بمطرف نقطه مناسب، قرار گرفتن در نقطه مناسب
Movement	حرکت، جنبش، مانور
Movement signaling the play	حرکتی که نشان‌دهنده‌ی بکارگیری الگوی بازی از پیش تعیین شده است
Movement without the ball	حرکت بازیکن بدون توپ (سد، برش، گول)
Back-in movement	۱- برش برگشت بعد از گول ۲- حرکت از پشت بمطرف حلقه (اغلب با زیک مدافع این حرکت را انجام می‌دهد)
Grossing movement	حرکت متقاطع، حرکتی که بازیکنان از یکدیگر می‌گذرند، برش‌های متقاطع دو هم‌تیمی شبیه حرکات فیچی
Cutting movement	(برش) به‌ویژه بطرف حلقه
Deceptive movements	حرکات فریبنده
Feinting movement	حرکاتی که باعث گول زدن حریف می‌شود
Fluid movements	حرکات روان
Foot movement	حرکت پا یا پاها
Freedom of movement	آزادی در حرکت (زمانی که دفاع یا مقاومتی از طرف حریف صورت نگیرد) حرکت بدون دفاع یا فشار
Grace of movement	هماهنگی حرکات
Hook movement	برش در امتداد مسیر قلاب (دویدن در امتداد مسیر شکل حرف U انگلیسی)
Instinctive movement	حرکت ذاتی
Intuitive movement	حرکت بر اساس بینش یا استعداد بازیکن

Lateral movement	حرکت از پهلو، حرکت عرضی
One-on-one movement	بازی یک علیه یک
Pattern movements	حرکاتی که مطابق با الگوی بازی اجرا شود
Players' movements	تغییر موقعیت بازیکنان
Read-and determine movement	اتخاذ یک عمل (واکنش) بر اساس شناخت بازی حریف، انتخاب حرکتی برای عکس العمل مناسب در برابر نیت یا هدف حریف
Rocker movement	انتقال حمله از یک طرف زمین بهطرف دیگر
Scissor movement	حرکت متقاطع، حرکتی که بازیکنان از یکدیگر می گذرند، بوش های متقاطع دو هم تیمی شبیه حرکات قیچی
Smoothness of movements	همه زنگی حرکات
Square movement	حرکت بدون توپ به کنار و سپس به جلو به طوری که باعث آزاد شدن یک بازیکن شود
Stereotype of movements	حرکات کلیشه ای، تکرار حرکات یک جور بدون تغییر
Variety in movement	تنوع حرکات
Weave movements	حرکات متقاطع، حرکات پیچشی، حرکات دو و سه بازیکن مهاجم از پشت سر هم
Move on	شتاب کردن، عجله کردن
Move out	دور شدن از مجاورت حلقه
Move over	دویدن بهطرف مخالف (حلقه، زمین، منطقه کلید)
Move to get open	حرکت بهطرف موقعیت بدون مدافع، آزاد شدن برای دریافت توپ
Move to position	حرکت بهطرف موقعیت مناسب
Move to the ball	۱- دویدن بهطرف توپ ۲- دویدن به منظور ایجاد سد برای هم تیمی مالک توپ
Move to the pass	دویدن بهطرف توپ
Come back move	حرکت برگشت
Crossover move	حرکت همراه با تغییر مسیر
Explosive speed move	حرکت سریع انفجاری
Favorite moves	حرکات مطلوب
Fundamental moves	حرکاتی مبتنی بر اصول پایه بسکتبال
Individual offensive moves	حرکات و مهارت های فردی حمله
Initial move	اولین حرکت، شروع حرکت
Inside power move	چرخش و جا گذاشتن مدافع و پرش انفجاری به سمت سبد برای انجام سه گام قدرتی
Loop move	برش بازیکن مهاجم در امتداد مسیر قلاب (دویدن در امتداد مسیر شکل حرف U انگلیسی)
Offensive move	حرکت حمله
One-on-one moves against pressure defense	بازی یک علیه یک در شرایط دفاع پرس یا فشار
One-on-one moves off the dribble	بازی یک علیه یک همراه با دریبل در برابر یک بازیکن دیگر

On the move	در جنبش، در حرکت
Pass while moving	پرتاب توپ در حال حرکت
Pet move	حرکت مطلوب
Post moves	حرکات و مانور بازیکن سنتر
Pre-assigned move	حرکت طراحی شده قبل از بازی
Roll-off move	چرخش به بیرون، چرخش در مسیر مخالف حلقه
Shooting off the move	پرتاب توپ بمطرف حلقه بعد از اجرای حرکاتی دیگر
Shooting on the move	پرتاب توپ بمطرف حلقه در خلال یک حرکت
Spectacular move	حرکات تماشایی
Spin-in or out move with one dribble	حرکت چرخشی سنتر بمطرف حلقه یا دور شدن از حلقه با یک دریبل
Spin move	دریبل همراه با چرخش و تغییر مسیر
Straight move	حرکت مستقیم، حرکت بجلو (بدون چرخش)
Through move	نفوذ مستقیم بمطرف حلقه که نتیجه آن باز کردن مسیر و همچنین احتمال ایجاد موقعیتی به منظور دریافت پاس منجر به گل در شرایط شوت را در پی خواهد داشت
Up-and under move	وانمود کردن به شوت جفت و بعد از گول خوردن حریف نفوذ به طرف موقعیت زیر حلقه بم منظور شوت بدون دفاع
Moving man	بازیکن در حال حرکت، بازیکن فعال
Moving offense	حمله روان، حمله با حرکات برش یا نفوذ مداوم بم سمت حلقه
Moving out wide	آرایش عریض یا پراکنده یک تیم در حرکت
Moving play	الگوی بازی که براساس تحرک بازیکنان استوار است
Moving position	۱- موقعیت متحرک ۲- بازیکن بدون موقعیت ثابت در آرایش تیم
Moving screen	ایجاد سد متحرک (غیر قانونی)
Moving shot	پرتاب توپ بمطرف حلقه با یک دست بعد از فرود آمدن روی زمین با دو پا یکی بعد دیگری
Moving target	هدف متحرک
Much	زیاد، بسیار، بمفیلوانی
Much of muchness	یکسان، شبیه
Muckforks	انگشتان
Muff	۱- (در ورزشها) اشتباه ۲- بازیکن ضعیف
Muff-ball situation	شرایط بموجود آمده بمواسطه بد گرفتن یا بد نگه داشتن توپ، ناتوانی در گرفتن توپ
Muff the play	سنبل کردن یا خراب کردن بازی
Mug	جام پیروزی
Mug chaser	رقابت برای جایزه
Mug hunter	رقابت برای جایزه
Mug shot	شوت همراه با شکلک در آوردن بم منظور تحقیر کردن حریف

Multi-dimensional player	بازیکن شوتیست از موقعیت‌ها و فواصل مختلف
Multiple	چندین، متعدد، چند تایی، چند برابر، مضاعف
Multiple defense	دفاع ترکیبی متنوع همراه با یارگیری و پوشش منطقه‌ای و یا ادغام کردن این دو روش دفاعی همراه با پرس، ایجاد تله‌ها، دبل تیم و دیگر حرکات دفاعی
Multiple foul	مرتکب شدن بیش از دو خطا همزمان بر روی یک حریف
Multiple offense	حمله ترکیبی متنوع
Multiple zone defense	دفاع منطقه‌ای متنوع با آرایش و عملکرد متفاوت
Multiple zone offenses	الگوهای حمله در برابر دفاع‌های منطقه‌ای گوناگون
Multi-skilled player	بازیکنی که دارای چندین مهارت باشد
Multi-year contract	قرارداد بستن با یک بازیکن با ارزش به مدت چند سال
Murder drill	تمرین سخت و مرگبار
Murderers' row	تیم نیرومند
Muscle	۱- ماهیچه، عضله ۲- هل دادن حریف با سینه در یک موقعیت ناچور ۳- با نیروی انسانی حریف را به حرکت واداشتن ۴- بد رفتاری کردن، خشن بودن
Muscle activity	بازی قدرتی
Muscle-bound	عضلانی، ورزیده
Muscle in	به زور خود را داخل کردن
Muscleman	بازیکن قوی، بازیکن بزرگ
Muscle memory	حرکت معمولی، عادی
Muscle moll	بازیکن زن
Muscle pull	کشش ماهیچه یا عضله
Muscle spasm	انقباض ماهیچه، گرفتگی عضلات
Muscle stretching exercises	تمرینات کششی عضلات
Muscle work	رفتار خشن
Musketeers	نام تیم بسکتبال دانشگاه ایکساوردر سینسیناتی که در کنفرانس میدوسترن کلیجیت بازی می‌کند
Mustangs	نام تیم بسکتبال دانشگاه متودیست جنوبی در دالاس که در کنفرانس جنوب شرقی بازی می‌کند

NNNNNNNNNNNNNNNNNNNNNNNNNNNN	
Nab	قاییدن، گرفتن
Nag	غرغر کردن، نق زدن
Nagging	۱- ستیزه جو ۲- کثیف، نامطبوع، زشت، بد
Nail	۱- کسب کردن امتیاز ۲- قاپیدن
Nail it from three	کسب کردن امتیاز از پشت خط سه امتیازی
Naismith Basketball Hall of fame	مجموعه‌ای در دانشگاه اسپرین فیل (که پیش تر مدرسه کارگران مسیحی YMCA بوده است) (ماساچوست آمریکا)، ساختمان‌های این مجموعه در ۳۰ ژوئن ۱۹۸۵ به بهره‌برداری رسید که موزه‌ای برای افتخارات هدایایی است که به یاد بود بازیکنان، مربیان و راهبران برجسته اهدا شده است. این تالار ام روز بیش از گذشته مورد توجه می‌باشد
Naismith, James Dr	ابداع‌کننده بسکتبال متولد ۶ نوامبر ۱۸۶۱ در آلمونته (آنتاریو، کانادا) و متوفی به تاریخ ۲۸ نوامبر ۱۹۳۹ در لورنس (کنزاس آمریکا). او پس از فارغ‌التحصیلی در رشته الهیات از دانشگاه مک‌گیل در مونترال کانادا به تربیت بدنی علاقه پیدا کرد و به همین منظور به مدرسه کارگران مسیحی YMCA در اسپرین فیل (ماساچوست آمریکا) رفت. وی در آنجا به‌خاطر پاسخ به نیاز دانشجویان به بازی در فضای سرپوشیده، اصول و ۱۳ قانون را برای انجام بازی در سالن اختراع کرد که بعدها بسکتبال نامیده شد. اولین مسابقه بسکتبال در ۱۲ دسامبر ۱۸۹۱ بین دو تیم از دانشجویان آن مدرسه برگزار گردید
Name	بازیکن یا مربی معروف، مشهور
Name call	صدا کردن نام یا نام مستعار بازیکنی که به او پاس داده می‌شود
Narrow(also: Near)squeak	تنگ، باریک، کم پهن
Narrow floor	الگوی حمله همراه توپ با اشغال کردن مسیر میانی زمین بازی
Nasty trick	عمل کردن از روی عناد
National Association of Basketball coaches ( NABC)	اتحادیه مربیان بسکتبال ایالات متحد آمریکا که در سال ۱۹۲۷ ایجاد گردید
National Association of Intercollegiate Athletics ( NALA)	دومین سازمان ورزش‌های دانش‌آموزی در ایالت متحده آمریکا
National Basketball Association ( NBA)	بزرگترین و تأثیرگذارترین سازمان باشگاهی برای اداره بسکتبال حرفه ای در آمریکا؛ این سازمان در سال ۱۹۴۶ و به‌عنوان انجمن بسکتبال آمریکا و به‌طور عمده توسط مالکان باشگاه‌های هاکی تأسیس شد تا بتوانند در اوقات فراغت فصل یا زمان‌هایی که در راه هستند از آن بهره ببرند. لیگ جدید مشکلات عدیده‌ای را پشت سر گذاشت تا اینکه سرانجام با مشارکت باشگاه‌ها، لیگ ملی بسکتبال در سال ۱۹۴۹ شکل گرفت و راهی را برای پیش‌رفت به‌روی همگان گشود. قوانین جدید FIBA از اواخر دهه ۸۰ توسط NBA به اجرا درآمد، زیرا که این سازمان به‌عنوان یکی از اعضای بسکتبال آمریکا فعالیت می‌کرد. شرکت بازیکنان NBA در رقابت‌های جهانی و مسابقات مهم بین‌المللی،



	ارزش و اعتبار خاصی به آن رقابت‌ها می‌بخشد
National Collegiate Athletic Association ( NCAA)	این سازمان در سال ۱۹۰۶ تأسیس شد . (ابتدا به عنوان انجمن ورزشی بین دانشگاهی) و امروز تمامی فعالیت‌های ورزشی دانشگاه ها و مؤسسات عالی آمریکا را مدیریت می‌کند. NCAA در بسکتبال بسیار فعال است و به عنوان عضوی از بسکتبال آمریکا دارای ۲۷ منطقه می باشد که ه مگی در مسابقات قهرمانی ملی شرکت می‌کنند
National federation of state High School Associations ( NFSHSA)	این نهاد نیز یکی از اعضای بسکتبال آمریکا بوده و رقابت های بسکتبال را در سطح دبیرستان مدیریت و برنامه‌ریزی می‌نماید
National junior College Athletic Association ( NJCAA)	این سازمان ، مسئول ورزش امید ها و مؤسسات عالی در آمریکا است و به بازیکنانی که به مدت دو سال در برنامه های ورزشی شرکت داشته باشند، گواهی اعطا می‌کند . بسیاری از بازیکنان مورد تأیید این سازمان، به مسابقات NCAA و NAIA راه می‌یابند و در آنجا می‌توانند با تکمیل دوره‌های لازم و کسب آمادگی مورد نیاز مدرک معتبر دریافت کنند
National side	تیم ملی
National team	تیم ملی
National wheelchair Basketball Association( NWBA)	اتحادیه ورزشکاران بسکتبال معلول که با ویلچر بازی می‌کنند
Natural	۱- ذاتی ۲- طبیعی ۳- حرکت فطری
Natural ability	توانایی ذاتی
Natural backspin	چرخش طبیعی توپ به عقب (بدون تأثیر گذاشتن بر روی آن)
Natural handedness	عادت به استفاده از یک دست بیش از دست دیگری (راست دست یا چپ دست)
Natural pass	پرتاب ساده و مستقیم توپ به‌طرف هم‌تیمی
Natural screen	اسکرین یا ایجاد سد طبیعی؛ ایجاد سدی که به سبب موقعیت بازیکن سد کننده نسبت به بازیکن سد شونده به‌وجود می‌آید
Natural skill	توانایی ذاتی
Natural spin	چرخش طبیعی توپ (بدون گذاشتن تأثیر روی آن)
Near	نزدیک، در دست، قریب
Nearest player	بازیکن نزدیک، بازیکن دم دست
Near guard	دفاع نزدیک
Near hand	نزدیک‌ترین دست به توپ (زمانی که از حریف مالک توپ دفاع می‌شود)
Near miss	شوتی که با سختی تبدیل به امتیاز می‌شود
Necessity	نیاز، نیازمندی، ضرورت، لزوم
Neck	گردن
Neck turns- alternate right and left	تمرین کششی عضلات گردن به‌وسیله چرخش سر به راست و چپ (هر طرف ۵ مرتبه در ۱۰ ثانیه)
Negate	انکار کردن، خنثی کردن، نفی کردن

Neglect	نادیده پنداشتن، بی‌اعتنایی کردن، غفلت کردن
Net	۱- تور حلقه بسکتبال ۲- کسب کردن امتیاز
Net a goal	کسب کردن امتیاز
Net loop	شکاف بین تور سبد بسکتبال
Neuro-muscular coordination	هماهنگی عصبی و عضلانی
Neutral	بی‌طرف، بی‌رنگ، خنثی
Neutral zone	فاصله بین مکان اول و دوم برای بازیکنان در خط کناری منطقه کلید (در شرایط پرتاب آزاد)
Neutral zone marks	مسطحی با ابعاد ۳۰/۴۸ در ۲۰/۳۲ سانتیمتر که قسمت طویل تر آن به خطوط طولی دوزنقه چسبیده و فاصله آن تا خط عرضی زمین ۲۱۳ سانتیمتر می‌باشد
Newcomer	بازیکن جدید
New high	کسب رکورد جدید
News media	رسانه‌های خبری (مجله، روزنامه، رادیو، تلویزیون)
Newspaperman=Newspaper man (Am. Eng.)	روزنامه نگار
Nice and good	عالی، ممتاز، بسیار خوب، شگرف
Nice proposition	چیزهای عالی
Niche	شبهه دفاع، ساتر، فوروارد (موقعیت در تیم)
Nickname	کنیه، نام خودمانی، اسم مستعار
Night	شب یا اول شب؛ زمانی که به‌طور معمول بازی‌های بسکتبال در این زمان برگزار می‌شود
Nightcap(also : Nightcapper)	بازی فینال، بازی پایانی
Night in, night out	مسابقه بعد از مسابقه
Nine o'clock player	بازیکن در فرم ایده‌آل (بازیکن آماده برای شب مسابقه)
Nip-and-tuck battle	بازی نزدیک
Nip-up	پريدن و ايستادن از يک حالت بر پشت خوانيدن
Nittany Lions	نام تیم بسکتبال دانشگاه ایالت پنسیلوانیا در دانشگاه پارک که در ایندیاناپندنت بازی می‌کند
Nix	هیچ، صفر
Nixed	ممنوع، قدغن
Nobody	بازیکن یا مربی ناموفق یا گمنام
Nobody hurt	رویداد بی‌اهمیت
No-bounce ball	بدون زمین زدن توپ (بدون دریل)
No-bounce ball scrimmage	بازی تمرینی بدون دریل؛ ممنوع کردن دریل در بازی تمرینی به منظور تقویت پاسکاری و کار تیمی
Nod getter	فاتح، برنده
No-dribble scrimmage	بازی تمرینی بدون دریل (این تمرین بازیکنان را وادار می‌کند تا به هم پاس

	دهند)
No go ( also:-dice, deal, sale, soap )	بی فایده، بلا استفاده
No good	پست، ناچیز، جزئی، بی اهمیت
No great catch	متوسط، حد وسط
No great shakes	نه زیاد موفق
No kick left	خسته و کوفته، از پا در آمده، خسته و مانده
No-look pass	پاس کور، پاس بدون نگاه کردن به دریافت کننده توپ
Non-ballhandler	بازیکن بدون توپ
Non-contact foul	خطای غیر ورزشی
Nondominant hand	دست ضعیف تر در مهارت ها
Non-hooking shots	شوت یک دست از روی سر بدون بهکار گیری تکنیک های شوت هوک
Nonjumpers	جاگیری یا آرایش بازیکنان در خارج از دایره مرکزی زمین در بین جمبال
Non-pro	۱- آماتوروار، ناشی ۲- بازیکن غیر حرفه ای، آماتور
Nons shooter	بازیکنی با وظایف دیگر بهجز شوت زدن در خلال یک الگوی حمله ای
Non-shooting hand	دست آزاد در شوت یک دست که به هدایت، کنترل توپ و ایجاد تعادل کمک می کند
No post	الگوی حمله بدون سنتر در آرایش دو فورواردر جلو و سه گارد در عقب (از این دو فورواردر به عنوان سنتر هم می توان استفاده نمود)
Norm player	بازیکن منظم
Northpaw	بازیکن راست دست
Nosebleed(Am.) = Nose- bleed (Eng.)	از دماغ خون آمدن، خون دماغ شدن
Nose bleeder	واژه ای برای بازیکنان خوش پرش
Nosy	دارای شامه ی تیز، فضول
Not able to lick ones lips	ضعیف بودن برای پیروزی
Not a Chinaman's chance	۱- بعید، غیر متحمل، نامعقول ۲- بدون شانس
Not amount to a hill of beans	توصیف تیم ضعیف
Not at any price	غیر ممکن
Not born yesterday	با تجربه، ورزیده، کار آزموده
Not buy	موافق نبودن با
Notch	امتیاز
Not class enough	به اندازه کافی خوب نبودن
Not feel like	بی میل بودن، تمایل نداشتن
Not fit to kill	بی بها، بی ارزش، بی فایده
Not give a damn	توجه نکردن، مراقبت نکردن
Not half had	خوب

Not hear of	موافق نبودن
Nothing to shout(also : -to brag, -to write) about	۱- ناچیز ۲- بی بها، ناچیز و بی قیمت ، بی ارزش ، بی اهمیت ۳- حد وسط، متوسط، میان حال، وسط
Not in the same street with	قابل قیاس نبودن با (برد یا پیروزی حریف)
Not much of a...	مقسط، ضعیف
Not up to the mark	ضعیف
Nudge	با آرنج زدن، حریف را با آرنج کنار زدن
Nuisance	آزار، اذیت، مایه رنجش
Nuisance man-to-man press	فشار آزار دهنده در دفاع یارگیری
Nullify	باطل کردن ، لغو کردن
Number	شماره، عدد، رقم
Number one draft pick	بازیکنی که در صدر جدول بازیکنان جدیدی است که «NBA» استخدام کرده است
Number-one spot	اولین بازی یک تورنمنت
Numbness	بی حسی، کرختی، بی حال
Numeral	نمره، عدد، شماره ای، عددی
Numerical advantage	پیش افتادن
Numerous	بیشمار، بسیار، زیاد، پرجمعیت، بزرگ
Nurse	پرستار
Nut	طرفدار، هواخواه بازی
Nutrition	تغذیه، مواد غذایی، قوت، غذا، خوراک، رژیم غذای
Nuts about	مجدوب، شیفته
Nutshell	کاسه سر، مجموعه
Nutty about ( also: over )	مجدوب، شیفته

OOOOOOOOOOOOOOOOOOOO	
Obey	اطاعت کردن، فرمانبرداری کردن
Object	چیز، هدف، مقصود، شی، موضوع
Objective	بی طرف، بی غرض، منصف
"Object of the game is to put the ball in the basket more times than your opponent"	هدف بسکتبال کسب امتیاز بیش از حریفان است
Oblique slide step	سُر خوردن به صورت مورب ( کار پای دفاعی )
Obnoxious	مضر، زیان بخش، نفرت انگیز
Obscure	پوشانیدن، مخفی کردن
Observation	مشاهده، ملاحظه
Observe	مشاهده کردن، ملاحظه کردن
Observer-to-bench telephone	تماس تلفنی یک مربی با کمک اش که بازی را از یک مکان بالاتری در جایگاه مشاهده می کند
Obstacle	مانع، گیر، سد جلوی راه
Obstruct the vision	جلوی دید کسی را گرفتن
Obtain	فراهم کردن، گرفتن، به دست آوردن، دریافت کردن
Obtain possession of the ball	دریافت کردن توپ، به دست آوردن توپ
Obvious	آشکار، واضح، بدیهی
Occasion	فرصت مناسب، موقعیت
Occasional	اتفاقی، گاه و بیگاه
Occur	رخ دادن، اتفاق افتادن
Odd	۱- طاق، تک، غریب ۲- فرد
Odd-front	تعداد فرد از بازیکنان ( ۱ یا ۳ نفر) در خط اول دفاع
Odd-front defense	دفاع منطقه ای متشکل از تعداد فرد از بازیکنان در خط اول ( ۱ یا ۳ نفر)
Odd-front defensive alignment	آرایش دفاع منطقه ای متشکل از تعداد فرد از بازیکنان در خط اول ( ۱ یا ۳ نفر )
Odd-front zone defense	دفاع منطقه ای متشکل از تعداد فرد از بازیکنان در خط اول ( ۱ یا ۳ نفر)
Oddly	بمطور غریب
Odds-on	احتمال موفقیتش زیاد است
Odds-on favorite	تیمی که احتمال پیروزش را زیاد می داند
Off	کلمه اختصاری ریپاند در حمله در گزارش های آماری
Off arm	دست چپ
Off-balance	۱- عدم تعادل بدن ۲- از دست دادن تعادل ۳- برهم خوردن تعادل
Off-balance shot	شوت کردن در شرایط عدم تعادل
Off ball screen	ایجاد سد در موقعیت دور از هم تیمی مالک توپ

Off-dribble shot	شوت از دربیبل (سریع دربیبل را شوت کردن)
Offend	۱- توهین کردن به، بی احترامی کردن به ۲- تخلف کردن از، تخطی کردن از، سرپیچی کردن از (مقررات، قوانین)
Offender	بازیکنی که از مقررات سرپیچی می کند
Offense (Am.) = Offence (Eng.)	۱- حمله، یورش ۲- زمین یا سمت حمله ۳- خطا، سرپیچی ۴- تخلف، تخطی
Offense against man-to-man	حمله علیه آرایش دفاع یارگیری (من تو من)
Offense against zone defense	حمله علیه حریفانی که از محدوده معین در نیمه زمین خود یا در بعضی اوقات در کل زمین بازی دفاع می کنند، حمله علیه دفاع منطقه‌ای
Aggressive offense	حمله درگیرانه، حمله همراه با فشار
All-purpose offense- 3 basic plays	سه اصول پایه بازی که در شرایط حمله به کار گرفته می شود (۱) نفوذ گارد ؛ گارد توپ را پاس می دهد و برای حمله حرکت می کند (۲) چرخش سنتر؛ چرخش سنتر برای دریافت پاس (۳) اطراف خط ۳ امتیازی؛ دویدن در امتداد خط پرتاب ۳ امتیازی
Balanced attack	حمله متعادلی که از الگوی بازی از پیش تعیین شده ، ضد حمله و بازی های فی البداهه استفاده گردد و همچنین حمله ای با استفاده از بازی های مختلف که برای همه بازیکنان موقعیت های شوت و ریباند خوب بوجود آورد
Banana offense	نوعی تکنیک حمله که در آن بازیکنان در زمین بازی پخش شده و بازیکنان بال به سمت جلو و عقب حرکت می کنند تا خود را آزاد نمایند
Box weave offense	حمله متقاطع در یک آرایش چهار بازیکن
Breakdown offense	تقسیم طرح حمله به بخش هایی که در آن بازیکنان می توانند طرح حمله راها کرده و از همان موقعیت اقدام به شوت کنند (به Free lance Offense مراجعه کنید)
Breaking offense	ضد حمله
"Clear out" offense	الگوی حمله با خالی کردن یک موقعیت یا کل یک سمت زمین برای ایجاد یک فضا یا در اصطلاح یک اطاق برای نفوذ بازیکن مالک توپ به طرف حلقه
Combination attack ( offense)	الگوی حمله ای که از سیستم های مختلف در آن استفاده می شود، حمله ترکیبی
Combination offense against a zone-and-one	حمله علیه دفاع ترکیبی؛ دفاعی که چهار مدافع دفاع منطبق های و یک مدافع دفاع یارگیری انجام می دهد
Components of team offense	عناصر حمله که توسط تیم به کار گرفته می شود
Continuity offense	الگوی حمله که به صورت پی در پی اجرا می شود
Controlled offense	حمله همراه با نقشه (این واژه همچنین توسط بعضی از مربیان آمریکایی ضد حمله نامیده می شود)
Control offense	حمله بر اساس الگو
Cutting and dribbling offense ( without a pivot)	حمله بدون بازیکن سنتر که از نفوذها و برش های با دربیبل و بدون دربیبل به طرف حلقه استفاده می گردد
Double pivot offense	الگوی حمله با دو سنتر
Double post offense	الگوی حمله با دو سنتر

Double post offense with box formation an point guard	حمله با دو بازیکن سنتر در موقعیت پانچین و دو فورواردر در موقعیت بالا در دو طرف منطقه کلید به شکل چهار گوش و بازیکن توپ پخش کن قبل از دایره پرتاب آزاد
Early offense	۱- نفوذ کردن زودتر از پاس ۲- ضد حمله ثانویه
End line out of bounds offense	الگوی حمله که شروع آن با پرتاب توپ از پشت خط عرضی به داخل زمین حمله می باشد
Five-man offense	حمله با حضور پنج بازیکن همراه با تکرار حرکت بده و برو
Five-man outside offense with flash pivot	الگوی حمله با حرکت پنج بازیکن در منطقه پیرامونی به منظور بوجود آوردن امکان نفوذ ناگهانی سنتر به طرف حلقه
Five-man roll	الگوی حمله با برش های پی در پی هر پنج بازیکن
Five-man 2-12 continuity	حمله با آرایش اولیه ۲-۱-۲ که پی در پی تا کسب امتیاز ادامه داشته باشد
Five-man weave offense	تمرین حمله پیچشی با پنج بازیکن؛ بازیکنان در پنج خط روی خط مرزی قرار می گیرند، بازیکنی که در خط میانی است توپ را به نزدیک ترین عضو تیم پاس داده، سپس به پشت دو بازیکن حرکت برشی انجام می دهد، این فرآیند برای انجام شوت سه گام تا سبد ادامه می یابد و با سازماندهی مجدد و "سرعت - پیچش - پاس) برای انجام سه گام در انتهای مخالف زمین ادامه می یابد
Five-man offense	حمله با حضور فعال همه تیم
Flex offense	حمله انعطاف پذیر که مطابق با تغییرات دفاع حریف تغییر می کند
Flip-flop offense	حمله انعطاف پذیر که مطابق با تغییرات دفاع حریف تغییر می کند
Four corners	حمله تأخیری (به طور معمول در بازی های تأخیری مورد استفاده قرار می گیرد) رد و بدل کردن پاس های بلند بین چهار بازیکنی که در چهار گوشه زمین قرار می گیرند
Officiate	بعنوان داور مسابقه را اداره کردن
Off line	از پشت خط
Off line pass	پرتاب توپ به طرف هم تیمی از پشت خط
Off night	۱- نمایش بد بازی ۲- بازی نا امید کننده
Off post	دورتر از توپ
Off season	خارج از برنامه فصل
Offset	جبران کردن، متعادل کردن
Offset the lack	جبران کردن کمبود، برطرف کردن نقطه ضعف
Off set	آرایش حمله با قرارگیری فورواردها در پیرامون خط ۳ امتیازی
Off – set position	موقعیتی در خط عرضی زمین به طور تقریبی بین خط طولی منطقه دوزنقه و خط طولی زمین بازی
Off – shooting night	مسابقه ای که بیشتر شوت های تیم در آن به هدر می رود
Off – side	۱- سمت ضعیف (نیمه زمین بازی) ۲- سمت ضعیف زمین بازی ۳- سمت مقابل نیمه زمین بازی که از آنجا شوت زده می شود ۴- خارج از محدوده ۵- خارج از محدوده بازی

Off- side coverage for rebounding	پوشش ریباند در سمت مقابل نیمه زمین بازی که از آنجا شوت زده می‌شود
Off- side hand	دست آزاد در هنگام شوت یا پاس یک دست که برای کنترل توپ، هدایت آن و ایجاد تعادل به کار می‌رود
Off- side pass	پرتاب از راه دور به طرف هم تیمی که در سمت کمکی یا سمت ضعیف زمین قرار دارد
Off- side post	بازیکن ستر در سمت ضعیف نیمه زمین
Off- side wing	بازیکن فوروارد در سمت ضعیف نیمه زمین
Off- side triangle	مثلث ریباند در سمت مقابل موقعیت شوت کننده (سمت ضعیف)
Off the ball	دورتر از توپ
Off the ball contact	تماس بدن بازیکنان بدون توپ
Off the ball coverage	دفاع از بازیکنان بدون توپ
Off the ball defense	دفاع علیه بازیکنان بدون توپ
Off the beam	آنچه قانع کننده نباشد، غیر قابل قبول، ناخوشایند
Off the board	توپ برگشتی از تخته بسکتبال
Off the court	پشت خطوط زمین بسکتبال، خارج از زمین بازی
Off the dribble pass	پاس زمینی به طرف هم تیمی از دریل کننده
Off the feet	نشستن یا دراز کشیدن
Off the hinges(also: -hooks)	گیجی، سردرگمی، سرگردانی، آشفتگی
Off the pace	پشت سر هم تیمی در ضد حمله
Off the screen	از پشت ایجاد سد
Old bean	سر، مغز
Old guard	بازیکن با تجربه
Old- timer	۱- کهنه کار ۲- قدیمی
(Old) war horse	بازیکن قدیمی، کهنه کار
Omit	حذف کردن، از قلم انداختن، جا گذاشتن
On ball coverage	دفاع از حریف مالک توپ
On ball screen	ایجاد سد (اسکرین) برای هم تیمی مالک توپ
Once in a way	گهگاهی، گاه و بیگاه
On- court communication	تبادل اطلاعات بین هم تیمی ها در زمین بازی، تماس شفاهی بین بازیکنان هم تیمی در زمین بازی
One- bounce drive	نفوذ قوی با یک دریل
One – count	فرود آمدن از یک پرش بر روی دو پا بصورت هم زمان
One – dimensional	مهارت در شوت که در یک موقعیت زمین محدود می‌شود یا فقط یک نوع شوت
One dribble	یک بار توپ را به زمین زدن
One – four delay	بازی تأخیری در آرایش ۴-۱



One – four offense	حمله ۴-۱ با شروع آرایش چهار بازیکن مهاجم در یک خط قبل از خط عرضی در نیمه زمین حمله و یک بازیکن توپ بخش کن در رأس دایره پرتاب آزاد
One – four offense from stack	چهار بازیکن مهاجم در یک آرایش دسته ؛ دو بازیکن در موقعیت پای ین و دو بازیکن در موقعیت بالا در خطوط کناری منطقه کلید و بازیکن توپ بخش کن در رأس دایره پرتاب آزاد
One – hand = One-hand (Am. eng.)	اجرای حرکات با یک دست
One – hand bounce pass	پاس زمینی با یک دست
One – hand bullet pass	پاس انفجاری با یک دست
One – hand cross-body pass	پاس یک دست همراه با حرکت تاب و امتداد دست در جلوی بدن
One – handed behind – the – back	پاس یک دست از پشت کمر
One – handed dribbled- in shot	شوت یک دست بعد از یک دریبل زدن نزدیک حلقه
One-handed push pass	پرتاب توپ به طرف هم تیمی همراه با هل دادن توپ با یک دست
One – handed turn- around shot ( right or left )	شوت یک دست (چپ یا راست) بعد از چرخش کامل
One handed under-the-basket shot (right or left)	شوت یک دست (رأست یا چپ) از موقعیت نزدیک به حلقه
One – hander	شوت یک دست
One – hand fade – away jump shot	شوت جفت با یک دست همراه با متمایل کردن بالا تنه به عقب و زانوها بصورت نیم خم
One – hand in motion push shot	شوت یک دست توسط بازیکن در حال حرکت
One – hand jump push shot	شوت جفت یک دست همراه با هل دادن توپ
One – hand jump shot	شوت جفت یک دست
One – hand jump – twist shot	شوت جفت یک دست در هنگام چرخش در هوا
One – hand overhead pass	پرتاب توپ به طرف هم تیمی با یک دست از روی سر
One-hand overhead shot	پرتاب توپ به طرف حلقه با یک دست از روی سر
One – hand pass	پرتاب توپ به طرف هم تیمی با یک دست
One – hand push	پرتاب توپ با یک دست همراه با هل دادن توپ
One-hand push free throw	پرتاب آزاد با یک دست همراه با هل دادن توپ
One-hand push pass	پرتاب توپ به طرف هم تیمی همراه با هل دادن توپ
One – hand running stride shot	پرتاب توپ به طرف حلقه با یک دست بعد از فرود آمدن روی دو پا به طور یکی بعد از دیگری
One-hand set free throw	پرتاب آزاد با یک دست در حالت ثابت (بدون بالا آوردن کف پاها از روی زمین)
One – hand set shot	پرتاب توپ به طرف حلقه با یک دست در حالت ثابت
One – hand set shot from the	پرتاب توپ به طرف حلقه با یک دست از جلوی سینه و در حالت ثابت

chest position	
One – hand set shot from the ship position	پرتاب توپ به طرف حلقه با یک دست در حالت ثابت بعد از نگه داشتن توپ در کله
One – hand set shot from the shoulder position	پرتاب توپ به طرف حلقه با یک دست از روی شانه در حالت ثابت
One – hand shot	پرتاب توپ به طرف حلقه با یک دست
One – hand shoulder pass	پرتاب توپ به طرف هم تیمی با یک دست از روی شانه
One hand side – arm pass	پرتاب توپ به طرف هم تیمی با یک دست و با بازوی مربوط از کنار بدن
One – hand tap pass	پرتاب توپ به طرف هم تیمی با ضربه زدن به توپ با یک دست
One – hand tip shot	پرتاب توپ به داخل حلقه با نوک انگشتان یک دست (به طور معمول در ریباند حمله)
One – hand underhand driving – in shot	پرتاب توپ به طرف حلقه با یک دست از پایین بعد از نفوذ قوی به طرف حلقه
One – hand underhand lay-up shot	شوت سه گام به طرف حلقه با یک دست از پایین
One – hand underhand pass	پرتاب توپ به طرف هم تیمی با یک دست از پایین
One – hand underhand shot	پرتاب توپ به طرف حلقه با یک دست از زیر (از پایین کمر)
One – hand underhand sweep	پرتاب توپ همراه با پیچ و تاب دادن دست به طرف حلقه با یک دست از پایین
(One) has it	بازیکن خسته، بازیکن خسته از لحاظ جسمی
One hell of a lot	زیاد، چندین، بسیار
(One) helluva time	در خلال یک بازی (زمان سخت)
One – man team	تیمی که فقط یک بازیکن آن امتیاز کسب می کند
One – man zone defense	الگوی دفاعی که فقط یک بازیکن دفاع منطقه ای را به کار می برد
One – on – one	بازی یک علیه یک
One – on – one back to basket	بازی یک علیه یک پشت به حلقه
One – on one coverage	دفاع یک علیه یک، دفاع یار گیری
One – on – one facing	بازیکنی که رو در روی حریف قرار می گیرد
One – on – one mirror drill	تمرین بازیکن ستر که واکنش هایش را نسبت به حرکات حریفی که از او دفاع می کند بهبود می بخشد؛ بازیکن ستر رو در روی هم تیمی با نگه داشتن پیشانی و بینی نزدیک سینه او قرار گرفته و سریع حرکات این حریف را به طرفین تکرار می کند
One – on – one movement	لپنی یک علیه یک
One – on one moves against pressure defense	بازی یک علیه یک در شرایط دفاع پرس
One – one – one moves off the dribble	بازی دریل یک بازیکن در مقابل یک
One outside and four inside	آرایش حمله؛ یک بازیکن در رأس دایره پرتاب آزاد و دو بازیکن دیگر در دو طرف منطقه ی کلید

One point guard	بازیکن توپ بخش کن (بازیکن شماره ۱)
Onesided = One-sided (Am. Eng.)	۱- یک پهلوی، یک طرفه ۲- یک جانبه، مغرضانه، نابرابر
Onesome	بازیکنی که فقط برای تمرین بازی می کند
One step stop	فرود آمدن از یک پرش روی هر دو پا در یک زمان
One – three- one	آرایش ۱-۳-۱
One- three- one tandem post offense	آرایش حمله ۱-۳-۱ با قرارگیری دو بازیکن ستر پشت سر هم (یکی در موقعیت پاتین و دیگری در موقعیت بالا پشت سر او)
One – three – one zone defense	آرایش ۱-۳-۱ در دفاع منطقه ای
One – three – one zone offense	حمله علیه دفاع منطقه ای با آرایش ۱-۳-۱
One – two – one – on half court zone press	دفاع منطقه ای ۱-۲-۱-۱ همراه با فشار در نیمه دفاعی زمین
One – two – one – one zone press ( press ( full court or three quarters )	دفع منطقه ای ۱-۲-۱-۱ و همراه با فشار (در کل زمین یا در سه چهارم آن
One-two-step	بعد از برداشتن گام فریب قوی با پای داخلی (پایی که به حلقه نزدیکتر باشد) دومین گام را بلند با پای بیرونی برمی داریم
One – two – two zone defense	آرایش ۱-۲-۲ در دفاع منطقه ای؛ یک بازیکن در زیر حلقه دفاع می کند و چهار بازیکن دیگر بصورت مربع دفاعی (۲-۲) در جلوی او قرار می گیرند
Box and one	آرایش دفاع منطقه ای ۲-۲ و نفر پنجم دفاع یارگیری
Diamond and one	دفاع منطقه ای در آرایشی به شکل لوزی ۱-۲-۱ خارج از منطقه کلید و بازیکن پنجم با دفاع یارگیری
Diamond – and – one combination defense	سیستم دفاعی ترکیبی به شکل لوزی به علاوه یک، که جزء سه الگوی رایج دفاع ترکیبی محسوب می شود. این نوع دفاع، دفاع منطقه ای همراه با ترکیبی از آرایش های دفاع یارگیری می باشد
Six and one	تمرین ریباندهای حمله؛ شش مرتبه توپ را به تخته می زنیم و در پی آن اقدام به شوت می کنیم
Three and one	تمرین ریباندهای حمله؛ سه مرتبه تخته را با توپ لمس کرده و در پی آن اقدام به شوت می کنیم
Three on one	بازی سه علیه یک
Two-one-two	آرایش منطقه ای ۲-۱-۲
Two-two-one	آرایش منطقه ای ۲-۲-۱
On ice	مطمئن از پیروزی
Onside	سمتی که توپ در جریان باشد
Onslaught	۱- مسابقه، بازی ۲- بازی سخت
On the ball	۱- موقعیت دفاعی علیه بازیکن مهاجم مالک توپ ۲- هوشیار، زیرک، آماده باش (بدون نگاه به توپ)
On the ball defense	بازی دفاعی همراه با فشار علیه حریف مالک توپ

On the dot (also: -spot)	۱- به طور دقیق ۲- درست سر وقت
On the fence	۱- دو دل، مردد ۲- بی طرف، خنثی
On the fly	(پرواز نزدیک سبد) تمرین شوت از توپ ریاند با یک پرش بلند ؛ ریاند ، گرفتن توپ در بالا و از همان جا اقدام به شوت کردن
On the make	مصمم بودن برای پیروزی
On the mark	آماده، حاضر
On the move	در جنبش، در حرکت
On the ragged edge	عصبی، ناآرام
On the road	مسابقه در زمین حریف
On the run	گریزان، بهر سو دوان، شلوغ کنان
On the spot	در یک نقطه، در یک مکان
On the way	مسابقه در زمین حریف
On time	به موقع، سر وقت، به طور دقیق سر وقت
On top of	بمعلاوه، وانگهی
On top of the play	موقعیت داور نزدیک به حرکات، بطوری که او قادر به تصمیم گیری درست باشد
Onus	وظیفه، مسئولیت، مسئولیت سنگین
Open	آزاد، بدون دفاع
Open and shut	واضح، آشکار
Open area	۱- بخشی از زمین بازی بدون مدافع ۲- مکانی که بازیکنان حمله برای شوت زدن آزاد می باشند
Open center	الگوی بازی بدون سنتر، بازی بدون سنتر
Opener	۱- اولین بازی یک دوره مسابقه ۲- بازکننده، گشاینده، افتتاح کننده
Open fight(also:-game)	بازی نزدیک
Open fire	پرخاش کردن، دعوا کردن
Opening	۱- آغاز، شروع ۲- مسیر آزاد در زمین بازی ۳- نقطه یا مکان آزاد یا بدون مدافع
Opening ceremony	مراسم افتتاحیه مسابقات، مراسم رسمی شروع مسابقه
Opening game	اولین مسابقه از یک تورنمنت یا لیگ
Open legs	حالتی با پاهای باز یا گشاد از هم
Open pass	پاس در مسیر آزاد یا بدون مدافع به هم تیمی
Open player	بازیکن آزاد، بازیکن بدون مدافع، بازیکنی که از دست مدافع خود رها می پیدا می کند
Open position	موقعیت بازیکن بدون مدافع، موقعیت آزاد برای شوت زدن
Open post alignment	۱- آرایش تیم بدون سرپر ۲- آرایش تیم بدون اشغال کردن موقعیت شوت نزدیک به حلقه

Open post passing game	الگوی حمله که بپاس پاس ها و بدون موقعیت ثابت بازیکن سنتر طراحی می شود
Open practice session	جلسه تمرین که نقاشاگران نیز می توانند تماشا کنند
Open receiver	پرتاب توپ به طرف هم تیمی بدون مدافع
Open screen	ایجاد سد (اسکرین) در میدان دید حریف
Open shot	موقعیت شوت بدون دفاع
Open side	سمت آزاد زمین بازی
Open spot	مکان آزاد، موقعیت شوت بدون مدافع
Open spots	مکان های آزاد یا بدون مدافع در دفاع منطقه ای
Open team- mate	هم تیمی آزاد، بدون مدافع
Open the ball	شروع کردن، آغاز کردن
Open to the ball	۱- آزاد شدن برای دریافت توپ، رها شدن از دست مدافع برای دریافت پاس ۲- چرخش به طرف توپ
Open up the floor	آزاد کردن یک منطقه برای هم تیمی در یک حرکت حمله با نفوذ سریع به طرف حلقه یا با یک جهش به یک طرف
Open up a passing lane	آزاد کردن مسیر توپ پرتاب شده به طرف هم تیمی
Open up toward the ball	چرخش بازیکن مدافع، زمانی که از یک بازیکن مهاجم دیگر دفاع می کند، (به طرف حریف مالک توپ یک دست به طرف توپ و دست دیگر به طرف بازیکنی که از او دفاع می کند)
Operate	عمل کردن، به کار انداختن، مانور
Operator	اپراتور، تلفن چی، متصدی
Opinion	نظر، عقیده، فکر
Opponent	حریف، رقیب، ضد، مخالف
Opponents basket	حلقه تیم حریف (مطابق قوانین FIBA؛ حلقه حمله، مطابق قوانین آمریکا حلقه دفاعی)
Opponent with ball	بازیکن حریف مالک توپ
Opponent without ball	بازیکن حریف بدون توپ
Bat the ball out of hands of the opponent	خارج کردن توپ از دست های حریف، زدن توپی که در دست های حریف قرار دارد
Beating opponent to position	جا گذاشتن حریف و جاگیری کردن
Beat the opponent	پیشی گرفتن از حریف، جا گذاشتن حریف
Beat the opponent on the outside	جا گذاشتن حریف و از منطقه پیرامونی اقدام کردن به شوت
Bottle up the opponent	در تنگنا قرار دادن بازیکن حریف، گرفتن بازیکن حریف
Disconcert the opponent	حواس حریف را پرت کردن
Fool the opponent	فریب دادن، گمراه کردن، گیج کردن حریف
Front the opponent	قرار گرفتن جلوی حریف، دفاع رو در رو با حریف

Guard the opponent	پوشش دادن حریف
Hold the opponent	۱- متوقف کردن حریف ۲- چک کردن حریف ۳- از فاصله بسیار نزدیک از حریف دفاع کردن بهطوری که آزادی حرکت از او سلب گردد
Keep the opponent on the back	نگاه داشتن حریف در عقب یا پشت سر
Keep your opponents busy	اعمال فشار زیاد به حریف
Keep your opponent honest	مجبور کردن مدافعين به تلاش و حرکت مضاعف (اجازه نفس کشیدن را از حریف گرفتن)
Lead the opponent	دفاع کردن از حریف مالک توپ در حال حرکت
Loose opponent	حریف آزاد یا بدون مدافع
Move away the opponent	عقب راندن حریف، عقب راندن حریف به طرف موقعیت دورتر از حلقه
Put the opponent in jail	از حرکت انداختن حریف، زمین گیر کردن حریف
Read the opponent	سر در آوردن یا دست حریف را خواندن
Respect the opponent	به حریف احترام گذاشتن
Roll – off the opponent	دور شدن از حریف همراه با چرخش
Scouting opponents	مشاهده و بررسی حریفان آینده
Side the opponent	دفاع کردن، محافظت کردن از کنار حریف
Size up your opponent	ارزیابی کردن حریف
Straddling the foot of the opponent	۱- سد کردن پای حریف با قرار دادن پاها به صورت گشاد ۲- سد کردن با گشاد ایستادن
Tighten up the opponent	دفاع بسیار نزدیک از حریف
Opportune	مناسب، درخور، بموقع، بهجا
Opportunity	فرصت، مجال، موقع، موقعیت مناسب
Opportunity to score	فرصت امتیاز کسب کردن
Oppose	مخالفت کردن، ضدیت کردن، اعتراض کردن به، مقابله کردن
Opposing team	تیم حریف
Opposite	مخالف، رقیب
Opposite ball position	رو در روی بازیکن مالک توپ قرار گرفتن
Opposite basket	۱- روبه روی حلقه ۲- حلقه زمین مقابل
Opposite line	۱- خط پرتاب آزاد در طرف زمین مقابل ۲- خط بازیکنان در حال تمرین در طرف زمین مقابل
Opposite screen	ایجادسد (اسکرین) در سمت مقابل
Opposition	۱- ضدیت، تضاد ۲- مقاومت ۳- طرف مقابل
Option	اختیار، انتخاب
Optional	انتخابی، اختیاری
Optional maneuvers	حرکات انتخابی، اختیاری
Orange	پرتقالی، نارنجی، مسی

Orange – colored ball	توپ بسکتبال (با رنگ نارنجی)
Orangutan	بازیکن قوی
Orb	کره خاکی (توپ بسکتبال)
Order	فرمان دادن، دستور دادن، امر کردن
Organization	سازمان، تشکیلات، مؤسسه
Organize	سازمان دادن، سازمان دهی کردن، متشکل کردن
Original	اصلی، اولیه، نخستین، ابتدائی
Original ball position	مکان توپ در شروع حمله یا یک حرکت
Original Celtics	تیم بسکتبال حرفه‌ای، نیاکان بستون سلتیگ
Original direction	مسیر شروع حرکت
Original spot	مکانی که بازی یا حرکتی شروع می شود
Ortho	عمل مربوط به استخوان درمانی
Orthopedic	وابسته به استخوان پزشکی
Orthopedic surgery	۱- اتاق جراحی برای عمل مربوط به استخوان ۲- عمل مربوط به استخوان درمانی
Out	خارج، بیرون، خارج از خطوط زمین بازی
Out and out stall	به تأخیر انداختن
Outbeat	شکست دادن، شکست خوردن
Outclass	دارای مقام بلندتری بودن، از حیث مرتبه و طبقه برتری داشتن بر ، شکست فاحش حریف
Outcoach	مغلوب شدن مربی
Outcome	نتیجه، پی آمد، حاصل
Outcourt shooter	بازیکنی که از فاصله دور شوت می کند
Outcourt shot	شوت از فاصله دور
Outdoors (also: Outdoors)	خارج از محوطه ، بیرون ، در هوای آزاد
Outdoors game	بسکتبال که خارج از سالن بازی می شود، بلینی بسکتبال در هوای آزاد
Outer	بیرونی
Outer edge	لبه بیرونی خط
Outer half	نیمه بیرونی (دایره؛ شبیه نیمه بیرونی دایره پرتاب آزاد)
Outfielder	بازیکنی که دورتر از منطقه کلید دفاع می کند
Outfit	۱- تجهیز، سازو برگ ۲- تیم
Out front	خارج از خط اول (دفاع)
Outgame	شکست دادن، غلبه کردن
Outing	بازی در زمین حریف
Out-jump	شکست دادن در پرش
Outlet	۱- روزنه، مجرای خروج ، دررو ۲- بازیکنی که برای او پاس حمله ارسال

	می‌شود ۳- اولین پاس برای ضد حمله
Outlet man	بازیکنی که بعد از ریاند دفاعی یا تغییر کنترل بازی (به‌طور معمول برای ضد حمله) برای او پاس حمله ارسال می‌شود
Outlet pass	۱- اولین پاس بعد از یک ریاند دفاعی جهت شروع ضد حمله ۲- پاس به بازیکن توپ بچش کن بعد از به‌دست آوردن کنترل توپ ۳- پاسی که شروع ضد حمله را بعد از به‌دست آمدن کنترل توپ در پی دارد ۴- پاسی که از درون محوطه جریمه برای آغاز ضد حمله به بیرون داده می‌شود
Outlet spots	مکان‌های مناسب در زمین بازی برای اولین پاس ضد حمله
Outline	طرح، شکل اجمالی، زمینه، پیرامون، طرح کردن، کشیدن
Outmanoeuvre	زرننگ‌تر بودن از، گول زدن، در مسابقه جلو افتادن از
Outnumber	از حیث شماره بیشتر بودن، افزون بودن بر، با تعداد زیادتر تفوق یافتن بر، انبوه شدن، بسیار شلوغ کردن، ازدحام کردن
Outnumbered	در شرایطی که از حیث شماره بیشتر از حریف بودن
Out-of-balance	خارج از تعادل، عدم تعادل
Out-of-bounds(Am.)=Out of bounds(Eng.)	پشت خطوط زمین بازی، خارج از زمین بازی
Out-of bounds area	خارج از زمین بازی
Out-of-bounds play	شروع بازی با پرتاب توپ از پشت خط به داخل زمین
Out-of-bounds underneath	پرتاب توپ از پشت خط عرضی نزدیک به حلقه به داخل زمین
Out-of -breath (Am.) Out of breath (Eng.)	بی نفس، خسته
Out of gear	ضعیف، ناتوان، عاجز
Out of it	غیر ممکن، ناممکن
Out of luck	هیچ شانس برای پیروزی نداشتن
Out-of-play	در بازی شرکت نکردن (مثل بازیکن کوتاه قد در جمبال)
Out of sight	ناپیدا
Out-of-sight	توصیف بعضی از چیزها که بی اندازه خوبند
Out of soap	خارج از تصور
Out of the game	۱- نداشتن هیچ شانس برای پیروزی ۲- شکست
Out of this world	عالی، ممتاز
Out-personelled	۱- بازیکنی که از لحاظ مهارت کامل نباشد ۲- تیمی با بازیکنانی که نسبت به تیم حریف از مهارت کمتری برخوردار باشند
Outplay	۱- برتری داشتن در بازی ۲- شکست دادن، مغلوب کردن
Outpoint	پیشی گرفتن از، جلو افتادن از
Out-position	پیشی گرفتن حریف در جاگیری مناسب، جاگیری کردن در یک مکان مناسب
Output	محصول، بازده، میزان کارایی
Outquick	پیشی گرفتن، جلو زدن از، پشت سر گذاشتن، عقب گذاشتن



Out-rebound	بهترین ریباندها را انجام دادن، برتری داشتن در ریباندها
Out-run	پیشی گرفتن، پشت سر گذاشتن، جلو زدن از
Out-score	بیشترین امتیاز را کسب کردن
Outset	شروع، آغاز، ابتدا
Outside	۱- خارجی، بیرونی ۲- بیرون ۳- دورتر از حلقه، دورتر از بازیکن نزدیک حلقه ۴- به طرف خارج از منطقه کلید ۵- در فاصله ۴-۵ متری از حلقه ۶- نزدیک به خطوط کناری یا طولی ۷- در محدوده بال
Outside a defender	حرکت بین بازیکن مدافع و بازیکن مهاجمی که توسط آن دفاع می شود (شیهه ایجاد سد)
Outside a defender screen	اسکرین بین مدافعی که شل دفاع می کند و هم تیمی اسکرین کننده که توسط این حریف دفاع می شود
Outside area	بخشی از زمین بازی از فاصله ۴-۵ متری به حلقه
Outside foot	پای بیرونی، پای دورتر از حلقه (در موقعیت های نزدیک به حلقه)
Outside hand	دست بیرونی، دستی که دورتر از حلقه یا حریف باشد
Outside hand-off	دست به دست کردن توپ با هم تیمی هنگام بُرش از پشت یا از نزدیک آن و حریف مدافعش که به سختی از او دفاع می کند
Outside jumper	شوتیست یا شوت جفت از محدوده پیرامونی
Outside problems	مشکلات یک بازیکن که ریشه در بسکتبال ندارد (مشکلات بیرونی)
Outside running	تمرین دویدن خارج از سالن
Outside roll	برش همراه با چرخش به طرف خارج از منطقه دوزنقه
Outside screen	اسکرین بین مدافعی که شل دفاع می کند و هم تیمی اسکرین کننده که توسط این حریف دفاع می شود
Outside shooter	بازیکنی که از محدوده بیرونی یا از خارج منطقه کلید اقدام به شوت می کند
Outside shot	شوت از فاصله ۴-۵ متری به طرف حلقه، شوت از خارج از منطقه کلید
Outside the arc	محدوده پشت خط ۳ امتیازی
Outside touch	توانایی شوت از منطقه پیرامونی
Outside toward basket	۱- پرش به طرف حلقه از منطقه بیرونی ۲- پرش به طرف حلقه از پشت سر هم تیمی یا پشت سر مدافع حریف
Outside turn	چرخش یا پیوت بر روی پای دورتر از حلقه
Outslick	در بازی پیش افتادن بر، در مسابقه جلو افتادن، بازی بهتر از حریف
Outsmart	پا از حد خود فراتر نهادن
Outstanding	سرشناس، برجسته
Outstanding play	بازی عالی، بسیار خوب
Outstanding player	بازیکن برجسته، سرشناس
Outstanding shooter	شوتیست برجسته، شوتیست متمایز
Outstretch	دراز کردن، پهن کردن، کشیدن

Outstretched hand	دست کشیده، بازوی کشیده
Outtalent	چربیدن، غالب آمدن، نفوذ قاطع داشتن مسلط بودن
Out - think	غالب شدن از لحاظ فکری در زمین بازی
Out - thrust	پیش قدم شدن، جلو افتادن
Out to take one's measure	شروع بازی با عزم راسخ برای پیروزی
Out - tough	به نمایش گذاشتن توان بیشتر نسبت به حریف
Outward	به طرف خارج، بیرونی، ظاهری
Outweight	۱- بیش از حد سنگین شدن ۲- پیروز شدن، فائق آمدن، غالب شدن
Out - wit = Outwit (Am. Eng.)	شکست دادن، برتر بودن
Outwork	بیشتر کار کردن از
Oval	(واژه‌ای برای توپ اقتباس شده از فوتبال آمریکایی که با توپ بیضی شکل بازی می‌شود) توپ بسکتبال
Over	واژه Over در بعضی از عبارات‌های بسکتبال اشاره به حرکات دورتر از سبد دارد درست در مقابل واژه Under که معنی آن اشاره به حرکات به طرف یا نزدیک سبد دارد
Overachiever	کسی که بیش از حد انتظار پیشرفت کند
Overall	۱- کلی ۲- جامع، فراگیر ۳- چند جنبه، همه فن حریف
Overall coverage	دفاع چند جانبه، دفاع چند منظوره
Overall pattern	آرایش بازی چند جانبه
Overall strategy	خط مشی کلی بازی، راهبردهای کلی بازی
Overall team philosophy	فلسفه کلی تیم
Overanxious	خیلی دلواپس، خیلی بی‌قرار، بسیار بی‌تاب
Overbalance	بهتری
Overcareful	وسواسی
Overcoach	۱- بیش از حد تمرین دادن ۲- یاد دادن حرکات و الگوهای زیادی در یک زمان
Overcome	پیروز شدن، شکست دادن، مغلوب کردن، مغلوب ساختن
Overconcentration	توجه بیش از حد، تمرکز
Overconfidence	اطمینان بیش از حد
Over dribble	بیش از حد دربیبل زدن
Over- emphasize	گزافه‌گویی کردن، اغراق کردن، مبالغه کردن، اغراق نمودن
Over-extension	کشش بیش از حد
Overfaking	بیش از حد گول زدن
Over-guard	بیش از حد پوشش دادن
Over- guarding	پوشش دادن حریف با بیش از یک مدافع (نه در شرایط دبل تیم) پوشش بیش از حد

Overhand lay-up shot	شوت سه گام به طرف حلقه با نگه داشتن توپ روی شانه‌ها
Overhead	بالای سر، از بالای سر
Overhead lay-up shot	شوت سه گام به طرف حلقه از بالای سر
Overhead pass	پرتاب توپ به طرف هم تیمی از بالای سر
Overhead position	طرز ایستادن با نگه داشتن توپ بالای سر
Overhead shot	شوت به طرف حلقه از بالای سر
Overhead two – handed snap pass	پرتاب توپ به طرف هم تیمی از بالای سر با خم کردن ناگهانی دو دست از میچ
Overlap	یکدیگر را پوشش دادن
Overload	۱- اضافه بار، بار اضافی ۲- جمع شدگی، ازدحام ۳- برتری از حیث تعداد در یک سمت زمین بازی
Overload offense	الگوی حمله با تجمع بازیکنان در یک سمت زمین، (چهار بازیکن در یک سمت و نفر پنجم در طرف مقابل منتظر دریافت پاس منجر به گل)
Overload zone offense	حمله با تجمع در یک سمت زمین علیه دفاع منطقه‌ای
Overlook	حذف کردن، جا انداختن، غفلت کردن، نادیده گرفتن، توجه نکردن
Overly	بیش از اندازه، زیاد، به حد افراط، بیش از حد، مفرط
Overly cautious	بیش از حد محتاط بودن
Over-organize	بیش از اندازه برنامه‌ریزی کردن
Over- passing	بیش از حد پاس کاری کردن
Overplay	۱- جلوگیری و مزاحمت مدافع از رسیدن توپ به بازیکن مورد نظر ۲- پیشی گرفتن، سبقت جستن بر ۳- سد کردن با یک پا به منظور جلوگیری از حرکات یک حریف ۴- وارد شدن در مسیر پاس به حریف
Overplaying	۱- مسدود کردن ۲- پیشی گرفتن، پیش افتادن از
Over practice	بیش از حد تمرین کردن
Overrate	بیش از حد ارزش قائل شدن، زیاد اهمیت دادن به، زیاد برآورد کردن
Overrated player	بازیکنی که بیش از ارزش واقعی ارزیابی شده باشد
Overripe	آسیب دیدن بواسطه تمرین اضافه یا فعالیت‌های اضافه
Overshift	۱- هل دادن، تنه زدن به ۲- جلوی پیش روی حریف را گرفتن
Oversight	غفلت، اشتباه نظری، سهوی
Overstuffed	چاق، فرجه
Overt	آشکار، واضح، علنی
Overtax	بیش از حد ارزش قائل شدن
Over- the -back foul	از پشت مرتکب خطا شدن
Over the rim shots	اسپک کردن توپ داخل حلقه
Over- the-shoulder drop pass	پرتاب توپ به هم تیمی از بالای شانه همزمان با پرش به عقب
Over the top	موفق، کامیاب، پیروز
Over the top of the screen (also: -	موقعیت یک مدافع که موفق به وارد شدن بین بازیکن سد کننده و بازیکن سد

pick)	شونده حریف که توسط این مدافع دفاع می شود
Overtime	وقت اضافه بعد از مساوی شدن بازی ( ۵ دقیقه )
Overuse	استعمال مفراط
Owe	۱- بدهکار بودن ۲- مدیون بودن
Owlish	خردمند، باتجربه، عاقل، با شعور
Owls	۱- نام تیم بسکتبال دانشگاه راس در هستون که در کنفرانس جنوب غرب بازی می کند ۲- نام تیم بسکتبال دانشگاه ت م پل در فیلادلفیا که در کنفرانس آتلانتیک تن بازی می کند
Own	خود، خودم، مال خودم، داشتن، دارا بودن
Own basket	حلقه خودی (FIBA؛ حلقه دفاع، USA؛ حلقه حمله)

PPPPPPPPPPPPPPPPPPPPPPPPPPPP	
P. A.	بلند گوی اجتماعات، دستگاه بلند گوی مخصوص اجتماعات بزرگ
Pace	۱- قدم، گام ۲- سرعت، تندی، آهنگ
Change of pace	۱- تغییر آهنگ، سرعت ۲- سرعت بخشیدن بی کاهش دادن سرعت
Change of pace dribble	دریبل زدن همراه با تغییر سرعت
Change of pace pass	پاس زمینی که باعث تغییر سرعت دریافت کننده توپ می شود
Control the pace of the game	۱- کنترل بازی را در دست گرفتن ۲- تحمیل کردن سرعت بازی
Dribbling change of pace	تغییر سرعت دریبل
Keep pace	۱- آهنگ سرعت را حفظ کردن ۲- حفظ سرعت بازی
Pack	۱- گروه ۲- باند ۳- تیم
Pack it up	پایان بخشیدن، خاتمه دادن، به پایان رسیدن، منقضی کردن
Packed deal	بازی از پیش طراحی شده
(Packed )like sardines(also: -like herrings in a barrel)	شلوغ، پرجمعیت، انباشته، بسیار متراکم
Pact	قرارداد، پیمان، معاهده
Pad	لایی گذاشتن، لایه گذاشتن
Padded	با لایه ای پوشش داده شده (حاشیه زیر تخته بسکتبال)
Padding	لایه گذاری (مطابق قوانین ان سی ای ای حاشیه های زیر و کنار تخته بسکتبال به اجبار لایه گذاری می شود)
Pain	درد
Painful	دردناک، رنج آور
Painful rib	دنده آسیب دیده، دنده دردناک
Pain in the neck(also: in the solar plexus)	اذیت، آزار، دلخوری
Pain	۱- رنگ، رنگ کردن ۲- منطقه کلید (به طور معمول رنگ آمیزی آن با دیگر جاهای زمین فرق می کند)
Painted rectangle	مستطیل بالای حلقه که با خط های سفید ترسیم گردیده است.
Pair	جفت، زوج، نر و ماده
Pal	دوست، رفیق، یار، هم قطار
Paladins	نام تیم بسکتبال دانشگاه فورمن در گرن و یلی (کارولینای جنوبی) که در کنفرانس جنوبی بازی می کند
Palm	۱- کف دست ۲- لمس کردن با کف دست
Palming	۱- گرفتن توپ دریبل شده ۲- گذاشتن کف دست زیر توپ و حمل آن (مطابق با مقررات خطا محسوب می شود)

Palms facing	حالتی با دست‌های کشیده به سمت جلو، همراه نگاه خیره‌ی ممتد به جلوی خود (گویی به کف دست‌های خود خیره شده باشی)
Palooka	۱- درجه دوم، معمولی ۲- بازیکن بی عرضه، بی بخار
Pancakes	پاهای کف صاف و فاقد قوس
P and Q	دارای کیفیت عالی
Panel	تابلوی کوچک
Pan out	نشان دادن نتایج
Pant	نفس کشیدن با سرعت، نفس نفس زدن
Pants	شورتک، شورت ورزشی
Panthers	۱- نام تیم بسکتبال دانشگاه پیتسبرگ (پنسیلوانیا) که در کنفرانس بیگ است بازی می کند ۲- نام تیم بسکتبال دانشگاه ایالات جورجیا در آتلانتا (جورجیا) ۳- نام تیم بسکتبال دانشگاه نرتن ایووا در سدار فالز که در کنفرانس میسوریولی بازی می کند.
Paper house	
Papoose	(بچه‌های سرخ پوست شمال آمریکا) دانشجوی سال اول
Parallel	موازی، متوازی، برابر
Parallel feet	پاهای موازی
Parallel foot stop	پرش جفت با فرود آمدن بر روی دو پاها به‌طور موازی در یک‌زمان
Parallel formation	آرایش بازیکنان در هنگام بیتاب توپ به داخل زمین از خارج زمین؛ موازی با خط عرضی یا خط کناری
Parallel pass	پاس عرضی
Parallel stance	حالت دفاعی همراه با پاهای باز و موازی
Paramount	فاتی، برتر، بزرگترین، برترین
Pare	تراشیدن، چیدن
Park	ماندن، توقف کردن
Park the body	نشستن
Part	۱- بخش، قسمت ۲- سهم ۳- وظیفه بازیکن، مسئولیت بازیکن
Partial	جزیی، جزء
participate	۱- شرکت کردن ۲- مشارکت کردن
Particular spot	مکان ویژه، موقعیت ویژه در زمین بازی
Partisan	یک طرفه، یک پهلو، نابرابر، طرفدار
Partner hand- stand push- ups	شنا رفتن روی دست‌ها که هم‌زمان هم‌تیمی پاها را نگه داشته باشد
Parts	اندام‌های تناسلی، بیرونی، جهاز تناسلی خارجی، عورت
Part- whole method	جزء جزء کردن الگوی کلی دفاع و یا حمله و کار روی بخش‌های کوچک تا رسیدن به الگوی کامل
Pass	پرتاب توپ به‌طرف هم‌تیمی، تحویل یا انتقال توپ به هم‌تیمی، پاس دادن

Pass across	پاس عرضی بمطرف هم تیمی
Pass ahead	پرتاب توپ به سمت جلو برای هم تیمی
Pass- and – cut	پرتاب توپ برای دریافت پاس برگشتی نزدیک حلقه یا در موقعیت مناسب شوت به کار گرفته می شود
Pass- and – go	پاس دادن و در پی آن برش بمطرف حلقه
Pass- and- go away	پاس دادن و در پی آن برش در مسیر دیگر
Pass- and – go behind	پاس دادن و در پی آن برش از پشت سر حریف برای دریافت توپ
Pass and pick	پرتاب توپ بمطرف هم تیمی و ایجاد سد (اسکرین) برای همان هم تیمی
Pass- and pick opposite	پاس دادن و در پی آن برش به منظور ایجاد سد (اسکرین) در سمت مقابل
Pass- and – screen away ( screen away from the ball letting partner to go near the ball )	پاس دادن و ایجاد سد (اسکرین) برای هم تیمی بدون توپ به طوری که هم تیمی سد شونده قادر نباشد به توپ نزدیک شود
Pass back	۱- پرتاب توپ بمطرف هم تیمی در عقب ۲- پاس برگشتی
Pass back and forth	پرتاب توپ برای هم تیمی در عقب و دریافت پاس برگشتی از او
Passenger	بازیکن متوسط یا ضعیف تیم، بازیکنی که وظایفش را انجام نمی دهد
Passer	پاس دهنده، بازیکنی که توپ را بمطرف هم تیمی خود پرتاب می کند
Passer- in	۱- بازیکنی که توپ را از خارج زمین به داخل زمین پرتاب می کند ۲- بازیکنی که توپ را به هم تیمی خود در منطقه حلقه پاس می دهد (به طور معمول بمطرف بازیکن سانتر)
Passer-off	بازیکنی که توپ را به عقب برای هم تیمی خود در منطقه دورتر از حلقه پرتاب می کند
Pass goes astray	پاس از دست رفته، پاسی که به هدر می رود، پاسی که لو می رود
Pass in	۱- پرتاب توپ به داخل زمین از خارج آن ۲- پرتاب توپ بمطرف منطقه زیر حلقه ۳- پرتاب توپ بمطرف سانتر یا هم تیمی دیگر در موقعیت شوت، پاس منجر به گل
Passing	پرتاب توپ به یکی از هم تیمی ها
Passing attack	حمله ای که بر اساس پاس ها، ایجاد سدها (اسکرین) و برش ها به منظور مهیا کردن موقعیت های مناسب شوت طراحی می شود.
Passing drills	تمرینات جهت بهبود و اصلاح پاس
Passing game	الگوی حمله که بر اساس آن رد و بدل کردن پاس ها می باشد
Passing game principles	اصول حمله بر اساس پاس (بازی پاسکاری)؛ پاس و حرکات بازیکنان و ایجاد اسکرین در منطقه ی ضعیف و آزاد سازی بازیکنان این منطقه برای حرکت به سمت قوی به منظور دریافت توپ، با پاس و حرکت و ایجاد اسکرین، بازیکنان به دنبال آند تا از غفلت و جا ماندن مدافعین استفاده کرده و با یک پاس برو، و شوت، کار خود را به اتمام برساند

Passing hand	دستی که با آن توپ پرتاب می‌شود
Passing lane	مسیر توپ پرتاب شده بهطرف هم‌تیمی
Passing off the dribble	سریع دریبل را پاس دادن
Passing out of traffic	پرتاب توپ از مکانی که بیشتر بازیکنان در آن حرکت می‌کنند (از سمت شلوغ زمین)
Passing seam	مسیر توپ پرتاب شده بهطرف هم‌تیمی
Passing skills	مهارت‌های پاس یا دست به دست کردن توپ بههم‌تیمی
Accuracy passing	تمریناتی که دقت پاس به هم‌تیمی را بهبود می‌بخشد
Bad passing game	تمرین؛ گرفتن عمدی پاس‌های بد
Block up the passing lanes	مانع شدن، مسدود کردن مسیرهای پاس
Constant passing	بازی که اساس آن پلس‌های دقیق برای ایجاد موقعیت مناسب برای شوت می‌باشد
Delimit the passing lane	۱- ارزیابی کردن مسیر توپ ۲- تنگ کردن مسیر پاس
Fast passing	تمرین پاس‌های سریع
Flat wall passing	تمرین پرتاب توپ بهطرف دیوار و دریافت آن بعد از برگشت
Free lance passing game	بازی آزاد با استفاده از بازی پاسکاری
Long passing play	بازی حمله با پاس‌های بلند
Mechanics of passing	حرکت شناسی و آگاهی از نیروی لازم برای انجام صحیح پاس
Misdirection passing	فریب پاس
Open post passing game	الگوی حمله که اساس آن رد و بدل کردن پاس، بدون موقعیت ثابت برای بازیکن سانتر می‌باشد
Open up the passing lane	آزاد کردن مسیر برای توپ پرتاب شده بهطرف هم‌تیمی
Over- passing	بیش از حد پاسکاری کردن
Release passing angle	زاویه‌ای که پرتاب توپ از آن رها می‌شود
Short interposing play	بازی با پاس‌های کوتاه
Short passing	بازی با پاس‌های کوتاه
Splitting the passing lane	مسدود کردن مسیر توپ
Pass into the post	پاس بهطرف سانتر، پرتاب توپ بهطرف یک بازیکن در موقعیت شوت
Passive	غیر فعال، بی حال، منفعل، بی تفاوت
Passive defense	دفاع منفعل، غیر فعال
Passive defensive man	بازیکن مدافع غیر فعال که در تمرین پاس و دریافت در مسیر پاس می‌ایستد
Passive fake	گول بی اثر
Passive play	بازی بی روح
Pass lane	مسیر پاس
Pass off	۱- ایجاد موقعیت بهوسیله پاس ۲- تحویل توپ به هم‌تیمی ۳- پاس‌کاری در خارج از منطقه سید



Pass off the backboard	پرتاب توپ ریباند شده از تخته بمطرف هم تیمی
Pass off the dribble	دریبل را به سرعت پاس دادن
Pass off the heels	پرتاب توپ بمطرف هم تیمی، بلافاصله بعد از توقف دریبل
Pass out	۱- پرتاب توپ به خارج از منطقه ریباند دفاع ۲- از ح ال رفتن، ضعف کردن، بیهوش شدن
Pass penetration	پاس نفوذی بمطرف هم تیمی زیر حلقه
Pass- pick – pop drill	تمرین؛ پاس دهنده برای دریافت کننده پاسش ایجاد سد (اسکرین) کرده و اواقدام به شوت جفت می کند
Pass receiving	توپ را دریافت کردن
Pass reception	توپ را دریافت کردن
Pass to a voice	پرتاب توپ بمطرف بازیکنی که درخواست توپ کرده (بدون این که معلوم باشد که او هم تیمی اش بوده که درخواست توپ کرده)
Pass up	پرتاب توپ بمطرف هم تیمی با یک قوس بلند
Pass up a shot	پاس دادن بمجای شوت
Pass while moving (also: Pass on move)	پاس در حال حرکت
Air pass	پاس بلند
Alley – oop pass	پاس هدفمند درست روی حلقه برای اجرای شوت توسط هم تیمی
Angle out	پاس مورب از خارج منطقه کلید
Assist pass	پاس منجر به گل
Backdoor pass	پاس پشت سر مدافع حریف
Back – flip pass	پاس با یک تلنگی به عقب
Backhand pass	پاس به سمت راست با پرتاب توپ با دست راست و به سمت چپ با استفاده از دست چپ
Backward pass	پاس به عقب، پاس بمطرف عقب
Bad pass	پاس ضعیفی که به هم تیمی نفی رسد
Ball fake	گول زدن با توپ بمطوری که وانمود به شوت، پاس یا دریبل شود
Baseball outlet pass	پاس بیس بالی بلند در شروع ضد حمله
Baseball pass ( right or left handed)	پاس بیس بالی؛ پاس بلند با یک دست از پهلو همراه با حرکت تاب و امتداد دادن دست (با دست راست و چپ)
Baseline pass	پرتاب توپ بمطرف هم تیمی از محدوده نزدیک به خط عرضی
Behind- the – back pass	پرتاب توپ از پشت کمر به طرف هم تیمی
Between-the-leg-pass	پرتاب توپ بمطرف عقب از بین پاها
Blind pass	بی هدف پاس دادن، بدون فکر
Block a pass	مانع شدن از دادن پاس، بلوکه کردن پاس
Block – up the passing lanes	مسدود کردن مسیر پلس
Bounce pass	پاس زمینی

Bull in the arena drill	تمرین پاس‌ها و قطع آنها؛ بازیکنان در شکلی دایره وار دور هم می ایستند سپس یکی از آنها در میان این دایره بمعاون مدافع قرار می گیرد ، بازیکنان در دور این دایره به هم پاس رد و بدل می کنند و مدافع سعی می کند تا پاس آنها را قطع کند، هر بلژیکنی که پاس او توسط این مدافع قطع شد جایز را با او عوض می کند
Catching the ball	دریافت توپ یا پاس
Change of pace pass	پاس زمینی که دریافت کننده را مجبور به تغییر سرعت کند
Chest pass	پاس دو دست از جلوی سینه
Choke of pass	بستن مسیر پاس، بلوکه کردن مسیر پاس
Close pass	پاس کوتاه، پاس نزدیک
Crisp pass	پاس ناگهانی، پاس دینامیکی
Cross body pass	پاس باحرکت تاب دادن به دست در عرض بدن
Cross-court pass	پاس بلند در عرض زمین بازی
Cross-court wing-to-wing pass	پاس در عرض زمین بازی از یک منطقه بال به منطقه دیگر
Cross- face pass	پاس یک دست از جلوی صورت
Cross pass	پاس از این سو به آن سوی زمین بازی
Cut off the pass	۱- برش بمطرف حلقه بعد از دریافت توپ ۲- جلوگیری کردن، به تأخیر انداختن پاس حریف
Cut toward baseline, make a loop turn, and come back to take pass	حرکت گول که به دریافت پاس کمک می کند ؛ دویدن به طرف خط عرضی و در پی آن چرخش و برگشتن به موقعیت اولیه به منظور دریافت توپ
Defense one pass away	طرز ایستادن دفاعی با یک قدم فاصله نسبت به حریف مالک توپ
Defense two passes away	طرز ایستادن دفاعی با دو قدم فاصله نسبت به حریف مالک توپ
Delayed pass	تأخیر در پاس (تأخیر بمخاطر گول زدن قبل از پاس)
Deny a pass	جلوگیری کردن از پرتاب توپ حریف برای هم تیمی اش
Deny a penetrating pass	تاکتیک دفاعی که از رسیدن پاس منجر به گل به سانت در موقعیت پا یین جلوگیری می کند.
Diagonal pass	پاس مورب به هم تیمی
Direct pass	۱- پاس سریع به هم تیمی ۲- پرتاب مستقیم بمطرف هم تیمی
Dirty pass	پاس ناشی از بی دقتی یا بی مبالاتی، پاس سست، پاس شل و ول، پاس ضعیف
Discourage the pass	ترساندن یا بازداشتن حریف از پاس دادن به هم تیمی اش
Dish (also:Dish off)	پاس در هنگام نفوذ بمطرف حلقه که امکان یک شوت راحت را برای دریافت کننده بوجود می آورد
Distract the passer	پرت کردن حواس بازیکن پاس دهنده
Distract the receive	پرت کردن حواس بازیکن دریافت کننده

Double pass	پاس رفت و برگشت
Drop back pass	پاس همراه با عقب نشینی سریع
Drop pass	پاس بمخاطر خلاص شدن از توپ
Drop step bounce pass	چرخش و ایجاد سد در برابر مدافع و ارسال پاس زمینی
Dump off	۱- پاس دادن توپ به عقب از منطقه حلقه ۲- دور کردن توپ
Dump pass	پس به عقب بعد از نفوذ بمطرف حلقه و وانمود کردن به شوت جفت
Dump the ball	نفوذ بمطرف حلقه و در پی آن پاس به عقب بعد از وانمود کردن به شوت
Enter the ball	پاس دادن، پرتاب کردن توپ
Entry pass	۱- پرتاب توپ بمطرف زمین حمله ۲- پرتاب توپ که آغاز کننده یک حمله است ۳- پاسی که علامت الگوی حمله است
Errant pass	پرتاب بد توپ بمطرف هم تیمی، پاس بد دادن
Fake, cut out , then check back to take the pass	گول زدن جهت رهایی از دفاع برای دریافت توپ؛ وانمود به دور شدن و در پی آن حرکت چرخشی برای دریافت توپ
Fake in, come back and take pass	وانمود به حرکت کردن بمطرف حلقه و در پی آن برگشتن برای دریافت توپ
Fake – shot pass	پرتاب توپ بمطرف هم تیمی بعد از گول شوت
Fake toward baseline, then flash in on post to take the pass	وانمود کردن به حرکت بمطرف خط عرضی زمین و در پی آن برش سریع بمطرف موقعیت پایین جهت دریافت پاس منجر به گل
Fancy pass	پاس عجیب و غریب، پاس تجملی، پاس از روی وهم و خیال
Fast break after stolen pass	ضد حمله بعد از توپ ربایی از پاس حریف
Fast passing	تمرین پاس های سریع
Faulty pass	پرتاب نامناسب توپ بمطرف هم تیمی
Feeding the pivot	تأمین کردن بازیکن سانتر با پاس منجر به گل
Feeding the post	تأمین کردن بازیکن در موقعیت شوت با پاس منجر به گل
Feed pass	پاس منجر به گل، پاس در موقعیت شوت
Flip pass	۱- پرتاب توپ بمطرف هم تیمی با یک تلنگر ۲- دست به دست کرد ن توپ با یک تلنگر
Floater pass	پرتاب توپ جلوی دریافت کننده، پاس راحت برای دریافت کننده
Floating pass	پاس دادن توپ جلوتر از دریافت کننده
Float the pass	پاس دادن توپ جلوتر از دریافت کننده
Force a bad pass	مجبور کردن به اجرای پاس ضعیف
Force a pass	مجبور کردن به دادن پاس در شرایط نامطلوب
Forward flip pass	پاس از پائین با زدن ضربه آرام به توپ
Full court pass	پرتاب توپ بمطرف هم تیمی از این سوی زمین بازی بمسوی دیگر
Get off the pass	پرتاب توپ بمطرف هم تیمی (به ویژه زمانی که مدافع نزدیک باشد یا در شرایط سخت دیگر)

Give- and – go	پاس دادن توپ و برش بمطرف حلقه (حرکتی که برای اولین بار توسط مری به نام نات هالمن توصیف گردید)
Give- and – go away	پاس دادن و برش کردن بمطرف مسیر دیگر
Give- and – go behind	پاس دادن و رفتن به پشت سر دریافت کننده
Give- and – go cut	پاس دادن و برش کردن به طرف حلقه بعد از گریختن از دفاع
Give- and – go weave	حمله پیچشی یا متقاطع با استفاده از حرکات بده و برو
Give a target	دراز کردن دست همزمان با نشان دادن کف دست بمعنوان هدف به منظور درخواست توپ
Greet a pass	حرکت کردن برای دریافت توپ پاس شده
Guard to forward pass	پرتاب توپ توسط گلود بمطرف فوروارد (در شروع بازی حمله)
Guard to guard pass	پرتاب توپ توسط گارد به گارد دیگر (در شروع بازی حمله‌ای)
Gut pass	پاس دادن به طرف منطقه حلقه، یا منطقه شوت
Hand back pass	پاس به طرف راست با دست راست یا به طرف چپ با دست چپ
Hand- off	دست به دست کردن توپ به هم تیمی که از پهلو پاس دهنده عبور می کند
Hand – off pass	دست به دست کردن توپ به هم تیمی که از پهلو پاس دهنده عبور می کند
Hard pass	پاس قوی به طرف هم تیمی
High pass	پرتاب توپ به طرف هم تیمی با قوس بلند
Hip pass	پرتاب توپی که قبل از پرتاب در قسمت کتف نگه داشته می شود
Hit the ball	پرتاب پاس هدفمند
Hold the pass	امتناع کردن از پاس دادن به هم تیمی
Hook bounce outlet pass	پاس زمینی با حرکت تاب و امتداد دادن دست در شروع ضد حمله
Hook outlet pass	پرتاب توپ با حرکت تاب و امتداد دادن دست به طرف هم تیمی در شروع ضد حمله
Hook pass from a rebound drill	پاس به عقب با حرکت تاب و امتداد دادن دست، از توپ ریپاند شده
Hook pass (right or left – handed)	پاس با حرکت تاب و امتداد دادن دست راست یا چپ
Horizontal pass	پاس در جهت زمین بازی
Inaccurate pass	پرتاب توپ بدون دقت به طرف هم تیمی
In – bounds pass	پرتاب توپ از خارج زمین به طرف هم تیمی داخل زمین
Initial probing passes	پاس اول برای بازی خوانی و تشخیص تاکتیک دفاعی حریف
Initiation pass	پرتاب توپ به طرف هم تیمی که شروع یک حرکت را در پی دارد
Inside hand – off	دست به دست کردن توپ با بازیکنی که بین بازیکن پاس دهنده و مدافع آن، به طرف حلقه برش می کند
Inside pass	پاس به طرف منطقه نزدیک به حلقه
Interior pass	پاس به طرف منطقه نزدیک به حلقه
Invite a pass	درخواست پاس کردن، درخواست توپ کردن (با نشان دادن دست بمعنوان هدف)

Jump hook pass	پاس با حرکت تاب و امتداد دادن دست همراه با پرش (به‌طور معمول بعد از یک ریاند دفاعی برای شروع ضد حمله یا زمانی که شرایط بازیکن را مجبور به رهایی سریع از توپ می‌کند)
Jump pass	پرتاب توپ به‌طرف هم‌تیمی همراه با پرش
Kick of the ball	پاس دادن
Kick out	پاس به عقب بعد از نفوذ به‌طرف حلقه
Kick the ball out	پاس به هم‌تیمی دورتر از حلقه زمانی که زیر حلقه شلوغ باشد
Kick wide	پاس به کناره‌ها بعد از نفوذ به‌طرف حلقه
Knock down the pass	بلوکه کردن پاس، زدن پاس
Lateral pass	پرتاب توپ به‌طرف هم‌تیمی که در کنار شما قرار دارد، پاس عرضی
Lay- up pass	پاس منجر به گل برای شوت سه گام
Lead pass	پاس در جلوی دریافت کننده
Level pass	پاس عرضی
Lob pass	پرتاب بلند توپ به‌طرف هم‌تیمی
Long baseball pass	پاس بلند یک دست با حرکت تاب و امتداد دادن دست، پاس بیس‌بالی بلند
Long direct in bounds pass	پاس بلند از خارج زمین برای هم‌تیمی‌ای که دورتر از شما قرار گرفته باشد
Long lead pass	پرتاب بلند توپ جلوی دریافت کننده
Long pass	پرتاب بلند توپ به‌طرف هم‌تیمی
Long pass accuracy drill	تمرین پاس‌های بلند دقیق
Long pass break	حمله‌ای که با یک پاس بلند آغاز می‌شود
Look away pass	پاس در مسیر مخالف نگاه پاس دهنده
Look for a pass	برانداز کردن و علامت دادن برای درخواست پاس
Looking for a return pass	منتظر پاس برگشتی بودن
Low pass	پاس زمینی کوتاه
Meet a pass	رفتن به‌طرف توپ پرتاب شده توسط هم‌تیمی برای دریافت کردن آن، دریافت کردن توپ پاس شده
Misplaced pass	۱- پاس دادن در جهت اشتباه ۲- پرتابی که گل نشود
Move into pass	دویدن برای دریافت پاس
Move to the pass	دویدن برای دریافت توپ، دویدن به طرف مکانی که توپ پاس داده می‌شود
Natural pass	پاس ساده، مستقیم به هم‌تیمی
No- look pass	پاس چشم بسته، پاس بدون نگاه کردن به دریافت کننده آن
Off- side pass	پرتاب توپ به‌طرف هم‌تیمی در سمت ضعیف زمین
Off- the – dribble pass	پرتاب زمینی توپ به‌طرف هم‌تیمی‌ای که مهارت در دریبل زدن دارد
One- hand bounce pass	پاس زمینی یک دست
One- hand bullet pass	پاس انفجاری یک دست

One- hand cross- body pass	پاس یک دست با حرکت تاب و امتداد دادن به دست در عرض بدن
One-hand behind-the-back pass	پاس یک دست از پشت کمر
One- hand overhead pass	پاس یک دست به هم تیمی از روی سر
One- hand pass	پرتاب توپ به طرف هم تیمی با یک دست
One- hand push	پاس همراه با هل دادن توپ با یک دست
One- hand push pass	پاس همراه هل دادن توپ به طرف هم تیمی با یک دست
One- hand shoulder pass	پرتاب توپ به طرف هم تیمی با یک دست از روی شانه
One- hand side- arm pass	پرتاب یک دست توپ به طرف هم تیمی از کنار بدن
One – hand tap pass	پاس همراه با یک ضربه به توپ به طرف هم تیمی
One – hand underhand pass	پرتاب توپ به طرف هم تیمی با یک دست از پایین
Open pass	پاس در مسیر آزاد یا بدون مدافع به هم تیمی
Outlet pass	۱- اولین پاس بعد از ریباوند دفاع که ضد حمله با آن شروع می شود ۲- پاس به بازیکن توپ پخش کن بعد از کنترل توپ ۳- پاسی که بعد از کنترل توپ با آن ضد حمله آغاز می شود
Outside hand – off	دست به دست کردن توپ بعد از برش از پشت سر یا از کنار هم تیمی که توسط حریف به سختی دفاع می شود
Overhead pass	پرتاب توپ به طرف هم تیمی از روی سر
Overhead two – handed snap pass	پاس دادن از روی سر با خم کردن ناگهانی دو دست از قسمت میچ ها
Over – the – shoulder drop pass	پرتاب توپ به طرف هم تیمی از بالای شانه هم زمان با پرش به عقب
Parallel pass	پاس در عرض زمین بازی
Penetrating pass(also: Penetration pass)	پاس به هم تیمی در محدوده شلوغ زیر حلقه
Pitch back return pass	پاس برگشت به هم تیمی پس از تغییر موقعیت او
Pivot pass	دست به دست کردن پاس از سانتر به هم تیمی که به طرف حلقه از کنار او برش می کند
Poor pass	پاس بد، پاس ضعیف
Probing pass	پاسی که الگوی دفاعی حریف با آن سنجیده می شود
Push pass	پاس همراه با هل دادن توپ به طرف هم تیمی (به طور معمول با دو دست از مقابل سینه)
Quarterback pass	پاس دست به دست برگشتی به هم تیمی ای که نفوذ می کند
Quick pass	پاس سریع به طرف هم تیمی
Rapid pass	پاس فوری، پاس ناگهانی، پاس بسیار سریع
Receiver	بازیکن دریافت کننده پاس
Receiving a pass	دریافت کردن توپ پرتاب شده توسط هم تیمی
Reception of a pass	دریافت کردن توپ پرتاب شده توسط هم تیمی
Relay a pass	دست به دست کردن توپ به هم تیمی ای که از کنار شما نفوذ می کند.
Relay pass	پاس فوری درست زمان دریافت توپ به بازیکن بعدی (بدون حفظ یا

	دریبل کردن آن
Retreat pass	پاس برگشت برای تکرار مجدد حرکت
Return pass	پاس برگشتی
Reverse pass	۱- پاس به عقب ۲- پاس برگشتی
right or left shoulder pass	پرتاب توپ به هم تیمی از روی شانه راست یا چپ
Roll pass	پاس با غلتاندن توپ به سمت هم تیمی
Routing pass	پاس معمولی
Running pass	پاس دادن در هنگام دویدن
Rush a pass	پاس دادن با عجله، تعجیل در پاس دادن
Scoop pass	پاس یک دستی سریع از پایین شیبه پارو زدن؛ باز یکن زمانی از این پاس استفاده می کند که از سوی مدافع تحت فشار قرار گرفته و قادر نباشد پاس ساده بدهد، این پاس شیبه پاس از پشت کمر است
Scoring pass	پاس منجر به گل
Scrambled pass	پاس بی هدف، پاس کور، پاس بدون تفکر
Set up a pass	مهیا کردن پاس
Sharp pass	پاس دینامیکی به طرف هم تیمی
Shooting off the pass	پرتاب فوری توپ به طرف حلقه از پاس منجر به گلی که به دست آمده
Short baseball pass	پاس بیس بالی کوتاه
Short flip backward pass	پاس کوتاه به عقب (دست به دست کردن توپ به هم تیمی)
Short pass	پاس کوتاه، پرتاب توپ به طرف هم تیمی از فاصله کم
Short pass break	شروع یک حمله با پاس کوتاه
Short pass through traffic	رد و بدل شدن پاس کوتاه میان بازیکنان در حال حرکت
Short push pass	پاس کوتاه همزمان با هل دادن به توپ
Shoulder pass ( one – or two – hand )	پاس از روی شانه (با یک یا دو دست)
Shove pass	پاس همراه با هل دادن توپ به طرف هم تیمی (به طور معمولاً با دو دست از مقابل سینه)
Shovel pass	پاس پارویی؛ پاسی شیبه پاس یک دستی از پایین که این نوع پاس را با دو دست نیز می توان انجام داد
Side of the pass	آن سمت از زمین بازی که پاس از آنجا داده می شود
Side pass	پاس عرضی
Skip pass	پاس بلند به طرف هم تیمی در سمت مخالف زمین بازی
Slap pass	پاس همراه با یک ضربه کف دست
Snap- back pass	پاس به عقب ناگهانی از توپی که به سمت سبد دریبل می شود، دریبل کننده زمانی این حرکت را بکار می برد که حداقل توجه یک مدافع را به خود جلب کند و موقعیت خوب شوت زدن را برای هم تیمی های خود فراهم نماید. پاس به عقب ناگهانی، باید به بازیکنی برسد که سه امتیاز کسب

	می کند.
Snap pass	پاس ناگهانی
Soft pass	پاس آهسته
Speedy pass – in	پرتاب سریع توپ به داخل زمین از خارج زمین
Spot pass	۱- پاس از یک مکان معین ۲- پاس به یک نقطه ثابت
Stationary pass	پاس دادن در حالت ثابت
Steal a pass	قاپیدن پاس از حریف
Step into the pass	جلو رفتن برای دریافت پاس
Step toward ball, stop, change direction and take pass over shoulder	گول قبل از دریافت پاس؛ یک قدم به طرف هم تیمی مالک توپ برداشتن و در پی آن یک توقف فوری و تغییر مسیر برای ره ایی از حریف و سپس دریافت توپ از روی شانه
Straight pass	پاس مستقیم، پاس رو به جلو
Stride pass	پاس بعد از فرود آمدن روی پاها یکی بعد دیگری
Succession of passes	پاس های پیاپی
Sudden pass	پاس ناگهانی
Swing pass	پاسی که بازی را به سمت زمین مقابل انتقال می دهد
Tap pass	پاس والیالی
Telegraph the pass	علامت دادن برای پاس، علامت دادن مسیر پاس
Throw post entry	پرتاب توپ برای سانتر برای شوت
Time your pass	رعایت زمان بندی مناسب با حرکت و تاکتیک تیمی در ارسال پاس
Tip a pass	پاس دادن با سر انگشتان
Tip pass	پاس والیالی، پاس دادن با سر انگشتان (به طور معمول برای تغییر مسیر پاس بدون گرفتن توپ، از این پاس استفاده می شود)
Trick pass	پاس همراه با گول
Two – arm sidearm pass	پاس دو دست از کنار بدن
Two- hand backward underhand pass	پاس به عقب به طرف هم تیمی با دو دست از پایین
Two – hand bounce pass	پاس زمینی با دو دست
Two – hand chest pass	پاس دو دست از جلوی سینه همراه با هل دادن توپ
Two – hand close pass	پاس دو دست به هم تیمی ای که از کنار شما نفوذ می کند
Two – hand flip pass	پاس سریع با استفاده از مچ با دو دست به هم تیمی که از نزدیک شما نفوذ می کند
Two – hand outlet pass	پاس دو دست در شروع ضد حمله
Two – hand overhead pass	پاس دو دست به طرف هم تیمی از بالای سر
Two – hand overhead skip pass	پرتاب بلند توپ با دو دست از روی سر به طرف هم تیمی در سمت مخالف زمین
Two – hand overhead snap pass	پرتاب ناگهانی توپ به طرف هم تیمی با دو دست از بالای سر



Two – hand over shoulder pass	پرتاب توپ به طرف هم تیمی با دو دست از بالای شانه
Two – hand pass	پرتاب توپ به طرف هم تیمی با دو دست
Two – hand push pass	پرتاب توپ به طرف هم تیمی با هل دادن توپ با دو دست
Two – hand underhand pass	پرتاب توپ به طرف هم تیمی با دو دست از زیر
Two – hand underhand pass from hip	پرتاب توپ به طرف هم تیمی با دو دست از کنار کتف
Underhand pass	پرتاب توپ به طرف هم تیمی از زیر
Underhand softball pass	پاس بلند از زیر
Up – the – sideline pass	پاس بلند در امتداد خط کناری زمین بازی
Vertical pass	پاس بلند در امتداد طول زمین بازی
Zip a pass	پرتاب توپ به طرف هم تیمی با تمام انرژی و قدرت
Zip ( into the pass )	دویدن بسیار سریع برای دریافت پاس
Paste	شکست دادن حریف به طور قاطعانه
Pat	دستی نواختن بر، آهسته زدن به، با کف دست زدن
Pat on the back	به پشت کسی ضربه زدن، دست نواختن بر پشت کسی
Patella	کاسه زانو، استخوان کشکک زانو
Path	مسیر، مسیر حرکت بازیکن یا توپ
Path of the ball	مسیر حرکت توپ
Patience	تحمل، بردباری، صبر، طاقت
Patient	صبور، صابر، پر حوصله، پر طاقت
Patter	پا به زمین کوبیدن (شبه نوعی رقص که در آن پنجه و پاشنه پا را به سرعت به زمین می زنند) با صدا راه رفتن، پیاده روی کردن، با پا لگد کردن
Patter step	پا را با سرعت به زمین زدن
Pattern	طرح بازی، الگوی بازی، الگوی دفاعی و تهاجمی، نقشه
Patternized fast break	ضد حمله به اساس یک الگوی از پیش تعیین شده
Pattern movements	حرکات بر اساس الگوی بازی از پیش تعیین شده
Pattern offense	الگوی حمله، حمله طراحی شده، حمله به اساس برنامه از پیش تعیین شده
Pattern of officiating	اصول اداره کردن مسابقه توسط داور
Pattern play	طرح بازی، طرح از پیش تعیین شده بازی، الگوی بازی
Pattern selection	انتخاب الگوی بازی (برای شرایط ویژه)
Basic pattern	آرایش اولیه در زمین بازی، آرایش اولیه بازیکنان در حمله و دفاع
Basic play pattern	نقشه یا برنامه اولیه بازی
Continuity pattern	ادامه طرح حمله با حفظ خونسردی در اجرای صحیح سیستم حمله با حرکت سریع بازیکنان در منطقه پیرامونی و استفاده از اسکرین در بُرش به سمت سبد
Defensive pattern	الگوی بازی دفاعی

Defensive rebounding pattern	آرایش دفاعی ریباند بازیکنان جهت به دست آوردن شوتی که توسط حریف گل نشده باشد
End – of – break pattern	حمله ثانویه، الگوی بازی ثانویه بعد از ضد حمله ناموفق
Execution of play pattern	درک و فهم الگوی بازی
Fast break pattern	ضد حمله‌ی از پیش طراحی شده
Free lance pattern	بازی آزاد دو یا سه نفره و اجرای بخش کوچکی از طرح کلی حمله یا بازی آزاد
Initial pattern	شروع نقشه، شروع طرح یک سیستم حمله یا دفاع
Instinctive pattern	بازی فی البداهه و ابتکاری بر اساس نیاز فوری در آن زمان
Offensive pattern	طرح حمله، الگوی حمله، آرایش از پیش تعیین شده حمله
Overall pattern	آرایش بازی همه جانبه یا کلی
Play out of pattern	بازی بدون برنامه از پیش تعیین شده
Play pattern	الگوی بازی، نقشه بازی، طرح حمله یا دفاع
Set pattern	الگوی از پیش طراحی شده بازی
Three- man pattern	الگوی بازی سه نفره
Three – out two – in pattern	آرایش حمله با ۳ بازیکن خارج از منطقه کلید و دو بازیکن در موقعیت پایین
Pause	مکث کردن، مکث، وقفه، توقف، ایست
Pause for poise	مکث کردن جهت به دست آوردن دوباره تعادل
Paw	۱- پا، چنگال ۲- احساس کردن، تشخیص دادن به واسطه حس لامسه
Paw up the ball	پاس یا دریافت توپ قبل از آنکه حریف از راه رسیده و ارسال و یا دریافت توپ را مشکل کند
Pay dividends	بهای سنگینی پرداختن
Pay no mind	اعتنا نکردن، توجه نکردن، نادیده گرفتن
Payoff	۱- بازدهی نتیجه، حاصل ۲- پایان، انتها، خاتمه
P.C. (also: Per.)	درصد، بر حسب درصد، صدی چند، قسمت، مقدار
peach basket	سبد هلو (اولین سبدی که دکتر جیمز نیسمیت برای بازی های بسکتبال در سالن ژیمناستیک مدرسه برای کارگران مسیحی در ماساچوست در دسامبر ۱۸۹۱ به کار برد. دکتر از مسئول آنجا یعنی پاپ استین خواست تا دو جعبه ۱۵ در ۱۵ اینچی را بیاورد تا گل های بازی جدید باشند. این جعبه ها وجود نداشتند. در نتیجه استین از زیرزمین سالن ژیمناستیک دو سبد هلوی مستعمل آورد. آنها را با میخ به نرده های انتهای هر سالن ژیمناستیک به فاصله به طور تقریبی ۱۰ فوتی (۳/۰۴۸ متر) نسبت به زمین نصب کردند. ارتفاع این سبد هرگز تغییر نکرد اگر چه اندازه آن به طور کامل اتفاقی بود. البته مطابق مقررات اف آی بی ای ۳/۰۵ متر می باشد)
Peagreener	دانشجوی سال اول، نوآموز، دانش آموز سال اول
peak	رأس، قله، نوک، نقطه اوج

peak form	در مرز آمادگی، به طور کامل آماده
peak of the jump	نقطه آخر پرش
peanut	۱- جزئی، کم اهمیت، ناقابل، بی اهمیت ۲- بازیکن کوتاه
peanut row	ردیف جلوی جایگاه تماشاچیان
peculiar	ویژه، مخصوص، منحصر، عجیب و غریب
pectoral	سینه‌ای، صدری، درونی، باطنی
pedals	پاها
peekaboo	۱- بازی قایم موشک ۲- پشت هم تیمی بلند قد پنهان شدن
peeker	بازیکن مدافعی که همراه با دفاع کردن از حریف مالک توپ مستقیم خود با چرخش نگاه خود حریفان دیگر را چک و کنترل می کند (این خطر وجود دارد که حریف این بازیکن مدافع امتیاز کسب کند)
peekers(also:Peepers,Peeps)	چشم‌ها
peg	شناختن، بجا آوردن، تشخیص دادن، تصدیق کردن
pellet	توپ (قرص)
penalize	تنبيه کردن، مجازات کردن، تأديب کردن
penalty	۱- مجازات، تنبيه (ورزشی) ۲- پرتاب پنالتی
penetrate	۱- راه یافتن، نفوذ کردن، رخنه کردن، رسوخ کردن ۲- نفوذ کردن ۳- داخل شدن
penetrate a zone	در یک منطقه نفوذ کردن
penetrating area	منطقه داخل و اطراف کلید، زیر حلقه
penetrating attack	حمله با نفوذ به طرف منطقه شلوغ نزدیک حلقه
penetrating drive	نفوذ قوی به طرف حلقه از طرف منطقه پرازدحام یا شلوغ
penetrating pass	پاس نفوذی به هم تیمی در منطقه شلوغ زیر حلقه
penetrating position	نفوذ از موقعیت شلوغ زیر حلقه
penetration	۱- نفوذ، رخنه، رسوخ ۲- نفوذ همراه با دریل بازیکن مهاجم به طرف منطقه شلوغ زیر حلقه ۳- پاس منجر به گل به هم تیمی در منطقه شلوغ زیر حلقه
penetration dribble	نفوذ همراه با دریل بازیکن مهاجم به طرف منطقه شلوغ زیر حلقه
penetration pass	پاس نفوذی به هم تیمی در منطقه شلوغ زیر حلقه
penetrator	۱- بازیکنی که به طرف منطقه شلوغ زیر حلقه نفوذ می کند ۲- بازیکنی که پاس نفوذی برای هم تیمی خود در منطقه شلوغ زیر حلقه ارسال می کند
pennant	پرچم سه گوش کوچک
people – to people sport committee	سازمانی در ایالات متحد که ارتباط دوستانه بین المللی را از طریق تماس‌های ورزشی و همچنین در بسکتبال گسترش می دهد.
pep	۱- به کار انداختن، فعال کردن، به فعالیت یا حرکت در آوردن، جان دادن، روح بخشیدن ۲- فعالیت، جنبش، اشتیاق، شور و شوق، سرزندگی، هیجان
pep on the bench	اشتیاق و ذوق برای داشتن بازیکنان ذخیره در نیمکت

pepper	طناب زدن بسیار سریع
pepper passing	پاس دادن توپ به هم تیمی‌های مجاور یکی پس از دیگری.
pep squad	رهبر تشویق کنندگان
pepster	طرفدار شلوغ یا پرسر و صدا که تیم‌اش را تشویق کرده و نیرو می‌بخشد
pep talk	صحبت کوتاهی که روحیه‌بخش است و بازیکنان را سرزنده می‌کند، صحبتی که روحیه بازیکنان را قبل از بازی بالا می‌برد
percent	درصد
percentage	۱- درصد ۲- یک نسبت کلی
field goal percentage	درصد پرتاب‌های موفق در بازی
foul shooting percentage	نسبت پرتاب‌های آزاد که تبدیل به گل شده است
free throw percentage	درصد پرتاب آزاد به ثمر رسیده در بازی
Good percentage area	قسمتی از زمین بازی که درصد احتمال کسب امتیاز از شوت زیاد می‌باشد
High percentage shot	پرتاب توپ به طرف حلقه با درصد بسیار زیاد از کسب امتیاز
Low percentage shot	پرتاب توپ به طرف حلقه با کمترین احتمال که منجر به گل شود
Play the percentage	تلاش مضاعف برای اقدام به شوت در نقطه مطلوب و ایده آل که درصد شوت در آن بالا است
Shooting percentage	درصد شوت‌های موفق
Perceptible	قابل درک، ادراک شدنی، مشهود
Perceptible stopping of the ball	توقف مشهود حرکت توپ (در پایان دریبل)
Perception	تشخیص، درک، بینش، ادراک
Perceptual vision	درک، بینش، قدرت مشاهده
Perch	صندلی جایگاه تماشاچیان
Perf	کامل، بی‌عیب
Perfect	بی‌نقص، بی‌عیب، کامل، بی‌ایراد، ممتاز، درجه یک
Perfection	عالی، بدون عیب، خوبی، ممتازی، دلپسندی، مطبوعیت، لطافت
Perfesh	بازیکن حرفه‌ای
Perform	انجام دادن، عمل کردن، اجرا کردن
Performance	اجرا، نمایش، عملکرد، کار برجسته
Perimeter	کنار، محیط بیرونی، پیرامون، سطح بیرونی
Perimeter players	بازیکنانی که در موقعیت‌های پیرامونی قرار می‌گیرند
Perimeter shooter	بازیکنی که از موقعیت پیرامونی اقدام به پرتاب توپ به طرف حلقه می‌کند
Perimeter shooting drill	تمرین شوت از موقعیت‌های پیرامونی از فاصله ۴ یا ۵ متری به طرف حلقه
Perimeter shot	شوت از موقعیت پیرامونی، شوت از راه دور
Period	قسمتی از بازی، مرحله بازی، دوره، مدت
Peripheral	جنبی، بیرونی، پیرامونی
Peripheral vision	دید فرعی بازیکن که توسط آن می‌تواند متوجه باشد که در اطراف او چه

	می گذرد، بدون آنکه سرش را بچرخاند
peripheric vision	دید فرعی بازیکن که توسط آن می تواند متوجه باشد که در اطراف او چه می گذرد، بدون آنکه سرش را بچرخاند
Periphery	۱- پیرامون، دوره، محیط، حدود، جنب ۲- قسمتی از زمین بازی دورتر از محدوده حلقه
Periphery of the action	خارج از محدوده بازی
Perk – up	پیشرفت، ترقی، بهبود، اصلاح، بهبود بخشیدن، بهتر کردن، اصلاح کردن، ترقی دادن، بهبود یافتن، پیشرفت کردن
Permanent pivot foot (PPF)	پای ثابتی که به عنوان پای محور در چرخش ها مورد استفاده قرار گرفته و تا قبل از رها شدن توپ از دست ها با زمین در تماس است (مطابق با قوانین بسکتبال)
Permission	مرخصی، اجازه، جواز، اذن، تصویب، پروانه، مجوز، تصدیق
Permit	۱- اجازه، جواز، پروانه، مجوز، ۲- اجازه دادن، رخصت دادن، مجاز کردن، جایز شمردن، مجال دادن
Permitted	مجاز، جایی
Perpendicular	ستونی، ایستاده، قائم، عمودی
Person	فرد، شخص، آدم، نفر، کس، انسان
Personal	خصوصی، شخصی، فردی، مربوط به شخص
Personal contact	تماس بدن بازیکنان
Personal foul	خطای شخصی؛ خطایی که در نتیجه برخورد بدنی دو بازیکن و یا بیشتر، از دو تیم مختلف انجام می شود
Personal traits	مشخصات فردی
Personnel	۱- کارمندان، کارکنان، پرسنل ۲- اعضای یک تیم
Pertain	وابسته بودن، مربوط بودن، متعلق بودن
Per – team salary cap	بودجه کلی تیم در مسابقات NBA که به عنوان دست مزد بین بازیکنان تقسیم می شود
Pertinent	مناسب، بجا، شایسته
Pet	مطلوب، محبوب، سوگلی
Pet move	حرکت مطلوب
Pet spot	مکان مطلوب برای شوت، موقعیت شوت
Pet shot	نوعی شوت مطلوب، شوتی که بیشتر به کار گرفته می شود.
Pewter	کاپ، جام
Phase	مرحله، دوره، بخشی از یک الگو یا حرکت در بازی
Phase of the game	قسمتی از بازی
Phenom	پدیده، پدیده خارق العاده
Philosophy	فلسفه، حکمت، علم الحکمه

Phi slam ma jamma	لقب گروهی از بازیکنان که به واسطه پرش زیاد و اسپک کردن توپ داخل حلقه مشهور شده اند
Phiz ed	تربیت بدنی
Phoenix	نام تیم بسکتبال دانشگاه ویسکونسن گرین بای در گرین بای که در کنفرانس میدوسترن کلجیات بازی می کند
Phony( also :Phoney)	۱- قلابی، دروغین، نادرست، وانمود کردن ۲- بازی گمراه کننده برای مخفی کردن طرح اصلی حمله
Phys – ed	دانشجوی تربیت بدنی
Phys-ed major	دانشجوی تربیت بدنی
Physical	معاینه پزشکی، آزمایش یا امتحان پزشکی
Physical and psychological pressure	فشار جسمانی و روحی برای تیم
Physical barrier	ضعف و شکست ناشی از ضعف جسمی
Physical component	بخش های برنامه صحیح آمادگی جسمانی
Physical condition	آمادگی جسمانی
Physical education	تربیت بدنی، آموزش دادن مهارت های ورزشی، آمادگی جسمانی دانش آموزان و دانشجویان
Physical error	برنامه اشتباه در تمرین بدنسازی، مثل برنامه وزنه اشتباه که منجر به گُند شدن بازیکن شود
Physical examination	معاینه پزشکی، تست
Physical exercises	ورزش، تمرین بدنی، تمرین ورزشی
Physical fatigue	خستگی بدن، خستگی جسمانی
Physical jerks (also: -tantrums)	۱- تمرینات آماده سازی ۲- تربیت بدنی
Physical make up	ساختار بدنی، تناسب اندام (مانند قد و طول بازو)
Physical play	بازی فیزیکی بسکتبال
Physician	پزشک، جراح
Physiology	فیزیولوژی، تن شناسی، در اصطلاح قدیم علم وظایف اعضا
Pick	۱- انتخاب کردن، برگزیدن ۲- جلوگیری کردن از، قطع کردن (توپ) ۳- ایجاد سد (اسکرین) کردن ۴- ایجاد سد توسط بازیکن مهاجم به منظور سد کردن بازیکن مدافع (بعضی از مربیان آمریکایی واژه پیک و اسکرین را برای انواع ایجاد سد به کار می برند و بعضی دیگر پیک را نه برای کمک کردن به بازیکن هم تیمی بلکه فقط برای سد کردن و جلوگیری از بازیکن مدافع به کار می برند)
Pick and roll	حرکتی است به نام بلاک در رو که در آن بازیکن حمله کننده برای بلاک کردن و یا سد کردن راه مدافع یارش به طرف او رفته و بعد از اینکه یارش از مدافع بلاک شده توسط او دور شد با یک چرخش که مدافع را پشت سر می گذارد به طرف حلقه برش را انجام می دهد
Picker	بازیکنی که ایجاد سد (اسکرین) می کند

Pickers and stealers	دست‌ها
Pick from behind	ایجاد سد (اسکرین) کردن از پشت
Picking	ایجاد سد (اسکرین) کردن
Pick it up	جای هم تیمی را پر کردن
Pick man	بازیکنی که ایجاد سد اسکرین می‌کند
Pick of containment	ایجاد اسکرین و بستن مسیر مدافع بطوری که هم تیمی قادر به حرکت و مانور گردد
Pick off	۱- ایجاد سد ثابت ۲- گیرافتادن حریف در ایجاد سد ۳- رها یافتن حریف از ایجاد سد
Pick off on the screen	۱- گیرافتادن حریف در ایجاد سد ۲- رها یافتن حریف از ایجاد سد
Pickpocket team	(گروه جیب‌برها)، گروهی از بازیکنان که به توپ ربایی معروف می‌باشند
Pick screen	ایجاد سد (اسکرین) کردن از پشت
Pick them up	دویدن
Pick up	۱- بیرون جهیدن ۲- قاپیدن، ربودن، برداشتن، جمع کردن، بلایا بردن ۳- سد کردن مسیر، راه ۴- جلوگیری کردن از شوت، به تأخیر انداختن شوت ۵- بهبود دادن، به‌تر کردن
Pick up a ball	برداشتن توپ از روی زمین، قاپیدن توپ از روی زمین
Pick up a fumble on the floor	برداشتن توپ رها شده از دست‌های یک بازیکن (به دلیل بد گرفتن توپ)
Pick up a loose ball	به‌دست آوردن توپ بدون مالک
Pick up a loose man	بعهده گرفتن دفاع حریف آزاد
Pick up a situation	حفظ کردن موقعیت در زمین
Pick up dribble	متوقف کردن دربیبل
Pick – up drill	شیرجه زدن روی زمین برای توپ سرگردان رو به حلقه یا پشت به آن جهت برداشتن آن و شوت کردن برای کسب امتیاز
Pick up game	مسابقه خارج از برنامه
Pick up his dribble	فشار آوردن روی حریف به منظور جلوگیری کردن از دربیبل
Pick up on what's going down	پی بردن به آنچه که رخ می‌دهد
Pick up point	مکانی که حرکت دفاع از آنجا شروع می‌شود
Pick up slack	بازی کردن با تمام قدرت، تجهیز شدن برای یک بازی قدرتمند
Pick – up the ball	۱- برداشتن توپ از روی زمین ، قاپیدن توپ از روی زمین ۲- شروع حرکت دفاعی در برابر حریف مالک توپ
Pick – up the ball handler	متوقف کردن حریف مالک توپ
Pick – up the man with the ball	متوقف کردن حریف مالک توپ
Around pick	پیرامون ایجاد سد (اسکرین)
Cut off pick	دویدن از پشت ایجاد سد (اسکرین)
Diagonal pick	ایجاد سد یا اسکرین در گوشه پایین دوزنقه

Over the top of the pick	جمع کردن بدن و رد شدن از بین اسکرین کننده و پیک شونده
Pass and pick	پرتاب توپ به طرف هم تیمی و ایجاد سد (اسکرین) (برای همان هم تیمی)
Pass- pick pop drill	تمرین؛ پاس دهنده برای بازیکن دریافت کننده ایجاد سد (اسکرین) کرده و او اقدام به شوت جفت می کند
Picture	۱- تصویر، شمایل، عکس، چشم انداز ۲- نشان دادن، ترسیم کردن، به تصویر کشیدن، نقاشی کردن
Picture success in your mind	(تمرین ذهنی) تجسم ذهنی و دیدن خود در موقعیتی که در حال انجام یک حرکت عالی هستید
Pie	۱- چیزهای عالی ۲- موفقیت، پیروزی، پیشرفت
Piggy	حریص، طماع
Piggyback	کول کردن
Piggy ride	هم تیمی را پ پشت خود حمل کردن، به هم تیمی کولی دادن (انجام این عمل به نوعی جایزه برای پیروزشدن در تمرینات رقابتی محسوب می شود)
Pigtail	پیروی کردن از، متابعت کردن، دنبال کردن
Pile (also: Stak) up points	امتیاز خوب کسب کردن
Pill	قرص، حب، توپ
Pilot	۱- مربی، مربی گیری کردن ۲- مدیر تیم
Pin	۱- سنجاق، سوزن ته گرد ۲- از حرکت انداختن حریف ۳- متوقف کردن توپ و چسباندن آن روی تخته
Pincers	انبردست، گاز انبر، قیچی، پنس
Pinch	۱- گیر کردن ۲- از جنبش و حرکت باز داشتن ۳- لای منگنه بودن (گیر کردن حریف بین دو مدافع) ۴- شرایط بحرانی در تیم، موقعیت حساس در بازی ۵- جمع شدن بازیکنان در یک سمت زمین و از دست دادن آزادی حرکات ۶- استفاده از دبل تیم
Pinch down	۱- گیر کردن ۲- از جنبش و حرکت باز داشتن ۳- گیر کردن بین گیره (گیر کردن حریف بین دو مدافع)
Pinch hitter	بازیکن ذخیره ای که در شرایط بحرانی تیم امتیاز خوبی کسب می کند
Pinch post	از حرکت انداختن بازیکن سانتر
Pinch scorer	بازیکنی که قادر به کسب امتیاز در شرایط سخت باشد
Pine rider	حضور طولانی بازیکن به عنوان ذخیره در نیمکت ذخیره، نیمکت نشین
Pine riding	حضور طولانی به عنوان بازیکن ذخیره روی نیمکت ذخیره
Pin hand	دستی که به نگه داشتن توپ کمک می کند
Pin in the lane	از حرکت باز داشتن حریفی که آماده ریباند و پرش به طرف منطقه کلید بعد از پرتاب آزاد باشد
Pink pants	بازیکنی که به بدترین شکل وظایفش را در بازی و تمرین انجام می دهد.
Pinky – panty	بازیکنی که به بدترین شکل وظایفش را در بازی و تمرین انجام می دهد.



Pinning	از کار انداختن یا متوقف کردن حریف
Pinpoint	۱- چیز کوچک ۲- با دقت اشاره کردن به
Pin – pint accuracy	دقت، بسیار دقیق
Pin the ball	متوقف کردن توپ با چسباندن آن روی تخته
Pipe	۱- از نفس افتادن، به نفس افتادن، نفس نفس زدن ۲- شکست قطعی
Pipe opener	ورزش و تمرین
Piping	مرتب کردن لباس
Pip- squeak	شیء کوچک
Pirates	۱- نام تیم بسکتبال دانشگاه کارولینای شرقی در گرین ویل (کارولینای شمالی) که در اتحادیه کلونیال اتلتیک بازی می کند ۲- نام تیم بسکتبال دانشگاه استون هال در ارنج جنوبی (نیوجرسی) که در کنفرانس خاور بزرگ بازی می کند
Piss can	حمام، دستشویی، مستراح
Pistol	تفنگ دستی (یک نوع تفنگ ویژه برای اعلام پایان بازی در شرایط پر سر و صدا)
Pistols position	جاگیری بین توپ و یار (قرار گرفتن در رأس مثلی که یک رأس آن توپ در رأس دیگر یار قرار دارد)
Postol stance	حالت دفاعی با پاهای از هم باز و مستقیم در برابر حریف مالک توپ و حریف دیگری که او امکان مقابله با هر دو را به صورت مثلث ممکن می سازد
Pistons	پاهای خسته بعد از دویدن
Pitch	پرتاب کردن، تلنگر زدن به توپ، انداختن
Pitch back	به عقب پاس دادن، پاس برگشتی
Pitch back return pass	پرتاب توپ به عقب یا برگشت پاس به عقب بعد از تغییر موقعیت هم تیمی ای که توپ از او دریافت شده.
Pitch off	تلنگر زدن توپ به عقب
Pitch out	۱- پاس کوتاه سریع (بدون کشیدن دست ها) ۲- دور کردن توپ از حلقه با تلنگر زدن به توپ ۳- پاس توسط بازیکن ریباوند کننده از زیر حلقه به هم تیمی اش که دورتر از حلقه قرار دارد. به طور معمول این نوع پاس سریع ترین پاس در ضد حمله است
Pivot	۱- چرخیدن، روی پاشنه ی پا چرخیدن ۲- چرخیدن روی یک پا را پیوت گویند. پیوت را با توپ و بدون توپ نیز می توان انجام داد
Pivotability	توانایی چرخیدن، توانایی چرخیدن بر روی پای محور، توانایی عمل پیوت
Pivot and lay- up drill	تمرین شوت های سه گام همراه با پرش چرخشی
Pivot area	منطقه فعالیت ستر
Pivot dribble	دریبل همراه با چرخش به منظور تغییر مسیر
Pivot fake	حرکت فریبی از سوی بازیکن ستر که به هنگام نفوذ به سمت سبد، با قیچی

	کردن پاها، فضای لازم برای شوت را بعدست می آورد
Pivot foot	پای محور که همیشه روی زمین است، پای پیوت
Pivoting	چرخیدن، چرخیدن روی پای محور، پیوت کردن
Pivot man	بازیکن سنتر، بازیکنی که عمل چرخش را انجام می دهد
Pivot offense	الگوی حمله با بازیکن سنتر
Pivot pass	پاس برگشتی دست به دست بازیکن سنتر به هم تیمی که از کنار او به طرف حلقه برش می کند
Pivot player	بازیکن سنتر، بازیکنی که حرکت چرخش روی یک پای محور را نزدیک به حلقه به کار می گیرد
Pivot – post	موقعیت بازیکن سنتر
Pivot – post player	بازیکن در موقعیت سنتر، سنتر، بازیکنی در موقعیت سنتر که حرکت چرخش یا پیوت را انجام دهد.
Pivot screen shot	اجرای شوت توسط بازیکن سنتر از پشت ایجاد سد (اسکرین)
Pivot shot	۱- اجرای شوت بعد از چرخش روی پای محور ۲- شوت در خلال چرخش یا پیوت
Pivot stop	متوقف شدن روی هر دو پا بصورت یکی بعد از دیگری بطوری که پای عقب بمعنوان پای پیوت به کار گرفته شود
Back pivot	چرخش به پشت، چرخش به طرف عقب
Back pivot into the block out	چرخش به عقب جهت بعدست آوردن موقعیت ریباند بین حلقه و حریفی که مجبور است با فشار از منطقه ریباند خارج شود
Back – to – the b basket pivot	چرخش از یک موقعیت پشت به حلقه
Cutting and dribbling offense(without pivot)	حمله بدون بازیکن سنتر که در آن از نفوذهای و برش های همراه با دربیل و بدون دربیل استفاده می شود.
Double medium pivot	آرایش دو سنتر در موقعیت های میانی دو طرف منطقه کلید (حمله ۳-۲)
Double pivot	الگوی حمله با دو سنتر
Double pivot offense	الگوی حمله با دو سنتر
Either pivot foot	تکنیک حمله ای که در آن می توان از هر دو پا بعد از متوقف شدن روی هر دو پا در یک زمان بمعنوان پای پیوت استفاده نمود
Feeding the pivot	تعمین کردن بازیکن سنتر با پاس های منجر به گل
Flash pivot	برش ناگهانی و سریع بازیکن سنتر به طرف موقعیت شوت
Flash pivot (low or high)	از پیش رو برداشتن مدافع توسط بازیکن سنتر ، همراه با برش ناگهانی و سریع به طرف موقعیت بالا یا پایین برای شوت
Forward pivot	حرکت پیوت به طرف جلو
Four – man roll with a post pivot	الگوی حمله با چهار بازیکن در حال حرکت در عرض منطقه ی کلید و یک بازیکن سانتر منتظر پاس منجر به گل در موقعیت شوت
Front pivot	حرکت پیوت به طرف جلو

Front pivot into the block out	نفوذ با چرخش رو به جلو، با قرار دادن پای متحرک در موقعیت ریپاند بین حلقه و حریفی که با این عمل مجبور به ترک منطقه ریپاند می‌شود
Guarding pivot man	پوشش دادن یا دفاع کردن از سنتر
High pivot	سنتر در موقعیت بالا
Low pivot	سنتر در موقعیت پایین
Low pivot ( post ) area position	موقعیت بلژیکن سنتر در خط کنار ی منطقه ی کلید نزدیک به حلقه (در حدود ۲/۷۰ متر از حلقه)
Medium pivot	سنتر در موقعیت میانی
Medium pivot ( center, post ) area ( position )	منطقه‌ای بین موقعیت پایین و بالا
Permanent pivot foot ( PPF)	پای ثابت که به عنوان پای محور در چرخش‌ها مورد استفاده قرار گرفته و تا قبل از رها شدن توپ از دست‌ها با زمین در تماس است (مطابق با قوانین بسکتبال)
Plant your foot hard and pivot	قرار دادن پا روی زمین و چرخش روی آن
Rear pivot	پیوت با پشت به طرف عقب
Reserve pivot(from forward position )	بازیکنی از منطقه بال که جایگزین سانتر می‌شود
Reverse pivot	چرخش ۱۸۰ درجه‌ای به سمت عقب همزمان روی دو پا پس از توقف روی دو پا یکی بعد از دیگری
Reverse pivot into the triple threat position	چرخش ۱۸۰ درجه‌ای به سمت عقب همزمان روی دو پا پس از توقف روی دو پا یکی بعد از دیگری در محدوده تهدید سه‌گانه
Rocking pivot	حرکت سانتر شبیه صندلی گهواره‌ای
Roll pivot	چرخش به سمت جلو
Single pivot	یک ستری (در آرایش بازی)
Single pivot offence	حمله با یک سانتر
Step – in pivot	نفوذ به طرف حلقه با چرخش یا پیوت
Step – in pivot shot	نفوذ همراه با چرخش یا پیوت که شوت از زیر حلقه را نیز به دنبال دارد
Stride pivot	پیوت بعد از توقف روی دو پا یکی بعد از دیگری؛ پای عقب که اول متوقف می‌شود به عنوان پای پیوت و پای جلو که بعد از پای عقب متوقف می‌شود به عنوان پای متحرک محسوب می‌شود
Tandem pivot	دو سنتر در یک خط در پشت سر هم؛ یکی بالا، دیگری پایین در آرایش حمله ۱-۳-۱
Three – out with double medium - pivot	آرایش حمله با سه بازیکن در خارج از منطقه کلید و دو بازیکن سنتر در موقعیت میانی در هر دو طرف منطقه ی کلید
Up – and – under pivot shot	فریب شوت و بلافاصله با رها شدن از مدافع چرخش و شوت در زیر سبد
Place	جا، جایگاه، میدان، فضا، مکان، محل، در محلی گذاردن، گذاشتن، قرار

	دادن، گماردن، جای دادن، چیدن
Placement	محل، جا، موضع، نقطه، آرایش، ترتیب
Plan	کشیدن یا ریختن طرح، طرح ریزی کردن، در نظر داشتن، طرح ریزی کردن، طرح کردن، نقشه کشیدن، طرح ریختن، نقشه کف، نقشه مسطح، برنگاره، برنامه، تدبیر، اندیشه، خیال
Plane	صفحه، سطح، مستوی، رویه هموار، هواپیما
Planned attack	الگوی حمله بر اساس برنامه از پیش تعیین شده
Planning	برنامه ریزی، طرح ریزی
Plant	مسقر کردن، کاشتن، مکان
Plant oneself	مستقر شدن
Plant the foot	قرار دادن پاها روی زمین
Plant your foot and pivot	قرار دادن محکم پا روی زمین برای چرخش روی آن، چرخش روی پای محور
Plaster	گچ شکسته بندی
Plasterer	برنده، پیروز
Platoon	۱- دسته، گروه ۲- ذخیره همه پنج بازیکن
Platooning	مدافعین یک بازیکن قوی را به طور مرتب عوض کردن
Plaudit	تمجید، تحسین، تشویق
Play	۱- شرکت کردن در بازی، بازی کردن ۲- بازی، مسابقه ۳- حرکت، بازی بر اساس یک الگو، بخشی از بازی بر اساس یک الگو
Play a losing game	ادامه دادن بازی را علیرغم باخت سنگین بر حریف
Play ball	شروع کردن بازی، بازی را شروع کردن
Play – by – play	گزارش لحظه به لحظه بازی
Playcation	گذراندن تعطیلات را در مسابقات
Play cricket	جوانمردانه بازی کردن
Play dirty	ناجوانمردانه بازی کردن
Played out	خسته
Player	اعضای تیم، بازیکن، رقیب، حریف، همتا
Player control	توپ در مالکیت بازیکن (نگه داشتن، دریبل یا پرتاب کردن)
Player control foul	مرتکب شدن خطا توسط بازیکن مالک توپ
Player evaluation process	روش ارزیابی بازیکن
Player foul	خطا کردن، مرتکب شدن خطا توسط بازیکن
Player foul limit	محدودیت تعداد خطاهای شخصی، فنی یا غیر ورزشی که یک بازیکن مرتکب می شود و اجازه ادامه بازی را از او سلب می کند
Player matchups	چیدمان بازیکنان در مقابل حریفان مطابق با ویژگی های آنها (در بلندی، سرعت، پرش و ...)

Player off the ball	بازیکن مدافع که از حریف بدون توپ دفاع می کند.
Player of the decade	در ایالت متحده آمریکا؛ هر ده سال یک بار بهترین بازیکن بسکتبال حرفه ای به عنوان بازیکن دهه، توسط انجمن نویسندگان انتخاب می شود
Player on the ball	بازیکن مدافع که از حریف مالک توپ دفاع می کند
Players' Association	اتحادیه بازیکنان بسکتبال با هدف حمایت از حقوق بازیکنان؛ انجمن های مشابه نیز در خارج از آمریکا وجود دارد. در اروپا برخی از سازمان های ملی بازیکنان در سال ۱۹۹۲، یک انجمن بین المللی بر ای بازیکنان بسکتبال تشکیل دادند
Player's evaluation sheet ( chart )	گزارش ارزیابی بازیکنان
Players' movement	تغییر موقعیت های بازیکنان
Player's number	شماره پیراهن (مشخصه بازیکن) (در آمریکا استفاده از شماره های ۱ و ۲ برای بازیکنان ممنوع می باشد)، استفاده شماره های دو رقمی اگر ترکیبی از اعداد ۰ تا ۵ باشد آزاد می باشد
Player's uniform	لباس بازی
Player – to – player	یارگیری (این نوع واژه برای یارگیری در بسکتبال خانم ها به کار گرفته می شود)
Player – to – player coverage on the receiver	۱- دفاع انفرادی از بازیکن دریافت کننده پاس ۲- بازی یک علیه یک در مقابل بازیکن دریافت کننده پاس
Player – to – player pressure on the ball	بازی یک علیه یک در مقابل بازیکن مالک توپ
Player – to – player skills	مهارت های بازی یک علیه یک
Airborne player	بازیکن در هنگام پرش
Alive player	۱- بازیکن مالک توپ و آماده بازی با آن ۲- (ایالت متحده آمریکا) بازیکن قبل از تمام کردن یا متوقف کردن دربیبل
Aspiring player	بازیکن بلند پرواز تیم، بازیکنی که برای به دست آوردن موفقیت تلاش می کند
Ball player	بازیکن بسکتبال، بسکتبالیست
Block – to – block player	حرکت از منطقه بلوک به منطقه بلوک مقابل (به طور معمول این حرکت توسط بازیکن ستر در موقعیت پایین اجرا می شود)
Changing players	جابجا کردن مدافعان حریفان، سوئیچ کردن
Clutch player	بازیکنی با دست های چسبناک در موقع گرفتن توپ
Coach – player relationship	طرز فکری یا نگرش مشترک بین مربی و بازیکنان
Complete player	بازیکن همه فن حریف، همه کاره
Cut off a player	برش کردن از نزدیک بازیکن (حریف یا هم تیمی)
Dead player	بازیکن بعد از متوقف کردن دربیبل
Defacing player	بازیکن در حالت دفاعی، بازیکن مدافع
Defensive player	بازیکن مدافع

Discipline players' efforts	نظم دادن به تلاش بازیکنان
Disqualified player	بازیکنی که بعد از مرتکب شدن خطا از زمین بازی اخراج می شود
Experienced player	بازیکن کار آزموده، مجرب، بازیکنی که تمرینات زیادی پشت سر گذاشته
Ex- player	بازیکن سابق، عضو سابق تیم
Fatigued player	بازیکن خسته
Five fouls by player	بازیکنی که به علت پنج خطای شخصی یا فنی از بازی محروم می شود (مطابق با قوانین اف آی بی ای و ان سی ای ای ۵ خطا؛ ان بی ای ۶ خطا)
Front court player	بازیکن مهاجم
Fronted player	بازیکن مهاجم که رو در رو دفاع می شود (بیشتر اوقات سنتر در موقعیت پایین)
Great player	بازیکن شاخص، مشهور، نامدار
Guarded player	بازیکن دفاع شده
Guarding out – of bounds player	دفاع علیه حریمی که توپ را از خارج زمین به داخل پرتاب می کند
Hide the player	پنهان کردن بازیکن
Hot – and – cold ( player )	بازیگری که بعضی اوقات خوب و بعضی اوقات بد بازی می کند، بازیکن غیر مسئول
In – between player	بازیکنی که به سرعت نسبت به تغییر شرایط بازی سازگاری پیدا می کند. بازیکنی که قادر به بازی در موقعیت های مختلف با وظایف مختلف می باشد.
Injured player	بازیکن مصدوم
Inside of an attacking player	رفتن بین بازیکن مهاجم و مدافع آن
Inside – outside player	بازیکنی که قادر به بازی نزدیک به حلقه و دور از آن باشد (خارج منطقه کلید)
International player	بازیکن تیم ملی، بازیکنی که در رقابت های بین المللی شرکت می کند
Marquee ( player	بازیکن معروف، شاخص
Measure up a player	ارزیابی کردن بازیکن
Most valuable player(M.V.P.)	بهترین بازیکن فصل، تورنمنت یا مسابقه مهم
Nearest player	بازیکن بسیار نزدیک
Norm player	بازیکن منظم
Offensive player	بازیکن مهاجم
Open player	بازیکن آزاد، بازیکن بدون دفاع، بازیکنی که از مدافعش رها می پیدا کرده
Outside an attacking player	پشت یار مهاجم قرار گرفتن
Outstanding player	بازیکن درجه یک، بازیکن عالی و برجسته
Overrated player	بازیگری که بیش از ارزش واقعی ارزیابی شده باشد
Perimeter players	بازیکنانی که در موقعیت پیرامونی یا بیرونی قرار می گیرند
Pivot player	بازیکن سنتر، بازیکنی که نزدیک حلقه بیشترین چرخش را روی پای محور

	انجام می دهد
Pivot – post player	بازیکن در موقعیت سنتر، سنتر، بازیکنی که حرکت چرخش روی پای محور در موقعیت نزدیک به حلقه را انجام می دهد
Plus player	بازیکن ارزشمند، بازیکن خوب
Poor player	بازیکن ضعیف، بازیکن متوسط، بازیکن بد
Post player	سنتر یا هر بازیکنی که در موقعیت شوت
Replace a player	تعویض کردن بازیکن، جایگزین کردن یا جایگزین شدن بازیکن
Screen off a player	ایجاد سد (اسکرین) کردن برای بازیکن
Selfish player	بازیکن خودبین که فقط نتایج بازی خود را مهم می داند، بازیکنی که در کار تیمی مشارکت نمی کند، بازیکن تک رو
Shot finds a player	فراهم شدن موقعیت خوبی برای شوت
Shot has come to a player	فراهم شدن موقعیت خوبی برای شوت
Smart player	بازیکن باهوش، سریع، فعال
Substitution of players	جایجایی بازیکن در زمین بازی
Swingman	بازیکنی که قادر به بازی در موقعیت مختلف با وظایف مختلف می باشد. بازیکن همه فن حریف
Swing player	بازیکنی که قادر به بازی در موقعیت مختلف با وظایف مختلف می باشد. بازیکن همه فن حریف
Team player	بازیکنی که به خاطر تیم تمایلات شخصی خود را کنار بگذارد. بازیکنی در اختیار تیم
Two-o' clock player	بازیکنی که در تمرینات عالی ولی در مسابقه ضعیف عمل می کند
Uncoordinated player	بازیکن ناهماهنگ
Unguarded player	بازیکن آزاد، بازیکن بدون مدافع
Walk his player	جاگذاشتن مدافع حریف، از پیش رو برداشتن مدافع حریف
Wave of players	آرایش یا صف بندی بازیکنان در (حرکت حمله یا ضد حمله)
Wing player	بازیکن فوروارد، بازیکن بال
Withdrawn player	بازیکن بازنشسته، کنار گذاشته شده
Play – for – player	بازیکن حرفه ای
Playground	زمین بازی، میدان مسابقات، میدان بازی
Playground court	زمین بازی (زمین بسکتبال)، زمین مسابقات
Play horse with	به هم زدن، بی ترتیب کردن، مختل کردن، بر هم زدن
Playing	مسابقه، بازی، حرکت، فعالیت، شرکت کردن در مسابقه
Playing court	زمین مسابقه، زمین بازی
Playing denial	حرکت دفاعی به گونه ای که امکان حرکت و مانور را از یار مهاجم سلب کردن
Playing experience	تجربه بسکتبال، دانش بسکتبال که به واسطه مشاهده، مجاورت و شرکت در

	بازی بیدست می آید
Playing for the crowd	بازی کردن به منظور محبوب شدن نزد تماشاچیان
Playing height	ارتفاع واقعی بازیکن با احتساب دست‌ها و پرش بازیکن
Playing pro	بازیکن حرفه‌ای
Playing surface	کف، پوش زمین بازی
Playing system	دستور، روش بازی، الگوی بازی
Playing the lane	حرکت در مسیر پرتاب توپ به منظور قطع کردن، زدن یا گرفتن آن.
Playing time	زمان واقعی بازی (به غیر از زمان‌هایی که ساعت بازی متوقف می‌باشد)
Play intercepting angles	قرار گرفتن بازیکن در مسیرها یا مکان‌های مطلوب برای زدن یا گرفتن توپ پرتاب شده
Playmaker	رهبر تیم، توپ پخش کن، گاردی که بازی تیم را سازمان دهی می‌کند. بازیکن حمله‌ای که نقش هدایت‌کننده و اجرای نقشه‌ها را در زمین دارد
Play – off	وابسته به مسابقات حذفی، مسابقه حذفی
Play one for all he's got	نهایت استفاده را از لحظه لحظه‌ی موقعیت‌ها بردن
Play on ice	بازی در موقعیتی که به‌طور غیر قانونی برنامه‌ریزی شود
Play out of patten	بازی بدون الگوی از پیش تعیین شده
Play over your head	بهبتر از حد انتظار بازی کردن
Play pattern	الگوی بازی، نقشه دفاع یا حمله
Play safe	بازی کردن از روی احتیاط، محتاطانه بازی کردن
Play the ball up form underneath	زدن توپ حریفی که دربیبل می‌کند
Play the percentages	تلاش برای شوت‌های هدفمند از مکان‌های مطلوب
Play the shooting percentages	تلاش برای شوت‌های هدفمند از مکان‌های مطلوب
Play to the gallery	بازی کردن از روی خودنمایی
Play variation	تغییر الگو و حرکت، اصلاح بازی
Play you soft	نرم و شل دفاع کردن
Aggressive play	بازی درگیرانه، محکم
Backcourt play	۱- حرکت دفاعی ۲- بازی مدافعان
Back – up the play	کمک کردن در یک حرکت، در اجرای یک حرکت
Ball in play	توپ در جریان بازی، توپ فعال
Baseline inbounds play	به جریان انداختن توپ در بازی از پشت خط عرضی
Basic play pattern	طرح اولیه بازی
Beep – beep play	بازی بسیار سریع
Blind pig play	به هنگام پاس بده و برو، اگر دریافت‌کننده بسته و حرکت لو رفته بود بازیکن بال به وسط یعنی نزدیک خط پرتاب آزاد حرکت کرده و با نشان دادن دست آمادگی خود را برای دریافت پلس به گارد نشان می‌دهد در این حالت گارد توپ را به او پاس داده و او نیز توپ را به گارد دوم که با



	استفاده از بک دور (Back door) به سمت سبد حرکت کرده و سپس پاس می‌دهد
Body play	۱- به‌کارگیری بدن به عنوان ابزار بازی ۲- بازی محکم ۳- ضرورت هماهنگی بدن برای حرکات مناسب
Breaking up the two man play	برهم زدن همکاری دو حریف
Combination play	بازی ترکیبی، حمله‌ی دفاع که شامل سیستم‌های بازی ترکیبی است.
Complete pattern of play	برنامه کامل بازی
Control play	۱- تسلط داشتن بر بازی ۲- بازی کردن مطابق با برنامه‌های از پیش تعیین شده
Dangerous play	بازی خطرناک، بازی مخاطره‌آمیز
Defense against inbound plays	دفاع علیه بازی که شروع آن با پرتاب از خارج زمین باشد
Defensive play	حرکت دفاعی
Diagramming a play	ترسیم نمای کلی حرکت یا الگوی بازی
Dirty play	۱- بازی ناجوانمردانه، بازی کثیف ۲- بازی خشن
Dummy play	وانمود کردن بازیکن مبنی بر اینکه او پاس را دریافت نمی‌کند ولی توپ را در آخرین لحظه می‌گیرد
End court play	۱- بازی در نیمه زمین حریف ۲- بازی حمله‌ای ۳- شروع حرکت از پشت خط عرضی زمین
Fair play	بازی جوانمردانه، بازی با صداقت، بازی تمیز، بازی با احترام گذاشتن به حریف
Firehouse play	حمله بدون تدبیر، حمله بدون آمادگی
Force a play	تحت فشار قرار دادن حریف به منظور بازی کردن در شرایط نامساعد
Foul play	بازی ناجوانمردانه، بازی کثیف
Go right into a different play	تغییر دادن مستقیم الگوی بازی
Group of set plays	تعداد بازی با الگو یا نقشه
Guard-around play	لپزی همراه با دفاع از حریف در کل زمین
Guardplay	۱- حرکات گارد بازی ساز، حرکات توپ پخش کن ۲- هدایت بازی توسط گارد رأس یا توپ پخش کن
"Hard nosed" play	بازی در گیرانه، سخت (به‌طور معمول با فشار)
Horseplay = Horse-play	بازی خشن و خراکی، شوخی خراکی
Inbound play	شروع بازی با پرتاب توپ از خارج زمین به داخل زمین
Individual play	تمایل به بازی انفرادی، بازی بدون اعتنا کردن به هم تیمی‌ها
Instinctive play	حرکات غریزی
Interject set plays	اعلام نقشه یا الگوهای بازی (در شرایط ویژه دفاعی و تهاجمی)
Interrupt the game	متوقف کردن بازی یا مسابقه
Key playmaker	بازیکنی که سازمان‌دهی و رهبری بازی را بعهده دارد

Last seconds plays	نقشه‌های ویژه بازی در لحظات پایان بازی
Minutes of play	۱. زمان حضور فعال بازیکن در بازی بر حسب دقیقه
MIN	علامت آماری برای دقایق بازی
Moving play	الگوی بازی که بر اساس قابلیت تحرک و پویایی بازیکنان استوار می‌باشد.
Offensive play	مانورها و حرکات حمله، بازی تهاجمی
On top of the play	موقعیت داور نزدیک به صحنه یا حرکت ب ه طوری که او قادر به تصمیم‌گیری صحیح باشد
Out – of – bounds play	شروع بازی با پرتاب از خارج زمین بازی به داخل زمین
Out – of – play	شرکت نکردن در بازی (مثل یک بازیکن کوتاه در جمبال)
Outplay	۱- برتری داشتن در بازی ۲- شکست دادن، پیروز شدن، مغلوب کردن
Outstanding play	بازی عالی، چشمگیر
Overplay	۱- دفاع یا تأخیر در پاس ۲- پیش افتادن از ۳- ایجاد مانع با یک پا جهت تأخیر در حرکات حریف ۴- قرار گرفتن در مسیر توپ پاس داده شده برای حریف
Passive play	بازی غیر فعال و بی اثر
Pattern play	بازی بر اساس نقشه قبلی، بازی مطابق با برنامه
Poor play	بازی ضعیف، بازی متوسط، بازی بد
Primary play	اصول پایه که در بازی به‌کار گرفته می‌شود، اصول مقدماتی بسکتبال که در بازی به‌کار گرفته می‌شود
Pull – out play	عقب کشیدن از منطقه حلقه بعد از کمک کردن به ستر که در موقعیت شوت قرار دارد.
Put the ball into play	پرتاب توپ از خارج زمین به داخل زمین
Read the play	تشخیص دادن الگوی بازی یا نقشه بازی، بازی را خواندن
Resume the play	از سر گرفتن بازی، از نو شروع کردن، ادامه دادن بازی
Resume the play at the point of interruption	از سر شروع کردن بازی به خاطر قطع شدن آن (برای مثال، به‌خاطر شکستن تخته بسکتبال)
Resume the play pattern	از نو شروع کردن، از سر شروع کردن بازی
Rough play	بازی بیرحمانه، بازی خشن
Rugged play	بازی سخت، محکم
Run a play	به‌کارگیری یک نوع بازی ویژه
Running a play	اجرای بازی تهاجمی
Series of plays	چندین سبک بازی که با هم الگوی بازی را در یک مسابقه ب ه وجود می‌آورند.
Set play	نقشه بازی، الگوی بازی
Set play attack	الگوی حمله، حمله بر اساس برنامه و نقشه
Set up a play	طرح کلی بازی را دادن، طرح‌ریزی کردن یک بازی

Spot a play	تشخیص دادن نوع بازی حریف، تشخیص دادن الگوی بازی
Start of the play	شروع بازی
Stop play	متوقف کردن بازی
Sucker play	بازی ناشیانه، بازی از روی بی تجربگی
Team play	کار تیمی، تلاش اعضای تیم
Three point play	۱- الگوی بازی حمله که به‌اساس آماده کردن موقعیت برای یک بازیکن به‌منظور شوت ۳ امتیازی طراحی می‌شود ۲- الگوی بازی حمله که بر اساس آن بازیکن شوت‌کننده به‌صورتی اقدام به شوت می‌کند که کسب امتیاز همراه با خطا توسط حریف را در پی داشته باشد که نتیجه آن خطا ، یک پرتاب آزاد برای بازیکن شوتیست می‌باشد (که با گل شدن پرتاب آزاد در مجموع ۳ امتیاز کسب شده است)
Tough play	بازی سخت، بازی خشن
Trailer play	مشارکت فعال چهارمین بازیکن به نام تیلر (پشتیان مهاجم) که در ضد حمله به دنبال سه بازیکن است تا حرکت آنها را پشتیبانی کند
Turn – around play	حرکت چرخشی برای استفاده از اسکرین و آزاد شدن در پشت اسکرین برای دریافت توپ، بازیکنی که صاحب توپ است باید آماده ارسال پاس باشد
Two men play	حرکت تهاجمی دو هم‌تیمی با توپ
Pledge	متعهد شدن، التزام دادن
Plenty good	عالی، ممتاز
Plenty of go	۱- سرعت زیاد ۲- سرزندگی، شور و نشاط ۳- ابتکار، خلاقیت
Plimsolls	کفش‌های راحتی
Plow into	حمله کردن
Plug	۱- متوقف کردن، بستن، مسدود کردن، سد راه شدن، مانع شدن ۲- تشویق کردن بازیکن ۳- تماشاگری که تیم‌اش را تشویق می‌کند
Plugger	تماشاچی پر سر و صدا که تیمش را تشویق می‌کند
Plugging	متوقف کردن، بستن، مسدود کردن، سد راه شدن، مانع شدن
Plume in the helmet	پیروزی غرورآفرین
Plus	۱- به‌علاوه، به‌اضافه ۲- افزودن به، مثبت، اضافی، امتیاز
Plus player	بازیکن با ارزش، بازیکن خوب
Pocket	جیب، پاکت، حلقه
Pocket – sized	کوچک
Point	۱- نقطه، خال ۲- اشاره کردن، نشان دادن ۳- رأس، نوک (موقعیتی درست قبل از دایره پرتاب آزاد نزدیک به خط مرکزی) ۴- بازیکن توپ پخش کن ۵- کسب کردن امتیاز، پوئن، امتیاز
Point area	۱- محدوده فعالیت بازیکن توپ پخش کن ۲- محدوده اطراف رأس دایره پرتاب آزاد

Point average	نسبت توپ‌های گل شده به توپ‌های از دست رفته
Point difference	اختلاف توپ‌های به ثمر رسیده و توپ‌های از دست رفته
Pointer	امتیاز، پوئن
Pointer – out	کسی که نتایج بازی را پیش‌بینی می‌کند.
Point grabber	بهترین امتیازآور
Point guard	۱- گارد توپ پخش کن، گارد رأس ۲-PG - نشانه ای برای باز یکنان گارد رأس در ثبت آمار در ان سی ای ای
Point man	۱- مدافع در رأس مثلث دفاعی ۲- گارد توپ پخش کن در رأس حمله
Point of attack	بازیکن مالک توپ در حمله
Point of the ball	موقعیت توپ، بازیکن مالک توپ
Point of the triangle	۱- رأس یک مثلث ۲- بازیکن در موقعیت رأس مثلث
Point of view	۱- نقطه نظر، دیدگاه ۲- نظریه، دید
Point producton	کسب امتیازات
Point shaving	کنیف بازی کردن برای جبران عقب ماندگی
"Points pay off"	امتیازات ارزشمندند
Point the ball	بازی کردن علیه حریف مالک توپ
Point value	ارزش امتیاز (۱ و ۲ و ۳ امتیاز) ارزش گل به ثمر رسیده
Point your pistols	حالت دفاعی که در آن یک دست به طرف حریف تحت مراقبت ، و دست دیگر به طرف هم تیمی آن حریف که مالک توپ است کشیده می‌شود.
Point zone	دفاع منطقه ای ک در آن هر بازیکنی مسئول حفاظت از یک منطقه است . این دفاع در دفاع مچ آپ نیز کلوبرد دارد
Defensive point of attack	نقطه شروع حرکت دفاع علیه حمله (تقریباً از فاصله هفت متری نسبت به حلقه یعنی درست پشت خط پرتاب ۳ امتیازی)
Finger pointing	اشاره کردن، نشان دادن، علامت دادن با انگشت یا انگشتان
Focal point	نقطه تمرکز (توپ، حریف، سبد)
High point	۱- بهترین لحظه ۲- امتیاز خوب
High point man	بهترین امتیازآور
Low point	۱- شرایط بحرانی، لحظه حساس بازی ۲- نقطه ضعف، قصور، کمبود، نقص
Mid – point	۱- در وسط، نقطه مرکزی ۲- موقعیت توپ
Mid – point of the season	میان فصل مسابقه، نیمه فصل مسابقات
Mid point position	۱- موقعیت نزدیک به توپ ۲- موقعیت توپ
One point guard	گارد در موقعیت توپ پخش کن (که در نمودارهای الگو یا نقشه بازی بعنوان بازیکن شماره ۱ مطرح می‌شود)
Pick up point	مکان شروع حرکت دفاعی
Score points	امتیاز آوردن، گل زدن

Strong point	۱- بازیکن عالی ۲- بعضی چیزها که بازیکن یا تیم در بهترین حالت می تواند انجام دهد.
Turning point	لحظه‌ای در بازی که تغییر قابل توجهی در آن ایجاد شود.
Weak point	۱- بازیکن بد، ضعیف ۲- حرکتی که فرد یا تیم در انجام آن مهارت ندارد.
Poise	۱- طرز ایستادن، وضع ایستادن بدن، حالت ۲- تعادل، توازن
Poison	حریف قوی، سرسخت
Poke shot	شوتی که توپ را با فشار در حلقه جای دهد، اسپیک کردن توپ داخل حلقه، شوت آبشاری
Pok- ta-pok	یک بازی در آمریکای جنوبی که برخی از تاریخ‌نویسان و قوم‌شناسان آن را شکل قدیمی بسکتبال می‌دانند.
Pole	میله، تیر پرچم، دیرک، دکل برق
Polish up	تمرین کردن
Pom – pom girl	عضو گروه تشویقی که تیم خود را مورد تشویق قرار می‌دهد و در وقفه‌های طول بازی رقص کوتاهی انجام می‌دهد
Pooped	خسته
Poor	۱- فقیر، نیازمند، ضعیف ۲- بد، نامرغوب ۳- متوسط ۴- بی ارزش، ناکافی ۵- جزئی، ناچیز، کم اهمیت
Poor balance	توازن ضعیف، عدم تعادل، تعادل ضعیف
Poor call	۱- علامت اشتباه از هم‌تیمی ۲- تصمیم اشتباه از سوی داور
Poor coach	مریی ضعیف، تمرین دهنده ضعیف
Poor eyes	۱- نیم کوری، بلوی دید ۲- ناتوانی در درک شرایط بازی.
Poor game	بازی غیر مؤثر، بی ثمر، بازی ضعیف
Poorly	بمطور غیر کافی، بمطور ناچیز
Poorly coached team	تیمی که نامناسب و ضعیف آموزش دیده باشد
Poor pass	پاس بد، پاس ضعیف
Poor play	۱- بازی بد، بازی متوسط، بازی ضعیف ۲- بازی متوسط یک بازیکن
Poor player	بازیکن متوسط، بازیکن بد
Poor reception	دریافت ضعیف توپ
Poor shooter	شوت‌کننده ضعیف، شوتیست ضعیف
Poor shooting area	قسمتی از زمین بازی که در آن درصد شوتی که منجر به امتیاز می‌شود پایین باشد
Poor shooting position	مکان نامناسب برای شوت زدن
Poor shot	پرتاب ضعیف توپ به طرف حلقه، شوت ضعیف، شوت از دست رفته
Poor sport	۱- بازیکن ضعیف ۲- بازیکنی که باب میل بازی نکند
Pop	۱- کنار کشیدن، رفتن، افت کردن ۲- شوت کردن، شوت ۳- پرترفدار، محبوب، مردمی

Pop back	کنار کشیدن، عقب کشیدن
Pop out	۱- جهش به بیرون با استفاده از پیک یا فریب، حرکت سریع و ناگهانی به بیرون با استفاده از اسکرین ۲- حرکت سریع و ناگهانی به سمت توپ ۳- حرکت به سمت مخالف سید و یا مدافع ۴- تغییر مسیر و حرکت به سمت مخالف مقصد مطلوب ۵- برخورد توپ به سید و جهش آن به سمت بالا
Pop shot	شوت جفت ناگهانی
Pop up	پریدن (از روی چیزهای بلند)
Porcelains	رگبار، درشت باران، باریدن، دوش گرفتن
Portable basketball goal	حلقه متحرک
Port sided	چپ دست
Portsider	۱- چپ دست ۲- بازوی چپ، دست چپ
Position	۱- طرز ایستادن بازی کن ۲- جا، مکان در زمین بازی ۳- مکان بازیکن مطابق با آرایش تیم در الگوی بازی ویژه
Positional advantage	برتری در اشغال موقعیت‌ها در زمین بازی
Position at attention	نگهبانی دادن، گوش به زنگ بودن، مراقب بودن (فرمان خبر دار در قواعد نظامی)
Position at ease	راحت و آزاد ایستادن، موقعیت آزاد (فرمان آزاد نظامی)
Positioning	آرایش تیم در زمین بازی، قرار گرفتن تیم در زمین بازی
Advantageous position	موقعیت مطلوب، موقعیتی که برتری را در پی دارد
Away position	موقعیت دورتر از توپ
Backcourt position	موقعیت گارد
Balance position	طرز ایستادن در حالت تعادل و توازن
Battle for position	تلاش و جنگیدن برای یک موقعیت در زمین بازی
Beating opponent to position	جا گذاشتن حریف و اشغال کردن یک موقعیت
Blockout position	هر موقعیتی که بازیکن با قدرت، حریف اش را از آن مکان مطلوب دور می‌سازد
Body position	طرز ایستادن، آرایش قرار گرفتن بازیکن در هنگام بازی
Chest position	نگه داشتن توپ جلوی سینه
Court position	موقعیت در زمین بازی
Crouched position	طرز ایستادن بصورت نیم خم، طرز ایستادن با زانوهای خم
Defensive deny position	طرز ایستادن مدافع
Defensive position	۱- مکان دفاعی ۲- طرز ایستادن دفاعی
Denial position	موقعیت مطلوب برای جلوگیری از پرتاب توپ حریف
Designated position	مکان معین شده، وظایف محوله
Establish a position	پر کردن یک موقعیت، قرار گرفتن در موقعیت
Exchange positions	جابجا کردن متقابل موقعیت در زمین بازی

Floor position	موقعیت در زمین بازی
Get rebound position	ایجاد کردن موقعیت مطلوب برای ریباند
Hand position	آرایش یا طرز قرار گرفتن دست‌ها
Help position	موقعیت کمکی
High pivot ( center , post ) area ( position )	مکان یا موقعیت سنتر بالا در خارج از نیم دایره پرتاب آزاد یا نزدیک به نیم‌دایره یا نزدیک انتهای خط پرتاب آزاد
Hold position	موقعیت را حفظ کردن، در یک نقطه قرار گرفتن
Initial position	نقطه شروع، نقطه اولیه یا شروع
Inside position	۱- نقطه‌ای در منطقه کلید نزدیک حلقه در هنگام پرتاب آزاد ۲- مکان نزدیک به حلقه
Interchanging of positions	جابجایی موقعیت با هم‌تیمی
Jockeying for position	بیکارگیری گول برای رسیدن به نقطه یا موقعیت مناسب
Knife to position	با قدرت و تیز به سمت نقطه‌ای حرکت کردن و آنجا را تصرف کردن
Long – sit position	حالت نشسته با پاهای کشیده به طرف جلو.
Mid – point position	موقعیت نزدیک به توپ
Move into position	دویدن به طرف مکانی مناسب، جاگیری در موقعیت مناسب
Move to position	دویدن به طرف نقطه مناسب
Moving position	۱- موقعیت تغییرپذیر ۲- بازیکنی بدون موقعیت ثابت در آرایش تیم
Off – set position	موقعیت در خط عرضی به‌طور تقریبی بین خط کناری منطقه کلید و زمین بازی
Open position	موقعیتی که بازیکن بدون مدافع است، موقعیت آزاد برای شوت زدن
Out position	جلوتر از حریف موقعیت خوب را اشغال کردن، جاگیری کردن در موقعیت آزاد قبل از حریف
Overhead position	طرز ایستادن با توپ روی سر
Over the ball position	۱- خارج از موقعیت توپ (نسبت به حلقه) ۲. بالاتر از موقعیت بازیکن مالک توپ
Penterating position	نفوذ به منطقه شلوغ زیر حلقه
Pistols position	قرار گرفتن در رأس مثلی که در یک رأس آن توپ و در رأس دیگر یار مهاجم قرار دارد
Poor shooting position	مکان یا موقعیت نامناسب برای شوت زدن
Prone position	خوابیدن روی شکم
Protective position	طرز ایستادن که حفظ توپ را تضمین می‌کند.
Ready position	طرز ایستادن در بسکتبال؛ زانوها خم، دست‌ها بالا، سر بالا، نگاه مستقیم به سمت جلو
Reestablish position	برگشتن به موقعیت، دوباره به‌دست آوردن موقعیت
Regular position	موقعیت ثابت، موقعیت غیر متغیر

Reverse to original position	برگشت به موقعیت اولیه
Safety position	۱. بازیکنی که در برابر ضد حمله ای که از شوت یا ریباند ناموفق برای حریفان بوجود می‌آید از حلقه خود محافظت می‌کند ۲. تأمین کردن موقعیت (به‌طور معمول توسط بازیکنی که در م ثلث ریباند حمله شرکت نمی‌کند) در هنگام انتقال بازی
Scoring position	موقعیت مناسب برای شوت‌های هدفمند
Set position	۱- طرز قرارگیری بدن هنگام شوت ثابت ۲- موقعیت در دفاع منطقه‌ای
Shooting position	استقرار صحیح برای شوت؛ وزن بدن روی پاشنه‌ها و نوک انگشتان قرار می‌گیرد، زانوها کمی راست، باسن پایین، بدن صاف و مستقیم، سر بالا، چشم‌ها روی سبد و دست‌ها در چارچوب مکانیک صحیح حرکتی برای شوت قرار دارند
Siding position	حالت پهلویی یا جانبی مدافع نسبت به کسی یا خود، حالت بازو به بازو بودن نسبت به یار، در صورت امکان نزدیک‌تر قرار گرفتن نسبت به سبد.
Sitting position	نشستن روی پاها به‌طوری که باسن و ران‌ها در یک راستا بوده و با پاها تشکیل زاویه داده‌اند
Skeleton position	خرد کردن بازی یا یک نقشه بازی به چند بخش (برای بهتر تمرین کردن)
Standing position	۱- موقعیت ثابت ۲- موقعیت غیر قابل تغییر
Straddle position	طرز ایستادن با پای‌های باز و گشاد نسبت به هم
Stride-sit position	طرز نشستن با پای‌های باز
Strong position	موقعیت مناسب برای دریافت پاس و کسب امتیاز
Triangle defending position	قرار گرفتن در رأس مثلثی که در یک رأس آن توپ و در رأس دیگر یار بدون توپ قرار دارد به‌طوری که هر دو را تحت نظر داشته باشیم
Triangle rebound position	آرایش سه بازیکن (از یک تیم) آماده برای گرفتن توپ ریباند
Triple threat position	طرز قرارگیری بازیکن مالک توپ که به او امکان استفاده از سه حرکت (پاس، شوت، دربیل) علیه دفاع حریف را می‌دهد، موقعیت تهدید سه‌گانه
Positive	مثبت، یقین، قطعی
Positive control of the ball	مالکیت قطعی توپ
Possesh	مالکیت
Possess	دارا بودن، متصرف بودن، در تصرف داشتن، دارا شدن، متصرف شدن
Possession	مالکیت، کنترل روی چیزی
Possession lost	از دست دادن کنترل (توپ)
Possession of the ball	کنترل توپ را در اختیار داشتن
Possibility	احتمال، میزان احتمال، امکان
Post	۱- موقعیت، مکان ۲- موقعیت شوت ۳- شوت کننده، شوتیست، س نتر یا فورواردر در موقعیت شوت
Post area	منطقه فعالیت ستر، فورواردر در موقعیت شوت



Post blocker	ایجاد سد توسط بازیکن پُست (با پاهای باز و گشاد)
Post denial	بستن مسیر پاس به بازیکن پُست
Post exchange	تغییر مکان یا جابجایی موقعیت‌های سنتر، یا بازیکنانی که در نقاط شوت قرار دارند.
Post – game meal	یک وعده غذا در املت متحده آمریکا بعد از بازی توصیه می شود که می تواند شبیه آن چیزی باشد که قبل از بازی (غذای قبل از مسابقه) (به طور معمول در آمریکا ۲-۳ ساعت قبل از ورود به زمین بازی صرف می شود که شامل، اسپاگتی، سبزیجات و آب میوه ، خوراک بدون گوشت و سرخ کردنی همراه مایعات زیاد صرف می شود)
Post game mental warm down	تمدد یا فرونشاندن هیجان بعد از بازی
Post game report	گزارش مسابقه
Post high	اشغال کردن موقعیت شوت در بالا
Posting ( up )	اشغال کردن موقعیت شوت
Post low	اشغال کردن موقعیت شوت در پایین
Post man	سنتر یا فورواردر در موقعیت شوت در بالا، پانچن و میانه
Post man assist play	۱- حرکت یا مانورهایی که به سنتر و فورواردر در موقعیت شوت برای دریافت توپ و اقدام به شوت کمک می کشد ۲- پاس به هم تیمی در موقعیت شوت
Post medium	موقعیت شوت در میانه (بین موقعیت پایین و بالا)
Post moves	حرکات و مانورهای بازیکن سنتر
Post player	سنتر یا هر بازیکن دیگری در موقعیت شوت
Post – practice	تمرینات انفرادی بعد از تمرینات تیمی (شوت اضافه، تمرین وزنه، طناب زدن)
Post practice mental warm down	تمدد یا فرو نشاندن هیجان بعد از یک دوره تمرین
Post season	دوره یا مرحله بعد از مسابقات، دوره بعد از فصل مسابقات
Post up	نفوذ کردن به موقعیت شوت (به طور معمول نزدیک خط‌های منطقه کلید)
Adequate post	بازیکن پُست یا سنتر مناسب، شایسته
Crossing off the post	حرکات متقاطع بازیکنان پیرامونی به سمت منطقه پُست و حرکات نزدیک آنها نسبت به بازیکن پُست برای جا گذاشتن مدافع و آزاد شدن برای دریافت پاس
Double high post set	آرایش تهاجمی که در آن دو بازیکن پُست در دو طرف خط پرتاب آزاد قرار می گیرند و دو بازیکن فورواردر نسبت به موقعیت دفاع موضع گیری کرده و بصورت باکس (box) (پانچن دوزنقه) قرار می گیرند تا با استفاده از حرکات خطی و نزدیک و با استفاده از اسکرین بازیکنان پُست خود را در منطقه سه امتیازی آزاد کنند
Double post offense with box formation and poin guard	حمله با دو بازیکن سنتر در موقعیت پایین و دو فورواردر در موقعیت بالا در دو طرف منطقه کلید به شکل مربع و بازیکن توپ پخش کن قبل از دایره

	پرتاب آزاد
Feeding the post	لنٲین پاس های منجر به گل برای بازیکن در موقعیت شوت
Flashing post	بازیکنی که از موقعیت شوت در خط کناری منطقه کلید به سرعت به طرف حلقه نفوذ می کند، نفوذ سریع سنتر به طرف حلقه
Flash to the post area	برش ناگهانی و بسیار سریع و رفتن در موقعیت شوت (پایین، بالا، میانه)
Fronting the post	دفاع رو در روی بازیکن سنتر از توپ
High low post	آرایش دو سنتر؛ یکی در موقعیت بالا قبل از خط پرتاب آزاد، یکی دیگر در موقعیت پایین قبل از حلقه
High post	سنتر در موقعیت بالا
Long post	۱- بازیکن سنتر که (روی یا در) خط پرتاب آزاد بازی می کند ۲- بازیکنی که توپ را برای هم تیمی هایش پخش می کند ۳- موقعیت شوت در بالا
Low post	موقعیت نزدیک به حلقه، بازیکن سنتر در موقعیت پایین
Medium post	بازیکن سنتر (یا هر بازیکن شوتیست) در موقعیت شوت و در موقعیت میانه (به طور معمول نزدیک به خط کناری در میان منطقه کلید
Middle distance post	۱- بازیکن سنتر در موقعیت میانی ۲- بازیکن شوتیست در موقعیت میانی ۳- موقعیت شوت بین خط پرتاب آزاد و حلقه
No post	الگوی حمله بدون سانتر در آرایش دو فورواردر جلو و سه مدافع در عقب که (Tree out) نامیده می شود. صرف نظر از نام این حمله ممکن است دو بازیکن فورواردر بعنوان سانتر بازی کنند
Off post	دور از توپ
Off side post	بازیکن سنتر در سمت ضعیف زمین
One-three-one tandem post offense	آرایش حمله ۱-۳-۱ با قرارگیری دو سنتر پشت سر هم (یکی در موقعیت پایین و دیگری در موقعیت بالا)
Open post alignment	۱- آرایش تیم بدون بازیکن سنتر ۲- آرایش تیم بدون قرار گرفتن در موقعیت شوت نزدیک به منطقه کلید
Open post passing game	الگوی حمله که اساس آن بر روی پاس ها و بدون موقعیت ثابت بازیکن سانتر باشد
Pass into the post	پاس به بازیکن سنتر، پاس به بازیکنی که در موقعیت شوت قرار دارد.
Pivot post	موقعیت بازیکن سنتر
Pivot post player	بازیکنی در موقعیت سنتر، سنتر، بازیکنی که چرخش روی پای محور در موقعیت سنتر را انجام می دهد
Rotating post play	گردش بازیکنان که به طرف موقعیت سنتر یکی بعد از دیگری حرکت می کنند
Scissoring off the post	حرکات متقاطع بازیکنان پیرامونی به سمت منطقه پُست و حرکات نزدیک آنها نسبت به بازیکن پُست برای جا گذاشتن مدافع و آزاد شدن برای دریافت پاس

Screen and post	ایجاد سد از سوی بازیکن پُست در برابر بازیکن پُست حریف برای استفاده فورواردی که در حال عبور از دوزنقه و رفتن به سمت مخالف است تا او در منطقه‌ی پیرامونی صاحب توپ شود
Short post	بازیکن سنتر که در زیر حلقه بازی می‌کند، بازیکن سنتر که خیلی نزدیک به حلقه بازی می‌کند.
Side high post	بازیکن سنتر در موقعیت راست یا چپ خط پرتاب آزاد
Side post	موقعیت شوت بازیکن سنتر از کناره‌های منطقه کلید
Single post offense	حمله با یک بازیکن سنتر
Single post offense with a high post	حمله با یک بازیکن سنتر در موقعیت شوت در بالا
Spin in of the post	حرکت چرخشی سانتر به طرف حلقه
Spin out of the post	حرکت چرخشی سانتر به منظور خارج شدن از محدوده حلقه
Split-the-post	حرکت متقاطع در منطقه پُست؛ گارد یا فوروارد به بازیکن پُست، پاس داده و بلافاصله برای پیک کردن حرکت می‌کند، به طور همزمان بازیکن سمت مخالف به صورت متقاطع بُرش کرده و به بازیکن پُست نزدیک می‌شود تا با دریافت توپ به سمت سبد حرکت خود را ادامه دهد
Tandem post	آرایش دو سنتر؛ یکی در موقعیت بالا و دیگری در موقعیت پایین (در یک طرف منطقه کلید)
Throw post entry	پاس به بازیکن سنتر برای شوت
Triple medium post zone offense	حمله با سه بازیکن سنتر با آرایش اولیه ۲-۱-۲ در برابر دفاع منطقه ای؛ دو سنتر در موقعیت میانی و بازیکنی که با شماره ۱ مشخص می‌شود، در نقطه پشت خط پرتاب آزاد قرار می‌گیرد و به طرف موقعیت میانی ب‌ه عنوان بازیکن سنتر سوم برش را انجام می‌دهد
Under post	موقعیتی پایین‌تر از موقعیت سنتر (بین موقعیت بازیکن سنتر و حلقه)
Wide post offense	حمله با حرکت پُر جنب و جوش و نفوذ بازیکن پُست در منطقه پایینی
Post-grad	بازیکن حرفه‌ای
Posture	طرز ایستادن یا قرار گرفتن، وضع قرار گرفتن بدن
Pot	۱- ظرف، پارچ، تنگ ۲- حلقه ۳- کسب کردن امتیاز ۴- کسب امتیاز ۵- کاپ نقره (به عنوان جایزه)
Pot chaser	رقابت برای کاپ یا جام، کاپ نقره (به عنوان جایزه)
Potential	استعداد، بالقوه، پتانسیل
Potential shooter	۱- بازیکنی با استعداد و توانایی بالا در شوت ۲- بازیکنی با استعداد برای یادگیری شوت
Potential starter	بازیکنی که قابلیت ثابت بودن و قرار گرفتن در ترکیب اولیه تیم را دارد
Pot hunter	رقابت برای جایزه
Pouch	کیف، کیسه، ساک
Pounding drill	تمرین ریپاند به صورتی که بازیکن ریپاند کننده در هنگام ریپاند توسط هم تیمی‌هایش جهت شبیه‌سازی شرایط مسابقه هُل داده می‌شود.

Pour the leather through the loop	(داخل کردن توپ چرمی در حلقه)، امتیاز کسب کردن
Power	۱- انرژی، توانایی، شدت، دولت، قوه یا توان (ریاضیات)، دستگاه برقی، توان (در ریاضیات)، برتری، توان، اقتدار، سلطه نیروی برق، قدرت دید ذره بین ۲- نیرو بخشیدن به، نیرومند کردن، بهکار بردن زور، راندن
Power forward	۱- بازیکن شوتیست از منطقه بال، فوروارد قدرتی ۲- بازیکنی که قادر به بازی در پست سانتر هم باشد ۳-PF - کلمه اختصاری برای شوت، فوروارد قدرتی در ثبت آمارهای NCCA
Power hopping	تمرین پرش بصورت متناوب روی یک پا در حالت دولایا نیمه خم بدن
Powerhouse	۱- حریف نیرومند ۲- بازیکن قوی و بزرگ ۳- (نیروگاه برق) تیم شکست‌ناپذیر
Power jump	پرش روی دو پا از یک حالت خم یا نیمه خم
Power jumps	تمرین پرش‌های پی در پی در حالت نیمه خم
Power lay- in	پرتاب توپ به طرف حلقه با پرش در حالت نیمه خم
Power lay- up	۱- سه گام و جهش به سمت سبد بطوری کفیدن حالت نیمه خم داشته و با پرش به بالا باز شود ۲- حرکتی که در آن بازیکنی که در خارج از دوزنقه قرار دارد با فریب سر و شانه مدافع خود را از پیش رو بر داشته و سپس با یک گام بلند یا پ رش خود را با یک دریبل قدرتی به داخل دوزنقه می‌کشانند و با پرش به سمت سبد و باز کردن و کشاندن بدن به بالا توپ را درون سبد قرار می‌دهد
Power lay-up drill	تمرین شوت‌های پرشی سه گام از حالت نیمه خم که در آن هر بار توپ از روی زمین برداشته می‌شود.
Power offense	حمله با استفاده از قدرت، حمله قدرتی
Power pick up	۱- گام قوی ۲- شوت جفت از یک حالت نیم خم
Power rating	ارزیابی قدرت تیم
Power role	نقش فوروارد قدرتی در بازی (بازیکنی که شوت و ریباوند می‌کند)
Power shot	شوت جفت از یک حالت نیمه خم
Power up	پرش از یک حالت خم یا نیمه خم، مانند پرش زیر حلقه
Power up for the shot	پريدن برای شوت جفت از یک حالت خم یا نیمه خم.
Power wing	۱- بازیکن شوتیست از منطقه بال‌ها، فوروارد قدرتی ۲- بازیکنی که قادر به بازی در پست سانتر هم باشد
Power zone	محدوده نزدیک به حلقه بیش از ۶-۴/۵ متر از آن
Power zone attack	حمله علیه محدوده نزدیک به حلقه بیش از ۶-۴/۵ متر از آن
PPG ( points per game)	کلمه اختصاری آماری، که میانگین امتیازات کسب شده در مسابقه (توسط بازیکن یا تیم) را نشان می‌دهد.
Practice	تمرین کردن، ممارست کردن، مشق، تمرین
Practice checklist	فهرست یا گزارش جلسات تمرین
Practice drill	تمرینی که در خلال یک جلسه تمرین تکرار می‌شود

Practice schedule	برنامه جلسه یا جلسات تمرین
Practice shirt	پیراهن مخصوص تمرین که هر طرف آن یک رنگ دارد.
Practice time	برنامه زمانی برای تمرین، زمان تعیین شده برای تمرین
Practice wear	لباس تمرین
Closed practice session	تمرین بدون تماشاگر
Competitive practice	تمرین همراه با رقابت
Daily practice	تمرین روزانه
Individual practice	تعیین تمرین برای یک بازیکن توسط مربی، تمرین انفرادی
In-season practice	تمرین در خلال فصل مسابقه
Monotonous practice	تمرین خسته کننده، تمرین کسل کننده
Open practice session	جلسه تمرین که تماشاگران می توانند تماشا کنند
Over practice	تمرین بیش از حد، تمرین کردن زیادی، تلاش کردن یا تمرین افراطی
Post – practice mental warm-down	تمدد ذهنی بعد از یک جلسه تمرین
Pre-practice	دوره ای که مربی اجازه کار کردن لببازیکنان را ندارد
Pre-practice mental warm-up	گرم کردن جسمی و ذهنی بازیکنان قبل از جلسه تمرین
Pre-season practice	زمان آماده سازی برای فصل بازی
Scrimmage practice	مسابقه تمرینی
Team practice	تمرین کل تیم، تمرین تیمی
Praise	تحسین کردن، ستودن، تشویق و تمجید کردن، ت آید، رضایت، تحسین، تشویق
Prayer bones	زانوها
Praying colonels	نام تیم بسکتبال سنتر کالج کنتاکی در دانویل (کنتاکی)
Pre-assign	تدارک و آماده سازی مقدماتی لازم قبل از بازی یا تمرین
Pre- assigned move	تاکتیک یا حرکتی که قبل از مسابقه طراحی می شود
Propounded basketball	توپ نوبی که برای از بین رفتن لیزی آن چندین مرتبه به زمین می زنند.
Precept	حکم، دستور، قانون، مقررات
Preceptor	معلم، مربی، تمرین دهنده، آموزش دهنده
Precise	دقیق، درست، صریح
Preclude	اخراج کردن، بیرون کردن، کنار گذاشتن، حذف کردن
Preconceived	عقیده از قبل تشکیل شده، حضور پیش از وقت، تصدیق بلا تصور، تعصب
Predetermine	پیش تر مقدر کردن، از پیش معین کردن، از قبل مشخص کردن
Predicate	مقرر کردن، اطلاق کردن، بصورت مسند قرار دادن، مبتنی کردن ، مستند کردن، دلالت کردن، گزاره
Predict	پیش بینی کردن، پیشگویی کردن
Predictability	پیش بینی
Predictable manner	روش قابل پیش بینی (در بازی یا رفتار)

Predominance	برتری
Predominant	غالب، مسلط، حکمفرما، نافذ، عمده، برجسته
Predominantly	ببطور برجسته
Predominate	مسلط بودن، غالب بودن، چربیدن
Pre-draft camp	اردوگاه یا کمپ سازمان یافته برای بازیکنانی که نیای حضور در ان بی ای پیشنهاد می شوند
Prefer	ترجیح یافتن، ترجیح دادن، برتری دادن، رجحان دادن، برگزیدن
Preferable	مرجح، دارای رجحان، قابل ترجیح، برتر
Preference	برتری، رجحان، ترفیح، مزیت، اولویت، تقدم
Pre – game day	روز قبل از مسابقه
Pre – game drills	تمرینات کششی و گرم کردن قبل از مسابقه
Pre- game meal	غذای قبل از مسابقه (که در آمریکا ۲-۳ ساعت قبل از ورود به زمین بازی صرف می شود که شامل، اسپاگتی، سبزیجات و آب میوه ، خوراک بدون گوشت و سرخ کرده می باشد)
Pre – game mental warm – up	تمرینات به منظور آمادگی جسمی و ذهنی بازیکنان قبل از مسابقه
Pre- game pep talk	صحبت های روحی بخش با بازیکنان قبل از مسابقه
Pre – game warm – up	تمرینات جهت آماده کردن بازیکنان برای مسابقه
Pregnable	امکان شکست
Pre – knowledge	آشنایی قبلی
Prelim	۱- مسابقه مقدماتی ۲- مسابقه جهت آمادگی
Preliminary fake	حرکت فریب یا گول اولیه
Preliminary game	۱- مسابقات مقدماتی قبل از مسابقات اصلی ۲- مسابقه جهت آمادگی
Prem	پاداش، پرداخت اضافی
Premeditate	طراحی کردن، توصیه کردن، تفکر کردن، پیش تر فکر چیزی را کردن ، مطالعه قبلی انجام دادن
Premeditated foul	خطای عمدی
Premium	جایزه، پاداش
Preoccupation	اشتغال ذهن، نگرانی، اشغال قبلی، کار مقدم، تمایل، شیفستگی، اشتغال
Prep	۱- ورزش، تمرین بدنی ۲- تمرین کردن ۳- آمادگی، آماده سازی ۴- آماده کردن یا شدن ۵- تمرین
Preparation	پیش بینی، تمهید، ستایش، آماده، تدارک، اقدام مقدماتی، آماده سازی، آمادگی، آرایش
Prepare	تهیه کردن، آماده کردن، تدارک دیدن، پستاکردن، مهیا ساختن، مجهز کردن، آماده شدن، سلختن
Preplan	از قبل طرحی ریختن، نقشه کشیدن
Pre-practice	(در آمریکا) دوره ای که مربیان دانشگاه ها و دانشکده ها اجازه ندارند تا با

	بازیکن کار کنند (اگر چه بازیکنان ممکن است انفرادی تمرین کنند) مدت این دوره به‌طور رسمی از شروع سال تحصیلی تا زمان تمرین به‌طور معمول از سبتمبر تا اکتبر می‌باشد
Pre- practice mental warm-up	تمرینات آمادگی جسمانی و ذهنی بازیکنان قبل از جلسه تمرین
Pre-school	مدرسه ابتدایی
Prerequisite	پیش نیاز، پیش بایست، شرط لازم، شرط قبلی
Prescribe	تجویز کردن، نسخه نوشتن، مقرر کردن، مقرر داشتن، تعیین کردن، معین کردن، دستور دادن
Pre- season	دوره آماده سازی برای فصل بازی، تمرینات پیش از فصل
Pre- season physical examination	معاینه پزشکی بازیکنان قبل از فصل بازی
Pre- season practice	دوره تمرینات آماده‌سازی پیش از فصل بازی (در دبیرستان: ۳ تا ۵ هفته، دانشگاه‌ها و دانشکده‌ها: به‌طور معمول از ۱۵ اکتبر تا ۳۰ نوامبر)
Present -day	معاصر، امروزی، جدید، مدرن
Press	فشار، فشار روی دفاع، فشار دادن، فشار آوردن
Presser	بازیکنی که روی دفاع فشار می‌آورد
Pressing defense	دفاع درگیرانه، دفاع همراه با فشار
Pressing to the outside	دفاع همراه با بیرون کردن حریف از منطقه کلید یا به‌طرف کناری
Pressing weights	وزنه زدن
Pressure	۱- فشار، حمله، هجوم ۲- بلند کردن وزنه، وزنه زدن ۳- فشار خون (نرمال، بالا، پایین)
Pressure attack	حمله علیه دفاع فشار
Pressure breakers	حرکات و مانورهایی که فشار حریف را کم می‌کند (مثل حرکات برش Back door به سمت حلقه Back block and roll و...)
Pressure defense	بازی دفاعی همراه با پرس علیه حریفان
Pressure every shooter	فشار علیه هر بازیکنی که پرتاب به‌طرف حلقه انجام می‌دهد
Pressure full court	حرکت درگیرانه علیه حریفان در تمام زمین، یا دفاع پرس در کل زمین
Pressure half court	حرکت درگیرانه علیه حریفان در نیمه زمین بازی خودی
Pressure jump shot	شوت جفت در برابر فشار
Pressure ( press, pressing ) on the ball	فشار علیه توپ، فشار آوردن به بازیکن مالک توپ
Pressure ( press, pressing ) release	۱- رهایی از فشار حریف ۲- بازیکن مسئول کم کردن فشار (به‌طور معمول یک یا دو بازیکن ستر) توسط ایجاد سد (اسکرین)
Pressure( press, pressing ) release men	بازیکنانی که عامل رهایی از فشار حریف هستند
Pressure release offense	طرح حمله به‌منظور شکستن فشار دفاعی حریف که با آرایش ۱-۲-۲-۲ در منطقه میانی و در سمت خطوط طولی زمین جاگیری می‌کنند و زوج خط اول و دوم نزدیک به هم هستند) دو نفری که نزدیک سبد جاگیری

	کرده‌اند باید از شوت خوبی برخوردار باشند و دو نفر بعدی باید توانایی ریاند داشته باشند. وظیفه این دو آزادسازی شوت‌زن‌هاست تا آنها بتوانند با دریافت توپ از گارد رأس یا بازی‌ساز تیم که در بالای منطقه قرار دارد حرکت خود را در حمله آغاز کنند. در ادامه هر پنج بازیکن در طرح حمله مشارکت می‌کنند (دال بولان مربی دانشگاه لوئیزیانا)
Pressure release ring	حلقه فنری یا ارتجاعی
Pressure ( press ) the ball	فشار علیه حریف مالک توپ
Pressure type defense	بازی دفاعی همراه با پرس
Pressure ( press, pressing ) zone	دفاع منطقه‌ای همراه با پرس علیه حریفان، دفاع منطقه‌ای درگیرانه
Aggressive pressure ( press, pressing )	پیش روی یا حمله فعال و سخت در برابر دفاع نزدیک و پرس حریفان
Air pressure	فشار هوا (در توپ)
All-court press	دفاعی درگیرانه علیه حریفان در سرتاسر زمین بازی
Beat the press	خنثی کردن دفاع پرس، جلوگیری کردن از دفاع پرس
Break the press	شکست دادن دفاع پرس
Clear of pressure	بدون فشار
Clear the pressure	رهاهی یافتن از فشار
Combination man to man and zone press	دفاع پرس با ترکیبی از دفاع یارگیری و پوشش منطقه‌ای
Defensive pressure	دفاع همراه با پرس، بازی دفاعی درگیرانه
Desperation pressure	هجوم در شرایط نومیدی
<i>Exert pressure</i>	فشار دادن، له کردن، فشار آوردن
Full court man to man pressing defense	دفاع یارگیری همراه با پرس در کل زمین بازی
Full court press ( pressure, pressing )	بازی درگیرانه علیه حریفان در کل زمین بازی
Half court press ( pressure, pressing )	بازی درگیرانه علیه حریفان در نیمه زمین بازی خودی
Hurt the press	جنگیدن علیه پرس یا فشار
Man to man press	دفاع یارگیری همراه با فشار در برابر حریفان
Man to man press attack	حمله علیه دفاع فشار با پوششی از دفاع یارگیری
Man to man pressure defense	۱- دفاع پرس همراه با دفاع یارگیری ۲- دفاع یارگیری درگیرانه
Nuisance man-to-man press	فشار آزار دهنده در دفاع یارگیری
One on one moves against pressure defense	بازی یک علیه یک در شرایط دفاع پرس
One two one one half court zone press	دفاع منطقه‌ای ۱-۲-۱-۱ همراه با پرس در نیمه دفاعی زمین بازی
One two one one zone press ( full	دفاع منطقه‌ای ۱-۲-۱-۱ همراه با پرس (در سرتاسر زمین یا سه چهارم زمین)



court or three quarters)	(بازی)
Physical and psychological pressure	فشار روحی و روانی بر روی تیم
Player to player pressure on the ball	بازی یک علیه یک در برابر حریف مالک توپ
Put defensive pressure on the shooter	بازی در گیرانه علیه حریف شوتیست
Quick switch press ( pressure, pressing )	دفاع در گیرانه همراه با فشار و تغییر سریع پوشش یا سوئیچ
Read the pressure	پی بردن به فشار
Relieve pressure	۱- از فشار رهاچی پیدا کردن ۲- رها شدن از فشار حریفان
Semi press	بازی دفاعی با فشار کم
Single man press	دفاع پرس علیه یکی از بازیکنان حمله
Sustain pressure	حفظ فشار دفاعی
Three, quarter court press	دفاع پرس در سه چهارم زمین بازی
Three quarter press	دفاع پرس در سه چهارم زمین بازی
Tough pressure	دفاع فشرده، محکم، سفت
Trapping press	دفاع پرس همراه با بکارگیری تله‌ها
20 defense pressure man to man pressure man to man 40 defense two man press	دفاع فشرده یارگیری در نصف زمین
two man press	دفاع پرس علیه دو بازیکن حریف (به‌طور معمول در بازی دو نفره به کار گرفته می‌شود)
two-two-one zone press(full court or three quarter)	دفاع پرس منطقه‌ای در آرایش ۱-۲-۲ (در سرتاسر زمین بازی یا سه چهارم آن)
zone press	دفاع منطقه‌ای همراه با فشار علیه حریفان در منطقه تعیین شده زمین، دفاع منطقه‌ای در گیرانه
zone press attack	الگوی حمله که علیه دفاع پرس در گیرانه منطقه‌ای بکار می‌رود
zone pressure defence	دفاع منطقه‌ای همراه با فشار علیه حریفان در منطقه تعیین شده زمین، دفاع منطقه‌ای در گیرانه
zone pressure offense	الگوی حمله که علیه دفاع پرس در گیرانه منطقه‌ای بکار می‌رود
prevalent	رایج، شایع، متداول، فایده، مرسوم، برتر
prevent	جلوگیری کردن، پیشگیری کردن، بازداشتن، مانع شدن، ممانعت کردن
prevention	جلوگیری، ممانعت، پیشگیری
preventive stance	استقرار محتاطانه در دفاع
previous	پیشین، قبلی
prexy	۱- رئیس باشگاه ورزشی ۲- رئیس دانشکده یا دانشگاه
prey	۱- شکار ۲- صید کردن
pride	به‌ترین، سربلندی، فخر، افاده، غرور، تکبر، سبب مباهات
primary	عمده، اصلی، اساسی، اولیه، مقدماتی

primary ballhandler	گارد رأس، توپ پخش کن
primary break	مرحله اولیه ضد حمله
primary cutter	اولین برش کننده در بازی از پیش تعیین شده
primary defense	سیستم دفاع اولیه
primary play	الگوی اصولی که در بازی اسفله می شود
primary rebounded	بازیکن ریباوند کننده اصلی، بهترین ریباوند کننده
primary receiver	بازیکنی که در طرح حمله یا یک مانور هدف اصلی دریافت پاس به حساب می آید
prime	تمرین، ورزش، تکرار، ممارست، مشق
principle	اصل، قاعده کلی، اصول اخلاقی، قانون، قاعده
principle of verticality	اصل راست ایستادن، برای حفاظت از یک منطقه؛ (در این حالت بازیکن قادر است پرش عمودی انجام داده و از منطقه دفاع کند)
prior	اولی، قبلی، از پیش، پیشین، جلویی، مقدم، اسبق
priority	حق تقدم، برتری
privateers	نام تیم بسکتبال دانشگاه نیو ارلینز در نیو ارلینز (لوئیزیانا) که در کنفرانس سان بلت بازی می کند.
privilege	حق ویژه، امتیاز مخصوص، امتیاز
prize	جایزه
probability	احتمال
probe	تفحص کردن، بررسی کردن، آزمایش کردن
probing pass	پاسی که سیستم دفاعی حریفان با آن ارزیابی می شود
pro career	۱- حرفه‌ای (شغل) ۲- بسکتبال به عنوان شغل، بازیکنان حرفه‌ای بسکتبال
procedure	عمل، شیوه، سلوک، فعالیت، رویه
prod	به زور آرنج راه را باز کردن، سیخ زدن، سیخونک زدن، تنه زدن
profanity	بی حرمتی به مقدسات، کفر گویی، ناسزا
Profesh	بازیکن حرفه‌ای
professional	۱- حرفه‌ای، پیشه‌ای ۲- تخصصی، حرفه‌ای ۳- بازیکن حرفه‌ای ۴- شخصی که زندگی آن با بازی بسکتبال تعیین می شود
professional advancement	۱- پیشرفت در وظایف حرفه‌ای ۲- پیشرفت کیفی بازیکن حرفه‌ای بسکتبال
professional ball	بسکتبال حرفه‌ای
professional basketball	بازی بسکتبال که بازیکنان برای بازی پول دریافت می کنند، بسکتبال حرفه‌ای
professional basketball writers association	اتحادیه روزنامه‌نگاران، گزارشگران و مفسران بسکتبال حرفه‌ای
proficient	خبیره، وارد به فن، ماهر، حاذق، کارشناس
pro- game	۱- بسکتبال حرفه‌ای ۲- بازی بسکتبال حرفه‌ای
progress	۱- پیشروی ۲- پیشرفت، ترقی

progressive team totals	آمار کسب شده در مسابقات قبلی و آمار فعلی در مسابقاتی که در جریان است، (مثل آمار کامپیتری و دقیق پرتاب آزاد در بازی های قبلی و فعلی)
progress of the game	جریان یا مسیر مسابقه یا بازی
prohibit	ممنوع کردن، قدغن کردن، منع کردن، جلوگیری کردن
projector	پروژکتور
prolific	پر زاء، حاصلخیز، بارور، نیرومند، پیکار، فراوان
prolific scorer	بازیکنی که بیشترین امتیاز را کسب می کند
promote	۱- ترفیع دادن، ترقی دادن، بالا بردن ۲- تشویق کردن، حمایت کردن
prompt action	حرکت فوری، سریع
prone	۱- دراز کش، دمر ۲- در معرض، متمایل، مستعد، مهیا
pronto	۱- به سرعت، عاجلانه ۲- به موقع، وقت شناس، خوش قول
propel	به پیش راندن، به جلو سوق دادن، جلو بردن، به جلو راندن، سوق دادن، بردن، حرکت دادن
propeller	۱- پروانه یا ملخ کشتی یا هواپیما ۲- تمرین؛ حرکت پروانه ای دست ها
propelling force	نیروی پیشران، نیروی محرک
proper	صحیح، مناسب
proper execution of the drill	اجرای صحیح تمرین (در خلال تمرین)
proper guidance	توصیه مناسب، راهنمایی صحیح
proper model	الگوی صحیح، نمونه درست یا مناسب
prophet(also: Propheteer)	کسی که نتایج را پیش بینی می کند.
pro ranks	۱- بازیکنان حرفه ای ۲- بازیکنان حرفه ای بسکتبال، ستاره های بسکتبال
prospect	نامزد برای بهترین بازیکن، کسی که از او انتظار م ی رود بهترین بازیکن شناخته شود
protect	دفاع کردن، حمایت کردن، محافظت کردن
protection	دفاع
protective dribble	دریبل کوتاه
protective position	طرز ایستادن برای حفظ مالکیت توپ
protector	بازیکنی که در برابر ضد حمله تیم را پشتیبانی می کند
protest	مخالفت ورزیدن، اعتراض کردن
pro tilt(also: -tangle)	مسابقه بین تیم های حرفه ای
provide	تهیه کردن، تدارک دیدن، مقرر داشتن
provision	۱- تهیه، تدارک ۲- بند، ماده، قید، شرط
provoke	خشمگین کردن، تحریک کردن، برانگیختن
proximity	نزدیکی، مجاورت، اطراف، حول و حوش
psychological advantage	غالب شدن به حریف از لحاظ روحی، برتری روحی و روانی
psychological approach	زاوی کردن یک مورد منفی از دیدگاه و تلقیات بازیکن

psychological conditioning	تمرین برای کسب آمادگی روانی
psychologist	روانشناس
psychology	روان شناسی، شناخت نفس
psycho- somatic characteristics	ویژگی های روان تنی (ویژگی هایی که تأثیر ذهنی بر روی وضع جسمی بازیکن را نشان می دهد)
publicity	۱- تبلیغات ۲- خبر، گزارش ۳- انتشار، ترویج، اعلام
puff	قلب انسان
puffed	عصبانی، ناراحت
pull	۱- کشیدن ۲- به سمت خود کشیدن ۳- مجذوب ساختن، به سوی خود کشیدن، جلب توجه کردن
pull a boner	۱- سرهم بندی کردن، سنبل کردن ۲- مرتکب اشتباه شدن
pull a stunt	با درایت کاری را انجام دادن
pull – away for quick shot off the board	گام به عقب برداشتن برای اجرای شوت سریع از توپ برگشتی از تخته یا توپ ریاند
pull back	به عقب حرکت کردن، عقب کشیدن، عقب نشینی کردن
pulled muscle	کشیدگی عضله، پارگی جزئی عضلانی، استرین عضلانی
pulled tendon	کشیدگی رباط یا زردپی، آسیب دیدگی رباط یا زردپی
pull – out	عزیمت، حرکت
pull out	۱- عقب کشیدن ۲- ایستادن ۳- دست کشیدن
pull out of it	دو باره به دست آوردن، بازیافتن، پیدا کردن، بهبود یافتن
pull-out play	بازی با برگشت از زیر حلقه بعد از پاس منجر به گل به سانتر که در موقعیت شوت قرار دارد
pull over a fast one	بازی غیر منتظره سریع و خوب
pull-up jumper	شوت جفت
pull-up jump shot	شوت جفت
pull-ups	بارفیکس
pump	۱- باد کردن، تلمبه زدن ۲- باد کردن توپ ۳- گرفتن توپ در زیر چانه و کمی نشستن روی پاها قبل از اقدام به شوت جفت ۴- فریب پرش و شوت به سمت سبد و سپس با پریدن مدافع به بالا، اقدام واقعی برای شوت جفت ۵- قلب
pump fake	فریب پرش و شوت و با فریب خوردن مدافع، پرش و اقدام به شوت واقعی
pumping motion	حرکتی شبیه تلمبه زدن (در طول دریبل به کار می رود)
pumpkin	(کدو سبز بزرگ، کدو) توپ بسکتبال
punch	ضربه مشت
punch the gap	پر کردن یک فضای خالی، پر کردن جای خالی
punch the zone	حمله کردن از ما بین فضاهاى خالی، حمله کردن از شکاف بین منطقه دفاعی

punctual	وقت‌شناس، خوش قول، بموقع، سر وقت، دقیق
punish	ادب کردن، تنبیه کردن، گوشمالی دادن، مجازات کردن، کیفر دادن
punishment	جزا، عقوبت، کیفر، مجازات، تنبیه، گوشمالی
punitive	تنبیهی، کیفری
punitive action	تنبیه، مجازات
punk	۱- چرند، مزخرف، بنجل، دست دوم ۲- بازیکن درجه دو
punkaroo	بازیکن درجه دو، بازیکن متوسط، بازیکن ضعیف
punk-dunk	اسپک کردن توپ داخل حلقه همراه با پرش جفت
punkin(dist. Of Pumpkin)	توپ بسکتبال
punkins	۱- چیزهای مهم ۲- پرتاب توپ
pure shooting	مهارت در شوت دقیق
purpose	هدف، قصد، نیت، منظور
purposeless	بی هدف، بی قصد، بی جهت، بیهوده، عبث
pursuant	متعاقب، مطابق، پیرو، دنبال کننده
pursue	از پی (کسی یا چیزی) رفتن، تعقیب کردن، پی گیری کردن
pursuit	تعقیب
push	۱- هل دادن ۲- هل، فشار، حمله ۳- ستودن، تمجید و ستایش کردن ۴- پرتاب کردن توپ
pusher	بازیکن نیرومند و درشت هیكل
pushing	هل، فشار، حمله
pushing action	هل، فشار، حمله
push it up	حرکت دادن سریع توپ به طرف حلقه حمله
push off	۱- جهش کردن (با یک پا) ۲- شروع کردن، آغاز کردن
push off foot	چرخش روی پای جلو که باعث آزادسازی بازیکن از مدافع مستقیم خود می شود
pushover	بازی آسان
push-over	آسان، راحت
push-over	۱- به راحتی شکست دادن ۲- به راحتی پیروز شدن
push pass	پرتاب توپ به طرف هم تیمی همراه با کمی هل دادن به توپ (به طور معمول با دو دست از جلوی سینه)
push shot	پرتاب توپ به طرف حلقه با استفاده همراه کمی هل دادن به توپ (به طور معمول با دو دست از جلوی سینه)
push step	۱- جا باز کردن با استفاده از گام‌های کوتاه ۲- فشار با پا
push the ball	گریز با توپ به طرف حلقه، حمله
push the ball through the netting	امتیاز کسب کردن
push-up	شنا روی زمین

push – up basketball	بسکتبال هجومی
put	گذاشتن، قرار دادن، نهادن، جای دادن
put a tail on	تعقیب کردن، دنبال کردن حریف
put beef (also: -meat, -muscle,-powder,-steam)in to the play	بیکار بردن قدرت فیزیکی در بازی، به نمایش گذاشتن بازی قدرتی
put defensive pressure on the shooter	بازی درگیرانه علیه بازیکن شوتیست حریف
put in a bag (also: -sack)	شکست دادن، مغلوب کردن
put on	وزن زیاد کردن، چاق شدن، به وزن کسی اضافه شدن
put on an act	با ادعای زیاد کاری انجام دادن
put on ice	۱- خلاص شدن از، رهاهی یافتن از ۲- اطمینان دادن از پیروزی در بازی
put on the carpet	سرزنش کردن
put on the moan	شکایت کردن، ناله کردن، نالیدن
put on the pan	اسفزا کردن، مسخره کردن
put on the rack	دور ریختن، دور انداختن، کنار گذاشتن، از رده خارج کردن
put on the spot(also: -in the middle)	به خطر انداختن، به مخاطره انداختن
put steam behind it	محکم پرتاب کردن، محکم پاس دادن
put that in your hat	در این خصوص فکر کنید
put the ball back up	در هنگام ریاند با سرانگشتان توپ را به طرف حلقه پرتاب کردن
put the ball down	شروع کردن به دربیل
put the ball into play	پرتاب توپ به داخل زمین از خارج زمین
put the ball on the floor	شروع به دربیل کردن
put the ball through the hoop	کسب کردن امتیاز
put the ball to the floor	توپ را یک بار به زمین زدن (به منظور به دست آوردن تعادل قبل از شوت)
put the ball up	پرتاب توپ به طرف حلقه
put the opponent in jail	از حرکت انداختن حریف، از کار انداختن حریف، زمین گیر کردن حریف
put through a combination	بازی کردن با نقشه های متنوع و ترکیبی
put toes in hoop	اجرای شوت جفت با یک پرش عالی و بلند
put up shot	پرتاب توپ بر روی حلقه بمطور عمودی (بمطوری که به هم تیمی خود امکان گرفتن توپ ریاند را بدهیم)
pyramid	تمرین دویدن در طول زمین بازی؛ شروع از خط عرضی به طرف خط پرتاب آزاد و برگشت، دویدن به طرف خط وسط و برگشت، دویدن به طرف خط پرتاب آزاد در زمین مقابل و برگشت، دویدن به طرف خط عرضی زمین مقابل و برگشت، دویدن به طرف خط پرتاب آزاد زمین مقابل و برگشت، دویدن به طرف خط وسط و برگشت، دویدن به طرف خط پرتاب آزاد و برگشت. محدوده زمانی این حرکت ۵۵ ثانیه می باشد.
pyramid across	تمرین دویدن در امتداد عرض زمین بازی؛ شروع از خط طولی به طرف خط

	<p>کناری منطقه کلید و برگشت، دویدن به طرف خط کناری منطقه کلید در سمت دیگر و برگشت، دویدن به طرف خط طولی در سمت مقابل زمین بازی و برگشت ، دویدن به طرف خط کناری منطقه کلید و برگشت . محدوده زمانی این حرکت ۲۵ ثانیه می باشد</p>
<p>pyramid of success</p>	<p>هرم موفقیت؛ ساختاری است که از سوی یکی از کارشناسان برجسته و تحصیل کرده بسکتبال آقای جان وودن مطرح شده و نمایانگر فلسفه مربیگری در ورزش است. آقای وودن سال های متمادی به عنوان سرمربی دانشگاه کالیفرنیا در لوس آنجلس که UCLA مشهور است خدمت کرده است. او بر این باور بود موفقیت نباید براساس تعداد برد و باخت مسابقات باشد، بلکه باید براساس عملکرد فردی در رابطه با توانایی خود و در مقایسه با دیگران باشد. موفقیت به عنوان آرامش ذهنی وقتی حاصل می شود که نتیجه مستقیم رضایت از خود باشد، بدانید که بهترین کار را برای بهتر شدن انجام دادید که توانایی آنرا داشتید.</p> <p>هرم موفقیت دارای پنج ردیف است که ۱۵ ویژگی و کیفیت را شامل می شود و کسب این قابلیت ها رسیدن فرد را به قله این هرم که همانا موفقیت است تضمین می کند. قاعده این هرم را صفاتی همچون : سخت کوشی ، دوستی، وفاداری، همکاری و شور و شوق تشکیل می دهد. اولین ردیف شامل ویژگی هایی چون: همت و صداقت است . ردیف بعدی تسلط بر خویشتن، هوشیاری، ابتکار و مصمم بودن است . ردیف سوم در این هرم شامل؛ آمادگی ذهنی روانی ، اخلاقی و جسمی ، مهارت در انجام اصول پایه ای و روح تیمی است که با انطباق پذیری و شرافت مندی با ردیف پایین هرم متصل می شود. ردیف چهارم را صفاتی همچون وقار و اعتماد به نفس تشکیل داده که با تدبیر و انسجام شخصیت به ردیف سوم متصل می شود . تنها بلوک ردیف پنجم، ایجاد رقابت است که توسط مبارزه و اعتبار به ردیف چهارم وصل است.</p>

QQQQQQQQQQQQQQQQQQQQ	
<i>Quadriceps</i>	ماهیچه چهار سر
Quad stretch	تمرین کششی؛ گرفتن پشت پاها در حالت نیمه خم
Quakers	نام تیم بسکتبال دانشگاه پنسیلوانیا در فیلادلفیا (پنسیلوانیا) که در لیگ ایوی بازی می کند.
Qualification	برآورد، ارزیابی، ارزیابی در جرطن مسابقه
Qualification tournament	مسابقه با هدف ارزیابی شرکت کنندگان
Qualify	ارزیابی کردن، تخمین زدن، برآورد کردن، منظم کردن، کنترل کردن
Quality	۱- کیفیت، مرغوبیت، خصلت، صفت ۲- بازیکن درجه یک، عالی
<i>Quarter</i>	۱- یک چهارم ۲- بازی بسکتبال که تقسیم به چهار زمان ۱۲ دقیقه ای که زمان اول و دوم، شامل نیمه اول و زمان سوم و چهارم شامل نیمه دوم محسوب می شود.
Quarterback	بازیکن توپ پخش کن (واژه ای که از فوتبال آمریکایی گرفته شده)
Quarterback pass	پاس دست به دست برگشتی به هم تیمی که از کنار شما برش می کند.
Quarter- final	بازی یک چهارم نهایی
Quarter horse	بازیکنی که خیلی زود در برابر مقاومت حریفان تسلیم می شود.
Quarter turn toward the ball	چرخش تقریباً ۹۰ درجه ای ببطرف حریف مالک توپ
Queer	گول زدن، فریب دادن، تقلب کردن
Question	پرسش، سؤال، پیمیدن، سؤال کردن، جو یا شدن
Quick	سریع، تندرو، چابک، تند و تیز
Quick break	ضد حمله
Quicken	تند کردن، تند شدن، سرعت گرفتن، تسریع کردن
Quick forward	بازیکن فوروارد سریع، بازیکن بال سریع
Quick – handed	دست های سریع در حرکت
Quick hands	حرکت سریع دست ها
Quick hitter	پاس تیز و تند، پاس سریع، شوت سریع
Quick jump	پرش سریع با زانوهای خم و دست های بالا
Quick lay – up after a head fake to the	شوت سه گام سریع بعد از حرکت گول سر ببطرف حلقه
Quick look	درک سریع، قوه تشخیص سریع
Quickness	تندی، زودی، فوریت، سرعت انتقال
Quickness without hurry	سرعت بدون عجله
Quick on the trigger	تیزهوش، سریع الانتقال، زود فهم
Quick pass	پاس سریع به هم تیمی
Quick push	تیمی که به راحتی شکست می خورد.



Quick reverse	پاس برگشتی به هم تیمی ای که برش می کند
Quick shot	پرتاب توپ سریع بمطرف حلقه (بدون نیاز تمرکز و آمادگی)
Quick stop	فرود آمدن بر روی هر دو پا به صورت موازی در یک زمان
Quick stop and fade – away	شوت جفت با بدنی متمایل به عقب و زانوهای نیمه خم بعد از فرود آمدن بر روی هر دو پا به صورت موازی در یک زمان
Quick stop and turn	چرخش روی هر یک از پاها بعد از متوقف شدن بر روی هر دو پا به صورت موازی در یک زمان
Quick switch press ( pressure, pressing )	دفاع در گیرانه همراه با تغییر سریع پوشش یا سوئیچ
Quint	پنج بازیکن در زمین بازی
Quintet	تیم بسکتبال (در زمین بازی)
Quit	ترک کردن کار، رها کردن، ول کردن، دست کشیدن از
Quite a...	خیلی خوب
Quite a few	بسیار، زیاد، چندین، خیلی
Quite a shucks	مهم، با اهمیت، قابل توجه
Quite some	بزرگ
Quite the cheese	چیزهای عالی
Quits	منع، ایست، توقف

RRRRRRRRRRRRRRRRRRRRRR	
Rabbit	بازیکن ترسو
Rabbit fever ( also heart )	ترسویی، بزدلی
Race	مسابقه دوی سرعت
Race horse	اسب مسابقه
Race horse basketball	بازی پر هرج و مرج (به ویژه در ضد حمله)
Racers	نام تیم بسکتبال دانشگاه ایالت مارای استیت در مارای (کتناکی) که در کنفرانس اوهایولی بازی می کند.
Rack	۱- چوب لباسی، چوب رختی ۲- قفسه ۳- حلقه بسکتبال ۴- سبد
Racket	واژه ای که تا سال ۱۹۴۸ برای منطقه ی کلید همراه با دایره پرتاب آزاد بیکار گرفته می شده است
Raging Cajuns	نام تیم بسکتبال دانشگاه جنوب غربی لوئیسینا در لافایت (لوئیسینا) که در کنفرانس سان بلت بازی می کند.
Rainbow warriors	نام تیم بسکتبال دانشگاه هاوایی در هونولولو (هاوایی) که در کنفرانس کاست آتلانتیک بازی می کنند
Raise	بلند کردن، بالا بردن
Raise a kick	شکایت کردن، اعتراض کردن، مخالفت کردن
Rais hell	بدحرفی کردن، پرخاش کردن، اوقات تلخی کردن
Raise the hand	بالا آوردن دست به منظور اعلام آمادگی برای دریافت توپ
Raising	بالا آوردن، بلند کردن
Rally	۱-طنبایی، برگشت، ترمیم، بهبودی، دوباره جمع شدن ، صف آرایی کردن، دوباره جمع آوری کردن، دوباره بیکار انداختن، نیروی تازه دادن به ۲- حرکت، انیمیشن، جان بخشی، انگیزش، تحریک، سرزندگی
Ramble – scramble	دستپاچگی، گیجی، سردرگمی، اختلال، بهم ریختگی
Rambling wrecks	نام تیم بسکتبال آم وزشگاه جورجیا ...؟ در آتلانتا (جورجیا) که در کنفرانس کاست آتلانتیک بازی می کند.
Rams	۱- نام تیم بسکتبال دانشگاه ایالت کلورادو در فورت کلین (کلورادو) که در کنفرانس آتلنتیک غربی بازی می کند. ۲- نام تیم بسکتبال دانشگاه رود ایسلند در کنستن (رهود) که در کنفرانس آتلانتیک تن بازی می کند.
Rand J = Run and jump	بازی فشار در سرتا سر زمین
Range	۱- حد فاصل شوت ها ی هدفمند ۲- اندازه، میزان، مقدار، طول، گستردگی، وسعت، حد
Range of motion	حیطه حرکت
Close range shot	پرتاب توپ به طرف حلقه از فاصله کوتاه
Long range	دور، از راه دور، دور دست ( بیش از ۵-۶ متر )

Medium range	حد فاصل محدوده میانی (بین موقعیت پایین و بالا)
Medium range jump shot	شوت جفت از حد فاصل محدودده میانی
Scoring range	فاصله مناسب برای شوت‌های هدفمند
Shooting range	فاصله مناسب برای شوت‌های هدفمند
Shooting range accuracy	حد فاصله‌ای که شوت‌ها بصراحت گک می شود
Short range	فاصله کوتاه یا کم
Three- points range	حد فاصل شوت از پشت خط سه امتیازی
Ranked	طبقه‌بندی شده، رده‌بندی شده، دسته‌بندی شده
Raking	رده‌بندی، طبقه‌بندی
Ranks	۱- تعویض‌ها ۲- اعضای احتمالی تیم
Rapid	سریع، تند، تیز
Rapidity	تندی، سرعت، چابکی، چالاکی
Rapid motion	حرکت انفجاری، حرکت ناگهانی
Rapid pass	پاس فوری، پاس ناگهانی، پاس بسیار سریع
Rapport	تفاهم، حسن تفاهم، سازگاری، رابطه نزدیک
Rare	کم‌یاب، نادر، دیر یاب
Rarely	به‌ندرت، کم
Rate	۱- ارزیابی کردن، ارزشیابی کردن، بر آورد کردن ۲- ارزیابی ۳- سرعت، میزان، آهنگ
Rater	ارزیاب، تخمین زن
Rate sheet	برگ یا فهرست ارزش‌یابی
Rating	ارزیابی، تخمین
Rattle	بی تاب بودن، حرص و جوش خوردن، جوش زدن، نحسی کردن، ناراحت بودن
Rattled	عصبی، بی تاب، معذب، ناراحت
Rattle the bones	عجله کردن
Razorbacks	نام تیم بسکتبال دانشگاه یا آرکانزاس که در کنفرانس جنوب شرقی بازی می‌کند.
Razor shape	شرایط عالی، خوب
Razor – harp	۱- در فرم ایده‌ال، تو فرم ۲- در آمادگی کامل
Razz	دلخور کردن، سر به سر گذاشتن، آزردن
Razzle – dazzle	روش بازی که تیم حریف را سر در گم می‌کند
Reach	کشیده شدن، کشیدن، کش دادن، امتداد دادن
Reach – back shot	با بُرش به سمت سید و رد کردن سید و رسیدن به اطراف خط انتهایی زمین برای انجام شوت معمولی مشکل است، بنابراین، در چنین مواقعی از این نوع شوت استفاده می‌شود؛ کشیدن دست به عقب و پرش روی پای

	مخالف دستی که با آن شوت زده شده و چرخش سریع بدن بمطوری که بازیکن را رو به سبد قرار می دهد
Reach for the ball	گرفتن توپ، قاپیدن توپ
Reach out	دست را دراز کردن
React	واکنش نشان دادن، عکس العمل نشان دادن
Reaction	واکنش، عکس العمل
Reaction time	زمان واکنش، عکس العمل
Reaction to a stimulus	آسیب پذیری نسبت به تکان ها یا محرک ها
Reactivity	واکنش پذیری
Read	۱- خواندن، قرائت کردن ۲- فهمیدن ۳- تمیز دادن، تشخیص دادن (بلندی یا حرکت)
Read a lesson (also: -a chapter)	مؤاخذة کردن، سرزنش کردن
Read-and-determine movement	تصمیمی که بر اساس حرکت یا هدف حریف اتخاذ می شود
Read for the cut off the screen	بهره برداری کامل از اسکرین و انجام بهترین بُرش با استفاده از اسکرین
Readiness	آمادگی، اشتیاق
Read off the screen	بازی خوانی در انجام بهترین اسکرین که بتوان از آن بهره برداری کرد
Read the defense	تشخیص دادن سیستم دفاعی حریفان
Read the intent	به نیت کسی پی بردن
Read the opponent	پی بردن به تصمیم حریف (محاسبه، نقشه، سیستم)
Read the play	تشخیص دادن الگوی بازی
Read the pressure	تشخیص دادن دفاع پرس
Read the situation	خواندن موقعیت و وظایف حریفان
Ready	آماده، مهیا، آماده برای انجام وظیفه
Ready position	حالت آماده در بسکتبال (زانوها خم، دست ها بالا، سر بالا، نگاه مسقیم به جلو)
Ready up	تمرین دادن، آماده کردن، مربیگری کردن، تعلیم دادن
Real good	عالی، ممتاز
Realignment	آرایش جدید (بازیکنان)، تغییر موقعیت
Rear	۱- عقب، پشت ۲- عقب هر چیزی ۳- ما تحت، کپه، عقب
Rear cut	حرکت حمله؛ بازیکن به هم تیمی پاس داده و از پشت سر مدافع اش به طرف حلقه پیش می کند و آنجا منتظر پاس برگشتی می ماند.
Rear end	پشت، ما تحت، کپه، عقب
Rear pivot	چرخش به پشت به طرف عقب
Rear screen	ایجاد سد (اسکرین) از پشت
Rear slide step	گام به عقب برداشتن، سر خوردن به عقب
Rear sole touch	تمرین لمس کردن پاشنه پاها با دست ها

Rear turn	چرخش به پشت به طرف عقب
Reason	دلیل، علت، جهت، سبب، دلایل
Rebels	۱- نام تیم بسکتبال دانشگاه میسی سیپی در دانشگاه (میسی سیپی) که در کنفرانس جنوب شرقی بازی می کند. ۲- نام تیم بسکتبال دانشگاه نوادا - UNLV- در لاسوگاس (نوادا) که در کنفرانس بیگ وست بازی می کند.
Rebound	۱- توپ برگشتی بعد از برخورد به حلقه یا تخته ۲- گرفتن توپ برگشتی از حلقه یا تخته، ریباند، ریباند کردن
Rebound angle	توپ برگشتی از تخته بـشکل مورب یا زاویه دار
Rebound area	محدوده ریباند، مکانی که بیشترین توپ هایی که از حلقه یا تخته برمی گردد در آن نقطه فرود می آید، منطقه فعالیت بازیکن ریباند کننده
Rebound chart	نموداریا ثبت آماری ریباندهای موفق
Rebound cup	سه بازیکن یک تیم در آرایش ریباند
Rebound distance	۱- حد فاصل توپ ریباند یا توپ برگشتی از تخته یا حلقه ۲- حد فاصل توپی که ممکن است ریباند شود
Rebound drill	تمرین ریباند که از Toss Back یا یک وسایل مکانیکی دیگر استفاده شود.
Rebounder	بازیکنی که توپ ها را از حلقه می گیرد، ریباند کننده
Rebound goal	شوت با توپی که از ریباند به دست آمده
Rebound fast break	شروع ضد حمله با گرفتن توپ در ریباند دفاع
Rebounding	ریباند، گرفتن توپ بعد از برگشت از حلقه یا تخته
Rebounding area	محدوده ریباند، مکانی که بیشترین توپ های برگشتی از حلقه در آن نقطه فرود می آید، منطقه فعالیت بازیکن ریباند کننده
Rebounding shot	شوت با توپی که از ریباند به دست آمده
Rebounding territory	۱- محدوده ریباند، مکانی که بیشترین توپ های برگشتی از حلقه در آن نقطه فرود می آید، منطقه فعالیت بازیکن ریباند کننده ۲- منطقه مسئولیت بازیکن برای ریباندها
Rebounding triangle	آرایش سه بازیکن از یک تیم در موقعیت ریباند
Rebound jump	پرش برای گرفتن توپ ریباند یا توپ برگشتی از تخته و یا حلقه
Rebound ring	حلقه اضافه که روی حلقه اصلی برای تمرین ریباند قرار می گیرد.
Rebounds	مخفف شده به REB به معنای نشانهای در ثبت آماری
Rebound shot	شوت با توپی که از ریباند به دست آمده
Rebound under	۱- گرفتن توپ (ریباند) یا توپ برگشتی از حلقه یا تخته در زیر حلقه ۲- به دست آوردن موقعیت مثلث ریباند زیر حلقه
Best rebounder	بازیکن شاخص به واسطه به دست آوردن کنترل توپ های ریباندی، بهترین ریباند کننده
Clutch rebound	ریباند قوی، گرفتن قوی توپ برگشتی از حلقه یا تخته (توپ ریباند)

Defensive rebound	ریباند دفاع بعد از به هدر رفتن شوت حریف
Defensive rebounding pattern	آمادگی ریباند دفاعی برای گرفتن شوتی که توسط حریف به هدر می‌رود
Dome rebounding	تمرین ریباند با قرار دادن وسیله‌ای به شکل گنبد بر روی حلقه که شرایط ریباند را ایجاد می‌کند
Gain control of the rebound	گرفتن توپ از ریباند
Get rebound position	به‌دست آوردن مکان مناسب برای ریباند
Haul down a defensive rebound	گرفتن یا پایین آوردن توپ ریباند در دفاع
Intermediate rebounder	بازیکنی که توپ ریباند را در محدوده ۳ تا ۵ متری از حلقه می‌گیرد.
Key area rebounder	بازیکن ریباند کننده در موقعیت منطقه‌ی کلید
Key rebounder	۱- بازیکن ریباند کننده در موقعیت منطقه‌ی کلید ۲- بازیکن ریباند کننده اصلی
Left hand rebound	گرفتن یا زدن توپ ریباند با سر انگشتان دست چپ
Long rebound	گرفتن توپ ریباند دورتر از حلقه یا تخته
Long rebounder	بازیکنی که توپ ریباند را دورتر از حلقه یا تخته بگیرد.
Offensive rebound	در ریباند حمله توپ را با سر انگشتان زدن (در یک فرصت توپ را با سر انگشتان در موقعیت ریباند برای دومین شوت زدن)
Offensive rebound position	موقعیت مناسب در ریباند که امکان گرفتن یا زدن توپ ریباند با سر انگشتان را بوجود می‌آورد
Off – side coverage for rebounding	پوشش دادن ریباند در سمت دیگر حلقه ، در مقابل سمتی که پرتاب صورت می‌گیرد
Out – rebound	بهترین ریباند را انجام دادن، شکست دادن در ریباند
Primary rebounder	ریباند کننده ماهر، ریباند کننده‌ای که اصول ریباند را مراعات می‌کند
Right hand rebound	گرفتن یا زدن توپ ریباند با سر انگشتان دست راست
Short rebound	برگشت کوتاه توپ از تخته یا حلقه بعد از لو دادن توپ، توپ برگشتی کوتاه از تخته یا حلقه
Snare the rebound	گرفتن توپ ریباند از حلقه یا تخته
Tip up the rebound	اجرای شوت ثانویه از ریباند با سر انگشتان دست
Toss back rebound machine	دستگاه Toss Back برای ریباند
Triangle rebound position	آرایش سه بازیکن از یک تیم که آماده برای گرفتن توپ ریباند باشد.
Triangular rebound coverage	آرایش سه بازیکن از یک تیم که آماده برای گرفتن توپ ریباند باشد.
Triangular rebounding	گرفتن توپ ریباند توسط یکی از سه بازیکن در آرایش ریباند
Triangular rebound position	آرایش سه بازیکن از یک تیم که آماده برای گرفتن توپ ریباند باشد.
Two hand rebound	گرفتن توپ ریباند از حلقه یا تخته با دو دست
Wall rebounding drill	تمرین گرفتن توپ ریباند از دیوار
Rebuse	نکوهش، توییح، مؤاخذه، سرزنش، بازخواست

Recatch	دوباره بهدست آوردن (توپ)
Receive	دریافت کردن، گرفتن، به چنگ آوردن، گرفتن پاس
Receiver	بازیکن دریافت کننده توپ
Receiving the ball	دریافت توپ پرتاب شده توسط هم تیمی
Receiving a pass	دریافت توپ پرتاب شده توسط هم تیمی
Alternate receiver	گزینه‌های دریافت پاس؛ زمانی که دریافت کننده اصلی مسدود شده است
Distract the receiver	پرت کردن حواس بازیکن دریافت کننده توپ
Immediate pass receiver	دریافت کننده پاس مستقیم
Open receiver	هم تیمی بدون مدافع برای دریافت کننده توپ
Pass receiver	هم تیمی دریافت کننده پاس
Pass receiving	پاس را دریافت کردن
Player – to – player coverage on the receive	۱- دفاع انفرادی بازیکن از دریافت کننده توپ ۲- بازی یک علیه یک در برابر بازیکن دریافت کننده توپ
Primary receiver	هم تیمی که بهترین شرایط را برای دریافت پس دارد
Reception	دریافت توپ پرتاب شده توسط هم تیمی
Reception of a pass	دریافت توپ پرتاب شده توسط هم تیمی
Reception zone	محدوده‌ای که پاس دریافت می شود.
Recognition	تشخیص، شناخت، شناسایی، درک فهم
Recognizable	قابل تشخیص، شناخت پذیر
Recognize	شناختن، بهجا آوردن، تشخیص دادن
Recognized coach	مربی معروف، مربی شناخته شده، برجسته
Recoil	۱- برگشتن ۲- پس زنی ۳- عطف به‌ماسبق، عمل معکوس ۴- پس زدن
Recoiling action	حرکت پس زنی
Recollect	به یاد آوردن، به خاطر آوردن، به یاد داشتن
Recommend	پیشنهاد کردن، راهنمایی کردن، توصیه کردن
Record	یادداشت کردن، نگاشتن، ثبت کردن
Recorder	ثبات، نگارنده
Recover	۱- دوباره بهدست آوردن، بازیافتن، بهبود یافتن، بهوش آمدن، موقعیتی را دوباره بهدست آوردن ۲- برگرداندن به شرایط قبلی ۳- برگشتن به شرایط قبلی
Recovering a fumble	دو باره بهدست آوردن توپی که ناشیانه در دست گرفته شده باشد
Recover on defense	سازمان دادن دفاع، سازماندهی کردن دفاع بعد از دست دادن توپ
Recover one's legs	دو باره روی پاهای خود ایستادن (پس از زمین خوردن)
Recovery	۱- بهبود، بهبودی، بازیافت ۲- باز پس گیری توپ
Recross	حرکت متقاطع مجدد دو بازیکن در یک مرحله بازی
Recruit	ثبت نام کردن (بازیکنان، تماشاگران) عضو جدید گرفتن، یارگیری

	کردن
Recruiting	نام نویسی، ثبت نام
Recruiting inducements	انگیزه‌ها و محرک‌هایی (که به‌طور غیر مجاز) از سوی برخی مربیان برای جذب بازیکن به دانشگاه خود مورد استفاده قرار می‌گیرد
Rectangle	مربع مستطیل
Rectangular	مستطیلی
Rectify	درست کردن، اصلاح کردن، تصحیح کردن، غلط‌گیری کردن
Rectify an error	اصلاح کردن اشتباه، حذف یا تصحیح کردن اشتباه
Recuperation	بهبودی، نیروی تازه، رمق تازه، تجدید قوا
Red and blue	نام تیم بسکتبال دانشگاه پنسیلوانیا در فیلا دلفیا (پنسیلوانیا) که در لیگ IVY بازی می‌کند.
Redbirds	نام تیم بسکتبال دانشگاه ایالت ایلینویز در ایلینویز شمالی که در کنفرانس میسوری‌لی بازی می‌کند.
Red flag	علامت محدودیت خطای تیمی مطابق با قوانین FIBA که با رسیدن تیم به این محدودیت روی میز داوری سمت آن تیم گذاشته می‌شود و نشان‌دهنده آن است که این تیم محدودیت خطای تیمی دارد
Redhead	دانشجوی سال اول
Red- hot	دو آتشه، پرشور
Red hot	هم قسم شدن برای پیروزی
Red ink	خون
Redmen	نام تیم بسکتبال دانشگاه است جان در جامیکا (نیویورک) که در کنفرانس بی‌گلتست بازی می‌کند.
Red- necked	بد خلق، بد خو
Red raiders	۱- نام تیم بسکتبال دانشگاه کلگیت در همیلتن (نیویورک) در لیگ پا تریوت بازی می‌کند ۲- نام تیم بسکتبال دانشگاه تگزاس تکن یکال در لوباک که در کنفرانس مید آمریکا بازی می‌کند
Red shirt	بازیکن بسکتبال دانشگاه که از تیم‌اش برای یک فصل به‌منظور پیشرفت بازی‌اش به تیم دیگر نقل مکان می‌کند.
Redskins	نام تیم بسکتبال دانشگاه میامی در آکسفورد که در کنفرانس مید آمریکا بازی می‌کند.
Red tape	دوره معین تمرین
Reenter	دوباره وارد شدن (به زمین بازی)
Reestablish	دوباره برقرار یا تثبیس کردن
Reestablish position	دو باره به‌دست آوردن موقعیت
Ref	داور
Referee	داور مسابقات



Referee baiting	۱- آزار دادن داوور مسابقه ۲- سرکشی و توهین به داوور
Reference	ارجاع، مرجع، مراجعه، رجوع، منبع، مأخذ، عطف
Refinement	اصلاح، بهبود
Reflect	منعکس کردن، نشان دادن
Reflex	عمل غیر ارادی، واکنش غیر ارادی، واکنش سریع، بازتاب، انعکاس
Reflexive	انعکاسی
Reg	منظم، با قاعده، مرتب
Regain	بازیافتن، دوباره به دست آوردن، غالب شدن بر
Regimen	۱- مد ۲- رژیم غذایی
Regiment	(هنگک، فرج، جمع) تیم
Register	۱- ثبت کردن در صفحه امتیاز ۲- امتیاز کسب کردن ۳- امتیاز
Register big	به نتیجه مورد نظر رسیدن، موفق شدن، کامیاب شدن
Regroup	دوباره متشکل کردن، دوباره سازمان دادن
Regular	۱- منظم، با قاعده، مقرر ۲- قانونی ۳- صحیح ۴- مرتب، معین، عادی
Regular defense	سیستم دفاعی ای که به طور معمول به کار گرفته می شود
Regular job	بازیکنی با موقعیت ثابت در تیم، بازیکنی که جزء پنج بازیکن اصلی که برای شروع بازی وارد زمین می شوند می باشد.
Regular offense	سیستم حمله ای که به طور معمول به کار گرفته می شود
Regular position	موقعیت ثابت، غیر قابل تغییر
Regular round	مرحله اصلی تقویم مسابقات
Regular season	زمان مصوب برای برگزاری مسابقات
Regulation	۱- قانون، مقررات، دستور ۲- حکم، قاعده، ضابطه
Regulation backboard markings	خطوط رنگ شده روی تخته بسکتبال مطابق قوانین بازی
Regulation basket support	دستگاه بسکتبال که تخته و حلقه به آن نسب می شود
Regulation free throw lane	
Regulation -sized floor	زمین بازی مطابق با قوانین اف آی بی ای ، ان بی ای ، ان سی ای ای به شکل مستطیل و تقریباً هم اندازه است
Rehabilitation	توان بخشی، نوتوانی، نوسازی، مرمت، ترمیم، تعمیر
Reinsert	معرفی مجدد، رونق دادن یا باب کردن مجدد چیزی
Reiterate	تکرار کردن، تصریح کردن
Reiteration	تکرار، تصریح
Reject	رد کردن، نپذیرفتن
Rejection	دفع (پرتاب های توپ)، رد، عدم پذیرش
Relate	بازگو کردن، گزارش دادن، شرح دادن، نقل کردن، گفتن
Relation	خویشی، وابستگی، ارتباط، نسبت
Relationship	۱- خویشی، وابستگی، ارتباط، نسبت ۲- خویشی، خویشاوندی، قوم و

	خویش
Relative	۱- منسوب، خویشاوند ۲- وابسته، مرتبط ۳- نسبی، متناسب
Relative speed	سرعت نسبی
Relax	آرام کردن، کاستن، کم کردن، سبک کردن، تخفیف بخشیدن، آرام شدن، استراحت کردن، آرمیدن
Relay	۱- رساندن تحویل دادن ۲- نوعی بازی که در آن ورزشکاران به نوبت وظیفه معینی را انجام می دهند ۳- تکرار حرکت قبلی
Relay a pass	توپ دریافتی را به هم تیمی دیگر سپردن (به بازیکنی که از کنار شما برش می کند)
Relay man	بازیکنی که توپ را انتقال می دهد
Relay pass	پاس فوری بعد از دریافت توپ (سپردن توپ به بازیکن بعدی بدون زدن به زمین یا نگه داشتن آن)
Release	۱- آزاد کردن، خلاص کردن، رها کردن ۲- نجات دادن، رهایی دادن، رهانیدن ۳- خلاصی، رهایی (توپ)
Release area	قسمتی از زمین بازی که ممکن است یک پاس از همان جا هدایت شود. (به ویژه پاس شروع به ضد حمله)
Release man	ادامه پاس؛ زمانی که بازیکنی در حرکت دادن توپ مشکلی دارد، هم تیمی او حرکت کرده و با دریافت توپ ضمن رها کردن او از این موقعیت، توپ را به سمت دیگر پاس می دهد
Release passing angle	زاویه ای که پرتاب توپ صورت می گیرد.
Release point	بازیکن خود را در منطقه ای آزاد برای دریافت توپ قرارداد تا هم تیمی او که گیر کرده و به طور نزدیک دفاع می شود بتواند توپ را به او پاس بدهد
Release the cutter	کمک کردن به هم تیمی که به طرف حلقه برش می کند
Relent	نرم شدن، کمتر سخت گیری کردن، انعطاف نشان دادن، کوتاه آمدن
Relentless	سخت دل، بیرحم، بیرحمانه، مصمم، سرسخت، سرسختانه
Relevant	مربوط، ذی ربط، مربوط به موضوع
Reliability	اعتبار، قابلیت، اعتماد، وثوق
Relieve	تسکین دادن، تخفیف بخشیدن، راحت کردن، آسوده کردن
Relieve pressure	۱- از فشار رهایی پیدا کردن ۲- رهایی پیدا کردن از فشار حریفان
Relinquish	دست کشیدن، ترک کردن، صرف نظر کردن (از)، ول کردن
Reload	"گلوله گذاری مجدد" پاس دادن بیش از یک بار به یک بازیکن (در موقعیت شوت)
Relocate	تغییر موقعیت دادن
Remain	ماندن، اقامت کردن، باقی ماندن
Remaining man	۱- بازیکنی که در موقعیت خود می ماند ۲- بازیکنی که از پشت سر هم تیمی خودش به طرف حلقه حرکت می کند.

Remedial	درمانی، چاره ساز، مفید، اصلاحی، تقویتی، ترمیمی
Remedy	۱- کمک ۲- علاج، چاره، درمان ۳- دارو
Remove	زدودن، پاک کردن، دور کردن
Repeat	تکرار کردن، تجدید کردن، بازگو کردن
Repetitive	تکراری، بازانجامی
Repetition	تکرار، بازانجام
Repertory	گنجینه، مجموعه آثار، مجموعه
Replace	چیزی را تعویض کردن، جابجا کردن، جایگزین کردن
Replace a player	تعویض کردن بازیکن، تعویض کردن هم تیمی
Replacement	۱- تعویض، جایگزین، جانشین ۲- جایگزینی، جابجایی ۳- ذخیره ۴- تغییر موقعیت
Replace yourself	برگشتن به نقطه شروع بعد از حرکت برش
Replay	۱- انجام مجدد بازی ۲- باز آفرینی یک بازی یا بخش هایی از یک بازی به وسیله نوار آن بازی
Replenish	۱- دوباره پر کردن ۲- تهیه کردن ۳- تکمیل کردن
Report	۱- گزارش کردن ۲- گزارش ۳- گزارش از یک رویداد
Reposition	تغییر موقعیت، مکان، آرایش، الگو
Represent	بازی در تیمی که به عنوان نماینده یا منتخب یک مجموعه اجتماعی ، آموزشی، ملی یا منطقه ای است
Representative	۱- نماینده ۲- وکیل، مأمور
Rep sheet	برگه ارزیابی عملکرد رفتاری بازیکن (rep مخفف reputation: به معنی اعتبار، شهرت است)
Request	تقاضا کردن، خواستار شدن، خواهش کردن، تمنا کردن، درخواست، تقاضا
Request substitution	درخواست برای تعویض بازیکن (یا بازیکنان) در زمین بازی
Request time-out	درخواست زمان استراحت (درخواست تایم در بازی)
Require	احتیاج داشتن، نیاز داشتن، لازم داشتن، نیازمند بودن، مکلف کردن، ایجاب کردن، الزام کردن
Requirement	احتیاج، نیاز، نیازمندی، خواست، درخواست
Requisite	ضروری، لازم، مورد نیاز، واجب، بایسته، اساسی، مقتضی
Resentment	آزردگی، رنجش، دلخوری، خشم، عصبانیت
Reserve	۱- محفوظ نگاه داشتن، ذخیره کردن ۲- رزرو کردن (صندلی در سالن ورزشی) ۳- بازیکن ذخیره، بازیکن جایگزین
Reserve pivot ( from forward position )	جابجایی بازیکن فوروارد با بازیکن سنتر
Reserve power	
Reserves	بازیکن ذخیره، جایگزین (همچنین بازیکنان در دسته های سنی پایین تر یا

	در دوره‌های پایین‌تر یادگیری)
Reset	بازنشاندن، باز آراستن، راه اندازی مجدد
Reset offense	۱- تکرار کردن یک الگوی حمله ۲- باز آراستن یا باز چیدن یک الگوی حمله
Resile	بپگشتن به موقعیت اولیه (بعد از ترک کردن آن با فشار حریف)
Resilience	۱- جهندگی، حالت ارتجاعی (حلقه و تخته بسکتبال) ۲- نرمی
Resilience of the board	انعطاف پذیری تخته بسکتبال
Resistance	ایستادگی، مقاومت
Resolve	۱- حل کردن (مشکل)، رفع کردن، درک کردن
Resort	متوسل شدن
Resourcefulness	کاردانی، تدبیر
Respect	۱- احترام، عزت، ملاحظه ۲- احترام گذاشتن، محترم شمردن
Respect the opponent	احترام گذاشتن به حریف
Respect the rules	محترم شمردن قوانین بازی، اطاعت کردن از قوانین بازی، مراعات کردن مقررات بازی
Respiratory education drill	تمرین تنفسی مناسب، تمرین نفس کشیدن صحیح
Respite	استراحت، وقفه، فرجه، مهلت
Respond	۱- پاسخ دادن، جواب دادن ۲- واکنش نشان دادن
Response	جواب گویی، پاسخ، واکنش
Responsibility	مسئولیت، عهده، عهده‌داری، جوابگویی، وظیفه، تکلیف
Responsiveness	حساسیت، واکنش پذیری، تأثیر پذیری، شکنندگی
Rest	استراحت، خیال کسی را آسوده کردن، نگرانی و ناراحتی کسی را برطرف کردن
Restart a game	از سر گرفتن بازی، از نو شروع کردن بازی، دوباره مشغول بازی شدن، برگشتن به بازی
Rest easy	۱- خشنود بودن ۲- نگران نبودن
Rested	کسی که استراحت کرده و به همین دلیل پر انرژی باشد
Restrain	۱- جلوگیری کردن، ممانعت کردن، مهار کردن ۲- محدود کردن، منحصر کردن، دست و بال کسی را بستن
Restraining line	۱- خطوط دور زمین بازی که محدوده زمین را مشخص می‌کند ۲- خطوط کوتاه که مکان قرارگیری بازیکنان در خلال پرتاب آزاد را تعیین می‌کند.
Restrict	محدود کردن، منحصر کردن، دست و بال کسی را بستن
Restricted area	منطقه کلید، منطقه ۳ ثانیه
Restricted mobility	محدودیت حرکتی (ناشی از مصدومیت)
Restriction	منع، جلوگیری، محدودیت، شرط

Result	پی آمد، نتیجه، اثر، ثمر، حاصل، نتیجه بازی
Result of the game	نتیجه پایانی
Resume	از سر گرفتن، از نو شروع کردن، نیروی تازه گرفتن، احیا کردن
Resume the play	از سر بازی را شروع کردن
Resume the play at the point of interrup	از سر گرفتن بازی از جایی که آن متوقف شده است (برای مثال به دلیل شکستن تخته بسکتبال)
Resume the play pattern	از سر گرفتن بازی، از نو بازی را شروع کردن
Retain	حفظ کردن، نگاه داشتن، از دست ندادن، به خاطر داشتن، در ذهن نگه داشتن
Retain the dribble	حفظ دربیبل
Retie	از نو شروع کردن مسابقه
Retinue	همراهان
Retreat	عقب نشستن، عقب نشینی کردن، عقب نشینی، عقب نشینی به طرف دفاع
Retreat down the center	آزاد سازی در منطقه میانی زمین بازی
Retreating catch	قاپیدن توپ که با از دست دادن یا ربوده شدن آن همراه باشد (به طور معمول در زیر سبد)
Retreating defense	عقب نشینی دفاعی؛ برای مثال دفاعی که نتوانسته حمله را در منطقه بیرونی متوقف کند
Retreat pass	پاس برگشت برای انجام مجدد حرکت
Retreat step	گام زدن به عقب در حرکت پای دفاعی که با حرکت رو به جلو مهاجم هماهنگ است و باعث می شود که مدافع فاصله خود را با آن حفظ کند
Retrieval	بازیافت، حصول مجدد، جبران، اصلاح
Retrieve	بازیافتن، دوباره به دست آوردن، پس گرفتن، جبران کردن
Retriever	بازیکنی که توپ از دست رفته را دوباره پس بگیرد یا دوباره به دست آورد.
Return	بازگشتن، برگشتن، برگرداندن، برگشت، بازگشت، مراجعت
Return match	دومین مسابقه با همان حریف در زمین خودی یا زمین حریف، بازی برگشت
Return pass	پاس برگشتی
Return to form	بازیافتن، بهبود یافتن، سلامت خود را بازیافتن
Reveal	افشا کردن، فاش کردن، برملا ساختن، آشکار ساختن، معلوم کردن
Reversal	۱- تغییر مسیر ۲- شکست ۳- برگشت به حرکت یا الگوی اصلی
Reversal man	بازیکنی که به عقب پاس می دهد
Reversal option	برگشت به حرکت یا موقعیت اصلی
Reverse	۱- معکوس، وارونه، برعکس، ضد، خلاف ۲- حرکت برگشت ۳- برگشت به عقب، تغییر مسیر ۱۸۰ درجه ای ۴- پاس از یک طرف زمین

	به طرف دیگر
Reverse action	حرکت انعکاسی (بلزی تکرار شده در سمت مقابل مانند اینکه در آینه‌ای منعکس شده باشد)
Reverse action continuity	تکرار حرکت در سمت مخالف زمین (به‌عنوان مثال زمانی که حرکت در سمت راست زمین موفق نیست، آن‌را از سمت چپ ادامه می‌دهیم)
Reverse cut	دویدن یا برش کردن به عقب
Reverse direction	۱- مسیر مخالف ۲- حرکت به پشت
Reverse dribble	تغییر مسیر دربیبل با استفاده از چرخش به عقب یا به پشت
Reverse English	رفتار مخالف نشان دادن
Reverse lay – up	سه گام با عبور از زیر سبد و چرخش بدن به سمت سبد
Reverse pass	پاس برگشتی
Reverse pivot	چرخش ۱۸۰ درجه‌ای به عقب به‌طور همزمان روی هر دو پا بعد از متوقف شدن روی پاها یکی بعد از دیگری
Reverse pivot into the triple threat position	چرخش ۱۸۰ درجه‌ای به عقب به‌طور همزمان روی هر دو پا بعد از متوقف شدن روی پاها یکی بعد از دیگری در موقعیت تهدید سه گانه
Reverser	بازیکنی که به موقعیت قبلی برمی‌گردد
Reverser retreat step	گام به عقب همراه با تغییر مسیر؛ هر دو پا به سمتی که بازیکن صاحب توپ در حال دربیبل زدن است چرخش می‌کند
Reverse slam dunk	پرش در حالت پشت به سبد و چرخش در هوا به سمت سبد و اسپک زدن (توپ را با قدرت درون سبد قرار دادن)
Reverse spin	۱- چرخش رو به عقب، چرخش توپ به عقب به هنگام پرتاب ۲- چرخش رو به عقب برای جا گذاشتن حریف و تغییر مسیر ناگهانی به سمت سبد
Reverse stuff	اسپک کردن توپ بعد از پرش همراه با چرخش در هوا
Reverse to original position	برگشت به موقعیت اولیه
Reverse turn	چرخش ۱۸۰ درجه‌ای به عقب به‌طور همزمان روی هر دو پا بعد از متوقف شدن روی پاها یکی بعد از دیگری
Reverse T zone defense	دفاع منطقه‌ای بمشکل حرف T یا ۳-۱-۱ که سه بازیکن در امتداد خط پرتاب آزاد و چهارمین بازیکن زیر حلقه و پنجمین بازیکن بین آنها قرار می‌گیرد
Reverse walking	راه رفتن همراه با تغییر مسیر به سمت مخالف به وسیله چرخش رو به عقب و همزمان پاها بدون آنکه از زمین جدا شود
Revert	برگشتن
Revised interpretation	مفاد تغییر یافته
Revivication	باز جان بخشی، تجدید حیات، رونق تازه، بهوش آوردن
revolve	چرخیدن، گردیدن، دور زدن، تغییر کردن، گرداندن
Revolving offense	طرح حمله‌ای که حول یک بازیکن یا یک موقعیت انجام می‌شود

Reward	جایزه، پاداش
Rhombus ( diamond ) plus one	دفاع ترکیبی با چهار بازیکن در دفاع منطقه ای به شکل لوزی پیرامون منطقه کلید و یک بازیکن در دفاع یارگیری
Rhubarb	اشتباه، اشتباه لفظی
Rhythm	تمرین کار با توپ با باز کردن پاها و چرخاندن توپ بین پاها به صورت عدد 8 انگلیسی، و یا انداختن توپ بین پاها و گرفتن آن
Rhythmical	موزون، دارای وزن و آهنگ
Rib	دنده
Ride	۱- رفتن، بردن (توپ) ۲- سفر ۳- به ستوه آوردن حریف به صورت شفاهی بعلوری که او را عصبی و کم تأثیر کند
Ride out	از جای خود بیرون کردن، راندن (یک حریف از موقعیت)
Ride the ref	ناراضی بودن از تصمیمات داور
Ridicule	دست انداختن، مسخره کردن
Rig	نتیجه رقابتی را از قبل تنظیم و برنامه ریزی کردن
Right	۱- صادق، درست ۲- حق ۳- راست
Right forward	بازیکن بال در سمت راست
Right guard	مدافع در سمت راست
Right – handed	۱- بازیکن راست دست ۲- هر حرکت یا مانوری که با دست راست انجام می گیرد.
Right – hand lay – up shot	شوت سه گام با دست راست
Right handedness	عادت به استفاده از دست راست بیش از دست دیگر
Right hand rebound	گرفتن یا زدن توپ ریباوند با سر انگشتان دست با دست راست
Right off the bat	بلافاصله، بی درنگ، بی معطلی، به محض اینکه
Right off the bench	درست بعد از بلند شدن از روی نیمکت، درست بعد از تعویض و وارد شدن به زمین
( Right ) on the dot	دقیق، وقت شناس، بموقع
Right or left shoulder pass	پرتاب توپ به طرف هم تیمی از روی شانه راست یا چپ
Right or left shoulder shot	پرتاب توپ به طرف حلقه با یک دست از روی شانه راست یا چپ
Right over left, left over right	تمرین کششی؛ خم کردن دست راست روی کتف چپ و دست چپ روی کتف راست بعلور متناوب
Right shot	شوت مناسب
Right there	بی درنگ، سریع، فوری
Rightly	بازیکن راست دست
Rigid	انعطاف ناپذیر، تغییر ناپذیر، سخت
Rigidly mounted backboards	تخته هایی که محکم نصب شده باشد
Rigout (also: Rig out )	لوازم، اسباب، تجهیزات، دستگاه ها

Rifle a throw	محکم پرتاب کردن یا پاس دادن
Rim	حلقه (بسکتبال)
Rim insert	حلقه‌ای که روی حلقه بسکتبال قرار می‌گیرد و محیط حلقه بسکتبال را کاهش می‌دهد (برای تمرین شوت)
Rim touches	تمرین؛ پرش همراه با لمس کردن حلقه بسکتبال
Back rim	قسمت عقب حلقه بسکتبال
Feet point rim	طرز قرارگیری پاها در هنگام نشانه‌گیری حلقه برای شوت
Front rim	قسمت جلوی حلقه
Grab the rim	گرفتن حلقه بسکتبال
Roll around the rim	چرخش یا غلتیدن توپ روی حلقه بسکتبال
Smaller rim	حلقه‌ای که روی حلقه بسکتبال قرار می‌گیرد و محیط حلقه بسکتبال را کاهش می‌دهد (برای تمرین شوت)
Ring	حلقه بسکتبال با تور
Ringer	۱- کسب امتیاز ۲- بازیکن ذخیره ۳- امتیاز یا برتری ناعادلانه
Ring – in	بازیکن جانشین، ذخیره
Ring – tailed howitzer	شوت نزدیک که با قدرت و با کوبیدن آن به سمت سبد انجام می‌شود
Ring the bell	کسب کردن امتیاز
Ring the bucket	کسب کردن امتیاز
Ring up the curtain	اولین امتیاز مسابقه را کسب کردن، طنزی را شروع کردن
Rip	۱- دریدن، گسیختن، پاره کردن، شکافتن ۲- شلیک کردن
Rip/chin ) (also : Rip and chin)	توپ ریاند را به طرف زیر چانه کشیدن (برای حفظ کردن توپ در برابر حریفان)
Rise above the pack	شناخت آمادگی و قابلیت های خود در مقایسه با اعضای دیگر تیم، موقعیت خود را بهبود بخشیدن و خود را نسبت به اعضای دیگر تیم بالا کشیدن
Rise up	ایستادن روی پنجه‌های پا
Rising star	
Risk	جرأت کردن، به خطر انداختن، جسارت، ریسک
Risky	پر مخاطره، ریسک دار
Ritual	روال یا روشی که همیشه قبل یا در هنگام حرکات مطمئن دنبال می‌شود. (قبل از پرتاب آزاد)
Road	جاده، بزرگ راه
Road game	مسابقه در خانه حریف، در زمین حریف
Road team	تیمی که در زمین حریف نتیجه خوبی می‌گیرد.
Roamer	بازیکن فعال یا مؤثر، بازیکن پر جنب و جوش
Roar	شکایت کردن، غرغر کردن



Robber	داور
Rock	۱- چرخاندن، لُتَب دادن، تاب خوردن، حرکت موزون ۲- سنگ، قلوه سنگ ۳- توپ بسکتبال
Rocker	حرکت تاب خوردن به جلو و عقب (شبه گهواره)
Rocker movement	انتقال حمله از یک سمت زمین بازی به سمت دیگر
Rocker step	حرکت چرخش یا پیوت با توپ به جلو و عقب، حرکات فریب دهنده و گول زننده که توسط بازیکن حمله کننده با توپ برای به اشتباه انداختن مدافعش انجام می شود
Rocker step and shot	گول با گام بلند به طرف جلو یا کنار و بعد از فریب خوردن مدافع حریف برگشت به نقطه اولیه و اقدام کردن به شوت
Rockets	نام تیم بسکتبال دانشگاه تولدو در تو لدو (اهیو) که در کنفرانس مید آمریکن بازی می کند.
Rock goes in the air at 8	بازی در ساعت ۸ بعد از ظهر شروع می شود.
Rocking motion	حرکت تاب خوردن (به جلو و عقب)
Rocking pivot	چرخش گهواره ای از سوی بازیکن پُست؛ گام زدن چرخشی به سمت جلو و همزمان خم شدن به عقب به منظور به هم زدن تعادل مدافع
Rods	دنده ها
Role	موقعیت در یک تیم
Roll	چرخیدن و برش کردن به طرف حلقه بعد از بلاک ایجاد سد کردن مدافع
Roll around the rim	چرخش توپ روی حلقه بسکتبال
Roll back	حرکت به عقب همراه با چرخش (برای دریافت پاس)
Roll off	حرکت همراه با چرخش از پشت ایجاد سد (اسکرین) به طرف حلقه
Roll off from fingertips	چرخش به عقب دادن توپ به با حرکت سر انگشتان در هنگام پرتاب
Roll – off man	حرکت رُل کردن بازیکن از ایجاد سد یا اسکرین
Roll – off move	چرخش به طرف بیرون، چرخش در مسیر مخالف حلقه
Roll – off the opponent	دور شدن از حریف با یک چرخش
Roll – off the shot	با نوک انگشتان توپ را درون سبد هل دادن
Roll out	حرکت کردن از زیر محدوده حلقه با یک چرخش
Roll out and cut	حرکت کردن از زیر محدوده حلقه با یک چرخش که با یک برش دنبال می شود
Roll outside	حرکت همراه با یک چرخش به طرف خارج منطقه کلید
Roll ( over )	به راحتی پیروز شدن
Roll pass	پاس دادن با غل دادن توپ به سمت هم تیمی
Roll pivot	چرخش به طرف جلو
Roll the ball	غل تاندن توپ روی زمین

Roll the ball on arms	غالبتدن توپ روی دست‌هایی که از دو طرف کشیده شده باشد
Rookie of the year	عنوان بهترین بازیکن کنفرانس منطقه ای، یا کل لیگ (که از سوی NBA انتخاب شده و جایزه دریافت می‌کند)
Room	اتاق، اتاق خواب
Root	کف زدن، دست زدن، تشویق کردن
Rooter	هوادر وفادار، تماشاگری که تیمش را تشویق می‌کند.
Root for	تشویق کردن، هورا کشیدن
Rope	۱- طناب، ریسمان ۲- طناب بازی، طناب زدن
Rope climbing	بالا رفتن با طناب
Rope jumping	طناب زدن
Rope skipping	طناب زدن
Roster	فهرست بازیکنان، اسامی بازیکنان
Rotate	۱- چرخاندن، پیچاندن، چرخیدن، به‌محور خود گردیدن، دوران کردن ۲- تغییر موقعیت دادن، جابجا کردن موقعیت
Rotate into the drill	وارد شدن به ایستگاه بعدی تمرین
Rotate the ball	چرخاندن توپ، چرخیدن توپ
Rotating post play	گردش بازیکنان که یکی بعد از دیگری وارد موقعیت سنتر می‌شوند
Rotation	چرخش، گردش به‌دور، دوران
Rotation offense	حمله با گردش بازیکنان
Rotten	بد سیرت، بد اخلاق، زشت رفتار، هرزه، فاسد
Rough	۱- وحشی، بی رحم ۲- ناجوانمرد، مغرضانه
Rough diamond	نامزد بهترین بازیکن
Rough going	بازی خشن، محکم
Roughhouse	۱- تندی، خشونت، ۲- با خشونت رفتار کردن
Roughie	بازیکن خشن
Roughneck	بازیکن بزرگ
Roughness	بیرحمی، وحشیگری
Rough play	بازی خشن
Rough spot	۱- نقطه ضعف در بازی ۲- موقعیت تهدیدآمیز
Rough up	۱- بروز دادن رفتاری به دور از نزاکت ۲- باعث آسیب جزئی در حریف شدن
Roundball	لایه‌ای که از سوی برخی روزنامه‌نگاران بد خواه به توپ بسکتبال اطلاق می‌شود
Round in (also: -up)	گرد آمدن، جمع شدن
Round robin	مسابقات دوره‌ای که هر تیمی با تیم دیگر بازی می‌کند، مسابقات دوره‌ای

Round robin tournament	مسابقات دوره‌ای که هر تیمی با تیم دیگر بازی می‌کند، مسابقات دوره‌ای
Roust	۱- بیدار کردن، سر شوق آوردن ۲- برانگیختن
Route	مسیر، راه
Routine	جریان عادی، امر عادی، معمولی
Routine pass	پاس معمولی
Rover	۱- سرگردان، سیار، آواره ۲- بازیکنی بدون موقعیت ثابت در حمله که مطابق با پیشرفت شرایط بازی حرکت می‌کند ۳- بازیکن مهاجم آزاد یا بدون مدافع در حمله علیه دفاع منطقه‌ای، یا بازیکن آزاد در هر مسیری برای پیدا کردن موقعیت شوت ۴- بازیکن مدافع در آرایش تعداد زوج بازیکنان در خط اول دفاع منطقه‌ای فعال در برابر بازیکنان حمله
Row	۱- ردیف، صف، حد و حدود ۲- ردیف صندلی ۳- مسابقه، بازی ۴- جنگال پر سر و صدا، قیل و قال
Rub	پاک کردن، خشک کردن
Rubber	محصولی از درخت کائوچو که برای ساختن توپ به کار می‌رود
Rubber ball	تویی که از مواد کائوچو ساخته می‌شود، توپ بسکتبال
Rubber drills	تمرینات کششی
Rubber legs	پاهایی با قابلیت بالا در پرش
Rubber sock	بازیکن ترسو، بز دل
Rubdown	سرزنش، چوبکاری، مشت و مال
Rub off	رهایی یافتن از مدافعی که در ایجاد سد (اسکرین) به مهاجم چسبیده باشد، چسبیدن مدافع حریف به مهاجم در ایجاد سد (اسکرین)
Rub- out	حذف، رفع، برطرف سازی، ریشه کنی
Rub out	رهایی یافتن از مدافعی که در ایجاد سد (اسکرین) به مهاجم چسبیده باشد، چسبیدن مدافع حریف به مهاجم در ایجاد سد
Rugged	نیرومند، قوی، خشن، پرزور، سرسخت
Rugged play	بازی سخت، بازی محکم، خشن
Rule	قانون، مقررات، حکم، دستور، آیین نامه
Rule book	کتاب قانون
Rules committee	کمیته قوانین و مقررات
Rules infringement	سرپیچی از مقررات، خطا
Rules of game	قوانین و مقررات بازی بسکتبال؛ قوانین اولیه این بازی از سوی مبتکر این بازی آقای دکتر جیمز نیسمیت در دسامبر ۱۸۹۱ متشکل از ۱۳ قانون وضع شد. قوانین فعلی NCAA (۱۹۹۴) متشکل از ۱۱۴ ماده یا بخش می‌باشد. قوانین رسمی FIBA که در اجلاس جهانی در تاریخ دوم آگوست ۱۹۹۴ مورد تصویب قرار گرفت، شامل ۶۱ ماده است.
Rule the paint	کنترل کردن منطقه کلید

Competition rules	قوانین و مقررات مسابقه
Five seconds rule	قانون ۵ ثانیه
Infraction of the rules	نقض مقررات، نقض قوانین
Intent of rules	مفاد مقررات بازی
Knowledge of rules	آشنایی با مقررات یا قوانین
Offensive charge rule	خطای شارژ بازیکن حمله
Spirit of the rules	روح قوانین (در برابر نص قانون)
Three – seconds rule	قانون ۳ ثانیه که مقررات مربوط به ۳ ثانیه و پی آمد این تخلف را بیان می‌دارد
Three – seconds rule violation	خطای ۳ ثانیه خطایی است که بازیکن مهاجم بیش از ۳ ثانیه در منطقه کلید حریف بماند و جزای آن از دست دادن مالکیت توپ می‌باشد.
Rum go	۱- فلاکت، بدبختی، گرفتاری ۲- شروع ضعیف
Run	دویدن، پیمودن
Run against	ستیز کردن، رقابت کردن
Run and gun	شوت کردن بعد از دویدن سریع بدون استفاده از محدوده ی زمانی و بدون حرکات کمکی مثل (ایجاد سد، گول، برش)
Run and jump	همراهی کردن یار و سپس انجام جهش و سوئیچ (تعویض یار) برای پوشش
Run and jump defense	دفاع بسیار درگیرانه یارگیری همراه با پرس در سرتا سر زمین بازی، ایجاد تله‌ها، تغییر پوشش یا سوئیچ و جلوگیری کردن از حرکاتشان
Run a play	به کار گرفتن نوع ویژه‌ای از بازی، نقشه بازی را در زمین اجرا کردن
Run-around	دور زدن هم تیمی مالک توپ و حریف مدافعش برای دریافت پاس
Run backward	عقب عقب دویدن
Run baseline	دویدن در امتداد خط عرضی
Run blind	دویدن بدون نگاه کردن به توپ
Run down battery	خالی کردن بدن (خستگی مفرط)
Run for ball	دنبال توپ دویدن، دویدن به طرف توپ
Run forward	به جلو دویدن، رو به جلو دویدن
Run hard	سریع دویدن
Run in place	در جا دویدن، در جا زدن
Run in with	رقابت کردن، مسابقه دادن
Run like devil	سریع دویدن
Running a play	اجرای بازی تهاجمی
Running and stopping full stride	دویدن سریع و توقف کردن بعد از رسیدن به حریف
Running backward	عقب عقب دویدن
Running broad jump	پرش طول

Running full stride	بسیار سریع دویدن، دویدن با بلندترین گام
Running in place	در جا دویدن
Running lay- up	شوت سه گام
Running one- hand push shot	پرتاب توپ همراه با دویدن با یک دست با کمی هل به توپ
Running one – hand set shot (one – count stop )	پرتاب توپ به طرف حلقه با یک دست در حالت ثابت بعد از فرود آمدن بر روی دو پا در یک زمان
Running one – hand set shot ( two – count stop )	پرتاب توپ به طرف حلقه با یک دست در حالت ثابت بعد از متوقف شدن بر روی دو پا یکی بعد از دیگری
Running one – hand shot	پرتاب توپ به طرف حلقه در هنگام دویدن با یک دست
Running pass	پاس در حال دویدن
Running rebels	نام تیم بسکتبال دانشگاه نوادا در لاس وگاس (نوادا) که در کنفرانس تیک اسکای بازی می کند
Running right – hander	شوتی است که در آن شوت کننده با آخرین سرعتش در زمین دویده بعد توقف کرده و با پرش و با دست راست توپ را به طرف حلقه پرتاب می کند
Running score	نتیجه جاری بازی
Running screen	ایجاد سد در هنگام دویدن
Running stride	دویدن با گام های بلند
Running summary	خلاصه وضعیت اطلاعات اصلی بازیکن در مسابقات جاری
Running team	تیمی که حرکات سریع را بدون ایستادن در یک مکان را ترجیح می دهد
Run off the center	دویدن از نزدیک بازیکن ستر
Run out	ضد حمله، حمله ی متقابل
Run over	تکرار کردن بازی، تکرار کردن یک حرکت
Run rusty	در فرم نبودن، آمادگی نداشتن
Run the court	بازیکن فعال، پر جنب و جوش
Run through leather	حرکت بازیکن در مسیر توپ برای دریافت آن
Run to recover	۱- دویدن به سمت موقعیت قبلی ۲- دویدن برای پوشش یار مهاجم که ه خود را آزاد کرده و پیش افتاده است
Runty	کوتاه، کوچکتر از حد معمول
Run up and sown the court	دویدن به جلو و عقب در زمین بازی (یک بسکتبالیست در طول مسابقه حدود ۸ تا ۱۱ کیلومتر می دود)
Run up against	رقابت کردن، مسابقه دادن
Ruptured tendon	زرد پی لپه شده، رباط کشیده شده
Rush	۱- حرکت شدید، حمله ۲- باعجله حمله کردن ۳- بازی کردن از روی بی فکری ۴- مسابقه بین دو کلاس از دانش آموزان
Rush a pass	شتاب کردن در پاس، عجله کردن در پاس

Rushed shot	شوت با عجله
Rusher	حمله کننده ی عجول
Russel elbows	روشی برای محافظت کردن از توپ ریباند با بالا آوردن آرنج ها (این حرکت بعد از اینکه توسط بیل راسل ، سانتر تیم بستون سلتیک اجرا می شد به نام او ثبت گردید
Rust in	ماندن، متوقف شدن در یک جا برای چند لحظه
Rustler	بازیکن فعال، بازیکن با انرژی
Rusty	بازیکن بدون تمرین، خارج از فرم، بازیکن ناآماده
Rusty neck	خشک شدن گردن، گردن خشک

Two -hands underhand driving -in shot	پرتاب توپ به طرف حلقه با دو دست از پایین بعد از نفوذ قوی به طرف حلقه
Two – hand underhand free throw	پرتاب آزاد با دو دست از پایین
Two – hand underhand lay – up	شوت سه گام به طرف حلقه با دو دست از پایین
Two – hand underhand shot	پرتاب توپ به طرف حلقه با دو دست از پایین
Two – hand underhand sweep shot	پرتاب پیچشی توپ به طرف حلقه با دو دست از زیر
Type of shot	نوع پرتاب توپ به طرف حلقه
Uncontested shot	پرتاب توپ داخل حلقه بدون مقاومت حریف
Under basket button – hook shot	شوت هوک با چرخش در هنگام پرش در موقعیت نزدیک و پشت به حلقه
Under – basket shot	شوت از موقعیت نزدیک به حلقه
Underhand free throw shot	پرتاب آزاد با دو دست از پایین
Underhand lay – up shot	شوت سه گام به طرف حلقه از پایین
Underhand lay- up with a twist	پرتاب سه گام به طرف حلقه از پایین همراه با چرخش
Underhand pivot shot	در شرایطی که بازیکن مدافع روی بازیکن مالک توپ فشار می آورد بازیکن مهاجم با یک چرخش توپ را از زیر دست بازیکن مدافع به طرف حلقه پرتاب می کند
Underhand shot	پرتاب توپ به طرف حلقه از پایین
Underneath shot	پرتاب توپ به طرف حلقه از زیر حلقه
Under- the-arm shot	پرتاب توپ به طرف حلقه از زیر دست حریف مدافع
Under – the – basket shot	پرتاب توپ به طرف حلقه از زیر حلقه
Unopposed shot	پرتاب توپ به طرف حلقه بدون مقاومت حریف
Unorthodox shot	شوتی که در شرایط غیر متعارف زده می شود
Up and under move	وانمود کردن به شوت جفت و در پی آن به طرف موقعیت شوت در زیر حلقه
Up -and -under pivot shot	وانمود به شوت جفت کردن و در پی آن نفوذ با یک چرخش یا پیوت برای شوت رها شدن
Variety of shots	تنوع شوت ها، مجموعه ای از شوت ها
Wheel and under (shot)	نفوذ بازیکن سنتر بعد از دو چرخش ۱۸۰ درجه ای به طرف موقعیت آزاد زیر حلقه و از همان جا اقدام به شوت می کند
Wild shot	شوت اتفاقی، پرتاب بدون آمادگی
Wing shot	پرتاب توپ به طرف حلقه از محدوده بال
Shoulder	شانه، دوش، کتف
Shouldering	هل دادن با کتف (تنه زدن)
Shoulder pass (one or two – hand)	پاس دادن از بالای شانه ها (با یک یا دو دست)
Shout	فریاد زدن، داد زدن، جیغ کشیدن، نعره زدن
Shove	۱- هل دادن، تنه زدن، با زور پیش بردن، پرتاب کردن، پرتاب شدن ، هل ۲- دور کردن ۳- راهی شدن، روانه شدن، حرکت کردن، رخت برستن
Shovel	بیل مکانیکی، ملاقه، بیلچه، خاک انداز

Shovel – pass	پاس سریع یک دست از پایین که اغلب توسط بازیکنی بیتاب می شود که به سختی و بسیار نزدیک از جانب حریف دفاع می شود، پاسی شبیه حرکت پارو
Shove pass	پرتاب توپ به طرف هم تیمی با کمی هل دادن به توپ (به طور معمول این پاس با دو دست از جلوی سینه انجام می شود)
Shoving	هل، پرتاب، تنه
Show	۱- نشان دادن، نمودن، ابراز کردن، نمایش دادن ۲- نمایش، اجرا
Showboating	قایق دارای صحنه نمایش، نمایش در قایق
Shower	۱- دوش گرفتن ۲- کناره گیری کردن بازیکن ۳- بیرون آوردن بازیکن از زمین بازی
Showing the defender the ball	گول اضافه و بعد از گول با به حرکت در آوردن سر و شان و همرا با توپ در دست ها در مسیری که قصد نفوذ نباشد
Show – off	نمایشی بازی کردن
Showup	ورود
Shrimp	بازیکن کوتاه
Shuffle	۱- کشیدن (پاها)، سُرخوردن پاها، این سو و آن سو حرکت کردن، گام کوتاه ۲- جا به جا کردن پاها در هنگام دفاع از حریف (بدون بلند کردن پاها از روی زمین) ۳- حمله پی در پی با تغییر موقعیت
Shuffle cut	۱- برشی که حرکت قبلی را ادامه می دهد ۲- برش به منظور تغییر موقعیت (به طور معمول این برش به طرف حلقه برای دریافت پاس در آنجا انجام می شود)
Shuffle jump stop	فرود آمدن از یک پرش روی پایهای باز با زانوهای خم
Shuffle low	حمله پی در پی در محدوده نزدیک به حلقه
Shuffle offense	حمله روان با استفاده از حرکت و تغییر موقعیت سریع که در آن بازیکنان با استفاده از اسکرین و خارج کردن مدافعین از موضع دفاعی خود به سمت سبد بُرش می کنند. در این سیستم ، بازیکنان حرکت مداوم خود را از یک سمت به سمت دیگر تا جایی که یک نفر برای انجام شوت آزاد شود ، ادامه می دهند. آرایش ابتدائی برای اجرای این طرح ۲-۱-۲ است . در این آرایش، نام های بازیکنان به این قرار است : گارد راس ، بُرش زن اول، پُست، تغذیه کننده و بُرش زن دوم. آقای استیون سرنسون ، مربی دبیرستان لیتلتون تاریخچه این طرح را بصورت خلاصه بیان نموده اند : حمله شافل برای اولین بار در اوایل ده ۱۹۵۰ توسط برُس دراک مربی دانشگاه اُکلاهما مورد استفاده قرار گرفت . و به همین دلیل به نام دراک شافل موسم شد . آقای جوئل اواس نیز از این طرح در سیستم های حمله خود استفاده نمود. ولی در نهایت این آقای باب اسپر بود که به کمک دستیار خود دین اسمیت این طرح را توسعه داده و در نیمه دوم همان دهه استفاده موفعیت آمیزی از آن در آکادمی نیروی هوایی کرد. آقای اسمیت هنوز هم از برخی ابعاد این طرح در سیستم های حمله خود سود می برد



Shuffling	جا به جا کردن یا سُرخوردن پاها در هنگام دفاع از حریف (بدون بلند کردن پاها از روی زمین)
Boxer's shuffle	حرکتی شبیه رقص پای بوکسورها در حالت دفاعی
Defensive shuffle	جابجایی سریع پاها در حالت دفاعی به طوری که همیشه پاها با زمین تماس داشته باشد
High post shuffle	طرح حمله شافل با تمرکز بر اجرای آن در منطقه پُست بالا
Low post shuffle	طرح حمله شافل با تمرکز بر اجرای آن در منطقه پُست پائین
Low shuffle set – up	آرایش مداوم طرح حمله شافل در منطقه نزدیک سبد
Shut	مسدود کردن، بستن
Shutdown	بازی پایانی
Shut down (also:- off)	شکست دادن حریفان
Shut down on (also:-upon)	به پایان رساندن، خاتمه دادن، پایان دادن
Shut out	۱- جلوگیری کردن از حریفی که فرصت شوت کردن را دارد ۲- شکست با اختلاف
Shuttle	به جلو و عقب حرکت کردن
Shuttle substitution	تعویض همزمان ۴-۵ بازیکنان در زمین بازی
Sickle	چنگک درو، داس
Side	۱- سو، طرف، پهلو، سمت ۲- تیم ۳- پهلویی، جانبی
Side formation	آرایش بازیکنان در خط طولی
Side – front	دفاع کردن از یک سمت
Side high post	بازیکن سنتر در موقعیت راست یا چپ خط پرتاب آزاد
Side jump	پرش از پهلو، پرش جانبی
Side leg extension	امتداد دادن یا کشش جانبی یک پا یا هر دو پا در یک زمان در حالت درازکش یا در حالت دمر خوابیدن
Sideline = Side line (Am. Eng.)	۱- خط طولی یا کناری زمین بازی ۲- اخراج کردن از زمین بازی، بیرون کردن از زمین بازی
Side – line break	ضد حمله با پرتاب توپ از خطوط کناری یا طولی زمین بازی
Sidelined	خارج از فهرست، قرار نگرفتن در فهرست تیم
Side – line fast break	ضد حمله با پرتاب توپ از خطوط کناری یا طولی زمین بازی
Side – line fast offense	ضد حمله با پرتاب توپ از خطوط کناری یا طولی زمین بازی
Sideline” hugger”	بازیکنی که نزدیک خط طولی بازی می کند
Side – line inbounds play	آرایی بازیکنان در هنگام شروع بازی با پرتاب توپ از خارج به داخل زمین بازی
Side – line offense	حمله در امتداد خط طولی
Side – line out-of-bounds offense	الگوی حمله که با پرتاب توپ از خارج به داخل زمین بازی آغاز می شود
Side – line pivot	چرخش در مسیر خط کناری یا طولی

Sideline screen	ایجاد سد (اسکرین) نزدیک خط طولی
Sideline split	حرکت متقاطع در خط طولی
Side line throw – in	پرتاب توپ به طرف هم تیمی در زمین بازی از پشت خط طولی
Side – of – body dribble	دریبل زدن در کنار بدن
Side of the pass	پاس از کنار زمین بازی
Side pass	پاس جانبی، پاس عرضی
Side screen	ایجاد سد (اسکرین) جانبی، ایجاد سد از پهلو
Side shot	شوت از موقعیت کناری حلقه
Side snapping of the wrist	پیچ یا تاب دادن جانبی سریع مچ (در اجرای پاس)
Side spin	چرخش جانبی توپ به علت پیچ یا تاب دادن جانبی سریع مچ (در اجرای پاس)
Side tap	ضربه نرم جانبی توپ (در هنگام بالا انداختن توپ توسط داور در جمبال)
Side the opponent	دفاع کردن با قرار گرفتن در کنار حریف، محافظت کردن از پهلو حریف
Sidetrack	چرخیدن به کنار
Sideways	۱- جنبی ۲- از پهلو
Side- wheeler	بازیکن چپ دست
Sidewinder	به پهلو خوابیدن و دست و پای مخالف را بالا آوردن
Blind side	سمتی که در هنگام دریبل کردن دیده نشود
Center to weak side	الگوی حمله که بازیکن سنتر در سمت ضعیف بازی کند
Clear the side	در یک آرایش حمله ۲-۳ فورواردها به سمتیگر منطقه کلید جهت خالی کردن مسیر نفوذ بازیکن گارد حرکت می کند
Clear the weak side	آزاد یا خالی کردن سمت ضعیف زمین بازی (سمتی که توپ در آن نباشد)
Clear to opposite side	ترک کردن سمت ضعیف (سمت بدون توپ)
Far side	سمت مقابل
Far side line	خط طولی در نیمه مقابل زمین بازی
High side	قسمتی از نیمه زمین بازی که بازیکن سنتر بالا در آن قرار می گیرد ، محدوده عملکرد بازیکن سنتر بالا
Low side	سمتی که بازیکن سنتر پائین بازی می کند
Off – side	۱- سمت ضعیف (نیمه زمین) ۲- سمت کمکی ۳- سمت مقابل نیمه زمین که پرتاب صورت می گیرد ۴- خارج از زمین بازی ۵- خارج از بازی
Off – side coverage and rebounding	پوشش ریباند سمت مقابل نیمه زمین که پرتاب صورت می گیرد
Off – side hand	دست آزاد در هنگام شوت جهت کنترل، هدایت توپ و ایجاد تعادل به کار می رود
Off – side pass	پرتاب توپ به سمت ضعیف زمین
Off – side post	بازیکن سنتر در سمت ضعیف
Off- side triangle	مثلث ریباند در سمت مقابل موقعیت بازیکن شوتیست ، مثلث ریباند در سمت

	ضعیف زمین بازی
Off – side wing	بازیکن فوروارد در سمت ضعیف
Onside	سمتی که توپ در جریان است (سمت قوی)
Open side	سمت باز یا شل زمین بازی
Short side cut	برش کوتاه به طرف حلقه در امتداد کنار زمین
Strong side	۱- سمتی که توپ در جریان است ۲- سمت دستی که مهارت بیشتری داشته باشد
Weak side	۱- سمتی که توپ در جریان نباشد، سمت کمکی ۲- سمت دستی که مهارت کمتری داشته باشد
Weak side cutting	برش به طرف یا در سمت کمکی زمین بازی
Weakside rebounding	گرفتن توپ ریاند در سمت ضعیف زمین بازی
Siding position	حالت پهلویی یا جانبی مدافع نسبت به یا خود، حالت بازو به بازو بودن نسبت به یار در صورت امکان نزدیکتر قرار گرفتن نسبت به سبد.
Sieve	بازیکن یا تیمی که قادر به جلوگیری از امتیاز آوردن حریفان نباشند
Sift	الک کردن، غربال کؤدن
Sight	۱- قدرت دید ۲- بینایی، بینش ۲- هدف
Sighting	۱- نشانه رو، دید ۲- درک، مشاهده قوه ادراک، آگاهی، دریافت، احساس
Sight of the ball	زیر نظر داشتن توپ، نگاه کردن توپ، ارزیابی کردن توپ
Sign	نشانه، علامت گذاشتن
Signal	علامت دادن، خبر دادن
Signalese	زبان اشاره
Signal for the end of the game	علامتی که نشان دهنده پایان بازی است
Audible signal	علامت سمعی
Hand signal	علامت‌ها با دست یا انگشتان
Verbal signal	علامت کلامی
Visual signal	علامت بصری
Vocal signal	علامت سمعی
Voice signal	علامت سمعی
Warning signal	۱- آگاه کردن هم تیمی از خطر ۲- علامت خطر
Sign up	۱- برای سر بازی گرفتن، اسم نویسی کردن ۲- قرارداد بستن، پیمان بستن
Sikma footwork	تمرین حرکت چرخش ۱۸۰ درجه روی پای محور به منظور رهایی یافتن از حریف مدافع و رو در روی حلقه قرار گرفتن برای پرتاب شوت
Sikma move	حرکت چرخش ۱۸۰ درجه‌ای روی پای محور توسط بازیکن ساتر پشت به حلقه، به منظور رهایی یافتن از حریف مدافع و رو در روی قرار گرفتن با حلقه برای پرتاب شوت
Simon pure	بازیکن به طور کامل غیر حرفه‌ای

Simple	ساده، نا آزموده، خام
Simple as abc	راحت
Simple pass	پاس راحت، پاس آهسته
Simplicity	سادگی، بی آلابشی
Simulate	وانمود سازی کردن، صوری، وانمود کردن، بخود بستن، مانند بودن، تقلید کردن، شباهت داشتن به، شبیه سازی کردن، شبیه سازی کردن، تشبیه کردن
Simulate game conditions	شرایط بازی را شبیه سازی کردن
Simultaneous	همگام، همزمان
Single	۱- واحد، منفرد، تک، فرد، انفرادی ۲- تمیز دادن، تشخیص دادن
Single clue	اولین علامتی که درباره بازی حریف آگاهی می دهد (مثل مسیر اولین پاس)
Single – double	یک ایجاد سد در جلو و دو تا دیگر بعد از آن
Single –man press	دفاع همراه با فشار (پرس) علیه یکی از بازیکنان مهاجم
Single pivot	یک بازیکن سنتر (در آرایش بازی)
Single pivot, two – three alignment	آرایش ۲-۳ با یک سنتر
Single pivot offense	حمله با یک بازیکن سنتر
Single post offense	حمله با یک بازیکن سنتر
Single post offense with a high post	حمله با یک بازیکن سنتر در موقعیت شوت در بالا
Single post offense with a medium post	حمله با یک بازیکن سنتر در موقعیت شوت میانی
Single post “ T ”	حمله که شروع آن با آرایش به شکل حرف "T" با یک بازیکن سنتر باشد
Single – single	یک ایجاد سد پشت دیگری
Singly	انفرادی، جدا جدا، یک یک، به تنهایی
Singauge	زبان اشاره، زبان علامات
Sink	همگاه سازی، همگامی، هم زمانی، تقارن
Sink a basket	امتیاز کسب کردن
Sink a shot	امتیاز کسب کردن، امتیاز کسب کردن بدون برخورد توپ با تخته
Sinker	کسب امتیاز (با رفتن مستقیم توپ داخل حلقه)
Sinking	تنگ کردن یا محکم کردن دفاع
Sinking man- to- man defense	پوشش یارگیری همراه با تنگ کردن دفاع
Sinking the free throw	کسب امتیاز با پرتاب آزاد
Sink off	دفاع قدم به عقب برداشتن به منظور محکم کردن
Siren	بوق، سوت خطر، شیپور، آژیر خطر
Sit	نشستن، جلوس کردن، قرار گرفتن
Sit back on the offense	نگه داشتن بازیکنان حمله در فاصله دورتر از حلقه، به بازیکنان حمله اجازه نزدیک شدن به حلقه را ندادن
Sitdown strike	افتادن از پشت
Site of injury	محل کوفتگی

Sit in	شرکت کردن، مداخله کردن
Sitting on heels	نشستن روی پاشنه‌ها پا
Sitting position	حالت نشسته
Sitting pretty	بازیکن در موقعیت نامطلوب
Situation	موقعیت، وضعیت، جایگزینی، حالت، محل
Advantage situation	موقعیتی که تعداد حمله نسبت به دفاع بیشتر باشد (به طور معمول در ضد حمله)
Close situation	بازی در نزدیک حلقه
Jump ball situation	بازی یا شرایطی که در هنگام جمبال بیکار گرفته می‌شود
Last minute situations	حرکات یا شرایط در آخرین دقیقه بازی
Late game situations	حرکات یا شرایط در لحظات آخر بازی
Pick up a situation	حفظ کردن موقعیت در زمین
Read the situation	تشخیص دادن موقعیت‌ها و وظایف حریفان
Tight situation	بازی در منطقه شلوغ
Sit up	تمرین؛ دراز و نشست
Six and one	تمرین ریاند حمله؛ توپ را شش مرتبه به حلقه زدن و بعد از آن شوت به طرف حلقه
Sixth man	اولین ذخیره تیم، بازیکن ششم تیم که بهترین بازیکن ذخیره می‌باشد، بهترین بازیکن در کنار پنج بازیکن اصلی
Size	اندازه، مقدار
Size advantage	نسبت به حریف از لحاظ قد برتری داشتن
Size deficiency	نسبت به حریف از لحاظ قد کم داشتن
Size mismatch	نسبت به حریف از لحاظ قد کم داشتن
Size your opponent	ارزیابی کردن حریف
Sizzler	بازی سریع
Skate	باریکن درجه دو، بازیکن متوسط، بازیکن ضعیف
Sked	برنامه، جدول
Skedaddle(also:Skedoodle)	سریع رفتن
Skeleton	کالبد، اسکلت، شالوده، طرح ریزی
Skeleton drill	۱- تمرین الگوی حمله که به چند قسمت تبدیل می‌شود ۲- تمرین الگوی حمله بدون شوت
Skeletonize	۱- پیاده کردن اجزای ماشین یا کارخانه و مانند اینها ۲- تبدیل کردن به چندین قسمت (الگوی بازی، نقشه بازی)
Skeleton position	آرایش برای یک جزء بازی (به چند قسمت کردن الگوی بازی به منظور بهتر تمرین کردن)
Skeleton team	اسکلت اصلی تیم

Skid	لغزش، سریدن، سر خوردن
Skill	مهارت، کارایی، کفایت
Skim	لغزیدن، سر خوردن
Skin	پوست
Skinned	شکست، باخت
Skinny	شخص بسیار لاغر، پوستی، لاغر
Skins	برهه از بالا تنه، بدون پیراهن
Skip	۱- (از روی چیزی) پریدن، ورجه وورجه کردن ، جست زدن، جست بزن، جست وخیز کردن، تپیدن، پرش کردن، رقص کنان حرکت کردن، لی لی کردن، بالا و پایین رفتن
Skip it	نادیده گرفتن، صرف نظر کردن
Skip jump	پریدن روی هر دو پا
Skip pass	۱- پاسی که به بازیکن نزدیک داده نمی شود ۲- پاس بلند به هم تیمی در سمت مقابل زمین بازی
Skip rope	طناب زدن
Skipping-rop(en.Eng.)= Jumping-ro-pe	طناب برای تمرینات طناب زدن
skirmish	۱- کشمکش، زد و خورد ۲- بازی، مسابقه
Skull play	۱- بازی ای که ناشی از بی فکری صورت گیرد ۲- اشتباه بازیکن ب خاطر قضاوت نادرست
Skull practice	کلاس تعلیم فنون مسابقه، جلسه مشورت درباره م سابقه، کلاس آموزشی، استدلال در باره نظریه ورزشی
“Skull session(or lectures)”	آموزش یا کلاس در باب جنبه های تاکتیکی مسابقه
Skunk	قطعا شکست دادن
Skyer	پرتاب بلند توپ در هوا
Sky-high	مفرط، بیش از اندازه
Sky hook	شوت هوک بسیار بلند، شوت هوک همراه با پرش بلند
Skyrocket	نایل شدن به یک موفقیت سریع اما کوتاه مدت
Skyscraper	بازیکن بسیار بلند
skywalker	بازیکن با پرش عالی
Skywalking	اسپک کردن توپ داخل حلقه با پرش بسیار بلند
Slabs	دنده ها
Slack	شل، سست، نابل
Slam dunk	اسپک کردن توپ داخل حلقه
Slangster	کسی که زبان عامیانه را بصورت افراط صحبت می کند
Slanguage	زبان عامیانه، اصطلاح عامیانه
Slap	با کف دست زدن، ضربت سریع، صدای چلب چلوپ، سیلی زدن، زدن

Slap pass	پاس همراه با یک ضربه کف دست
Slap the rim	تمرین برای بازیکنان بلند قد؛ پرش همراه با نگه داشتن توپ با دو دست بالای سر و زدن آن به حلقه ، این حرکت چندین بار تکرار می شود (بازیکنان کوتاه تر می توانند توپ را به قسمت پایین تخته بزنند)
Slash	۱- ضربه سریع ۲- به هر سو زدن، سخت جنگیدن
Slash cuts	زخم باز
Slasher	بازیکنی که با قدرت نفوذ می کند
Slash offense	حمله مؤثر و قوی
Slat	دنده
Sleep – game	بازی کسل کننده
Sleepy	بازیکن کند
Sleeve	آستین
Sleeves	دست های بلند بازیکن بسکتبال
Slice out	برش از یک ایجاد سد از خارج منطقه کلید به طرف محدوده حلقه به منظور رسیدن به موقعیت شوت در پایین
Slice shot	شوت بعد از جهش جانبی به منظور برش به طرف میان منطقه کلید (یک حرکت و شوت مفید در ضد حمله در برابر بازیکن مدافعی که در محدوده حلقه از برش جانبی جلوگیری می کند)
Slick	۱- ماهر، باهوش ۲- عالی، درجه یک ۳- مؤثر
Slick as grease(also:- a whistle)	به آسانی
Slide	۱- حرکت از پهلو، لیز خوردن از پهلو (با کنترل بازیکن )، لغزیدن ، سریدن ، سراندن ۲- اسلاید (شفاف)
Slide and glide	حرکت جا به جا کردن پاها
Slide and recover	۱- حرکت تغییر مکان دادن پاها و برگشت به مکان اولیه ۲- سریدن ، سر خوردن و به حالت اولیه برگشتن
Slide around	حرکت جا به جا کردن پاها در اطراف مدافع حریف
Slide behind screen	جا به جا کردن پاها یا سر خوردن به منظور محافظت از بازیکنی که قصد فرار از ایجاد سد را دارد
Slide down	با حرکت جا به جا کردن پاها یا سر خوردن به طرف حلقه
Slide off	با حرکت جا به جا کردن پاها یا سر خوردن از زیر حلقه به طرف خارج از منطقه کلید
Slide step	حرکت درست پا در موقع دفاع . در این حالت مدافع با جابجا کردن پاها آنها را در مسیر حرکت بازیکن حمله می سراند
Sliding	تغییر مکان دهی، تغییر کننده، سر خوردن
Sliding action	چرخش با جا به جا کردن پای عقبی
Defensive slides	سر خوردن دفاعی با پاهایی که همیشه با کف زمین تماس داشته باشد

Defensive sliding	سُر خوردن دفاعی با تغییر دادن موقعیت نسبت به حریف مدافع
Forward slide	حرکت سر خوردن به جلو با جابجایی پاها
Horizontal slide	سُر خوردن در عرض زمین بازی (به طور معمول در عرض منطقه کلید)
Lateral slide	حرکت پای دفاعی تا انتهای زمین؛ در این حرکت، پاها باز، زانوها خم و باسن به زمین نزدیک است، پاها با زمین در تماس اند و دست در پا بین کمر آماده قطع درپیل حریف می باشد
Oblique slide step	سُر خوردن در مسیر مورب، سُر خوردن جانبی
Rear slide step	سُر خوردن به طرف عقب
Vertical slide	سُر خوردن در طول زمین بازی، سُر خوردن در طول منطقه کلید
Wing slide	سُر خوردن به طرف جناح، سُر خوردن به طرف بال
Sideup- popout	حرکت پیک یا دو بازیکن از زیر حلقه به طرف موقعیت بالاتر (به طور معمول در خط پرتاب آزاد) که یک برش سریع جانبی در امتداد خط فرضی در خط پرتاب آزاد را به دنبال خواهد داشت
Slight	۱- نازک، باریک ۲- ناچیز شمردن
Slightly	کمی، اندکی
Slimmer	تازه وارد، دانشجوی سال اول دانشگده
Sling slang	از زبان عامیانه استفاده کردن
Slip	رستن، گریختن، در رفتن، فرار کردن
Slip one over	حرکت غافلگیرانه، حرکت شگفت آور
Slippery	لیز، لغزنده، بی ثبات
Slippery ball	توپ با سطحی لیز
Slip the screen	گریختن یا فرار کردن از ایجاد سد حریف
Slither	سریدن، لغزیدن
Slithery	لیز، لغزنده، بی ثبات
slithy	مرطوب و لغزنده (کف زمین یا توپ)
Sloppy win	پیروزی ای که با شایستگی به دست نیامده باشد
Slot	۱- چاک، شکاف، درز ۲- شکاف در ماشین خود کار که با انداختن پول در آن جنس مورد نیاز از آن خارج می شود ۳- مسیر باریک ۴- مکان باریک
Sloughing defense	رها کردن دفاع یارگیری به منظور فشار یا پرس بر روی بازیکن مالک توپ
Slovenly	شلخته، هر دم بیل
Slow	آهسته، کند، کودن، تنبل
Slow break	۱- حمله تدریجی (حمله ای با نقشه در برابر دفاعی که از الگوی خاصی استفاده می کند) ۲- الگوی حمله
Slow down	تأخیر کردن، به تعویق انداختن، آهسته کردن
Slow down game	تأخیر در بازی انداختن
Slow- down game	بازی تأخیری



Slow down movement	حرکت کند
Slower than death	بسیار آهسته
Slowing down the game	کاهش دادن سرعت بازی
Slow off	تأخیر کردن، به تعویق انداختن
Slow starter	بازیگری که یک حرکت را از روی احتیاط شروع می کند و با سرعت پایان می دهد
Slow the tempo	تأخیر در آهنگ بازی انداختن
Slow up	تأخیر کردن، به تعویق انداختن
Sluffing defense	دفاع یارگیری شل و پوششی
Sluff off	به عقب رفتن، رها کردن، ترک کردن
Slug	۱- زدن، در هم کوبیدن ۲- ضربت سنگین زدن ۳- بازیکن کند
Slump	کساد بازی، زمین باتلاقی، کاهش فعالیت، رکود، دوره رخوت، افت، ریزش، یکباره پایین آمدن یا افتادن، یکباره فرو ریختن، سقوط کردن، خمیده شدن، بازی ضعیف و باختن
Smackers	لبها
Small	کوچک، ریز
Small beer	۱- ناچیز ۲- بی بها، بی ارزش ۳- متوسط، جزئی
Smaller circle	دایره کوچک داخل مرکز زمین بازی (در مقررات بسکتبال آمریکا قطر این دایره ۱۲۲ سانتیمتر می باشد) این دایره کوچک محدوده دو بازیکن پرش کننده در هنگام جمبال می باشد
Smaller rim	حلقه کوچک تر نسبت به حلقه بسکتبال که به منظور تمرین شوت مستقیم بر روی حلقه اصلی قرار می گیرد تا دقت در شوت بیشتر شود
Small forward	۱- بازیکن فوروارد کوچک (بازیکنی ماهر از لحاظ شوت ها و پاس های خوب، پر جنب و جوش، پویا و انتقال دهنده پویایی به دیگر اعضای تیم) ۲- SF؛ علامت آماری یک بازیکن فوروارد کوچک در آمارهای NCAA
Small man	بازیکن کوچک
Small time	ناچیز بی اهمیت
Smart	۱- زیرک، زرننگ ۲- باهوش ۳- سریع (حرکت) ۴- درد حاد
Smart player	بازیکن باهوش، سریع و فعال
Smash	۱- بهراحتی پیروز بازی شدن
Smasher	۱- حرکت عالی ۲- برنده، قهرمان
Smash hit	۱- موفقیت، پیروزی، کامیابی ۲- بازی عالی
Smashing	بزرگ، گنده
Smear	بد نام کردن، افترا زدن، تهمت زدن
Smoke	۱- بخار دهان ۲- دودی رنگ، دود کردن، مه غلیظ، استعمال دود، استعمال دخانیات، دود دادن، سیگار کشیدن

Smoker	پرتاب سریع
Smooth	۱- صاف، هموار ۲- بدون مانع ۳- هماهنگ، موزون
Smooth – functioning combination	پیشرفت هماهنگی الگوی ترکیبی بازی
Smoothness	۱- همواری، صافی ۲- هارمونی، تطبیق، هماهنگی (حرکت)
Smoothness of movements	تطبیق یا هماهنگی حرکات
Smother	۱- خفه کردن ۲- فرونشاندن، دفع کردن
Smother the ball	متوقف کردن، جلوگیری کردن از حریف مالک توپ
Snag	۱- مانع ۲- جلوگیری کردن، مانع شدن ۳- قطع کردن پلس ۴- گرفتن توپ (قبل از رسیدن آن به دریافت کننده)
Snake – tongue	حرکت ناگهانی دست‌های بازیکن مدافع در برابر بازیکن مهاجم
Snap	۱- گاز ناگهانی ۲- حرکت سریع و ناگهانی ۳- چفت، بست، بستن، محکم کردن، چسبیدن به، سفت شدن ۴- گسیختن
Snap and hold	حرکت دست از میچ در مسیر پرتاب و نگه داشتن آن در این حالت در هنگام رها شدن توپ
Snap back	پریدن به طرف عقب
Snap - back pass	پاس ناگهانی به عقب به منظور شوت ۳ امتیازی هنگام نفوذ به طرف حلقه
Snap decision	تصمیم سریع
Snap pass	پاس سریع و ناگهانی
Snappy	سریع، تند و چابک در عمل
Snappy legs	پاهای سریع
Snap the wrists	حرکت سریع دست‌ها از میچ
Snare the rebound	گرفتن توپ برگشتی از تخته، ریباند کردن از تخته
Snatch	قاپیدن، ربودن، از چنگ کسی در آوردن
Snatch the ball	۱- قاپیدن توپ از چنگ حریف ۲- تلاش کردن برای به دست آوردن توپ
Sneak	دزدکی حرکت کردن، خود را پنهان ساختن، حرکت پنهانی
Sneakers	کفش‌های کتانی
Sneaks	کفش‌های کتانی، کفش راحتی
Sneezer	سرماخوردگی
Sniffing	بینی گرفتن، فن فن کردن، آب بینی را بالا کشیدن، بو کشیدن، موس موس کردن، استشمام کردن
Sniper	۱- نشانه گیر ۲- بازیکن ماهر در شوت
Snorer	بینی
Snorter	بازیکن ستیزه جو، ستیزه گر
Snot	آب دماغ، آب بینی
Snout	دماغ بزرگ
Snug	۱- دنج، راحت، گرم و نرم ۲- به نسبت کم اما مفید (غذای قبل از مسابقه)

Snugly	بهواحتی، به آسایش
Soak	ضربه محکم زدن
Soar	۱- برخاستن، بلند شدن ۲- اوج گرفتن، بیش از حد معمول پریدن
So big	سترگ، کلان، گنده
Sock	جوراب ساقه کوتاه
Soff	دانشجوی سال دوم
Soft	۱- نرم، ملایم ۲- نفوذ راحت ۳- کند ۴- ضعیف
Soft assignment	بازی راحت
Soffball	بیش بال دارای توپ نرم و دراز
Softie	شکست راحت
Softly	به نرمی، به آهستگی
Softness	نرمی، ملایمت
Soft pass	پاس نرم یا ملایم (نه آهسته نه محکم)
Soft pedals	پاهای ضعیف
Soft shot	شوت نرم (نه آهسته نه محکم)
Soft spot	نقطه ضعف
Soft touch	در هنگام شوت زدن نسبت به توپ احساس داشتن
Soft wrist	مچ‌های قابل انعطاف
Soffy	بازیکن ضعیف، ناتوان
Solar plek (also:-plex)	شبکه عصبی ناحیه زیر معده
Sole	۱- کف پا ۲- تخت کفش
Solve the slants	امتیاز کسب کردن
Somebody	شخص مهم، موفق یا معروف ببعنوان بازیکن یا مربی
Some stuff	چیزهای مهم
Something to shout about	چیزهای مهم
Something to write(also:- to wire)home about	چیزهای عالی
Sooners	نام مردم اکلاهاما و نام تیم بسکتبال دانشگاه اکلاهاما در نورمن (اکلاهاما) که در کنفرانس بیگ ایت بازی می کند
Soph	دانشجوی سال دوم
Sophomore	۱- دانش آموز سال دوم دانشگاه، دانش‌کده یا دبیرستان ۲- بازیکن بسکتبال در دومین سال ببعنوان بازیکن حرفه‌ای
Sore	دردناک، سوزش آور
Sore – head(also: Sorehead)	۱- زود رنج ۲- شخصی که اغلب با صدای بلند شکایت می کند ۳- شخص کم ظرفیت که در اثر باخت یا شکست عصبانی می شود
Sore throat	گلو درد

Sortie	بازی، مسابقه
Sort of sound	بمقدار متوسط، نسبتاً، بمیزان متوسط، تقریباً
Sound as a whistle	۱- صدا، صوت ۲- سالم، تندرست ۳- توانا و با دقت ۴- منطقی ۵- کامل، بطور کامل
Source	در فرم ایده آل بودن، در آمادگی جسمانی کامل بودن
Sour medicine	سرچشمه، منبع، منشاء
Southpaw	حریف ترسناک و نیرومند
South pawed	بازیکن چپ دست
Space	چپ دست
Space perception drill	۱- محوطه، فاصله مدت، مکان، میدان، وسعت، مساحت، مهلت، فرصت، مدت معین، زمان کوتاه، دوره، در فضا جا دادن، فاصله دادن، فاصله داشتن، فاصله گذاشتن ۲- آرایش بازیکنان در زمین بازی
Space- time perception drill	تمرین تشخیص و تخمین فاصله‌ها (برای ارسال پاس، شوت و ...)
Spacing	تمرین تشخیص و تخمین فاصله‌ها و زمان (برای ارسال پاس، شوت و ...)
Spank	۱- وضع، حالت ۲- آرایش یکسان بازیکنان در زمین بازی
Spare tire	شکست دادن حریف
Spark plug	ذخیره
Sparks	۱- بازیکنی که تیم را برای تلاش بیشتر تشویق می کند. ۲- تشویق هم تیمی‌ها برای تلاش بیشتر
Spartans	دستگاه اشعه ایکس
Spasm	نام تیم بسکتبال دانشگاه سان جوز استیت در سان جوز که در کنفرانس بیگ وست بازی می کند
Spearhead the fast break	اسپاسم، گرفتگی عضلات، انقباض ماهیچه‌ها بر اثر کار زیاد
Special	رهبری کردن یا هدایت کردن ضد حمله
Specialist	ویژه، مخصوص
Special talent	کارشناس، متخصص،
Specifications	بازیکنی با استعداد خارق العاده در مهارت‌های بسکتبال
Spectacular	خصوصیات، مشخصات
Spectacular move	بازی تماشایی، منظره دیدنی، نمایش غیر عادی
Spectator	حرکت تماشایی از یک بازیکن
Spectator's response	۱- تماشاگر، بیننده ناظر ۲- معرفی بازیکن در مسابقه بسکتبال
Speech	واکنش تماشاگران (در مسابقه بسکتبال)
Speech-day	سخن، حرف، گفتار، صحبت، نطق، گویایی، قوه ناطقه، سخنرانی
Speed	روزی که جوایز اعطا می شود (به طور معمول با یک سخنرانی دنبال می شود)
	سرعت حرکت، عجله، کامیابی، میزان شتاب، درجه تندی، وضع، حالت، شانس خوب داشتن، کامیاب بودن، با سرعت راندن، سریع کار کردن، تسریع

	کردن
Speed – boy	بازیکن سریع و چابک
Speed dribble	دریبل سریع در هنگام دویدن
Speed drill	حرکت دادن توپ دور پاها از هم باز به شکل حرف 8 انگلیسی
Speed up	شتاب گرفتن، سرعت گرفتن
Speedy	بازیکن سریع
Speedy one	پرتاب سریع
Speedy pass – in	پرتاب سریع توپ از خارج از زمین به داخل آن
Change of speed	تغییر آهنگ سرعت دویدن
Explosive speed move	حرکت ناگهانی، حرکت دینامیک و پویا
Full speed	حداکثر سرعت
Half speed	سرعت جزئی، سرعت نسبی
Lateral speed	سرعت در حرکت جانبی
Mismatch in size and speed	عدم مطابقت در قد و سرعت
mix- up the speeds	بکار بردن سرعت متفاوت، تغییر دادن در آهنگ سرعت
Relative speed	سرعت نسبی
Top speed	حداکثر سرعت
Spell bone	استخوان نازک نی، ساق کوچک
Sphere	۱- جسم کروی ۲- توپ بسکتبال
Spherical	کروی، کوی مانند
Spheroid	توپ
Spiders	نام تیم بسکتبال دانشگاه ریچموند در ریچموند که در اتحادیه کولونیال آتلنتیک بازی می کند
Spigots	تویی، لب لوله که در لوله دیگری جا می افتد، شیر آب
Spill	ریزش، تویی، میله، تیکه کاغذ، ریختن، انداختن، پرت کردن
Spill red ink	خون آمدن از، خون جاری شدن از
Spill the dirt	بد نام کردن، تهمت زدن
Spin	چرخیدن، گردش کردن، چرخش، تعویض مکان کردن
Spinal	فقراتی، پشتی، نخاعی، صلبی
Spinal column	ستون فقرات
Spinal cord	مغز نخاع، نخاع
Spin dribble	دریبل زدن همراه با چرخش بدن
Spine	ستون فقرات
Spine puncher	متخصص بیماری های استخوان
Spine-in of the post	حرکت همراه با چرخش بازیکن ستر به طرف حلقه
Spine-in or out with one dribble	حرکت همراه با چرخش بازیکن ستر به طرف حلقه یا دور شدن از حلقه با

	یک دریل
Spink	شکست دادن، مغلوب ساختن
Spinless	بدون چرخش
Spin move	دریل همراه با یک تغییر چرخشی مسیر
Spinned shot	شوت با یک چرخش دادن به توپ
spinout	پرتاب کردن توپ با چرخش دادن به آن
Spin-out of the post	حرکت چرخشی بازیکن ستر به منظور دور شدن از حلقه
Spirit	۱- روحیه، جرأت ۲- روح، جان
Spirit of game	روح واقعی بازی
Spirit of rules	روح واقعی مقررات
splendidous	عالی
Splint	نوار یا تراشه‌ای که برای بستن استخوان شکسته بکار می‌رود
Split	۱- دو نیم کردن، میله‌های باقیمانده، یک پا جلو و یک پا به عقب ، از جبهه دورافتادن، ترک، انشعاب، دو بخشی، شکافتن، از هم جدا کردن ، شکاف، نفاق، چاک ۲- متقاطع کردن، بطور متقاطع حرکت کردن
Split a double	دو مسابقه با یک حریف که یک مسابقه به حساب می‌آید
Split double – team	ج‌لوگیری کردن از یک حرکت دبل تیم (با حرکت کردن بین دو مدا فع حریف)
split-second	اندازه گیری زمان با کرنومتر
split second	قسمتی از ثانیه، آن
split second watch	کرنومتر
split the ball and the man	قرار گرفتن در یک موقعیت دفاعی بین توپ و حریفی که از او دفاع می‌کنید (ببطوری که هم حریف مالک توپ و هم بازیکنی که از او دفاع می‌کنید را بواجتی ببینید)
split - the - post	حرکت متقاطع از کنار ستر؛ بازیکن گارد یا فوروارده به بازیکن ستر پاس می‌دهد و برای ایجاد سرد حرکت می‌کند، در این زمان هم تیمی او از سمت دیگری از کنار بازیکن ستر برش می‌کند
splitting a trap	خرشی کردن ایجاد تله حریفان با پاس دادن به موقع به هم تیمی
splitting the passing lane	سد کردن مسیر پاس
split vision	توانایی پخش پذیری میدان دید
spoof	فریب دادن، گول زدن
sport	سرگرمی، شوخی، شکار و ماهیگیری و امثال آن، آلت بازی، بازیچه، سرگرم کردن، نمایش تفریحی، بازی کردن، پوشیدن و به رخ دیگران کشیدن ، ورزش و تفریح کردن
sportatorium	تالار کنفرانس ورزشی
sport bag	ساک ورزشی

sportcast	پخش مسابقه از رادیو یا تلویزیون
sportfest	بازی، مسابقه، رقابت
sportlight	فرد مهمی در دنیای ورزش
sportology	علم ورزش، یا تحصیلات ورزشی
sports commentator	مفسر ورزشی
sports equipment	وسایل لازم برای تمرینات ورزشی، ابزار ورزشی
sports hack	نویسنده ورزشی یا روزنامه نگار ورزشی
sports man (Am.)= Sportsman (Eng.)	ورزشکار
sportsmanlike	مانند ورزشکار، جوانمرد
sports oracle	کسی که نتایج را پیش‌بینی می‌کند.
sportswear	لباس ورزشی
sportwriter	مفسر ورزشی
sporty	زرق و برق (لباس)
spot	۱- مکان ویژه در زمین بازی ۲- موقعیت در تیم ۳- تشخیص دادن
spot a play	تشخیص دادن نوع بازی حریفان، تشخیص دادن الگوی بازی حریفان
spot pass	پاس دادن از یک نقطه مشخص ۲- پاس دادن از یک مکان ثابت
spot shooter	بازیکنی که از یک مکان مطلوب اقدام به شوت می‌کند
spot shooting	اجرای شوت فقط از یک نقطه
spot shot	اجرای شوت دائما از یک نقطه و یک مکان
spotted playing	بازی ضعیف
spot the basket	امتیاز کسب کردن
spot the hoop	امتیاز کسب کردن
spot the winner	بهدرستی قضاوت کردن، به‌درستی پیش‌بینی کردن
spot up	اشغال کردن یک موقعیت آزاد
spot up at the three- point line	اشغال کردن یک موقعیت آزاد برای شوت سه امتیازی
sprain	رگ به رگ شدن، پیچ خوردن
sprained finger	انگشت پیچ خورده
sprawl	۱- پهن نشستن، گشاد نشستن
spread	منتشر کردن یا شدن، منتشر کردن، فاصله زیاد بین مدافعان ، توسعه دادن ، پخش شدن، پخش کردن، گسترده شدن، گسترش کردن، گسترش یافتن، منتشر شدن، بسط و توسعه یافتن، گسترش، وسعت، شیوع، پهن کردن، پهن شدن
spread eagle jumps	تمرین پریدن با پاهای باز به پهلو همراه با لمس پاها
spread floor	بازی با آرایش بازیکنان در سراسر زمین بازی
spreading the zone	گسترش دادن فضای دفاع منطقه‌ای
spread out alignment	آرایش بازیکنان به شکل پراکنده در سراسر زمینی بازی
spread the defense	پراکنده شدن دفاع

spread the fingers	باز کردن یا پهن کردن انگشتان
spread the offense to spread the defense	پراکنده شدن حمله بـمنظور لطف کردن دفاع
spring	پریدن، جستن، پرش
spring a trap	سریع ایجاد تله کردن
Springboard (sl.eq) spring-board	تخته شیرجه، پیش تخته پرش در ژیمناستیک
springer	۱- غافلگیری ۲- مربی تربیت بدنی ۳- بازیکنی با پرش عالی
spring fever	(طب)، تب بهاره
springier	شخصی با توانایی بالا در پریدن
springy	آماده برای پریدن
spudge around	۱- سریع حرکت کردن ۲- آگاه بودن ۳- فعال بودن
spurt	جهش تند و ناگهانی
spurt ahead	جهش سریع و ناگهانی به سمت جلو
squad	تیم، هر یک از طرفین بازی
squad leader	بازیکنی که بازی را در زمین سازماندهی می کند.
square	۱- اشکال هندسی ۲- منطقه ۳ ثانیه ۳- رو در رو ایستادن
square deal (also: - dealing)	تقلب نکردن، باسرف بودن، رک و راست
square-formation	۱- آرایش بازیکنان در چهار گوشه ی یک مربع فرضی ۲- آرایش چهار گوش در هنگام پرتاب توپ از خارج زمین
square movement	حرکت بدون توپ به کنار و سپس به جلو که باعث آزاد شدن یک بازیکن می شود
square off	۱- آغاز کردن بازی یا فصل ۲- آماده بودن برای نبرد ۳- طرز ایستادن در بسکتبال
square off to the basket	رودر روی حلقه ایستادن
squares	تمرین پرش؛ دو مربع به اندازه ۴۵ سانتیمتر در کنار هم می کشیم و داخل و خارج این مربع با یک پا و یا دو پا بـجلو، عقب و کنار پرش می کنیم
square stance	طرز ایستادن دفاعی در جلوی حریف با پاهای باز و موازی
square the game	مساوی شدن بازی
square the hoop	رودر روی حلقه ایستادن
square up	طرز ایستادن رو در رو
square up to ...	نزدیک حریف شدن و از او رو در رو دفاع کردن
square your feet	طرز ایستادن با پاهای باز از هم
squat	۱- چمباتمه زدن ۲- ایستادن روی زانوهای خم ۳- نقض کردن یک پیمان
squat jumps	پریدن روی پاها از زانو خم، پریدن به شکل کلاغ پر
squeeze	فشردن، له کردن
snarl (also: Squash)	خرد کردن، له کردن، سرکوبی
stab	۱- خنجر زدن ۲- زدن



stabbing the ball	توپ را زدن، از کار انداختن توپ
Stable	۱- ثابت، محکم، استوار ۲- تیم ۳- چندین بازیکن حرفه ای که توسط یک بنگاه اداره می شوند
stack	۱- توده، خرمن ۲- نوعی حمله
stack offense	آرایش اولیه برای اجرای این طرح به گونه ای است که چهار بازیکن بصورت دو به دو در دو طرف دوزنقه و گارد راس در مرکز زمین قرار می گیرد . از این آرایش، انتخاب ها و حرکت های متعددی را می توان پی ریزی کرد . بعنوان مثال می توان یک فوروارد و یک سنتر را در یک طرف دوزنقه و فوروارد دیگر را در سمت مخالف بین دوزنقه و خط طولی زمین و دو گارد دیگر را در بالای دایره خط پرتاب آزاد قرارداد ( استیو برت مربی بلم فایلد ). یا این طرح را با قرار دادن دو بازیکن در منطقه پُست پائین هم می توان اجراء نمود.
stack up against	رقابت کردن با
stack up points	نتایج خوب کسب کردن، جمع کردن امتیازها
stack zone offense	اتخاذ طرح stack در برابر دفاع منطقه ای
stadium	استادیوم ورزشی، ورزشگاه
staff	کارمندان، کارکنان
stage	۱- مرحله ۲- صحنه نمایش ۳- اجرا کردن، انجام دادن
stage a meet (also: - game)	ترتیب دادن یک مسابقه
stage fright	ترس حاصله در اثر ظهور در صحنه نمایش
staggered feet	با زاویه قرار دادن پاها نسبت به یک دیگر
staggered picks (also: - screens)	ایجاد دو، سه سد (اسکرین) نزدیک به هم
staggered screen situation	موقعیت ایجاد دو، سه سد (اسکرین) نزدیک به هم
single -single	ایجاد یک بلاک پشت سربلاک دیگری
double – single	ایجاد دو سد پشت سر هم و یک ایجاد سد در کنار آنها
staggered stance	با زاویه قرار دادن پاها نسبت به یک دیگر
stairs drills	تمرینات متفاوت روی پله ها؛ دویدن به بالا و پایین پله ها
stale	خسته
staleness	خستگی
stall	۱- به تأخیر انداختن، تظاهر به فعال بودن ۲- کنترل توپ در محدودیت زمانی ۳- به طور کامل خسته کردن، فرسودن
stall along (also: - around , - off , - for time)	دنبال فرصت گشتن، تعلل کردن ( برای بدست آوردن فرصت بهتر ) ، تاخیر کردن
stall game	بازی عقب افتاده
stalling	نگهداشتن توپ به منظور تأخیر انداختن در بازی
stalling type of offense	حمله تاخیری توام با حفظ توپ

stamina	بنیه، نیرو، استقامت
stamping the foot	با صدا راه رفتن، با پا لگد کردن
stance	وضع، حالت، طرز ایستادن
balancing stance	طرز ایستادن به شکل مناسب
parallel stance	طرز ایستادن دفاعی با پاهای موازی
pistol stance	حالت دفاعی با پاهای از هم باز و مستقیم در برابر حمله حریف مالک توپ و حریف دیگری که او امکان مقابله با هر دو را به صورت مثلث ممکن می کند.
preventive stance	حالت یا طرز ایستادن پیشگیرانه
square stance	طرز ایستادن دفاعی جلوی حریف با پاهای باز و موازی
Wrestler's stance	طرز ایستادن دفاعی با پاهای باز و موازی
stand	سکوی تماشاچیان مسابقات، تحمل کردن ایست، ایستادن، ایست کردن، توقف کردن، توقف، مکث، موضع، وضع، ماندن، راست شدن، قرار گرفتن، واقع بودن، واداشتن
standard of play	ضابطه و معیار بازی
stand around	تلف کردن وقت بازی با حرکت نکردن از یک مکان
stand decko	مواظب (کار) خود بودن، احتیاط کردن
stand – in	۱- ذخیره ۲- بازیکنی که قادر است به جای دیگران بازی کند
stand in	شرکت کردن در بازی، مسابقه
standing broad jump	پرش به طرف جلو از یک حالت ثابت
standing defensive man	دفاع غیرفعال در هنگام تمرین پاس و دریافت توپ که فقط شرایط بازی را شبیه سازی می کند
standing position	۱- موقعیت ثابت ۲- موقعیت بدون تغییر، ثابت
standing – stride position	طرز ایستادن با پاهای باز و ثابت
stand on one's ear	خم شدن، دولا شدن، سر فرود آوردن
stand -out	بازیکن یا تیم برجسته و عالی
Stand out	حمله کردن
Stand out against	حمله کردن
Stand straight up	در حالت راست ایستادن (عدم آمادگی برای حمله)
Stand up	برپاماندن، روی پا ایستادن، ایستاده، با استقامت، آماده بازی، آماده رقابت
Star	۱- بازیکن برجسته ۲- بازیکن برجسته، بازیکن اصلی ۳- کسی که برای منطقه یا کشور خودش بازی می کند.
Starboard arm	بازوی یا دست راست
Stare	۱- خیره نگاه کردن، رک نگاه کردن ۲- خیره شدن
Staring	۱- با شگفتی نگاه کردن ۲- آماده حرکت نبودن
Start	۱- شروع کردن، حرکت کردن ۲- شروع، آغاز ۳- منفعت، برتری
Start all over again	دو باره شروع کردن کل یک نقشه بازی

Starters	۵ بازیکنی که بازی را شروع می کنند.
Start going	شروع کردن، آغاز کردن، شروع، آغاز
Starting	شروع کردن، آغاز نمودن
Starting line – up	۵ بازیکنی که بازی را شروع می کنند
Starting whistle	شروع بازی با علامت سوت
Star – off	شروع، آغاز
Start of the game	شروع بازی
Start of the play	شروع بازی
Start the ball rolling	شروع کردن بازی، شروع کردن حرکت
Start the clock	بیکار انداختن ساعت بازی با شروع مسابقه
State	۱- حالت ۲- کشور، ایالت
State of mind	وضعیت و شرایط در یک لحظه
State of readiness	آگاهی، هوشیاری (در دفع)
Stater	تیم دانشگاه یک ایالت یا استان
Station	پاسگاه، محل مأموریت، مستقر کردن، استقرار یافتن، جایگاه، مرکز، جا، در حال سکون، وقفه، سکون، پاتوق، ایستگاه اتوبوس و غیره، توقفگاه نظامیان و امثال آن، موقعیت اجتماعی، وضع، رتبه، مقام، مستقر کردن، در پست معینی گذاردن
Stationary	۱- بی حرکت، ساکن، ایستا ۲- بلیطهای تعارفی یا افتخاری برای مسابقه
Stationary bike	دوچرخه ثابت برای تمرین
Stationary foot	پایی که هنگام حرکت پیوت یا چرخش مدام در تماس با زمین باشد، پای پیوت
Stationary pass	پاس دادن در حالت ثابت
Stationary screen	ایجاد سد (اسکرین) در حالت ثابت
Stationary screen away from the ball	ایجاد سد (اسکرین) در حالت ثابت برای هم تیمی دورتر از توپ که امکان فرار از سد و دریافت پاس را برای او فراهم می سازد
Stationary screen ball	ایجاد سد (اسکرین) در حالت ثابت برای هم تیمی مالک توپ
Stationary shot	شوت در یک حالت ثابت (بطوریکه تماس پاها با کف زمین قطع نشود)
Stationary target	هدف ثابت و بی حرکت
Station drills	آرایش تمرینات ایستگاهی در زمین بازی : مثلا ۱۲ ایستگاه در زمین بازی توسط آقای لی تلبوت مربی دانشگاه کارولینا برای یک جلسه ۱۵ دقیقه بطول می انجامد شامل. (طناب زدن، دربیبل، پرش از روی خطوط و..... می باشد
Station work	تمرین ایستگاهی
Statistical	وابسته به آمار، آماری
Statistical information	اطلاعات آماری
Statistical probability	امکان سنجی آماری

Statistical report	کسیکه اطلاعات آماری جمع آوری می کند.
Statistical sheet	فرمی که با داده‌های آماری پر شود.
Statistician	شخصی که داده های آماری را جمع آوری نموده و تحلیل می کند، آمارشناس
Statistics	آمار، آمارشناسی
Stats	آمار
Status	۱- وضع، حالت، وضعیت ۲- مقام، شان ۳- وضع اجتماعی یا قانونی یک شخص
Stay	باقی ماندن، ساکن شدن، توقف کردن، باز داشتن
Stay low	نزدیک حلقه قرار گرفتن
Stay on board	جدال کردن برای ریباند
Stay put	۱- مصمم بودن ۲- برای چند لحظه در یک نقطه ماندن
Steady	بازیکن خوب و قابل اعتماد
Steady hand	روش و رفتار استوار(مربی)
Steal	۱- دزدیدن، قاپیدن ۲- پیشروی مخفیانه ۳- غارت، چپاول ۴- گرفتن، قاپیدن توپ ۵- جلو گیری
Steal a pass	قطع کردن پاسکاری حریف
Steals (STL)	علامت آماری و مخفف قاپیدن توپ یا قطع کردن آن
Steal the ball	گرفتن توپ، قاپیدن توپ، تقلا کردن برای توپ
Steal the show	بهتر بودن از، برتری داشتن بر، بهتر از دیگران عمل کردن (در زمین بازی)
Steam up	۱- اشتیاق ایجاد کردن ۲- عصبانی کردن، خشمگین کردن
Steer	۱- راهنمایی کردن، هدایت کردن ۲- کسیکه اطلاعات مربوط به رویدادهای آینده را می فروشد.
Step	قدم، گام، گام برداشتن، قدم برداشتن، قدم زدن
Step away	عقب رفتن، عقب کشیدن
Step – away fade shot	اجرای شوت پس از گام برداشتن به عقب با بدنی متمایل ببعقب
Step – away one hander	اجرای شوت با یک دست پس از گام برداشتن به عقب با بدنی متمایل به عقب
Step – away shot	اجرای شوت پس از گام برداشتن به عقب با بدنی متمایل ببعقب
Step – away shot under basket	اجرای شوت پس از گام برداشتن به عقب و برگشتن با یک پرش به طرف محدوده زیر حلقه
Step back	عقب رفتن، عقب کشیدن
Step ball side	نفوذ کردن از سمت قوی زمین
Step down	ترک کردن یک موقعیت
Step – in pivot	نفوذ کردن به طرف حلقه همراه با چرخش
Step – in pivot shot	نفوذ همراه با پیوت و در پی آن اجرای شوت از محدوده زیر حلقه

Step into the pass	رفتن برای دریافت پاس
Step out	دویدن، با عجله دویدن، مسدود کردن مسیر
Stepping foot	پایه که در هنگام پیوت حرکت می کند
Step- step	حرکتی با دو گام : اولین گام کوتاه و در پی آن گام سریع و بلند
Step to the game (also: -play)	بالا بردن سرعت بازی
Step toward ball, stop , change direction and take pass over shoulder	حرکت گول زدن قبل از دریافت پاس : برداشتن یک گام به طرف هم تیمی مالک توپ و متوقف کردن ناگهانی این حرکت سپس و تغییر مسیر برای ایجاد فضای مناسب جهت دریافت پاس
Step up	۱- سرعت دادن ۲- پیشرفت کردن، بهبودی دادن، اصلاح کردن
advance step	گام بجلو، گام به طرف جلو
Approach step	قدم یا گام برداشتن به طرف جلو (توسط یک بازیکن مدافع به طرف یک بازیکن مهاجم حریف زمانیکه او قصد دارد توپ را برای شوت کردن بالا آورده باشد یا زمان دریافت پاس و یا زمانیکه او قصد نفوذ به طرف حلقه داشته باشد
Attack step	گام بلند در برابر حریفی که در حال شوت زدن باشد
Cross- over step	گامی که مسیر را تغییر می دهد
Dip step	۱- گامی که حریف مدافع را منحرف می کند و مسیر دریافت پاس باز می شود
Drop step	گام عقب نشینی
Drop step and drive by pivot man	نفوذ قوی بازیکن سانتر به طرف موقعیت شوت بعد از سد کردن مسیرو پشت سر گذاشتن مدافعی
Drop step bounce pass	ارسال پاس زمینی پس از حرکت پا به عقب و ایجاد سد در برابر مدافع
Explosion step	گام قوی ناگهانی، گام سریع و بلند بازیکن مهاجم جهت گریز از حریف
Giant step	گام بسیار بلند
Hard step	گام بلند و قوی
Hesitation step and drive	فریب با گام کوتاه به سمسقورد نظر برای نفوذ و برگشتن و با جا ماندن و عقب کشیدن مدافع، حرکت مجدد و نفوذ به سمسقبد
Hockey step	حرکت به طرفین با حفظ تعادل بدنی
Jab step	گام فریب (گامی که با پای غیر ثابت برای برهم زدن تعادل دفاع برداشته می شود. در واقع هدف از این کار فریب بازیکن مدافع می باشد که در صورت موفقیت بازیکن مهاجم اقدام به حرکت بعدی (شوت دربیبل یا ...) خواهد کرد)
Jab step and cross over	برداشتن گام فریب و در پی آن یک گام بلند در مسیر مخالف برداشتن
Jab step and shoot	برداشتن گام فریب جهت باز شدن موقعیت شوت
Jumping with one step approach	پریدن با یک گام به جلو جهت نزدیک شدن به حریف
Jump – shot with one step	شوت جفت به طرف حلقه بعد از یک گام برداشتن

Oblique slide step	سُر خوردن بصورت اریب
One step stop	فروود آمدن از یک پرش روی هر دو پا در یک زمان، متوقف شدن روی هر دو پا در یک زمان
One – two step	بعد از برداشتن گام فریب قوی با پای داخلی (پایی که به حلقه نزدیکتر باشد) دومین گام را بلند با پای بیرونی برمی داریم
Patter step	سریع پا بزمین زدن
Push step	۱- هل دادن با گام‌های کوتاه ۲- فشار آوردن با پا
Rear slide step	گام کوتاه به عقب برداشتن، به عقب سُر خوردن
Retreat step	گام به عقب برداشتن در هنگام دفاع جهت پوشش دادن شکافی که بازیکن حمله قصد نفوذ از آنجا را دارد
Reverse retreat step	گام به عقب با تغییر مسیر: چرخش هر دو پا به سمتی که حریف در بیل می‌کند
Rocker step	پای محور یا گام پیوت
Screen and step (back)	ایجاد سد (اسکرین) و عقب کشیدن بعد از اینکه هم تیمی سد شونده از این سد استفاده نمود
Slide step	گامی که سُر می‌خورد
Stride step	گام دوم در هنگام متوقف شدن بر روی پاها بصورت یکی بعد از دیگری
Stutter steps	۱- گام‌های تند و کوتاه ۲- گام‌های بی قاعده جهت برهم زدن دفاع
Two step stop	متوقف شدن بر روی پاها بصورت یک پس از دیگری
Stereotype the movements	تکرار حرکات بدون تغییر
Stick	۱- سوراخ کردن ۲- چسباندن، چسبیدن ۳- در یک مکان قرار گرفتن
Stick it out	بازی کردن تا آخر
Stickout	چیز مهم
Stick out	اصرار کردن، پیش آمدگی داشتن، جلو آمدن، متحمل شدن
Sticks	چوب یا عصای زیر بغل
Stick the ball in the hole	توپ را درون حلقه انداختن، امتیاز کسب کردن
Stick to it	بچسب به حریف و از او دفاع کن
Sticky finger	بازیکن متوسط
Stiff	۱- سفت، سخت، انحناء ناپذیر ۲- دلیر، پر شهامت
Stiff – arm sweep	تاب و امتداد دادن دست (در هنگام شوت هوک)
Stiff fight	بازی سخت
Stiffneck	گردن فرازی، خودبینی، تکبر نخوت
Still	آرام کردن، آرام، خاموش، بی حرکت
Stilts	پاها
Stimulus	انگیختار، محرک، انگیزه، تحریک
Stooge	بازیکنی که در یک بازی از پیش تعیین شده مکانی را که از دست داده باز پس می‌گیرد.

Stop	قطع کردن، متوقف کردن ایستگاه ، مکث ، ناک دان ، برخورد، ورجستن، متوقف کننده، ایست، ایستاندن، توقف کردن، از کار افتادن، مانع شدن ، نگاه داشتن، سد کردن، تعطیل کردن، خواباندن، بند آوردن، منع، توقف ، منزلگاه بین راه، ایستگاه، نقطه
Stop all splits	مهار کردن تمام تلاش‌های حریفان
Stop and think	احتمادن و تفکر کردن
Stopgap	۱- ذخیره ۲- پوشش دادن موقت از یک شکاف (در دفاع)
Stopped – clock period	زمانی که ساعت بازی متوقف می‌شود
Stop play	نگهداشتن زمان بازی
Stop the clock	نگهداشتن زمان بازی با خاموش کردن ساعت
Stop the game	متوقف کردن بازی
Stop watch (Am) = Stop- watch (Eng)	ساعت وقت‌گذاری که حرکت و ایست آن در اختیار شخص باشد
Good jump stop	متوقف شدن مناسب بر روی دو پا در یک زمان و بمشکل موازی؛ کیل پایین، پاها بمصورت موازی، سر متمایل به عقب، پاها به اندازه عرض شانه ها باز و بمصورت نیم خم
Jump stop	فرود آمدن از یک پرش روی هر دو پا در یک زمان
Jump stop and turn	فرود آمدن از یک پرش روی هر دو پا در یک زمان و در پی آن اجرای چرخش (پیوت)
One step stop	فرود آمدن از یک پرش یا متوقف شدن روی هر دو پا در یک زمان
One – two stop	متوقف شدن بر روی پاها بمصورت یک پس از دیگری
Pivot stop	متوقف شدن بر روی پاها بمصورت یک پس از دیگری و استفاده کردن از پای عقب بمعنوان پای پیوت
Quick stop	
Quick stop and fade – away	شوت جفت با بدنی متمایل به عقب و زانوها در حالت نیمه خم بعد از متوقف شدن بر روی هر دو پا در یک زمان وبصورت موازی
Quick stop and turn	پیوت یا چرخش روی یکی از پاها بعد از متوقف شدن بر روی هر دو پا در یک زمان وبصورت موازی
Stride stop	متوقف شدن بر روی پاها بمصورت یک پس از دیگری و استفاده کردن از پای عقب بمعنوان پای پیوت
Two foot jump stop	متوقف شدن روی هر دو پا در یک زمان بمصورت موازی (که در این حالت به بازیکن این اجازه را می‌دهد که از هر پا که می‌خواهد برای چرخش یا (پیوت) استفاده نماید
Two step stop	متوقف شدن بر روی پاها بمصورت یک پس از دیگری
Straddle	۱- گشاد نشستن، گشاد ایستادن، گشاد گشاد راه رفتن ۲- طرز ایستادن با پایهای باز
Straddle front lunge	تمرین کششی؛ در حالتی که یک پا در جلو و پای دیگر در عقب قرار دارد به طرف جلو خم می‌شویم

Straddle front lunge – take charge	تمرین کششی؛ یک پا عقب و یکی جلو قرار دارد و دست ه ا به سمت بالا کشیده می شوند.
Straddle side lunge	تمرین کششی؛ با حالت باز می ایستیم و به پهلو خم می شویم
Straddle position	طرز ایستادن با پاهای باز
Straddle stance	طرز ایستادن با پاهای باز
Straddling the foot of the opponent	مسدود کردن پای بازیکن حریف با طرز ایستادن با پاهای باز
Straddling the lane line	موقعیت دفاعی با پاهایی از هم باز در خط کناری منطقه کلید (منطقه سه ثانیه)
Straight	۱- راست، مستقیم، درست، رک ۲- راحت ۳- به طور مستقیم ۴- بازیکنی که به هم تیمی خود کمک می کند.
Straightaway(Am.)= Straight away(Eng)	۱- به سوی جلو ۲- یکدفعه، یگراست، بلافاصله
Straightaway position	موقعیتی در امتداد مسیر مستقیم (بین حلقه و حریفی که از آن دفاع می کنید)
Straight drive	نفوذ قوی مستقیم به طرف جلو
Straight line cut	دویدن به طرف حلقه در امتداد یک خط مستقیم
Straight line relation	مکان مناسب برای دفاع روی خط مستقیم
Straight man - to- man	دفاع نفر در برابر نفر بدون استفاده از سوییچ یا جابجایی پوششی
Straight move	حرکت به جلو (بدون چرخش)
Straight pass	پاس مستقیم، پاس بجلو
Straight snap of the wrist	حرکت پیچ دادن ناگهانی مچ در هنگام پرتاب توپ
Straight turn shot under basket	شوت مستقیم از یک چرخش قبل از حلقه و نزدیک آن
Straight – up jump	پرش عمودی بدون کج شدن بدن
Straight zone	دفاع منطقه ای ساده (بدون ترکیب کردن هر نوع دفاع دیگر)
Strain	۱- تلاش کردن، کوشیدن، کوشش ۲- ضعف عصبی در اثر تلاش شدید ۳- جراحت ناشی از چرخش ناگهانی، یا یک حرکت خشن
Stratagem	حقه، کلک، حيله
Strategy	راهبرد، حرکت ماهرانه جهت فائق آمدن بر حریف
Stray	گمراه شدن، منحرف شدن
Streak	یک دوره پیروزی یا شکست، رگ، ورقه، تمایل، میل، نوار یا رگه نواری، سپیده دم، بفرست حرکت کردن، انجام حرکات عالی
Streak shooter	بازیکنی که در یک زمان شوت هایش تبیل به امتیاز و یک زمان شوت هایش را از دست می دهد
Street – ball	بسکتبال خیابانی (نوع ساده ای از بسکتبال که در خیابان یا حیاط توسط بازیکن حمله و سه مدافع شبیه بسکتبال بازی می شود).
Strength	قدرت، توان، نیرو، قوه
Strength coach	مربی ویژه برای تمرینات قدرتی، یا با وزنه
Strength drill	تمرین های قدرتی، تمرینات با وزنه
Strengths	مقاومت، توانایی



Strength under the boards	بازیکنانی که قدرت و مهارت بازی نزدیک به حلقه را دارا باشند
Strenuous	۱- باحرارت، مصر، بلیغ، فوق العاده، فعال، شدید ۲- طاقت فرسا ۳- تلاش لازم ۴- تیز، مشتاق
Stress	۱- فشار آوردن ۲- فشار ۳- تنش
Stretch	کشیدن، امتداد دادن (ماهیچه‌ها)
Stretch drive	گام بازند به طرف حلقه برداشتن
Stretched zone defense	دفاع منطقه‌ای باز یا پراکنده
Stretcher	بند کفش
Stretching exercise	تمرین کششی
Stretch the legs	قدم زدن، راه رفتن
Stride	۱- حرکت با گام‌های بلند ۲- گشاد نشستن ۳- ایستادن با پاهای باز
Stride pass	پاس دادن بعد از متوقف شدن بر روی پاها یکی بعد از دیگری
Stride pivot	پیوت یا چرخش روی پای محور بعد از متوقف شدن بر روی پاها یکی بعد از دیگری و پای عقب بمعنوان پای پیوت عمل می‌کند
Stride – sit position	حالت نشسته با پاهای باز یا گشاد از هم
Stride stance	حالت دفاعی با یک پا جلو و پاها در یک زاویه نسبت به هم
Stride step	گام دوم بعد از متوقف شدن بر روی پاها یکی بعد از دیگری
Stride stop	متوقف شدن بر روی پاها یکی بعد از دیگری و استفاده کردن از پای عقب بمعنوان پای پیوت
Stride stopping off the dribble	متوقف شدن بر روی پاها یکی پس از دیگری بعد از دربیبل
Strike	ضربه زدن، زدن، ضربت زدن
Strike out	زدن (توبی که توسط حریف نگه داشته می‌شود)
Striking the ball with the fist	زدن توپ با دست بسته (بصورت مشت) (غیر قانونی می‌باشد)
String	(ردیف، سلسله، قطار) تیم
String out	بسط دادن بازی
String out the defense with the press	افزایش دادن فشار دفاع
Stripped to the buff	آماده حرکت
Strive	جستجو کردن، تلاش کردن
Strive for a ball	تلاش برای بعدست آوردن توپ
Strong	نیرو مند، قوی، پر زور
Strong – arm stuff (also: - work)	رفتار خشن
Strong defense	دفاع یا حفاظت قوی
Strong foot	پایی که در طرف دستی که با آن شوت زده می‌شود
Strong hand	دستی که توانایی و مهارت بیشتری داشته باشد
Strong point	۱- بازیکن عالی ۲- نقطه قوت یک بازیکن یا تیم
Strong position	مکانی مناسب برای دریافت پاس و کسب امتیاز

Strong side	۱- سمت زمین بازی که توپ در آن جریان داشته باشد ۲- سمت قوی زمین
Strong with the ball	بازیکن مهاجم در موقعیت تهدید سه گانه (بازیکنی که در موقعیت عالی جهت شوت، پاس و دریبل قرار دارد)
Structure	۱- ساخت، ساختمان ۲- آرایش بازیکنان برای یک حرکت ویژه
Student	دانش آموز، شاگرد
Student manager	دانش آموزی که سرپرست تیم مدرسه، دانشکده یا دانشگاه می باشد
Study the rim	نشان کردن حلقه قبل از شوت
Stuff	اسپک کردن توپ داخل حلقه
Stuffed shirt	آدم خوش ظاهر و توخالی
Stuffing	اسپک کردن توپ داخل حلقه همراه با پرش جفت
Stuff shot	اسپک کردن توپ داخل حلقه همراه با پرش جفت
Stuff the ball	اسپک کردن توپ داخل حلقه
Stumble	از دست دادن تعادل، سکنندری خوردن
Stunt	۱- شاهکار، شیرینکاری ۲- حيله، تمجید
Stunt defense	دفاع زیرکانه، دفاع همراه با گول
Stunting	تاکتیک های دفاعی مبتنی بر حقه و کلک
Stutter steps	۱- حرکتی که شامل گام های کوتاه و سریع باشد ۲- گام های بی قاعده برای بر هم زدن تعادل دفاع
Style	روش، مدل، شیوه، سبک
Stymie	۱- (واژه ای که از گاف گرفته شده) موقعیت بسیار سختی در بازی ۲- بلاک کردن، مانع شدن
Sub	ذخیره
submarine	نفوذ خطرناک زیر حریفی که در حال پریدن باشد
submission	۱- اطاعت، فرمانبری، حرف شنوی ۲- مطرح کردن نقطه نظر، دیدگاه
submit	۱- رها کردن ۲- پیشنهاد کردن ۳- بحث کردن ۴- ارایه یک ایده
substitute	بازیکن ذخیره
substitute free throw	اجرای پرتاب آزاد توسط بازیکن ذخیره در موقعی که بازیکنی که روی او خطا صورت پذیرفته به علت آسیب دیدگی قادر به انجام آن نباشد
substitution	تغییر، جانشینی
substitution of players	جایگزین بازیکنان در زمین بازی، تعویض بازیکنان در زمین بازی
substitution player	بازیکن ذخیره، بازیکنی که جایگزین هم تیمی اش در زمین بازی می شود
suburban jump shot	اجرای شوت جفت بدون هیچ گونه دفاع و مقاومتی توسط حریفان
success	آینده خوب، موفقیت، کامیابی، توفیق
successful	موفق، کامیاب
successful free throw	کسب امتیاز با پرتاب آزاد
successful shot	کسب امتیاز با پرتاب توپ به طرف حلقه

succession	پیایی، توالی
succession of passes	پاس‌های پی در پی
sucker	۱- طفل شیر خوار ۲- جوجه‌ای که تازه پر در آورده ۳- کسی که به آسانی فریب می‌خورد.
sucker play	مینی بسکتبال، بازی بین بازیکنان بی تجربه بازی
sucking for air	بریده دم زدن، نفس نفس زدن
suck up the defense	کشاندن دفاع به سمت دلخواه، مجبور کردن دفاع به خالی کردن یک منطقه و برای تمرکز بر منطقه دیگر
sudden	ناگهان، ناگهانی، بی خبر، بمطور غافلگیر
sudden pass	پاس سریع و ناگهانی
suffice	بس بودن، کفایت کردن، کافی بودن
sugar	۱- پولی که بمعنوان جایزه اهدا می‌شود ۲- جایزه
sugar chaser	کسی که بعدنبال یک اسپانسر می‌گردد.
suggestion	پیشنهاد، طرح
suicide dribble	تمرین دریبل؛ شروع دریبل سریع با دست راست از خط عرضی به طرف خط پرتاب آزاد و برگشت با دریبل سریع با دست چپ به طرف خط عرضی و از آنجا با دریبل سریع به طرف خط مرکزی زمین و برگشت با دست چپ به طرف خط عرضی و با دریبل سریع به طرف خط پرتاب آزاد در زمین مقابل و برگشت به طرف خط عرضی با دست چپ و در نهایت دریبل سریع با دست راست از خط عرضی به طرف خط عرضی زمین مقابل و برگشت با دست چپ به طرف خط عرضی
suicide drill	تمرین دویدن؛ دویدن از خط عرضی به طرف خط پرتاب آزاد و برگشت، دویدن به طرف خط مرکزی و برگشت، دویدن به طرف خط پرتاب آزاد زمین مقابل و برگشت، دویدن به طرف خط عرضی زمین مقابل و برگشت (شروع و رسیدن به هر خطی باید همراه با لمس کردن آن خط باشد)
sulky	قهر، رنجیده، دلخور
summary	خلاصه، مختصر
summer basketball camp	مرکز آموزش تابستانی
sun devils	نام تیم بسکتبال دانشگاه ایالتی آریزونا در تمپ که در کنفرانس می‌کند پسفیک تن بازی
super	۱- اعلی، بسیار خوب، عالی ۲- مفرط، بیش از اندازه
superbo	عالی، بسیار خوب، باشکوه، باوقار
supercolossal	باشکوه، مجلل، عالی
superior quickness	سرعت غالب
superman drill	از پُست پانچن در منطقه کلید توپ را به طرف تخته به صورت اریب پرتاب کرده و بلافاصله با یک برش در عرض منطقه کلید توپ برگشتی از تخته را

	می گیریم. دوباره این حرکت پرتاب برش و گرفتن را تکرار می کنیم
superstition	موهوم پرستی، خرافات موهوم
super-super	با شکوه و جلال بالا
supervise	نظارت کردن، رسیدگی کردن
supervision	بازرسی، رسیدگی، نظارت
supine position	خوابیدن به پشت طوری که صورت به طرف بالا باشد
supple	انعطاف پذیر، نرم، قابل ارتجاع، تغییر پذیر
suppleness	نرمی، انعطاف پذیری
support	۱- حمایت یا تقویت کردن، تحمل کردن، اثبات کردن، تأیید کردن، تکفل کردن، نگهداری کردن، نگهدارنده، تصدیق کردن، تحمل کردن، حمایت کردن، متکفل بودن، نگاهداری، تقویت، تأیید، کمک، پشتیبان زیر برد، زیربری، پشتیبانی کردن، نگه داشتن، محافظت کردن، نگهداری ۲- پایه، دستگاه (حلقه و تخته) ۳- دستیار، هم تیمی، کمک، تکیه گاه
supporter	۱- فردی که تیمش را تشویق می کند، هوادار، تماشاگر ۲- حامی، پشتیبان
support hand	دستی که توپ را در کار اجرای شوت محافظت می کند.
supporting cats	۱- هم تیمی ها ۲- اعضای تیم
support man - to - man defense	دفاع یارگیری همراه با پوشش و کمک دیگر بازیکنان مدافع
supremacy	برتری، رهبری و هدایت، تسلط
sure	یقین، خاطر جمع، مطمئن
sure bet	۱- تیم حریف که یقین به پیروزی در بازی دارد ۲- امر مسلم، یقین، اطمینان ۳- برنده احتمالی
sure – fire	اطمینان به موفق شدن
sure shot	شوت مطمئن
surface	سطح، رویه، کف
surprise	تعجب، شگفت، حیرت
surprise maneuver	بازی یا حرکت غیر منتظره
surrender	واگذار کردن، دست کشیدن، انصراف دادن، رها کردن، تسلیم شدن
susceptibility	در معرض خطر بودن، در معرض آسیب بودن، مستعد بودن (در بیماری)، استعداد، آمادگی، قابلیت، حساسیت، فروگیری
susceptibility to fakes	پذیرندگی حرکات فریبنده حریف را داشتن
susceptible	حساس، مستعد، پذیرش
suspend	۱- به تعویق انداختن ۲- کنار گذاشتن ۳- به طور موقت بیکار کردن
suspension	۱- تعلیق ۲- وقفه
sustain	حمایت کردن از، متحمل شدن، نگهداشتن
sustain pressure	تحمل کردن فشار
swallower	گلو، نای

swap	معاوضه، مبادله کردن، عوض کردن
swap places (with)	جا به جا کردن، تعویض کردن، جانشین کردن، جایگزین کردن
sweat	۱- عرق کردن، تعریق ۲- هیجان ۳- بی صبری و بی قراری ۴- اضطراب
sweatpants	شلوارهای ضخیم تمرین
sweatshorts	پیراهن های ضخیم تمرین
sweat socks	جوراب های ورزشی با خاصیت جذب تعرق
sweat suit	لباس های ورزشی با خاصیت جذب تعرق
sweep	پیروزی قطعی
sweeping action	حرکت تاب دادن
sweeping hook shot	شوت هوک با تاب و امتداد دادن دست
swell	۱- باد کردن، آماس کردن، تورم و برآمدگی (شبه زخمی ها) ۲- در سلامت کامل ۳- عالی
swelling	برآمدگی غیر طبیعی، بیرون زدگی، ورم، آماس
swing and go offense	حمله با استفاده از پاس های بلند سریع (اسکیپ پاس) به طرف هم تیمی ها در سمت دیگر زمین بازی همراه با برش بازیکنان به طرف حلقه و در آنجا منتظر برای دریافت پاس برگشتی
swinging	خم کردن بالا تنه به طرف جلو و کنار
swingaman	بازیکنی که قادر به بازی کردن در پست های مختلف باشد
swingmen	بازیکنانی که آماده بازی در موقعیت های مختلف باشند
swing pass	پاسی که بازی را به سمت دیگری زمین انتقال می دهد
swing player	بازیکنی که قادر به بازی کردن در پست های مختلف باشد
swing step	گام چرخشی
swing the ball	برگرداندن توپ به سمت ضعیف زمین بازی
swirl	حرکت چرخشی، چرخش
swirl and spin	چرخیدن و گردیدن
swish a shot	پرتاب مستقیم توپ داخل حلقه
swisher	۱- کسب امتیاز با شوت مستقیم به داخل حلقه ۲- پرتاب سریع
swish the hoop	امتیاز کسب کردن
switch	۱- تغییر دادن، جا به جا شدن، تغییر مسیر دادن ۲- خاموش و روشن کردن ۳- تغییر پوشش دادن
switch back	تغییر پوشش یا سوئیچ به طرف حریف اصلی
switching	تغییر پوشش
switching hands dribble	دریبل زدن همراه با تعویض دست ها
switching man – to – man defense	دفاع یارگیری همراه با جابجایی یا سوئیچ بازیکنان مدافع علیه هر حرکت برش و ایجاد سد (به استثنای مدافعی که سنتر حمله را پوشش می دهد)
switch (with)	جابجایی موقعیت ها (با هم تیمی)

Beat switches	خنثی کردن و ناکام گذاشتن جابجایی مدافعان
Beat - the switch tactics	شیوه خنثی کردن جابجایی مدافعان حریف
Crouch and switch	دولا شدن و پریدن جهت سوئیچ کردن بازیکنان حمله
Fake jump - switch	وانمود کردن به تغییر پوشش با یک جست
Forcing to switch	وادار کردن به تغییرات پوشش
Help switch	جابجایی بازیکنان مدافع
Jump switch	تغییر پوشش با یک پرش و جهش
Lateral switch	سوئیچ جانبی مدافع
Quick switch press (pressure , pressing)	فشار یا پرس در گیرانه همراه با تغییر پوشش
Screen switch defense	سیستم دفاعی همراه با سوئیچ و یا جابجایی بازیکنان مدافع علیه بازیکنان مهاجم که اقدام به ایجاد سد (اسکرین) می کنند
switchy	نامنظم رونده، تشنجی، متناوب
swivel	۱- جا ۲- میله، استوانه، بدنه ۳- محور، لولا ۴- چرخیدن
swivel point	نقطه چرخش
swoop and dunk	اسپک کردن توپ داخل حلقه با یک پرش بسیار بلند
sycamores	نام تیم بسکتبال دانشگاه ایالتی ایندیانا در تری هوت که در کنفرانس میسوریلی بازی می کند
sync	همزمان سازی، همگام سازی
synthetic	مرکب از مواد مصنوعی، ترکیبی، هم گذاشت
synthetic ball	تویی که از مواد مصنوعی ساخته شده باشد
synthetic material	ماده مصنوعی
system	طرح، الگو، سیستم، قاعده، اسلوب



Sagging posture	دفاع یارگیری شل یا بدون فشار همراه با خیز برداشتن و رها کردن حریف مهاجم به منظور کمک کردن به هم تیمی
Sagging tactics	روش و تاکتیک دفاعی بر اساس دفاع یارگیری شل یا بدون فشار همراه با خیز برداشتن و رها کردن حریف مهاجم جهت کمک کردن به هم تیمی
Sag off	خیز برداشتن و رها کردن حریف مهاجم جهت کمک کردن به هم تیمی
Salient	برجسته، والا
Salukis	نام تیم بسکتبال در دانشگاه ایلی نویز جنوبی در اجواردزویل که در کنفرانس میسوری‌الی بازی می کند
Same but different	۱- به طور تقریبی برابر ۲- تقریباً یکسان
Sam Jones drill	تمرین شوت از توپ های برگشتی از حلقه یا توپ ریپاند شده (سم جانز که در دهه ۶۰ در تیم بستون سلتیگز بازی می کرد این نوع شوت را به کار می گرفت)
Sample	۱- نمونه، الگو ۲- بخشی از یک طرح بازی، الگوی بازی که تمام آنچه را که باید انجام شود نشان می دهد.
Sample slides	الگوی حرکت بازیکنان که بر روی عکس اسلاید نشان داده می شود.
Sanction	مجازات، جریمه، کیفر، پنالتی
Sergeant jump	پرش بلند درجا
Satisfaction	رضایت، خوشنودی، خرسندی
Savage	وحشی، رام نشده، تربیت نشده،
Savage contact	برخورد وحشیانه، برخورد و مقابله وحشیانه بازیکنان
Save	ذخیره کردن، نگهداشتن، حفظ کردن، نجات دادن، رهایی بخشیدن، نگاه داشتن، انداختن، پس انداز کردن
Save one's bacon (also: -hide, -skin )	رهایی یافتن از مشکلات
Save the ball	۱- مالکیت توپ را حفظ کردن ۲- محافظت کردن از مالکیت توپ ۳- نجات دادن توپ در مقابل خارج شدن آن از زمین
Savvy	ادراک، فهم، زرننگ و دانا
Sawbones	۱- استخوان پزشک ۲- جراح ۳- پزشک
Saw off	حذف کردن، دفع کردن، زدودن
Scalded	آزرده، رنجیده
Scale	ترازو
Scared stiff	وحشت زده
Scarlet knights	نام تیم بسکتبال دانشگاه روتگرز در نیوبرانزویک (نیوجرسی) که در کنفرانس آتلانتیک تن بازی می کند
Schedule	برنامه، طرح و نقشه، فهرست زمانی، جدول زمان بندی ورزشی
Scheduled	مقرر شده، تعیین شده، برنامه ریزی شده
Scheduled game	مسابقات برنامه ریزی شده، مسابقات قهرمانی، بازی لیگ



Scholarship	کمک هزینه برای آموزش، کمک هزینه دانشجویی، مبلغی پول که به عنوان کمک هزینه تحصیلی به دانشجو داده می شود.
School	مدرسه، سؤال آموزشی، مدرسه عالی
Schooled	تعلیم دیده، آموزش دیده شده، بازیکنانی که به روش مناسب و شایسته تعلیم دیده‌اند
School for Christian workers	مدرسه ای برای آموزش دیده ها و مربیان YMCA در اسپرینگ فیلد (ماساچوست) که در دسامبر ۱۴۸۱ جیمز نیسمیت در سمت مربی در آن مشغول به کار بود و یک بازی جدید که بعدها بسکتبال نام گرفت ابداع کرد. این مدرسه به یک کالج بزرگتر توسعه داده شد که امروز کالج اسپرینگ فیلد خوانده می شود.
Schoolyard ball	تعریف طعنه آمیز از یک تیم دانشگاه و یا یک تیم حرفه ای به خاطر بازی ضعیف
Scissor	قیچی کردن، بریدن و کوتاه کردن با قیچی یا ابزار برنده ی دیگر، برش، بریدگی، چاک، قطع، تقسیم، تفرقه، پراکندگی، اختلاف
Scissor cut	برش قیچی وار، برش متقاطع
Scissoring	گذشتن دو بازیکن از هم به صورت ضربدر
Scissoring – off- the post	گذشتن دو بازیکن از هم به صورت ضربدر، برش دو بازیکن از نزدیک بازیکن سنتر به طور معمول با پاس دادن توپ به او توسط یکی از آنها
Scissor movement	حرکت تقاطعی، حرکت ضربدری، حرکت گذشتن دو بازیکن به صورت ضربدر
Scissor off	برش قیچی وار، برش متقاطع (از نزدیک بازیکن سنتر به طور معمول با پاس دادن توپ به او توسط یکی از بازیکنان برش کننده)
Scissors	۱- قیچی کردن، بریدن و کوتاه کردن با قیچی یا ابزار برنده دیگر ۲- حرکت تقاطعی، حرکت ضربدری، حرکت گذشتن دو بازیکن به صورت ضربدر
Scissor through	عبور کردن، تقاطع کردن، برخورد کردن، قطع کردن
Scoop	۱- اسباب مخصوص در آوردن چیزی (شبهه قاشق) ۲- بیرون کشیدن با پارو ۳- پیروزی قاطع
Scooping motion	۱- حرکتی با یک دست از پایین شویه پارو ۲- حرکت دادن توپ شویه حرکت پارو
Scoop pass	دادن پاس یک دست با سرعت از پایین که توسط بازیکن حمله کننده ای که به شدت تحت مراقبت و دفاع است به بازیکن هم تیمی اش
Scoop shot	نوعی شوت زیر دست، شوتی که با یک دست از زیر با حرکتی شبهه بیرون کشیدن از آب با یک پارو اجرا می شود.
Scoop up	برداشتن توپ سرگردان از روی زمین با یک حرکت دست، شبهه بیرون کشیدن چیزی از آب به وسیله پارو
Scout	۱- به سرعت و مثل تیر شهاب رفتن، جستن، سرعت داشتن، ناگهان سر خوردن، لیز خوردن ۲- حرکت سر خوردن از پهلو و به عقب

scooter	بازیکنی سریع، بازیکن پر شتاب، بازیکنی که با عجله و اشتیاق هجوم می‌برد.
Scorch	پاس سریع و محکم
Score	۱- کسب کردن امتیاز ۲- به هدف زدن ۳- حساب امتیازات ۴- آوردن پوان
Score a basket	کسب کردن امتیاز
Attack the goal	کسب کردن امتیاز
Bank ball off the backboard into hoop	کسب کردن امتیاز
Cager	کسب امتیاز
Cage the casaba	کسب کردن امتیاز
Can the shots	امتیازات را کسب کردن
Choke the hoop	کسب کردن امتیاز
Clear the rim	کسب کردن امتیاز
Connect with the hoop	کسب کردن امتیاز
Drop the leather	کسب کردن امتیاز
Dump the basket	کسب کردن امتیاز
Fill it up	کسب کردن امتیاز
Find the basket	کسب کردن امتیاز
Find the range	کسب کردن امتیاز
Fire away from outside	کسب امتیاز (با شوت از محدوده بیرونی)
Fire the rock	کسب امتیاز با شوت
Goal made	کسب امتیاز
Hit the bucket	کسب کردن امتیاز
Hit the hoop	کسب کردن امتیاز
Hit the shot	کسب کردن امتیاز
Hooper	کسب امتیاز
Hoop in	کسب کردن امتیاز
Inside score	شوت خوب از نزدیک به حلقه
Inside shot	شوت خوب از نزدیک به حلقه
In your face jumper	کسب امتیاز از شوت جفت (شوت همراه با اسپیک کردن در حلقه) برای دست انداختن حریف مدافع
Iron the ball	کسب کردن امتیاز
Jam the ball	امتیاز کسب کردن با اسپیک کردن توپ داخل حلقه
Jam down	امتیاز کسب کردن با اسپیک کردن توپ داخل حلقه
Jamshot	کسب امتیاز از اسپیک کردن توپ داخل حلقه
Lay the ball over the front rim	کسب کردن امتیاز
Light	کسب کردن امتیاز
Locate the basket	کسب کردن امتیاز

Made basket	کسب امتیاز
Made shot	کسب امتیاز
Make a goal	کسب کردن امتیاز
Make a hoop	کسب کردن امتیاز
Make a ringer	کسب کردن امتیاز
Make shot	کسب کردن امتیاز
Nail	کسب کردن امتیاز
Nail it from three	کسب امتیاز از شوت ۳ امتیازی
Net	کسب کردن امتیاز
Net a goal	کسب کردن امتیاز
Pot	امتیاز کسب کردن، کسب امتیاز
pour the leather through the hoop	(توپ چرمی را داخل حلقه کردن) کسب کردن امتیاز
Push the ball through the netting	کسب کردن امتیاز
Push the ball back up	کسب امتیاز از ریپاند، توپ را با سر انگشتان از ریپاند حمله داخل حلقه کردن
Put the ball through the hoop	کسب کردن امتیاز
Put the ball up	کسب کردن امتیاز
Register	(ثبت امتیاز داخل برگ امتیاز) امتیاز کسب کردن
Ringer	کسب امتیاز
Ring the bell	کسب کردن امتیاز
Ring the bucket	کسب کردن امتیاز
Ring up the curtain	کسب اولین امتیاز بازی
Roll off the shot	کسب کردن امتیاز
Score from three	کسب امتیاز از شوت ۳ امتیازی
Score off the break	کسب امتیاز از ضدحمله
Score off the dribble	کسب امتیاز از دربیبل
Shoot a basket	کسب کردن امتیاز
Shoot at the hoop	کسب کردن امتیاز
Shoot for the goal	کسب کردن امتیاز
Sink a basket	کسب کردن امتیاز
Sink a shot	کسب کردن امتیاز
Sinker	کسب امتیاز
Solve the slants	کسب کردن امتیاز
Spot the basket	(یافتن حلقه) امتیاز کسب کردن
Sopot the hoop	(یافتن حلقه) امتیاز کسب کردن
Stick the ball in the hole	(قرار دادن توپ در گودال) امتیاز کسب کردن
Swish a shot	کسب کردن امتیاز

Swisher	کسب امتیاز
Swish the hoop	کسب کردن امتیاز
Take shot	کسب کردن امتیاز
Thread the net	کسب کردن امتیاز
Tickle the twine	امتیاز کسب کردن (تماس توپ با تور هنگام وارد شدن توپ داخل حلقه)
Throw it down	کسب کردن امتیاز
Tip shot	کسب امتیاز با زدن توپ به طرف حلقه با سرانگشتان
Twister	کسب امتیاز
Score a smash hit	پیروز شدن، کامیاب شدن، موفق شدن
Scoreboard	تابلویی که روی آن نتیجه بازی و خطاهای بازیکنان و تیم را نشان می دهد، تابلوی ثبت امتیازات
Scoreboard operator	شخصی که مسئولیت راه اندازی و کاربری دستگاه ثبت امتیاز را به طور رسمی بر عهده دارد.
Scorebook	کتابی حاوی برگ امتیازات (در ایالت متحده آمریکا روند مسابقه روی یک فرم جداگانه ثبت نمی شود)
Score from three	کسب امتیاز از خط ۳ امتیازی
Scorekeeper	منشی مسابقه؛ داور ثبت امتیازات و کمک های او
Score off the break	امتیاز کسب کردن از ضد حمله، کسب امتیاز از ضد حمله
Score off the deibble	کسب امتیاز از دریل
Score points	امتیاز کسب کردن
Scorer	۱- منشی مسابقه ۲- بازیکنی که امتیاز کسب می کند ۳- بازی امتیاز آور
Scorer's table	میز اعضای داوران مسابقه، اعم از ثبت امتیاز، وقت نگاه دار و داور وقت نگاه دار ۲۴ ثانیه
Scoresheet	برگ ثبت امتیاز (و دیگر جریانات بازی)
Scoring	امتیاز دادن به تمام شوت های موفق و پرتاب های آزادی که توسط بازیکنان نیتمی در حین بازی انجام می شود
Scoring area	قسمتی از زمین بازی مناسب برای شوت های هدفمند
Scoring force	بازیکن یا بازیکنان شاخص در کسب امتیاز
Scoring mainspring	امتیاز آورترین بازیکن
Scoring opportunity	موقعیت شوت کردن، موقعیت کسب کردن امتیاز
Scoring output	بازدهی امتیازات کسب شده
Scoring pass	پاسی که منجر به امتیاز می شود، پاس منجر به گل
Scoring position	مکانی مناسب برای شوت های هدفمند
Scoring range	فاصله مناسب برای شوت های هدفمند
Scoring spree	مجموعه ای از شوت هایی که گل می شود
Scoring star	امتیاز آورترین بازیکن

Scoring threat	تهدیدی برای از دست دادن امتیاز، خطر امتیازگیری حریف
Scoring zone	قسمتی از زمین بازی مناسب برای شوت های هدفمند
Approve the final score	تأیید کردن نتیجه نهایی بازی
Close score	۱- بازی پایاپای ۲- کسب امتیاز از فاصله نزدیک
Close scoring area	منطقه نزدیک به حلقه که مناسب برای شوت‌هایی از فاصله نزدیک است
Final score	نتیجه نهایی، آخرین امتیاز بازی
Inside score	شوت خوب از نزدیک به حلقه
Out – score	شکست دادن با اختلاف امتیاز بالا
Proilific scorer	امتیازآورترین بازیکن
Running score	نتیجه جاری بازی
Tied score	امتیاز مساوی، بازی مساوی
Top scorer	بازیکنی که بیشترین امتیاز را در مسابقه کسب می کند
Use a scoring chance	استفاده کردن از هر فرصت برای کسب امتیاز
Vital scoring area	مکانی مهم برای شوت‌های هدفمند
Scout	۱- نقاشا کردن، مشاهده کردن، نگاه کردن ۲- ناظر بازی، ناظر تاکتیک های حریف
Scouting	مشاهده، گزارش از مشاهدات بازی حریف
Scouting agency	شرکتی که به طور ویژه و اختصاصی بازی های بسکتبال را مشاهده می کند و گزارش هر مشاهده را به علاقه مندان برای شناختن حریف آینده می فرزند.
Scouting bureau	کمپانی که به طور ویژه و اختصاصی بازیهای بسکتبال را ارزیابی می کند و گزارش هر مشاهده را به علاقه مندان برای شناختن حریف آینده شان می فرزند.
Scouting opponents	اطلاعات در باره حریف های آینده ( که توسط ناظر تیم یا بنگاه هایی كه اطلاعات ورزشی را می فروشند تهیه می شود )
Scouting report	گزارش ارزیابی حریف آینده
Scouting sevice	گروهی از ناظران (به طور معمول مربیان ) کارشناسان ناظر که گزارش مشاهدات را آماده می کنند
Scramble	۱- حرکت حمله در آرایش ۲-۳-۲- فاییدن توپ هدر رفته ۳- بازی، مسابقه
Scramble defense	دفاع ترکیبی، دفاعی که شامل سیستم مختلف می باشد.
Scrambled pass	پاس بدون فکر، پاس بدون هدف
Scramble zone	دفاع منطقه ای ترکیبی (شبهه : چهار بازیکن در یک آرایش دفاع منطقه ای و یک بازیکن در دفاع یارگیری
Scrap	۱- نبرد، جنگ، پی کار، مسابقه جسمانی، بحث، جنگیدن، تقلا کردن ۲- بازی ، مسابقه
Scrape off	هل دادن، تع زدن، یورش بردن، فشار دادن
Scrapper	۱- بازیکن ستیزه جو ۲- بازیکنی که در مسابقات مشاجره و دعوا می کند.

Scratch	۱- کسب امتیازات برحسب اتفاق ۲- امتیاز گرفتن ۳- جراحی وخیم تر از کوفتگی
Scratch team	تیمی که به صورت اتفاقی تشکیل می شود
Scream	فریاد، نعره، جیغ زدن، فریاد دلخراش کشیدن
Screamy	غیر معمول، غیر عادی
Screen	ایجاد سد (اسکرین)، پوشش بدنی، بلاک کردن
Screen across	ایجاد سد (اسکرین) برای هم تیمی در سمت مقابل مرطقه کلید
Screen and post	ایجاد سد کردن بازیکن سانتر در برابر بازیکن سانتر تیم حریف به منظور محافظت کردن از برش هم تیمی مالک توپ در عرض محدوده کلید که این حرکت با جاگیری این بازیکن سانتر در موقعیت شوت برای دریافت پاس از هم تیمی برش کننده ادامه خواهد داشت
Screen and roll	حرکتی است به نام بلاک و رول که در آن بازیکن حمله کننده برای بلاک کردن و یا سد کردن مسیر مدافع یارش به طرف او رفته و بعد از اینکه یارش از مدافع بلاک شده توسط او دور شد بلبیک چرخش مدافع را پشت سر گذاشته و سپس به طرف حلقه برش می کند
Screen and step ( back )	ایجاد سد کردن و عقب رفتن بعد از استفاده ی هم تیمی از این بلاک
Screen away	ایجاد سد (اسکرین) در منطقه بیرونی
Screen away from the ball	ایجاد سد (اسکرین) دور تر از بازیکن مالک توپ
Screen below you	ایجاد سد (اسکرین) برای هم تیمی نزدیک به حلقه
Screen comes to the ball	هم تیمی ای که به نزدیک شدن به بازیکن مالک توپ قصد ایجاد سد (اسکرین) برای او را دارد
Screenie	بازیکنی که برای او سد ایجاد می شود، بازیکن سد شونده
Screener	بازیکنی که ایجاد سد (اسکرین) می کند
Screen-for-the screener	ایجاد سد (اسکرین) برای بازیکنی که خود نیز در حال ایجاد سد می باشد
Screen high	ایجاد سد (اسکرین) در موقعیت بالا
Screening	ایجاد سد کردن (اسکرین)
Screening attack	سیستم حمله ای که متکی بر ایجاد سد (اسکرین) باشد
Screening from behind	ایجاد سد (اسکرین) از پشت بازیکن سد شونده
Screening spot	مکان ایجاد سد (اسکرین)
Screen inside the defender	ایجاد سد (اسکرین) بین مدافع و حلقه
Screen in tight	ایجاد سد (اسکرین) محکم، ایجاد سد (اسکرین) بسیار نزدیک به حریف
Screen low	ایجاد سد (اسکرین) در موقعیت پایین
Screen off a player	ایجاد سد (اسکرین) برای یک بازیکن
Screen out	جلوگیری کردن از حریف با ایجاد سد (اسکرین)
Screen outside the defender	ایجاد سد خارج از خط فرضی که بازیکن مدافع و حلقه را به هم متصل می کند
Screen switch defense	یک سیستم دفاعی با سوئیچ یا جانبعجایی بازیکنان مدافع علیه مهاجمان که

	ایجاد سد (اسکرین) می کنند
Screen to the ball	ایجاد سد برای بازیکن مالک توپ
Back pick double screen	ایجاد دو سد پی در پی از پشت بازیکن سد شونده
Back screen	۱- ایجا سد از پشت سد شونده بهطوری که حریف نتواند بازیکن سد کننده را ببیند، ایجاد سد کور ۲- ایجاد سد در محدوده عقب زمین ، ایجاد سد توسط بازیکن پُست پایین برای بازیکن هم تیمی که در پُست بالاتری بازی می کند
Backside screen	ایجاد سد در پشت سر حریف، ایجاد سد کور
Ball comes to the screen	بازیکن مالک توپ که به طرف به هم تیمی خود حرکت می کند تا او برایش ایجاد سد(اسکرین) کند
Ball screen	ایجاد سد برای هم تیمی مالک توپ به منظور محافظت کردن او در برابر حریف
Blind screen	ایجاد سد خارج از میدان دید حریف
Block screen	۱- ایجاد سد در منطقه بی طرف یا بلوک (مکانی در خطوط کناری منطقه ی کلید که هنگام پرتاب آزاد بازیکنان هر دو تیم در آنجا قرار می گیرند ۲- ایجاد سد به منظور بلوکه کردن حریف سد شونده
Come off the screen	پرش کردن از پشت ایجاد سد (اسکرین)
Continuation screen	ایجاد سد( اسکرین) یکی بعد از دیگری
Criss- cross screen for the guard	الگوی بازی که بازیکن گارد بعد از پاس برش متقاطع و یک ایجاد سد دورتر از حلقه انجام می دهد
Cross-court screen	ایجاد سد (اسکرین) از کنار (بهطوری که هم تیمی سد شونده هم حریف مدافع و هم سد کننده اش را می بیند
Cross screen	ایجاد سد (اسکرین) برای هم تیمی ، توسط بازیکنی که از سمت مخالف منطقه ی کلید حرکت می کند.
Cut off the screen	دویدن از پشت یک ایجاد سد، برش کردن از پشت ایجاد سد
Cuts after a screen	پشتیبانی کردن از مالک توپ بعد برش کردن از پشت ایجاد سد
Cut , screen and roll play	ایجاد سد و اسکرین برای یار خودی در منطقه پُست پایین؛ این بازیکن با استفاده از این سد، بهطور عرضی از منطقه ی سه ثانیه عبور کرده و به دنبال دریافت توپ در این منطقه قرار می گیرد و همزمان، بازیکنی که اسکرین کرده به سمت سبد چرخش و او نیز طلب توپ می کند (این الگوی بازی با آرایش ۱-۳-۱ انجام می شود)
Cut tight off the screen	حرکت بسیار نزدیک (شانه به شانه ) نسبت به یاری که اسکرین کرده به گونه ای که او فضای حرکت نداشته باشد، ولی بازیکن دیگر (یعنی کسی که برای او اسکرین ایجاد شده) آزاد گردیده و بتواند توپ را دریافت کند
Diagonal screen	ایجاد سد در گوشه زمین بازی سمت مقابل یعنی جایی که بازیکن سد کننده شروع به حرکت می کند
Double	دو ایجاد سد (اسکرین) در کنار هم
Double or triple screens	دو یا سه ایجاد سد بسیار نزدیک بهم، بهطوری هم تیمی برش کننده بتواند حریف مدافع که از او دفاع می کند را در یکی از این ایجاد سدها جا بگذارد

Double screen	دو ایجاد سد (اسکرین) در کنار هم
Double screen shot	پرتاب توپ به درون حلقه بعد از دو ایجاد سد (اسکرین) در کنار هم
Double- single	دو ایجاد سد یکی بعد از دیگری و سومین ایجاد سد در کنار آنها
Down screen	۱- ایجاد سد (اسکرین) در موقعیت پایین ۲- ایجاد سد (اسکرین) برای هم تیمی در گوشه‌ی زمین ۳- ایجاد سد (اسکرین) توسط بازیکن مدافع برای هم تیمی در گوشه همان سمت زمین بازی ۴- ایجاد سد (اسکرین) توسط بازیکنی در موقعیت بالا برای بازیکنی در موقعیت پایین
Dribble off the screen	دریبل کردن از پشت ایجاد سد (اسکرین)
Dribble- screen	دریبل کردن همراه با ایجاد سد
Dribble to use the screen	۱- دریبل کردن و منتظر ماندن برای ایجاد سد ۲- دریبل کردن به طرف یک ایجاد سد طبیعی
Drive off a screen	نفوذ قوی بعد از استفاده از ایجاد سد (اسکرین) برای بعدست آوردن موقعیت
Effective screen	ایجاد سد (اسکرین) مؤثر
Fake screen	۱- وانمود به ایجاد سد (اسکرین) کردن ۲- گول همراه با ایجاد سد (اسکرین) کردن
Fake screen and cut	دور شدن از توپ و حرکت به طرف هم تیمی به منظور ایجاد سد برای او و سپس حرکت کردن با یک تغییر مسیر سریع به طرف حلقه
Fight on(or –over) the top of screen	جمع کردن بدن برای شکستن یا عبور از پیک یا اسکرین (نبرد برای شکستن پیک با رد شدن از آن)
Forward screen shot	شوت بازیکن فروروارد از پشت ایجاد سد (اسکرین)
Front screen	ایجاد سد از جلو
Getting open off the screen	بعدست آوردن یک موقعیت آزاد به لطف ایجاد سد (اسکرین)
Going “ball-side” on a screen	حرکت کردن از بالای اسکرین؛ رفتن بین بازیکن مالک توپ و بازیکن سد کننده آن
Going “man-side” on a screen	از بالای اسکرین حرکت کردن؛ از بین اسکرین کننده و یار مهاجم رد شدن (پرهیز از پیک شدن و چسبیدن به یار و با او حرکت کردن به هنگام پیک) این اصطلاح توسط استیو فیشر مربی دانشگاه میچيگان و در تابستان ۱۹۹۰ مورد استفاده قرار گرفت
Going over the top ( of the screen )	حرکت دفاعی به هنگام اسکرین شدن که در آن بازیکنی که اسکرین شده ، بدن خود را جمع کرده و ضمن مراقبت از پیک شدن، با یار مهاجم خود باقی می ماند
Going under the screen	۱- حرکت به عقب و فراهم کردن فضا برای یار خودی برای عبور از وسط اسکرین؛ زمانی که حرکت از بالای اسکرین غیر ممکن است ، این فضا در اختیار یار خودی قرار می گیرد تا با عبور از بین بازیکن پیک شده و یار مهاجم از او جا نماند ۲- نزدیک ماندن نسبت به یاری که در حال پیک شدن است
Go over the screen	از بالای اسکرین حرکت کردن
Go over the top of the screen	حرکت دفاعی به هنگام اسکرین شدن که در آن بازیکنی که اسکرین شده ،



	بدن خود را جمع کرده و ضمن مراقبت از پیک شدن، با یار مهاجم خود باقی می ماند
Hold the screen	حفظ اسکرین
Horizontal block ( - screen)	ایجاد سد توسط بازیکنی که در عرض زمین بسکتبال حرکت می کند
Illegal screen	ایجاد سدی (اسکرین) که با مقررات مغایرت داشته باش، ایجاد سد (اسکرین) همراه با خطا
Inside a defender screen	ایجاد سد (اسکرین) بین حلقه و حریفی که از هم تیمی اش دفاع می کند.
Inside screen	ایجاد سد (اسکرین) بین حلقه و حریفی که از هم تیمی سد کننده دفاع می کند
Lateral screen	ایجاد سد (اسکرین) از کنار (ایجاد سد از کنار حریفی که از هم تیمی اش دفاع می کند)
Legal screen	ایجاد سد (اسکرین) مطابق با مقررات بازی؛ بازیکن سد کننده در هنگام بلاک کردن بدون حرکت می ایستد
Moving screen	ایجاد سد (اسکرین) متحرک (غیر قانونی)
Natural screen	ایجاد سدی که در شرایط طبیعی به وجود می آید
Off ball screen	ایجاد سد (اسکرین) حمله دور از هم تیمی مالک توپ
Offensive roll	برش یا رُل کردن بازیکن سد کننده به طرف حلقه بعد از اینکه هم تیمی سدشونده آماده نفوذ از آن سد باشد
Offensive roll off the screen	برش یا رُل کردن بازیکن سد کننده به طرف حلقه بعد از اینکه هم تیمی سدشونده آماده نفوذ از آن سد باشد
Off the screen	از پشت ایجاد سد
On ball screen	ایجاد سد (اسکرین) برای هم تیمی مالک توپ
Open screen	ایجاد سد (اسکرین) در میدان دید حریف
Opposite screen	ایجاد سد (اسکرین) در سمت مقابل یا سمت دیگر
Outside a defender screen	ایجاد سد بین حریفی که شل دفاع می کند و هم تیمی سدکننده ای که توسط این حریف دفاع می شود
Pick	ایجاد سد یا اسکرین توسط بازیکن حمله به منظور جلوگیری از بازیکن دفاع (بعضی از مربیان آمریکایی هم از واژه پیک و هم اسکرین برای انواع ایجاد سدها استفاده می کنند) بعضی ها هم از واژه پیک ب ه جای کمک کردن به هم تیمی به منظور رها شدن از مدافع به عنوان جلوگیری از بازیکن حمله استفاده می کنند
Pick and roll	حرکتی است به نام بلاک در رول که در آن بازیکن حمله کننده برای بلاک و یا سد کردن مسیر مدافع یارش به طرف او رفته و بعد از اینکه یارش از مدافع بلاک شده توسط او دور شد با یک چرخش که مدافع را پشت سر می گذارد به طرف حلقه برش می کند
Pick from behind	ایجاد سد (اسکرین) از پشت
Pick off	۱- ایجاد سد (اسکرین) ثابت ۲- گیر انداختن حریف در ایجاد سد (اسکرین) ۳- رهایی حریفی که در ایجاد سد گیر افتاده باشد

Pick off on the screen	۱- گیر انداختن حریف در ایجاد سد (اسکرین) ۲- رهایی حریفی که در ایجاد سد گیر افتاده باشد
Pick screen	ایجاد سد (اسکرین) از پشت
Pivot screen shot	شوت بازیکن سنتر از پشت ایجاد سد (اسکرین)
Read for the cut off the screen	بهره‌برداری کامل از اسکرین و انجام بهترین بُرش با استفاده از اسکرین
Read off the screen	بازی‌خوانی در انجام به‌ترین اسکرین که بتوان از آن بهره‌برداری کرد
Rear screen	ایجاد سد (اسکرین) از پشت
Running screen	ایجاد سد (اسکرین) در حال دویدن
See the screen	۱- دیدن ایجاد سد (اسکرین) توسط هم تیمی‌ها و حریفان ۲- بازیکنی که حرکت رُل را بعد از ایجاد سد انجام می‌دهد باید واکنش مدافع خود را ببیند
Set a double screen	ایجاد دو سد
Set a screen	ایجاد سد کردن (اسکرین)
Set the opponent for the screen	گیر انداختن یا نگه داشتن حریف در ایجاد سد (اسکرین)
Shooting off a screen on the dribble	پرتاب توپ به‌طرف حلقه از پشت یک ایجاد سد بعد از متوقف کردن دربیبل
Shooting off a screen with a quick release	پرتاب توپ به‌طرف حلقه بعد از رها شدن از پشت یک ایجاد سد
Sideline screen	ایجاد سد کردن (اسکرین) نزدیک خط کناری
Side screen shield	ایجاد سد از بغل مدافع حریف، ایجاد سد یا بلاک سد جانبی
Single-double	یک ایجاد سد در جلو و دو اسکوپین بعد از آن پشت سر هم
Single-single	یک ایجاد سد در جلو و دو ایجاد سد پشت سرهم در کنار آن
Slip the screen	فرار از ایجاد سد (اسکرین) حریف، گریز از ایجاد سد حریف
Staggered picks ( screens )	دو یا سه سد (اسکرین) نزدیک به یکدیگر
Staggered screen situation	آرایش دو یا سه سد (اسکرین) نزدیک به یکدیگر
Stationary screen	ایجاد سد (اسکرین) ثابت، ایجاد سد (اسکرین) بدون حرکت
Stationary screen away from the ball	ایجاد سد (اسکرین) ثابت برای هم تیمی دورتر از توپ که امکان گریز از این سد و دریافت توپ را به وجود می‌آورد
Stationary screen on the ball	ایجاد سد (اسکرین) ثابت برای هم تیمی مالک توپ
Tandem screen	دو سد (اسکرین) پشت سرهم
Temporary screen	ایجاد سد (اسکرین) کوتاه، ایجاد سد (اسکرین) آنی
Top of the screen ( pick )	بازیکنی که ایجاد سد (اسکرین) می‌کند
Triple center screen	ایجاد سد سه گانه به منظور رها شدن بازیکن سانتر
Triple screen	سه سد (اسکرین) نزدیک به هم
Two-on-two outside screen	ایجاد سد (اسکرین) در محدوده بیرونی که در بازی دو علیه دو به کار می‌رود
Under the screen	موقعیت بازیکن مدافع پشت سر حریف سد کننده
Up and down screens	ایجاد سد (اسکرین) در طول و عرض زمین بازی.
Up screen	ایجاد سد (اسکرین) بین گارد و فوروارد.

Vertical and horizontal screens	ایجاد سد (اسکرین) در طول و عرض زمین بازی
Vertical block ( screen )	ایجاد سد (اسکرین) توسط بازیکنی که در طول زمین بازی در حرکت است
Walk your man into the screen	گیر انداختن یا نگه داشتن بازیکن مدافع در ایجاد سد (اسکرین)
Screwball	حرکت توپ پاس شده در مسیر غیر منتظره
Screw up one's guts	قوت قلب پیدا کردن، الهام گرفتن از دل و جرأت به دست آوردن
Scrimmage	۱- مبارزه، دعوا، کشمکش ۲- مبارزه بین دو خط از بازیکنان برای توپ (فوتبال آمریکایی)، بازی تمرینی، مسابقه تمرینی
Scrimmage practice	بازی تمرینی، مسابقه تمرینی
Scrimmage session	بازی تمرینی، مسابقه تمرینی
Scrimmage shirts	لباس تمرین که خارج و داخل آن از دو رنگ متفاوت باشد
Scrub	۱- یک واژه تحقیرآمیز برای بازیکن ضعیف ۲- آدم بی اهمیت، آدم بیشرم
Scrum	غوغا، داد و بیداد، کشمکش، تکاپو
Scrutiny	بررسی دقیق، موشکافی، تحقیق
Scrutiny of the coach	بررسی دقیق توسط مربی
“Scul” sessions ( lectures)	جلسه‌ای که در آن اعضای تیم قبل از مسابقه سیستم‌های دفاعی و حمله‌ای خود (یادآوری) را بحث می‌کنند. در این جلسه همچنین از معایب و محاسن حریف صحبت می‌شود.
Seal off potential routes inside	جلوگیری از مسیرهای نفوذ حریف به طرف حلقه
Seal the baseline	جلوگیری از برش به طرف خط عرضی
Seal your man	جلوگیری یا متوقف کردن حریف
Seam	۱- خط اتصال ۲- شکاف، درز ۳- خط اتصال مناطق دفاعی
Seam in the zone	شکاف بین منطقه دفاعی
Season	فصل مسابقه‌ها، فصل (در آمریکا برای دبیرستان ۲۰ بازی در یک فصل، برای دانشگاه ۲۶ بازی در یک فصل و برای NBA (۱۹۹۳-۱۹۹۴) ۸۲ بازی در یک فصل به علاوه بازی‌های پلی آف در نظر گرفته می‌شود)
Seat	۱- صندلی، چهار پایه، نیمکت ۲- مقرر ۳- جا ۴- نشیمنگاه
Seating capacity	شماره صندلی در ورزشگاه
Sec	دوم، دومی، ثانی، دومین بار، مجدد، ثانیه
Second	۱- دومی ۲- یک ثانیه ۳- لحظه ۴- حمایت کردن، کمک کردن، یاری کردن
Secondary	تلاش دوباره، ثانوی، ثانویه (حمله، شوت)
Secondary break	ضد حمله ثانویه یا مرحله دوم ضد حمله که پس از شکست در ضد حمله اولیه و قبل از بازگشت و سازماندهی دفاعی حریفان اجرا می‌شود.
Secondary cutter	دومین برش کننده کمکی در آرایش بازی از پیش برنامه‌ریزی شده
Secondary defense	۱- سیستم دفاعی ذخیره یا دومین نوع سیستم دفاعی ۲- دفاع دوم یا اضافه
Secondary shooting	تکرار شوت (بعد از ریاند حمله)
Second dribble	دوباره دریبل کردن بعد از گرفتن توپ (دریبل دبل غیر قانونی)

Second fiddle	موقعیت کمکی، موقعیت فرعی
Second guesser	تماشاچی ای که به داوری انتقاد می کند.
Second half	نیمه دوم بازی که از دو قسمت تقسیم می شود
Second halftime (Am.:Halftime =Eng.:half-thme)	نیمه دوم بازی که از دو قسمت تقسیم می شود
Second rater	بازیکن متوسط، بازیکن درجه ۲، بازیکن ضعیف
Second shots	تکرار شوت (بعد از ریاند حمله)
Second spot	بازی دوم از مسابقات قهرمانی یا یک تورنمنت
Second stringer	بازیکن کمکی
Second unit	تیم دوم، تیم ب
Closing seconds	آخرین ثانیه های بازی
Five – seconds closely guarded violation	نگه داشتن توپ بیش از پنج ثانیه به دلیل محافظت سخت حریف (حتی اگر توپ در این زمان در بیل شود مطابق با قوانین ان سی ای ای خطا محسوب می شود)
Five – seconds rule	قانونی که خطای ۵ ثانیه و پی آمدهای آن را توضیح می دهد
Five – seconds violation	بازیکنی که توپ را بیش از ۵ ثانیه نگه می دارد (خطای ۵ ثانیه)
Last seconds plays	الگوی یک بازی ویژه که در دقایق پایانی مسابقه اجرا می شود
Last seconds shots	آرایش ویژه برای اجرا یا جلوگیری از شوت های سرنوشت ساز در دقایق پایانی بازی
Split second	قسمتی از ثانیه، آن
Ten – seconds line	خط مرکزی زمین بازی
Three seconds rule	قانونی که در مورد خطای سه ثانیه و عواقب این خطا توضیح می دهد
Three seconds rule violation	خطای ۳ ثانیه
Three seconds zone	منطقه کلید بدون نیم دایره خارج از خط پرتاب آزاد
Twenty -four -seconds clock	ساعتی که با آن زمان مالکیت توپ محاسبه می شود
Secretariat	بازیکنی که در موقعیت خود بی نظیر است.
Section	شعبه، قسمت (در سازمان)، مقطع، برشگاه، بخش، قطعه، دسته، گروه، دایره، قسمت قسمت کردن، برش دادن
Secure	امین، مطمئن، بی خطر
Security	۱- حفاظت، اقدامات نئینی، ایمنی، امان، امنیت، آسایش خاطر، اطمینان، نئین، تضمین ۲- بازیکنی که در مقابل ضدهمله از حلقه خود محافظت می کند.
Seedy	۱- رنجور، ضعیف، نئسف آور ۲- بدبخت، تیره روز
See Johnny	رفتن به حمام
See red	عصبانی شدن
See the screen	۱- مشاهده ایجاد سد (اسکرین) توسط هم تیمی و حریف ۲- بازیکنی که از یک ایجاد سد یا اسکرین برش یا چرخش (زُل) می کند باید واکنش مدافعی

	را که جا می گذارد ببیند
Seek	۱- جستجو کردن، طلبیدن ۲- سعی کردن، کوشش کردن
Seemingly	به طور ظاهری
Seldom	نادر، بسیار کم، بندرت
Select	انتخاب کردن، برگزیدن
Selection	تیمی که از بهترین بازیکنان تشکیل شده باشد
Selection of a college	تیمی متشکل از بهترین بازیکنان دانشگاه
Selection order	روشی برای گزینش بازیکنان تیم
Selective	گزینشی، انتخابی، انتخاب کننده
Self	۱- خود، شخص، شخصیت فردی کسی ۲- به طور معمول به عنوان پیشوند بیانی برای اعمال انعکاس و بازتابی استفاده می شود.
Self – confidence	اطمینان به توانایی های شخصی، اعتماد ب خود، اعتماد بنفس
Self- control	خویشتنداری، تسلط بر اعمال خویش
Self – defense	دفاع مشروع
Self – evaluation sheet	گزارش ارزیابی یک بازیکن توسط خودش
Selfishness	خودپرستی، خودپسندی
Selfish player	بازیکن خودبین و خودخواه که اهمیت به کار تیمی نمی دهد.
Selfless	عاری از نفس پرستی، فارغ از خود
Selflessness	تواضع، فروتنی
Self - pride	احترام ب خود، شرافت نفس، مناعت طبع، عزت نفس
Self tap- in	تکرار شوت با سر انگشتان به طرف حلقه از تویی که وارد سبد نمی شود
Sell	۱- فروختن، بفروش رفتن ۲- متقاعد کردن، استدلال کردن، دلیل آوردن
Semi-circle	نیم دایره
Semi- crouch	حالت نیمه خم با زانوهای خمیده (که به طور معمول برای پرش قدرتی به کار می رود)
“Semi-delay” game	تا حدی از سرعت بازی کاستن
Semi-final	بازی نیمه نهایی
Semi-freeze	مدت طولانی توپ را کنترل کردن، تا حدی از سرعت بازی کاستن
Semi-hook	شوت هوک کوتاه
Semi- long	پرتاب توپ به ظاهر بلند ولی به طور عمده کوتاه
Seminar	یک کلینیک آموزشی، همایش مربیان
Seminoles	نام تیم بسکتبال دانشگاه ایالت فلوریدا در تالاهسی که در کنفرانس سواحل آتلانتیک بازی می کند
Semi-press	بازی با بکارگیری فشار متوسط
Semi-professional	بازیکن نیمه حرفه ای
Semis	بازی نیمه نهایی

Semi-stall	مدت طولانی توپ را کنترل کردن، تا حدی از سرعت بازی کاستن
Sendoff	۱- پیشنهاد، توصیه ۲- شروع، آغاز
Send off with a flea in ones ear	اخراج کردن از روی عصبانیت
Send packing	بیرون کردن از تیم، اخراج کردن از تیم
Send to showers	کناره گیری کردن یک بازیکن
Senior	دانش آموز سال آخر از مدرسه، کالج و دانشگاه
Senior high school	(در آمریکا) دبیرستانی مدارج عالی تحصیلی
Senior manager	مدیر ممتاز تیم، مدیر برتر تیم، بالاترین رده مدیریت یک تیم
Senior year	آخرین سال تحصیلی در یک پایه و سطح مشخص
Sense of balance	احساس تعادل
Sense of ball	حس کردن توپ، احساس برای توپ، استعداد داشتن در کار با توپ
Sense of humour	شوخ طبع
Sense of shooting	استعداد داشتن در شوت، احساس داشتن نسبت به شوت
Sense of shot	استعداد داشتن در شوت، احساس داشتن نسبت به شوت
Sensitivity	حساسیت، میزان حساسیت
Separate	۱- تفکیک کردن، جدا کردن، تقسیم کردن ۲- مستقل، جدا، جداگانه
Separate acts	فعالیت های جداگانه
Sequence	توالی، ترتیب، تسلسل
Series	۱- مجموعه ای از حرکات یا رویدادهای شبیه به هم ۲- برنامه مسابقات ۳- تعداد بازی ها
Series of plays	تعداد بازی که باهم یک الگو یا نقشه ای در یک مسابقه به وجود می آورد، مرحله یک الگو یا نقشه
Session	۱- دوره آموزشی بسکتبال ۲- بازی، مسابقه
Set	۱- ثابت، بی حرکت ۲- ثابت، مقطوع، ماندنی ۳- ایستاده، بی حرکت ۴- قرار گرفتن در یک موقعیت مناسب برای یک حرکت ۵- گذاردن، نهادن، مرتب کردن، چیدن، نشانیدن، کار گذاشتن، سوار کردن، جانداختن ۶- برنامه، طرح، الگو ۷- شوت در حالت ثابت
Set a double screen	ایجاد دو سد (اسکرین) کردن
Set a new high	پیش افتادن از موفقیت های قبلی، به تر از قبل بودن
Set a screen	ایجاد سد (اسکرین) کردن
Set attack	حمله از پیش طرح شده، حمله طراحی شده، الگوی حمله
Set defense	بازی دفاعی از پیش تعیین شده، دفاع طراحی شده، الگوی دفاعی
Set for a fall	۱- شکست از پیش تعیین شده ۲- محکوم به شکست
Set in	
Set offense	حمله از پیش طرح شده، حمله طراحی شده، الگوی حمله
Setover	بازی راحت

Set pattern	الگوی از پیش تعیین شده بازی
Set play	الگوی از پیش تعیین شده بازی
Set play attack	حمله از پیش طرح شده، الگوی حمله
Set position	۱- موقعیت شوت ثابت ۲- موقعیت در دفاع منطقه‌ای
Set position shot	۱- پرتاب توپ به طرف حلقه در حالت ثابت ۲- پرتاب توپ به طرف حلقه که همیشه از یک مکان اجرا می‌شود
Set shooter	بازیکنی که در حالت ایستاده و ساکن شوت می‌کند (بدون پریدن)
Set shooting	پرتاب کردن توپ به طرف حلقه در حالت ایستاده و ثابت (بدون پریدن)
Set shot	شوت در حالت ثابت (درحالی‌که پاها با کف زمین در تماس باشد)
Set shot offense	حمله با شوت‌هایی در حالت ثابت
Set team goals	تعیین کردن یا معین کردن اهداف تیم
Set the defense	مرتب کردن یا چیدن دفاع
Set the opponent for the screen	چسبیدن به حریف (به‌طور معمول حریفی که در هنگام ایجاد سد از شما دفاع می‌کند)
Setting – up of the throw	آمادگی برای شوت
Settle	نشست کردن، سازش کردن، نصب کردن
Settlement	۱- حل و فصل ۲- مرکز منطقه‌ای که تعدادی خانه در آن بنا شده است ۳- سؤال رفاه اجتماعی
Settlement house	۱- مرکز منطقه ای که تعدادی خانه در آن بنا شده است ۲- سؤال رفاه اجتماعی
Settlement house's squad	تیم بسکتبال که در مرکز یک مؤسسه رفاهی سازماندهی شده است.
Settle up	تلافی کردن، تاوان دادن، عین چیزی را به کسی برگرداندن
Set to rights	تصحیح کردن، مرتب کردن، تنظیم کردن، درست کردن
Set – type offenses	حمله‌ها مطابق با الگوهای از پیش تعیین شده
Setup	۱- کاری که انجام دادن آن آسان باشد ۲- مسابقه از پیش تعیین شده ۳- مجهز، تجهیزات ۴- آرایش بازیکنان
Set up	چیدن، ترتیب دادن، قرار دادن، آماده کردن
Set up a basket	پاس دادن توپ برای شوت، آماده کردن توپ برای شوت
Set up a defensive man	رها شدن از حریف مدافع
Set up a pass	آماده کردن پاس، ساختن پاس
Set up a play	طرح بازی را ترسیم کردن
Setup basket	شوت راحت
Set up for shot	پاس دادن توپ برای شوت، آماده کردن توپ برای شوت
Set up for the pick	چسبیدن به حریف در ایجاد سد (اسکرین)
Setup shot	شوت راحت
Set up the defense	مرتب کردن یا چیدن دفاع

Set up the games	برنامه ریزی کردن مسابقات، زمانبندی کردن بازی‌ها
Set up the zone	چیدن دفاع منطقه‌ای
Sevens and elevens	نتیجه‌ای همراه با بخت اقبال
Severe	سخت گیر، سخت
Severity	سخت گیری، سختی
Sewer	حلقه‌ای که اکثر شوت‌ها در آن وارد می‌شود
Sew up the game	قطعی کردن پیروزی
Shade	سایه رنگ، ته رنگ
Shadow	دفاع کردن حریف
Shadow shoot without a ball	وانمود کردن به شوت در حین تمرین، شوت کردن بدون توپ هنگام گرم کردن، ادای شوت زدن را در آوردن
Shag	۱- دنبال کردن، تعقیب کردن ۲- دوباره به‌دست آوردن جیران کردن
Shagger	بازیکن مهاجمی که بعد از گرفتن توپ از ریباند، آن را به بازیکن شوتیست برمی‌گرداند
Shagging ball	گرفتن توپ ریباند از ریباند حمله و برگرداندن آن به بازیکن شوتیست توسط بازیکن ریباند کننده
Shaggy	متوسط، ضعیف
Shake	تکان دادن، بهم زدن، جنباندن
Shake a leg(also: -the ankle, -the bones, -it up)	عجله کردن، سریع‌تر حرکت کردن
Shake a man loose	ره‌ا شدن از دفاع حریف
Shake and bake	نفوذ به طرف حلقه با بکارگیری هر شیوه ممکن و گول
Shake free	رهایی از دفاع حریف
Shake the guard	رهایی از دفاع حریف
Shake the lead	غلبه کردن بر حریف، غلبه بر پیشروی حریف
Shallow	۱- کم عمق، سطحی ۲- معتدل، ملایم، میانه‌رو ۳- مسطح
Shallow arch	<b>مسیر پرتاب شوت</b>
Shamateur	آماتور قلابی، یک حرفه‌ای که تظاهر به آماتور بودن می‌کند.
Shape	۱- طرح کلی، شکل کلی ۲- شرایط جسمانی، ریخت، اندام
Share	بهره، سهم، سهمیه
Share the ball	بازی کردن با هم تیمی، تشخیص دادن ضرورت و نیاز کار تیمی
Sharp	۱- تیز ۲- نوک دار ۳- سریع، چالاک ۴- زرنگ، باهوش، زیرک ۵- در آمادگی کامل، در فرم یا تو فرم ۶- در سلامتی کامل ۷- کسی که نتایج را به خوبی پیش بینی می‌کند ۸- ماهر، استاد کار
Sharp as tacks	در آمادگی کامل، در فرم یا تو فرم
Sharpener	۱- تمرینی برای بهبود اصول مقدماتی بسکتبال ۲- تمرین، ورزش
Sharpen up	۱- ورزش کردن، تمرین کردن ۲- مربیگری کردن، معلمی کردن



Sharply	۱- به تندی، به سختی، به سرعت ۲- به شدت
Sharpness	شرایط جسمانی، شکل، اندام، ریخت
Sharp pass	پرتاب پر انرژی توپ به طرف هم تیمی
Sharpshooter	۱- پرتاب کننده با نشانه گیری دقیق ۲- شوتیست ماهر، شوت کننده ماهر
Shave	۱- فریب دادن، جر زدن ۲- شکست دادن با اختلاف کم
Sheet	۱- ورقه، فرم ۲- گزارش، اعلامیه، گزارش پیشرفت کار
Evaluation sheet	۱- ارزیابی، گزارش پیشرفت یک بازیکن یا تیم
Master sheet	خلاصه جامع از پیشرفت کار، خلاصه گزارش پیشرفت کار
Players evaluation sheet ( chart )	گزارش ارزیابی یک بازیکن
Statistical sheet	فرم اطلاعات آماری
Team-mate evaluation sheet	گزارش یکی از اعضای تیم در باره ارزیابی هم تیمی
Shell	۱- حلزون، صدف حلزونی ۲- آرایش دفاعی به شکل لوزی ۳- صف بندی بازیکنان مهاجم پیرامون منطقه ی کلید یا منطقه ۳ ثانیه حلقه حریف
Shellacking	شکست کامل، شکست مطلق
Shell defense	آرایش دفاعی به شکل لوزی
Shell drill	۱- کار و تمرین روی قسمت ها و بخش های مختلف بازی بدون شوت زدن ۲- تمرین طرح های حمله و دفاع بدون شوت زدن
Shield	۱- ایجاد سد، آرایش دفاعی، حفاظ، پوشش ۲- درستی که از توپ دریبل شده حمایت می کند.
Shielded	پوشش داده شده، حفاظت شده، پوشیده، سد شونده
Shift	۱- جابه جایی، حرکت کردن ۲- تغییر پوشش دادن، سوئیچ کردن
Shifting	حرکات یا جابه جایی بازیکن ها (ببطور کلی در دفاع منطقه ای)
Shifting man - to man defense	دفاع یارگیری متحرک همراه با تعیین پوشش
Shifting the feet	حرکت سُرخوردن پاها
Shifting the weight	انتقال وزن بدن از یک سمت به سمت دیگر (از یک پا به پای دیگر)
Shifting zone	دفع منطقه ای متحرک و پویا
Shin	درشت نی، ساق پا، استخوان جلویی بین زانو و قوزک پا (ساق پا)
Shine up	۱- ورزش کردن، تمرین کردن ۲- مربی گیری کردن، معلمی کردن
Shivers	عصبانیت، حالت عصبانی
Shock	لرزش، ارتعاش، ضربه، تکان ناگهانی، ضربه همراه با تکان
Shockers	نام تیم بسکتبال دانشگاه ویچیتا استیت در ویچیتا که در کنفرانس میسوری والی بازی می کند
Shock of the charge	خطای شارژ حمله
Shoe	کفش راحتی، کفش سبک پارچه ای با تخت لاستیکی
Shoelaces (Am.)= Shoe-laces (Eng.)	بند کفش
Shoot	پرتاب توپ به طرف حلقه

Shoot a basket	پرتاب توپ به طرف حلقه، کسب امتیاز کردن
Shoot a free shot	امتیاز کسب کردن از پرتاب آزاد
Shoot around	تمرین شوت از موقعیت‌های اطراف حلقه
Shoot at the hoop	پرتاب کردن توپ به طرف حلقه
Shoot directly for hoop ( basket )	پرتاب کردن مستقیم توپ درون تور
Shooter	بازیکنی که توپ را به طرف حلقه پرتاب می کند
Accurate shooter	بازیکنی با شوت‌های بسیار دقیق
Banger	بازیکنی که توپ را همراه با صدای بلند درون حلقه می کوبد
Best shooter	بازیگری برجسته در شوت کردن
Bomber	بازیکنی که اقدام به شوت سه امتیازی می کند، بازیکنی که از فاصله خیلی دور اقدام به شوت می کند.
Corner shooter	بازیکنی که از گوشه‌های زمین بازی اقدام به شوت می کند.
Dangerous shooter	بازیکن خطرناک به خاطر توانایی بالا در پرتاب توپ به طرف حلقه
Deadly outside shooter	بازیکنی که از پشت خط ۳ امتیازی بدون اشتباه امتیاز کسب می کند
Distract the shooter	پرت کردن حواس بازیکنی که اقدام به پرتاب توپ به طرف حلقه می کند
Doctor of dunk	بازیکن برجسته در شوت اسپیک
Dunk master	قهرمان شوت‌های اسپیک
Finisher	۱- شوتیست، بازیکن شوت کننده ۲- بازیکن تمام کنن دهی حرکاتی که تیمی اش به وجود آورده
Foul shooter	۱- بازیکنی که پرتاب آزاد را انجام می دهد ۲- بازیکن برجسته در پرتاب آزاد
Great shooter	بازیکنی با توانایی بالا در شوت
Gunner	بازیکنی که بدون در نظر گرفتن به هدر رفتن توپ اقدام به پرتاب می کند ، بازیکنی که به محض اینکه توپ به آن می رسد اقدام به شوت می کند
Hooker	بازیکن ماهر در شوت‌های هوک
Hot hand	بازیکنی که پشت سر هم شوت‌هایش گل می شود
Hot shooter	شوتیست تهدیدآمیز، بازیکنی که یکی بعد از دیگری امتیاز کسب می کند
Hungry shooter	شوتیست حریص
Identify shooters	تشخیص دادن حریفان شوتیست
Jump shooter	بازیکنی که اقدام به شوت جفت می کند
Lightbulb changer	متخصص در شوت‌های اسپیک
Nons shooter	بازیکنی با وظایف دیگر به جز شوت زدن در خلال یک الگوی حمله‌ای
Outcourt shooter	بازیکنی که از فاصله دور شوت می کند
Outside jumper	بازیکن شوتیست یا شوت همراه با پرش از منطقه بیرونی
Outside shooter	بازیکنی که توپ را از منطقه بیرونی به طرف حلقه پرتاب می کند.
Outstanding shooter	شوتیست برجسته
Perimeter shooter	بازیکنی که توپ را از منطقه پیرامونی به طرف حلقه پرتاب می کند.

Phi slamma jumma	لقبی که به بازیکنان برجسته در اسپیک کردن توپ با پرش بسیار بلند می‌دهند
Poor shooter	شوتیست ضعیف
Potential shooter	بازیکنی که قابلیت‌های لازم را برای شوتیست شدن دارا می‌باشد
Pressure every shooter	فشار علیه هر بازیکنی که اقدام به پرتاب توپ به طرف حلقه می‌کند
Put defensive pressure on the shooter	بازی در گیرانه علیه حریف شوتیست
Scorer	بازیکنی که امتیاز کسب می‌کند.
Scoring force	بازیکن یا بازیکنان برجسته در کسب امتیاز
Set shooter	بازیکنی که در حالت ثابت شوت می‌کند (بدون پرش)
Sharpshooter	بازیکن ماهر در شوت
Short jumper	۱- بازیکنی که در نزدیکی حلقه اقدام به شوت جفت می‌کند ۲- شوت جفت نزدیک به حلقه
Short shooter	بازیکنی که از موقعیت نزدیک به حلقه اقدام به شوت می‌کند
Spot shooter	بازیکنی که از موقعیت مناسب زمین بازی اقدام به شوت می‌کند
Streak shooter	بازیکنی که اقدام به شوت‌های بد و خوب زیادی می‌کند
Thrower	بازیکنی که توپ را به طرف حلقه پرتاب می‌کند، شوتیست
Tipper	بازیکنی که دومین شوت را از توپ برگشتی از تخته یا حلقه انجام می‌دهد
Shoot facing the basket	پرتاب کردن توپ بمطرف حلقه از روبروی آن
Shoot for the goal	پرتاب کردن توپ به طرف حلقه
Shooting	پرتاب توپ به داخل حلقه
Shooting ability	توانایی پرتاب توپ به طرف حلقه
Shooting chart	ثبت شوت‌های گل شده یا هدر رفته
Shooting drills	تمرینی برای بالا بردن مهارت بازیکنان در انواع شوت‌ها
Shooting foot	پای سمت دستی که با آن شوت یک دست زده می‌شود
Shooting forward	بازیکن فوروارد با توانایی بالا در شوت
Shooting fundamentals	عناصر لازم اصول مقدماتی برای اجرای خوب شوت
Shooting guard	بازیکن گارد که خوب شوت می‌کند
Shooting guard	بازیکنی که از شوت‌های خوب دفاع می‌کند
Shooting hand	دستی که توپ را به طرف حلقه پرتاب می‌کند
Shooting lane	مسیر توپ پرتاب شده به طرف حلقه
Shooting leg	پای سمت دستی که با آن شوت یک دست زده می‌شود
Shooting off a screen on the dribble	پرتاب توپ به طرف حلقه از پشت یک ایجاد سد بعد از متوقف کردن دربیبل
Shooting off a screen with quick release	پرتاب توپ به طرف حلقه از پشت ایجاد سد (اسکرین) با یک حرکت سریع.
Shooting off the dribble	پرتاب توپ به طرف حلقه بعد از اتمام دربیبل و متوقف شدن روی دو پا بصورت یکی بعد از دیگری یا به صورت فرود روی دو پا در یک زمان همیشگی موازی

Shooting off the move	پرتاب توپ به طرف حلقه که بعد از یک حرکت دیگر اجرا می شود
Shooting off the pass	پرتاب فوری توپ به طرف حلقه از یک دریافت پاس منجر به گل
Shooting on the move	پرتاب توپ به طرف حلقه در حین حرکت
Shooting opening	۱- اولین شوت ۲- رها شدن از حریف برای پرتاب به طرف حلقه
Shooting opportunity	فرصت پرتاب به طرف حلقه
Shooting percentage	درصد شوت هایی که گل شده است
Shooting pocket	طرز قرارگیری دست ها برای اجرای شوت
Shooting point	گارد رأس یا توپ پخش کن با توانایی شوت
Shooting position	طرز ایستادن در هنگام شوت؛ وزن بدن روی پاشنه و پنجه پا ، زانوهای خم، کتف پایین، بدن راست و مستقیم، سر بالا، چشم ها به هدف و دست ها در آماده پرتاب
Shooting range	فاصله مناسب برای شوت هدفمند
Shooting range accuracy	فاصله مناسب برای شوت های دقیق که گل می شود
Shooting sequence	یک سری حرکات که برای انجام شوت به کار گرفته می شود
Shooting shirt	پیراهنی با آستین های کوتاه ( در ایالت متحده آمریکا برای تمرین شوت مورد استفاده قرار می گیرد).
Shooting skills	توانایی در اجراء شوت
Shooting slump	افت کردن شوت بازیکنی که مهارت زیادی در شوت دارد
Shooting wing	بازیکنی در موقعیت کناری ( فوروارد ) با توانایی در شوت
Shooting wise	بازیکنی که به توانایی خود در شوت مطمئن است
Accurate shooting range	فاصله مناسب که یک بازیکن قادر است که با دقت توپ را داخل سبد قرار دهد
Around – the – world shooting drill	تمرین شوت از از نقاطی در امتداد قوس بیرونی از سمتی به سمت دیگر ( بعد از هر شوت بازیکن به نقطه دیگر این قوس حرکت می کند).
Block-to -elbow shooting	تمرین شوت از موقعیت های پایین و بالا در کنار منطقه کلید که شروع آن از منطقه بلوک و پایان آن از گوشه خط پرتاب آزاد می باشد
Catching –pivot into basket – shooting	تمرین شوت بازیکن سانتر در موقعیت های پایین، میانی و بالا داخل وخارج از منطقه کلید؛ نفوذ قدرتی به طرف هر موقعیت، گرفتن توپ چرخش رو به حلقه و در پی آن پرتاب توپ داخل حلقه
Gold shooting night	(شبی که شوت ها به هدر رفته) مسابقه ای که بیشتر شوت های آن تبدیل به امتیاز نشده
Combo shooting drill	تمرین شوت برای بازیکن سانتر که توسط آقای ریچ گراور مربی دانشگاه است. لوئیست بکار گرفته می شده است؛ تمرین شوت های سه گام ، هوک کوتاه و بلند که با دست راست و چپ یکی بعد از دیگری اجرا می شود
Dunking	پرتاب توپ درون حلقه با فشار، اسپک کردن توپ داخل حلقه
Field shooting percentage	درصد شوت ها یا پرتاب های موفق که با علامت اختصاری FG در برگه ثبت آمار در مسابقات NCAA ثبت می شود

Foul shooting drill	تمرین پرتاب آزاد
Foul shooting percentage	نسبت پرتاب‌های آزاد که تبدیل به گل شده است
Ghost ( shooting drill )	تمرین شوت به صورت رقابتی بین دو بازیکن ؛ اقدام یک بازیکن بر ای هر شوتی که مایل می‌باشد و تکرار آن توسط بازیکن دیگر، برای هر توپ‌ی که گل شود یک حرف از واژه GHOST نوشته می‌شود هر بازیکنی که زودتر این واژه را تکمیل کند برنده این بازی خواهد بود
Good shooting night	مسابقه با شوت‌های بسیار خوب
Horse ( shooting drill )	تمرین شوت به صورت رقابتی بین دو بازیکن؛ اقدام یک بازیکن برای هر شوتی که مایل می‌باشد و تکرار آن توسط بازیکن دیگر، برای هر توپ‌ی که گل شود یک حرف از واژه HORSE نوشته می‌شود هر بازیکنی که زودتر این واژه را تکمیل کند برنده این بازی خواهد بود
Intermediate shooting area	محدوده پرتاب در حدود ۳-۵ متری از حلقه
Jump shooting range	حد فاصل شوت جفت
Long distance shootout	مسابقه شوت از فاصله دور
Long range boubning	بمباران کردن حلقه با پرتاب‌های از راه دور
Long range shooting	پرتاب توپ به طرف حلقه از فاصله دور
Non-shooting hand	دست آزاد در هنگام شوت دستی که کمک به کنترل و تعادل توپ می‌کند
Off – shooting night	(شب مسابقه بدون شوت) مسابقه‌ای که بیشتر شوت‌های آن گل نشده باشد
Perimeter shooting drill	تمرین شوت‌های پیرامونی از فاصله ۴ تا ۵ متر به طرف حلقه
Play the shooting percentages	تلاش برای شوت‌های هدفمند از مکان‌های مطلوب
Poor shooting area	قسمتی از زمین بازی که در آن درصد کسب امتیاز از شوت کم است.
Poor shooting position	مکان نامناسب برای شوت
Pure shooting	توانایی در اجرای شوت
Secondary shooting	تک‌تار شوت (بعد از ریاند‌های حمله)
Sense of shooting	استعداد داشتن در شوت، احساس داشتن نسبت به شوت ، توانایی در اجرای شوت
Set shooting	پرتاب توپ به طرف حلقه در حالت ثابت (بدون پرش)
Spot shooting	پرتاب شوت فقط از یک نقطه در زمین بازی
Stuffing	اسپیک کردن توپ داخل حلقه همراه با برش جفت
Talking to God	اسپیک کردن توپ داخل حلقه با یک پرش بسیار بلند
Shoot jumper	بازیکنی که اقدام به شوت جفت می‌کند.
Shoot off the glass	پرتاب توپ به داخل حلقه از توپ برگشتی از تخته
Shoot on the line	طرز قرارگیری بدن در هنگام شوت؛ پای سمت دستی که با آن شوت زده می‌شود، زانو، آرنج، شانه، انگشت سیابه، همه در یک خط مستقیم نسبت به حلقه قرار می‌گیرند
Shootout	مسابقه شوت

Shoot the bank	پرتاب توپ به داخل حلقه از توپ برگشتی از تخته
Shoot the j	شوت جفت
Attack the goal	پرتاب توپ به طرف حلقه
Bank ball off the backboard into hoop	زدن توپ در زاویه‌ای روی تخته که توپ وارد حلقه شود
Break the glass	به هدر رفتن شوت
Can the shots	اجرای شوت‌های خوب
Clear the rim	کسب امتیاز با شوتی که مستقیم بدون برخورد با تخته و یا حلقه وارد حلقه شود
Connect with the hoop	کسب کردن امتیاز
Fill it up	کسب کردن امتیاز
Fire away from outside	شوت کردن از فاصله دور، کسب کردن امتیاز
Fire the rock	پرتاب توپ به طرف حلقه، امتیاز کسب کردن
Free throw attempt	تلاش برای پرتاب آزاد
Jab, step and shoot	در یک بازی یک علیه یک بازیکن مالک توپ بعد از برداشتن یک گام به طرف مسیر حلقه همان گام را به عقب برمی‌دارد، اگر بازیکن مدافع به منظور جلوگیری او به عقب برگشت، مسیر برای نفوذ به طرف موقعیت شوت آزاد خواهد شد (گام فریب و شوت)
Jam down	اسپک کردن توپ داخل حلقه
Jamshot	اسپک کردن توپ داخل حلقه
Jam the ball	۱- اسپک کردن توپ داخل حلقه ۲- بلوکه کردن توپ، زدن توپ
Lay the ball over the front rim	با تلنگر توپ سرگردان روی حلقه را وارد حلقه کردن
Marksmanship	دقت در شوت
Nail	امتیاز کسب کردن
Nail it from three	کسب امتیاز با شوت ۳ امتیازی
Opportunity to score	فرصت کسب امتیاز
Play the percentages	تلاش مضاعف برای اقدام به شوت در نقطه مطلوب و ایده آل که درصد شوت در آن بالا است
Play the shooting percentages	تلاش برای شوت‌های هدفمند از مکان‌های مطلوب
Pour the leather through the loop	کسب کردن امتیاز
Put the ball back up	بعد از ریاند حمله توپ را با سر انگشتان داخل حلقه کردن
Put the ball through the hoop	کسب کردن امتیاز
Put the ball up	پرتاب توپ به طرف حلقه
Put toes in hoop	شوت جفت با پرش عالی و بسیار بلند
Roll off the shot	هل دادن توپ در داخل حلقه با نوک انگشتان
Run and gun	شوت کردن بعد از دویدن سریع بدون استفاده از محدوده زمانی و بدون حرکات کمکی مثل (ایجاد سد، گول، پرش)

Score	کسب کردن امتیاز
Score from three	امتیاز کسب کردن از خط سه امتیازی
Shadow shoot without a ball	وانمود کردن به شوت در هنگام تمرین، شوت کردن بدون توپ در طول گرم کردن، ادای شوت کردن را در آوردن
Sink a basket	کسب کردن امتیاز
Sink a shot	کسب امتیاز بدون اینکه توپ به تخته بخورد (وارد شدن توپ به صورت مستقیم داخل حلقه)
Stick the ball in the hole	پرتاب کردن توپ به طرف حلقه
Stuff the ball	اسپک کردن توپ داخل حلقه
Swish a shot	پرتاب مستقیم توپ داخل حلقه بدون برخورد به تخته و حلقه
Thread the net	کسب کردن امتیاز
Throw it down	اسپک کردن توپ داخل حلقه
Tickle the twine	پرتاب مستقیم توپ داخل حلقه بدون برخورد به تخته و حلقه
Uncork	کسب اولین امتیاز بازی
Short baseball pass	پاس بیس بالی کوتاه
Short bench	کمبود بازیکن خوب روی نیمکت، کمبود ذخیره مطمئن
Short choppy steps	قدم های کوتاه و سریع
Shortcoming	شکست، قصور، کمبود
Short corner	مکانی بین گوشه ی زمین بازی و خط کناری منطقه کلید
Short cut	۱- برش افقی، راه میان بر ۲- میانبر زدن ۳- اتصال کوتاه
Short flip backward pass	پاس دست به دست به عقب (به طور معمول در شرایط ایجاد سد استفاده می شود)
Shorthanded	نارسا، ناپسند
Short hook shot	شوت هوک از فاصله کوتاه
Shorties	شلوار کوتاه، شورت کوتاه، مایو
Short interpassing play	بازی با پاس های کوتاه
Short jumper	۱- بازیکنی که اقدام به شوت جفت از فاصله نزدیک به حلقه می کند ۲- شوت جفت از نزدیک
Short jump shot	شوت جفت از نزدیک
Short man	بازیکن کوتاه، بازیکن کوتاه و کوچک
Short pass	پرتاب توپ به طرف هم تیمی در فاصله نزدیک
Short pass break	حمله ای که با پاس کوتاه آغاز می شود
Short passing	بازی با پاس های کوتاه
Short pass through traffic	پاس کوتاه در میان بازیکنان در حرکت
Short post	بازیکنی سرتر که نزدیک یا زیر حلقه بازی می کند
Short push pass	پاس کوتاه همراه با هل دادن به توپ

Short range	کوتاه مدت (طرح)، دارای برد کم، کم مسافت، کوتاه مدت، نزدیک برد
Short rebound	برگشت کوتاه توپ از تخته یا حلقه بعد از یک شوت ناموفق
Shorts	شلوار کوتاه، شورت ورزشی
Short shooter	بازیکنی که از موقعیت نزدیک به حلقه اقدام به شوت می کند
Short shot	۱- شوت از موقعیت نزدیک به حلقه ۲- شوت سه گام
Short side cut	برش کوتاه به طرف حلقه از کنار زمین
Short sprint	دو سریع و کوتاه (به طور معمول بعد از جا گذاشتن حریف)
Shorty	بازیکن کوتاه قد
Shot	پرتاب توپ به طرف حلقه
Shot blocker	حریفی که پرتاب توپ به طرف حلقه را بلوکه یا مسدود می کند.
Shot chart	ثبت شوت ها، دیاگرام موقعیت های شوت، دیاگرام محدوده شوت های خوب
Shot clock	وسیله ای که با آن زمان در اختیار داشتن یا مالکیت توپ کنترل می شود.
Shot fake and go	و انمود به شوت کردن و بعد از فریب حریف آن را جا گذاشته و به طرف موقعیت شوت بدون مدافع فوذ می کنیم
Shot finds a player	به وجود آمدن فرصت شوت خوب برای یک بازیکن
Shot goes in	شوتی که منجر به امتیاز می شود
Shotgun rule	اصولی که به وسیله بعضی از مربیان به کار برده می شد، مبنی بر اینکه بازیکنی که مرتکب دومین خطا در نیمه اول می شود از زمین بازی بیرون کشیده می شود و فقط در نیمه دوم به زمین بازی بر می گردد.
Shot has come to a player	به وجود آمدن فرصت شوت خوب برای یک بازیکن
Shot hip	در رفتگی مفصل استخوان خاصره و ران
Shot judgenent	ارزطبی فرصت شوت
Shot line	مسیر حرکت توپ زمانی که از دست یا دست ها رها می شود
Shot of dope	تزریق مسکن یا مخدر، مواد نیروزا
Shot off	پرتاب کردن توپ به طرف حلقه
Shot on the run	پرتاب کردن توپ به طرف حلقه در خلال دویدن.
Shot pocket	طرز نگه داری توپ در هنگام شوت کردن؛ توپ را نه بالاتر از سر نه پایین تر از سینه به راحتی نگه می داریم
Shot sense	۱- استعداد داشتن در شوت ۲- احساس داشتن نسبت به شوت
Shot statistics	ثبت آماری از صحت، درستی، شرایط و درصد پرتاب ها
Shot trajectory	قوس یا منحنی مسیر تویی که از دست یا دست ها رها می شود.
Shot type	نوع شوت
Air ball	شوتی که به حلقه نمی خورد، شوتی که حتی به تخته بسکتبال هم نمی رسد
Angle shot	پرتاب توپ به طرف حلقه از موقعیت کنار بعمودی که از تخته هم می توان استفاده نمود
Baby hook	شوت هوک از فاصله کوتاه



Baby jumpers	شوت‌های جفت کوتاه؛ شوت‌های جفت از فاصله کوتاه
Back -to -the -basket shot	اجرای شوت توسط بازیکنی که پشت به حلقه باشد، شوت پشت به حلقه
Back - up shots	شوت از موقعیت پشت به حلقه
Bad angle shot	پرتابی که با برخورد به زاویه نامناسب تخ ته منحرف شده و به داخل حلقه نمی‌رود.
Bad shot	پرتاب ضعیف توپ به طرف حلقه، پرتابی که از یک موقعیت نامناسب یا تحت فشار دفاع اجرا شود.
Banker	شوت غیر مستقیم (شوت تخته کش)
Bank shot	شوت غیر مستقیم (شوت تخته کش)
Baseline jump shot	شوت جفت از موقعیت نزدیک به خط عرضی
Baseline shot	پرتاب توپ به طرف حلقه از موقعیتی نزدیک به خط عرضی
Basic six shots	۱- شوت دو دست ۲- شوت یک دست ۳- شوت دو دست از زیر دست ۴- شوت یک دست از زیر دست ۵- شوت جفت ۶- شوت هوک
Blast	پرتاب بسیار ناگهانی و قوی به طرف حلقه
Block a shot	بلوکه کردن شوت، جلوی شوت را گرفتن
Blocked shot	۱- بلوکه شدن شوت ۲- NKS؛ ثبت آماری شوت های بلوکه شده در NCAA
Blow a shot	کوتاهی در پرتاب، از دست دادن موقعیت راحت برای کسب امتیاز
Bomb	شوت ۳ امتیازی، شوت از فاصله دور
Breakaway jam	اسپک کردن توپ داخل حلقه پس از گذشتن از دفاع حریف و ب ه دست آوردن مسیر آزاد به طرف حلقه حریف
Break the glass	به هدر رفتن شوت
Break the ice	بهدست آوردن اولین امتیاز بازی *
Brick	شوت از دست رفته (بعد از برخورد به حلقه و تخته)
Bunny	شوت جفت نزدیک به حلقه
Button- hook	شوت هوک از موقعیت پشت به خط عرضی زمین با چرخش همراه با پرش
Buzzerbeater	شوت در آخرین لحظات بازی (به طور معمول از فاصله ای دور پرتاب می شود)
Buzzer- beating shot	شوت در آخرین لحظات بازی (به طور معمول از فاصله ای دور پرتاب می شود)
Can the shots	امتیاز کسب کردن
Chance shot	شوت اتفاقی، شوت شانسی
Charity toss	پرتاب آزاد
Chest shot	شوت با دو دست همراه با هل دادن توپ از جلوی سینه
Chippie	پرتاب آسان از زیر حلقه
Clean shot	پرتاب مستقیم
Clear shot	پرتابی که توسط حریف دفاع نشود.
Close- in around the basket shots	تمرین شوت کوتاه در موقعیت داخل منطقه کلید در اطراف حلقه
Close- in back – to – the – basket hook	شوت هوک کوتاه از موقعیت نزدیک لب پشت حلقه

shot	
Close- in driving shot	شوت کوتاه بعد از نفوذ به طرف حلقه.
Close- in jump shot	شوت جفت کوتاه در موقعیت داخل منطقه کلید
Close- in pivot shot	شوت کوتاه بعد از چرخش روی پای محور نزدیک حلقه.
Close- in shot	شوت کوتاه در موقعیت داخل منطقه کلید
Close- in shot following quick stop	شوت کوتاه بعد از فرود آمدن روی هر دو پا در یک زمان در موقعیت داخل منطقه کلید
Close range shot	پرتاب توپ به طرف حلقه از فاصله کوتاه
Clutch shot	شوت قاطع، شوتی که پیروزی را قطعی می کند.
Contesting the shot	دفاع کردن از شوت، سد کردن شوت، به تأخیر انداختن شوت
Corner jumper	پرتاب جفت از گوشه زمین
Corner shot	اجرای شوت از گوشه زمین بازی
Crazy shot	شوت بی هدف
Crip shot	شوت جفت بسیار نزدیک به حلقه
Cross- arm shot	پرتاب توپ با یک دست از روی شانه
Cross lay- up drill	تمرین شوت سه گام به طور متناوب با دست چپ یا راست از دو طرف حلقه
Dead shot	۱- بازیکنی که هرگز اشتباه نمی کند. ۲- برنده احتمالی
Deep knee- bent shot	پرتابی آزاد با حالت نیمه خم
Desperation shot	پرتاب توپ به طرف حلقه همراه با آشفتگی
Diagonal hook shot	شوت مورب هوک
Diagonal shots	پرتاب مورب به طرف حلقه (که از کنار اجرا می شود)
Diagonal stop-jump shot	پرتاب مورب توپ به طرف حلقه بعد از متوقف شدن بر روی دو پا در یک زمان
Direction of shot	مسیر توپ پرتاب شده به طرف حلقه
Direct shot	۱- پرتاب سریع توپ به طرف حلقه ۲- پرتاب مستقیم توپ داخل حلقه (بدون برخورد با تخته)
Double screen shot	پرتاب توپ به طرف حلقه بعد از گریز از دو ایجاد سد (اسکرین) بی در پی (دبل اسکرین)
Down – the middle lay- up shot	شوت جفت سه گام بعد نفوذ از مسیر منطقه کلید به طرف حلقه
Dribble in lay- up	شوت سه گام با دربیل به طرف منطقه درونی
Dribble, jump stop and shot	فرود آمدن روی هر دو پا در یک زمان همراه با زدن توپ به زمین و پرتاب آن به طرف سبد
Dribble, jump stop, step and shot	فرود آمدن روی هر دو پا در یک زمان همراه با زدن توپ به زمین و برداشتن یک گام اضافه و پرتاب توپ به طرف سبد
Drive- in hook shot	شوت هوک از یک نفوذ قوی در اطراف حلقه
Driving lay – up	شوت سه گام از یک نفوذ قوی به طرف حلقه

Dummy shot	۱- وانمود به شوت کردن ۲- بدون توپ وانمود به شوت کردن
Dunk shot	اسپک کردن توپ داخل حلقه
Early shot	پرتاب توپ با عجله، پرتاب توپ بدون آمادگی
Easy basket	کسب امتیاز بدون مقاومت حریف
Easy hoop	کسب امتیاز بدون مقاومت حریف
Easy shot	کسب امتیاز بدون مقاومت حریف
Elbow to corner	تمرین شوت از زاویه بین منطقه کلید و خط پرتاب آزاد (Elbow) به طرف گوشه زمین بازی
Elbow to elbow	تمرین شوت به صورت مطلوب از زاویه‌های بین منطقه کلید و خط پرتاب آزاد Elbow
Facing shots	پرتاب توپ به طرف حلقه از موقعیت جلوی حلقه.
Fadeway jumper	شوت جفت همراه با زانوهای خم و بالا تنه مایل به عقب
Fadeaway turn-around jumper	شوت جفت با چرخش همراه با زانوهای خم و بالا تنه مایل به عقب
Fake- and – jump shot	شوت جفت بعد از گول
Fake, drive and set ( shot )	نفوذ قوی بعد از وانمود کردن به حرکت دیگر برای به دست آوردن موقعیت شوت ثابت
Fake , drive and shot	نفوذ قوی برای بعد از وانمود کردن به حرکت دیگر و در پی آن اقدام کردن به شوت
Fake set ( shot ) and drive for jumper	وانمود کردن به شوت ثابت از محدوده پیرامونی و در پی آن نفوذ قوی برای شوت جفت
Fake shot	وانمود به شوت کردن
Fake shot and drive	نفوذ قوی بعد از وانمود کردن به شوت
Fake shot pass	پرتاب توپ به طرف هم تیمی بعد از وانمود کردن به شوت
Fake – shot short of the basket	شوت غیر واقعی که هدف آن این است که توپ به حلقه نرسد
Fall away shot	شوت بعد از گام برداشتن به عقب
Fancy shot	پرتاب عجیب و غریب
Fast break jumpers	شوت‌های جفت که ضد حمله با آنها تمام می‌شود
Feigned shot	وانمود به شوت کردن
Field goal	کسب امتیاز از یک حرکت در زمین بازی
Field goal attempt	تلاش برای شوت کردن بعد از یک حرکت
Field goal percentage	درصد پرتاب‌های موفق در بازی
Field goal try	تلاش برای شوت کردن بعد از یک حرکت
Finger roll	تلاش برای شوت کردن بعد از یک حرکت
Flip shot	پرتاب توپ به داخل حلقه با یک تلنگر
Floating lay – up	شوت سه گام با یک پرش دورتر از حلقه
Floating two- hand underhandy lay- up shot	شوت سه گام با دو دست از زیر با یک پرش دورتر از حلقه

Flush shot	اسپک کردن توپ داخل حلقه
Follow shot	به دنبال شوت رفتن (ریباند کردن و دوباره شوت کردن)
Follow – up shot	شوت پشت سر هم (بعد از دست دادن شوت قبلی)
Force a missed shot	وادار کردن حریف به شوتی که گل نشود
Force a shot	وادار کردن حریف به شوتی که گل نشود
Forward screen shot	شوت توسط بازیکن فوروارد از پشت یک ایجاد سد (اسکرین)
Foul shot	۱- پرتاب آزاد ۲- یک پرتاب آزاد اضافه به خاطر خطا بر روی بازیکنی که اقدام به شوت همراه با امتیاز کرده باشد
Free shot	پرتاب آزاد
Funk dunk	با سرانگشتان شوت برگشتی از حلقه را داخل حلقه کردن
Game winning shot	پرتابی که منجر به پیروزی می شود.
Get a shot	بهدست آوردن موقعیت شوت
Get a shot away	پرتاب کردن توپ به طرف حلقه
Get the shot off fast	سریع بودن در پرتاب توپ به طرف حلقه
Gift shot	پرتاب آزاد
Give up the shots	اجازه شوت به حریف دادن
Glider	۱- هواپیمائی بدون موتور ۲- شوت یک دست در خلال دویدن ۳- شوت جفت یک دست دورتر از حلقه
Goat	اسپک کردن توپ داخل حلقه بعد از پرش همراه با چرخش کامل
Good shot	شوتی که منجر به امتیاز می شود.
Go up for a shot	شوت جفت
Hail Mary shot	۱- شوت از فاصله دور در لحظات پایانی بازی که باعث تغییر نتیجه بازی می شود ۲- شوتی که به طور معجزه آسا بعد از چندین بار ر جست و خیز روی حلقه وارد آن می شود
Half- hook shot	شوت هوک از فاصله متوسط
Hard shot	پرتاب سریع و قوی توپ به طرف حلقه
Heave	پرتاب توپ به طرف حلقه
High percentage shot	پرتاب توپ به طرف حلقه با بالاترین درصد کسب امتیاز
High shot	پرتاب توپ به طرف حلقه با قوس بسیار بلند
Hit the bucket	کسب کردن امتیاز
Hit the hoop	کسب کردن امتیاز
Hit the shot	کسب کردن امتیاز
Hook shot	شوت هوک
Hope shot	شوت نامطمئن
Hurried shot	شوت با عجله (بدون اطمینان و آمادگی)
Hurrying the shot	عجله کردن در شوت

Hurry – up shot	پرتاب عجولانه
In front of the basket jump shot	شوت جفت درست از جلوی حلقه
Inside power move	پرش انفجاری به منظور شوت سه گام بعد از ایجاد سد با حرکت پا به سمت عقب و نگه داشتن مدافع در پشت خود
Inside score	شوت عالی در موقعیت نزدیک به حلقه
Inside shot	پرتاب توپ به طرف حلقه از موقعیت نزدیک به آن
Intensity lay- up	پاس دو دست از جلوی سینه به طرف تاس بک (Toss-back) گرفتن توپ برگشتی از آن و متوقف شدن روی هر پا یکی بعد از دیگری و در پی آن شوت سه گام به صورت جفت
In your face jumper	شوت جفت (و همچنین شوت اسپک) که نقشه کردن حریف را به خاطر ناموفق بودن در جلوگیری از آن را در پی دارد
Jamshot	اسپک کردن توپ داخل حلقه.
Jamsmart	داشتن مهارت کافی برای اسپک کردن توپ داخل حلقه
Jam the ball	۱- اسپک کردن توپ داخل حلقه ۲- بلوکه کردن شوت، دفاع کردن شوت
Jerky shot	پرتاب ناگهانی و بدون آمادگی
Jumper	شوت جفت
Jump shot	شوت جفت
Jump shot area	محدوده مناسب برای شوت جفت
Jump – shot free throw	پرتاب آزاد با شوت جفت.
Jump shot left side	شوت جفت از طرف چپ حلقه
Jump shot right side	شوت جفت از طرف راست حلقه
Jump- shot with one dribble	شوت جفت بعد از یک دریبل
Jump- shot with one step	شوت جفت بعد از برداشتن یک قدم
Jump turn shot	پرتاب توپ به طرف حلقه همراه با پرش و چرخش
Knock away the shot	زدن یا بلوکه کردن شوت
Last – seconds shots	۱- آرایش های ویژه برای انجام یک پرتاب سرنوشت ساز در لحظات پایانی بازی ۲- آرایش های ویژه برای جلوگیری از یک شوت سرنوشت ساز در دقایق پایانی بازی
Lay – back shot	پرتاب توپ ب داخل حلقه از موقعیت پشت به حلقه بعد از برش کردن از کنار یا پشت آن
Lay – in	پرتاب مستقیم به داخل حلقه
Lay – in shot	پرتاب توپ از موقعیت جلوی حلقه که توپ بعد از غلبیدن روی حلقه به داخل آن می افتد
Lay the ball over the front rim	با ضربه آهسته ی توپ روی حلقه در قسمت جلو آن را داخل حلقه کردن
Lay – up	شوت سه گام
Lay – up jump shot	شوت سه گام

Lay- up off the backboard	شوت سه گام از توپ برگشتی از تخته یا حلقه
Lay up shot	شوت سه گام
Left hand lay-up	شوت سه گام با دست چپ
Line	خط پرتاب آزاد، پرتاب آزاد
Long distance shot	پرتاب توپ به طرف از فاصله ای دور
Long hook shot	شوت هوک از فاصله ۲ تا ۳ متری به حلقه
Long range set shot	شوت از فاصله دور در حالت ثابت
Look for a jumper	در جستجوی فرصت برای شوت چفت
Look for a shot	در جستجوی فرصت برای شوت
Loop shot	شوت با قوس زیاد
Low percentage shot	پرتاب توپ به طرف حلقه با درصد کم برای کسب امتیاز
Luck shot	افتادن شانسی توپ به داخل حلقه (بعد از چند مرتبه جست و خیز توپ بر روی حلقه)
Made shot	کسب امتیاز
Make a goal	کسب کردن امتیاز
Make shot	کسب کردن امتیاز
Medium jumper	شوت جفت از موقعیت میانی (بین موقعیت پایین و بالا)
Medium range jump shot	شوت جفت از موقعیت میانی (بین موقعیت پایین و بالا)
Medium shot	پرتاب توپ به طرف حلقه از فاصله میانی
Middle distance shot	پرتاب توپ به طرف حلقه از موقعیت میانی
Miracle shot	شوت معجزه آسا به داخل حلقه، شوت از فاصله بسیار دور که تبدیل به امتیاز می شود
Missed shot	شوتی که به امتیاز تبدیل نمی شود
Miss the basket	از دست دادن امتیاز
“Moonie” jumpers	(پرواز به طرف ماه) پرش بلند به طرف حلقه و اسپیک کردن توپ داخل حلقه
Moving shot	شوت یک دست به طرف حلقه بعد از متوقف شدن بر روی پاها یکی بعد از دیگری
Mug shot	شوت همراه با شکلک در آوردن برای حریف
Non – hooking shots	شوت با یک دست از بالای سر بدون استفاده از تکنیک شوت هوک
Off – balance shot	پرتاب توپ در شرایط عدم تعادل و آمادگی
Off – dribble shot	پرتاب توپ به طرف حلقه بدون دریبل
One – dimensional	مهارت داشتن در شوت فقط از یک مکان در زمین بازی و یا فقط از یک نوع شوت
One – handed dribble- in shot	شوت با یک دست بعد از نزدیک شدن به حلقه با دریبل
One – handed turn around shot ( right or left )	شوت با یک دست (راست یا چپ) با یک چرخش کامل

One – handed under-the – basket shot (right or left)	شوت با یک دست (راست یا چپ) از موقعیت نزدیک به حلقه
One – hander	اجرای شوت با یک دست
One – hand fade – away jump shot	شوت جفت با یک دست همراه با زانوهای خم و بالا تنه‌ی متمایل به عقب
One – hand in motion push shot	پرتاب توپ به طرف حلقه با یک دست همراه با هل دادن توپ توسط بازیکنی که در حال حرکت می‌باشد
One – hand jump push shot	شوت جفت با یک دست همراه با هل دادن توپ
One – hand jump shot	شوت جفت با یک دست
One – hand jump – twist shot	شوت جفت با یک دست همراه با چرخش
One – hand overbead shot	پرتاب توپ به طرف حلقه با یک دست از بالای سر.
One – hand push	پرتاب توپ با یک دست همراه با هل دادن توپ
One – hand push free throw	پرتاب آزاد با یک دست همراه با هل دادن توپ
One – hand running stride shot	پرتاب توپ به طرف حلقه با یکدست بعد از متوقف شدن پاها یکی بعد از دیگری
One – hand set free throw	پرتاب آزاد با یک دست در حالت ثابت
One – hand set shot	پرتاب توپ به طرف حلقه با یک دست در شرایط ثابت
One – hand set shot from the chest position	پرتاب توپ به طرف حلقه با یک دست از جلوی سینه در شرایط ثابت
One – hand set shot from the hip position	پرتاب توپ به طرف حلقه با یک دست در شرایط ثابت بعد از نگه داشتن آن در روی کتف
One – hand set shot from the shoulder position	پرتاب توپ به طرف حلقه با یک دست از روی شانه در شرایط ثابت
One – hand shot	پرتاب توپ به طرف حلقه با یک دست
One – hand tip shot	پرتاب توپ به داخل حلقه با سرانگشتان یک دست
One – hand underhand driving – in shot	پرتاب توپ به طرف حلقه از پایین با یک دست بعد از نفوذ به طرف حلقه
One – hand underhand lay- up shot	شوت سه گام به طرف حلقه با یک دست از پایین.
One – hand underhand shot	پرتاب توپ به طرف حلقه با یک دست از پایین
One – hand underhand sweep	پرتاب توپ همراه با پیچ و تاب دادن دست به طرف حلقه با یک دست از پایین
Open shot	شوت از فاصله ۴-۵ متری حلقه، شوت از خارج از منطقه کلید
Outcourt shot	شوت از فاصله دور
Outside jumper	شوت جفت از منطقه پیرامونی
Outside shot	شوت از فاصله ۴-۵ متری به طرف حلقه، شوت از خارج از منطقه کلید
Overhand lay – up shot	شوت سه گام به طرف حلقه با نگه داشتن توپ هم سطح شانه‌ها
Overhand lay up shot	شوت سه گام به طرف حلقه از روی سر
Overhead shot	پرتاب توپ به طرف حلقه از بالای سر
Over the rim shots	اسپک کردن توپ داخل حلقه
Pass – pick – pop drill	تمرین؛ پاس دهنده برای دریافت کننده پاس به منظور شوت جفت ایجاد سد

	(اسکرین) می کند
Pass up a shot	پاس دادن به جای شوت
Perimeter shot	شوت از محدوده بیرونی، شوت از راه دور
Pet shot	نوع شوت مطلوب شوتی که بیشتر بکار می رود
Pivot and lay- up drill	تمرین شوت های سه گام همراه با چرخش
Pivot screen shot	شوت بازیکن سنتر از پشت ایجاد سد (اسکرین)
Pivot shot	۱- پرتاب شوت بعد از چرخش بازیکنان ۲- پرتاب شوت در خلال چرخش بازیکنان
Poke shot	اسپک کردن توپ داخل حلقه
Poor shot	پرتاب بد توپ به طرف حلقه، پرتاب ضعیف توپ به طرف حلقه
Pop shot	شوت جفت ناگهانی (به طور معمول بدون دریبل)
Power lay – in	پرتب قدرتی توپ به طرف حلقه
Power lay – up	۱- سه گام و جهش به سمت سبد ببطوری که بدن حالت نیمه خم داشته و با پرش به بالا باز می شود ۲- حرکتی که در آن بازیکنی که در خارج از دوزنقه قرار دارد با فریب سر و شانه مدافعی خود را از پیش رو برداشته و سپس با یک گام بلند یا پیش خود را با یک دریبل قدرتی به داخل دوزنقه گشانده و با پرش به سمت سبد و باز کردن و کشاندن بدن به بالا توپ را درون سبد قرار می دهد
Power shot – a jump shot	شوت جفت با حالتی نیمه خم
Power up for the shot	پريدن برای شوت جفت از یک حالت خم یا نیمه خم
Pressure jump shot	شوت جفت در برابر دفع درگیرانه همراه با فشار
Pull – up jumper	شوت جفت
Pull – up jump shot	شوت جفت
Pump	پرش به طرف حلقه در آنجا وانمود کردن به شوت
Pump fake	فریب شوت و پاس از جا ماندن مدافع و پریدن او به هوا اقدام به شوت واقعی کردن
Punk – dunk	اسپک کردن توپ داخل حلقه با پرش جفت همراه با یک حرکت که حریف را تحقیر می کند
Push shot	پرتاب توپ به طرف حلقه با کمی هل (به طور معمول با دو دست از جلو ی سینه)
Put the ball up	اقدام به شوت کردن
Put up shot	پرتاب توپ به طور تقریبی روی حلقه (برای دادن فرصت به هم تیمی به منظور گرفتن توپ ریاند)
Quick lay – up after a bead fake to the inside	شوت سه گام سریع بعد از گول زدن با حرکت سر به طرف حلقه
Quick shot	پرتاب سریع توپ به طرف حلقه (بدون تمرکز و آمادگی لازم).
Quick stop and fade-away	پرتاب توپ با بدنی مایل به عقب و زانوهای نیمه خم بعد از متوقف شدن بر روی دو پا ببطور موازی در یک زمان



Reach – back shot	با بُرش به سمت سبد و رد کردن سبب، در این حالت انجام شوت معمولی مشکل است، بنابراین در چنین مواقعی از این نوع شوت استفاده می شود؛ کشیدن دست به عقب و پرش روی پای مخالف دستی که با آن شوت زده می شود و چرخش سریع بدن بطوری که بازیکن را رو به سبد قرار می دهد
Rebound goal	شوت با توپ ریباند
Rebounding shot	شوت با توپ ریباند
Rebound shot	شوت با توپ ریباند
Reverse lay- up	سه گام با عبور از زیر سبد و چرخش بدن به سمت سبد
Reverse slam dunk	اسپک کردن توپ داخل حلقه بعد از چرخش در هوا در هنگام پرش
Reverse stuff	اسپک کردن توپ داخل حلقه بعد از چرخش در هوا در هنگام پرش
Right – hand lay-up shot	شوت سه گام با دست راست .
Righ or left shoulder shot	پرتاب توپ به طرف حلقه با یک دست از بالای شانه راست یا چپ
Right shot	پرتاب دقیق، پرتاب حساب شده
Ring – tailed howitzer	شوت با قدرت زیاد بعد از نفوذ به محدوده حلقه
Rip	شوتی که حلقه را ترک می شکند
Rocker step and shot	گول با گام بلند به جلو یا به کنار و بعد از فریب خوردن مدافع برگشت به موقعیت اولیه و اقدام کردن به شوت
Rol- off the shot	هل توپ به داخل حلقه با سر انگشتان
Running lay- up	شوت سه گام بعد از دویدن
Running one- hand push shot	پرتاب توپ با کمی فشار با یک دست بعد از دویدن
Running one- hand set shot ( one – count stop )	پرتاب توپ به طرف حلقه با یک دست در حالت ثابت بعد از متوقف شدن روی دو پا در یک زمان
Running one – hand set shot ( two – count stop )	پرتاب توپ به طرف حلقه با یک دست در حالت ثابت بعد از متوقف شدن روی دو پا یکی بعد از دیگری
Running one – hand shot	پرتاب توپ به طرف حلقه با یک دست بعد از برش
Running right – hander	شوت جفت با دست راست بعد از برش سریع
Rushed shot	پرتاب عجولانه (به سبب تهدید حریف)
Sam Jones drill	تمرین شوت های برگشتی از تخته
Scoop shot	شوت با یک دست از زیر با یک حرکت شبیه بیرون کشیدن پارو از آب
Second shots	شوت های ثانویه (بعد از گرفتن توپ از ریباند حمله)
Semi – hook	شوت هوک در فاصله متوسط
Sense of shot	توانایی در اجرای شوت، نسبت به شوت احساس داشتن ، استعداد داشتن در یادگیری مهارت های شوت
set	شوت در حالت ثابت
Set position shot	۱- پرتاب توپ به طرف حلقه در حالت ثابت ۲- پرتاب کردن توپ به طرف حلقه همیشه از یک موقعیت

Set shot	شوت در حالت ثابت (با پاهایی که تماس ثابت با کف زمین داشته باشد)
Set shot offense	الگوی حمله براساس شوت‌ها در حالت ثابت
Set up a basket	پاس دادن توپ برای شوت
Setup basket	شوت راحت
Set up for shot	پاس دادن توپ برای شوت
Setup shot	شوت راحت
Sewer	(فاضل آب) حلقه‌ای که هر شوتی به داخل آن می‌رود
Short hook shot	شوت هوک از فاصله نزدیک
Short jumper	شوت جفت از نزدیک
Short jump shot	شوت جفت از نزدیک
Short shot	شوت از موقعیت نزدیک به حلقه ۲- شوت سه گام
Side shot	شوت از موقعیت کناری حلقه
Skywalking	(پرش بسیار بلند بازیکن به طوری که در هوا راه می‌رود) اسپیک کردن توپ داخل حلقه با پرش بسیار بلند
Slam dunk	اسپیک کردن توپ داخل حلقه
Soft shot	شوت به نسبت نرم
Spinned shot	شوت همراه با چرخش توپ
Spot shot	همیشه از یک نقطه شوت کردن
Stationary shot	شوت در حالت ثابت (در شرایطی که تماس پاها با زمین قطع نشود)
Step- away fade shot	شوت به طرف حلقه بعد از گام به عقب برداشتن و بدن را متمایل به عقب کردن
Step – away one – hander	شوت به طرف حلقه با یک دست بعد از گام به عقب برداشتن
Step- away shot	شوت به طرف حلقه بعد از گام به عقب برداشتن
Step – away – shot under basket	گام زدن به عقب و فاصله گرفتن از سید و بلافاصله به سمت سید چرخیدن و اقدام به شوت در زیر سید کردن
Step – in pivot shot	نفوذ همراه با چرخش و شوت در محدوده حلقه
Straligh turn shot under basket	پرتاب مستقیم با یک چرخش نزدیک حلقه
Stuff shot	اسپیک کردن توپ با شوت جفت
Sure shot	شوت مطمئن، شوت از روی یقین
Sweeping hook shot	شوت هوک همراه با تاب دادن دست
Swisher	کسب امتیاز با یک پرتاب مستقیم داخل حلقه (بدون برخورد با حلقه)
Swoop and dunk	اسپیک کردن توپ داخل حلقه با پرشی بلند از فاصله دورتر از حلقه
Talking to God	اسپیک کردن توپ داخل حلقه از یک پرش بلند
Take shot	امتیاز کسب کردن
Three pointer	شوت سه امتیازی
Three poing shot	پرتاب توپ به طرف حلقه از پشت خط سه امتیازی

Three- sixty	(چرخش ۳۶۰ درجه‌ای) اسپیک کردن نمایشی توپ به داخل حلقه بعد از یک چرخش کامل در هوا
Throwdown	اسپیک کردن توپ داخل حلقه
Tickle the twine	اجرای شوت به داخل حلقه بدون برخورد به حلقه
Tip – in	پرتاب مجدد توپ برگشتی از تخته یا حلقه با سر انگشتان دست
Tip – in drunk	شوت ثانویه با اسپیک کردن توپ داخل حلقه
Tip – in shot	پرتاب مجدد توپ برگشتی از تخته یا حلقه با سر انگشتان دست
Tip shot	پرتاب مجدد توپ برگشتی از تخته یا حلقه با سر انگشتان دست
Top-of - the - head - shot	پرتاب توپ از روی سر
Trey	پرتاب سه امتیازی
Turn – around jumper	در موقعیت پشت به حلقه بلند شدن و زمانی که با آن رو در رو شد توپ را داخل حلقه اسپیک کردن
Turn – around jump shot	در موقعیت پشت به حلقه بلند شدن و زمانی که با آن رو در رو شد توپ را داخل حلقه اسپیک کردن
Turn around one-hand jump shot	شوت جفت با یک دست همراه با چرخش
Turnaround shot	شوت جفت همراه با چرخش
Turnaround two – hand jump shot	شوت جفت با دو دست همراه با چرخش
Twister	شوت جفت همراه با چرخش در هوا
Twisting jump shot	شوت جفت همراه با چرخش در هوا
Twisting lay – up shot	شوت سه گام همراه با یک چرخش
Twisting underhand lay – up	شوت جفت از پایین همراه با چرخش
Two – hand chest free throw	پرتاب آزاد با نگه داشتن توپ با دو دست در سینه
Two – hand chest shot	پرتاب توپ به طرف حلقه با دو دست (به طور معمول از جلوی سینه)
Two – handed overhead shot	پرتاب توپ به طرف حلقه با دو دست از روی سر
Two – handed push shot	پرتاب توپ به طرف حلقه با دو دست (به طور معمول از جلوی سینه)
Two handed set for over head	پرتاب توپ به صورت ثابت به طرف حلقه با دو دست همراه با تاب دادن توپ روی سر (بدون بلند کردن پاها از روی زمین)
Two – handed set shot	پرتاب ثابت به طرف حلقه با دو دست
Two – handed set shot from chest	پرتاب ثابت به طرف حلقه بعد از نگه داشتن توپ در جلوی سینه
Two – handed stuff shot	اسپیک کردن توپ داخل حلقه با دو دست
Two – handed	پرتاب توپ به طرف حلقه با دو دست
Two – hand jump shot	شوت جفت با دو دست
Two – hand overhand free throw	پرتاب آزاد بعد از نگه داشتن توپ به موازات شانه‌ها
Two – hand overhead free throw	پرتاب آزاد بعد از نگه داشتن توپ روی سر
Two – hand overhead jump shot	شوت جفت بعد از نگه داشتن توپ روی سر
Two – hand overhead lay – up shot	شوت سه گام به طرف حلقه بعد از نگه داشتن توپ روی سر

Two – hand overhead set shot	پرتاب توپ به طرف حلقه با دو دست از روی سر در حالت ثابت
Two – hand overhead shot	پرتاب توپ به طرف حلقه با دو دست از روی سر
Two -hand over- the -head set shot	پرتاب توپ به طرف حلقه با دو دست از روی سر در حالت ثابت
Two – hand pump shot	پرتاب توپ به طرف حلقه با دو دست بعد از وانمود کردن به شوت جفت
Two – hand push shot	پرتاب توپ به طرف حلقه همراه با هل دادن توپ با دو دست
Two – hand set shot	پرتاب توپ به طرف حلقه با دو دست در حالت ثابت

TTTTTTTTTTTTTTTTTTTTTTTTTT	
Table assistants	میز داوری که شامل کمک‌داورها نیز می‌باشند
Table official	کمک‌داوران؛ منشی، کمک منشی، وقت نگهبان و مسئول ۲۴ ثانیه
Tackle	نگه داشتن و متوقف کردن حریف
Tactic (Am.)= Tactics(Eng.)	شیوه بازی، روش بازی، روشی برای برتری پیدا کردن در بازی
Tag	۱- دنبال کردن حریف ۲- لمس کردن شخص بعد از دنبال کردن آن (شبه بازی گرگم به هوای بچه‌ها) ۳- لمس کردن حریفی که پشت سر به منظور چک کردن موقعیت آن قرار می‌گیرد
Tag along (also:- after)	دنبال کردن
Tagging	لمس کردن حریفی که پشت سر به منظور چک کردن موقعیت آن قرار می‌گیرد
Tail	۱- دم ۲- عقب ۳- کیل، پشت، قسمت خلفی انسان
Tail down	طرز ایستادن در دفاع به شکل نیم خم
Tailender	۱- نفر آخر ۲- بازنده
Take	۱- گرفتن، کنترل و مهار کردن ۲- تسخیر کردن ۳- تغییر دادن (پوشش) ۴- پوشش (حریف) ۵- کامیاب شدن، موفق شدن
Take a beating	باختن، شکست خوردن (بازی)
Take a brace	اصلاح کردن و بهبود بخشیدن مهارت‌های بسکتبال
Take a breather	استراحت کردن
Take action	شروع یک حرکت
Take a deep breath	تنفس عمیق برای تمرکز اعصاب
Take advantage of the middle	مورد استفاده قرار دادن قسمت میانی زمین، مورد استفاده قرار دادن موقعیت های آزاد مقابل حلقه
Take a game	برنده شدن در مسابقه
Take a holiday	اخراج شدن
Take and do	شروع کردن، آغاز کردن
Take a seat	از عقب افتادن
Take a shot at	حدس زدن
Take a snooze(also: - snoozle)	چرت زدن
Take away	۱- مانع شدن، به بلخی انداختن، جلو گیری کردن ۲- کشیدن (توپ)
Take brace	قوت قلب پیدا کردن، الهام گرفتن (از)، دل و جرأت به دست آوردن
Takedown	۱- گول زدن ۲- سرزنش کردن ۳- هل دادن، با فشار پس راندن
Take ( great ) stock in	ارزش زیادی داشتن
Take it easy	سخت نگیر
Take it out	گرفتن توپ برای پرتاب آن به داخل زمین بعد از کسب امتیاز توسط حریف
Take it to the hoop	رفتن به طرف حلقه برای شوت
Take – off	۱- شروع به پریدن کردن، جهش کردن ۲- شروع

Take off	۱- شروع کردن، آغاز کردن ۲- پریدن
Take on over	مشتاق بودن
Take ( no ) stock in	نداشتن اعتماد به چیز یا کسی
Take pride	خودنمایی و خودستایی
Take shot	کسب کردن امتیاز
Take the air	بیرون رفتن، رفتن در فضای باز
Take the bull by the horns	نشان دادن عزم و اراده
Take the cake	۱- بهترین بودن، اول بودن ۲- درجه یک، عالی ۳- جایزه گرفتن، برنده شدن جایزه ۴- بردن، پیروز شدن
Take the charge	اقتدار داشتن
Take the lead	۱- اولین امتیاز بازی را کسب کردن ۲- بیشترین امتیاز را از حریف گرفتن
Take the open floor away	جلوگیری مؤثر از حرکات حریف در زمین بازی
Take water	ضعیف شدن، کم آوردن قبل از پایان بازی
Taking the charge	آماده بودن برای حمله بازیکن مهاجم
Taking the look	نگاه کردن به اطراف
Talk	مکالمه، مکالمه کردن، صحبت کردن، گفتگو کردن
Talk cutters	آگاهی دادن به هم تیمی درباره نفوذ حریفان با صدای بلند
Talking	تبادل اطلاعات در میدان بازی
Talking defense	ارتباط در دفاع با دیگر بازیکنان به منظور آگاه ساختن آنها درباره ایجاد سد، برش و دیگر حرکات حریف مهاجم
Talking to God	(پریدن بسیار بلند به طوری که بتوان با خدا صحبت کرد) اسپک کردن توپ داخل حلقه با یک پرش بسیار بلند
Tall	قد بلند، بلند
Tally	حساب کردن، شمردن
"Tam- tam" dribble	یک تمرین دریبل که از صدای طبل هندی پیروی می کند.
Tandem	آرایش بازیکنان به صورت پشت سرهم با فاصله کم (در دفاع و حمله)
Tandem alignment	آرایش دو بازیکن ستر در حمله؛ یک بازیکن ستر در موقعیت بالا و دیگری در موقعیت پایین در همان سمت منطقه کلید
Tandem and three	دفاع منطقه ای ۱-۳-۱
Tandem defense	آرایش دفاعی به صورت قرار گرفتن دو مدافع پشت سرهم جهت جلوگیری از حمله؛ یکی از بازیکنان مدافع در موقعیتی درست در جلوی خط پرتاب آزاد قرار می گیرد و یکی دیگر درست قبل از حلقه پشت سر مدافع اولی می ایستد
Tandem pivot	دو بازیکن ستر در یک خط پشت سرهم؛ یک بازیکن ستر در موقعیت بالا و دیگری در موقعیت پایین در آرایش حمله ۱-۳-۱
Tandem post	آرایش دو بازیکن ستر؛ یک ستر در موقعیت بالا و دیگری در موقعیت پایین (در یک سمت منطقه کلید)

Tandem screen	ایجاد دو سد (اسکرین) پشت سر هم
T-and -one combination defense	چهار بازیکن مدافع در دفاع منطقه ای ۱-۲ (شبه حرف T انگلیسی در منطقه ای کلید آرایش دیده و بازیکن پنجم دفاع یارگیری را انجام می دهد)
Tangler	بازیکن ستیزه جو
Tap	۱- با سر انگشتان دست به توپ ضربه زدن، آهسته لمس کردن، به نرمی ضربه زدن ۲- ضربه سریع، سبک
Tape	۱- نوار باند شکستگی یا زخم ۲- نوار ضبط و صوت
Taped ankle	زانو بند
Tap – in	دوباره شوت کردن با سر انگشتان بعد از دست دادن شوت اول
Taping	بستن با باند زخم
Tap – off	به توپ آهسته دست زدن (در ریباند، یا پرش)
Tap pass	پاس والیبالی
Tap the ball	به توپ آهسته ضرب زدن، زدن توپ با یک یا دو دست (شبه توپ والیبال)
Tap up	با سر انگشتان توپ را داخل حلقه کردن
Target	هدف، نشانه، گل
Target hand	دستی که کمک به نگه داشتن توپ به دست آمده می کند
Tar heels	(مردم شمال کارولینا معروف به تارهیل می باشند) نام تیم بسکتبال دانشگاه شمال کارولینا در چارل هیل که در کنفرانس آتلانتیک کاست بازی می کند
Task	وظیفه، کار، شغل، تکلیف
Taster	زبان
Taunt	توهین، بی احترامی، توهین کردن، بی احترامی کردن
Teach	۱- درس دادن، آموختن، تعلیم دادن ۲- آموزش دادن، معلمی کردن، مربیگری کردن
Teacher	آموزگار، استاد مدرسه، تربیت کننده، مربی
Teaching ability	مهارت در آموزش دادن، در تعلیم دادن
Teaching stations	ایستگاه های تمرین در تمرینات ایستگاهی
Team	هسته، تیم، جمعیت، گروه
Aggregation	اجتماع، توده، تیم
Array	آرایش، صف، تیم
Assemblance	مجمع، گروه، تیم
Awkward squad	تیم متوسط
Boneyard aggregation	تیمی با بازیکنان مسن و پیر
Clan	دسته، تیم
Clique	گروه، تیم
Club	انجمن، کانون، تیم
contingent	تیم

Craft	صنف پیشه‌وران، تیم
Crew	خدمه کشتی، کارکنان هواپیما، تیم
Cripples	تیم موقت
Dog team	تیم تهیج نشدنی، تیم هیجان‌ناپذیر
Ensemble	دسته نوازنده، گروه، تیم
Flock	رله، گله، جمعیت، تیم
Fold	دسته یا گله گوسفند، تیم
Frat	صنف، اتحادیه، تیم
Fraternity	صنف، اتحادیه، تیم
Galaxy	کهکشان، تیم
Gang	دسته، گروه جنایتکاران، تیم
Herd	رله، گله، تیم
Home – sweet – home team	تیمی که فقط در زمین خودشان خوب بازی می‌کنند
Horde	ایل و تبار، طایفه، تیم
jugernaut	نیروی عظیم منهدم‌کننده، تیم بسیار قوی
lineup	طرز جاگیری بازیکنان، تیم
machine	ماشین، تیم
mechanism	ساز و کار، طرز کار، اجزاء تشکیل‌دهنده چیزی، اجزاء و عوامل مکانیکی
Murderers' row	(قسمتی از زندان که زندانی‌هایی که محکوم به اعدام هستند در آن جا نگهداری می‌شوند) تیم ترسناک
One – man – team	تیمی که فقط یک بازیکن برجسته دارد و کیفیت تیم بستگی به این بازیکن دارد
Outfit	(تجهیزات لازم برای یک هدف مخصوص) تجهیز، ساز و برگ، تیم
Powerhouse	(نیروگاه برق، موتورخانه) تیم بسیار قوی
Regiment	(هنگک)، تیم
Retinue	همراهان، خدم و حشم، تیم
Scratch team	تیمی که به‌طور تصادفی شکل گرفته باشد
Stable	(اسب‌هایی که متعلق به یک مالک باشند) تیم
Steam roller(Am.)= Steam-roller(Eng.)	(جاده صاف‌کن، غلتک، جاده‌کوب) تیم قوی
String	(زه، رهی، نخ، ریسمان) تیم
Tribe	(نژاد، قبیله، طایفه) تیم
Team alignment	آرایش بازیکنان در زمین بازی مطابق وظایفشان (گارد، فوروارد، سانتر)
Team captain	رهبر تیم که به وسیله‌ی بازیکنان انتخاب و یا به وسیله‌ی مربی منصوب می‌شود، کاپیتان تیم
Team cohesion	اتحاد و هم‌بستگی تیمی
Team concept	تصور و تفکر کلی تیم
Team conflict	برخور در تیم، ناسازگاری در تیم



Team control	مالکیت توپ توسط یکی از اعضای تیم
Team control foul	خطای بازیکن مهاجم، خطای بازیکن تیمی که مالک توپ باشد
Team defense	بازی دفاعی کل تیم
Team defensive abilities	مهارت‌های کار تیمی در بازی دفاعی و پوششی
Team dissention	برخور در تیم، ناسازگاری در تیم
Team effort	تلاش دسته جمعی تیم
Team follower	۱- شخصی که تیم را همراهی می‌کند ۲- طرفدار تیم
Team foul	خطای تیمی
Team foul marker	تابلوی کوچک که تعداد خطاهای یک تیم را نشان می‌دهد
Team fouls	خطاهای تیمی
Team friction	برخورد در تیم، ناسازگاری در تیم
Team in the bonus	یک تیم بعد از تمام شدن محدودیت خطای تیمی‌اش، هر خطایی در هر مکانی از زمین که مرتکب شود جریمه آن دو پرتاب آزاد خواهد بود
Team lineup = Team line-up (Am., Eng.)	آرایش یک تیم در هنگام شروع، به صف ایستادن تیم
Teammate (Am.)= Team-mate (Eng.)	هم گروه، عضو تیم، هم تیمی، همکار، همقطار
Team – mate evaluation	گزارش ارزیابی یک بازیکن توسط هم تیمی
Team men	فعالیت بازیکنان در کار تیمی عالی (به خصوص در دفاع)
Team offensive abilities	مهارت‌های کار تیمی در حمله ضد حریفان و حلقه
Team organization	شکل، ترکیب، ساختار تیم
Team oriented defense	تیمی که بازی دفاعی را ترجیح می‌دهد
Team play	کار تیمی
Team player	بازیکن آماده‌ای که بمخاطر کار تیمی خواسته‌هایش را کنار می‌گذارد، بازیکن آماده که در اختیار تیم باشد
Team practice	تعلیم و تمرین کار تیمی
Team skipper	کاپیتان و رهبر تیم
Team's make up	ترکیب و آرایش تیم
Team spirit	روحیه کار تیمی، روح همکاری در تیم
Team structure	آرایش تیم برای یک الگو یا نقشه ویژه
Team unity	دوستی و رفاقت در تیم، اتحاد تیمی
Teamwork (Am.) = Team-work(Eng.)	روح همکاری، کار تیمی، روحیه وفاداری ما بین یک تیم
Balanced teams	رقابت تیم‌هایی که از لحاظ قدرت برابر باشند
Components of team offense	اجزاء حمله که به وسیله‌ی یک تیم به کار گرفته می‌شوند.
Defending team	تیم تدافعی
Double team	دفاع کردن یک حریف (مالک توپ) توسط دو مدافع
Double team area	قسمتی از زمین بازی که مناسب برای دفاع کردن یک حریف (مالک توپ) (مالک توپ)

	توسط دو مدافع می باشد
Double teamer	بازیکنی که در دبل تیم شرکت می کند.
Double teaming	دفاع کردن یک حریف (به طور معمول مالک توپ) توسط دو مدافع
Double teaming jump switch	تغییر دفاع توسط بازیکنان مدافع به قصد پوشش حریف با یک جهش ، سوئیچ کردن همراه با یک جهش به منظور پوشش دادن حریف توسط بازیکنان مدافع
Double team territory	قسمتی از زمین بازی که مناسب برای دفاع کردن یک حریف (به طور معمول مالک توپ) توسط دو مدافع می باشد
Double team trap	ایجاد تله برای اجرای دفاع دبل تیم
Double team umbrella	دفاع دبل تیم با قرار دادن دست ها شبیه چتر بر روی حریف مالک توپ
Evenly matched teams	تیم های برگزیده
Gander a team	ارزیابی بازی حریف آینده
Good team spirit	یک تیم با همکاری تیمی بسیار عالی
Home team	تیم میزبان
Junior varsity team	۱- تیم دانشگاه متشکل از دانشجویان سال سوم ۲- تیم دوم دانشگاه یا دانشکده
J.V. team	۱- تیم دانشگاه متشکل از دانشجویان سال سوم ۲- تیم دوم دانشگاه یا دانشکده
Kick off the team	اخراج کردن از تیم
Losing team	تیم شکست خورده
Make the team	رشد کردن در کار تیمی
Mark of a good team	ویژگی های بازی خوب تیمی
Mechanical team	تیمی که بر اساس برنامه و تمرینات طولانی مدت کار می کند
Men's team	تیمی متشکل از بازیکنان مرد، تیم مردان
National team	تیم ملی
Opposing team	تیم حریف، تیم رقیب
Overall team effort	همکاری همه جانبه تیم
Overall team philosophy	مجموعه ی کلی اصول بازی که یک تیم بکار می گیرد. فلسفه کلی بازی یک تیم
Poorly coached team	تیمی که به صورت نا صحیح آموزش دیده باشد
Progressive team totals	آمار کسب شده در مسابقات قبلی و آمار فعلی در مسابقاتی که در جریان است . (برای مثال آمار کامپیتی و دقیق پرتاب آزاد در بازی های قبلی و فعلی)
Road team	تیمی که در خانه حریفان نتایج خوبی کسب می کند
Running team	تیمی که حرکات سریع بر توقف در یک مکان در زمین بازی را ترجیح می دهد
Scratch team	تیمی که به طور اتفاقی تشکیل شده باشد
Skeleton team	بدنه تیم، اسکلت تیم
Three – man zone with double – teaming	سه بازیکن مدافع در آرایش دفاع منطقه ای و دو بازیکن دیگر در تلاش برای اجرای دبل تیم بر روی بازیکن مالک توپ
Undersized team	تیمی با بازیکنان که به قدر کافی بلند قد نیستند.

Visiting team	تیمی که در زمین بازی میزبان بازی می کند، تیم مهمان
Well coached team	تیمی که خوب آموزش دیده باشد
Women's team	تیمی متشکل از بازیکنان زن، تیم زنان
Tearing knee ligaments	آسیب باندهای بافته شده ی قوی استخوان های زانو که به سختی به اطراف کشیده می شوند.
Tear to pieces	سرزنش کردن ، بدحرفی کردن، اوقات تلخی کردن
Technic = Technique	اسلوب کار، روش، اسلوب، شگرد، فن، اصول مهارت، روش فنی ، تکنیکی که در بسکتبال بکار گرفته می شود
Technical foul	خطای فنی؛ خطایی است که بازیکن بدون ایجاد برخورد روی حریف مرتکب شود، خطای غیر ورزشی هم شامل خطای فنی می باشد
Technique	اسلوب کار، روش، اسلوب، شگرد، فن، اصول مهارت، روش فنی ، تکنیکی که در بسکتبال بکار گرفته می شود
Tedious	خسته کننده، کسل کننده
Tedious work	تمرین خسته کننده، تمرین کسل کننده
Telegraph the pass	علامت دادن برای پاس، علامت دادن مسیر پاس
Televise	۱- برنامه تلویزیونی ترتیب دادن ۲- برنامه تلویزیونی پخش کردن
Television coverage	بخش تلویزیونی
Television timeout	زمان اوت اضافی برای آگاهی بازرگانی تلویزیون
Tell a thing or two	سرزنش کردن
Temp	درجه دمای بدن
Temper	خلق و خو
Tempo	گام، میزان سرعت، آهنگ
Temporary	زودگذر، فانی، گذرا، آنی
Temporary screen	ایجاد سد (اسکرین) در زمان کوتاه
Temp stick	دماسنج
Tenacious	کله شق، سرسخت، نافرمان
Tend	۱- متمایل، مایل ۲- متمایل بودن
Tenderfoot	تازه وارد، بی تجربه
Tendon	زرد پی، وتر، زرد پی یا وتر که ماهیچه را به استخوان متصل می کند.
Tendonitis	ورم زرد پی یا وتر
Ten fingers	اصلی کف دریافت کننده پاس را مجبور می کند تا هنگام دریافت توپ انگشتان دستانش را به طور کامل به طرف توپ باز کند و آماده گرفتن یا دریافت آن شود
Tense	(عصب یا طناب) کشیده، عصبی و هیجان زده، تصریف زمان فعل، سفت، سخت، ناراحت، وخیم شدن، تشدید یافتن
Tenseness	سفتی، نا آرامی، کشیدگی
Term	۱- اصطلاح، واژه ۲- مدت، دوره

Terminate	پایان دادن، پایان یافتن
Termination	۱- پایان ۲- انتها
Terminology	اصطلاحات علمی یا فنی، مجموعه اصطلاحات، لغات
Terrapins(also: abbr. to Terps)	نام تیم بسکتبال دانشگاه مرلند در دانش کده پارک (مرلند) که در کنفرانس آتلانتیک کاست بازی می کنند
Terriers	نام تیم بسکک تبال دانشگاه بوستون در بوستون (ماساچوست) که در کنفرانس آتلانتیک شمالی بازی می کنند
Terrific	عظیم، فوق العاده، مهیب
Territory	منطقه، سرزمین، خطه، قلمرو
Test	آزمایش، امتحان، آزمون
Testimony	مدرک، گواهی
Tether ball tipping	لمس کردن توپی که در مکان بلندی آویزان شده باشد
"T" game	حمله با آرایش اولیه به شکل حرف T انگلیسی
That's about the size of it	او شرایط را منصفانه و خوب توضیح می دهد.
That's that	تأکید بر ادامه بازی خوب، همین را ادامه بدهید
The head	اتاق مردان، حمام و توالت
Theme	موضوع، مطلب، مقاله (موضوع سخنرانی مربی دفاع ترکیبی بود)
Theory	اصل کلی، اصول نظری، اندیشه، نظریه
Thermotherapy	حرارت درمانی
Thigh	ران
Thin bench	نیمکت کوتاه
Thin down	کم کردن وزن
Thin frontcourt	فقدان بازیکنان مهاجم خوب
Thinker	سر، مغز، ذهن، متفکر، اندیشمند
Thirty jumps	سی مرتبه پریدن و لمس کردن حلقه از موقعیت جلوی حلقه
Thoisty	تشنه
Thorough good	به طور کامل خوب و بسیار عالی
Thread the needle	پاس دادن توپ برای شوت
Thread the net	امتیاز کسب کردن
Threat	۱- تهدید، تهدید کردن ۲- حریف بسیار قوی ۳- بازیکن ترسناک
Three against three	بازی سه علیه سه
Three and one	تمرین ریاند حمله؛ سه مرتبه با توپ به تخته زده و در پی آن به طرف حلقه شوت می کنیم
Three – count	شمردن سه ثانیه در ذهن
Three – decker	۱- مهم ۲- عالی
Three – lane drill	ضد حمله در امتداد سه مسیر

Three – man overloading style	الگوی تجمع بازیکنان در یک سمت زمین توسط سه بازیکن
Three – man pattern	الگوی بازی سه نفره (دو گارد با یک فوروارد، یک گارد یک فوروارد یک سنتر، دو گارد با یک سنتر)
Three man roll	نقوذهای پی در پی سه بازیکن مهاجم در عرض منطقه کلید
Three man – straight down	تمرین ضد حمله توسط سه بازیکن؛ دویدن، پاس داد، شوت کردن و ریپاند در امتداد سه مسیر علیه حلقه متقابل با وظیفه‌های مختلف در هر حرکت
Three – man weave	تمرین پیچشی سه بازیکن؛ بازیکنان در سه ردیف روی خط عرضی قرار می‌گیرند. بازیکنی که در ردیف میانی است توپ را به نزدیک ترین عضو تیم پاس داده سپس به پشت دو بازیکن حرکت برش را انجام می‌دهد. این فرایند برای انجام شوت سه گام تا سبدا دامه یافته و سازماندهی مجدد و "سرعت – پیچش – پاس" برای انجام سه گام در انتهای مخالف زمین ادامه می‌یابد.
Three – man weave drill	تمرین پیچشی سه بازیکن؛ بازیکنان در سه ردیف روی خط عرضی قرار می‌گیرند. بازیکنی که در ردیف میانی است توپ را به نزدیک ترین عضو تیم پاس داده سپس به پشت دو بازیکن حرکت برش انجام می‌دهد. این فرایند برای انجام شوت سه گام تا سبدا دامه یافته و سازماندهی مجدد و "سرعت – پیچش – پاس" برای انجام سه گام در انتهای مخالف زمین ادامه می‌یابد.
Three – man zone with double teaming	سه بازیکن مدافع در آرایش دفاع منطقه‌ای و دو بازیکن دیگر به دنبال اجرای دبل تیم علیه بازیکن مالک توپ
Three – man – out offense	الگوی حمله بدون بازیکن سنتر با سه دفاع عقب و دو فوروارد در جلو (امکان استفاده از این دو فوروارد بعنوان سنتر هم می‌باشد)
Three – on – one	سه بازیکن علیه یک بازیکن
Three – on – three	سه بازیکن علیه سه بازیکن
Three – on – two	سه بازیکن علیه دو بازیکن
Three on two conditioner	تمرین بازی سه تیمی علیه دو تای دیگر
Three – out	حمله بدون بازیکن سنتر با سه بازیکن در عقب خارج از منطقه دوزنق و دو بازیکن دیگر در جناحین که از این دو بازیکن هم می‌توان بعنوان سانتر استفاده نمود
Three outside and two inside	آرایش حمله با سه بازیکن خارج از منطقه‌ی کلید و دو بازیکن دیگر در موقعیت پانچن نزدیک خطوط کناری منطقه کلید، برای شروع چندین الگوی قرار می‌گیرند
Three – out two – in pattern	آرایش حمله با سه بازیکن خارج از منطقه کلید و دو بازیکن در موقعیت های پایین
Three – out two – in zone	آرایش منطقه‌ای ۲-۳ (یک آرایش اولیه از دفاع منطقه‌ای)
Three – out with a double medium – pivot	آرایش حمله با سه بازیکن خارج از منطقه کلید و دو بازیکن سنتر در موقعیت میانی در دو طرف منطقه کلید
Three point arc	خط سه امتیازی
Three pointer	شوت برای سه امتیاز

Three – point field goal area	منطقه پیرامونی زمین بازی یا محدوده پرتاب‌های سه امتیازی از پشت خطی که فاصله آن نسبت به حلقه ۶/۲۵ متر می‌باشد
Three point land	منطقه پیرامونی زمین بازی و یا محدوده پرتاب‌های سه امتیازی از پشت خطی که فاصله آن نسبت به حلقه ۶/۲۵ متر می‌باشد
Three point line	خط سه امتیازی امتیازی (اف آی بی ای؛ ۶/۲۵ متر ان سی ای ای؛ ۶/۵۰ متر ان بی ای؛ ۷/۲۴ متر
Three point play	۱- الگوی حمله به منظور آزاد کردن یک بازیکن برای پرتاب سه امتیازی
Three point range	حد فاصل شوت از پشت خط سه امتیازی
Three – point shot	پرتاب توپ داخل حلقه از پشت خط سه امتیازی
Three – point stripe	خطی که محدوده شوت‌های سه امتیازی را مشخص می‌کند
Three – point thunderbolt	شوت برای سه امتیاز
Three – quarter court	(حرکتی یا الگوی بازی) در سه چهارم زمین بازی
Three – quarter court press	حرکت تهاجمی علیه حریف در سه چهارم زمین بازی
Three quarter fronting	موقعیت دفاعی بقراردادن سه چهارم پهنای بدن جلوی حریف
Three quarter press	حرکت تهاجمی علیه حریف در سه چهارم زمین بازی
Three – quarter zone trap	دفاع منطقه‌ای در سه چهارم زمین بازی با ایجاد تله علیه بازیکن مالک توپ حریف
Three-seconds rule	قانونی که تعریف مقررات سه ثانیه و پی‌آمد تخلف‌اش را بیان می‌کند
Three – seconds rule violation	به خطایی اطلاق می‌شود که بازیکن بیش از سه ثانیه در منطقه کلید قرار گیرد؛ و جریمه آن از دست دادن مالکیت توپ می‌باشد
Three – seconds zone	محدوده خطای سه ثانیه؛ منطقه کلید بدون در نظر گرفتن نیم دایره بیرونی پرتاب آزاد
Three – sixty	اسپک کردن توپ داخل حلقه بعد از یک چرخش کامل در هوا (چرخش ۳۶۰ درجه‌ای)
Three – two free lance open middle offense	بازی آزاد با آرایش ۳-۲ در پیشانی حمله و باز کردن فضا برای نفوذ به سمت سید
Three – two zone defense	آرایش ۳-۲ در دفاع منطقه‌ای
Three – two zone offense	حمله علیه دفاع منطقه‌ای در آرایش ۳-۲
Thrill	هیجان، لرزه، به هیجان آوردن
Thriller	هیجان‌انگیز
Through	از میان، از وسط، سرتاسر، از طریق
Through for the day	پایان یافتن کار روزانه، تمرین برای امروز کفایت
Through move	نفوذ مستقیم به طرف حلقه که نتیجه آن باز کردن مسیری آزاد در آنجا می‌شود و امکان دریافت پاس منجر به گل را در موقعیت مناسب بوجود می‌آورد
Through the legs dribble	دریبل کرن (به‌طور معمول به طرف عقب) بین پاها به منظور محافظت از توپ در برابر حریف
Through ( with )	پایان، انتها

Throw	پرتاب کردن، انداختن
Throw a scare into	ترساندن
Throwback	نیروی عقب‌نشینی توپ، عقب نشانیدن، عقب نشستن، رجعت
Throwdown	اسپک کردن توپ داخل حلقه
Thrower	بازیکنی که توپ را به طرف حلقه پرتاب می‌کند.
Thrower – in	بازیکنی که توپ را از خارج زمین به طرف هم تیمی داخل زمین بازی پرتاب می‌کند.
Throw – in	پاس توپ از خارج زمین بازی
Throw – in from out – of – bounds	پاس توپ از خارج زمین بازی
Throw – in from the baseline(also: - endline)	پرتاب توپ از پشت خط عرضی به طرف هم تیمی داخل زمین بازی
Throw – in from the sideline	پرتاب توپ از پشت خط طولی به طرف هم تیمی داخل زمین بازی
Throw it down	اسپک کردن توپ داخل حلقه
Throw off	۱- رهایی یافتن از، خلاص شدن از ۲- هواس کسی را پرت کردن
Throw off steam	عرق کردن، عرق ریختن
Throw post – entry	پاس دادن توپ به طرف بازیکن سنتر برای شوت
Throw the ball up	بالا انداختن توپ
Throw the fake	اجرای حرکت گول
Throw the feet	۱- قدم زدن ۲- دویدن
Throw(also: Toss) the game	باختن به دلیل بی دقتی در بازی
Throw your head up ....	بالانگه داشتن سر در هنگام شوت
End-line throw-in	پرتاب توپ از پشت خط عرضی به طرف هم تیمی داخل زمین بازی
Free throw	پرتاب آزاد از پشت خط پرتاب آزاد
Free throw alignment	آرایش بازیکنان در شرایط پرتاب آزاد
Free throw attempt	تلاش برای پرتاب آزاد
Free throw circle	دایره پرتاب آزاد
Fee throw lane	منطقه پرتاب آزاد، منطقه سه ثانیه
Fee throw line	خط پرتاب آزاد که فاصله آن تا خط عرضی زمین ۵-۸۰ متر می‌باشد
Free throw line extended	امتداد فرضی خط پرتاب آزاد
Free throw percentage	درصد پرتاب آزاد به ثمر رسیده در بازی
Multiple throw	چندین یا مجموعه‌ای از پرتاب‌های آزاد
Shoot a free throw	کسب امتیاز از پرتاب آزاد
Side line throw in	پرتاب توپ به طرف هم تیمی داخل زمین بازی از پشت خط طولی
Successful free throw	کسب امتیاز از پرتاب آزاد
Time limit for free throw	محدوده‌ی زمانی برای اجرای پرتاب آزاد
Thrust	فشار محوری، بار محوری، رانش ، حمله کردن، حمله ، ضربت ، فرو کردن ، انداختن، پرتاب کردن، چپاندن، سوراخ کردن، رخنه کردن در، به‌زور باز کردن،

	فشار موتور، نیروی پرتاب، زور، فشار
Thug ball	سفت، خشن، بازی خشن
Thumb (also: Thumbs)down	عدم رضایت، عدم تصویب
Thumb down, palm out	حالت دفاعی با دست‌های باز رو به جلو، کف دست ها باز به سمت بیرون و انگشتان شصت به سمت پایین
Thunderbolt	۱- رعد و برق، روشنایی ۲- بازیکن دینامیکی سریع
Thundering	بزرگ، عظیم الجثه
Thundering herd	نام تیم بسکتبال دانشگاه مارشال در هانتینگتون که در کنفرانس جنوبی بازی می‌کنند.
Ticker	۱- ساعت ۲- قلب
Tickle the twine	پرتاب توپ داخل حلقه به صورتی که توپ فقط به تور برخورد کند، امتیاز کسب کردن
Tick – tack passes	پاس‌های کوتاه و دینامیکی مثل تیک تاک ساعت
Tie	۱- امتیاز مساوی بین دو تیم ۲- کشش ۳- بستن
Tied score (also: Tied scores)	مساوی، بازی مساوی، همزمان به خط پایان رسیدن
Tie – up	قرداد، پیمان
Tie up	بستن (دست و پا)، پیچیدن
Tie up the ball	۱- به چنگ آوردن توپ حریف ۲- مانع شدن از نگه داشتن توپ توسط حریف
Tigers	۱- نام تیم بسکتبال دانشگاه آوبرن در آوبرن که در کنفرانس جنوبی بازی می‌کنند ۲- نام تیم بسکتبال دانشگاه کلمون در کلمون که در کنفرانس ساحلی آتلانتیک بازی می‌کنند ۳- نام تیم بسکتبال دانشگاه لوئی‌یانایا در بولتون رنگ که در کنفرانس جنوبی بازی می‌کنند. ۴- نام تیم بسکتبال دانشگاه ممپ هیز در ممپ هیز که در کنفرانس گریت میدوست بازی می‌کنند. ۵- نام تیم بسکتبال دانشگاه میسوری در کلمبیا که در کنفرانس بیگ ایت بازی می‌کنند ۶- نام تیم بسکتبال دانشگاه پرینستون در پرینستون ( نیوجرسی ) که در لیگ IVY بازی می‌کنند. ۷- نام تیم بسکتبال دانشگاه تنسی استیت در ناشویلا که در کنفرانس اوهیوولی بازی می‌کنند
Tight	۱- محکم، سفت ۲- درهم فشرده، بهم فشرده، کیف ۳- چسباندن، قالب تن ۴- سفت و سخت ۵- تند، شدید، ترسناک ، سخت گیر ۶- بازی نزدیک، بازی مساوی
Tight area	قسمت شلوغ زمین بازی
Tight battle	بازی نزدیک، بازی بسته
Tight defense	به ستوه آوردن حریف با دفاع نزدیک و سفت
Tighten up the opponent	نزدیک به حریف دفاع کردن
Tight game	بازی نزدیک، بازی بسته
Tight guarding	پوشش نزدیک و سفت
Tight man – to – man defense	به ستوه آوردن حریف با دفاع یارگیری نزدیک و محکم



Tightness of the rim	سختی، انعطاف ناپذیری حلقه بسکتبال
Tight performance	بازی نزدیک و محکم
Tight situation	بازی در منطقه‌ی شلوغ زمین
Tight spot	شرایط خطرناکی که یک بازیکن نیاز به کمک هم تیمی‌اش دارد.
Tight squeeze	۱- بازی نزدیک و بسته ۲- شرایط بحرانی
Tight weave	حمله پیچشی؛ در این تمرین بازیکنان (سه یا پنج نفر) در خط عرضی زمین قرار می‌گیرند. بازیگری که در وسط است توپ را به نزدیک‌ترین هم تیمی پاس داده سپس از پشت او حرکت برش را انجام می‌دهد. این فرایند برای انجام شوت سه گام تا سبب ادامه یافته و با سازماندهی مجدد و "سرعت - پیچش - پاس" برای انجام سه گام تا انتهای مخالف زمین ادامه می‌یابد
Tilt	۱- کج شدن، مایل شدن ۲- خم کردن، خم شدن، متمایل شدن به جلو ۳- حمله کردن (بدون نتیجه)
Time	۱- وقت، زمان، گاه، فرصت، مجال ۲- زمان بندی کردن ۳- تنظیم کردن، همزمان کردن، هماهنگ کردن
Time allotted	دوره معین (برای یک تمرین)
Time consuming tactics	تاکتیک‌های تأخیری بازی
Time in	ادامه بازی پس از توقف
Timekeeper	داور وقت نگهدار
Timekeeping	اندازه‌گیری زمان بازی
Time limit	محدودیت زمانی
Time limit for free throw	محدودیت زمانی برای پرتاب آزاد
Time of nick	لحظه‌ی تعیین کننده
Time out act	اجرای نمایش کوتاه در خلال زمان استراحت یا تایم اوت
Time out watch	ساعت مخصوص برای احتساب مدت زمان اوت
Timepiece	ساعت
Timer (sl. Am.) Timekeeper(Eng.)	داور وقت نگهدار
Time your pass	همزمان بودن پرتاب توپ با حرکت بازیکن هم تیمی که به او پاس داده می‌شود.
Timing	۱- هماهنگی، هم‌زمانی حرکات ۲- احساس برای زمان ۳- تقسیم مناسب زمان ۴- هم‌زمانی حرکات حمله که الگوی هماهنگ در حمله را تعیین می‌کند.
Timing for the tip	هماهنگی زمانی حرکات که نتیجه آن انداختن توپ داخل حلقه بمشکل ص‌حیح با سرانگشتان از توپ برگشتی از تخته یا حلقه
Actual playing time	زمان واقعی بازی
Against time	تایم‌گیری، رکوردگیری
Charged time out	درخواست وقت استراحت یا تایم اوت در بازی
Dead time	زمان بازی که ساعت بازی متوقف شده باشد
Garbage time	۱- تلف کردن زمان بازی ۲- پایان بازی با اختلاف امتیاز زیاد به نفع یک تیم

Grant a time out	تایم اوت دادن
Halftime	یک نیمه‌ی بازی، یک فاصله پس از نیمه اول بازی، نیمه نخست
Halftime result	نتیجه بازی در نیمه اول
Kill time	وقت کشی کردن (با حفظ توپ)
Learning time	زمان مطالعه، زمان انجام تکلیف، زمان تمرین
Overtime	وقت اضافی در بازی بعد از اینکه بازی با نتیجه مساوی پایان می‌یابد (۵ دقیقه طول می‌کشد)
Playing time	زمان واقعی بازی (بدون در نظر گرفتن زمانی که ساعت بازی متوقف شده باشد)
Understand time	داشتن احساس به زمان، هماهنگی زمانی
Tip	۱- نشانه، نشان، اشاره ۲- لمس کردن، ضربه زدن با نوک انگشتان ۳- پرتاب توپ با سر انگشتان به داخل حلقه از توپ برگشتی از حلقه یا تخته یا از توپ ریپاند ۴- نوک انگشت ۵- ضربه‌ی آهسته به توپ
Tip a pass	پاس دادن با ضربه ملایم سر انگشتان دست
Tip – in	پرتاب توپ با سر انگشتان به داخل حلقه از توپ برگشتی از حلقه یا تخته یا از توپ ریپاند
Tip – in dunk	اسپک کردن توپ داخل حلقه از توپ ریپاند
Tip – in shot	پرتاب توپ با سر انگشتان به داخل حلقه از توپ برگشتی از حلقه یا تخته یا از توپ ریپاند
Tip – off	زدن توپ در حرکت جمبال
Tip off time	شروع بازی (لحظه‌ای که توپ جمبال زده می‌شود)
Tip pass	پس‌والیالی، پاس توپ با ضربه‌ی آهسته با نوک انگشتان
Tipper	بازیکنی که توپ برگشتی یا توپ ریپاند از تخته را با سر انگشتان به داخل حلقه می‌اندازد
Tip shot	کسب امتیاز با ضربه زدن توپ با نوک انگشتان
Tip slinger	شخصی که اطلاعات بازی آینده را می‌فروشد
Tip the ball away	با سر انگشتان توپ را دور کردن
tip the ball in	پرتاب توپ با سر انگشتان به داخل حلقه از توپ برگشتی از حلقه یا تخته یا از توپ ریپاند
Tip – topper	بلندترین درجه، عالی رتبه‌ترین، اوج
Tip up the rebound	پرتاب توپ با سر انگشتان به داخل حلقه از توپ برگشتی از حلقه یا تخته یا از توپ ریپاند
Tire	از پا درآوردن، خسته کردن
Tired dogs	پاهای خسته و پر درد
Tiredness	خستگی
Tiring	خسته کننده
Titans	نام تیم بسکتبال دانشگاه دیترویت در دیترویت که در کنفرانس میدوسترن

	کلیجیت بازی می کنند.
Title game	بازی پایانی، بازی فینال
Title go (also: -scrumble )	بازی پایانی
Title	قهرمان، پهلوان
Title threats	رقبای جدی برای قهرمانی
Titlist	قهرمان، پهلوان
To	۱- به سوی، به طرف ۲- روبرو ۳- نسبت به
Toe	انگشت پا
Toe taps	دویدن روی انگشت پا
Toe touch	تمرین کششی؛ خم شدن به طرف پایین و لمس کردن انگشتان پا
Together	با، با هم، با یکدیگر
Togetherness	شراکت، انجمن، پیوند
To have cold feet	بیم داشتن، ترسیدن
Tomahawk dunk	اسپک کردن توپ داخل حلقه همراه با پرش جفت با یک حرکت شدید که از یک نوع ضربه زدن با تبر سُرُخ پوسلک آمریکایی تقلید می شود
Tom thumb	بازیکن کوتاه
Tonnage	سنگ وزنه، چیز سنگین، وزن
Tonsil player	۱- بازیکنی که مهارت هایش را به رخ می کشد . ۲- بازیکنی که بیشتر از بازی کردن، صحبت می کند.
Too far under	درست زیر حلقه
Tool	ابزار، وسیله
Too precious for words	عالی
Too quick whistle	سریع در سوت دمیدن
Top	۱- نوک، فرق، سر، رأس، اوج ۲- بالاتر از پُست بالا در زمین بازی ۳- پیش تر بودن از، پیش افتادن از
Top defender(also:- guard)	جایگیری بازیکن مدافع در رأس دایره ی پرتاب آزاد در آرایش پشت سر هم قرار گرفتن دو مدافع در حالت اولیه بازی دفاعی
Top drawer secret	راز مهم
Top – hat	متکبر
Topical cold spray	اسپری موضعی
Topnotch	بهترین، اعلی
Top of circle	رأس دایره ی پرتاب آزاد
Top of defensive	رأس دفاع نقطه دفاعی که نزدیک تر به خط مرکزی باشد
Top – of – the head shot	پرتاب توپ از بالای سر (همراه با نگه داشتن توپ روی سر)
Top of the key	رأس دایره ی پرتاب آزاد
Top of the screen	بازیکنی که ایجاد سد می کند (اسکرین یا پیک)

Topper	برنده بازی، فاتح، پیروز
Top scorer	بازیکنی که بیشترین امتیاز را در بازی کسب می کند
Top seed	رده بندی تیم ها بر حسب مهارت و قدرت
Top shape	شرایط خوب، تو فرم
Top speed	حداکثر سرعت، سرعت نهایی
Top ten	۱- ده بازیکن برتر (از یک باشگاه، از یک لیگ، از یک کشور) ۲- ده تیم برتر (از یک کشور، از یک قاره)
Top the card	به دست آوردن بهترین نتایج در داده های آماری بازی
Top the list	اول شدن، به دست آوردن بهترین نتیجه
Torso	پیکره، نیم تنه
To see and to listen	دیدن و گوش دادن (یکی از اصول رفتار بازیکن)
Toss	۱- بالا انداختن، پرت کردن، انداختن ۲- شیر و خط کردن یا بالا انداختن سکه
Toss back	ریباند کردن توپ از حلقه یا تخته (یا از دستگاه Toss back)
Toss back drill	تمرین گرفتن توپ برگشتی از تخته یا حلقه، تمرین گرفتن توپ برگشتی (یا از دستگاه Toss back)
Toss back rebound machine	دستگاه Toss back
Tosser	پرتاب توپ به طرف بالا به عنوان جرمال توسط داور
Toss out	بالا انداختن توپ
Toss the ball	پرتاب توپ به سمت بالا، پرتاب توپ به طور عمودی (در جرمال)
Tossup	۱- پرتاب توپ به سمت بالا توسط داور (جرمال) ۲- بازی نزدیک یا بسته
To stand pat	از تغییر عقیده طرورش خوداری کردن
To stand pat on the defense	به کارگیری فقط یک الگوی دفاعی، از روی لجاجت
Total	کلی، کل، کامل
To the basket	در مسیر حلقه، به طرف حلقه
Touch	۱- دست زدن، لمس کردن ۲- آهسته ضربه زدن ۳- رسیدن به ۴- تماس آهسته ۵- تماس، ارتباط
Touch – foul play	بازی با به کارگیری غیر قانونی از دست ها به منظور چک کردن موقعیت حریف
Touch – off	ضربه آهسته به توپ زدن
Touch the backboard	لمس کردن تخته بسکتبال با دست (در خلال تمرین یا هنگام گرم کردن)
Touch the ball	گرفتن یا زدن توپ به زمین جهت به دست آوردن احساس نسبت به آن
Touch the basket	لمس کردن حلقه بسکتبال
Tough	قوی، سخت، سرسخت، محکم، خشن
Tough assignment	بازی سخت، مسابقه سخت
Tough competitor	بازیکن محکم، حریف سرسخت
Tough customer	حریف قوی
Tough defense	دفاع شکست ناپذیر، محکم

Tough going	بازی سخت
Toughie	۱- بازیکن خشن ۲- بازی مشکل برای برنده شدن
Tough in the paint	بازی سخت در منطقه کلید، بازی سخت زیر حلقه
Tough it out	تحمل شرایط نامساعد و سخت بازی
Tough luck	بدبختی، فلاکت، روز بد
Tough play	بازی سخت، مشکل
Tough pressure	فشار سخت، فشار شدید
Tough proposition	حریف خوب، قوی
Tough stuff	سختی
Tough time	لحظه‌های سخت و مشکل بازی
“Tourist delight “	۱- تمرین سریع بالا رفتن از پله‌ها و در پی آن یک بار دور جایگاه سرپوشیده تماشاچیان در سالن بسکتبال دویدن ۲- هفده مرتبه دویدن عرض زمین بازی در یک دقیقه دویدن؛ این تمرینات توسط مربی دانشگاه نیومکسیکو آقای گری گلسون ابداع شده
Tournament	یک دوره مسابقه
Tow	۱- کشیدن ۲- به دنبال کشیدن ۳- مدافع حریف را دنبال خود کشیدن
Toward (also: Towards)	۱- به سوی، به طرف، در مسیر ۲- نسبت به، درباره، راجع به
Toward the ball	۱- در مسیر توپ، به طرف، به سوی توپ ۲- قرار گرفتن در جلوی توپ
Town league	مسابقه دوره‌ای بین تیم‌های یک شهر
Town sites	تماشاگران محلی
Track	پیدا کردن، با طناب کشیدن، رد(اثر)، زمین بازی‌های میدانی، ایز راه، اثار، مسیر طی شده، ردیابی کردن، تعقیب مسیر کردن، تعقیب کردن، شیار، لبه، باریکه، پیگیری کردن، رد پا، اثر، خط آهن، جاده، راه، نشان، مسابقه دویدن، تسلسل، توالی، رد پا را گرفتن، پی کردن، دنبال کردن
Trade	۱- معامله کردن، مبادله کردن، تجارت ۲- تغییر پوشش حریف ۳- انتقال بازیکنان میان باشگاه‌ها ۴- ورزش حرفه‌ای
Trading	جابجا شدن بازیکنانی که از حریفان دفاع می‌کنند
Traffic	۱- حرکت مردم و وسایل نقلیه، ترافیک ۲- حرکت بازیکنان، تجمع بازیکنان مدافع (در دفاع منطقه‌ای یا در منطقه زیر حلقه)
Trail	۱- دنبال کردن، دنبال کردن حریف ۲- از لحاظ امتیازات پشت سر حریف بودن
Trailer	۱- بازیکنی که حریف را دنبال می‌کند ۲- بازیکن مهاجمی که در ضد حمله هم‌تیمی‌هایش را دنبال و حمایت می‌کند (به طور معمول چهارمین بازیکن) او دست کم شش قدم پشت سر هم تیمی مالک توپ و نزدیک به حلقه حرکت می‌کند و در کنار بازیکن مالک توپ قرار می‌گیرد و آماده پرتاب از فاصله ۵ متری یا گرفتن توپ ریاند می‌باشد
Trailer play	حضور فعال بازیکن مهاجمی که در ضد حمله هم‌تیمی‌هایش را دنبال و حمایت می‌کند

Trailing foot	پای عقب هنگام ایستادن به شکل باز با یک پا جلو و یک پا در عقب
Trailing leg	پای عقب هنگام ایستادن به شکل باز با یک پا جلو و یک پا در عقب
Trailing manoeuvre	حرکت دنبال کردن هم تیمی که با توپ یا بدون آن برش می کند
Trailing opponent	جبران امتیازات از دست رفته توسط تیم حریف
Train	تیمی که یکی بعد از دیگری مسابقات را می برد
Trained to the minute	تو فرم بودن، خوب آماده شدن برای یک رویداد یا مسابقه
Trainer	مربی
Training	۱- تمرین، تعلیم ۲- کار آموزی
Training aids	وسایل کمک آموزشی
Training camp	کمپ بسکتبال، اردوی آمادگی بسکتبال
Training grind	برنامه یک جلسه تمرین، تمرین آمادگی
Training load	بار تمرین، برنامه تمرین
Training room	۱- اتاق مربی ۲- اتاق سرپرست پزشکی تیم
Training rules	قواعد تمرین
Trait	ویژگی، نشان اختصاصی، نشان ویژه
Trajectory	منحنی مسیر توپ پرتاب شده به طرف هم تیمی یا به طرف حلقه
Transfer	۱- انتقال دادن ۲- منتقل کردن ۳- انتقال بازیکن
Transfer of weight	انتقال وزن بدن (از روی یک پا به پای دیگر)
Transfer the ball	انتقال توپ، جابجا کردن توپ، پرتاب توپ به طرف هم تیمی در سمت دیگر زمین، پاس بلند به سمت دیگر زمین
Transgressor	۱- خطا کار، متخلف ۲- بازیکن خاطی
Transition	۱- تغییر از یک حالت به حالت دیگر ۲- انتقال بازی از حمله به دفاع یا بالعکس
Transition drill	تمرین انتقال سریع از حمله به دفاع؛ دویدن از خط پرتاب آزاد به طرف خط عرضی و برگشت به طرف مکان اول
Transition game	انتقال بازی از حمله به دفاع یا بالعکس
Transition offense	حمله پس از به دست آوردن توپ در دفاع
Transplant	۱- پیوند ۲- انتقال بازیکن
Trap	تله، دام، ایجاد تله برای حریف
Trap a passer	ایجاد تله علیه بازیکنی که قصد پرتاب توپ به طرف هم تیمی اش را داشته باشد
Trapezoidal box defense	دفاع منطقه ای ۲-۲ در آرایش دوزنقه ای (و پنجمین بازیکن به صورت ثابت از یک بازیکن حریف دفاع می کند)
Trap out	ایجاد تله کردن، به دام انداختن حریف در تله
Trapper	بازیکنی که ایجاد تله می کند.
Trapping angles	زاویه های مناسب برای ایجاد تله
Trapping defense	دفاعی که تله ها را به کار می گیرد
Trapping press	دفاع پرس همراه با ایجاد تله ها

Trapping procedures	شیوه‌های تله گذاری
Trapping the ball	به تله انداختن حریف مالک توپ
Trapping zone defense	دفاع منطقه ای که تله ها را بکار می گیرد
Break through the trap	آزاد کردن خود از تله، رها شدن از تله
Half court trap	ایجاد تله در خط مرکزی به قصد نگه داشتن حریف مالک توپ در آنجا و اجازه ترک نیمه زمین خودش را برای ۸ ثانیه به او ندادن، یا او را وادار به پاس بی هدف و بد کردن
Lure a trap	به دام انداختن
Splitting the trap	خنثی کردن ایجاد تله حریفان با پاس دادن به هم تیمی
Spring a trap	ایجاد تله بدون معطلی و سریع
Three – quarter zone trap	دفاع منطقه‌ای در سه چهارم زمین بازی با ایجاد تله برای حریف مالک توپ
Trash	سبد، حلقه
Trash drill	تمرین ریاند حمله بازیکن سنتر؛ مربی توپ را به تخته می زند سپس سنتر با روپوو شدن به تخته توپ را ریاند و آن را به طرف حلقه پرتاب می کند ، مربی بلافاصله توپ دوم را به تخته زده و دوباره سنتر با ریاند کردن توپ را به طرف حلقه پرتاب می کند، این تمرین با دو توپ و حداکثر در ۳ دقیقه اجرا می شود
Travel	۱- رفتن از مکانی به مکان دیگر، سفر کردن ۲- تخلف رانینگ یا گام‌های اضافه
Traveling	تخلف رانینگ یا گام‌های اضافه
Traveling violation	تخلف رانینگ یا گام‌های اضافه
Travel procedure	روش ، شیوه یا اصول حرکات با توپ
Trend	تمایل، روند، مسیر حرکت، گرایش
Trey	پرتاب سه امتیازی
Trial	امتحان، کوشش، آزمون
Trial match	بازی تمرینی بین دو تیم، بازی تدارکاتی
Triangle	مثلث، سه گوش، سه بر
Triangle and two	الگوی پوشش ترکیبی؛ سه بازیکن دفاع در آرایش منطقه‌ای ۱-۲ (به شکل مثلث) و دو بازیکن دیگر دفاع یارگیری را بکار می گیرند
Triangle and two combination defense	دفاع پوششی ترکیبی؛ دو بازیکن مدافع علیه دو تا از بهترین مهاجمان حریف دفاع یارگیری (من تو من) و سه بازیکن دیگر دفاع منطقه ای مثلثی را تشکیل می دهند (یک بازیکن در رأس نیم دایره پرتاب آزاد و دو بازیکن دیگر در پا یخین و در دو طرف منطقه دوزنقه قرار می گیرند). نوع دیگر دفاع ؛ ۱- سه بازیکن در جلوی دفاع یارگیری (من تو من )، دو تا در عقب دفاع منطقه ای، دفاع انجام می دهند ۲- یا بلعکس جلوی دفاع منطقه‌ای بازی و عقب دفاع یارگیری (من تو من)
Triangle approach at the fast break	شرایط ضد حمله به شکل مثلث با سه بازیکن حمله علیه دو مدافع که یکی از مهاجمان در خط پرتاب آزاد و دو تا دیگر در دو طرف موقعیت پایین نزدیک حلقه قرار می گیرند

Triangle defending position	موقعیت بازیکن مدافع داخل یک مثلث که یک ضلع آن را حریفی که توسط او دفاع می‌شود، یک ضلع حریف مالک توپ (هر دوی آنها باید در میدان دید این مدافع باشند) و ضلع دیگر حلقه بسکتبال می‌باشد
Triangle rebound position	آرایش سه بازیکن (از یک تیم) برای گرفتن توپ ریباوند
Triangular	سه گوشه، مثلثی
Triangular rebound coverage	آرایش سه بازیکن (از یک تیم) برای گرفتن توپ ریباوند
Triangular rebounding	گرفتن توپ ریباوند توسط یکی از بازیکنانی (از یک تیم) که در آرایش مثلثی ریباوند شرکت کرده‌اند
Triangular rebound position	آرایش سه بازیکن (از یک تیم) برای گرفتن توپ ریباوند
Triangular zone	آرایش دفاع منطقه‌ای ۱-۲ (علیه ضد حمله و برتری حمله ۴ علیه ۳)
Tribe	(تبار، قبیله، طایفه) تیم
Triceps	ماهیچه سه سر، عضله سه سر
Trickery	گول زنی، حيله گری، نیرنگ
Trick knee	زانو و یا هر مفصلی که به‌صاحتی جابجا شوند، زانو و یا هر مفصل موفنگی
Trick pass	پاس فریب، پاس همراه با گول
Tricky	۱- حيله گر، با مهارت ۲- موذی
Trifle	چیز جزئی، ناچیز، ناقابل، کم بهاء
Trigger	۱- ماشه، ماشه‌ی اسلحه ۲- شروع کردن حمله یا حرکتی
Trigger an action	شروع کردن یک حرکت، شروع کردن بازی، شروع کردن یک حرکت در خلال بازی
Trigger man	بازیکنی که بازی و یا یک حرکت را شروع می‌کند.
Trim	گول زدن، فریب دادن
Trimmed	شکست، باخت
Trim the poundage	کاهش دادن وزن، کم کردن وزن
Trip	۱- لغزیدن، سکندری خوردن ۲- پشت پا زدن، با خطا تعادل حریف را بهم زدن
Trip an opponent	پشت پا زدن، با خطا تعادل حریف را بهم زدن
Triple	سه برابر، سه گانه، سه جزئی
Triple center screen	به کارگیری سه ایجاد سد (اسکرین) برای آزاد کردن بازیکن سنتر
Triple cross	بازی که با همگویی سه بازیکن حمله کننده انجام می‌گیرد. وقتی که توپ دست یکی از حمله کنندگان می‌باشد، دو نفر دیگر به‌طور ضربدری در دو جهت مخالف یکدیگر از کنار بازیکن مالک توپ به‌طرف حلقه مقابل حرکت می‌کنند و این حرکت به منظور گمراه کردن تیم دفاعی بسیار مؤثر است
Triple medium post zone offense	حمله با سه بازیکن سنتر از یک آرایش اولیه ۲-۱-۲ علیه دفاع منطقه ای؛ دو بازیکن سنتر در موقعیت میانی، بازیکن شماره ۱ در شروع از پشت خط پرتاب آزاد به‌عنوان سومین سنتر به‌طرف موقعیت پایین برش می‌کند
Triple post offense	حمله با سه بازیکن سنتر



Triple post with a post to the corner	حمله با سه بازیکن سنتر که یکی از آنها در منطقه‌ی گوشه قرار می‌گیرد
Triple post with a post to the wing	حمله با سه بازیکن سنتر که یکی از آنها در منطقه‌ی بال قرار می‌گیرد
Triple screen	سه ایجاد سد (اسکرین) نزدیک به یکدیگر
Triple threat position	تهدید سه گانه (موقعیت بازیکن مالک توپ که امکان سه حرکت مختلف علیه دفاع دارد مثل: پاس، شوت یا دریبل)
Tripping	پشت پا زدن، با خطا تعادل حریف را بهم زدن
Trojans	۱- لام تیم بسکتبال دانشگاه آلکانزاس در لیتل راک در کفرانس سان بلت بازی می‌کنند ۲- نام تیم بسکتبال دانشگاه کالیفرنیا جنوبی در لوس آنجلس که در کفرانس پاسیفیک بازی می‌کنند.
Trotting	کند دویدن (کمی سریعتر از قدم زدن) یورتمه
Trouble	آزار، اذیت، مزاحمت، زحمت دادن، آشفتن
Troublemaker	مزاحم، موجد زحمت و درد سر
Troublesome	پر زحمت، رنج آور، سخت
Trumped	شکست، باخت
Trunk	تنه، بدن به استثنای سر، بازوها و پاها، نیم‌تنه
Try	۱- تلاش کردن، کوشش کردن، آزمایش، آزمون ۲- رقابت، مسابقه
Try for field goal	تلاش برای شوت از یک حرکت یا الگو در زمین بازی
Try for free throw	تلاش برای اجرای پرتاب آزاد از پشت خط پرتاب آزاد
Tryout(Am.)= Try out (Eng.)	۱- آزمون، آزمایش ۲- کشمکش ۳- تمرین
Try – out	آزمون برای بازیکنان تازه وارد
Tryout camp	کمپی برای آزمایش کردن مهارت‌های نامزدهای تیم
Tryoutees	آزمایش کردن نامزدهای تیم قبل از استخدام
T – shirt	۱- زیرپیراهن با آستین‌های کوتاه ۲- زیر پیراهنی مردانه، پیراهن بدون یقه
Tuck	۱- روی هم کشیدن ۲- غلتاندن یا تا شدن ۳- در آغوش گرفتن، به چنگ آوردن ۴- حفظ کردن، پناه دادن
Tuck the ball	گرفتن توپ (با دست‌های چسبیده)
Tuck the legs	خم کردن زانوها برای یک جهش بهتر
Tumbleset	شیرجه، معلق، پشتک
Tummy	شکم، بطن
Tune in	میزان کردن، گوش کردن و پیروی کردن از دستورات رهبر در زمین بازی
Tuner – upper	تمرین
Tune – up	تمرین
tune up	۱- تمرین کردن، ممارست کردن، ورزش کردن ۲- گرم کردن ۳- تو فرم بودن، آمادگی بدنی مناسبی داشتن
Tungle	بازی، مسابقه
Turkey	بازیکنی که به‌واحتمی می‌گریزد

Turn	چرخش ، گردش ، تغییر جهت، برگرداندن ، چرخاندن، گشتن، چرخیدن، گرداندن، وارونه کردن
Turn – and – double	چرخیدن و حریف را دبل تیم کردن (دفاع از حریف مالک توپ توسط دو مدافع )
Turn – and – double man- to – man defense	دفاع درگیرانه یارگیری روی حریف مالک توپ همراه با خارج کردن او از محدوده حلقه و اجرای دبل تیم بر روی او
Turn and face	بازیکن حمله از حالت پشت به حلقه به طرف آن می چرخد (اگر در این زمان حریف مدافع آن گول بخورد موقعیت شوت نزدیک به حلقه بوجود می آید)
Turn – and – pivot movement	حرکت چرخش (روی پای محور یا پای پیوت) حرکت پیوت
Turn – around	۱- چرخش کامل ۳۶۰ درجه ای ۲- چرخش قبل از پرتاب توپ به طرف حلقه مطابق زیر؛ یک قدم جلو، یک چرخش رو به تخته ی حلقه و اجرای شوت جفت
Turn – around jumper	۱- بازیکنی که بعد از یک چرخش شوت جفت انجام می دهد ۲- شوت جفت به طرف حلقه بعد از اینکه بازیکن با پشت به حلقه یک پرش انجام می دهد و همراه با این حرکت با یک چرخش رو در روی حلقه قرار می گیرد و اقدام به شوت می کند
Turn – around one – hand jump shot	شوت جفت یک دست همراه با چرخش
Turnaround shot	پرتاب شوت جفت به طرف حلقه همراه با چرخش
Turnaround two – hand jump shot	پرتاب شوت جفت با دو دست به طرف حلقه همراه با چرخش
Turn chicken	خود را باختن، متانت خود را از دست دادن، دست پاچه شدن
Turn in a swell performance	خوب بازی کردن
Turning point	لحظه ی تغییر مهم (در بازی)
Turnips	ضروری، واجب، اصلی
Turn loose on	سرزنش کردن، توبیخ کردن
Turn on the big guns	بازی بسیار خوب
Turn on the heat	سفت و محکم بازی کؤدن، به سختی کوشش کردن
Turn on the power	بالا بردن سرعت بازی
Turn on the steam	محکم پرتاب کردن
Turn on the steam and put the game on ice	بازی سخت برای برنده شدن مسابقه
Turnout	۱- تعداد تماشاچیان ۲- نتیجه
Turnover	از دست دادن توپ، اشتباهاتی که باعث از دست دادن توپ توسط تیم حمله کننده شده و باعث انتقال بازی از حمله به دفاع می گردد
Turnover chart	ثبت آماری توپهایی که گل نشده
Turn pro	بازیکن حرفه ای شدن
Turn sharply	بمحطور ناگهانی و مشخص تغییر مسیر دادن
Turnstiler	هوادار ثابت قدم
Turn the ball over	از دست دادن توپ

Turn the corner	شروع به اصلاح کردن
Turnup	ورود، دخول
Ankle turn	پیچ خوردن استخوان مچ پا
Body turn	چرخش بدن (یا تنه)
Front turn	چرخشی که باعث شود در انتها، رو در روی حلقه قرار بگیریم
Half turn	نیم چرخش، چرخش ۱۸۰ درجه‌ای
Inside turn	۱- چرخش به طرف منطقه‌ی نزدیک حلقه ۲- چرخش به طرف حلقه ۳- چرخش روی پای نزدیک‌تر به حلقه
Jump turn	پرش همراه با چرخش
Jump turn shot	پرتاب شوت جفت به طرف حلقه همراه با چرخش
Loop turn	تغییر مسیر در امتداد خطوط حرف U
Outside turn	چرخش روی پای دورتر از حلقه
Quick stop and turn	چرخش روی یکی از پاها بعد از متوقف شدن روی پاها در یک زمان
Rear turn	چرخش به پشت
Reverse turn	چرخش ۱۸۰ درجه‌ای همزمان روی هر دو پا بعد از متوقف شدن روی پاها یکی بعد از دیگری
Tussle	۱- کشمکش، تقلا، تقلا کردن ۲- مسابقه، رقابت
Tussler	بازیکن مسابقه
20 defense : pressure man – to – man	دفاع یارگیری همراه با پرس در نیمی از زمین بازی
twenty four seconds clock	ساعت ۲۴ ثانیه
twenty one	۱- بازی‌ای که با حرکت بازیکن حمله از خط پرتاب آزاد به زیر سبد شروع می‌شود ۲- تمرین پرتاب به وسیله‌ی دو بازیکن به شکل رقابت از خط پرتاب آزاد؛ برای هر پرتاب موفق یک امتیاز، و برای هر پرتاب از توپ برگشتی نیز یک امتیاز در نظر گرفته می‌شود، برنده بازی بازیکنی است که زودتر به امتیاز ۲۱ برسد.
22 spread delay	چهار گوشه‌ی (نیمه زمین حمله) بازی تاخیری
twine	نخ نازک، ریسمان چند لایه
twines	تور حلقه بسکتبال
twist	۱- چرخیدن، تغییر موقعیت یا مسیر دادن ۲- شکسته شدن ۳- نخ یا ریسمان تابیده ۴- پیچ و تاب دادن به توپ
twister	۱- شوت جفت همراه با چرخش در هوا ۲- تمرین؛ دست‌ها روی ران‌ها قرار می‌گیرد، پاها ثابت و بالا تنه به صورت متناوب به طرف راست و چپ حرکت داده می‌شود
twisting jump shot	شوت جفت همراه با چرخش در هوا
twisting jump shot	شوت جفت همراه با چرخش در هوا
twisting lay – up shot	شوت سه گام همراه با چرخش

twisting off – balance position	عدم تعادل در هنگام چرخش
twisting underhand lay – up	شوت سه گام از پایین همراه با چرخش
two and two	آرایش چهار گوش
two against two	تمرین دو بازیکن علیه دو تای دیگر
two – arm sidarm pass	پاس دو دست از کنار بدن
two ball dribble drill	تمرین دربیبل با دو توپ در یک زمان
two – count	متوقف شدن بر روی پاها یکی بعد از دیگری
two – count rhythm	متوقف شدن بر روی پاها یکی بعد از دیگری
twofold	دو قسمتی، دو گانه، دو برابر
two foot bench jumping	تمرین پرش جفت از روی یک نیمکت کوتاه
two foot jump stop	فرور آمدن از یک پرش روی دو پا در یک زمان با پاهای موازی یکدیگر (این حالت به بازیکن اجازه می دهد که از هر پای برای پیوت استفاده کند)
two foot vertical backboard jumping	تمرین پرش جفت به طرف حلقه و با قدرت توپ را به تخته زدن
two free throws	دو پرتاب آزاد به خاطر مرتکب شدن خطا در هنگام شوت روی بازیکن حریف
two – hand= Two-handed	با دو دست
two – hand backward underhand pass	پرتاب توپ به عقب به طرف هم تیمی با دو دست از پایین
two – hand bounce pass	پاس زمینی با دو دست
two – hand chest free throw	پرتاب آزاد با دو دست از جلوی سینه
two – hand chest pass	پرتاب توپ به طرف هم تیمی با دو دست از جلوی سینه
two – hand chest shot	پرتاب توپ به طرف حلقه با دو دست از جلوی سینه
two – hand close pass	پرتاب توپ با دو دست به طرف هم تیمی که در موقعیت نزدیک قرار دارد
two – hand dribble	دربیبل کردن توپ با دو دست
two – handed	با دو دست
two – handed overhead shot	پرتاب توپ به طرف حلقه با دو دست از روی سر
two – handed push shot	پرتاب توپ به طرف حلقه با دو دست همراه با هل دادن توپ
two -handed set for over head	پرتاب توپ به طرف حلقه از یک موقعیت ثابت با دو دست از روی سر همراه با تاب دادن به توپ
two – handed set shot	پرتاب توپ با دو دست به طرف حلقه در یک موقعیت ثابت
two handed set shot from chest	پرتاب توپ با دو دست به طرف حلقه در یک موقعیت ثابت از جلوی سینه
two – handed stuff shot	اسپک کردن توپ داخل حلقه با دو دست
two – hander	پرتاب توپ با دو دست به طرف حلقه
two – hand flip pass	پاس برگشتی، به سرعت دست به دست کردن توپ در زمانیکه هم تیمی از کنار شما برش می کند
two – hand jump shot	شوت جفت لبه و دست
two – hand outlet pass	پاس با دو دست در شروع ضد حمله
two -hand overhand free throw	پرتاب آزاد با دو دست از بالای شانه ها

two -hand overhead free throw	پرتاب آزاد با دو دست از بالای سر
two -hand overhead jump shot	شوت جفت با دو دست از بالای سر
two -hand overhead lay - up shot	پرتاب سه گام به طرف حلقه با دو دست از بالای سر
two – hand overhead pass	پرتاب توپ به طرف هم تیمی با دو دست از روی سر
two – hand overhead set shot	پرتاب توپ به طرف حلقه با دو دست از روی سر در یک موقعیت ثابت
two – hand overhead shot	پرتاب توپ به طرف حلقه با دو دست از روی سر
two hand overhead skip pass	پرتاب بلند توپ با دو دست از روی سر به طرف بازیکن هم تیمی در سمت مخالف زمین
two – hand overhead snap pass	پرتاب ناگهانی توپ به طرف بازیکن هم تیمی با دو دست از روی سر
two – hand over- the head set shot	پرتاب توپ به طرف هم تیمی با دو دست از روی شانه
two – hand pass	پرتاب توپ به طرف هم تیمی با دو دست
two – hand pump shot	پرتاب توپ به طرف حلقه با دو دست بعد از وانمود کردن به شوت جفت
two – hand push	هل دادن توپ با دو دست
two – hand push pass	پرتاب توپ به طرف هم تیمی با دو دست همراه با هل دادن به توپ
two – hand push shot	پرتاب توپ به طرف حلقه با دو دست همراه با کمی هل دادن به آن
two – hand rebound	گرفتن توپ برگشتی (ریباند) از حلقه یا از تخته با دو دست
two – hand retrieval	بازپس گرفتن توپ با دو دست
two – hand set shot	پرتاب توپ به طرف حلقه با دو دست از موقعیت ثابت
two – hand shot	پرتاب توپ به طرف حلقه با دو دست
two – hand underhand driving – in shot	پرتاب توپ به طرف حلقه با دو دست از پایین بعد از نفوذ قوی به طرف حلقه
two – hand underhand free throw	پرتاب آزاد با دو دست از پایین
two – hand underhand lay – up shot	پرتاب سه گام توپ به طرف حلقه با دو دست از پایین
two – hand underhand pass	پرتاب توپ به طرف هم تیمی با دو دست از زیر
two – hand underhand pass from hip	پرتاب توپی که در سمت ران پا نگه داشته شده به طرف هم تیمی با دو دست
two – hand underhand shot	پرتاب توپ به طرف حلقه با دو دست از پایین
two – hand underhand sweep shot	پرتاب پیچشی توپ به طرف حلقه با دو دست از زیر
two man option	نوعی بازی که الگو و طرح آن بر اساس حرکات دو بازیکن مهاجم طراحی شده است
two man pattern	حرکت از پیش تعیین شده دو بازیکن
two – man press	فشار علیه دو بازیکن حریف
two – man set and three – man shifting defense	آرایش دفاعی که دو بازیکن در موقعیت ثابت دفاع می کنند و سه بازیکن به منظور تغییر موقعیت شان در حال حرکت می باشند
two – men play	الگوی تهاجمی دو هم تیمی با توپ
two – o'clock player	بازیکنی که در هنگام تمرین خوب بازی می کند ولی در مسابقه بسیار ضعیف است
two – one – two	آرایش دفاع منطقه ای ۲-۱-۲

two – one – two free lance offense	حمله فی البداهه از آرایش اولیه ۲-۱-۲
two – one – two zone defense	دفاع منطقه‌ای در آرایش ۲-۱-۲
Two – on – one	بازی دو علیه یک
Two – on – one situation	شرایط بازی دو بازیکن علیه یک
Two – on – two	بازی دو علیه دو
Two – one – two outside screen	ایجاد سد (اسکرین) در منطقه‌ی پیرامونی در بازی دو علیه دو
Two outside and three inside	آرایش حمله با دو بازیکن خارج از قسمت بالای منطقه ی کلید و سه بازیکن دیگر در موقعیت پایین (فورواردها در حدود ۶ متری حلقه در کناره‌ها قرار دارند)
Two – out three – in zone defense	دفاع منطقه‌ای ۲-۳ که مؤثرترین آرایش دفاعی محسوب می‌شود
Two pivot feet	امکان استفاده از هر دو پا برای پیوت بعد از متوقف شدن بر روی هر دو پا در یک زمان و به صورت موازی
Two step stop	متوقف شدن بر روی پاها یکی بعد از دیگری
Two – three corner offense	آرایش حمله ۲-۳ با حمله بمطور پیوسته از گوشه‌های زمین
Two – three free lance offense	حمله فی البداهه از آرایش اولیه ۲-۳
Two – three offense	شروع حمله با آرایش ۲-۳
Two – three zone aggressive defense with traps ( using double teaming )	دفاع منطقه‌ای فعال و درگیرانه با آرایش ۲-۳ همراه با ایجاد تله و دبل تیم
Two – three zone defense	آرایش دفاع منطقه‌ای ۲-۳
Two – three zone offense	حمله علیه دفاع منطقه‌ای با آرایش ۲-۳
Two – time	دفاع کردن از یک بازیکن مهاجم توسط دو مدافع (دبل تیم)
Two – timing	دفاع کردن از یک بازیکن مهاجم توسط دو مدافع (دبل تیم)
Two – tow – one zone defense	آرایش دفاع منطقه‌ای ۲-۲-۱
Two – tow – one zone press ( full court or three quarter )	دفاع منطقه‌ای همراه با فشار در آرایش ۲-۲-۱ (در سرتاسر زمین یا در سه چهارم آن)
Type	۱- نوع، گونه، الگو، معیار ۲- بازیکنی معروف به واسطه شوت ها، پاس ها و حرکات مبتذل اش
Type of shot	نوع پرتاب توپ به طرف حلقه، نوع شوت
T zone defense	دفاع منطقه‌ای با آرایش ۱-۱-۳، سه بازیکن در روی یک خط قبل از حلقه بازیکن چهارم در نیمه دایره بیرونی پرتاب آزاد و بازیکن پنجم در رأس این دایره قرار می‌گیرند

UUUUUUUUUUUUUUUUUUUU	
ultimate	نهایی، حد نهایی، پایانی، مثال: این نتیجه نهایی تورنمنت بود
Ultimately	در نهایت، سرانجام
Ultrasound	نوعی از امواج صوتی (که برای فیزیوتراپی استفاده می شود)
Umbrella	۱- چتر ۲- پوشش با بالا گرفتن دست ها جهت ممانعت از حرکت حریف مالک توپ
Ump	داور دوم و سوم زمین
Umpire	داور دوم و سوم زمین
Unbalance	۱- عدم تعادل، برهم زدن تعادل فرد یا چیزی از ۲- حالت عدم تعادل
Unbalanced	نامتعادل، نامتوازن
Untouched	تعلیم نیافته، آموزش کافی ندیده
Uncock	شل کردن، سست کردن کشش (مچ یا ساعد در هنگام شوت کردن)
Uncoil	۱- و اتابیدن ۲- باز کردن (چفت)
Uncoiling action	مرحله ی دوم پرتاب دو دست از جلو سینه؛ بالا آوردن دست ها برای پرتاب
Uncontested	بلامنازع، بدون رقیب، بدون مقاومت
Uncontested shot	پرتاب توپ بمطرف حلقه بدون مقاومت حریفان
Uncoordinated	ناهماهنگ
Uncoordinated player	بازیکن ناهماهنگ
Uncork	اولین امتیاز بازی را کسب کردن
Uncork a delivery	پرتاب کردن (توپ)
Uncork a surprise party	اجرای حرکت غیرمنتظره، بازی غیر منتظره
Uncovered	بازیکن بدون مدافع
Undependable	بازیکن غیر مسئول، نامطمئن
Under	زیر حلقه، خیلی نزدیک به حلقه
Under a lot of heat	تحت فشار از جانب حریف در وضعیت دشوار
Under – basket button – hook shot	شوت هوک توأم با چرخش در موقعیت نزدیک و پشت به حلقه
Under – basket shot	اجرای شوت در موقعیت نزدیک به حلقه
Underclassman	دانش آموز یا دانشجوی سال اول یا سال دوم دانشکده یا دانشگاه
Underdog	۱- بازنده ۲- باخته
Underestimate	کم اهمیت جلوه دادن، کوچک شمردن، دست کم گرفتن
Underhand	پایین تر از سطح شانه
Underhand free throw shot	پرتاب آزاد با دو دست از پایین
Underhand lay – up shot	شوت سه گام بمطرف حلقه از پایین
Underhand lay – up with a twist	شوت سه گام بمطرف حلقه از زیر با یک چرخش
Underhand pass	پاس دادن به هم تیمی از پائین

Underhand pivot shot	در شرایطی که بازیکن تحت فشار مدافع باشد و توپ را از زیر دست همان مدافع توأم با چرخش به طرف حلقه پرتاب کند
Underhand shot	پرتاب توپ بمطرف حلقه از پایین
Underhand softball pass	پاس بلند از پایین در حالی که توپ زیر شانه قرار داده شده است
Underline	تأکید کردن، مثال: مربی آن اهمیت یکسان دفاع و حمله را تأکید کرد.
Underload	وضعیتی که در آن بازیکنان یک تیم به تعداد کافی در یک منطقه زمین حضور نداشته باشند
Underneath	۱- زیر، زیرین ۲- منطقه زیر حلقه
Underneath shot	پرتاب توپ از زیر حلقه
Under one's nose	نزدیک
Under post	موقعیتی پائین تر از موقعیت بازیکن ستر (بین ستر و حلقه)
Underrated	دست کم گرفته، ناچیز شمردن، چیزی را کمتر از قیمت واقعی نرخ گذاشتن
Underscore	تأکید کردن؛ مثال: مربی آن اهمیت یکسان دفع و حمله را تأکید کرد
Undersized team	تیمی با بازیکنان کوتاه قد
Understand	پی بردن، فهمیدن، درک کردن
Understandable	قابل فهم، قابل درک، واضح، روشن؛ مثال: حرکت های یک بازیکن باید همیشه برای کل تیم قابل درک باشد
Understanding	درک، فهم؛ فهم دو طرف یک ویژگی اساسی برای یک تیم خوب است
Understand time	نسبت به زمان حس داشتن
Understudy	ذخیره، جانشین
Under – the – arm shot	پرتاب توپ بمطرف حلقه از زیر دستان مدافع حریف
Under- the – basket area	فضای نزدیک به حلقه
Under – the – basket shot	پرتاب توپ از زیر حلقه
Under the table	غیر قانونی (مربوط به پرداخت غیر قانونی) رشوه، زیرمیزی
Unduly	۱- بیش از اندازه، مفرط ۲- غیر منصفانه، ناعادلانه
Unemotional	آرام، خونسرد، بدون هیجان؛ مثال: هر تیم بسکتبال حداقل یک پرتاب کننده خونسرد نیاز دارد.
Unfortunate	بداقبال، بدشانس، ناخوشایند
Unfortunate happening	حادثه یا سانحه بدگوار و ناخوشایند
Unfreeze	آب شدن یخ (و غیره)
Unglamorous	۱- ناگوار، ناخوشایند، نادرست ۲- توصیف بازی خشن ۳- توصیف بازی بد یا منفعل
Ungodly	نفرت انگیز، نامعقول
Unguarded	آزاد، باز، بدون دفاع
Unguarded player	بازیکن آزاد یا بدون مدافع
Unhesitatingly	بدون درنگ



Unhindered	بدون ایجاد مانع از طرف حریفان، آزاد؛ مثال: یک شوت بدون دفاع
Uniform	لباس متحدالشکل، لباس ورزشی
Unintentional	اتفاقی، غیر عمدی
Unit	۱- یک گروه از بازیکنان که حرکات ویژه‌ای را اجرا می‌کنند، یا بازیکنانی که تیم خوبی را شکل می‌دهند. ۲- تیم
United states basketball writers association ( USBWA)	سازمان نویسندگان یا روزنامه نگارن آماتور بسکتبال ایالات متحده ، این سازمان در سال ۱۹۵۶ و با ۸۰۰ عضو برای عملکرد سطح بالای تشکیل شده
Unity	۱- وحدت، یگانگی ۲- تفاهم دوطرفه؛ مثال: آنها برای ایجاد وحدت تیمی دچار مشکل شده‌اند
Unknown	ناشناس، نامعلوم، گمنام
Unknown assassin	بازیکن بسیار خشن
Unmanageable	مهار نشدنی، نافرمان، سرکش، غیر قابل کنترل؛ مثال: برخی تماشاگران غیر قابل کنترل هستند و نباید به آنها اجازه داد تا وارد استادیوم شوند
Unnatural	غیر طبیعی، مصنوعی، غیر عادی؛ مثال: حرکاتش غیر طبیعی است
Unnecessary	بدون نیاز، غیر ضروری
Unopposed	بدون رقیب، آزاد، بدون دفاع
Unopposed basket	شوت بهطرف حلقه بدون هیچ گونه ممانعتی از طرف حریف
Unopposed shot	شوت بهطرف حلقه بدون هیچ گونه ممانعتی از طرف حریف
Unorthodox	نامتعارف
Unorthodox shot	شوت نامتعارف
Unripe	بی تجربه، ناشی
Unsportsmanlike	غیر ورزشکارانه یا مغایر با روحیه ورزشکاری
Unsportsmanlike behavior	رفتارهای غیر ورزشکارانه
Unsportsmanlike conduct	رفتار غیر ورزشکارانه یک بازیکن که برای او بدنامی به همراه دارد
Unsportsmanlike foul	خطای غیر ورزشکارانه و عمدی بازیکن
Unstoppable	توقف‌ناپذیر
Unreachable	کسی که دستورات مربی را به خوبی فرامی‌گیرد.
Unwary	غافل، بی احتیاط، ناآگاه
Up	۱- بالا، به سوی بالا ۲- بالاتر، بلندتر
Up and a bout	فعال
Up and back	جلو و عقب
Up and down	۱- بالا و پایین پریدن ۲- جلو و عقب ۳- در طول عرض زمین بازی حرکت کردن
Up and down screens	ایجاد سد (اسکرین) در سر تا سر عرض زمین لژی
Up – and – under fake	وانمود کردن به شوت جفت و در پی آن به طرف موقعیت آزاد زیر حلقه جهت شوت رفتن

Up – and – under move	وانمود کردن به شوت جفت و در پی آن نفوذ به طرف موقعیت آزاد زیر حلقه جهت شوت کردن
Up – and – under pivot shot	وانمود به شوت جفت کؤدن و بعد از به وجود آمدن موقعیت آزاد از زیر حلقه اقدام به شوت توأم با چرخش کردن
Up – and – under shot	وانمود به جفت شوت کردن و بعد از به وجود آمدن موقعیت آزاد از زیر حلقه اقدام به شوت کردن
Upcourt(Am.) = Up-court(Eng.)	۱- نیمه زمین حریف ۲- در جهت حلقه حریف
Up – down – up drill	پریدن جهت گرفتن توپ ریاند ، فرود آمدن با آن و شوت سه گام کردن
Up fake	وانمود به شوت جفت که باعث برانگیختن مدافع تیم حریف شده و بعد از فرود آمدن مدافع بلافاصله شوت مناسب را انجام دهد
Upper	بالا تر، بلندتر، بالایی، فوقانی
Upper arm	قسمتی از دست (از شانه تا آرنج)، بازو
Upper body	قسمتی از بدن از کمر به بالا
Up – right (sl .) = Upright(Am. Eng)	۱- عمودی ۲- تیرک عمودی ساختمان تخته و حلقه بسکتبال
Up – screen	ایجاد سد (اسکرین) بین دفاع و فوروارد
Upset	۱- واژگون شدن، واژگونی ۲- شکست دادن، شکست ۳- آشفته ساختن، مزاحم شدن ۴- نگران شدن ۵- دخالت کردن
Upstairs	سر، بالا
Up – tempo	شتاباندن، تسریع کردن، تند کردن، شتاب دادن
Up – tempo basketball	بسکتبال سریع
Up the creek	۱- در وضعیت دشوار ۲- نزدیک شدن به شکست
Up the mark ( also: the high-water mark)	کامل، استاندارد
Up – the – sideline pass	پاسی که در امتداد خطوط کنار زمین داده می شود
Upward (=Upwards)	به سوی بالا، به سمت موقعیت بالا
Upward motion	پریدن به سمت حلقه جهت گرفتن توپ ریاند
USA Basketball	هیئت حاکمه ملی بسکتبال مردان و زنان ایالات متحده آمریکا؛ از سال ۱۹۷۴ با نام ABA ایالات متحده آمریکا و از سال ۱۹۸۹ تحت همین نام و طبق قانون اساسی در ۱۸ اکتبر سال ۱۹۹۱ بدنلله اصلاحیه به همه بازیکنان حرفه ای و آماتور اجازه می داد تا بدون هیچ گونه تفاوتی در رقابت های ملی و بین المللی شرکت کنند. بسکتبال ایالات متحده اتحادیه ای است که سه زیر مجموعه دارد؛ فعال، وابسته و الحاقی؛ اعضای فعال فعلی شامل : اتحادیه ورزشکاران آماتور (AAU)، اتحادیه بسکتبال قاره ای (CBA)، موسسه ملی مربیان بسکتبال (NABC)، اتحادیه ملی ورزشکاران بین دانشکده ای (NAIA)، اتحادیه بسکتبال ملی (NBA)، اتحادیه ورزش ملی بین

	<p>دانشکده ای (NCAA)، فدراسیون ملی موسسات دبیرستان های ایالات متحده (NFHS)، اتحادیه ورزش ملی سال دوم و سوم دانشکده (NJCAA)، اتحادیه ملی بسکتبال با ویلچر (NWBA)، نیروهای مسلح ایالات متحده (USAF)، اتحادیه مربیان بسکتبال زنان (WBCA) و لیگ جهانی بسکتبال (WBL) بسکتبال ایالات متحده تحت نظارت هیئت مدیران است که حق انتخاب اعضای الحاقی و وابسته را دارند.</p>
Use	<p>۱- استخدام، استخدام کردن، بکار گرفتن ۲- به کار گرفتن، بکار بردن ۳- تمرین کردن، تمرین مداوم ۴- به شیوه ویژه ای عمل کردن ۵- مرسوم بودن، عادت شدن</p>
Use a player	<p>بکار گرفتن از تمامی توانایی های یک بازیکن</p>
Used the dribble	<p>دریبل متوقف شده (که به واسطه آن بازیکن را متوقف می کند به طوری که او فقط می تواند پاس بدهد یا شوت بزند و اجازه دوباره دریبل کردن را از او می گیرد)</p>
Used up	<p>به طور کامل مصرف شده، بسیار خسته شده</p>
Use hands	<p>بکارگیری دست ها (برای جلوگیری از پاس یا پرتاب های حریف با استفاده از حرکات ساعد و دست ها)</p>
Use hands illegally	<p>به کارگیری دست ها بر خلاف مقررات بازی</p>
Use language	<p>الفاظ رکیک به کار بردن</p>
Use the glass	<p>با استفاده از تخته، توپ را به داخل حلقه انداختن، تخته کش</p>
Use the screen	<p>استفاده کردن از ایجاد سد مطابق با واکنش حریف</p>
Use up	<p>به طور کامل خسته کردن، فرسودن</p>
Utes	<p>(نام مردم ایالت یوتا) نام تیم بسکتبال دانشگاه یوتا در شهر سلت لیک (یوتا) که در کنفرانس آتلانتیک غربی بازی می کند</p>
Utility man	<p>بازیکنی که در چند پست می تواند بازی کند</p>
Utilize	<p>استفاده کردن از، مورد استفاده قرار دادن، منفعت کسب کردن؛ مثال : اتاق آخر راهرو حالا به عنوان اتاق وزن کشی استفاده می شود.</p>
Utilization	<p>کاربرد عملی، بهره برداری</p>
Utter profanities	<p>سوغند خوردن، نفرین کردن، به کار بردن الفاظ رکیک؛ مثال : بازیکن برای اینکه از الفاظ رکیک استفاده کرد از نظر فنی جریمه شد.</p>

VVVVVVVVVVVVVVVVV	
V	برش بمطرف توپ با یک چرخش به شکل V انگلیسی
Vacate	خالی کردن، ترک کردن یک مکان یا موقعیت
Vacate the spot	خالی کردن یا ترک کردن یک مکانی در زمین بازی
Valentine	نامه رسمی به دانشجوی دانشگاه یا دانشکده و هشدار به او مبنی بر اینکه به دلیل نتایج ضعیف علمی از دانشکده اخراج خواهد شد
Value	ارزش، بها
Valve	دریچه، شیر فلکه، بندآور
Vandals	نام مستعار تیم بسکتبال دانشگاه آیداهو در مسکو، که در کنفرانس بیگ اسکای بازی می کند
Variable	تغییرپذیر، متغیر، بی قرار، بی ثبات
Variation	نوسان، متناوب، پراکندگی متغیر، تغییر، شاخه
Variety of movement	تنوع در حرکت
Variety of shots	تنوع در شوت ها
Various	گوناگون، مختلف، چندتا، چندین، جورواجو
Varsity	۱- تیم اصلی (باشگاهی یا دانشگاهی) ۲- تیم اول دانشگاه یا دانشکده، دانشگاهی
Varsity man (- woman)	دانشجوی دانشگاه یا دانشکده
Varsity squad	تیم نماینده دانشگاه یا دانشکده
Varsity team	تیم نماینده دانشگاه یا دانشکده
Varsity tutor	مربی بسکتبال دانشگاه یا دانشکده
Vary	متفاوت بودن، نوسان داشتن، تغییر کردن
V- cut	برش به شکل V؛ حرکتی است که لاینکن حمله کننده برای فرار از مدافع و دریافت پاس انجام می دهد، در این حرکت بازیکن حمله کننده چند قدم بمطرف حلقه دویده، سپس ناگهان مسیر خود را تغییر داده و بمطرف هم تیمی مالک توپ می دود. مسیری را که این بازیکن طی می کند به شکل V بوده و به همین دلیل به این نام شهرت یافته است.
Veer	تغییر جهت دادن، برگشتن، عوض کردن مسیر
Velocity	سرعت، تند، شتاب
Velvet	آسان
Verbal	زبانی، شفاهی، لفظی
Verbal call	علامت دادن به هم تیمی بصورت شفاهی
Verbal signal	علامت کلامی
Verdict	امتیاز نهایی
Versatile	چند پهلو، متغیر، همه فن حریف

Versed	با تجربه، خبره
Version	مدل، روش، شرح ویژه، ترجمه، تفسیر، نسخه، متن
Vertical	۱- عمودی، راست ۲- در طول یا سرتاسر زمین بازی
Vertical and horizontal screens	ایجاد سد در طول و عرض زمین بازی
Vertical block	ایجاد سد (اسکرین) توسط بازیکن در طول زمین بازی
Vertical cut	حرکت طولی بازیکن در زمین (حرکت مستقیم و طولی به سمت سبد بعد از دادن پاس) برش طولی و مستقیم
Vertical formation	آرایش بازیکنان در امتداد طول زمین بازی هنگام پرتاب توپ از پشت خط طولی به داخل زمین
Vertical jump	پرش یا خیز بلند
Vertical pass	پاس بلند عمودی یا در طول زمین بازی
Vertical slide	عمل سُر خوردن در امتداد طول زمین بازی، عمل سُر خوردن در امتداد منطقه کلید، عمل سُر خوردن به طرف حلقه
Vertical speed	دویدن سریع در امتداد طول زمین بازی
Vertical quickness	دویدن سریع در امتداد طول زمین بازی
Vertical vision	قوه یا درک مشاهده در سرتاسر زمین
Vest (eq .Am.)-Waistcoat (Eng.)	جلیقه
Vet	۱- فارغ التحصیل، دانش آموخته ۲- بازیکن با تجربه حرفه ای ۳- بازیکن کار کشته و ماهر
V- formation	آرایش به شکل V در هنگام پرتاب توپ از خارج زمین به داخل آن
Vicious	شیطانی، بدکار، شریر، تباهاکار، فاسد، بدطینت، نادرست
Victor	برنده، فاتح، پیروز
Victory	پیروزی، موفقیت
View of the game	تصویر بازی
Vigor (Am.) = Vigour (Eng.)	قدرت، توان، نیرو، انرژی
Vigorous	نیرومند، مقتدر، قدرتمند
“ V “ not an “ L “	طرز قرار گیری انگشت سبابه و انگشت شست در زمانی که توپ رها شده باشد
Violation	نقض قوانین بازی
Violence	خشونت؛ مثال: اف آی بی ای به شدت با خشونت در بازی بسکتبال مخالف است
Violent contact	برخورد شدید و وحشیانه
Violets	نام مستعار تیم بسکتبال دانشگاه نیویورک
Virtue	مزیت، تقوا، عفت، پرهیزکاری
Visible	آشکار، مشهود، مرئی؛ مثال: توپ باید همیشه برای بازیکنان قابل رؤیت و قابل دید باشد

Visible goal	هدف در دید حلقه یا سبد در میدان دید
Vision	۱- دید، بینایی ۲- توانایی درک شرایط در زمین بازی
Vision deterrents	موانع دید یا موانع تشخیص درک شرایط زمین بازی
Field of vision	میدان دید، میدان بینایی
Keep the ball within your vision at all times	باید همیشه توپ در میدان دیدتان باشد
Obstruct the vision	جلوی دید کسی را گرفتن
Perceptual vision	درک، قوه درک، بینایی، قوه مشاهده
Periphery vision	بینش و دید عمیق نسبت به کل زمین بازی
Vertical vision	بینش و دید عمیق نسبت به کل زمین بازی
Wide span vision	بینش و دید عمیق نسبت به کل زمین بازی
Within the vision	در میدان دید
Visiting team	تیم مهمان
Visitors day	روزی که تیم‌های میزبان شکست خورده‌اند
Visual	۱- دیدن، رؤیت کردن ۲- دیداری، بصری، چشمی
Visual clue	علامت بصری که درباره وضع بازی آگاهی می‌دهد
Visual field	میدان دید
Visualization	تجسم، تصور، تجسم فکری
Visual signal	علامت بصری یا دیداری
Vital	حیاتی، اساسی، واجب
Vital scoring area	موقعیت مهم برای پرتاب‌های هدفمند
Vocal	۱- صدا ۲- صوتی، آوایی
Vocal signal	علامت صوتی جهت آگاه کردن از خطر
Vocal warning	علامت صوتی به منظور آگاه کردن از خطر
Voice	واک، صدا، صوت، آوا
Voice signal	علامت کلامی
Volition	اراده، اختیار
Volley ball basketball	نقرین پاس‌ها با ضربه زدن به توپ با سر انگشتان (بدون گرفتن توپ)
Volunteers	نام مستعار تیم بسکتبال دانشگاه تنسی سیستم که در کنفرانس جنوب شرقی بازی می‌کند
Vulgar	عوامانه، عامیانه، پست، رکیک، مبتذل
Vulnerable	۱- حساس ۲- آسیب پذیر ۳- در معرض خطر یا حمله

WWWWWWWWWWWWWW W	
waist	دور کمر، کمر، میانه تنه
wake – up drills ( with or without ball )	تمرین های هیجان آور با توپ یا بدون توپ
walk	قدم زدن، گام برداشتن، راه رفتن
walkaway	پیروزی آسان و بدون دردسر
walk his player	رد شدن، گذاشتن، رد شدن از مدافع حریف
walking dribble	دریبل زدن در یک مکان با حرکت دادن توپ به جلو و عقب از بین پاها
walking papers (also:-ticket)	اخراج، برگه پایان خدمت
walkover	پیروزی آسان و بدون درد سر
walk Spanish	خلع شدن، برکنار شدن
walk through	تمرین بازی یک نقشه یا الگوی بازی ویا تغییر موقعیت های این الگو
walk your man into the screen	چسباندن یا نگه داشتن حریف مدافع در وضعیت ایجاد سد (اسکرین)
wall rebounding drill	گرفتن توپ بعد از برخورد و برگشت از دیوار
waltz around	هیاهو کردن، شلوغ کردن
ward off	حمایت کردن، دفاع کردن، محافظت کردن
warm – down	رها کردن، شل کردن، تمدد اعضای بدن بعد از تمرین یا مسابقه، سرد کردن بدن (مقابل گرم کردن)، تمرین سبک
warm the bench	نیمکت نشین، بازیکنی که بیشتر اوقات ذخیره است
warm – up	گرم کردن، بکارگیری تمرینات کششی جهت گرم کردن بدن قبل از تمرین یا مسابقه
warm – up drill	تمرین گرم کردن بدن بخصوص ماهیچه ها، رباط ها و زردپی ها قبل از بازی
warn	آگاه کردن، هشدار دادن (در موقع خطر)
warning signal	آگاه کردن هم تیمی در برابر خطر
warrant	تضمین کردن، اختیار دادن، قدرت دادن، ضمانت یا تعهد کردن
warrior	بازیکن پرتلاش در حمله
warriors	نام تیم بسکتبال دانشگاه مارکویت در میل واک (ویسکانسین) که در کنفرانس گریت میدوست بازی می کند
warty	شخص کوتاه قد
wary	محتاط، نامطمئن (برای مثال؛ فول یا خطا، بازیکنان را در دفاع محتاط می کند)
washed out	ضعف بدنی
washed up	۱- ضعف بدنی ۲- شکست خورده یا بازنده
wash hall	حمام، توالت
washout	۱- بدشانسی، عدم موفقیت ۲- بازیکن بسیار ضعیف ۳- شکست
wash up	به طور کامل خسته کردن، فرسودن

watch	۱- مراقبت کردن، توجه کردن، مشاهده کردن، پاییدن ۲- ساعت
water haul	کوشش بی ثمر
watch the pick	مراقب ایجاد سد (اسکرین) بودن
watch charm	بازیکن کوتاه قد
watch out	گوش به زنگ بودن، هوشیار بودن
wave	۱- موج، تکان دادن دست‌ها ۲- چرخاندن، تاب دادن، بالا و پایین کردن دست‌ها و حرکت آن به جلو و عقب
wave hands	بالا و پایین کردن دست‌ها و حرکت آن به جلو و عقب برای برهم زدن تعادل حریف مالک توپ یا دیگر بازیکنان حمله
wave of players	آرایش بازیکنان (در حرکت حمله، ضد حمله)
wayback	مدت‌ها قبل، مدتی پیش
weak	ضعیف، سست
weak hand	دست ضعیف (در بازی بسکتبال دستی که مهارت کمتری در انجام کار با توپ دارد)
weakness	ضعف، سستی
weak point	۱- بازیکن بد ۲- نقطه ضعف یک تیم یا بازیکن
weak side	۱- طرفی از زمین که توپ در آن جریان نداشته باشد، سمت ضعیف ۲- طرف دستی که مهارت کمتری دارد، طرف دست ضعیف.
weak side cutting	حرکت بطرف یا در طرف ضعیف زمین بازی (طرفی که توپ در آن جریان ندارد)
Weak side rebounding	دریافت توپ‌های ریباندی در قسمتی از زمین که توپ در آنجا جریان ندارد
weak sister	بازیکن ضعیف
weapon	اسلحه، عامل بازدارنده
wear down	خسته کردن (حریف)
weary	خسته، فرسوده
weave	۱- از هم گذاشتن، قطع کردن، از پشت سر هم گذاشتن، هم دیگر را قطع و از هم گذاشتن ۲- بافتن تور حلقه بسکتبال ۳- حرکت از یک سو به سوی دیگر ۴- دویدن از پشت سر و جلو هم تیمی‌ها (گذاشتن از پشت سر هم تیمی) ۵- طرح و برنامه ریزی حمله‌ای که با پاس کاری بین بازیکنانی که با دویدن از پشت سر هم تیمی و جا گذاشتن حریف به دنبال موقعیت مناسب شوت می‌باشند
weave movements	حرکات متقاطع، حرکات پیچشی، حرکات از هم گذاشتن دو بازیکن یا بیشتر
weave offense	حمله براساس حرکت سریع توپ با دست به دست کردن توپ با یکدیگر، با پاس‌های نزدیک به هم با برش بمطرف حلقه از پشت سر مدافعان حریف؛ پاس‌های سریع بین بازیکن‌هایی که هم دیگر را قطع و از هم عبور می‌کنند تا آرایش دفاعی حریف را جهت بوجود آوردن موقعیت شوت بهم بزنند
weave offenses	حمله پیچشی بر اساس حرکات متقاطع و گذاشتن از یکدیگر
box weave offense	حمله پیچشی یا متقاطع با چهار بازیکن در آرایش مربع
five man weave offense	حمله پیچشی یا متقاطع با پنج بازیکن



four – man weave	حمله پیچشی یا متقاطع با چهار لژیکن
get one for weave	بازی پیچشی که با پاس منجر به گل برای شوت خاتمه می‌یابد.
give – and – go weave	حمله پیچشی با استفاده از حرکات بده و برو
loose weave	حمله با حرکات متقاطع و از پشت سر هم گذاشتن دو بازیکن نزدیک به یکدیگر
overweave	به کارگیری فونونی بیش از تاکتیک‌های پیچشی
three – man weave	تمرین پیچشی سه بازیکن؛ بازیکنان در سه ردیف روی خط عرضی قرار می‌گیرند. بازیکنی که در ردیف میانی است توپ را به نزدیک‌ترین عضو تیم پاس داده و سپس به پشت دو بازیکن حرکت برش را انجام می‌دهد. این فرایند برای انجام شوت سه گام تا سبد ادامه می‌یابد و سازماندهی مجدد و "سرعت – پیچش – پاس" برای انجام سه گام در انتهای مخالف زمین ادامه می‌یابد.
tight weave	حمله با حرکات متقاطع و از پشت سر هم گذاشتن دو بازیکن نزدیک به یکدیگر
weed	فریب دادن، گول زدن
weeding out	حذف بازیکنان ضعیف و غیر ضروری از تیم
weekend conference series	برنامه بازی‌های لیگ در آخر هفته
weekend off	پایان هفته‌ای که در آن بازی‌های لیگ انجام نمی‌شود
weekly plan	برنامه تمرینات و مسابقات هفته
weekly schedule	برنامه تمرینات و مسابقات هفته
weigh	وزن کشی کردن
weight	۱- وزن ۲- وزنه‌ای که با آن تمرینات قدرتی صورت می‌گیرد
weighted ball	توپ سنگین که برای تمرین به کار می‌رود
weighted basketball	توپ سنگین که برای تمرین بسکتبال به کار می‌رود
weighted basketball drills	تمرین با توپ سنگین
weighted shoes	کفش‌های سنگین که برای تمرین پرش از آن استفاده می‌شود
weighted vest	جلیقه سنگین برای تمرینات پریدن و دویدن (به طور معمول وزن آن ۲۵ پوند حدود ۱۱.۲۵ کیلوگرم می‌باشد)
weighted vest program	مجموعه‌ای از تمرینات که با جلیقه‌های سنگین انجام می‌شود و توسط گری کالسن مربی بسکتبال دانشگاه نیومکزیکو ابداع شد؛ ۱- تمرین کششی به مدت ۱۰ دقیقه ۲- دفاع با حرکت سُر خوردن در تمام مسیرها به مدت ۱۰ دقیقه (با استراحت) ۳- بازی یک در مقابل یک بدون توپ ۴- ترکیبی از حرکت سُر خوردن، دویدن و سُر خوردن ۵- تمرین John Bunn ۶- پرش ایست و برگشت
weighted wristlets	دستبندهای سنگین برای تمرین
weight lifting	وزنه برداری، تمرین با وزنه
weight program	تمرین با وزنه و تجهیزات سنگین
weight room	محوطه ساختمانی که در آن تمرین همراه با وزنه ها و تجهیزات سنگین، صورت می‌گیرد، اطاق وزنه
weight training	تمرین با وزنه

well coached team	تیمی کفخوب آموزش دیده
well conditioned	در فرم بودن، آماده بودن
well done	آفرین، خوب انجام شده، خوب پخته
well officiated game	مسابقه‌ای که در آن داوران بهخوبی قضاوت کرده باشند
well upholstered	چاق
well worked game	مسابقه‌ای که در آن داوران بهخوبی قضاوت کرده باشند
wet	عرق کردن، عرق ریختن، تعریق
wethead	دانشجوی سال دوم دانشکده
whale	چیزهای مهم
whaling	بزرگ، عظیم
what's the setup	طرح یا نقشه بازی چیست؟
what's the diff?	اختلاف در چیست؟
Wheel and deal	حمله کردن با استفاده از دو چرخش ۱۸۰ درجه‌ای توأم با پرتاب توپ به طرف هم تیمی
Wheel and guard	دفاع کردن از چرخش حریف
Wheel and under ( shot )	حرکت ساتر که بعد از دو چرخش ۱۸۰ درجه‌ای بهطرف موقعیت باز زیر حلقه نفوذ می‌کند و از آنجا اقدام به شوت می‌نماید.
Wheelbarrow	حرکت فرقانی، یک بازیکن دو پای هم تیمی خود را از عقب می‌گیرد و بلند می‌کند و هم تیمی بر روی دو دست بهصورت کشیده بهطرف جلو حرکت می‌کند
Wheelchair	صندلی چرخدار، ویلچر
Wheelchair basketball	بسکتبال با ویلچر که توسط بازیکنان معلول انجام می‌شود
Wheel move	قسمتی از حمله چرخش
Wheels	پاها
Wheeze	اندیشه بکر
Whip into trim	تمرین کردن
Whipped	شکست
Whippie	بازنده
Whip the ball back	پاس دادن به عقب با یک دست
Whirl dribble	دریبل توأم با چرخش‌ها که تغییر مسیر را در پی دارد
Whirlpool	گرداب
Whirlwind mix	بازی سریع
Whistle tooter	داور
Whistle tweeter	داوری که مدام در سوت خود می‌دمد
White	صادق، وفادار
Whitewash	شکست دادن حریف به‌طور کامل
Whiz	کارشناس

Whizbang	بازی سریع
Whizzer	۱- بازیکن خوب ۲- پرتاب سریع توپ
Whole – part method	سیستم تمرین که با کل (طرح یا الگوی بازی) شروع می شود و سپس با تمرین جزء جزء آن دنبال می گردد
Whole – part – whole theory	ایده آموزشی که شروع تمرین (الگو یا نقشه بازی) را به صورت کلی و سپس به صورت جزء جزء و دوباره به صورت کلی پیشنهاد می کند
Whole show	بازیکن خوب
Whop	شکست دادن
Whoops and jingles	حالت عصبانی، ناآرامی
Whump	شکست دادن با اختلاف زیاد
Whyms	اعضای Y. M.C.A.
Wicket	محل فروش بلیط
Wide	گسترده، پهن، عریض، گشاد، پهناور
Wide apart	طرز ایستادن به صورتی که پاها از هم فاصله زیادی داشته باشند
Wide awake	هوشیار، گوش به زنگ، محتاط
Wide base	قدم باز، طرز ایستادن بصورت گشاد و عریض
Wide body spread	طرز ایستادن با دست ها و پاهای باز
Wide diamond	آرایش بمشکل لوزی باز در دفاع ترکیبی
Wide kick	طرز ایستادن با پاهای باز در هنگام ریباند
Wide kick of the legs	طرز ایستادن با پاهای باز قبل از پریدن، به منظور گرفتن توپ ریباند
Wide open	بازیکن آزاد برای اجرای حرکات
Wide – open game	بازی نزدیک از نظر امتیاز، بازی ای که در آن هر تیمی ممکن است برنده شود
Wide spread	پاهایی که به طور کامل از هم باز است
Wide – spread foot base	پاهایی که به طور کامل از هم باز است
Width	پهنا، عرض
Wild	۱- وحشی، خشن ۲- اجرای (پاس یا شوت) الکی
Wildcats	۱- نام تیم بسکتبال دانشگاه آریزونا در توسان (آریزونا) که در کنفرانس پسیفیک تن بازی می کند ۲- نام تیم بسکتبال دانشگاه ایالت کانزاس مانهاتن (کانزاس) ۳- نام تیم بسکتبال دانشگاه کنتاکی لکسینگتن (کنتاکی) که در کنفرانس جنوب شرقی بازی می کند ۴- نام تیم بسکتبال دانشگاه نورت وسترن در ایوانستون که در کنفرانس بیگتن بازی می کند ۵- نام تیم بسکتبال دانشگاه ویلانووا در ویلانوا (پنسیلوانیا) که در کنفرانس بیگ است بازی می کند ۶- نام تیم بسکتبال دانشگاه ایالت ویرجینیا که در کنفرانس بیگ اسکای بازی می کند.
Wildly partisan	تعصب و عقیده احساسی و نامعقول
Wild shot	شوت یا پرتاب الکی و بدون هدف
Will	اراده، خواست، نیت، میل، آرزو، خواهش، قصد

Willingness	رضایت، میل
Willpower	اراده قوی، عزم راسخ، نیروی اراده
win	بردن، پیروز شدن، برنده شدن
Win – at – all – costs philosophy	فلسفه پیروزی به هر قیمت
Win by a fluke	شانسی برنده شدن، بردن به طور تصادفی
Win copper	برنده
Wind	باد، قدرت تنفس کامل، نفخ، بادخورده کردن، در معرض بادگذاردن، از تنفس انداختن، خسته کردن یا شدن، از تنفس افتادن، پیچیدن، پیچ دادن، کوک کردن (ساعت و غیره)، انحاء، انحنا یافتن، حلقه زدن، چرخاندن
Winder	تمرین سخت
Windmill	خم شدن بجلو به طوری که با دست، پای مخالف را لمس کردن
Windmilling	حرکت دست‌ها
Wind sprint	دویدن کوتاه و سریع
Windup	پایان، انتها
Wind up	۱- حرکت تاب دادن دست‌ها ۲. بازی نهایی ۳- پایان یافتن
Windupper	آخرین نفر
Wing	۱- بازیکن منطقه بال ۲- دست و بازوی بازیکن
Wing area	قسمتی از کنار زمین بازی که بازیکن بال در آن بازی می‌کند، منطقه بال
Wing attack	حمله از منطقه بال زمین بازی، حمله از سر تا سر کنار زمین بازی
Wing cross	حرکت متقاطع دو بازیکن در دو طرف منطقه بال از منطقه کلید
Wing breakaway	برش کردن از منطقه بال زمین
Wing low cross	حرکت متقاطع دو بازیکن فورواردر در منطقه زیر حلقه
Wingman	بازیکن فورواردر یا بازیکن منطقه بال
Wing player	بازیکن فورواردر یا بازیکن منطقه بال
Wings	استخوان پهن کتف
Wing shot	پرتاب توپ به طرف حلقه از منطقه بال
Wing slide	۱- حرکت توأم با سر خوردن به عرض ۲- دفاع منطقه‌ای (۲-۱-۲) با تغییر دادن مکان با حرکات سر خوردن به عرض
Wingspan	طول دست‌ها به طرف جناحین که از سر انگشت‌ها اندازه گیری می‌شود
Wing stretcher	دست‌ها با بالا آوردن در سطح کتف از آرنج خم شده و به طرف عقب حرکت داده می‌شود
Wing – to – wing cross	حرکت متقاطع دو فورواردر
Wink	چشمک
Win- loss record	ثبت برد و باخت‌های تیم (که به طور معمول ارزش یک مربی را نشان می‌دهد)
Winner	تیم برنده، پیروز

Winning basket	پرتابی که برنده را تعیین می کند
Winning streak	نوار پیروزی ها
Winspot	پیروزی
Win the game	پیروز شدن در مسابقه، شکست دادن حریف
Wipe	پاک کردن، تمیز کردن؛ برای مثال تمیز کردن سطح زمینی که با عرق یا رطوبت بازیکن پوشیده شده است
Wipe off	رهایی از کمند مدافع حریف
Wise ( up )	تدریس کردن، آموزش دادن
Wise guy	کسی که نتایج بازی ها را پیش بینی می کند
With a bang	بازی کردن مطابق میل تماشاچیان
With a handful of thumbs	نا آزموده، خام دست
Withdraw	۱- عقب نشینی کردن ۲- پس زدن، رد کردن، سرباز زدن، عقب کشیدن
Withhold	جلوگیری کردن از، نگهداشتن، مهار کردن
Within	درون، داخل، توی
Within the vision	در میدان دید
Withstand	تاب آوردن، مقاومت کردن، تحمل کردن
Wolf pack	۱- نام تیم بسکتبال دانشگاه نوادارنو در رنو (نوادا) که در کنفرانس بیگ اسگای بازی می کند. ۲- نام تیم بسکتبال دانشگاه ایالت نورت کارولینا در رالیق (نورت کارولینا) که در کنفرانس آتلانتیک کاست بازی می کند
Wolverines	۱- نام اهالی ایالت میشیگان و همچنین با ( اسپارتانس) که بکار برده می شود به عنوان نام تیم دانشگاه ایالت میشیگان در است لسنینگ (میشیگان) که در کنفرانس بیگ تن بازی می کند. ۲- نام مردم یا افراد ایالت میشیگان و نام تیم ایالت میشیگان در آن آرپور (میشیگان) که در کنفرانس بیگ تن بازی می کند
Woman athlete	ورزشکار زن یا دختر
Women Basketball Coaches ASSOCIATION (WBSA)	اتحادیه مربیان بسکتبال زنان؛ عضو بسکتبال ایالت متحده آمریکا
Woman's basketball committee of united states	کمیته بسکتبال زنان ایالات متحده
Women s team	تیم زنان
Womp	حریف را به سختی شکست دادن
Wonder man	بازیکن برجسته و خوب
Wood	نیمکت تیم
Wooden floor	زمین بسکتبال که کف پوش آن از چوب ساخته شده باشد
Woozy game	بازی متوسط
Work	تمرین، تمرین کردن
Work a game	۱- در مسابقه شرکت کردن ۲- در مسابقه (به عنوان داور) شرکت داشتن
Work away	ایجاد موقعیت کردن دور از حلقه، ساختن موقعیتی مناسب دور از حلقه

Work for a deflection	تلاش برای زدن توپ حریف در مسیر پاس یا شوت
Work off	حذف کردن
Workout(Am) [(also: Work out;(sl) = Work-out ( Eng)]	تمرین، تمرین مسابقه
Workover	چوبکاری، سرزنش
Work the ball into the post	رساندن توپ یا حرکت دادن آن بهطرف بازیکن سنتر
Word basketball league	سازمان حرفه‌ای هفت باشگاه بسکتبال ایالت متحده آمریکا و کانادا که فقط بازیکنان قد بلند ( ۱۹۷.۲۷سانتیمتری) را جذب می کند. قوانین بازی این سازمان تقریباً شبیه مقررات FIBA می باشد.
World championship	رقابت‌های جهانی بسکتبال که بین بهترین تیم‌های کشورها هر چهار سال یک‌بار بین زمان بازی‌های المپیک توسط FIBA برگزار می‌شود
Worrier	مدیر، مربی
Worry	نگران کردن، ناراحت کردن
Wow getaway	شروع خوب
Wrap	با نداژ، بانداژ کردن، پیچیدن، پوشاندن
Wrap up	دفاع درگیرانه از حریف در موقعیت شوت با دستی کشیده در قسمت جلو و دست دیگر به پشت آن
Wrestler's stance	حالت دفاعی با پاهایی باز و موازی
Wrinkle	۱- چین و چروک، بازی ۲- ایده خوب، فوت و فن
Wrist	مچ، مچ دست
Wrist action	کار با مچ؛ در شوت، پاس و دریبل
Wrist and finger flick	حرکت چرخش توپ که با مچ و انگشتان اجرا شود
Wrist break	شکستگی استخوان مچ دست
Wristlet	دستبند، دستبند سنگین همراه با یک وزنه که در انجام تمرین از آن استفاده می‌شود
Wrist snap	حرکت ناگهانی دست از مچ، حرکت چرخش توپ که با مچ و انگشتان اجراء می‌شود
Wrong	خطا، اشتباه، ناصحیح
Wrong arm	دست چپ
Wrongarmed	بازیکن چپ دست
Wrong slant	روش و رفتار اشتباه، گرایش غلط

XXXXXXXXXXXXXXXXXXXX	
x- ing movement	حرکت متقاطع ( به شکل قیچی )
x – out	برای شروع تمرین از گوشه سمت راست منطقه کلید، از خط پرتاب آزاد توأم با دریل با دست راست به منظور شوت سه گام با دست راست آغاز می شود. سپس گرفتن توپ از حلقه و در پی آن دریل با دست راست، به طرف گوشه چپ منطقه کلید، سپس برگشت از آنجا به سمت حلقه توأم با دریل با استفاده از دست چپ و شوت سه گام با دست چپ، و به دنبال آن گرفتن توپ از حلقه و دریل با دست چپ به طرف گوشه راست منطقه کلید پایان می یابد و این تمرین مدام تکرار می شود.
x- ray	رادیوگرافی با اشعه، عکس برداری با اشعه ایکس
x- the post	بعد از اینکه بازیکنان سنتر ( نه در موقعیت پائین نه در موقعیت بالا ) نمی توانند توپ را به دست آورند، آنگاه با استفاده از حرکت متقاطع به سمت موقعیت های سانتر، در سمت دیگر منطقه کلید برش می کنند و در آنجا منتظر پاس منجر به گل می مانند.

YYYYYYYYYYYYYYYYYYYY	
Y	
Yan	بازیکن حرفه‌ای که جوان و کم تجربه است
Yank the game out of the fire	پیروز شدن بعد از اطمینان از شکست حریف
Year	۱- سال تحصیلی ۲- فصل مسابقات زمان بپای شده
Yearling	دانشجوی سال اول، مبتدی
Yell	۱- جیغ کشیدن، فریاد زدن ۲- تشویق کردن
Yellow	ترسو، بز دل، بز دلانه
Yellow jackets	نام تیم بسکتبال جورجیا اینست تکنالوژی در آتلانتا (جورجیا) که در کنفرانس آتلانتیک کاست بازی می کند
Yield	تسلیم شدن، رها کردن
You bet	یقین داشته باش، بدان
Youth	۱- جوان ۲- شخص جوان
Youth league	لیگ جوانان
Young women's Christian association ( YWCA)	مؤسسه بسکتبال زنان جوان که در سال ۱۸۵۵ تأسیس گردید.
Y – zone	دفاع منطقه‌ای در آرایش و چیدمانی که به شکل Y انگلیسی می باشد





zone structure	چیدمان و آرایش دفاع منطقه‌ای
zone the goal	به کفوگیری سیستم دفاع منطقه‌ای در محدوده زیر حلقه
add front zone	دفاع منطقه‌ای با یک مدافع در خط جلو
Box zone	چیدمان یا آرایش دفاع (۲-۲) به شکل مربع که در این حالت بازیکن پنجم دفاع یارگیری را اجرا می‌کند
Diamond zone	آرایش دفاع لوزی ۱-۲-۱ که بازیکن پنجم دفاع یارگیری را اجرا می‌کند (معمولا در برابر بازیکن شوتیست)
Expand the zone horizontally	بسط دادن دفاع منطقه‌ای از عرض زمین بازی
Expand the zone vertically	بسط دادن دفاع منطقه‌ای در طول زمین بازی
Fill any vacated spot in the zone	پر کردن هر موقعیت خالی در آرایش دفاع منطقه‌ای
Flow of the zone	مسیر حرکت در آرایش دفاع منطقه‌ای
Free lance zone offence , the wheel	حمله سریع و به موقع علیه دفاع منطقه‌ای با آرایش چرخ ش: در این حالت چهار بازیکن مهاجم اطراف منطقه دفاعی می‌چرخند و بازیکن پنجم به‌عنوان محور با پاس آنها را یاری می‌رساند
Front line of a zone	خط اول دفاع منطقه‌ای
Front – line zone, back – line man – to – man	دفاع ترکیبی با سیستم منطقه ای در خط اول دفاع و سیستم یارگیری در خط دوم
Full court zone trap	دفاع منطقه‌ای در کل زمین توأم با ایجاد تله برای بازیکن مالک توپ حریف (در آرایش 1-2-2 یا 1-1-2)
Funnel zone defense	الگوهای دفاع منطقه‌ای به شکل قیف
Gap zone attack	حمله علیه دفاع منطقه ای براساس ایجاد شکاف بین حیظه مسئولیت بازیکنان
Go a zone	تغییر دفاع به دفاع منطقه‌ای
Half court zone	دفاع منطقه‌ای در نیمه دفاعی زمین خودی
Have man behind the zone	قرار گرفتن یکی از بازیکنان حمله، پشت آرایش دفاع منطقه‌ای
Loose zone	دفاع منطقه ای سست و باز
Man – to – man zone	دفاع ترکیبی که متناسب با شرایط حمله الگوی دفاعی را تغییر می‌دهد
Match – up defense , zone origin	دفاع ترکیبی که با شرایط حمله تغییر می‌کند (این نوع دفاع با دفاع منطقه‌ای شروع شده و ناگهان با شرایط حمله به دفاع یارگیری تبدیل می‌گردد)
Match – up zone	جور کردن یارها در دفاع منطقه‌ای به گونه‌ای که به بهترین نتیجه بینجامد

Multiple zone defense	دفاع منطقه‌ای متنوع با چیدمان‌ها و حرکات متفاوت
Multiple zone offenses	الگوهای حمله علیه دفاع منطقه‌ای متنوع
Odd- front zone defense	دفاع منطقه‌ای با تعداد فرد بازیکنان، در خط اول
Offense against zone defense	حمله علیه تیمی که بازیکنان آن در منطقه‌ای از پیش تعیین شده در نیمه زمین خودی دفاع می‌کنند (حمله علیه دفاع منطقه‌ای که در مواقعی هم در کل زمین بازی بازی انجام می‌گیرد)
One – man zone defense	سیستم دفاعی که فقط یک بازیکن ، دفاع منطقه ای را اجرا می‌کند
One – three – one zone offense	حمله علیه دفاع منطقه‌ای با آرایش (۱-۳-۱)
One – two – one – one half – court zone press	دفاع منطقه‌ای (۱-۲-۱-۱) توأم با فشار در نیمه دفاعی زمین بازی
One – two – two zone defense	آرایش (۱-۲-۲) در دفاع منطقه‌ای؛ که در این وضعیت یک مدافع در منطقه زیر حلقه چهار بازیکن در مربع دفاعی (۲-۲) در جلو او قرار می‌گیرد.
Overload zone defense	حمله توأم با جمع شدن یا اشغال کردن یک سمت علیه دفاع منطقه‌ای
Penetrate a zone	وارد شدن یا نفوذ کردن به دفاع منطقه‌ای
Point zone	دفاع منطقه‌ای؛ دفاعی که بفرمان دفاع جاگیری معروف است . در این نوع دفاع هر بازیکن موظف است بجای مراقبت از بازیکن مشخصی از محل مخصوص و مشخصی مراقبت کند

